مجموعه اسناد حقوقی بین الملل

جلد یکم

حقوق بشر بین المللی

با شرح و تدوین

دکتر محمود مسائلی

مجموعه اسناد حقوقی بین‌المللی

جلد یکم

اسناد حقوق بشر بین‌المللی

با شرح و تدوین

دکتر محمود مسائلی

مجموعه اسناد حقوقی بین‌المللی

جلد یکم

اسناد حقوق بشر بین‌المللی با شرح و تدوین

دکتر محمود مسائلی

اندیشکده بین‌المللی نظریه های بدیل (با مقام مشورتی نزد شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد)

Alternative Perspectives and Global Concerns https://apgc.ca

شابک:

E-book: 978-1-7388283-6-4

تقدیم به پدر و مادرم که روح بلندشان هنوز الهام بخش مفهوم، معنی، و شیوه حیات شرافتمندانه است.

استادان، دانشجویان، و خوانندگان گرامی:

این مجموعه کتاب‌های (درسی) با اهداف انسان‌دوستانه و غیرانتفاعی و فقط از ناحیه ادای دین نسبت به میهن و مردم تهیه شده‌اند.

به‌عنوان حق مالکیت معنوی، تنها انتظار این نویسنده از خوانندگان این است که به اندازه توانایی خویش، و به هرطریقی که به مصلحت می‌دانند، به کودکان نیازمند یاری رسانند.

استفاده ازاین کتاب‌ها نیز با ذکر منبع آزاد است.

فهرست موضوعات

پیشگفتار

پیش‌گفتار

آنچه که امروزه به‌عنوان حقوق بشر در نزد همگان اشتهار یافته است به مجموعه قوانین و قواعدی اطلاق می‌شود که از درون یک جنبش روشنفکری از اوایل قرن هفدهم سرچشمه گرفت که می‌کوشید با روشنگری اذهان مردم آنها را به حقوقی که دارند آگاه ساخته، و درعین حال دولت‌های متصدی امور کشورها را نیز به احترام به حقوق شهروندان خود متعهد و ملزم نگهدارد. تاکید بر حق مردم مهمترین همه اهداف این جنبش بود که با عبور از مراحل نظریه پردازی فلسفی، در نهایت در ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸ به آستانه نهادین شدن حقوقی دست یافته و در ظهور اعلامیه جهانی حقوق بشر داعیه اصلی خود را به نمایش گذاشت. اعلامیه جهانی حقوق بشر، درحقیقت، از درون خاکسترهای جنگ جهانی دوم سر برگرفت تا بتواند مصیبت‌هایی که بر مردم ستم دیده وارد شده است را التیام بخشیده و بیش از این اجازه ندهد که نظام‌های استبدادی و تمامیت خواه با پنهان شدن در زیر حق حاکمیت ملی مردم خود را سرکوب کنند. این مرحله به لحاظ حقوقی نهادین با ابتکار اعضای سازمان تازه تاسیس ملل متحد آغاز شد و برای اولین بار در کل تاریخ بشر معیارهایی را برای حفاظت از حقوق همه مردم، و به دور از هم نوع تبعیضی، مقرر داشت. با در نظر داشتن این اهداف بلند مرتبه انسانی است که اعلامیه را نه فقط بعنوان سندی حقوقی، بلکه باید بعنوان راهنمایی اخلاقی برای جهانیان درنظر گرفت که به همه آحاد خانواده بشری فرمان می‌دهد تا در رفتارهای خود بگونه‌ای عمل کنند تا اذیت و آزاری (هتک حرمت) دیگران نشوند. حال هرگاه این دو ویژگی حقوقی و اخلاقی اعلامیه جهانی با یکدیگر هم نهاد شوند، این منبع الهام برای رفتارهای پسندیده انسانی برای همه فراهم می‌شود که به موجب آن قابلیت غیر قابل الزام حقوقی اعلامیه آنرا به الگویی اخلاقی تبدیل می‌سازد که گواه درستی و احترام به بشریت می‌باشد. به همین دلیل اعلامیه نه تنها منبع الهامی برای معاهدات و مقاوله‌نامه‌های الزام‌آور بعدی حقوق بشر بین‌المللی گردید، بلکه به سندی حقوقی تبدیل شد که از آن در تفسیر معاهدات و بویژه منشور ملل متحد استفاده می‌شود. درحقیقت، اعلامیه و اسناد حقوقی که برای حفاظت از حقوق انسان‌ها به دنبال آن بوجود آمدند، نقطه عطفی در تاریخ بشریت به حساب می‌آید که زبان مشترکی را برای همپرسگی پیرامون مفهوم حیات شرافتمندانه و عادلانه بوجود آورده است که عقلانیتی جمعی و براساس الگوی اجماعی همپوشی بر آن ناظر است. براساس این اجماع، هیچ فرهنگ، دیانت، و یا سیاست خاصی منحصر بر گفتمان حقوق بشر سلطه و برتری ندارد. حقوق بشر ذاتی هستند؛ یعنی با گوهر و ذات انسانیت همراه هستند.

اعلامیه جهانی و مقاوله‌نامه‌هایی که بعد از آن به تصویب مجمع عمومی ملل متحد رسیدند، حقوق اساسی و ذاتی مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را که همه انسان‌ها، در هر کجای جهان که زندگی می‌کنند، باید از آن برخوردار باشند، تعریف کرده و در قوانینی مشخص و معین آنها را تعریف

کردند. این مجموعه قوانین امروزه به‌عنوان «حقوق بشر بین‌المللی»[1] در نزد جهانیان اشتهار یافته و پذیرفته شده است.[2] قوانین حقوق بشر بین‌المللی در اصل بر پایه «منشور بین‌المللی حقوق بشر»[3] قرار گرفته، و سپس توسط اسناد حقوق بشری دیگری تکمیل شده است. منشور بین‌المللی حقوق بشر شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ میثاق حقوق مدنی و سیاسی؛ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ و سه پروتکل الحاقی به دو میثاق یاد شده می‌باشد. این وجود تفکیک، در ضمن پیوستگی که با یکدیگر دارند، برای درک صحیح آنچه به اصطلاح عام حقوق بشر نامیده می‌شود، شایان توجه می‌باشد.

در پیش زمینه ظهور قوانین حقوق بشر بین‌المللی تلاشهایی قابل مشاهده است که تلاش می‌کردند معیارهای رفتاری را تعریف و نهادین سازند که مردم را از آتش جنگ و ویرانی، ستمگری و تمامیت خواهی، و مرگ و ویرانی در امان نگه دارند. در این راستا نه تنها متفکران با حسن نیت و انسان دوست، بلکه جهان دیپلماتیک وقت نیز می‌کوشید شرایطی را در جهان نهادین سازد تا مانع از تکرار تاریخ سرکوب و ستمگری شود. آنچه که از درون اینگونه تلاش‌ها سر چشمه گرفت مجموعه قوانین و قواعدی بود که از حفاظت و حمایت از حقوق همه مردم، تا قوانینی برای حمایت از مادران و کودکان، و از حقوق اقتصادی و اجتماعی، تا حقوق محیط زیست، حق زیستن در صلح، و حق یافتن معانی انسانی در مفهوم حیات را در برگرفته است. تنوع و پیچیدگی گسترده اینگونه قوانین گواه این حقیقت است که عزم آن نموده است تا حقوق ذاتی مردم را در همه عرصه‌ها و ابعاد حیات مورد محافظت قرار داده، و از همه مهمتر کشورهای عضو جامعه بین‌المللی را نیز به احترام به این حقوق، اجرای آنها، و توسعه و ترویج کل قوانین حقوق بشری متعهد نگه دارد. به همین دلیل، حقوق بشر بین‌المللی تعهداتی را تعیین می‌کند که کشورها موظف به رعایت آنها هستند. با عضویت در معاهدات بین‌المللی، کشورها تعهدات و وظایفی را براساس قوانین بین‌المللی برای احترام، حمایت و اجرای حقوق بشر بر عهده می‌گیرند. الزام به احترام به این معناست که کشورها باید از مداخله یا محدود کردن برخورداری از حقوق بشر خودداری کنند. الزام به حمایت از کشورها می‌خواهد که از افراد و گروه‌ها در برابر نقض حقوق بشر حمایت کنند. تعهد به انجام به این معنی است که کشورها باید اقدامات مثبتی را برای تسهیل برخورداری از حقوق اولیه بشر انجام دهند.

علاوه براین، از طریق تصویب معاهدات بین‌المللی حقوق بشر، کشورها متعهد می‌شوند که تدابیر و قوانین داخلی را که با تعهدات و وظایف معاهداتی آنها سازگار باشد، وضع کنند. درحقیقت، یا اینگونه

---

[1] International Human Rights Law

[2] برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به مجموعه ۱۰ جلدی اندیشه‌های حقوق بشری از این نویسنده که نسخه مجازی آنها بطور رایگان به‌عنوان ادای دینی به میهن و مردم، در اختیار استادان، دانشجویان، و دیگر دانش پژوهان و علاقه‌مندان به حقوق بشر قرار دارد.

[3] International Bill of Human Rights.

تعهدات حقوق بشر بین‌المللی با قوانین ملی نوعی تعامل سازنده برقرار می‌کنند که نتیجه آن به معنی کاهش لبه تند و تیز حاکمیت و برقراری قواعد و رویه‌هایی برای ارتقای حق حاکمیت مردم می باشد. در این ارتباط، نهادهایی نیز برای نظارت در رفتار کشورها و اینکه آنها تا چه اندازه به تعهدات حقوق بشری خود عمل می‌کنند، بوجود آمده‌اند. در این ارتباط، در مواردی که رسیدگی‌های حقوقی داخلی در رسیدگی به نقض حقوق بشر ناکام باشد، آن نهادهای نظارتی صلاحیت ورود به حیطه دفاع از حقوق مردم را پیدا می‌کنند. امروزه سازوکارها و رویه‌های مربوط به شکایات یا ارتباطات فردی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی موجود است تا اطمینان حاصل شود که استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر واقعاً رعایت، اجرا و در سطح محلی اجرا می‌شوند.

همه این قوانین بین‌المللی حقوق بشر به یکدیگر وابسته، متقابلاً پیش برنده، و از یکدیگر غیرقابل تفکیک و جدایی ناپذیر هستند. بنابراین، نمی‌توان فقط نوع خاصی از حقوق بشر را که با سیاست‌ها و خط مشی‌های خاصی مناسب هستند در نظر گرفته و مابقی حقوق مسلم و ذاتی مردم را نادیده انگاشته و یا آنها را با تفاسیر نسبی گرایی هنجاری از نظر دور داشت. این وظیفه نه فقط بر عهده کشورها و دولت‌های متصدی امور آنهاست، مردم، سازمان‌ها، و نهادهای اجتماعی نیز می‌بایست در انجام وظیفه سه‌گانه احترام، اجرا، و ترویج حقوق بشر بکوشند. در حقیقت، مفهوم حق با وظیفه و تعهد برای احترام به حقوق بشر و تلاش برای اجرا و پیشبرد آنها همراه است و نمی‌توان هیچ نوع حقی را بدون مسئولیت در قبال آن نادیده انگاشت.

با همه اهمیتی که امروزه برای حقوق بشر باید در نظر گرفت، اغلب مشاهده می‌شود که استادان، دانشجویان، و پژوهشگرانی که برای تامین نیازها و کارهای تحقیقاتی خود به منابع اصیل حقوق بین‌الملل و حقوق بشر بین‌المللی نیاز دارند، برای آنها مجموعه مدون و سازمان یافته‌ای که بتواند این نیاز را تامین کرده و مرزهای پژوهش را توسعه بخشد، وجود ندارد. با احساس این نیاز، از مدتها پیش تصمیم گرفته شد اسناد حقوقی بین‌الملل، شامل حقوق بشر بین‌المللی، در مجموعه‌هایی تدوین شده و با شرح و توضیحاتی در اختیار استادان، دانشجویان، پژوهشگران، و دیگر علاقه‌مندان قرار گیرد. مجموعه حاضر به اسناد حقوق بشر بین‌المللی اختصاص یافته است. امید که ادای دینی نسبت به مقام انسانیت و میهن عزیزمان باشد.

دکتر محمود مسائلی

منشور ملل متحد

پیش زمینه‌های تدوین منشور ملل متحد

ریشه‌های شکل گیری منشور ملل متحد، که در واقع به منزله قانون اساسی جامعه بشری است، به سال‌های پیش از دو جنگ جهانی و بویژه تحولاتی که در خلال جنگ جهانی دوم اتفاق افتادند، باز می‌گردد. هرچند که این ریشه‌ها در امتداد آرزویی دیرپا برای رسیدن به جهانی عاری از جنگ و خونریزی توسعه داده شده بودند، شکل گیری جامعه ملل در سال ۱۹۲۰ را می‌توان به‌عنوان مرحله نوینی برای رسیدن به جهانی آرمانی صلح‌آمیز در نظر گرفت. جامعه ملل، که تا زمان شروع جنگ جهانی دوم به حیات خود ادامه داد، اولین نهاد بین-کشوری (بین-دولتی) بود که «به منظور ارتقای همکاری بین‌المللی و دستیابی به صلح و امنیت بین‌المللی»[۱] تأسیس شد. میثاق به‌عنوان سند تأسیسی جامعه ملل در جریان مذاکرات صلح در پایان جنگ جهانی اول تنظیم شده بود تا دوره جدیدی از همکاری‌های چندجانبه میان کشورها را تسهیل کند. میثاق کشورهای عضو جامعه ملل را موظف می‌ساخت تا برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات خود تلاش کنند. مهمتر از همه اینکه با پیوستن به جامعه ملل، کشورهای عضو متعهد بودند دیپلماسی مخفی را، که در سراسر قرون ۱۸ و ۱۹ موجبات جنگ‌ها و خونریزی‌هایی را فراهم آورده بود، کنار گذاشته و خود را به کاهش تسلیحات بر اساس قوانین بین‌المللی متعهد سازند. کشورهای عضو جامعه ملل خود را متعهد می‌دانستند تا به تمامیت ارضی و استقلال سیاسی یکدیگر احترام گذاشته و میان خود نوعی همبستگی براساس اصول همکارانه بوجود آورند. مهمترین دستاورد جامعه ملل، در آنزمان، ایجاد یک سیستم امنیت جمعی بود که براساس آن تجاوز به هر کشور عضو بعنوان تجاوز علیه سایر کشورهای عضو در نظر گرفته می‌شد.[۲]

هرچند که این سیستم امنیت دسته جمعی نوآوری شگرفی بود که به لحاظ نظری می‌توانست صلح و امنیت بین‌المللی را تضمین کند، اما سیاست‌های قدرت در شرایط پر تلاطم نیمه اول قرن بیستم همه امیدها را به ناکامی کشاند و جهان بار دیگر به کام جنگ ویرانگری کشانده شد. درحقیقت، میثاق جامعه ملل به دلیل تکیه بر اصل اتفاق آرا برای برخورد با ناقضان صلح و امنیت بین‌المللی، نتوانست

---

[۱] نگاه کنید به مقدمه میثاق جامعه ملل: «طرفین متعاهدین، به منظور ارتقای همکاری بین‌المللی و دستیابی به صلح بین‌المللی و امنیت؛ با پذیرش تعهدات مبنی بر عدم توسل به جنگ؛ با تجویز روابط باز، عادلانه و شرافتمندانه بین ملت‌ها؛ با استقرار محکم درک حقوق بین‌الملل به عنوان قانون رفتار واقعی در بین کشورها؛ و با حفظ عدالت و رعایت دقیق کلیه تعهدات معاهداتی در برخورد مردم با یکدیگر، با این میثاق توافق خود را اعلام می‌کنند».

[۲] ماده ۱۰ میثاق: «اعضای اتحادیه متعهد می‌شوند که تمامیت ارضی و استقلال سیاسی همه اعضای جامعه را در برابر تهاجم خارجی محترم شمرده و از آن حفاظ ت به‌عمل آورند. در صورت بروز چنین تجاوزی، یا در صورت هرگونه تهدید یا خطر چنین تجاوزی، شورا در مورد راه‌هایی که به وسیله آنها این تعهد انجام می‌شود، مشورت خواهد داد».

اهدافی را که در نظر داشت تامین کند.[1] همین ناکامی در موضوعات مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در گفتگوهای مربوط به تاسیس سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفت. البته اگرچه میثاق بر پیشگیری از درگیری و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات موفق نبود، در برخی از موارد مانند نقش جامعه در ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در زمینه مانند بهداشت، قاچاق مواد مخدر، حمل و نقل، آزادی ارتباطات و قاچاق انسان آنچنان مفید بود که با تاسیس سازمان ملل متحد، این موضوعات در نهادهای تخصصی، صندوق‌ها و برنامه‌های سازمان ملل متحد نقش برجسته‌ای پیدا کردند. سازمان ملل متحد و سند تاسیسی آن، یعنی منشور ملل متحد، از درون این پیش زمینه‌ها پا به عرصه ظهور گذاشتند.

هنگامی که شعله‌های سوزان و مهیب جنگ جهانی دوم برافرخته شده و نه تنها کشورهای اروپایی، بلکه خاورمیانه و افریقا را نیز به کام نابودی و جنایات جنگ تجاوزکارانه و جنایات جنگی آلمان نازی و متحدان آن کشیده بود، کشورهایی که به‌عنوان «متفق» نامیده شدند، در صدد برآمدند نظمی نوین براساس معیارهای هنجاری را برای دنیای پس از جنگ پایه ریزی کنند. مرحله آغازین رسمی ژوئن ۱۹۴۱ شروع شد و آن هنگامی بود که دولت‌های در تبعید در لندن این ابتکار بزرگ برای نظام بین‌المللی بعد از جنگ را آغاز کردند. اساس اعتقاد در این باور به پیروزی این بود که هرگاه ملت‌ها بتوانند با برپایی حکومت‌های دمکراتیک در کشور خود، آزادی و حق خود-مختاری برای تعیین سرنوشت خویش در درون جامعه سیاسی که در آن زندگی می‌کنند را تجربه کنند، دولت‌های متصدی آن کشور هرگز به جنگ افروزی تمایل پیدا نمی‌کنند. اینگونه دولت‌ها براساس اراده آزاد و انتخاب مردم شکل گرفته‌اند. بنابراین، حق حاکمیت ملی بر پایه و اساس حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش معنا و مفهوم پیدا می‌کند. با توجه به این آرمان‌های لیبرال بود که آنها ایمان به پیروزی بر علیه فاشیسم را همچنان مستدام نگه داشتند و اعلامیه‌ای را تدوین و انتشار دادند که در آن آرزوی رسیدن به جهانی عاری از خشونت تبلور یافته بود.

دولت‌های بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی، کانادا، استرالیا، نیوزیلند، آفریقای جنوبی، بلژیک، دولت موقت چکسلواکی، دولت‌های یونان، لوکزامبورگ، هلند، نروژ، لهستان و یوگسلاوی، و نمایندگان ژنرال دوگل، رهبر فرانسویان آزاد،

با هم در مبارزه با تجاوز مشارکت کرده، و مصمم شده‌اند

۱ . مبارزه با ظلم آلمانی‌ها یا ایتالیایی‌ها را تا پیروزی ادامه دهند، و متقابلاً در این مبارزه با حداکثر ظرفیت خود به یکدیگر کمک کنند.

---

[1] ماده ۵ میثاق: «به استثنای مواردی که به صراحت در این میثاق، یا در شرایط این معاهده مقرر شده است، تصمیم‌گیری در هر جلسه مجمع یا شورا مستلزم موافقت همه اعضای جامعه که در شورا نمایندگی دارند، می‌باشد».

۲. تا زمانی که مردمان آزاد با خشونت مجبور به تسلیم در برابر سلطه آلمان یا متحدانش شوند، یا در معرض تهدید به چنین اجباری زندگی کنند، صلح و آسایش ثابتی وجود نخواهد داشت.
۳. تنها مبنای واقعی صلح پایدار، همکاری مشتاقانه مردم آزاد در جهانی است که در آن، رهایی از خطر تجاوز انجام شده، و همه از امنیت اقتصادی و اجتماعی برخوردار باشند. قصد دول متحد شده این است که با هم و با دیگر مردم آزاد، هم در جنگ و هم در صلح برای این منظور همکاری کنند.[1]

این آرمان‌ها پایه‌های منشور ملل متحد را که در منشور آتلانتیک مصوب در ۱۴ آگوست ۱۹۴۱ تجلی یافت. رئیس جمهور ایالات متحده امریکا و نخست وزیر بریتانیا اصول مشترکی را تدوین کردند تا در سیاست‌های ملی کشورهای متبوع خود امید خود به آینده‌ای بهتر را تعیین کرده و برای شکل گیری نظام بین‌المللی آینده نیز مانند معیار و راهنمای عمل در نظر گرفته شود. در اعلامیه ۸ ماده‌ای را با عنوان «منشور آتلانتیک» انتشار دادند که مواد آن در شکل گیری منشور ملل متحد تاثیرگذار بودند:

اول، کشورهای آنها به دنبال بزرگ نمایی، اعم از ارضی یا غیر آن نیستند.

دوم، آنها به هیچ تغییر سرزمینی که با خواسته‌های آزادانه ابراز شده مردم آن مطابقت نداشته باشد، نیستند.

سوم، آنها به حق همه مردم در انتخاب شکل حکومتی که تحت آن زندگی خواهند کرد احترام می‌گذارند. آنها مایلند که حقوق حاکمیتی و حکومت مستقل کسانی که این حقوق با زور از آنها گرفته شده است، به آنها بازگردانند.

چهارم، آنها تلاش خواهند کرد، با احترام به تعهدات موجود، برخورداری همه کشورها، اعم از کوچک یا بزرگ، پیروز یا مغلوب، از دسترسی، در شرایط مساوی، به تجارت و مواد خام جهان که برای رونق اقتصادی آنان نیاز است را افزایش دهند.

پنجم، آنها خواهان ایجاد همکاری کامل میان همه کشورها در زمینه اقتصادی با هدف تضمین بهبود استانداردهای کار، پیشرفت اقتصادی، و امنیت اجتماعی برای همه هستند.

ششم، پس از نابودی نهایی استبداد نازی، آنها امیدوارند که صلحی برقرار شود که برای همه ملت‌ها وسایل زندگی امن در محدوده‌های خودشان را فراهم کند و این اطمینان را بدهد که همه انسان‌ها در هر جایی از جهان که زندگی کنند از ترس و نیاز رهایی یافته باشند.

هفتم، چنین صلحی باید همه مردم را قادر سازد تا در هم دریاهای آزاد و اقیانوس‌ها بدون هیچ مانعی تردد داشته باشند.

---

[1] St. James Agreement; June 12, 1941. The Avalon Project: Documents in Law, History and Diplomacy.

هشتم، آنها معتقدند که همه کشورهای جهان به دلایل واقع‌بینانه و معنوی باید از توسل به زور (برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی خود) دست بردارند. از آنجایی که در صورت ادامه استفاده از تسلیحات زمینی، دریایی یا هوایی توسط کشورهایی که خارج از مرزهای خود را تهدید می کنند یا ممکن است تهدید به تجاوز کنند، صلح در آینده برقرار نخواهد شد، آنها معتقدند که در انتظار ایجاد یک سیستم گسترده تر و دائمی امنیت عمومی، خلع سلاح چنین کشورهایی ضروری است. آنها به همین ترتیب به تمام اقدامات عملی دیگری که بار سنگین تسلیحات را برای مردم صلح دوست کاهش می‌دهد، کمک و تشویق خواهند کرد.[1]

در اول ژانویه ۱۹۴۲، بیست و شش کشور در حال جنگ با قدرت‌های محور، از جمله ایالات متحده، بریتانیا، چین و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (اتحاد جماهیر شوروی)، برنامه مشترک اهداف و اصول تجسم یافته در اقیانوس اطلس را پذیرفتند که در سندی که به نام «اعلامیه سازمان ملل متحد» تنظیم شده بود. در مقدمه اعلامیه تصریح شده بود که کشورهای متحد «متقاعد شده‌اند که پیروزی کامل بر دشمنانشان برای دفاع از زندگی، آزادی، استقلال و آزادی مذهبی، و حفظ حقوق بشر و عدالت در سرزمین خود و نیز در سرزمین های دیگر ضروری است، و آنها اکنون درگیر مبارزه با نیروهای وحشی که به دنبال تسلط بر جهان هستند، با یکدیگر متحد شده‌اند».[2] اعلامیه سازمان ملل اولین استفاده رسمی از اصطلاح «سازمان ملل متحد» بود که توسط رئیس جمهور ایالات متحده، فرانکلین دی روزولت، ابداع شد. سپس علاوه بر ۲۶ کشور متحد شده، ۲۱ کشور دیگر، شامل ایران، این اعلامیه را امضا کردند.

در سال ۱۹۴۳، کنفرانسی با شرکت وزیران خارجه ایالات متحده امریکا، بریتانیا، اتحاد جماهیر شوروی سابق، و چین در مسکو برگزار شد. در پایان کنفرانس، اعلامیه مشترک چهار کشوری به تصویب رسید. در بخش اول این اعلامیه مواردی رسما از سوی کشورهای شرکت کننده در اجلاس مسکو اعلام شد که ضرورت تأسیس یک سازمان بین‌المللی عمومی براساس اصل حاکمیت در آن مورد تاکید قرار گرفته بود.

۱. اقدامی یکپارچه برای تعقیب جنگ علیه دشمنان، و تعهد برای سازماندهی و حفظ صلح و امنی. (در دوران پس از جنگ).

۲. آنهایی که در جنگ با دشمن مشترک هستند، در تمام امور مربوط به تسلیم و خلع سلاح دشمن با یکدیگر متحد عمل می‌کنند.

۳. تمام اقدامات لازم برای مقابله با هرگونه نقض شروط تحمیل شده بر دشمن انجام می‌گیرد.

---

[1] Atlantic Charter. The Avalon Project: Documents in Law, History and Diplomacy.

[2] A Decade of American Foreign Policy 1941-1949. Declaration by the United Nations, January 1, 1942. The Avalon Project: Documents in Law, History and Diplomacy.

۴. ضرورت تأسیس یک سازمان بین‌المللی عمومی را که بر اساس اصل برابری حاکمیت همه دولت‌های صلح طلب استوار است. برای حفظ و نگهداری صلح و امنیت بین‌المللی، این سازمان بر روی همه کشورها، اعم از بزرگ و برای عضویت باز است.
۵. به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و برقراری مجدد نظم و قانون و آغاز به کار یک سیستم امنیت عمومی و به نسبت نیاز به منظور اقدام مشترک از طرف جامعه ملل، آنها با سایر اعضای سازمان ملل متحد مشورت و همکاری می‌کنند.
۶. پس از پایان مخاصمات، آنها نیروهای نظامی خود را در قلمرو کشورهای دیگر نگه نخواهد داشت، مگر برای اهداف پیش بینی شده در این اعلامیه و پس از مشورت بایکدیگر.
۷. آنها با یکدیگر و سایر اعضای سازمان ملل متحد برای ایجاد یک توافق عمومی عملی در رابطه با تنظیم تسلیحات در دوره پس از جنگ، مشورت و همکاری خواهند کرد.[1]
از ۲۸ نوامبر تا ۱ دسامبر ۱۹۴۳، روسای کشورهای امریکا، انگلستان، و اتحاد جماهیر شوری سابق در کنفرانسی در تهران ملاقات کردند. در اعلامیه‌ای که از سوی سه کشور متحد انتشار یافت که در آن بار دیگر سیاست مشترک سه کشور برای همکاری در زمان جنگ و همچنین صلح مورد تاکید قرار گرفت. «در مورد صلح، ما مطمئن هستیم که توافق ما به صلحی پایدار خواهد رسید. ما به طور کامل مسئولیت عالی را که بر عهده ما و همه سازمان ملل متحد است برای ایجاد صلحی که بر حسن نیت توده عظیم مردم جهان است و فاجعه و وحشت جنگ را برای نسل های زیادی از بین می‌برد، را می دانیم». در این اعلامیه همچنین تاکید شده بود که «ما با مشاوران دیپلماتیک خود مشکلات آینده را بررسی کرده‌ایم. ما خواهان همکاری و مشارکت فعال همه ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ خواهیم بود که مردم آنها در قلب و ذهنشان و مردم خودمان وقف محو ظلم و بردگی، ستم و عدم تساهل هستند. ما از آنها استقبال خواهیم کرد، همانطور که آنها ممکن است بخواهند وارد یک خانواده جهانی از ملل دموکراتیک شوند».[2]
از ۲۱ آگوست تا ۷ اکتبر ۱۹۴۴، نمایندگان ایالات متحده و بریتانیا به طور جداگانه با نمایندگان اتحاد جماهیر شوروی و چین در دامبارتون اوکس (در منطقه واشنگتن) ملاقات کردند تا گفتگوهای خود را برای ایجاد سازمانی بین‌المللی دنبال کنند. سند نهایی تهیه شده در کنفرانس به عنوان «پیشنهادهای ایجاد یک سازمان بین‌المللی عمومی»، شناخته شد. یک کمیته راهبری برای دستیابی به توافق در

---

[1] The Moscow Conference; October 1943 .October 1943. Joint Four-Nation Declaration. The Avalon Project: Documents in Law, History and Diplomacy.
The Tehran Conference, November 28 – December 1, 1943. The Avalon Project. Documents in Law, History, and Diplomacy.
[2] Tehran Conference, November 28 – December 1, 1943. The Avalon Project. Documents in Law, History, and Diplomacy.

مورد موضوعات اساسی اصلی و یک گروه تدوین مشترک متنی را که از چنین مذاکراتی در قالب یک معاهده به دست می‌آید، تهیه کرد. گفتگوها از ۴ تا ۱۱ فوریه ۱۹۴۵در نشست یالتا ادامه یافت و بر شکل گیری سازمان ملل متحد تاکید کرد. روسای کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس به تشکیل سازمانی جهانی تاکید کرده و تصمیم گرفتند فراخوانی برای «کنفرانس سازمان ملل متحد» در ۲۵ آوریل ۱۹۴۵ در ایالات متحده آمریکا، صادر کنند. در همین اجلاس بود که موضوع آنچه اصطلاحا حق وتو نامیده می‌شود، مورد توافق قرار گرفت: «تصمیمات شورای امنیت در مورد همه موضوعات باید با رای مثبت هفت عضو از جمله آرای موافق اعضای دائم اتخاذ شود. مشروط بر اینکه در تصمیمات مربوط به فصل هشتم بخش الف و بر اساس جمله دوم بند ۱ فصل هشتم بخش ج، طرف دعوا باید از رای دادن خودداری کند».[1]

در نهایت در کنفرانس سانفرانسیسکو (۲۵ آوریل تا ۲۶ ژوئن سال ۱۹۴۵) سند نهایی تشکیل سازمان ملل متحد، موسوم به منشور ملل متحد نهایی شد. در این کنفرانس ۸۵۰ نماینده از ۵۰ کشور حضور داشتند که ۲۶ نفر از آنها اعلامیه اصلی سازمان ملل را پیشتر در سال ۱۹۴۲امضا کرده بودند. این ۵۰ کشور که منشور ملل متحد را امضا کردند، شامل ایران به‌عنوان بنیانگذاران سازمان ملل متحد شناخته می‌شوند.

منشور ملل متحد در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ در سانفرانسیسکو در پایان کنفرانس ملل متحد درباره تشکیل یک سازمان بین‌المللی به امضاء رسید و در ۲۴ اکتبر همان سال لازم‌الاجرا گردید.

متن منشور ملل متحد

ما مردم ملل متحد،

با تصمیم به محفوظ داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ که دوبار در مدت یک عمر انسانی افراد بشر را دچار مصائب غیر قابل بیان نموده است،

و با اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق مرد و زن و همچنین بین ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ و ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت و احترام به الزامات ناشی از عهدنامه‌ها و سایر منابع حقوق بین‌المللی و کمک به پیشرفت اجتماعی و شرایط زندگی بهتر با آزادی بیشتر،

و برای نیل به این اهداف، به رفق و مدارا کردن و زیستن در حال صلح با یکدیگر با یک روحیه حسن همجواری و به متحد ساختن قوای خود برای حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی،

---

[1] The Yalta Conference, February 1945. The Avalon Project: Documents in Law, History, and Diplomacy.

و به قبول اصول و ایجاد روشهایی که عدم استفاده از نیروهای مسلح را جز در راه منافع مشترک تضمین نماید و به توسل به ابزارها و مجاری بین‌المللی برای پیشبرد ترقی اقتصادی و اجتماعی تمام ملل مصمم شده‌ایم که برای تحقق این مقاصد تشریک مساعی نماییم.

در نتیجه کشورهای متبوع که توسط کنندگان خود در شهر سانفرانسیسکو گرد آمده‌اند و اختیارات کامل آنان ابراز و صحت و اعتبار آن محرز شناخته شده است، نسبت به این منشور ملل متحد موافقت حاصل کرده‌اند و بدینوسیله یک سازمان بین‌المللی که ملل متحد نامیده می‌شود، تاسیس می‌کنند.

فصل اول

مقاصد و اصول

ماده ۱: مقاصد ملل متحد

۱- حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و بدین منظور به عمل آوردن اقدامات دسته جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و حل و فصل اختلافات بین‌المللی یا وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به نقض صلح گردد، با شیوه‌های مسالمت‌آمیز و برطبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل؛

۲- توسعه روابط دوستانه در بین ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و استقلال ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی؛

۳- حصول همکاری بین‌المللی در حل موضوعات بین‌المللی که دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، و یا بشر دوستی است و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان، یا مذهب؛

۴- ایجاد مرکزی برای هماهنگ کردن اقداماتی که ملل متحد برای حصول این اهداف مشترک معمول می‌دارد.

ماده ۲: سازمان و اعضای آن برای رسیدن مقاصد یادشده در ماده اول، بر طبق اصول زیر عمل خواهند کرد:

۱- سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضاء آن قرار دارد؛

۲- کلیه اعضا به منظور تضمین حقوق و مزایای ناشی از عضویت، تعهداتی را که به موجب این منشور بر عهده گرفته‌اند، با حسن نیت انجام خواهند داد؛

۳- کلیه اعضای سازمان اختلافات بین‌المللی خود را به شیوه‌های مسالمت‌آمیز و به طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت را به خطر نیاندازد، حل و فصل خواهند کرد؛

۴- کلیه اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد در تضاد باشد، خودداری خواهند نمود؛

۵- کلیه اعضا در هر اقدامی که سازمان برطبق این منشور به عمل آورد، به سازمان همه گونه مساعدت را خواهند کرد و از کمک به هر کشوری که سازمان ملل متحد علیه آن اقدام پیشگیرنده یا قهری به عمل می‌آورد، خودداری خواهند نمود؛

۶- سازمان مراقبت خواهد کرد کشورهایی که عضو ملل متحد نیستند تا آنجا که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است، بر طبق این اصول عمل کنند؛

۷- هیچیک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد در اموری که ذاتاً جزء صلاحیت داخلی هر کشوری است دخالت نماید و اعضا را نیز ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند. البته این اصل به اعمال اقدامات قهری پیش بینی شده در فصل هفتم لطمه وارد نخواهد آورد.

فصل دوم

عضویت

ماده ۳: اعضای ملل متحد

اعضای اصل ملل متحد کشورهایی هستند که در کنفرانس ملل متحد راجع به سازمان بین‌المللی در سانفرانسیسکو شرکت نموده یا پیشتر اعلامیه ملل متحد مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ را امضاء کرده و یا این منشور را امضا و بر طبق ماده ۱۱۰ تصویب کنند.

ماده ۴: شرایط عضویت

۱- سایر کشورهای صلح دوست که تعهدات مندرج در این منشور را بپذیرند و به نظر و تشخیص سازمان قادر و مایل به اجرای آن باشند می‌توانند به عضویت ملل متحد درآیند؛

۲- قبول هر کشوری که واجد شرایط مذکور باشد به عضویت ملل متحد منوط به تصمیمی است که مجمع عمومی بنابر توصیه شورای امنیت اتخاذ می‌نماید.

ماده ۵: تعلیق عضویت

هر عضو ملل متحد که از طرف شورای امنیت بر علیه آن اقدام احتیاطی یا قهری به عمل آمده است، ممکن است به وسیله مجمع عمومی و بنابر توصیه شورای امنیت از اعمال حقوق و مزایای عضویت معلق گردد. اعمال حقوق و مزایای مزبور ممکن است به وسیله شورای امنیت بار دیگر برقرار شود.

ماده ۶: اخراج کشور عضو

هر عضو ملل متحد که تخطی از اصول مندرج در این منشور را تکرار کند، ممکن است به وسیله مجمع عمومی و بنابر توصیه شورای امنیت از سازمان اخراج گردد.

فصل سوم

ارکان ملل متحد

ماده ۷

۱- ارکان اصلی ملل متحد عبارت است از: مجمع عمومی؛ شورای امنیت؛ شورای اقتصادی و اجتماعی؛ شورای قیمومیت؛ دادگاه بین‌المللی دادگستری و یک دبیرخانه.

۲- ارکان فرعی که ضروری هستند، ممکن است بر طبق این منشور تأسیس گردند.

ماده ۸

سازمان ملل متحد برای تصدی هر شغلی به هر عنوان تحت شرایط مساوی در ارکان اصلی و فرعی خود هیچگونه محدودیتی در استخدام مردان و زنان بر قرار نخواهد کرد.

فصل چهارم

ترکیب مجمع عمومی

ماده ۹: اعضای مجمع عمومی

۱- مجمع عمومی مرکب از کلیه اعضای ملل متحد خواهد بود.

۲- هر کشور عضو بیش از پنج شرکت کننده در مجمع عمومی نخواهد داشت.

ماده ۱۰: وظایف و اختیارات

مجمع عمومی می‌تواند هر موضوع یا امری را که در حدود این منشور یا مربوط به اختیارات و وظایف هر یک از ارکان مقرر در این منشور باشد، مورد بحث قرار دهد. البته بجز مورد مذکور در ماده ۱۲ ممکن است به اعضای سازمان ملل متحد یا به شورای امنیت یا به هر دو درباره هر یک از این موضوعات و یا امور توصیه‌هایی ارائه کند.

ماده ۱۱

۱- مجمع عمومی می‌تواند اصول کلی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی شامل اصول حاکم بر خلع سلاح و تنظیم تسلیحات را مورد رسیدگی قرار دهد و ممکن است در مورد اصول مذکور به اعضا، یا به شورای امنیت یا به هر دو توصیه‌هایی ارائه کند؛

۲- مجمع عمومی می‌تواند هر مسئله مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را که توسط هر یک از اعضا یا شورای امنیت یا بر طبق بند دوم از ماده ۳۵ توسط کشوری که عضو ملل متحد نیست بدان

رجوع شده باشد، مورد بحث قرار دهد و جز در مورد مقرر در ماده ۱۲ می‌تواند در مورد چنین موضوعاتی به کشور یا کشورهای مربوط یا به شورای امنیت یا به هردو توصیه‌هایی بنماید. هر موضوعی از این قبیل که اقدام در مورد آن ضروری باشد توسط مجمع عمومی قبل یا بعد از بحث به شورای امنیت ارجاع خواهد گردید؛

۳- مجمع عمومی می‌تواند توجه شورای امنیت را به شرایطی که محتمل است صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره اندازد جلب نماید؛

۴- اختیارات مجمع عمومی که در این ماده ذکر شده است حدود کلی مشمول ماده ۱۰ را محدود نخواهد کرد.

ماده ۱۲

۱- تا زمانیکه شورای امنیت در مورد هر اختلاف یا وضعیت، در حال انجام وظایفی است که در این منشور بدان محول شده است، مجمع عمومی در مورد آن اختلاف یا وضعیت هیچگونه توصیه‌ای نخواهد کرد، مگر اینکه شورای امنیت چنین درخواستی را داشته باشد؛

۲- دبیرکل ملل متحد با موافقت شورای امنیت، مجمع عمومی را در هر دوره اجلاس از امور مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که در شورای امنیت مطرح است، مطلع خواهد ساخت، و به همین نحو بلافاصله پس از ختم رسیدگی شورای امنیت نسبت به امور مربوطه، مراتب را به مجمع عمومی و در صورتیکه مجمع عمومی در حال اجلاس نباشد به اعضاء اطلاع خواهد داد.

ماده ۱۳

۱- مجمع عمومی نسبت به امور زیر انجام مطالعات و توصیه‌هایی را فراهم می‌کند:

الف: ترویج همکاری بین‌المللی در امور سیاسی و تشویق توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل و تدوین آن؛

ب: ترویج همکاری بین‌المللی در موضوعات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی و کمک به پیشبرد حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب.

۲- سایر مسئولیت‌ها: وظایف و اختیارات مجمع عمومی درخصوص امور مذکور در بخش (ب: از بند ۱ این ماده در فصول نهم و دهم بیان شده است.

ماده ۱۴

مجمع عمومی با رعایت مقررات ماده ۱۲ می‌تواند برای حل مسالمت‌آمیز هر وضعیتی که به نظر می‌رسد احتمالاً به رفاه عمومی یا به روابط دوستانه بین‌الملل لطمه زند، و منشاء آن هرچه باشد از جمله هر وضعیتی که ناشی از نقض مقاصد و اصول ملل متحد به شرح مذکور در این منشور است، اقداماتی را توصیه نماید.

ماده ۱۵

۱- مجمع عمومی گزارش‌های سالانه و گزارش‌های مخصوص شورای امنیت را دریافت کرده و مورد بررسی قرار می‌دهد. گزارش‌های مذکور شامل مشروح اقدامات و تصمیماتی خواهد بود که شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورده یا اتخاذ کرده است؛
۲- مجمع عمومی گزارش‌های سایر ارکان ملل متحد را دریافت می‌کند و مورد بررسی قرار می‌دهد.

ماده ۱۶

مجمع عمومی وظایفی را که تحت فصول ۱۲ و ۱۳ منشور بدان محول شده، منجمله تصویب مقاوله‌نامه‌های قیمومیت مناطقی را که به‌عنوان سوق‌الجیشی در نظر نگرفته شده‌اند، با توجه به نظام قیمومیت بین‌المللی انجام خواهد داد.

ماده ۱۷

۱. جمع عمومی بودجه سازمان را بررسی و تصویب خواهد کرد؛
مخارج سازمان برحسب سهمیه بندی مقرر از طرف مجمع عمومی بر عهده اعضا خواهد بود؛
۲- مجمع عمومی هرگونه ترتیبات مالی و بودجه‌ای را که به موسسات تخصصی منظور در ماده ۵۷ داده شود مورد بررسی و تصویب قرار خواهد داد و بودجه اداری موسسات مذکور را به منظور صدور توصیه به آنها بررسی خواهد نمود.

ماده ۱۸: رأی گیری

۱- هر عضو مجمع عمومی دارای یک رای خواهد بود؛
۲- تصمیمات مجمع عمومی در مورد موضوعات مهم با اکثریت دوسوم از اعضای حاضر و رأی دهنده اتخاذ خواهد شد. موارد زیر از موضوعات مهم محسوب می‌شود: توصیه‌های مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، انتخاب اعضای غیر دائم شورای امنیت، انتخاب اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی، انتخاب اعضای شورای قیمومیت، قبول اعضای جدید در سازمان ملل متحد، تعلیق حقوق و مزایای یک عضو، اخراج عضو، موضوعات راجع به اجرای نظام قیمومیت و موضوعات مربوط به بودجه.
۳- تصمیمات راجع به سایر امور شامل تعیین انواع موضوعات دیگری که اکثریت دوسوم باید در آنها رعایت شود، با اکثریت اعضاء حاضر و رای دهنده اتخاذ خواهد گردید.

ماده ۱۹

هر عضو ملل متحد که پرداخت سهمیه مالی آن به سازمان به تأخیر افتاده باشد در صورتیکه سهمیه عقب افتاده عضو مزبور معادل یا بیشتر از مبلغ سهمیه مربوط برای دو سال قبل به طور کامل باشد، در مجمع عمومی حق رأی نخواهد داشت. با اینحال، اگر مجمع عمومی تشخیص دهد که قصور در پرداخت ناشی از شرایطی است که از حیطه اختیار عضو مزبور خارج است، می‌تواند به چنین عضوی اجازه دهد که در رأی شرکت کند.

ماده ۲۰: آئین کار

مجمع عمومی اجلاس‌های منظم سالانه، و در صورت ضرورت، جلسات فوق‌العاده خواهد داشت. این جلسات به دعوت دبیرکل بنا به درخواست شورای امنیت، و یا اکثریت اعضای سازمان تشکیل می‌شود.

ماده ۲۱

مجمع عمومی آئین نامه داخلی خود را تنظیم می‌کند. مجمع مزبور برای هر دوره اجلاس رئیس خود را انتخاب می‌کند.

ماده ۲۲

مجمع عمومی برای اجرای وظایف خود می‌تواند ارکان فرعی را که ضروری تشخیص دهد تأسیس نماید.

فصل پنجم

ترکیب شورای امنیت

ماده ۲۳

۱- شورای امنیت مرکب از پانزده عضو سازمان ملل متحد است. جمهوری چین (جمهوری خلق چین کنونی)، فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (فدراسیون روسیه)، بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی، و ایالات متحده امریکا اعضای دائم شورای امنیت هستند. مجمع عمومی، ده عضو دیگر سازمان را با توجه به شرکت اعضای سازمان ملل متحد در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و سایر اهداف سازمان در درجه اول و همچنین با توجه به تقسیم عادلانه جغرافیایی به عنوان اعضای غیر دائم شورای امنیت انتخاب می‌کند.

۲- اعضای غیر دائم شورای امنیت برای یک دوره دوساله انتخاب می‌شوند. با اینحال، در نخستین انتخاب اعضای غیر دائم پس از افزایش تعداد اعضای شورای امنیت از یازده به پانزده، دو عضو از چهار عضو اضافه شده برای یک دوره یکساله انتخاب می‌شوند. عضوی که خارج می‌گردد بلافاصله قابل تجدید انتخاب نخواهد بود.

۳- هر عضو شورای امنیت یک نماینده در آن شورا خواهد داشت.

ماده ۲۴: وظایف و اختیارات

۱- به منظور تامین اقدام سریع و مؤثر از طرف ملل متحد، اعضای آن مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار نموده و موافقت می‌کنند که شورای امنیت در اجرای وظایفی که به موجب این مسئولیت بر عهده دارد از طرف آنها اقدام نماید.

۲- شورای امنیت در اجرای این وظایف بر طبق مقاصد و اصول ملل متحد عمل می‌کند. اختیارات مخصوصی که برای انجام وظایف مذکور به شورای امنیت واگذار گردیده در فصول۶ تا ۸، همچنین فصل ۱۲ بیان شده است.

۳- شورای امنیت گزارش‌های سالانه و در صورت اقتضا گزارش‌های مخصوص برای بررسی به مجمع عمومی تقدیم می‌دارد.
ماده ۲۵
اعضای ملل متحد موافقت می‌کنند که تصمیمات شورای امنیت را بر طبق این منشور پذیرفته و اجرا کنند.
ماده ۲۶
به منظور کمک به استقرار و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از طریق به کار بردن تدابیری جهت صرف حداقل منابع انسانی و اقتصادی جهان برای تسلیحات، شورای امنیت مکلف است با کمک کمیته ستاد نظامی مذکور در ماده ۴۷ طرح‌هایی برای وضع اصول تنظیم تسلیحات تهیه و به اعضاء ملل متحد تقدیم نماید.
ماده ۲۷
۱- هر عضو شورای امنیت دارای یک رای است.
۲- (موضوعات مربوط به شیوه کار) تصمیمات شورای امنیت راجع به موضوعات مربوط به آیین کار با رای نه (۹) عضو اتخاذ می‌شود.
۳- (موضوعات ماهوی یا اساسی - حق وتو) تصمیمات شورای امنیت راجع به سایر موضوعات با رای مثبت نه (۹) عضو که شامل آراء تمام اعضای دائم باشد اتخاذ می‌گردد. به این شرط که در مورد تصمیماتی که به موجب مندرجات فصل ششم و بند سوم از ماده ۵۲ اتخاذ می‌شود طرف دعوی از دادن رای خود داری نماید.
ماده ۲۸: آین کار
۱- شورای امنیت به نحوی تشکیل خواهد شد که بتواند بطور مستمر قادر به انجام وظایف خود باشد و بدین منظور هر یک از اعضای شورای امنیت همیشه در مقر سازمان حضور خواهد داشت.
۲- شورای امنیت جلساتی به فواصل معین خواهد داشت و هر یک از اعضای شورا در صورتیکه مایل باشد می‌تواند توسط یکی از اعضای کشور خود، که مخصوصاً بدین منظور تعیین گردیده است، در آن جلسات شرکت کند.
۳- شورای امنیت می‌تواند جلسات خود را در جاهایی غیر از مقر سازمان که برای تسهیل انجام وظایف خود مناسب بداند تشکیل دهد.
ماده ۲۹
شورای امنیت می‌تواند ارکان فرعی را که برای انجام وظایف خود لازم بداند. ایجاد کند.
ماده ۳۰
شورای امنیت آیین نامه داخلی خود مشتمل بر چگونگی ترتیب انتخاب شورا باشد، را تنظیم می‌کند.

ماده ۳۲

هر عضو ملل متحد که عضو شورای امنیت نیست می‌تواند بدون حق رای در مذاکرات مربوط به هر موضوعی که در شورای امنیت مطرح است در هر مورد که شورای امنیت موضوعات مزبور را در منافع آن عضو مخصوصاً مؤثر بداند شرکت کند.

ماده ۳۳

هر عضو ملل متحد که عضو شورای امنیت نیست یا هر کشوری که در ملل متحد عضویت ندارد هرگاه طرف اختلافی باشد که در شورای امنیت تحت رسیدگی است دعوت خواهد شد که بدون حق رای در مذاکرات مربوط به اختلاف مزبور شرکت نماید. شورای امنیت شرایطی را که برای شرکت کشوری که عضو ملل متحد عادلانه تشخیص می‌دهد، وضع خواهد نمود.

فصل ششم

حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات

ماده ۳۳

۱- طرفین هر اختلاف که ادامه آن متحمل است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد، باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره، میانجیگری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی، و رجوع به مؤسسات یا ترتیبات منطقه‌ای یا سایر روش‌های مسالمت‌آمیز بنابه انتخاب خود راه حل آن را جستجو کنند.

۲- شورای امنیت در صورت اقتضا از طرفین اختلاف خواهد خواست که اختلافات خود را با شیوه‌های مزبور حل و فصل کنند.

ماده ۳۴

شورای امنیت می‌تواند هر اختلاف یا وضعیتی که ممکن است منجر به یک برخورد بین‌المللی گردد یا اختلافی ایجاد نماید، را مورد رسیدگی قرار دهد. بدین منظور باید تعیین کند آیا محتمل است که ادامه اختلاف یا وضعیت مزبور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را در خطر قرار دهد

ماده ۳۵

۱- هر عضو ملل متحد می‌تواند توجه شورای امنیت یا مجمع عمومی را به هر اختلاف یا وضعیتی، آنگونه که در ماده ۳۴ بدان اشاره شده است، جلب نماید.

۲- هر کشوری که عضو ملل متحد نیست می‌تواند توجه شورای امنیت یا مجمع عمومی را به اختلافی که خود در آن درگیر است جلب نماید، مشروط بر اینکه در مورد اختلاف مزبور پیشتر تعهدات مربوط به حل و فصل مسالمت‌آمیز مقرر در این منشور را قبول کرده باشد.

۳- اقدامات مجمع عمومی در خصوص اموری که به موجب این ماده توجه مجمع بدان معطوف می‌گردد، تابع مقررات مواد ۱۱ و ۱۲ می‌باشد.

ماده ۳۶

۱- شورای امنیت می‌تواند در هر مرحله از اختلافی آنگونه که در ماده ۳۳ بدان اشاره شده است، یا در هر وضعیت شبیه به آن، روش‌های مناسب برای حل و فصل اختلاف را توصیه نماید.

۲- شورای امنیت ملزم است روش‌هایی را که طرفین دعوی خود قبلاً برای حل و فصل اختلاف قبول کرده‌اند، مورد توجه قرار دهد.

۳- شورای امنیت در توصیه‌هایی که به موجب این ماده می‌کند، باید همچنین در نظر داشته باشد که اختلافات حقوقی باید بطور کلی توسط طرفین دعوی بر طبق مقررات اساسنامه دادگاه بین‌المللی دادگستری به دادگاه مزبور رجوع گردد.

ماده ۳۷

۱- در صورتیکه طرفین اختلافی، آنگونه که در ماده ۳۳ بدان اشاره شده است، نتوانند اختلاف خود را به شیوه مورد نظر ماده مزبور حل و فصل کنند، باید آنرا به شورای امنیت ارجاع کنند.

۲- هرگاه شورای امنیت تشخیص دهد که ادامه یک اختلاف در واقع محتمل است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد، باید تصمیم بگیرد که بر طبق ماده ۳۶ اقدامات را آغاز کند یا شرایطی را که برای حل و فصل مناسب تشخیص می‌دهد، توصیه نماید.

ماده ۳۸

در صورتیکه کلیه طرفین هر اختلاف درخواست کنند، شورای امنیت می‌تواند به منظور حل مسالمت‌آمیز اختلاف مزبور به طرفین اختلاف توصیه‌هایی ارائه کند، بدون اینکه به مقررات مواد ۳۳ الی ۳۷ آسیبی وارد شود.

فصل هفتم

اقدام در موارد تهدید علیه صلح، نقض صلح، و اعمال تجاوز

ماده ۳۹

شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح و یا عمل تجاوز را احراز و توصیه‌هایی خواهد نمود، یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی برطبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید انجام شود.

ماده ۴۰

به منظور جلوگیری از وخامت وضعیت، شورای امنیت می‌تواند قبل از آنکه بر طبق ماده ۳۹ توصیه‌هایی ارائه کند، یا درباره اقداماتی که باید معمول گردد، از طرفین درگیر در اختلاف بخواهد اقدامات موقتی را که شورای امنیت ضروری یا مطلوب تشخیص می‌دهد، انجام دهند. اقدامات موقتی مذکور به حقوق

یا ادعاها یا موقعیت طرفین درگیر و اختلاف لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. شورای امنیت تخلف در اجرای اقدامات موقتی را چنانکه باید و شاید در نظر خواهد گرفت.

ماده ۴۱

شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات آن شورا مبادرت به چه اقداماتی که متضمن به کارگیری نیروی مسلح نباشد، لازم است و می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند. این اقدامات ممکن است شامل متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و دیگر ابزارهای ارتباطی و قطع روابط سیاسی باشد.

ماده ۴۲

در صورتیکه شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیشبینی شده در ماده ۴۱ کافی نخواهد بود، یا ثابت شده باشد که کافی نیست، می‌تواند به وسیله نیروهای هوایی، دریایی و یا زمینی به اقدامی که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است مبادرت کند. این اقدام ممکن است مشتمل بر تظاهرات و محاصره و سایر عملیات نیروهای هوایی، دریایی و یا زمینی اعضای ملل متحد باشد.

ماده ۴۳

۱- کلیه اعضای ملل متحد به منظور شرکت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی متعهد می‌شوند که نیروهای مسلح و تسهیلات منجمله حق عبور لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بنابه درخواست شورای امنیت و بر طبق موافقتنامه یا موافقتنامه‌های خاص در اختیار آن شورا قرار دهند.

۲- موافقتنامه یا موافقتنامه‌های مذکور تعداد و نوع نیروها، درجه آمادگی و قرارگاه عمومی آنها و ماهیت تسهیلات و کمک‌هایی که باید ارائه گردد، را تعیین می‌کند.

۳- مذاکرات مربوط به موافقتنامه یا موافقتنامه‌های مورد نظر به ابتکار شورای امنیت هرچه زودتر صورت خواهد گرفت. این موافقت‌نامه‌ها بین شورای امنیت و اعضا یا بین شورای امنیت و گروه‌هایی از اعضا منعقد خواهد گردید و کشورهای امضا کننده باید آن را بر طبق مقررات قوانین اساسی خود تصویب کنند.

ماده ۴۴

هرگاه شورای امنیت تصمیم به استفاده نیرو بگیرد، قبل از آنکه از عضوی که در شورا نماینده ندارد درخواست تدارک نیروهای مسلح برای انجام تعهدات متقابل به موجب ماده ۴۳ نماید، باید عضو مزبور را در صورت تمایل آن عضو به شرکت در تصمیمات شورای امنیت مربوط به استفاده از بخش‌هایی از نیروهای مسلح آن عضو دعوت کند.

ماده ۴۵

برای اینکه سازمان ملل متحد قادر به انجام اقدامات فوری نظامی باشد، اعضا باید بخشی از نیروی هوایی خود را که برای عملیات اجرایی دسته جمعی بین‌المللی باشد، با قید فوریت آماده نگهدارند.

مقدار و درجه آمادگی این نیروها و طرحهای عملیات دسته جمعی آنان در حدود مورد نظری که در موافقتنامه یا موافقتنامه‌های به آنها اشاره شده در ماده ۴۳ توسط شورای امنیت و با کمیته ستاد نظامی تعیین خواهد شد.

ماده ۴۶

طرحهای به کارگیری نیروی مسلح را شورای امنیت با کمک کمیته ستاد نظامی تنظیم می‌کند.

ماده ۴۷

۱- برای راهنمایی و کمک به شورای امنیت درباره کلیه موضوعات مربوط به نیازمندیهای نظامی، شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین برای به کارگیری و فرماندهی نیروهای نظامی که در اختیار شورا مقاوله‌نامهه شده است، و تنظیم تسلیحات و خلع سلاح احتمالی، یک کمیته ستاد نظامی تأسیس می‌شود.

۲- کمیته ستاد نظامی متشکل از روسای ستاد اعضای دائم شورای امنیت یا نمایندگان آنها خواهد بود. هرگاه حسن اجرای وظایف کمیته ستاد نظامی مشارکت عضوی از اعضای ملل متحد را که در کمیته نماینده دائم ندارد، را ایجاب نماید، آن عضو از طرف کمیته ستاد نظامی برای شرکت در کارها دعوت خواهد شد.

۳- کمیته ستاد نظامی تحت نظر شورای امنیت مسئول هدایت عملیات هر یک از نیروهای نظامی که در اختیار شورا قرار داده شده است، خواهد بود.

۴- موضوعات مربوط به فرماندهی اینگونه نیروها بعداً ترتیب داده خواهد شد.

۵- کمیته ستاد نظامی می‌تواند با اجازه شورای امنیت و پس از مشورت با سازمان‌های منطقه‌ای، کمیته‌های فرعی منطقه‌ای تأسیس کند.

ماده ۴۸

۱- برای اجرای تصمیمات شورای امنیت جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، همه یا بعضی از اعضای ملل متحد به تشخیص شورای امنیت اقدامات لازم معمول خواهند داشت.

۲- اعضای ملل متحد مستقیماً و به وسیله اقدامات خود در سازمان‌های بین‌المللی مربوطه که عضو آن هستند تصمیمات مذکور را اجرا خواهند کرد.

ماده ۴۹

اعضای ملل متحد در فراهم آوردن کمکهای متقابل به یکدیگر برای اجرای تصمیمات اتخاذ شده از طرف شورای امنیت تشریک مساعی خواهند کرد.

ماده ۵۰

هرگاه شورای امنیت اقدامات احتیاطی یا قهری علیه کشوری معمول دارد، هر کشور دیگر که خود را مواجه با مشکلات اقتصادی خاصی ناشی از اجرای آن اقدامات بیابد، اعم از اینکه عضو ملل متحد باشد یا نه، حق خواهد داشت در مورد حل آن مشکلات با شورای امنیت مشاوره داشته باشد.

ماده ۵۱

در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانیکه شورای امنیت اقدام لازم برا ی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچیک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی یا دسته جمعی، لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. آنها باید اقداماتی را که در اجرای حق دفاع از خود به عمل می‌آورند، فورا به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد، و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و در هر موقع که ضروری تشخیص دهد اقدام لازم به عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت.

فصل هشتم

ترتیبات منطقه‌ای

ماده ۵۲

۱- هیچیک از مقررات این منشور مانع وجود مقاوله‌نامه‌ها یا مؤسسات منطقه‌ای برای انجام امور مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که متناسب برای اقدامات منطقه‌ای باشد نیست، مشروط بر اینکه این‌گونه مقاوله‌نامه‌ها یا مؤسسات و فعالیت‌های آنها با مقاصد و اصول ملل متحد سازگار باشد.

۲- اعضای ملل متحد که چنین مقاوله‌نامه‌هایی را منعقد کرده یا چنین مؤسساتی را تأسیس می‌کنند، هرگونه کوششی را برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات محلی از طریق این مقاوله‌نامه‌ها یا مؤسسات منطقه‌ای، قبل از مراجعه به شورای امنیت به کار خواهند برد.

۳- شورای امنیت حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات محلی را از طریق چنین مقاوله‌نامه‌ها یا مؤسسات منطقه‌ای چه به ابتکار کشورهای ذینفع و چه با ارجاع از طرف شورای امنیت تشویق می‌نماید.

۴- این ماده به هیچ وجه لطمه‌ای به اجرای مواد ۳۴ و ۳۵ وارد نخواهد آورد.

ماده ۵۳

۱- شورای امنیت در موارد مقتضی از چنین مقاوله‌نامه‌ها یا مؤسسات منطقه‌ای برای عملیات اجرایی تحت اختیار خود استفاده خواهد کرد. ولی هیچگونه عملیات اجرایی به موجب مقاوله‌نامه‌های منطقه‌ای یا توسط مؤسسات منطقه‌ای بدون اجازه شورای امنیت صورت نخواهد گرفت. اقداماتی که در اجرای ماده ۱۰۷ یا به موجب مقاوله‌نامه‌های منطقه‌ای بر علیه هر کشور دشمن، به شرحی که در بند دوم این ماده تعریف شده است، یا بر علیه تجدید سیاست تجاوزکارانه از طرف چنین کشوری انجام می‌شود، تا

زمانیکه سازمان ملل متحد بنابر درخواست کشورهای ذینفع مسئولیت جلوگیری از تجاوز بیشتر چنین کشوری را به عهده گیرد، از این قاعده مستثنی است.

۲- عبارت (کشور دشمن) که در بند اول این ماده استفاده شده است، شامل هر کشوری می‌شود که در طی جنگ جهانی دوم دشمن هر یک از امضا کنندگان این منشور بوده است.

ماده ۵۴

فعالیت‌های که به موجب مقاوله‌نامه‌های منطقه‌ای یا به وسیله مؤسسات منطقه‌ای برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی انجام می‌گیرند یا مورد نظر هستند، باید در همه موارد به طور کامل به اطلاع شورای امنیت برسد.

فصل نهم

همکاری اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی

ماده ۵۵

با توجه به ضرورت ایجاد شرایط ثبات و رفاه برای تامین روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه بین‌الملل براساس احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل، سازمان ملل متحد امور زیر را تشویق خواهد کرد:

۱-بالا بردن سطح زندگی، فراهم ساختن کار برای حصول شرایط پیشرفت و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی؛

۲- حل موضوعات بین‌الملل اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و موضوعات مربوط به آنها و همکاری بین‌المللی فرهنگی و آموزشی؛

۳- احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و یا مذهب.

ماده ۵۶

کلیه اعضا متعهد می‌شوند که برای نیل به مقاصد مذکور در ماده ۵۵ در همکاری با سازمان ملل متحد اقدامات فردی یا دسته جمعی معمول دارند.

ماده ۵۷

۱- مؤسسات تخصصی مختلف که به موجب موافقتنامه بین کشورها تأسیس و بر طبق اساسنامه‌های خود در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و سایر موضوعات مرتبط دارای مسئولیت‌های وسیع بین‌المللی هستند، بر طبق مقررات ماده ۶۳ وابسته به سازمان ملل متحد خواهند بود.

۲- مؤسساتی که این‌گونه وابسته به ملل متحد می‌شوند، از این پس به عنوان مؤسسات تخصصی نامبرده می‌شوند.

ماده ۵۸

سازمان برای هماهنگ کردن برنامه‌ها و فعالیت‌های مؤسسات تخصصی توصیه‌هایی به عمل خواهد آورد.

ماده ۵۹

در صورت ضرورت، سازمان موجبات مذاکرات بین کشورهای ذینفع را برای ایجاد هرگونه مؤسسات تخصصی جدیدی که برای نیل به مقاصد مذکور در ماده ۵۵ ضروری باشد، فراهم می‌کند.

ماده ۶۰

مسئولیت اجرای وظایف سازمان که در این فصل مقرر است، بر عهده مجمع عمومی و تحت نظر مجمع عمومی به عهده شورای اقتصادی و اجتماعی است که بدین منظور دارای اختیاراتی به شرح مندرج در فصل دهم این منشور است.

فصل دهم

شورای اقتصادی و اجتماعی

ماده ۶۱

۱- شورای اقتصادی و اجتماعی مرکب از ۵۴ عضو ملل متحد خواهد بود که توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند.

۲- با رعایت مقررات بند سوم همه ساله هیجده (۱۸) عضو شورای اقتصادی و اجتماعی برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند. عضوی که خارج می‌گردد قابل انتخاب مجدد است.

۳- در نخستین انتخاب پس از افزایش اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی از ۲۷ به ۵۴ علاوه بر اعضایی که به جای ۹ عضوی که دوره خدمت آنها پایان یافته انتخاب می‌شوند، ۲۷ عضو جدید انتخاب خواهند شد. دوره خدمت ۹ عضو از این ۲۷ عضو اضافی پس از یک سال و ۹ عضو دیگر در پایان سال دوم به نحوی که از طرف مجمع عمومی مقرر می‌شود، خاتمه می‌یابد.

ماده ۶۲: وظایف و اختیارات

۱- شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند مطالعات و گزارش‌هایی درباره موضوعات بین‌المللی مربوط به امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و سایر امور مربوط انجام داده یا تهیه نماید یا موجبات انجام یا تهیه آن را فراهم آورد، و در مورد این‌گونه امور به مجمع عمومی و اعضای ملل متحد و مؤسسات تخصصی مربوط توصیه‌هایی ارائه کند.

۲- شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند به منظور تشویق احترام واقعی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه توصیه‌هایی کند.

۳- شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند در خصوص اموری که در صلاحیت آن قرار دارد، پیشنویس مقاوله‌نامه‌هایی برای تقدیم به مجمع عمومی تهیه کند.

۴- شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند در مورد موضوعاتی که در صلاحیت آن قرار دارد کنفرانس‌های بین‌المللی بر طبق قواعد مقرر از طرف ملل متحد ترتیب دهد.

ماده ۶۳

۱- شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند با هریک از مؤسسات تخصصی مذکور در ماده ۵۷ مقاوله‌نامه‌هایی منعقد کند و شرایطی را که به موجب آن مؤسسه مربوطه وابسته به ملل متحد خواهد گردید، تعیین کند. این‌گونه مقاوله‌نامه ها باید به تصویب مجمع عمومی برسد.

۲- شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند از طریق مشاوره با مؤسسات تخصصی و توصیه به آنها و توصیه به مجمع عمومی و اعضای ملل متحد فعالیت‌های مؤسسات تخصصی را هماهنگ سازد.

ماده ۶۴

۱- شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند برای بدست آوردن گزارش‌های منظم مؤسسات تخصصی اقدامات مقتضی به عمل آورد. شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند برای بدست آوردن گزارش‌هایی در خصوص اقداماتی که برای اجرای توصیه‌های خود و توصیه‌هایی که توسط مجمع عمومی راجع به امور داخل در صلاحیت شورا به عمل آمده است با اعضای ملل متحد و مؤسسات تخصصی ترتیباتی اتخاذ کند.

۲- شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند ملاحظات خود را درباره این گزارش‌ها به مجمع عمومی تقدیم کند.

ماده ۶۵

شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند اطلاعاتی در اختیار شورای امنیت قرار دهد و به درخواست شورای امنیت به آن شورا کمک کند.

ماده ۶۶

۱- شورای اقتصادی و اجتماعی در اجرای توصیه‌های مجمع عمومی وظایفی را که در حیطه صلاحیت آن شورا است انجام می‌دهد.
۲- شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند با تصویب مجمع عمومی خدماتی را که اعضای ملل متحد و مؤسسات تخصصی از آن شورا بخواهند انجام دهد.
۳- شورای اقتصادی و اجتماعی وظایف دیگری را که در بخش‌های دیگر این منشور به عهده آن واگذار شده است یا ممکن است توسط مجمع عمومی بدان محول شود، انجام می‌دهد.

ماده ۶۷: موضوعات مربوط به رای

۱- هر عضو شورای اقتصادی و اجتماعی دارای یک رای خواهد بود.
۲- تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی با اکثریت آراء اعضای حاضر و رای دهنده گرفته می‌شود.

ماده ۶۸: آیین کار

شورای اقتصادی و اجتماعی کمیسیون‌هایی را در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و ارتقای حقوق بشر و کمیسیون‌های دیگری که ممکن است برای انجام وظایف خود لازم باشد تشکیل خواهد داد.

ماده ۶۹

شورای اقتصادی و اجتماعی از هر یک از اعضای سازمان ملل دعوت خواهد کرد تا بدون رای در مذاکرات خود در مورد هر موضوعی که به آن عضو مربوط می‌شود شرکت کند.

ماده ۶۹

شورای اقتصادی و اجتماعی از هر یک از اعضای ملل متحد برای شرکت در مذاکرات مربوط به هر موضوعی که آن عضو به نحو خاصی در آن ذینفع است دعوت خواهد کرد، بدون آنکه عضو مزبور حق رای داشته باشد.

ماده ۷۰

شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند سازوکاری اتخاذ کند که نمایندگان مؤسسات تخصصی بدون حق رای در مذاکرات شورا و کمیسیون‌هایی که توسط آن تأسیس می‌شوند و همچنین نمایندگان خود شورا در مذاکرات مؤسسات تخصصی شرکت جویند.

ماده ۷۱

شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند برای مشاوره با سازمان‌های غیر کشوری که به امور در حیطه صلاحیت شورا اشتغال دارند هرگونه تدابیر مناسب اتخاذ نماید. این ترتیبات ممکن است درباره سازمان‌های بین‌المللی در شرایطی که ضروری باشد، درباره سازمان‌های ملی پس از مشورت با عضو ذینفع ملل متحد اعمال گردد.

ماده ۷۲
۱- شورای اقتصادی و اجتماعی آیین‌نامه داخلی خود را تنظیم می‌نماید و در آن چگونگی انتخاب رئیس شورا را تعیین می‌کند.
۲- شورای اقتصادی و اجتماعی در مواقع لازم بر طبق آیین‌نامه داخلی خود تشکیل جلسه می‌دهد. آیین نامه مزبور شامل مقررات مربوط به تشکیل جلسات به درخواست اکثریت اعضای شورا خواهد بود.

فصل یازدهم

اعلامیه راجع به سرزمین‌های غیر خود - مختار

ماده ۷۳
اعضای ملل متحد که مسئولیت اداره سرزمین‌هایی را که مردم آن هنوز به درجه لازم برای شکل گیری حکومتی خود مختاری دست نیافته‌اند، بر عهده دارند یا برعهده می‌گیرند ،اصل اولویت منافع سکنه این سرزمین‌ها را به رسمیت می‌شناسند و تعهد پیشبرد رفاه سکنه این سرزمین‌ها را با بالاترین درجه و در چارچوب اصول مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی به شرح مقرر در این منشور به عنوان یک ماموریت مقدس قبول نموده و برای این منظور متقبل می‌شوند که:
۱- با توجه به فرهنگ سکنه مربوطه پیشرفت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی آنان را تأمین کنند. رفتارشان با سکنه مزبور عادلانه بوده و از آنان در مقابل اجحافات حمایت کنند؛
۲- حکومت خود مختاری را توسعه دهند، آمار سیاسی سکنه را رعایت کنند و برطبق اوضاع و احوال خاص هر سرزمین و مردم آن و بنابر مدارج مختلف پیشرفت آنان را در توسعه تدریجی مؤسسات سیاسی آزاد یاری کنند؛
۳- در تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی بکوشند؛
۴- اقدامات سازنده مربوط به توسعه را ترویج کنند و به منظور آنکه عملاً به مقاصد اجتماعی، اقتصادی و علمی مذکور در این ماده نائل شوند، پژوهش‌های علمی را تشویق کنند و با یکدیگر در مواقع و موارد مقتضی با سازمان‌های بین‌المللی تخصصی همکاری کنند؛
۵- جز در مواردیکه مقتضیات امنیت و ملاحظات ناشی از قوانین اساسی ایجاب نماید آمار و سایر اطلاعاتی را که دارای جنبه فنی و مربوط به شرایط اقتصادی، اجتماعی و آموزشی سرزمین‌هایی است که هر یک مسئول آن هستند غیر از سرزمین‌های مشمول مقررات فصول ۱۲ و ۱۳ بطور منظم جهت اطلاع برای دبیر کل ملل متحد بفرستند.
ماده ۷۴

اعضای سازمان ملل متحد همچنین موافقت می‌کنند که سیاست‌های آنها چه در سرزمین‌های مشمول مقررات این فصل و چه در قلمرو خاک اصلی خود آنها در امور اجتماعی، اقتصادی و تجارتی با رعایت ملاحظات لازم از حیث منافع و رفاه سایر نقاط جهان بر اساس اصل کلی حسن همجواری استوار باشد.

فصل دوازدهم

نظام قیمومیت بین‌المللی

ماده ۷۵

سازمان ملل متحد تحت نظر خود یک نظام بین‌المللی قیمومیت برای اداره و سرپرستی سرزمین‌هایی که ممکن است به موجب موافقتنامه‌های خاص بعداً تحت اداره آن قرار گیرد، برقرار نماید. این سرزمین‌ها از این پس به نام (سرزمین‌های تحت قیمومیت) خوانده خواهند شد.

ماده ۷۶

اهداف اساسی نظام قیمومیت بر طبق مقاصد ملل متحد به شرح مندرج در ماده یک این منشور عبارتست از:

۱ - پیشبرد تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی؛

۲ - کمک به پیشرفت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و آموزشی سکنه سرزمین‌های تحت قیمومیت و پیشبرد تدریجی آنان بسوی حکومت خود مختاری یا استقلال بر حسب اقتضاء با توجه به اوضاع و احوال خاص هر سرزمین، مردم آن و تمایلات مردم مزبور که به نحو آزادانه ابراز شده باشد و برطبق مقرراتی که ممکن است در هر مقاوله‌نامه قیمومیت پیش بینی شده باشد؛

۳-تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان، یا مذهب و تشویق شناسایی این معنی که ملل جهان به یکدیگر نیازمند هستند؛

۴- تأمین رفتار یکسان در امور اجتماعی، اقتصادی، و تجاری برای تمام اعضای ملل متحد و اتباع آنها و همچنین رفتار یکسان در اجرای عدالت برای اتباع مزبور، با رعایت ماده ۸۰، بدون آنکه به حصول اهداف مذکور آسیبی وارد شود.

ماده ۷۷

۱-نظام قیمومیت شامل سرزمین‌هایی می‌شود که به شرح زیر هستند و ممکن است به موجب مقاوله‌نامه‌های قیمومیت تحت این نظام درآیند:

الف- سرزمین‌هایی که اکنون تحت قیمومیت هستند.

ب- سرزمین‌هایی که ممکن است در نتیجه جنگ جهانی دوم از کشورهای دشمن مجزا گردد.

۲-سرزمین‌هایی که به میل و اراده کشورهای مسئول اداره آنها تحت این نظام قرار داده شود.

۳-به موجب یک موافقتنامه بعدی تعیین خواهد شد که چه سرزمین‌هایی از ردیف‌های یاد شده پیش با چه شرایطی تحت نظام قیمومیت در خواهد آمد.

ماده ۷۸

نظام قیمومیت شامل سرزمین‌هایی که به عضویت ملل متحد درآمده‌اند، نخواهد شد و روابط بین آنها براساس احترام به اصل تساوی حاکمیت است.

ماده ۷۹

شرایط قیمومیت برای هر سرزمینی که تحت نظام قیمومیت قرار می‌گیرد و همچنین تغییر و اصلاح شرایط مذکور موضوع موافقتنامه‌های منعقده بین کشورهایی که مستقیماً ذینفع هستند منجمله کشورهای مسئول در مورد سرزمین‌های تحت قیمومیت یکی از اعضای ملل متحد خواهد بود و به ترتیب مقرر در مواد ۸۳ و ۸۵ به تصویب خواهد رسید.

ماده ۸۰

۱- به استثنای آنچه در هریک از مقاوله‌نامه‌های خاص قیمومیت که بر طبق مواد ۷۷ و ۷۹ و ۸۱ منعقد می‌شود و سرزمینی را تحت نظام قیمومیت در می‌آورد، ممکن است مورد موافقت قرار گیرد و تا زمان انعقاد چنین مقاوله‌نامه‌هایی هیچیک از مقررات این فصل نباید طوری تعبیر شود که به نحوی در حقوق هیچ کشور یا مردمی یا در مقررات اسناد موجود بین‌المللی که اعضای ملل متحد ممکن است طرف آن باشند تغییری بدهد.

۲- بند اول این ماده نباید طوری تفسیر گردد که موجبات تأخیر و تعویق مذاکره و عقد مقاوله‌نامه‌های ناظر به تحت نظام قیمومیت قرار دادن سرزمین‌های تحت قیمومیت و سایر سرزمین‌ها به شرح مقرر در ماده ۷۷ را فراهم کند.

ماده ۸۱

مقاوله‌نامه قیمومیت در هر مورد شامل شرایطی خواهد بود که بر طبق آن سرزمین تحت قیمومیت اداره خواهد شد و مقامی را که اداره سرزمین تحت قیمومیت را به عهده خواهد داشت تعیین می‌نماید. این مقام که از این پس ممکن است یک یا چند کشور یا خود سازمان باشد.

ماده ۸۲

در هر مقاوله‌نامه قیمومیت ممکن است یک یا چند منطقه سوق‌الجیشی تعیین شود که شامل تمام یا قسمتی از سرزمین تحت قیمومیت موضوع آن مقاوله‌نامه باشد بدون اینکه به مقاوله‌نامه یا مقاوله‌نامه‌های خاص منعقده در اجرای ماده ۴۳ لطمه‌ای وارد شود.

ماده ۸۳

۱- کلیه وظایف ملل متحد مربوط به مناطق سوق‌الجیشی منجمله تصویب شرایط مقاوله‌نامه قیمومیت و تغییر و اصلاح احتمالی آن توسط شورای امنیت انجام می‌شود.
۲- هدفهای مذکور در ماده ۷۶ درباره مردم هر منطقه سوق‌الجیشی رعایت می‌شود.
۳- شورای امنیت با رعایت مقاوله‌نامه‌های قیمومیت و بدون اینکه به مقتضیات امنیت لطمه‌ای وارد آید در اجرای وظایفی که ملل متحد برطبق نظام قیمومیت در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی مناطق سوق‌الجیشی عهده‌دار است از کمک‌های شورای قیمومیت استفاده خواهد کرد.
ماده ۸۴
این وظیفه مقام اداره کننده خواهد بود که اطمینان حاصل کند که قلمرو مورد اعتماد نقش خود را در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ایفا می کند. برای این منظور، مقام مجری می‌تواند از نیروهای داوطلب، امکانات و کمکهای منطقه مورد اعتماد برای اجرای تعهدات در قبال شورای امنیت که در این رابطه توسط مقام اجرائی برعهده می‌گیرد، و همچنین برای دفاع محلی و حفظ قانون و نظم در آن قلمرو استفاده کند.
ماده ۸۵
۱- وظایف ملل متحد در مورد مقاوله‌نامه‌های قیمومیت کلیه مناطقی که سوق‌الجیشی قلمداد نشده‌اند، منجمله تصویب شرایط مقاوله‌نامه قیمومیت و تغییر و اصلاح آن، توسط مجمع عمومی انجام می‌شود.
۲- شورای قیمومیت که تحت نظر مجمع عمومی عمل می‌نماید، در اجرای این وظایف به مجمع عمومی کمک خواهد کرد.

فصل سیزدهم

ترکیب شورای قیمومیت

ماده ۸۶
۱- شورای قیمومیت از اعضای ملل متحد به شرح ذیل خواهد بود:
الف: اعضاء اداره کننده سرزمین‌های تحت قیمومیت.
ب: آن عده از اعضایی که نام آنها در ماده ۲۳ ذکر شده و اداره سرزمین تحت قیمومیتی را عهده‌دار نیستند؛
پ: تعداد اعضای دیگری که برای دوره های سه ساله توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند تا حدی که لازم باشد تا اطمینان حاصل شود که تعداد کل اعضای شورای قیمومیت به طور مساوی بین آن دسته از اعضای سازمان ملل که مناطق مورد اعتماد را اداره می‌کنند و اعضایی که اداره نمی‌کنند، تقسیم می‌شود.
۲- هر یک از اعضای شورای قیمومیت شخص واجد صلاحیت خاصی را به سمت نماینده خود در شورای قیمومیت تعیین می‌نماید.

ماده ۸۷: وظایف و اختیارات

مجمع عمومی و تحت نظر آن شورای قیمومیت در انجام وظایف خود می‌توانند:

الف: گزارش‌های را که مقام اداره کننده تسلیم می‌دارد مورد بررسی قرار دهند.

ب: شکایات را قبول و آنها را با مشورت مقام اداره کننده رسیدگی کنند.

پ: ترتیبی دهند که از سرزمین‌های تحت قیمومیت در اوقاتی که مورد موافقت مقام اداره کننده مربوطه است متناوباً بازدید به عمل آید.

ت: این اقدامات و اقدامات دیگر را بر طبق شرایط مقاوله‌نامه قیمومیت انجام دهند.

ماده ۸۸

شورای قیمومیت پرسشنامه‌ای درباره پیشرفت سیاسی- اقتصادی - اجتماعی و آموزشی سکنه هر سرزمین تحت قیمومیت تهیه خواهد کرد و مقام اداره کننده هر سرزمین تحت قیمومیت در حیطه صلاحیت مجمع عمومی براساس پرسشنامه‌ای از نوع مذکور گزارش سالانه به مجمع عمومی تقدیم خواهد کرد.

ماده ۸۹: موضوع رای

۱-هر عضو شورای قیمومیت دارای یک رای خواهد بود.

۲-تصمیمات شورای قیمومیت با رای اکثریت اعضای حاضر و رای دهنده اتخاذ خواهد شد.

ماده ۹۰: آیین کار

۱-شورای قیمومیت آیین‌نامه داخلی خود را تنظیم می‌نماید که ضمن آن ترتیب انتخاب رئیس شورا تعیین می‌شود.

۲-شورای قیمومیت بر حسب ضرورت بر طبق آیین‌نامه داخلی خود تشکیل جلسه می‌دهد. آیین نامه مزبور شامل مقررات مربوط به تشکیل جلسات به درخواست اکثریت اعضای شورا خواهد بود.

ماده ۹۱

شورای قیمومیت برحسب مورد از کمک شورای اقتصادی و اجتماعی و مؤسسات تخصصی در مورد اموری که مربوط به هر یک از آنهاست استفاده خواهد کرد.

فصل چهاردهم

دادگاه بین‌المللی دادگستری

ماده ۹۲

دادگاه بین‌المللی دادگستری رکن قضایی اصلی ملل متحد خواهد بود. دادگاه مزبور بر طبق اساسنامه پیوست که بر مبنای اساسنامه دادگاه دائمی دادگستری بین‌المللی تنظیم شده و جزء لاینفک این منشور است انجام وظیفه می‌کند.

ماده ۹۳

۱- تمام اعضای ملل متحد به خودی خود قبول کنندگان اساسنامه دادگاه بین‌المللی دادگستری هستند.

۲- کشوری که عضو ملل متحد نیست می‌تواند با قبول شرایطی که در هر مورد بر حسب توصیه شورای امنیت توسط مجمع عمومی معین می‌گردد اساسنامه دادگاه بین‌المللی دادگستری را قبول نماید.

ماده ۹۴

۱- هر عضو ملل متحد متعهد است در هر دعوایی که او طرف آن است از تصمیم دادگاه تبعیت نماید.

۲- هرگاه طرف دعوایی از انجام تعهداتی که بر حسب رای دادگاه برعهده او گذارده شده است تخلف کند طرف دیگر می‌تواند به شورای امنیت رجوع نماید و شورای مزبور ممکن است در صورتیکه ضروری تشخیص دهد توصیه‌هایی نموده یا برای اجرای رای دادگاه تصمیم به اقداماتی بگیرد.

ماده ۹۵

هیچیک از مقررات این منشور مانع اعضاء ملل متحد نخواهد شد که حل اختلافات خود را به موجب مقاوله‌نامه‌های موجود یا مقاوله‌نامه‌هایی که در آینده منعقد خواهد گردید به سایر دادگاه‌ها واگذار کنند.

ماده ۹۶

۱- مجمع عمومی یا شورای امنیت می‌تواند درباره هر مساله حقوقی از دادگاه بین‌المللی دادگستری نظر مشورتی درخواست کند.

۲- سایر ارکان ملل متحد و موسسات تخصصی که ممکن است احیاناً چنین اجازه‌ای از مجمع عمومی تحصیل کرده باشند نیز می‌توانند نظر مشورتی دادگاه را در مورد موضوعات حقوقی مطروحه در حدود فعالیت‌های خود بخواهند.

فصل پانزدهم

دبیرخانه

ماده ۹۷

دبیرخانه مرکب خواهد بود از یک دبیرکل و کارمندان مورد احتیاج سازمان. دبیر کل توسط مجمع عمومی بنابر توصیه شورای امنیت تعیین می‌گردد. دبیر کل عالی‌ترین مقام اداری سازمان است.

ماده ۹۸

دبیرکل در این سمت در تمام جلسات مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، و شورای قیمومیت انجام وظیفه خواهد کرد و کلیه وظایف دیگری را که ارکان مذکور به او محول کنند انجام خواهد داد. دبیر کل گزارش سالانه‌ای درباره کار سازمان به مجمع عمومی خواهد داد.

ماده ۹۹

دبیر کل می‌تواند نظر شورای امنیت را به هر موضوعی که به عقیده او ممکن است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید نماید جلب کند.

ماده ۱۰۰

۱- دبیر کل و کارمندان ملل متحد در انجام وظایف خود از هیچ کشور یا مقام خارج از سازمان کسب دستور نخواهند کرد و دستوراتی نخواهد پذیرفت. آنان فقط مسئول سازمان هستند و از هر عملی که منافی موفقیت آنها به عنوان مامورین رسمی بین‌المللی باشد خودداری خواهند کرد.

۲- هر عضو ملل متحد متعهد می‌شود که جنبه منحصرا بین‌المللی مسئولیت‌های دبیر کل و کارمندان سازمان را محترم شمرده و در صدد برنیاید که آنان را در اجرای وظایفی که دارند تحت نفوذ قرار دهد.

ماده ۱۰۱

۱- کارمندان سازمان به وسیله دبیرکل بر طبق مقرراتی که توسط مجمع عمومی وضع می‌گردد انتخاب می‌شوند.

۲- کارمندان مناسبی بطور دائم به شورای اقتصادی و اجتماعی، و شورای قیمومیت و در صورت لزوم به سایر ارکان ملل متحد تخصیص داده خواهند شد. این کارمندان قسمتی از دبیرخانه را تشکیل خواهند داد.

۳- در استخدام کارمندان و تعیین شرایط خدمت آنان بیش از هر چیز در نظر گرفته خواهد شد، تامین عالیترین درجه کارآیی و صلاحیت و درستی است. به اهمیت استخدام کارمندان براساس تقسیمات جغرافیایی هرچه وسیعتر توجه لازم مبذول خواهد گردید.

فصل شانزدهم

مقررات مختلف

ماده ۱۰۲

۱- هر عهدنامه و هر موافقتنامه بین‌المللی که پس از لازم‌الاجرا شدن این منشور توسط هر یک از اعضاء ملل متحد منعقد گردد باید هر چه زودتر در دبیرخانه ثبت و توسط آن منتشر گردد.
۲- هیچیک از طرفین هر عهدنامه یا موافقتنامه بین‌المللی که برطبق مقررات بند اول این ماده به ثبت نرسیده باشد نمی‌توانند در مقابل ارکان ملل متحد به آن عهدنامه یا موافقتنامه استناد جویند.
ماده ۱۰۳
در صورت تعارض بین تعهدات اعضاء ملل متحد به موجب این منشور و تعهدات آنها بر طبق هر موافقتنامه بین‌المللی دیگر تعهدات آنها به موجب این منشور مقدم خواهد بود.
ماده ۱۰۴
سازمان در خاک هر یک از اعضاء از شخصیت حقوقی که برا ی انجام وظایف و رسیدن به مقاصد آن ضروری است برخوردار خواهد بود.
ماده ۱۰۵
۱- سازمان در خاک هر یک از اعضای خود از امتیازات و مصونیت‌های لازم که برای رسیدن به مقاصد آن ضروری است برخوردار خواهد بود.
۲- نمایندگان اعضاء ملل متحد و مامورین سازمان نیز به همین نحو از امتیازات و مصونیت‌های لازم برای اینکه بتوانند وظایفی را که مربوط به سازمان است مستقلاً انجام دهند، برخوردار خواهند بود.
۳- مجمع عمومی می‌تواند برای تعریق جزئیات اجرای بندهای اول و دوم این ماده توصیه‌هایی کرده و یا مقاوله‌نامه‌هایی بدین منظور به اعضاء پیشنهاد کند.

فصل هفدهم

ترتیبات موقتی راجع به امنیت

ماده ۱۰۶
تا زمان لازم‌الاجرا شدن چنین موافقتنامه‌های ویژه‌ای که در ماده ۴۳ ذکر شده است، طبق نظر شورای امنیت، این شورا را قادر می‌سازد تا اعمال مسئولیت‌های خود را طبق ماده ۴۲ آغاز کند، طرفین اعلامیه چهار ملت، که در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۳ در مسکو امضا شد، و فرانسه، مطابق با مفاد بند ۵۵ آن اعلامیه، با یکدیگر و در صورت لزوم با سایر اعضای سازمان ملل متحد به منظور انجام اقدامات مشترک از طرف سازمان که ممکن است ضروری باشد برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، مشورت خواهند کرد.
ماده ۱۰۷

هیچیک از مقررات این منشور به هر اقدامی که درباره کشوری که طی جنگ جهانی دوم دشمن یکی از امضاکنندگان این منشور بوده توسط حکومت‌های مسئول آن، اقدام بر اثر این جنگ اتخاذ یا تجویز شده خدشه‌ای وارد نمی‌کند، یا مانع انجام آن نمی‌شود.

فصل هیجدهم

اصلاحات

ماده ۱۰۸

اصلاحاتی که در این منشور به عمل آید زمانی برای تمام اعضاء ملل متحد لازم‌الاجرا خواهد شد که به موجب رای دو سوم اعضاء مجمع عمومی مورد قبول قرار گیرد و توسط دو سوم اعضاء ملل متحد که شامل کلیه اعضای دائم شورای امنیت باشد بر طبق قوانین اساسی آنها به تصویب رسیده باشد.

ماده ۱۰۹

۱- به منظور تجدید نظر در این منشور ممکن است در تاریخ و محلی که با دو سوم از اعضاء مجمع عمومی و آراء ۹ عضو شورای امنیت معین خواهد شد یک کنفرانس عمومی از اعضای ملل متحد تشکیل گردد. در کنفرانس مزبور هر عضو ملل متحد یک رای خواهد داشت.

۲- هر تغییری در این منشور که به موجب آراء دو سوم از اعضای کنفرانس توصیه شده باشد زمانی لازم‌الاجرا خواهد گردید که توسط دو سوم از اعضاء ملل متحد که شامل تمام اعضاء دائم شورای امنیت باشد بر طبق مقررات قوانین اساسی آنها به تصویب رسیده باشد.

۳- هرگاه یک چنین کنفرانسی قبل از دهمین دوره اجلاس سالانه مجمع عمومی پس از لازم‌الاجرا شدن این منشور تشکیل نشده باشد. پیشنهاد دعوت این کنفرانس باید در دستور جلسه دوره اجلاس مذکور مجمع عمومی قرار گیرد و در صورتیکه اعضاء مجمع عمومی یا اکثریت آراء و رای هر گونه هفت عضو شورای امنیت تصمیم به تشکیل آن بگیرد کنفرانس مزبور تشکیل خواهد شد.

فصل نوزدهم

تصویب و امضاء

ماده ۱۱۰

۱- این منشور به وسیله کشورهای امضاء کننده بر طبق قواعد قانون اساسی هر یک از آنها به تصویب خواهد رسید.

۲- اسناد تصویب باید به کشور ایالات متحده آمریکا تسلیم گردد و کشور مذکور کلیه کشورهای امضاء کننده و دبیرکل را هنگامی که انتخاب شد از وصول هر سند تصویبی مطلع خواهد ساخت.

۳- این منشور پس از آنکه اسناد تصویب آن را جمهوری چین - فرانسه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - کشور بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و ایالات متحده آمریکا و اکثریت سایر کشورهای امضاء کننده تسلیم کردند لازم‌الاجرا خواهد شد. صورت مجلسی از اسناد تصویب که تسلیم شده است توسط کشور ایالات متحده آمریکا تنظیم و نسخ آن برای کلیه کشورهای امضاء کننده فرستاده خواهد شد.

۴-کشورهای امضاء کننده این منشور که آن را پس از لازم‌الاجرا شدن تصویب کنند، از تاریخ تسلیم سند تصویب، خود اعضای اصلی ملل متحد خواهند شد.

ماده ۱۱۱

این منشور که متن‌های چینی، فرانسوی، روسی، انگلیسی، و اسپانیایی آن دارای اعتبار مساوی است در بایگانی کشور ایالات متحده آمریکا تودیع شده و رونوشت مصدق آن به موقع توسط کشور مزبور برای کشورهای سایر کشورهای امضاء کننده فرستاده خواهد شد. بنابه مراتب مذکور کنندگان کشورهای ملل متحد، این منشور را امضاء نمودند. در شهر سانفرانسیسکو در روز ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ به امضاء رسید.

اساسنامه دادگاه

بین‌المللی دادگستری

مقدمه‌ای بر شکل‌گیری دادگاه بین‌المللی دادگستری[1]

ایجاد دادگاه نشانگر اوج فرآیندی طولانی برای توسعه روش‌هایی جهت حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی بود که ریشه‌های آن را می‌بایست در دوران کلاسیک جستجو کرد.

در ماده ۳۳ منشور ملل متحد، روش‌های زیر برای حل و فصل صلح‌آمیز اختلافات بین کشورها ذکر شده است: مذاکره، تحقیق، میانجی‌گری، سازش، داوری، حل و فصل قضایی، و توسل به آژانس‌ها، یا ترتیبات منطقه‌ای که باید به آنها مساعی جمیله را نیز اضافه کرد. برخی از این روش‌ها شامل خدمات اشخاص ثالثی نیز می‌شود. به عنوان مثال، میانجیگری، طرفین دعوا را در موقعیتی قرار می‌دهد که خود می‌توانند با مداخله شخص ثالث، اختلاف خود را حل و فصل کنند. داوری فراتر از این است، به این معنا که اختلاف به تصمیم یا رای یک شخص ثالث بیطرفی تسلیم می‌شود، بگونه‌ای که بتوان به یک حل و فصل الزام‌آور دست یافت. همین امر در مورد حل و فصل قضایی (روشی که توسط دادگاه بین‌المللی دادگستری اعمال می‌شود) نیز صادق است، با این تفاوت که دادگاه تابع قوانین سخت گیرانه‌تری نسبت به دیوان داوری، به ویژه در امور رویه ای است.

از نظر تاریخی، میانجیگری و داوری مقدم بر حل و فصل قضایی بوده‌اند. میانجیگری به‌عنوان روشی برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در هند باستان و جهان اسلام شناخته شده بود، درحالیکه نمونه‌های بیشماری از داوری را می‌توان در یونان باستان، در چین، در میان قبایل عرب، در قوانین عرفی دریایی در اروپای قرون وسطی، و در رویه‌های پاپی یافت.

ریشه‌های داوری

تاریخ مدرن داوری بین‌المللی عموماً به‌عنوان قدمت به اصطلاح «پیمان جی»[2] در سال ۱۷۹۴ بین ایالات متحده آمریکا و بریتانیا شناخته می‌شود. این معاهده دوستی، بازرگانی، و دریانوردی، مشتمل بر ۲۸ ماده ایجاد سه کمیسیون مختلط متشکل از تعداد مساوی از اتباع آمریکایی و بریتانیایی را پیش بینی کرده بود که وظیفه آنها حل و فصل موضوعات میان دو کشور بود که برای آنها راه حلی از طریق مذاکره وجود نداشت. در حالیکه این کمیسیون‌های مختلط به معنی دقیق کلمه ارگان‌های

---

[1] مطالب این بخش مستقیما از تارنمای رسمی دادگاه بین‌المللی دادگستری استخراج و ترجمه شده است.

[2] British-American Diplomacy. The Jay Treaty; November 19, 1794. The Avalon Project: Documents in Law, History and Diplomacy.

داوری شخص ثالث نبودند، اما می‌توانستند تا حدی به عنوان دادگاه عمل کنند. در نتیجه، اینگونه داوری‌ها علاقه‌ای نوین به روند داوری را برجسته ساختند. در طول قرن نوزدهم، ایالات متحده و بریتانیا، مانند دیگر کشورهای اروپایی و قاره آمریکا، به اینگونه داوری‌ها برای حل اختلافات خود مراجعه کردند.

داوری ادعاهای آلاباما[۱] در سال ۱۸۷۲ بین انگلستان و ایالات متحده آغاز مرحله دوم و حتی تعیین کننده‌تری در توسعه اینگونه روش‌های حل و فصل اختلافات بود. براساس معاهده واشنگتن در سال ۱۸۷۱، ایالات متحده و بریتانیا موافقت کردند که به دلیل ادعای نقض بیطرفی بریتانیا در طول جنگ داخلی آمریکا، موضوعات مورد اختلاف به دعاوی داوری تسلیم شوند. دو کشور قوانین خاصی را در مورد وظایف کشورهای بیطرف تعیین کردند که قرار بود توسط دادگاه اعمال شود. آنها توافق کرده بودند که پنج عضو توسط سران ایالات متحده، بریتانیا، برزیل، ایتالیا و سوئیس، تعیین شوند تا به موارد اختلاف رسیدگی کنند. رای دیوان داوری بریتانیا را موظف به پرداخت غرامت کرد. این دادرسی اثربخشی روش داوری در حل و فصل اختلافات را در سال‌های پایانی قرن نوزدهم نشان داد. به تدریج داوری طیف وسیعی از پیشرفت‌ها را در بر گرفت که آنها را به این شرح می‌توان خلاصه کرد:

- رشد اعمال درج موادی در معاهدات که به موجب آنها در صورت بروز اختلاف بین طرفین، آنها به داوری مراجعه کنند.
- انعقاد معاهدات عمومی داوری برای حل و فصل طبقات معین اختلافات بین کشورها؛
- تلاش برای ایجاد یک قانون عمومی داوری، به طوری که کشورهایی که مایل به توسل به این وسیله برای حل و فصل اختلافات هستند، مجبور نباشند هر بار در مورد رویه‌ای که باید اتخاذ شود، شکل و ترکیب نهاد حال اختلاف، قوانینی که باید رعایت شوند، فرآیندهای طولانی را دنبال کنند؛

---

[1] Alabama claims of the United States of America against Great Britain Award rendered on 14 September 1872 by the tribunal of arbitration established by Article I of the Treaty of Washington of 8 May 1871. Report of International Arbitral Awards. 8 May 1871 Volume XXIX, pp.125-13.

- پیشنهادات برای ایجاد یک دادگاه داوری بین‌المللی دائمی برای اجتناب از نیاز به ایجاد یک دادگاه ویژه برای تصمیم گیری در مورد هر اختلاف موردی.

کنفرانس‌های صلح لاهه و دادگاه دائمی داوری

کنفرانس صلح لاهه[1] در سال ۱۸۹۹ که به ابتکار تزار روسیه نیکلاس دوم تشکیل شد، آغاز مرحله سوم در تاریخ مدرن داوری بین‌المللی بود. هدف اصلی کنفرانس، که در آن کشورهای کوچکتر اروپا، برخی از کشورهای آسیایی و مکزیک نیز شرکت می‌کردند، بحث در مورد موضوعات صلح و خلع سلاح بود. اوج آن تصویب مقاوله‌نامه حل و فصل اختلافات بین‌المللی در اقیانوس آرام بود که به داوری و سایر روش‌های حل و فصل اقیانوس آرام، مانند مساعی جمیله و میانجیگری می‌پرداخت.

در رابطه با داوری، مقاوله‌نامه ۱۸۹۹، مشتمل بر ۹۷ ماده، ایجاد سازوکاری دائمی را پیش بینی کرده بود که به عنوان دیوان دائمی داوری[2] شناخته می‌شود. این دیوان در اصل متشکل از هیئتی از حقوقدانان بود که توسط هر کشوری که به مقاوله‌نامه ملحق شده بود، انتخاب می‌شدند. این مقاوله‌نامه همچنین یک دفتر دائمی را ایجاد کرد که در شهر لاهه هلند قرار داشت. مقاوله‌نامه همچنین قانون و رویه داوری را «نهادسازی» کرد و آن را بر پایه روشنتری قرار داد. دادگاه دائمی داوری در سال ۱۹۰۰ تأسیس شد و در سال ۱۹۰۲ شروع به کار کرد.

چند سال بعد، در سال ۱۹۰۷، دومین کنفرانس صلح لاهه، که کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی نیز به آن دعوت شده بودند، مقاوله‌نامه را مورد بازنگری قرار داد و قواعد حاکم بر رسیدگی داوری را بهبود بخشید. برخی از شرکت‌کنندگان ترجیح دادند که کنفرانس خود را به بهبود سازوکار ایجاد شده در سال ۱۸۹۹ محدود نکند. در این ارتباط، ایالات متحده، بریتانیا و آلمان پیشنهاد مشترکی برای تشکیل دادگاهی دائمی را ارائه کردند، اما کنفرانس نتوانست در مورد آن به توافق برسد. در جریان بحث‌ها مشخص شد که یکی از مشکلات عمده یافتن راهی قابل قبول برای انتخاب داوران بود، زیرا هیچ یک از پیشنهادات ارائه شده نتوانست مورد حمایت گسترده قرار گیرد. با اینحال، پیش نویس مقاوله‌نامه که قرار بود آن دادگاه دائمی را به وجود آورد، ایده‌های اساسی خاصی را در مطرح

---

[1] Peace Conference at the Hague 1899: General Report of the United States Commission. The Avalon Project: Documents in Law, History and Diplomacy.
[2] Laws of War: Pacific Settlement of International Disputes (Hague I); October 18, 1907 .The Avalon Project: Documents in Law, History and Diplomacy.

ساخته بود که چند سال بعد به عنوان منبع الهام برای تدوین اساسنامه دادگاه بین‌المللی دائمی دادگستری تبدیل شد.

با وجود سرنوشت این پیشنهادات، دادگاه دائمی داوری در سال ۱۹۱۳ در کاخ صلح تشکیل شد، و توانست سهم مثبتی در توسعه و تدوین حقوق بین الملل داشته باشد. پرونده‌های شاخصی که از طریق این دادگاه مورد حل و فصل قرار گرفته‌اند، شامل پرونده‌های کارتاژ و مانوبا[1] در مورد توقیف کشتی‌ها، و پرونده مرزهای تیمور[2] و حاکمیت بر جزیره پالماس[3] می‌باشند. اگرچه این موارد نشان می‌دهد که دادگاه‌های داوری که سازوکار دائمی برای حل اختلافات دارند، می‌توانند اختلافات بین کشورها را براساس قانون و عدالت حل و فصل کنند، درحالیکه اصول بیطرفی را نیز در نظر گیرند. به سختی می‌توان انتظار داشت که دادگاه‌هایی با ترکیب‌های متفاوت، بتوانند رویکردی منسجمی به حقوق بین‌الملل به همان میزانی که یک دادگاه دائمی انجام می‌دهد، ارائه دهند. البته این واقعیت را باید در نظر گرفت که کشورهای طرف مقاوله‌نامه‌های سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ ضرورتا ملزم به ارائه اختلافات خود به داوری نیستند. علاوه براین، حتی اگر قصد انجام این کار را داشته باشند، موظف به رجوع به دادگاه دائمی داوری یا پیروی از مقررات آیین دادرسی مندرج در مقاوله‌نامه‌ها نبودند.

دادگاه دائمی داوری اخیراً در کنار خدماتی که در مقاوله‌نامه ها در نظر گرفته شده است، به دنبال تنوع بخشیدن به خدماتی است که می‌تواند ارائه دهد. به عنوان مثال، دفتر بین‌المللی دیوان دائمی داوری به عنوان دفتر ثبت در داوری‌های مهم بین‌المللی عمل می‌کند. علاوه بر این، در سال ۱۹۹۳، دادگاه دائمی داوری «قوانین اختیاری برای داوری اختلافات بین دو طرف که تنها یکی از آنها کشور است»[4]، و در سال ۲۰۰۱، «قوانین اختیاری برای داوری اختلافات مربوط به منابع طبیعی و/یا محیط زیست»[5] را تصویب کرد.

کار دو کنفرانس صلح لاهه و ایده‌هایی که از آنها برای دولتمردان و حقوقدانان الهام گرفته شد، تأثیر نافذی در ایجاد دادگاه دادگستری آمریکای مرکزی داشت که از سال ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۸ فعالیت می‌کرد.

---

[1] French Postal Vessel "Manouba", 1913. Permanent Court of Arbitration.
[2] Boundaries in the Island of Timor (The Netherlands v. Portugal), 1914. Permanent Court of Arbitration.
[3] Island of Palmas (Or Miangas) (The Netherlands v. The United State of America), 1928. Permanent Court of Arbitration.
[4] Optional Rules for Arbitrating Disputes between Two Parties of Which Only One Is a State.
[5] Optional Rules for Arbitration of Disputes Relating to Natural Resources and/or the Environment.

بین سال‌های ۱۹۱۱ و ۱۹۱۹، هم توسط نهادهای ملی و بین‌المللی و هم توسط کشورها، برای تأسیس یک دادگاه قضایی بین‌المللی، که با ایجاد دادگاه دائمی به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از نظام بین‌المللی جدید که پس از پایان جنگ جهانی اول تأسیس شد، به اوج خود رسید.

دادگاه دائمی دادگستری بین‌المللی

ماده ۱۴ میثاق جامعه ملل مسؤولیت تدوین طرح‌هایی را برای ایجاد دادگاه دائمی دادگستری بین‌المللی را در اختیار شورای جامعه ملل قرار داد. این دادگاه نه تنها صلاحیت رسیدگی به اختلافات بین‌المللی که به آن ارائه می‌شد را داشت، همچنین می‌توانست در مورد هر اختلاف یا پرسشی که توسط شورا یا مجمع جامعه ملل به آن ارجاع می‌شد، نظر مشورتی ارائه دهد. شورای جامعه ملل در دومین جلسه خود در اوایل سال ۱۹۲۰، کمیته مشورتی از حقوقدانان را برای ارائه گزارشی در مورد تأسیس دادگاه دائمی منصوب کرد. در آگوست ۱۹۲۰ گزارشی حاوی پیش‌نویس طرحی به شورا ارائه شد و شورا پس از بررسی و انجام اصلاحات لازم، آنرا به اولین مجمع جامعه ملل که در نوامبر همان سال در ژنو افتتاح شد، ارائه کرد. مجمع به کمیته سوم دستور داد تا موضوع اساسنامه دادگاه را بررسی کند. در دسامبر ۱۹۲۰، پس از یک مطالعه جامع توسط یک کمیته فرعی، کمیته پیش‌نویس اصلاح شده‌ای را به مجمع ارائه کرد که به اتفاق آرا تصویب شد. این طرح اصلاحی اساسنامه دادگاه بین‌المللی دائمی دادگستری بود.

مجمع تصمیم گرفت که دادن رای به تنهایی برای تاسیس دادگاه دائمی کافی نیست و اساسنامه باید به طور رسمی توسط هر کشوری که در مجمع نمایندگی دارد تصویب شود. در قطعنامه ۱۳ دسامبر ۱۹۲۰، از شورا خواسته شد تا پروتکلی برای تصویب اساسنامه به اعضای جامعه ملل ارائه کند و تصمیم گرفته شد که اساسنامه پس از تصویب اکثریت کشورهای عضو، لازم‌الاجرا شود. پروتکل در ۱۶ دسامبر برای امضا باز شد و تا زمان نشست بعدی مجمع، در سپتامبر ۱۹۲۱، اکثریت اعضای جامعه ملل پروتکل را امضا و تصویب کردند. بدین ترتیب اساسنامه لازم‌الاجرا شد. این اساسنامه فقط یک بار، در سال ۱۹۲۹ مورد بازنگری قرار گرفت، نسخه اصلاح شده آن در سال ۱۹۳۶ لازم‌الاجرا شد.

بنابراین دادگاه بین‌المللی دائمی دادگستری یک واقعیت کاری بود. با در نظر گرفتن موارد زیر می‌توان از پیشرفت بزرگی که در تاریخ دادرسی‌های حقوقی بین‌المللی به نمایش گذاشته شده است، یاد کرد:

- برخلاف دیوان‌های داوری، دادگاه بین‌المللی دائمی دادگستری یک نهاد دائمی بود که براساس اساسنامه و مقررات داخلی آن اداره می‌شد. تصمیمات دادگاه برای کشورهایی که به دادگاه مراجعه می‌کردند، الزام‌آور بود.
- دادگاه یک دفتر ثبت دائمی داشت که از جمله به عنوان کانال ارتباطی با کشورها و نهادهای بین‌المللی عمل می کرد.
- جلسات دادگاه عمدتاً علنی بوده و پیش بینی شده بود که در زمان مقتضی اظهارات، سوابق کلمه به کلمه جلسات و کلیه شواهد مستندی که به آن ارائه شده بود، منتشر شود.
- دادگاه دائمی که به این ترتیب تأسیس شد، به توسعه تدریجی یک رویه ثابت و حفظ تداوم آن در تصمیمات خود قادر بود و از این طریق به آن امکان می داد سهم بیشتری در توسعه حقوق بین‌الملل داشته باشد.
- در اصل دادگاه دائمی برای حل و فصل قضایی اختلافات بین‌المللی همه کشورها قابل دسترسی بود. کشورها می‌توانستند از قبل اعلام کنند که برای نوع خاصی از اختلافات حقوقی، صلاحیت دیوان را در رابطه با سایر کشورهایی که همین تعهد را می‌پذیرند، اجباری می‌دانند. این سیستم پذیرش اختیاری صلاحیت دادگاه مهمترین دستاوردی بود که در آن زمان ممکن بود حاصل شود.
- دادگاه دائمی این اختیار را داشت که در مورد هر اختلاف یا موضوعی که توسط شورای یا مجمع جامعه ملل به آن ارجاع می شد، نظرات مشورتی بدهد.
- این دادگاه بیش از هر دادگاه بین‌المللی قبلی به درستی نماینده جامعه بین‌المللی و نظام‌های حقوقی اصلی جهان بود.

اگرچه دادگاه دائمی دادگستری بین‌المللی و توسط جامعه ملل به وجود آمد، با این وجود، این دادگاه ارگانی از جامعه نبود. البته ارتباط نزدیکی بین این دو نهاد وجود داشت که از جمله در این واقعیت

منعکس می‌شود که شورای جامعه و مجمع عمومی آن بطور دوره‌ای اعضای دادگاه را انتخاب می‌کردند و شورا و مجمع هر دو حق دریافت نظرات مشورتی از دادگاه را داشتند.

بین سال‌های ۱۹۲۲ و ۱۹۴۰، دادگاه دائمی به ۲۹ مورد اختلاف بین کشورها رسیدگی کرد و ۲۷ نظر مشورتی صادر کرد. در همان زمان، چند صد معاهده، مقاوله‌نامه و اعلامیه صلاحیتی را در مورد دسته های مشخصی از اختلافات به دادگاه اعطا کردند. بنابراین هرگونه شک و تردید در مورد اینکه آیا یک دادگاه قضایی بین‌المللی دائمی می‌تواند به شیوه‌ای عملی و موثر عمل کند یا خیر، برطرف شد. ارزش دادگاه برای جامعه بین‌الملل به طرق مختلف ثابت شده و در درجه اول با توسعه یک فرآیند قضایی مناسب نشان داده شد. این امر در قواعد دادگاه که در ابتدا در سال ۱۹۲۲ تنظیم شده و متعاقباً در سه نوبت در سال‌های ۱۹۲۶، ۱۹۳۱ و ۱۹۳۶ مورد بازنگری قرار گرفتند، بیان شده است. افزون براین، دادگاه دائمی در عین حال به حل و فصل برخی از مناقشات جدی بین‌المللی کمک کرد، که بسیاری از آنها پیامدهای جنگ جهانی اول بودند، و از اینطریق اغلب زمینه‌های ناروشن حقوق بین‌الملل را روشن کرده و یا به توسعه آنها کمک کرد.

دادگاه بین‌المللی دادگستری

وقوع جنگ جهانی دوم در سپتامبر ۱۹۳۹ به ناچار عواقب جدی برای دادگاه دائمی داشت که برای چند سال در فعالیت‌های آن تاثیرگذار بود. پس از آخرین جلسه علنی خود در ۴ دسامبر ۱۹۳۹ و آخرین دستور آن در ۲۶ فوریه ۱۹۴۰، دادگاه بین‌المللی دائمی دادگستری در واقع به هیچ کار قضایی دیگری رسیدگی نکرد و هیچ گونه انتخاباتی هم برای تعیین قضات برگزار نشد. در سال ۱۹۴۰ دادگاه به ژنو منتقل شد و فقط یک قاضی در لاهه به همراه چند نفر از مقامات اداره ثبت شکایات با تابعیت هلندی در آنجا باقی ماندند. با بروز جنگ جهانی، توجهات می‌بایست به آینده دادگاه و ایجاد نظم سیاسی بین‌المللی جدیدی مبذول می‌شد.

در سال ۱۹۴۲، وزیر امور خارجه ایالات متحده و وزیر خارجه بریتانیا نظر خود را به نفع تأسیس مجدد دادگاه بین‌المللی در دوران پس از جنگ اعلام کردند، و کمیته حقوقی بین آمریکایی توصیه کرد که صلاحیت دادگاه دائمی باید گسترش یابد. در اوایل سال ۱۹۴۳، دولت بریتانیا ابتکار عمل دعوت تعدادی از کارشناسان را به لندن برای تشکیل یک کمیته غیر رسمی بین متفقین برای

بررسی این موضوع به عهده گرفت. آن کمیته ۱۹ جلسه برگزار کرد که حقوقدانان ۱۱ کشور در آن شرکت داشتند. کمیته در گزارش خود که در ۱۰ فوریه ۱۹۴۴ منتشر شد، موارد زیر را توصیه کرد:

- اساسنامه دادگاه بین‌المللی جدید باید براساس اساسنامه دادگاه بین‌المللی دائمی دادگستری تنظیم شود.
- دادگاه جدید باید صلاحیت مشورتی خود را حفظ کند.
- پذیرش صلاحیت دادگاه جدید نباید اجباری باشد.
- دادگاه نباید صلاحیت رسیدگی به امور دارای ماهیت سیاسی را داشته باشد.

در همین حال، در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۳، در پی کنفرانسی، چین، اتحاد جماهیر شوروی، بریتانیا و ایالات متحده اعلامیه مشترکی صادر کردند که در آن ضرورت تاسیس یک سازمان بین‌المللی عمومی بر اساس اصل حاکمیت را مورد تاکید قرار دادند. همچنین تاکید شده بود که دادگاه برای همه کشورهای صلح دوست، و در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی برای همه کشورهای کوچک و بزرگ برای عضویت باز است.

این اعلامیه به تبادل نظریات بین چهار قدرت در کنفرانس دامبارتون اوکس منجر شد و پیشنهادهایی در ۹ اکتبر ۱۹۴۴ برای ایجاد یک سازمان بین‌المللی عمومی (یعنی سازمان ملل متحد) ارائه گردید که شامل یک دادگاه بین‌المللی دادگستری هم بود. سپس در آوریل ۱۹۴۵ جلسه‌ای از کمیته حقوقدانان به نمایندگی از ۴۴ کشور در واشنگتن تشکیل شد. این کمیته وظیفه داشت تا مسئولیت تهیه پیش نویس اساسنامه برای دادگاه بین‌المللی دادگستری آینده، برای ارائه به کنفرانس سانفرانسیسکو، که از آوریل تا ژوئن ۱۹۴۵ تشکیل می شد، را برعهده گیرد. پیش نویس اساسنامه تهیه شده توسط کمیته براساس اساسنامه دادگاه دائمی بود و بنابراین متن کاملا جدیدی نبود. با این وجود، کمیته موظف بود که تعدادی از سؤالات را باز بگذارد که به نظر می‌رسید کنفرانس می‌بایست در مورد آنها تصمیم می‌گرفت: آیا دادگاه جدیدی باید ایجاد شود؟ مأموریت دادگاه به عنوان ارگان قضایی اصلی سازمان ملل متحد به چه شکل باید بیان شود؟ آیا صلاحیت دادگاه باید اجباری باشد و اگر چنین است تا چه اندازه این صلاحیت باید امتداد پیدا کند؟ قضات چگونه باید انتخاب شوند؟ تصمیمات نهایی در مورد آن نکات و شکل قطعی اساسنامه در کنفرانس سانفرانسیسکو که ۵۰ کشور در آن شرکت داشتند، گرفته شد. کنفرانس صلاحیت اجباری را مورد قبول قرار نداد.

اما به نفع یک دادگاه کاملا جدید تصمیم گرفت که ارگان اصلی سازمان ملل متحد باشد. دلایل اصلی که کنفرانس را به تصمیم گیری برای ایجاد دادگاه جدید سوق داد، موارد زیر بود:

- از آنجایی که دادگاه قرار بود ارگان قضایی اصلی سازمان ملل متحد باشد، ایفای این نقش توسط دادگاه بین‌المللی دائمی دادگستری، و ارتباط آن با جامعه ملل، که خود در آستانه انحلال بود، نامناسب احساس می‌شد؛
- ایجاد دادگاه جدید بیشتر با مفاد منشور مطابقت داشت و همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد به طور مستقیم طرف اساسنامه دادگاه خواهند بود.
- چندین کشور که عضو اساسنامه دادگاه دائمی بودند در کنفرانس سانفرانسیسکو نمایندگی نداشتند و برعکس، چندین کشوری که در این کنفرانس نمایندگی داشتند، عضو اساسنامه نبودند.
- در برخی زمینه‌ها این احساس وجود داشت که دادگاه دائمی بخشی از نظم قدیمی‌تری را تشکیل می‌داد که در آن کشورهای اروپایی بر امور سیاسی و حقوقی جامعه بین‌المللی تسلط داشته‌اند. ایجاد یک دادگاه جدید این امر را برای کشورهای خارج از اروپا آسانتر می‌ساخت تا در آن نقش موثرتری ایفا کنند. این موضوع درست هم بود زیرا این حقیقت ثابت شد و تعداد اعضای سازمان ملل از ۵۱ نفر در سال ۱۹۴۵ به ۱۹۳ نفر در سال ۲۰۲۰ افزایش یافت.

با این وجود، کنفرانس سانفرانسیسکو در نظر گرفت که درجه‌ای از تداوم باید حفظ شود، به ویژه از آنجا که اساسنامه دادگاه دائمی خود بر اساس تجربیات گذشته تنظیم شده بود و به نظر می‌رسید که به خوبی کار می‌کند. بنابراین منشور به وضوح بیان کرد که اساسنامه دادگاه بین‌المللی دادگستری براساس قانون دادگاه دائمی استوار است. همزمان اقدامات لازم برای انتقال هر چه بیشتر صلاحیت دادگاه دائمی به دادگاه بین‌المللی دادگستری انجام گرفت. در هر صورت، تصمیم به ایجاد دادگاه جدید لزوماً شامل انحلال سلف آن بود. دادگاه دائمی برای آخرین بار در اکتبر ۱۹۴۵ تشکیل شد و تصمیم گرفت آرشیو و آثار خود را به دادگاه بین‌المللی دادگستری جدید منتقل کند، دادگاه بین‌المللی دادگستری نیز مانند سلف خود در کاخ صلح استقرار یافت. قضات دادگاه دائمی همگی در ۳۱ ژانویه ۱۹۴۶ استعفا دادند و انتخاب اولین

اعضای دادگاه بین‌المللی دادگستری در ۶ فوریه ۱۹۴۶ در اولین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد و شورای امنیت انجام گرفت. در آوریل ۱۹۴۶، دادگاه دائمی رسما منحل شد و دادگاه بین‌المللی دادگستری که برای اولین بار تشکیل جلسه داد. اولین پرونده در ماه مه ۱۹۴۷ ارائه شد. این پرونده مربوط به حوادث کانال کورفو بود و توسط بریتانیا علیه آلبانی مطرح شد.

متن اساسنامه دادگاه بین‌المللی دادگستری

ماده ۱

دادگاه بین‌المللی دادگستری که به موجب منشور ملل متحد به عنوان رکن مهم قضایی سازمان تأسیس شده طبق مقررات این اساسنامه تشکیل یافته و انجام وظیفه خواهد کرد.

فصل اول

تشکیلات دادگاه

ماده ۲

دادگاه متشکل از هیئتی از قضات مستقل خواهد بود که بدون توجه به ملیتی که دارند از میان افراد دارای خصوصیات اخلاقی عالی که واجد شرایط لازم در کشورهای متبوع خود برای انتصاب در بالاترین مناصب قضایی هستند یا مشاوران حقوقی دارای صلاحیت شناخته شده در سطح بین‌المللی هستند، انتخاب می‌شوند.

ماده ۳

۱- دادگاه متشکل از پانزده عضو خواهد بود که دو نفر از آنها نمی‌توانند همزمان تبعه یک کشور باشند.

۲- شخصی که به منظور عضویت در دادگاه می‌تواند تبعه بیش از یک کشور تلقی شود، تبعه کشوری تلقی می‌شود که معمولاً در آن از حقوق مدنی و سیاسی استفاده می‌کند.

ماده ۴

۱-اعضای دادگاه بین‌المللی دادگستری را مجمع عمومی و شورای امنیت از میان اشخاصی که اسامی آنها به وسیله گروه‌های ملی مربوط به دادگاه دائمی داوری پیشنهاد می‌شوند، طبق مقررات زیر انتخاب می‌کنند.

۲-در مورد اعضای ملل متحد که در دادگاه دائمی داوری کننده ندارند، داوطلبان به وسیله گروه‌های ملی پیشنهاد خواهند شد که کشورهای آنها برای این منظور و طبق شرایطی که به

موجب ماده ۴۴ مقاوله‌نامه مورخ ۱۹۰۷ راجع به حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی برای اعضای دادگاه دائمی داوری مقرر است، تعیین می‌شوند.

۳-در شرایطی که به موجب آن کشوری که طرف این اساسنامه است ولی عضو سازمان ملل متحد نیست، می‌تواند در انتخاب اعضاء دادگاه شرکت کند، و در صورتیکه موافقتنامه خاصی وجود نداشته باشد، توسط مجمع عمومی به توصیه شورای امنیت تعیین می‌شود.

ماده ۵

۱-سه ماه قبل از تاریخ انتخابات، دبیرکل سازمان ملل متحد اعضای دادگاه دائمی داوری را که تبعه کشورهای امضا کننده این اساسنامه هستند، همچنین اعضای گروه‌های ملی را که طبق فقره دوم ماده ۴ معین شده‌اند، کتباً دعوت می‌نماید تا در مدت معینی به معرفی اشخاصی که موقعیت اشغال مقام عضویت دادگاه بین‌المللی دادگستری را احراز می‌کند، مبادرت کنند.

۲-هیچ گروهی نمی‌تواند در هیچ مورد بیش از چهار نفر که حداکثر دو نفر آنها از ملیت خود آن دسته باشد معرفی کند و در هیچ مورد ممکن نیست بیش از دو برابر تعداد کرسی‌های خالی نامزد نمود.

ماده ۶

به هر گروه ملی توصیه می‌شود که قبل از اقدام به تعیین داوطلبان با عالی‌ترین دادگاه قضایی، دستگاه‌های قضایی و از دانشکده‌های حقوق و فرهنگستان‌های ملی و شعبات ملی فرهنگستان‌های بین‌المللی که مخصوص مطالعات در علم حقوق هستند مشورت کنند.

ماده ۷

۱-دبیرکل صورتی از اسامی کسانی را که به این طریق معرفی شده‌اند به ترتیب حروف الفبا تنظیم می‌کند. فقط این اشخاص قابل انتخاب خواهند بود مگر در موردی که به موجب فقره دوم از ماده ۱۲ پیش بینی شده است.

۲-دبیرکل این لیست را به اطلاع مجمع عمومی و شورای امنیت می‌رساند.

ماده ۸

مجمع عمومی و شورای امنیت هر یک مستقلاً اعضای دادگاه را انتخاب می‌کند.

ماده ۹

در هر انتخاب، انتخاب کنندگان باید در مد نظر داشته باشند اشخاصی که برای عضویت دادگاه بین‌المللی دادگستری معین می‌شوند نه فقط باید شخصاً دارای شرایط مقرر باشند، بلکه مجموعاً بتوانند کننده تمدن‌های بزرگ و مهمترین نظام‌های حقوقی جهان نیز باشند.

ماده ۱۰

۱-کسانی منتخب محسوب می‌شوند که هم در مجمع عمومی و هم در شورای امنیت دارای اکثریت تام بوده‌اند.

۲-در رای شورای امنیت خواه برای انتخاب قضات و خواه برای تعیین اعضای کمیسیون مقرر در ماده ۱۲ هیچ فرقی بین اعضای دائم و غیر دائم شورای امنیت گذاشته نخواهد شد.

۳-هرگاه آرای مجمع عمومی و شورای امنیت به بیش از یک نفر از اتباع یک کشور داده شود، فقط مسن‌ترین آنها انتخاب می‌شود.

ماده ۱۱

هرگاه پس از جلسه اول انتخابات باز کرسی‌ها خالی باقی بماند به طریق مذکور به انتخابات دوم و در صورت لزوم به انتخابات سوم نیز مبادرت می‌گردد.

ماده ۱۲

۱-هرگاه پس از سومین جلسه انتخابات باز کرسی‌هایی خالی بماند، ممکن است در هر موقع به درخواست مجمع عمومی و یا به درخواست شورای امنیت، کمیسیون مشترکی متشکل از شش عضو که نفر که سه آنها را مجمع عمومی و سه نفر دیگر را شورای امنیت تعیین می‌کند، تشکیل می‌شود تا برای هر کرسی خالی اسم یک نفر را به اکثریت تام معین و آن را به منظور انتخاب، بطور جداگانه به مجمع عمومی و به شورای امنیت پیشنهاد کنند.

۲-کمیسیون مشترک می‌تواند اسم هر شخصی را که دارای شرایط مقرر بوده و حائز اتفاق آرای کمیسیون باشد در صورت اسامی قرار دهد، حتی اگر اسم آن شخص در صورت اسامی اشخاصی که به موجب ماده هفت معرفی شده‌اند، موجود نباشد.

۳- هرگاه کمیسیون مشترک تشخیص دهد که نمی‌تواند به تأمین انتخاب موفق گردد، اعضای دادگاه بین‌المللی دادگستری که قبلاً معین شده‌اند کرسی‌های خالی را در مدتی که از طرف شورای امنیت معین می‌شود و از میان اشخاصی که در مجمع عمومی و در شورای امنیت دارای رای بوده‌اند، پر می‌کنند.

۴-هرگاه آرای قضات به طور مساوی تقسیم شود رای مسن‌ترین آنها قاطع خواهد بود.

ماده ۱۳

۱-اعضای دادگاه بین‌المللی دادگستری برای مدت ۹ سال انتخاب شده و قابل انتخابات مجدد نیز خواهند بود. با اینحال در مورد قضاتی که در انتخابات اول اعضای دادگاه معین می‌گردند ماموریت ۵ نفر از آنها در انقضای سه سال و ماموریت پنج نفر دیگر در آخر شش سال خاتمه پذیر می‌شود.

۲-قضاتی را که ماموریت آنها باید در دوره مقدماتی سه سال و شش ساله خاتمه یابد دبیرکل ملل متحد فوراً پس از ختم اولین انتخابات به وسیله قرعه معین می‌کند.

۳-اعضای دادگاه مادامی که جانشین آنها معین نشده است در شغل خود باقی خواهند بود و پس از تعیین جانشین نیز به کارهایی که قبلاً به آن رجوع شده است، رسیدگی خواهند کرد.

۴-در صورت استعفای یکی از اعضای دادگاه بین‌المللی دادگستری، آن استعفا به رئیس دادگاه مزبور داده می‌شود تا به دبیرکل ملل متحد ابلاغ گردد، به محض این ابلاغ کرسی عضو مستعفی خالی محسوب می‌شود.

ماده ۱۴

پرکردن کرسی‌های خالی با قید رعایت ترتیب ذیل به همان طریقی به عمل می‌آید که برای انتخاب اولی مقرر است. دبیرکل ملل متحد باید در ظرف یکماه از تاریخ خالی شدن کرسی، دعوتی را که به موجب ماده ۵ مقرر شده به عمل آورد و تاریخ انتخابات به وسیله شورای امنیت معین خواهد شد.

ماده ۱۵

مدت مأموریت عضو منتخب به جای عضو دیگری که هنوز مدت ماموریت او تمام نشده است همان بقیه مدت سلف او خواهد بود.

ماده ۱۶

۱-اعضای دادگاه نمی‌توانند هیچ مأموریت سیاسی یا اداری به عهده بگیرند یا به شغلی بپردازند که جنبه حرفه‌ای داشته باشد.

۲-در صورت تردید در این مورد، حکم دادگاه قطعی است.

ماده ۱۷

۱-اعضای دادگاه نمی‌توانند در هیچ کاری سمت نمایندگی یا مشاوره‌ای یا وکالت داشته باشند.

۲-آنها نمی‌توانند در تسویه هیچ کاری که سابقاً در آن کار به سمت نمایندگی یا مشاوره یا وکالت یکی از طرفین یا به سمت عضویت یک دادگاه ملی یا بین‌المللی یا یک هیئت تحقیقی یا به هر عنوان دیگری مداخله داشته‌اند شرکت کنند.

۳-در صورت تردید، رای دادگاه قاطع خواهد بود.

ماده ۱۸

۱-اعضای دادگاه را نمی‌توان از شغل خود برکنار نمود، مگر اینکه سایر اعضای دادگاه به اتفاق رای دهند که دیگر آن عضو واجد شرایط مقرر نیست.

۲-دفتردار دادگاه مراتب را رسماً به دبیرکل ملل متحد اطلاع می‌دهد.

۳-به محض این ابلاغ، کرسی عضو برکنار شده، خالی محسوب می‌شود.

ماده ۱۹

اعضای دادگاه در اجرای وظایف خود دارای مزایا و مصونیت‌های سیاسی خواهند بود.

ماده ۲۰

هر عضو دادگاه باید قبل از تصدی شغل خود در جلسه علنی رسماً تعهد نماید که مشاغل خود را در کمال بیطرفی و از روی نهایت وجدان انجام خواهد داد.

ماده ۲۱

۱-دادگاه بین‌المللی دادگستری رئیس و نایب رئیس خود را برای مدت سه سال معین می‌نماید. تجدید انتخاب آنها جایز است.

۲-دادگاه دفتردار و هر کارمند دیگری را که لازم باشد، منصوب می‌کند.

ماده ۲۲

۱-مقر دادگاه مزبور می‌تواند در صورتیکه لازم بداند در جای دیگری مستقر گردد و اجرای وظیفه نماید.

۲-رئیس و دفتردار دادگاه بین‌المللی در مقر دادگاه مقیم خواهند بود.

ماده ۲۳

۱-دادگاه بین‌المللی دادگستری همیشه در حال اشتغال خواهد بود، مگر هنگام تعطیلات قضایی که اوقات و مدت آن را خود دادگاه معین می‌کند.

۲-اعضای دادگاه حق گرفتن مرخصی دارند. تاریخ و مدت این مرخصی‌ها را خود دادگاه با در نظر گرفتن مسافت بین شهر لاهه و خانه اصلی اعضا معین خواهد کرد.

۳-جز در موارد مرخصی یا عدم امکان حضور به علت ناخوشی یا به هر علت مهم دیگری که صحت آن را رئیس دادگاه تشخیص می‌دهد اعضای دادگاه بین‌المللی دادگستری باید همیشه تحت اختیار دادگاه مزبور باشند.

ماده ۲۴

۱-هرگاه نظر به علت خاصی یکی از اعضای دادگاه تشخیص دهد که نباید در رسیدگی به یک کار معینی شرکت کند مراتب را به اطلاع رئیس می‌رساند.

۲-هرگاه در چنین مواردی بین رئیس و عضو دادگاه اختلاف نظر باشد رای خود دادگاه قاطع خواهد بود.

۳-در صورت عدم توافق میان اعضای دادگاه و رئیس آن، حکم دادگاه قطعی است.

ماده ۲۵

۱-دادگاه بین‌المللی دادگستری باید اختیارات خود را در جلسه علنی انجام دهد مگر اینکه به موجب این اساسنامه غیر از این تصریح شده باشد.

۲-با قید اینکه عده قضات حاضر برای تشکیل دادگاه بین‌المللی دادگستری به کمتر از دوازده نرسد، نظامنامه دادگاه مزبور می‌تواند مقرر دارد که یک یا چند نفر از قضات به نوبت و برحسب اوضاع ممکن است از شرکت در جلسات معاف گردند.

۳-برای تشکیل دادگاه حد نصاب نه نفر کافی خواهد بود.

ماده ۲۶

۱-دادگاه بین‌المللی دادگستری می‌تواند در هر موقع بنابه تشخیص خود یک یا چند شعبه که لااقل متشکل از سه نفر باشد تشکیل دهد تا به دعاوی از یک طبقه معین مثلاً به دعاوی راجع به کار و یا راجع به ترانزیت و ارتباطات رسیدگی کند.

۲-دادگاه مزبور می‌تواند در هر موقع برای رسیدگی به یک کار معین شعبه‌های تشکیل دهد. تعداد قضات این شعبه را خود دادگاه با رضایت طرفین دعوی تعیین می‌کند.

۳-شعبه مذکور در این ماده در صورتیکه طرفین تقاضا کنند، حکم خواهند داد.

ماده ۲۷

هر حکمی که به وسیله شعبه‌های مذکور در ماده ۲۶ و ۲۹ داده شود به منزله حکمی خواهد بود که خود دادگاه داده باشد.

ماده ۲۸

شعبه های مذکور در ماده ۲۶ و ۲۹ می‌توانند با رضایت طرفین در خارج از لاهه منعقد گشته و اجرای وظیفه کنند.

ماده ۲۹

به منظور پیشرفت سریع امور، همه ساله دادگاه بین‌المللی دادگستری یک شعبه متشکل از پنج قاضی تشکیل خواهد داد تا در صورت درخواست طرفین رسیدگی اختصاری نماید. بعلاوه دو نفر قاضی نیز معین خواهند شد تا جای هر قاضی را که نتواند در محاکمه شرکت کند، بگیرند.

ماده ۳۰

۱-دادگاه بین‌المللی دادگستری به موجب آیین‌نامه چگونگی انجام وظایف و اختیارات و بویژه آیین دادرسی خود را معین می‌کند.

۲-آیین‌نامه دادگاه مزبور می‌تواند وجود معاونینی را پیش بینی نماید که در خود دادگاه یا در شعبه‌های آن بدون داشتن حق رای حضور به هم رسانند.

ماده ۳۱

۱-قضاتی که ملیت یکی از طرفین دعوی را دارند حق خواهند داشت در رسیدگی به دعوایی که در دادگاه بین‌المللی دادگستری مطرح است شرکت کنند.

۲-اگر در دادگاه مزبور یک قاضی از ملیت یکی از طرفین دعوی باشد، طرف دیگر می‌تواند شخصی را به انتخاب خود معین نماید تا به عنوان قاضی در محاکمه شرکت کند. این شخص باید تا حد ممکن از میان کسانی انتخاب گردد که طبق ماده ۴ و ۵ معرفی شده‌اند.

۳-هرگاه در میان قضات دادگاه هیچکس از ملیت طرفین دعوی وجود نداشته باشد هریک از آنها می‌تواند یک نفر قاضی آنگونه که در بند پیش توضیح داده شده است، معین کند.

۴-مفاد این ماده در مورد ماده ۲۶ و ۲۹ نیز رعایت خواهد شد. در این موارد رئیس دادگاه از یک و در صورت لزوم از دو نفر از اعضای دادگاه که شعبه را تشکیل می‌دهند تقاضا خواهد کرد که جای خود را به اعضایی که ملیت طرفین ذینفع را دارند واگذار کنند و اگر در میان اعضاء عضوی از ملیت طرفین دعوی نباشد یا در صورت بودن آن عضو نتواند در محاکمه شرکت کند جای خود را به قضاتی که طرفین دعوی مخصوصاً معین کرده‌اند خواهند داد.

۵-هرگاه در یک محاکمه چندین طرف منافع مشترک داشته باشند، تمام آنها از حیث اجرای مقررات فوق در حکم یک طرف خواهند بود. در صورت تردید حکم دادگاه قاطع است.

۶-قضاتی که به نحو مذکور در فقره ۲ و ۳ و ۴ این ماده معین می‌شوند باید مقررات ماده ۲ و بند دوم از ماده ۱۷ همچنین مقررات ماده ۲۰ و ۲۴ این اساسنامه درباره آنها رعایت گردد. قضات مزبور براساس برابری کامل با همکاران خود در رای شرکت خواهند کرد.

ماده ۳۲

۱-اعضای دادگاه حقوق سالیانه دریافت خواهند نمود.

۲-به رئیس دادگاه یک حقوق ویژه سالیانه پرداخت می‌شود.

۳-نایب رئیس دادگاه برای هر روزی که شغل ریاست را انجام می‌دهد حقوق ویژه مخصوص دریافت خواهد داشت.

۴-قضات غیر از اعضای دادگاه که به موجب ماده ۳۱ معین می‌شوند برای هر روز که انجام وظیفه می‌کنند حق‌الزحمه‌ای دریافت خواهند نمود.

۵-مقرری و فوق‌العاده و حق‌الزحمه‌های مذکور را مجمع عمومی معین می‌کند. میزان آنها را نمی‌توان در مدت ماموریت قضات پایین آورد.

۶-مقرری دفتردار را مجمع عمومی بنا به پیشنهاد دادگاه تعیین خواهد کرد.

۷-شرایطی را که به موجب آن درباره قضات دادگاه بین‌المللی دادگستری و دفتردار آن مبلغی به عنوان وظیفه برقرار می‌گردد و همچنین شرایطی را که طبق آن باید مخارج سفر قضات و

دفترداری به آنها مسترد گردد آیین نامه‌ای معین خواهد نمود که به تصویب مجمع عمومی رسیده است.

۸-مقرری و فوق‌العاده و حق‌الزحمه‌ها از هرگونه مالیات معاف است.

ماده ۳۳

مخارج دادگاه بین‌المللی دادگستری به نحوی که از طرف مجمع عمومی معین می‌شود به عهده سازمان ملل متحد خواهد بود.

فصل دوم

صلاحیت دادگاه بین‌المللی دادگستری

ماده ۳۴

۱-فقط کشورها می‌توانند به دادگاه بین‌المللی دادگستری رجوع کنند.

۲-دادگاه مزبور می‌تواند طبق شرایط مقرر در آیین‌نامه خود در مورد دعاوی که به دادگاه رجوع شده است از موسسات بین‌المللی عمومی اطلاعات بخواهد و نیز اطلاعاتی را که این موسسات با ابتکار خود به دادگاه می‌دهند دریافت خواهد کرد.

۳-هرگاه در ضمن دعوایی که به دادگاه رجوع گردیده تفسیر سند تأسیس یک موسسه بین‌المللی عمومی یا تفسیر مقاوله‌نامه بین‌المللی که به موجب آن سند قبول شده است مطرح گردد دفتر دادگاه باید صورت جلسات کتبی محاکمه را به اطلاع آن موسسه برساند.

ماده ۳۵

۱-کشورهای امضا کننده این اساسنامه حق رجوع به دادگاه بین‌المللی دادگستری را دارند.

۲-شرایطی که به موجب آن سایر کشورها می‌توانند با رعایت مقررات خاص عهدنامه‌های جاری به دادگاه مزبور رجوع کنند، از طرف شورای امنیت معین خواهد شد، اما در هیچ صورت این شرایط طرفین را در برابر دادگاه در وضعیت نابرابری قرار نخواهد داد.

۳-هرگاه کشوری که عضو ملل متحد نیست طرف دعوی واقع گردد دادگاه بین‌المللی دادگستری سهمیه‌ای را که باید آن کشور در مخارج دادگاه متحمل گردد معین خواهد نمود. با این اوصاف اگر آن کشور در مخارج دادگاه شرکت داشته باشد، دیگر اجرای این حکم مورد نخواهد داشت.

ماده ۳۶

۱-دادگاه بین‌المللی دادگستری نسبت به کلیه اموری که طرفین دعوی به آن رجوع می‌کنند و همچنین نسبت به موارد خاصی که به موجب منشور ملل متحد یا به موجب عهدنامه و مقاوله‌نامه‌های جاری پیشبینی شده است صلاحیت رسیدگی دارد.

۲-کشورهای امضا کننده این اساسنامه می‌توانند در هر موقع اعلام دارند که قضاوت اجباری دادگاه بین‌المللی دادگستری را نسبت به تمام اختلافاتی که جنبه قضایی داشته و مربوط به موضوعات ذیل باشد در مقابل هر کشور دیگری که این تعهد را متقبل گردد به خودی خود و بدون مقاوله‌نامه خاصی قبول می‌کنند

الف) تفسیر یک عهدنامه؛
ب) هر مسئله که موضوع حقوقی بین‌الملل باشد؛
ج) حقیقت هر امری که در صورت ثبوت، نقض یک تعهد بین‌الملل محسوب می گردد؛
د) نوع و میزان غرامتی که باید برای نقض یک تعهد بین‌المللی داده شود.

۳-اعلامیه‌های مذکور ممکن است بدون هیچ قید یا به شرط معامله متقابل با چند کشور یا با بعضی از آنها برای مدت معینی به عمل آید.

۴-این اعلامیه‌ها به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم می‌گردند و ایشان رونوشت آن را به امضا کنندگان این اساسنامه و همچنین به دفتر دادگاه بین‌المللی دادگستری ارسال می‌دارد.

۵-اعلامیه‌هایی که به موجب ماده ۳۶ اساسنامه دادگاه دائمی دادگستری بین‌المللی صادر شده و هنوز معتبر است در روابط بین امضا کنندگان این اساسنامه در حکم آن خواهد بود که قضاوت

اجباری بین‌المللی دادگستری برای بقیه مدت مذکور در آن اعلامیه ها و بر طبق مقررات آنها قبول شده است.

۶-در صورت اختلاف راجع به صلاحیت دادگاه، تصمیم دادگاه معتبر خواهد بود.

ماده ۳۷

هرگاه معاهده یا مقاوله‌نامه در حال اجرا ارجاع موضوعی را به دادگاهی که توسط جامعه ملل تشکیل شده باشد یا به دادگاه دائمی دادگستری بین‌المللی ارجاع دهد، موضوع بین طرفین اساسنامه حاضر به دادگاه بین‌المللی دادگستری ارجاع خواهد شد.

ماده ۳۸

۱-دادگاه بین‌المللی دادگستری که ماموریت دارد اختلافاتی را که به آن رجوع می‌شود بر طبق حقوق بین‌الملل حل و فصل نماید، موازین زیر را اجرا خواهد کرد:

الف) عهدنامه‌های بین‌المللی را اعم از عمومی و خصوصی که به موجب آن قواعدی معین شده است که طرفین اختلاف آن قواعد را به رسمیت شناخته‌اند؛

ب) عرف بین‌المللی به عنوان رویه‌های کلی که به صورت قانون پذیرفته شده است؛

ج) اصول عمومی حقوقی که مقبول ملل متمدن است؛

د) با رعایت حکم ماده ۵۹ تصمیمات قضایی و عقاید برجسته‌ترین دانشوران ملل مختلف به منزله ابزار فرعی برای تعیین قواعد حقوقی.

۲-مقررات این ماده حقی را که دادگاه دادگستری بین‌المللی دارد و به موجب آن می‌تواند در صورت تقاضای طرفین درباره آنها به نحوی تساوی طبق قانون رای دهد، خللی وارد نمی‌کند.

فصل سوم

آیین دادرسی

ماده ۳۹

۱-زبان‌های رسمی دادگاه بین‌المللی دادگستری فرانسه و انگلیسی است. هرگاه طرفین دعوی موافقت کنند که تمام جریان کار به زبان فرانسه به عمل آید، حکم نیز به زبان فرانسه امضا

خواهد شد. هرگاه طرفین دعوی توافق کنند که تمام جریان کار به زبان انگلیسی به عمل آید حکم نیز به زبان انگلیسی داده می‌شود.

۲-در صورت نبودن توافقی برای تعیین زبانی که باید به کار گرفته شود، طرفین دعوی می‌توانند در تقریرات خود هر یک از این دو زبان را که ترجیح می‌دهند به کار برند و حکم دادگاه نیز به فرانسه و انگلیسی صادر خواهد شد. در این صورت دادگاه معین می‌کند که کدام یک از این دو متن معتبر خواهد بود.

۳-دادگاه به درخواست طرفین اجازه خواهد داد که آن طرف زبانی غیر از فرانسه یا انگلیسی به کار برد.

ماده ۴۰

۱-دعاوی به اقتضای مورد یا به وسیله ابلاغ توافق طرفین دعوی یا به وسیله دادخواستی که به دفتردار داده می‌شود به دادگاه رجوع می‌گردد. در هر صورت باید موضوع اختلاف و طرفین دعوی معین گردند.

۲-دفتردار فورا شکایت را به هر یک از طرفین ابلاغ می‌کند.

۳- وی همچنین از طریق دبیرکل به اعضای سازمان ملل متحد و همچنین به هر کشور دیگری که حق حضور در دادگاه را دارد، اطلاع می‌دهد.

ماده ۴۱

۱-دادگاه بین‌المللی دادگستری اختیار دارد در صورتیکه تشخیص دهد که اوضاع و احوال ایجاب می‌کند اقداماتی را که باید برای حفظ حقوق طرفین موقتا به عمل آید، انجام دهد.

۲-تا صدور حکم قطعی تعیین این اقدامات باید فورا به طرفین اختلاف و به شورای امنیت ابلاغ گردد.

ماده ۴۲

۱-طرفین باید توسط نمایندگان نمایندگی شوند.

۲-طرفین می‌توانند در محضر دادگاه از مشاورین حقوقی یا وکلای دادگستری کمک بگیرند.

۳-نمایندگان و مشاوران و وکلای طرفین در محضر دادگاه دارای مزایا و مصونیت‌هایی خواهند بود که برای انجام آزادانه وظایف آنها لازم است.

ماده ۴۳

۱-آیین رسیدگی دو مرحله دارد: کتبی و شفاهی.

۲-آیین کتبی عبارت است از ابلاغ لوایح متقابل جواب آنها به قاضی و به طرف و همچنین از ابلاغ اوراق و مدارک مربوط به دعوی.

۳-ابلاغ به وسیله دفتردار و به ترتیب در مدتی که از طرف دادگاه معین می‌شود، به عمل می‌آید.

۴-رونوشت مصدق هرگونه اوراق که یکی از طرفین می‌دهد باید به طرف دیگر ابلاغ شود.

۵-آیین شفاهی عبارت است از استماع به اظهارات شهود و کارشناسان، نمایندگان، و مشاورین حقوق وکلای دعوی.

ماده ۴۴

۱-برای ابلاغ کلیه اخطارها به اشخاصی غیر از نمایندگان، و وکیل، دادگاه مستقیماً از کشوری که اخطار باید در قلمرو آن ابلاغ شود درخواست خواهد کرد.

۲-هر زمان که اقداماتی برای تهیه شواهد در محل انجام شود، همین حکم اعمال خواهد شد.

ماده ۴۵

رسیدگی تحت ریاست رئیس و در صورت غیبت او تحت ریاست نایب رئیس به عمل می‌آید. در صورت غیبت هر دو ریاست به عهده قدیمی‌ترین قاضی از میان قضات حاضر خواهد بود.

ماده ۴۶

جلسه رسیدگی علنی است مگر اینکه خود دادگاه تصمیم دیگری بگیرد، یا اینکه طرفین درخواست کنند که جلسه بدون حضور تماشاچی تشکیل شود.

ماده ۴۷

۱-در هر جلسه صورت جلسه‌ای تهیه خواهد شد که به امضای رئیس و دفتردار می‌رسد.

۲-فقط این صورت جلسه اعتبار سند رسمی خواهد داشت.

ماده ۴۸

دادگاه دستورات مربوط به روند دادرسی را صادر می کند، در مورد فرم و زمانی که هر یک از طرفین باید استدلال خود را به پایان برسانند، تصمیم می گیرد و تمام ترتیبات مربوط به جمع آوری شواهد را انجام می‌دهد.

ماده ۴۹

دادگاه بین‌المللی دادگستری می‌تواند حتی قبل از شروع جلسه از نمایندگان طرفین بخواهد که تمام مدارک را تقدیم و کلیه توضیحات خود را بدهند. در صورت امتناع این موضوع را دادگاه منظور نظر خواهد داشت.

ماده ۵۰

دادگاه می تواند در هر زمانی به هر فرد، ارگان، دفتر، کمیسیون یا سازمان دیگری که انتخاب کند، انجام تحقیق یا اظهار نظر کارشناسی را محول کند.

ماده ۵۱

در جریان محاکمه کلیه پرسش‌های مقتضی از شهود و کارشناسان بر طبق ترتیبات ویژه‌ای به عمل می‌آید که دادگاه بین‌المللی دادگستری در آیین‌نامه مذکور در ماده ۳۰ مقرر خواهد داشت.

ماده ۵۲

پس از آنکه در تاریخ‌های مقرر اسناد و مدارک دریافت و اظهارات شهود استماع گردید، دادگاه می‌تواند هر شهادت یا مدارک جدیدی را که یکی از طرفین بخواهد بدون رضایت طرف دیگر در اختیار او قرار دهد، انکار کند.

ماده ۵۳

۱-اگر یکی از طرفین در جلسه رسیدگی حاضر نشود یا از ابراز دلایل خودداری نماید، طرف دیگر می‌تواند از دادگاه تقاضا نماید که بر طبق درخواست‌های او حکم بدهد.

-۲قبل از اینکه دادگاه این تقاضا را بپذیرد، باید مطمئن گردد که نه فقط طبق ماده ۳۶ و ۳۷ صلاحیت رسیدگی دارد، بلکه درخواست‌های مزبور هم از نقطه نظر حقوقی و هم از نقطه نظر عملی صحیح و با اساس است.

ماده ۵۴

۱-هنگامیکه نمایندگان، مشاوران و وکلای دادگستری، مشروط به کنترل دادگاه، ارائه پرونده را تکمیل کردند، رئیس جلسه رسیدگی را ختم اعلام می‌کند.

۲-سپس هیئت داوران برای مشورت به اتاق مشاوره ارسال می‌شود.

۳-مذاکرات دادگاه محرمانه انجام می‌شود و مخفی خواهد بود.

ماده ۵۵

۱-احکام داوران با اکثریت قضات حاضر صادر می‌شود.

۲-در صورت تساوی آراء، رای رئیس یا کسی که جانشین او است قاطع خواهد بود.

ماده ۵۶

۱-حکم باید موجه باشد.

۲-اسامی قضاتی که در صدور حکم شرکت کرده‌اند، باید در حکم قید گردد.

ماده ۵۷

هرگاه حکم بطور کامل و یا جزئی به اتفاق آراء قضات صادر نشده باشد، هر قاضی حق خواهد داشت شرح عقیده شخصی خود را به رای صادره ضمیمه کند.

ماده ۵۸

حکم باید به امضای رئیس و دفتردار برسد و در جلسه علنی که نمایندگان طرف طبق مقررات به آنجا دعوت شده باشند خوانده می‌شود.

ماده ۵۹

احکام دادگاه فقط درباره طرفین اختلاف و در موردی که موضوع حکم بوده الزام‌آور است.

ماده ۶۰

احکام دادگاه قطعی و غیر قابل استیناف است. در صورت اختلاف در مورد معنی و حدود حکم، دادگاه می‌تواند به درخواست هر طرفی آن را تفسیر نماید.

ماده ۶۱

۱-تجدید نظر در حکم را نمی‌توان از دادگاه تقاضا کرد مگر در صورت کشف یک امری که در قضیه اثر قطعی داشته و قبل از صدور حکم، خود دادگاه و طرفی که تقاضای تجدید نظر می‌نماید از وجود آن امر اطلاع نداشته‌اند و از ناحیه طرف مزبور هم تقصیری برای این عدم اطلاع نبوده است.

۲- دادرسی تجدید نظر با یک حکم دادگاه آغاز می شود که صریحاً وجود واقعیت جدید را ثبت می کند، و به این واقعیت که از نوع قابل تجدید نظر است، اعتراف می کند و درخواست را به این دلیل قابل قبول می‌داند.

۳-دادگاه می‌تواند شروع آیین تجدید نظر را به اجرای قبلی حکم متوقف سازد.

۴- درخواست تجدید نظر باید در مدت شش ماه پس از کشف واقعیت جدید ارائه شود.

۵-پس از انقضای ده سال از تاریخ حکم هیچ درخواست تجدید نظر امکان پذیر نخواهد بود.

ماده ۶۲

۱-هرگاه کشوری تشخیص دهد که قضاوتی که به عمل آمده به یکی از علایق حقوقی آن مربوط می‌شود می‌تواند برای دخالت در قضیه به دادگاه عرض حال بدهد.

۲-در مورد این تقاضا رای دادگاه قاطع است.

ماده ۶۳

۱-هرگاه امر مربوط به تفسیر مقاوله‌نامهی باشد که در آن مقاوله‌نامه کشورهای دیگر غیر از طرفین اختلاف شرکت داشته‌اند، دفتردار باید بدون درنگ مراتب را به اطلاع آن کشورها برساند.

۲-هر یک از این کشورها حق دارد که وارد محاکمه شود و در صورت اعمال این حق تفسیری که به موجب حکم دادگاه به عمل می‌آید درباره او نیز الزام‌آور خواهد بود.

ماده ۶۴

هریک از طرفین دعوی مخارج محاکمه مربوط به خود را متحمل خواهد شد مگر اینکه دادگاه ترتیب دیگری مقرر دارد.

فصل چهارم

نظریه‌های مشورتی

ماده ۶۵

۱-دادگاه می‌تواند در هر مسئله قضایی به تقاضای هر سازمان یا موسسه‌ای که منشور ملل متحد به او اجازه چنین تقاضا را می‌دهد یا برطبق مقررات آن منشور می‌تواند این اقدام را به عمل آورد، نظریه مشورتی ارائه دهد.

-۲موضوعاتی که در مورد آن نظریه مشورتی دادگاه خواسته می‌شود باید ضمن عرض حال کتبی بیان و در عرض حال مزبور آن موضوعات باید با عبارت صریح شرح داده شود. هر نوع مدارکی که ممکن است موجب روشن کردن مسئله باشد، باید به عرض حال ضمیمه گردد.

ماده ۶۶

۱-دفتردار فوراً عرض حالی را که به موجب آن درخواست نظریه مشورتی به عمل آمده به تمام کشورهایی که حق اقامه دعوی در دادگاه دارند ابلاغ می‌کند.

۲-بعلاوه دفتردار باید به موجب ابلاغ مخصوص و مستقیم به هر کشوری که حق اقامه دعوی در دادگاه یا یک سازمان بین‌المللی که به تشخیص دادگاه یا در صورتیکه دادگاه به تشخیص فرد توانایی دادن اطلاعات لازم را داشته باشد اطلاع دهد که دادگاه حاضر است در ظرف زمانی که رئیس دادگاه معین می‌کند، اظهاریه‌های کتبی دریافت یا بیانات شفاهی آنها را در جلسه علنی که برای این منظور تشکیل می‌شود، استماع کند.

۳- در صورتیکه هر یک از این کشورهای مجاز به حضور در دادگاه، اطلاعیه ویژه مذکور در بند ۲ این ماده را دریافت نکرده باشد، این کشور می‌تواند خواستار ارائه بیانیه کتبی یا درخواست شنیدن شود.

۴-به کشورها یا موسسه‌هایی که لوایح کتبی یا توضیحات شفاهی داده‌اند اجازه داده می‌شود که لوایح و توضیحات کشورها با سازمان‌های دیگر را به طریق و در مدتی که در هر مورد بخصوص از طرف دادگاه در صورت دایر نبودن آن از طرف رئیس معین می‌شود مورد بحث و اظهار نظر قرار دهند و برای این منظور دفتردار در مورد مقتضی اظهاریه‌های کتبی را به کشورها و موسساتی که خود آنها نیز اظهاریه‌هایی تقدیم داشته‌اند، ارسال می‌دارند.

ماده ۶۷

دادگاه در یک جلسه عمومی، پس از اطلاع دادن به دبیر کل و نمایندگان اعضای سازمان ملل متحد، سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی که مستقیماً مورد توجه قرار می‌گیرند، نظرات مشورتی خود را ارائه می‌دهد.

ماده ۶۸

دادگاه باید در حین اجرای وظایف مشورتی خود مقررات این اساسنامه را در مورد اختلافات مطروحه‌ای که قابل اعمال می‌داند، تا حد امکان مراعات کند.

فصل پنجم

اصلاحات

ماده ۶۹

اصلاحات این اساسنامه به همان طریقی به عمل می‌آید که برای اصلاحات منشور ملل متحد مقرر است، اما مشروط و منوط به تصمیماتی خواهد بود که مجمع عمومی بنابه توصیه شورای امنیت برای شرکت کشورهایی اتخاذ می‌کند که این اساسنامه را امضا کرده‌اند ولی عضو سازمان ملل متحد نیستند.

ماده ۷۰

دادگاه می‌تواند اصلاحاتی را که به تشخیص او لازم است در این اساسنامه به عمل آید به وسیله ابلاغ کتبی به دبیرکل سازمان ملل متحد پیشنهاد نماید تا طبق مقررات ماده ۶۹ مورد رسیدگی واقع شود.

مقاوله‌نامه

پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی

پیش‌زمینه‌های شکل‌گیری مقاوله‌نامه پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی

مقاوله‌نامه پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی (ژنوساید) یک سند حقوق بین‌الملل است که برای اولین بار جنایت نسل‌کشی را تدوین و مقابله با آنرا به امری قانونی و تعهدی برای کشورها تبدیل کرد. مقاوله‌نامه نسل کشی اولین معاهده حقوق بشری بود که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۹ دسامبر ۱۹۴۸ تصویب شد و نشان داد که جامعه بین‌المللی تعهدی گریزناپذیر در برابر قربانیان اینگونه جنایت دارد که تسامح در برابر آن امکان ناپذیر است. تدوین مقاوله‌نامه در اولین سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم رابطه اندیشه‌ای جهانشمول برای جلوگیری از جنایت نسل کشی و تنبیه عاملان و آمران آنرا با وقوع جنایاتی که کشورهای فاشیستی در طول جنگ انجام داده بودند، آشکار ساخت. به این ترتیب این ضرورت کیفری را نیز به اندیشه‌های حقوقی بین‌الملل کشاند که هیچ جنایتکاری نمی‌تواند از مجازات گریزی داشته باشد. بنابراین، تصویب مقاوله‌نامه گامی حیاتی در جهت توسعه و تدوین حقوق بشر بین‌المللی و در عین حال، حقوق کیفری بین‌المللی آنگونه که محل ارجاع اینگونه جنایات است، را فراهم آورد.

در اصل مفهوم «نسل‌کشی» در برگیرنده جنایتی است که شنیع بودن آن از «کشتار جمعی»، «جنایت علیه بشریت»، و یا «نازی سازی» عمیقتر و دلخراش‌تر است. به همین دلیل، رافائل لمکین، حقوقدان یهودی الاصل لهستانی که از آغاز کودکی شاهد جنایت‌هایی بود که علیه نسل‌های خاصی انجام می‌شد، کارزار بین‌المللی را بوجود آورد تا ثابت کند کشتن نژادهای خاص جنایتی بین‌المللی است که باید پیشگیری شده و عاملان آن مجازات شوند. در سال ۱۹۳۳، لمکین جزوه‌ای منتشر کرد که در آن پیشنهاد شده بود که جامعه ملل قوانین بین‌المللی جدیدی را در رابطه با قتل عام گروه‌هایی از مردم، که او آنرا «وحشیگری»[1] و همچنین «ویرانگری»[2] می‌خواند، ایجاد کند. هدف او این بود که کشتار ارامنه توسط امپراطوری عثمانی در سال ۱۹۱۵ به عنوان شروعی برای تعریف مشخص جنایت نسل‌کشی باشد. به دنبال اشغال لهستان توسط ارتش نازی، رافائل توانست به امریکا گریخته و فعالیت‌های خود را در آنجا متمرکز سازد. واژه ژنوساید، یا «نسل‌کشی»، توسط او ابداع شد تا بتواند

---

[1] Barbarism
[2] Vandalism

مهیب بودن این نوع جنایت و ضرورت جلوگیری و مجازات آنرا به جهانیان ثابت کند. خود او واژه نسل کشی را اینگونه توضیح می‌دهد:

> منظور از «نسل کشی» نابودی یک ملت یا یک گروه قومی است. این کلمه جدید که برای نشان دادن رویه قدیمی در توسعه مدرن آن ابداع شده است، از کلمه یونانی باستان genos (نژاد، قبیله) و cide لاتین (کشتن) ساخته شده است. به طور کلی، نسل کشی لزوماً به معنای نابودی فوری یک ملت نیست، مگر زمانی که با کشتار جمعی همه اعضای یک ملت انجام شود. هدف آن بیشتر نشان دادن برنامه‌ای هماهنگ و متشکل از اقدامات مختلفی است که با هدف نابودی پایه‌های اساسی حیات گروه‌های ملی، با هدف نابودی خود گروه‌ها صورت می‌گیرد. نسل‌کشی علیه گروه ملی به‌عنوان موجودیت آنها انجام می‌شود و اقداماتی که به اینطریق صورت می‌گیرد، علیه افراد است، اما نه در مقام فردی آنان، بلکه به عنوان اعضای یک گروه خاص.[۱]

سوابق انجام تلاش‌هایی برای مقابله با جنایت نسل کشی از طریق قوانین حقوقی به دادگاه‌های نظامی برای محاکمه سران آلمان نازی در پایان جنگ جهانی دوم باز می‌گردد. در تابستان ۱۹۴۵، نمایندگان قانونی چهار کشور متفق در لندن گرد هم آمدند تا منشوری برای شکل گیری دادگاه نظامی بین‌المللی برای محاکمه جنایت‌کاران جنگ ایجاد کنند. دادگاه مورد نظر آنان ، که بین ۲۰ نوامبر ۱۹۴۵ تا ۱ اکتبر ۱۹۴۶ در نورنبرگ آلمان برگزار شد، مسئولیت تعقیب جنایت‌کاران جنگی نازی به دلیل جنایاتی که در طول جنگ جهانی دوم، شامل هولوکاست، را برعهده داشت. دادگاه چهار نوع جنایت، شامل توطئه علیه صلح، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و راه اندازی جنگ تجاوزکارانه را دنبال کرد. در سوابق دادگاه، جنایت هولوکاست زیر عنوان جنایات علیه بشریت قرار گرفت. اما جنایت نسل‌کشی در دستور کار این دادگاه و محاکمات آن قرار نداشت، شاید به این دلیل که آزار و اذیت و کشتار جمعی یهودیان در آنزمان چندان آشکار نشده بود. اما در سال‌های بعد که به تدریج نسل‌کشی

---

[1] Lemkin, R. (2005). *Axis Rule in Occupied Europe: Law of Occupation, Analysis of Government Proposal for Redress*. New Jersey: The LawBook Exchange, Ltd.

یهودیان آشکار گشت، و اظهارات شاهدان زندانیان در اردوگاه مرگ بیشتر و بیشتر در اختیار افکار عمومی قرار گرفت، حساسیت نسبت به این جنایت نیز بالاتر گرفت.

محاکمات نورنبرگ در نهایت منجر به اصول نورنبرگ شد که جنایات جنگی را تعریف می‌کرد. این محاکمات همچنین سابقه‌ای برای شکل‌گیری مقاوله‌نامه نسل کشی، اعلامیه جهانی حقوق بشر، مقاوله‌نامه لغو محدودیت‌های مربوط به جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، و مقاوله‌نامه ژنو ایجاد کرد. اما ناکامی در محکوم کردن جنایت نسل‌کشی، بعنوان امری حساس باعث شد تا برای توسعه و تدوین قوانینی برای مقابله و مجازات نسل کشی در دستور مجمع عمومی سازمان ملل جوان آن زمان قرار گیرد. در اولین جلسه مجمع عمومی، در اواخر سال ۱۹۴۶، کوبا، پاناما و هند پیشنویس قطعنامه‌ای را در دستور کار مجمع عمومی قرار دادند که با نوآوری شگرفی همراه بود. اول اینکه نسل کشی جنایتی است که می‌تواند در زمان صلح و همچنین در زمان جنگ انجام شود. دوم، به رسمیت شناختن مسئولیت جنایت نسل‌کشی زیر عنوان اصل صلاحیت جهانشمول بود، یعنی اینکه هر کشوری در جهان صلاحیت دارد تا اینگونه جانیان را مورد پیگرد قرار دهد.[1] (یعنی می تواند توسط هر کشوری مورد پیگرد قانونی قرار گیرد، حتی در غیاب پیوند سرزمینی یا شخصی). در نهایت، قطعنامه شماره (۱)۹۶ مجمع عمومی در ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶، جنایت نسل کشی تعریف و به تصویب رسید. بخش‌هایی از این قطعنامه ضرورت جلوگیری و تنبیه عاملان آنرا نشان می‌دهد.

> نسل کشی نفی حق وجود کل گروه‌های انسانی است، همانطور که شامل قتل انکار حق زندگی آحاد افراد بشر است. چنین انکار حق هستی وجدان بشریت را تکان می‌دهد... و خسارات زیادی به بشریت وارد می‌کند که مغایر با قوانین اخلاقی و روح و اهداف سازمان ملل است
>
> بسیاری از موارد این گونه جنایات نسل‌کشی زمانی رخ داده است که گروه های نژادی، مذهبی، سیاسی و غیره به طور کامل یا جزئی نابود می‌شوند...

---

[1] نگاه کنید به کتاب «بنیادها و موضوعات حقوق بشر بین‌المللی» از این نویسنده. نسخه رایگان کتاب بر روی تارنمای اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل قابل دسترسی است.

بنابراین مجمع عمومی، تأیید می‌کند که نسل کشی طبق قوانین بین‌المللی جنایتی است که جهان متمدن آن را محکوم می‌کند... و از کشورهای عضو دعوت می‌کند تا قوانین لازم را برای پیشگیری و مجازات این جنایت وضع کنند.

همچنین توصیه می‌کند که همکاری‌های بین‌المللی بین کشورها با هدف تسهیل پیشگیری و مجازات سریع جنایت نسل‌کشی سازماندهی شود و به این منظور،

از شورای اقتصادی و اجتماعی درخواست می‌کند تا مطالعات لازم را به منظور تهیه پیش نویس مقاوله‌نامه جنایت نسل‌کشی به منظور ارائه به جلسه عادی بعدی مجمع عمومی انجام دهد.

متن مقاوله‌نامه پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۹ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسید. پس از اخذ بیست مورد تصویب مورد نیاز براساس ماده سیزدهم، مقاوله‌نامه در ۱۲ ژانویه ۱۹۵۱ لازم‌الاجرا شد.

طبق مقاوله‌نامه نسل کشی، نسل کشی جرمی است که می تواند هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح رخ دهد. مهمتر از همه، مقاوله‌نامه برای کشورهای عضو این تعهد را ایجاد می‌کند که اقداماتی را برای پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی، از جمله با وضع قوانین مربوطه و مجازات عاملان، «خواه حاکمان مسئول قانون اساسی، چه مقامات دولتی یا افراد خصوصی باشند». (ماده ۴) این الزام، علاوه بر ممنوعیت عدم ارتکاب نسل کشی، به عنوان هنجارهای حقوق عرفی بین‌المللی تلقی شده و بنابراین برای همه کشورها، اعم از اینکه مقاوله‌نامه نسل کشی را تصویب کرده باشند یا خیر، الزام آور است.

تعریف جنایت نسل‌کشی و ضرورت مقابله با آن در مقاوله‌نامه رم، اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی نیز تبلور یافت. ماده ۶ اساسنامه این جنایت را تعریف کرده و دادگاه کیفری را برای محاکمه عاملان جنایت نسل‌کشی صالح و صاحب اختیار دانسته است:

از نظر این اساسنامه، "نسل کشی" به هر یک از اعمال زیر اطلاق می‌شود که با قصد نابودی کلی یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی انجام می‌شود.

امروزه نسل‌کشی به‌عنوان جنایتی درنظر گرفته می‌شود که رسیدگی به آن در حوزه صلاحیت همه کشورهای جهان قرار می‌گیرد.

متن مقاوله‌نامه پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی

مقدمه

با توجه به اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه (۱)۹۶ مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶، مبنی بر اینکه نسل کشی براساس حقوق بین‌الملل جنایتی است، برخلاف روح و اهداف سازمان ملل متحد و جهان متمدن آن را محکوم می‌کند،

با اذعان به اینکه نسل کشی در تمام دوره‌های تاریخ خسارات بزرگی را به بشریت وارد کرده است، و

متقاعد شده است که برای رهایی بشر از چنین بلای نفرت انگیزی به همکاری بین‌المللی نیاز است،

بدینوسیله به شرح ذیل موافقت می‌کنند:

ماده ۱ - طرفین متعاهد تصدیق و تأیید می‌کنند که (کشتار دسته جمعی) اعم از اینکه در موقع صلح صورت گیرد، یا جنگ، به موجب حقوق بین‌المللی جنایت محسوب می‌شود و تعهد می‌کنند از آن جلوگیری کرده و مورد مجازات قرار دهند.

ماده ۲ - در این مقاوله‌نامه مفهوم نسل کشی به یکی از اعمال زیر اطلاق می‌شود که با هدف نابودی تمامی، یا گروه ملی و قومی و نژادی و یا مذهبی صورت می‌گیرد:

۱-قتل عام اعضای یک گروه؛

۲-صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی و یا روحی افراد آن گروه؛

۳-تحمیل عمدی بر گروه در شرایط زندگانی نامناسبی که به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آنها منجر شود؛

۴-اقداماتی که به منظور جلوگیری از تولد نسل‌های آن گروه؛

۵-انتقال اجباری اطفال آن گروه به گروه‌های دیگر.

ماده ۳ - اقدامات زیر مستوجب مجازات است:

۱-نسل کشی.

۲-تبانی بمنظور ارتکاب نسل کشی.

۳-تحریک مستقیم و علنی برای ارتکاب نسل کشی.

۴-شروع به ارتکاب به نسل کشی.

۵-شرکت در جنایت نسل کشی.

ماده ۴ – اشخاصی که مرتکب جنایت نسل کشی و یا اعمال مشروحه در ماده سوم شوند، اعم از اینکه اعضای حکومت یا مستخدمین کشور و یا اشخاص عادی باشند، مجازات خواهند شد.

ماده ۵ - طرفین متعاهدین ملزم می‌شوند که بر طبق قوانین اساسی مربوط خود تدابیر قانونی لازم برای تأمین اجرای مقررات این مقاوله‌نامه اتخاذ کنند و مخصوصاً کیفرهای مؤثر درباره مرتکبان کشتار دسته جمعی یا یکی دیگر از اعمال مشروحه در ماده سوم را در نظر بگیرند.

ماده ۶ - اشخاص متهم به ارتکاب کشتار دسته جمعی یا یکی دیگر از اعمال به شرح ماده سه به دادگاه‌های صالح کشوری که جرم در آنجا ارتکاب شده و یا به دادگاه کیفری بین‌المللی که طرفین متعاهد صلاحیت آنرا شناخته باشد جلب خواهند شد.

ماده ۷ - عمل کشتار دسته جمعی و اعمال دیگر مذکور در ماده سه از لحاظ استرداد مجرمین، جرم سیاسی محسوب نمی‌شود. در این قبیل موارد طرفین متعاهد تعهد می‌کنند طبق قوانین کشور خود و مقاوله‌نامه‌های موجود استرداد موافقت کنند.

ماده ۸ - هر یک از متعاهدین می‌توانند از مراجع صلاحیت دار سازمان ملل بخواهد که بر طبق منشور ملل متحد برای جلوگیری و مجازات کشتار دسته جمعی یا اعمال دیگر مذکور در ماده ۳ اقدامات مقتضی به عمل آورد.

ماده ۹ - اختلافات حاصله میان متعاهدین در خصوص تفسیر و تطبیق یا اجرای این مقاوله‌نامه منجمله اختلافات راجع به مسئولیت یک کشور در مورد عمل کشتار دسته جمعی یا اعمال دیگر مذکور در ماده ۳ به تقاضای یکی از طرفین اختلاف به دادگاه بین‌المللی دادگستری ارجاع می‌شود.

ماده ۱۰ - این مقاوله‌نامه که متن‌های چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی آن بطور مساوی معتبر شناخته می‌شود، در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۴۸ تصویب شد.

ماده ۱۱ - این مقاوله‌نامه تا ۳۱ دسامبر ۱۹۴۹ برای امضای اعضای سازمان ملل متحد و هر کشور غیر عضوی که مجمع عمومی در این خصوص از آن دعوت کرده باشد آماده خواهد بود. این مقاوله‌نامه به تصویب رسیده و نسخ مصوب آن به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد گردید.

از تاریخ اول ژانویه ۱۹۵۰ هر عضو سازمان ملل یا هر کشور غیر عضوی که به شرح بالا از آن دعوت شده باشد می‌تواند به این مقاوله‌نامه ملحق شود.

ماده ۱۲ - هر کشور متعاهد در هر موقع می‌تواند با اعلام به دبیرکل سازمان ملل متحد مقررات این مقاوله‌نامه را به کشورها یا یک کشوری که امور خارجی مربوط به آن را عهده‌دار است شامل نماید.

ماده ۱۳ - همین که بیست سند تصویب یا اسناد الحاق به دبیرکل سازمان برسد صورت مجلسی در این باب از طرف او تنظیم شده و رونوشت آن صورت مجلس را برای تمام اعضای ملل متحد و کشورهای غیر عضو مذکور در ماده ۱۱ خواهد فرستاد. این مقاوله‌نامه پس از نود روز از تاریخ تسلیم بیستمین سند مصوب یا اسناد الحاق بموقع اجرا گذاشته خواهد شد. هر تصویب یا الحاقی بعد از آن تاریخ صورت گیرد ۹۰ روز پس از تسلیم سند تصویب یا الحاق معتبر خواهد بود.

ماده ۱۴- مدت مقاوله‌نامه از تاریخ اجرای آن ده سال خواهد بود. پس از پایان مدت مزبور نیز مادام که طرفین متعاهد لااقل شش ماه قبل از انقضاء آنرا فسخ نکرده باشد، پنج سال خود بخود تمدید خواهد شد.

فسخ مقاوله‌نامه مزبور کتباً اعلام و بعنوان دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال خواهد گردید.

ماده ۱۵- هرگاه برابر فسخ این مقاوله‌نامه، عده متعاهدین به کمتر از شانزده برسد مقاوله‌نامه مزبور از تاریخ اعلام فسخ و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد.

ماده ۱۶ - هر یک از متعاهدین در هر موقع حق دارد به وسیله اعلام کتبی به دبیرکل سازمان ملل تجدید نظر در این مقاوله‌نامه را تقاضا نماید. مجمع عمومی درباره این تقاضا به نحو مقتضی تدابیر لازم اتخاذ خواهد کرد.

ماده ۱۷ - دبیرکل سازمان ملل متحد مراتب ذیل را به کشورهای عضو سازمان و کشورهای غیرعضو مذکور در ماده ۱۱ اعلام خواهد کرد:

الف) امضاها و تصویب‌ها و الحاق‌هائی که به منظور اجرای ماده ۱۱ به دبیرکل ارسال شوند.

ب) اعلامیه‌هایی که در اجرای ماده ۱۲ می‌رسد.

پ) تاریخی که این مقاوله‌نامه به موجب ماده ۱۳ بموقع اجرا گذارده می‌شود.

ت) اعلام فسخ مقاوله‌نامه به موجب ماده ۱۴

ث) الغاء مقاوله‌نامه به موجب ماده ۱۵

ج) اعلامیه‌هایی که به موجب ماده ۱۶ دریافت گردد.

ماده ۱۸ - نسخه اصلی این مقاوله‌نامه در بایگانی سازمان ملل متحد ضبط خواهد گردید. یک نسخه مصدق برای هر یک از اعضای سازمان ملل متحد و کشورهای عضو مذکور در ماده ۱۱ فرستاده خواهد شد.

ماده ۱۹ - این مقاوله‌نامه از طرف دبیرکل سازمان ملل متحد در تاریخ اجراء به ثبت خواهد رسید.

اعلامیه جهانی

حقوق بشر

پیش‌زمینه‌های تدوین و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر[1]

اعلامیه جهانی حقوق بشر که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید، حاصل تجربه جنگ جهانی دوم بود. با پایان آن جنگ، و ایجاد سازمان ملل متحد، جامعه بین‌المللی تصمیم گرفت که دیگر هرگز اجازه ندهد که جنایاتی مانند آنچه در جنگ جهانی دوم صورت گرفتند، تکرار شود. رهبران جهان تصمیم گرفتند که منشور سازمان ملل را با نقشه راهی تکمیل کنند تا حقوق هر فرد در همه جای جهان بدون هرنوع تبعیضی براساس نژاد، مذهب، قومیت، و یا زبان، تضمین شود.

در سال ۱۹۴۶ کمیته مقدماتی از سوی شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد تشکیل شد تا پایه‌های شکل‌گیری کمیسیون نوین حقوق بشر را تاسیس کند. کمیته از ابتدا دریافت که باید طرح‌ها، گزارش‌ها و دلایلی را برای پیش‌نویس منشور بین‌المللی حقوق بشر تهیه کند و برای این منظور از دبیرکل ملل متحد درخواست کرد تا زمینه جمع‌آوری این‌گونه نیازهای ضروری را فراهم آورد. نخستین گزارش کمیته مذکور به دومین اجلاس شورای اقتصادی و اجتماعی تسلیم شد.[2]

در فوریه سال۱۹۴۷ براساس تصمیم اولین جلسه کمیسیون حقوق بشر، گروهی مامور شدند تا طرح منشور بین‌المللی حقوق بشر را تهیه کنند. با تصمیم دبیرخانه ملل متحد، رهبری این گروه به عهده جان همفری که به ریاست دفتر حقوق بشر ملل متحد منصوب شده بود، گذاشته شد. از جمله کارهای بدیع و بی‌نظیر کمیته باید به تلاشی اشاره کرد که برای تدوین منشور حقوق بشر با ماهیتی جهان‌شمول صورت گرفت. کمیسیون حقوق بشر تصمیم گرفت، نمایندگانی از دیگر کشورها به عضویت کمیسیون درآورد تا تصمیماتی که می‌گیرند، ماهیتی اجماعی، جهان‌شمول و دربرگیرنده داشته باشد. اما بی‌تردید، این تنوّع گسترده نمایندگی فرهنگ‌های مختلف، مسیر دستیابی به اجماعی

---

[1] این مقدمه از فصل دوم از کتاب «بنیادها و موضوعات حقوق بشر بین‌المللی» از این نویسنده که توسط نشر آفتاب در نروژ انتشار یافته است، استخراج گردید. نسخه رایگان این کتاب بر روی تارنمای اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل در دسترس همگان می‌باشد.

[2] Report of the Commission on Human Rights to the 2nd session of the Economic and Social Council. /38/Rev.1.

همپوش درباره تعاریف حقوق بشر و قانون‌گذاری‌های مرتبط با آن را مشکل می‌ساخت. به عنوان مثال، نماینده چین، آقای چانگ، بر منابع فلسفی چینی حقوق بشر اصرار می‌کرد. آقای چارلز مالک از لبنان به پیش زمینه‌های تاریخی توجه می‌داشت و نماینده آمریکای لاتین نیز در پی آن بود تا به پیش‌زمینه‌ها توجه کافی مبذول شود. نماینده روسیه نیز نگران این موضوع بود که ممکن است طرح اولیه، بیشتر تحت تاثیر اندیشه‌های گروه خاصی باشد. این نگرانی‌ها که مانع از پیشرفت کار در مسیر اصلی و زمان لازم می‌شد، این ضرورت را ایجاب کرد تا طرح‌های مختلفی از سوی حتی نهادهای غیردولتی دریافت و به پیش‌نویس اعلامیه‌ای منجر شود که بتواند مورد قبول همگان قرار گیرد.

شایان ذکر است؛ تهیه پیشنویس منشوری برای قانون‌گذاری حقوق بشر، مستلزم در نظر داشتن ابعاد متفاوتی از حقوق بشر بود که به نظریه‌ای نسبتاً جامع درباره آن دست یابد. برای این منظور، کمیسیون حقوق بشر به هیئت تهیه کننده پیش‌نویس این مأموریت را داد تا موارد زیر را در نظر داشته باشد:

- منشور بین‌المللی حقوق؛
- اعلامیه‌ها و مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی درخصوص آزادی‌های مدنی، مقام زن، آزادی اطلاعات و موضوعات مشابه؛
- حمایت از حقوق اقلیت‌ها؛
- جلوگیری از تبعیض نژادی، جنسی، زبانی و مذهبی؛
- هر موضوع دیگری که در موارد بالا ذکر شده است.[۱]

کمیسیون حقوق بشر، در اجرای وظایف خود، سه کمیته فرعی نیز برای مطالعه و تهیه یک پیشنویس برای آزادی اطلاعات و رسانه‌ها، جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها و کمیته تهیه کننده پیش‌نویس نهایی حقوق بشر به وجود آورد. در انجام این ماموریت، سازمان‌های غیردولتی از سوی اتحادیه‌های کارگری، اتحادیه بین‌المجالس، اتحاد بین‌المللی کلیسای کاتولیک برای خدمات اجتماعی، گروه‌های ضد تبعیض، صلیب سرخ بین‌الملل و سازمان‌های دیگر، حضور فعال داشتند.[۲]

---

[1] Yearbook of the United Nations (1946 – 47).

[۲] نگاه کنید به گزارش جلسهه دوم کمیسیون حقوق بشر، از دوم تا هفتم دسامبر ۱۹۴۷ در ژنو .UNDOCs.org/E1600

کمیسیون حقوق بشر، در جریان جلسه دوم خود در ژنو، یک پیش‌نویس را به بحث گذاشت که به «پیش‌نویس» ژنو مشهور شد. در آن زمان، کشورهای عضو ملل متحد[1] که درگیر در آغازین مراحل دوران جنگ سرد نیز بودند، این فرصت را یافتند تا پیشنهادات و نقطه نظرات خود را برای دستیابی به اجماعی همپوش در اختیار کمیسیون حقوق بشر قرار دهند. این گونه تعاملات، به تدریج موجب تکمیل پیش‌نویس اعلامیه جهانی حقوق بشر شد و توانست پایه بین‌المللی محکمی برای قانون‌گذاری حقوق بشر ایجاد کند که از محدودیت‌های آیینی و ملاحظات دوران جنگ سرد در امان باشد. مالک، نماینده لبنان و عضو کمیته مقدماتی، ریاست جلسه سوم کمیسیون حقوق بشر را به عهده داشت. او به خوبی این دوران سخت عبور از تنگناها برای رسیدن به توافقی جامع در خصوص تعریف و قانون‌گذاری حقوق بشر را توضیح می‌دهد:

> کار در خصوص حقوق بشر، بخشی از فعالیت‌های سازمان ملل متحد است که موضوعات آیینی (ایدئولوژیک) در آن شدیدترین موانع را ایجاد می‌کند. امروزه مردم به این دلیل با یکدیگر اختلاف نظر دارند و می‌جنگند که هر کدام تفسیر خاصی از حقوق بشر دارند. انسان، من، شما، ماهیت، حقوق ما، سرنوشت ما از پرسش‌های مهم امروز هستند. این پرسش‌ها تاکنون به این اندازه چشمگیر مورد بحث قرار نگرفته بودند. در اینجا همه نمایندگان فرهنگ‌های مختلف حضوری تاثیرگذار دارند و برای هر واژه، معنی، و حتی یک «ویرگول» مبارزه می‌کنند. در اینجا شما شاهد دوام هیجان انگیز انسانی هستید که می‌خواهد خود را بفهمد و درک کند. بدیهی است که در این مرحله، کار، بسیار دشوار است؛ زیرا دربرگیرنده تعهدات بین‌المللی مشخصی برای کشورهاست. به لحاظ تئوریک، ممکن است خیلی‌ها با نظرات شما موافق باشند؛ اما هرگاه این امور به تعهدی درخصوص کشور آنها منجر نشود، به سرعت مانعی بزرگ بر سرراه به وجود می‌آورد. بنابراین، ما هنوز در آغاز راه طولانی، تاریخی و دشواری هستیم. چالش حقوق بشر، بسیار بزرگ و جدی است. آنچه که

---

[1] شامل ۱۸عضو کمیسیون حقوق بشر و ۳۸ عضو دیگر ملل متحد.

> نیاز است، رهبری، نیک اخلاق و نیرومند است که بتواند همه را به سوی نظریه واحدی متقاعد سازد.[1]

چارلز مالک، خود فردی مسیحی، لبنانی و عرب بود. یعنی مجموعه‌ای از ابعاد هویتی که بر افکار و اندیشه‌های او، خواه اخلاقی و خواه سیاسی، تأثیرگذار بود. بنابراین، اندیشه‌هایی متفاوت با جریان اصلی اندیشه لیبرال غرب داشت. علاوه بر این، او خود را فردی مذهبی می‌دانست که به سیاست در دنیای عرب نیز وابستگی داشت و می‌کوشید در ماموریت خود در کمیسیون حقوق بشر این‌گونه ملاحظات را که از سوی دیگر هویت‌های فرهنگی یا بافت تاریخی برمی‌آید، مورد توجه قرار دهد:

> استقلال، ناشی از احساس متفاوت بودن اعراب از دیگران است. احساسی که در قرنهای اخیر در اثر انزوای سنی اعراب از جهان شدیدتر شده است. بنابراین، وحدت، اشکال مختلفی به خود می‌گیرد؛ از شکل ملایمی از جامعه عمومی که در اتحادیه عرب متبلور شده است تا اشکال افراطی وحدت که توسط نهضت‌هایی در سوریه و عراق از آن دفاع می‌شود. اما صرف نظر از این گونه اشکال رسمی وحدت، اعراب به گونه‌ای شهودی با دیگر اعراب احساس همبستگی دارند. (مالک، ۱۹۵۲: ۳۰)

مالک با همان نگاه خاص خود که بیانگر احساسات، علایق و نگرانی‌های ملل غیرغربی بود، عدم صداقت غربی‌ها را نقد می‌کند و استعمار و بازمانده‌های آن را به چالش می‌کشد. وی تاکید می‌کرد که نبودن مهرورزی میان ملل، بزرگترین معضل زمان است:

> استراتژی، تجارت، بهره‌برداری و تامین منافع سلطنتی (برای استعمارگران) باعث شد، غربی‌ها به خاور نزدیک وارد شوند. بنابراین حضور آنها در این منطقه (و دیگر مناطق جهان) به دلیل دوست داشتن انسان‌ها نیست. علاوه بر این، استکبار نژادی اروپا نیز عاملی مهم در رفتار اروپاییان بوده است. غرب نتوانست، نسبت به خود صادق باشد و بنابراین نتوانست نسبت به ما صادق باشد (همان).

این گونه رخدادها و اختلاف نظرها نشان می‌دهد که برای تهیه و تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌بایست راهی طولانی طی می‌شد. این راه طولانی بر سر چگونگیِ فائق آمدن بر اختلافات دیدگاهی

---

[1] Facing History and Ourselves: Roosevelt, Malik, and Cassin’s Reflection on Human Rights.

ـ فلسفی، معانی متفاوت انسان بودن، ملاحظات سیاسی و نگرانی‌های استراتژیک، در نهایت مانع از آن نشد که کمیسیون نتواند طرح نهایی را آماده سازد. برای عبور از تنگناها توافقی به عمل آمد تا در پیش‌نویس نوشته شود که همه انسان‌ها آزاد به دنیا می‌آیند تا بتوانند بر اختلاف نظرهای مذهبی، غیرخداباور، اینکه آیا آزادی فقط باید به امور مدنی و سیاسی فردگرایانه محدود شود (نظر آمریکایی‌ها) یا اینکه آزادی در برگیرنده حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز هست (حقوق جمعی)، فائق آیند. حتی پاره‌ای از نقطه نظرات جهان‌شمول مانند نظریه همفری مبنی بر اینکه مردم نه تنها شهروند کشور خود، بلکه شهروندی جهانی هستند، نیز کنار گذاشته شد تا بتوان راه اجماع را برای تعریف و قانون‌گذاری حقوق غیرقابل انکار و ذاتی «همه انسان‌ها» و «هر انسانی» هموار نماید.

این نکته مهم را نیز باید در نظر گرفت که پاره‌ای از اختلاف نظرها در خصوص اجرای تصمیمات و الزام حقوقی آن به وجود آمد. عمده کشورها معتقد بودند که یک چنین رایزنی‌ها و همکاری‌های طولانی به توافق به دست آمده ماهیتی معاهداتی و قراردادی می‌دهد. اما دو کشور آمریکا و شوروی سابق تلاش کردند تا ارزش حقوقی اعلامیه را فقط در سطح یک اعلامیه حقوقی که بیان آرزوی دیرپای بشریت برای رهایی است، نگه دارند. به نظر گروه اول، این گونه توافق می‌بایست مطابق با اهداف منشور ملل متحد باشد که برابری همه مردم و همه کشورهای بزرگ یا کوچک را فرمان می‌دهد. به نظر این نویسنده، سوابق و ملاحظات سیاست‌های استعماری کشورهای پیروز را در جلوگیری از تبدیل توافق به پیمان بین‌المللی به لحاظ حقوقی الزام‌آور نمی‌توان از نظر دور داشت. این‌گونه نقطه نظرات، همراه با ضرورت برداشتن اولین گام‌ها برای ایجاد توافقی جمعی، در نهایت، همگان را به این نتیجه رساند که توافق مذکور در حد اعلامیه جهانی باقی بماند. «رنه کاسین» نماینده دولت فرانسه، یکی از تاثیرگذارترین اعضای کمیسیون حقوق بشر بود. او توضیح می‌دهد که باید مبنایی برای آزادی، برابری، برادری و حقوق بشر فراهم آید تا بتوان دشمنان بشریت شامل نژادپرستان فاشیست را به عقب راند. وی توضیح می‌دهد که همه کشورها در شرایط کنونی می‌خواهند حاکمیت ملی خود را در حاکمیت مردم خود برتری بخشند.

> نگرانی ما این است، شرایطی پیش آید که طی آن کشوری بگوید، برای توسعه خود، می‌بایست مقررات خاصی را آن گونه که مناسب شرایط می‌دانم، وضع نمایم و اگر در این راه انسان‌هایی را نابود کنم به شما ارتباطی ندارد.[1]

کاسین با حساسیت می‌کوشد، روح حاکمیت-محور اندیشه وستفالیایی را که باعث رنج انسان‌ها شده است، به چالش بکشد تا بتوان به اعلانی عام و جهان‌شمول برای تعریف حقوق بشر دست یافت. او به خوبی از نتایج دردناک اندیشه‌های افراطی، فاشیستی آگاه بود و می‌دانست که چگونه ممکن است حق حاکمیت ملی، آن گونه که توسط آلمان نازی اتفاق افتاد، حقوق انسان‌ها را به شکلی بیرحمانه پایمال کند. لذا تلاش می‌کرد، آینده‌ای را برای جهان پیشبینی کند که در آن حق حاکمیت مردم محترم شمرده شود و راه رسیدن به یک چنین آینده‌ای می‌بایست از طریق ترتیبات حقوقی که کشورها را نسبت به رعایت حقوق بشر متعهد نگه دارد، هموار شود.

برای دستیابی به جهانی عاری از خشونت علیه انسان‌ها نه تنها باید اجماعی در اندیشه‌های فلسفی و حقوقی حاصل شود، بلکه باید از طریق مشاوره‌ها، لابی‌گری فعال انسان‌دوستانه و سازوکارهای متقاعد سازی برای اهمیت حفاظت از حقوق بشر و پیشبرد آن استفاده کرد. این گونه اقدامات از سوی سازمان‌های جامعه مدنی می‌توانند به گشودن افقهای موفقیت کمک کنند. نباید ناامید شد؛ بلکه باید همه صبر و استقامت خود را با شجاعت و آگاهی همراه ساخت و تلاش کرد تا نظام‌های تمامیت‌خواه در مقابل حقوق بشر وادار به تسلیم شوند.

در پرتو اینگونه چشم‌اندازها بود که کمیسیون حقوق بشر متشکل از ۱۸ عضو از زمینه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و مذهبی بود. النور روزولت، بیوه رئیس جمهور آمریکا، فرانکلین دی روزولت، ریاست کمیته تدوین پیش نویس اعلامیه جهانی حقوق بشر را بر عهده داشت. اولین پیش‌نویس اعلامیه در سپتامبر ۱۹۴۸ با بیش از ۵۰ کشور عضو در پیش‌نویس نهایی پیشنهاد شد. با قطعنامه شماره «الف (۳) ۲۱۷» در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، مجمع عمومی که در پاریس تشکیل شده بود، اعلامیه جهانی حقوق بشر را با رای ممتنع هشت کشور در رای گیری، اما با هیچ مخالفتی به تصویب رساند.

---

[1] *The Fight for Human Rights*, published by “World”. January 1969, Republished in Onerblog.

کل متن اعلامیه جهانی حقوق بشر در کمتر از دو سال تنظیم شد. در زمانی که جهان به دو بلوک شرقی و غربی رقیب تقسیم شده بود، یافتن یک زمینه مشترک در مورد آنچه که باید گوهر اعلامیه را شکل بخشد، کار بسیار مهمی بود.

متن اعلامیه جهانی حقوق بشر

مقدمه

از آنجایی که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل میدهد،

از آنجایی که عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه‌ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیای که در آن افراد بشر در بیان و عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند، به عنوان بالا ترین آمال بشر اعلام شده است، درحالی‌که که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد،

در حالیکه اساساً لازم است توسعه روابط دوستانه بین ملل را مورد تشویق قرار گیرد، از آنجاییکه مردم ملل متحد ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن در منشور اعلام کرده‌اند و تصمیم راسخ گرفته‌اند که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیطی آزادتر وضع زندگی بهتری بوجود آورند،

از آنجاییکه کشورهای عضو متعهد شده‌اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تأمین کنند، از آنجاییکه حسن تفاهم مشترکی نسبت به این حقوق و آزادی‌ها برای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت را دارد، ازاینروی اکنون، مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می‌کند تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را بطور مستمر مد نظر داشته باشند و تلاش کنند که بوسیله تعلیم و تربیت احترام این حقوق و آزادی‌ها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین‌المللی، شناسایی و اجرای واقعی و بانی آنها، چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهای که در قلمرو آنها می‌باشند، تأمین گردد.

ماده ۱

همه افراد بشر آزاد بدنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان هستند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

ماده ۲

۱-هرکس باید بدون هیچگونه تمایز مخصوصا از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده‌اند، بهره‌مند گردد.

۲-افزون براین، هیچ تبعیضی که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضایی با بین‌المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخصی به آن تعلق دارد، به عمل نخواهد آمد خواه این کشور مستقل، تحت قیمومیت، یا غیر خود مختار بوده یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

ماده ۳

هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

ماده ۴

هیچکس را نباید در بردگی یا بندگی نگاه داشت. برده داری و تجارت برده به هر شکلی که باشد ممنوع است.

ماده ۵

هیچکس نباید مورد شکنجه یا رفتار یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد.

ماده ۶

هر کس حق دارد در همه جا به عنوان یک شخص در برابر قانون شناخته شود.

ماده ۷

همه در برابر قانون برابرند و بدون هیچ تبعیضی حق دارند از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در برابر هرگونه تبعیض براساس این اعلامیه و در برابر هرگونه تحریک به چنین تبعیضی از حمایت یکسان برخوردار شوند.

ماده ۸

در برابر اقداماتی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و آن حقوق بوسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع مؤثر به محاکم ملی صالحه را دارد.

ماده ۹

هیچکس را نباید خودسرانه دستگیر، بازداشت یا تبعید کرد.

ماده ۱۰

هر کس با مساوات کامل حق دارد در مورد حقوق و تکالیف او و هرگونه اتهام جنایی علیه او رسیدگی شود.

ماده ۱۱

۱-هرکس که متهم به یک جرم کیفری است حق دارد تا زمانیکه مجرمیت او طبق قانون در دادگاهی علنی که در آن تمام تضمین‌های لازم برای دفاع از خود را داشته باشد، بیگناه فرض شود.

۲-هیچکس را نمی‌توان به دلیل فعل یا ترک فعلی که در زمان ارتکاب، بر اساس قوانین ملی یا بین‌المللی، جرم کیفری محسوب نمی‌شد، به هیچ جرم کیفری محکوم کرد. همچنین مجازاتی سنگین‌تر از مجازاتی که در زمان ارتکاب جرم مورد نظر، اعمال نمی‌شود.

ماده ۱۲

احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، نباید مورد مداخلات خودسرانه واقع شود و یا نام و آبروی او مورد تعرض قرارگیرد. هرکس حق دارد در برابر چنین مداخلات یا حملاتی از حمایت قانون برخوردار شود.

ماده ۱۳

۱-هرکس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.

۲-هرکس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود باز گردد.

ماده ۱۴

۲-هر کس حق دارد در برابر آزار و شکنجه در کشورهای دیگر پناهندگی بخواهد و از آن برخوردار شود.

۲-در موردی که تعقیب واقعاً مبتنی به جرم عمومی و غیر سیاسی یا رفتارهایی مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد باشد، نمی‌توان از این حق استفاده نمود.

ماده ۱۵

۱-هرکس حق دارد که دارای تابعیت باشد.

۲-احدی را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.

ماده ۱۶

۱-هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت، یا مذهب با همدیگر ازدواج کرده و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج، دارای حقوق مساوی می‌باشند.

۲-ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود.

۳-خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و باید از حمایت جامعه و کشور برخوردار شود.

ماده ۱۷

۱-هرکس حق دارد به تنهایی و یا به همراه دیگران حق مالکیت داشته باشد.

۲-هیچکس را نمی‌توان خودسرانه از حق مالکیت محروم نمود.

ماده ۱۸

هر کس حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی تغییر مذهب یا عقیده و آزادی ابراز مذهب یا عقیده خود به تنهایی یا در جمع با دیگران و به طور عمومی یا خصوصی در تدریس، عمل و عبادت است.

ماده ۱۹

هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد. این حق شامل آزادی عقاید بدون مداخله و جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات طریق هر رسانه و بدون توجه به مرزها می‌شود.

ماده ۲۰

۱-هرکس حق آزادی اجتماعات و اجتماعات مسالمت آمیز دارد.

۲-هیچکس را نمی‌توان به شرکت در اجتماعی مجبور ساخت.

ماده ۲۱

۱-هرکس حق دارد مستقیماً یا از طریق نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده‌اند در حکومت کشور خود شرکت کند؛

۲-هرکس حق دسترسی برابر به خدمات عمومی در کشور خود را دارد؛

۳-اراده مردم اساس اقتدار حکومت خواهد بود. این اراده باید در انتخابات ادواری و واقعی که با رای همگانی و برابر برگزار می‌شود و با رای مخفی یا با روش های رای گیری آزاد مشابه برگزار می‌گردد، ابراز می‌شود.

ماده ۲۲

هر کس به عنوان عضوی از جامعه حق برخورداری از امنیت اجتماعی را دارد و حق دارد از طریق تلاش‌های ملی و همکاری بین‌المللی و مطابق با سازمان و منابع هر کشور، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را که لازمه ضروری کرامت او و رشد آزادانه شخصیت او است، به دست آورد.

ماده ۲۳

۱-هرکس حق کار، انتخاب آزادانه شغل، داشتن شرایط عادلانه و مساعد کار و حمایت در برابر بیکاری را دارد.

۲-همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی، در مقابل کار مساوی، دستمزد مساوی دریافت دارند.

۳-هرکس برای کاری که می‌کند حق دارد دستمزد منصفانه و مطلوبی دریافت کند که برای خود و خانواده او شرایطی متناسب با حرمت انسانی تضمین کند و در صورت لزوم با وسایل دیگر حمایت اجتماعی تکمیل شود.

۴-هرکس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل داده و در اتحادیه‌ها نیز شرکت کند.

ماده ۲۴

هر کس حق استراحت و فراغت از جمله محدودیت معقول ساعات کار و تعطیلات دوره‌ای با حقوق را دارد.

ماده ۲۵

۱-هرکس حق دارد از سطح زندگی مناسب برای سلامتی و رفاه خود و خانواده خود، شامل غذا، پوشاک، مسکن و مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی لازم برخوردار باشد و در صورت بیکاری، بیماری، از کارافتادگی، بیوه شدن، کهولت سن یا دیگر اشکال فقدان معیشت در شرایطی که خارج از کنترل اوست، از امنیت برخوردار باشد.

۲-مادر و کودک شایسته مراقبت و کمک ویژه هستند. همه اطفال خواه از ازدواج رسمی و خواه از غیر از آن به دنیا بیایند، از حمایت اجتماعی یکسانی برخوردار خواهند بود.

ماده ۲۶

۱- هرکس حق تحصیل دارد. آموزش حداقل در مقاطع ابتدایی و پایه باید رایگان باشد. تحصیلات ابتدایی باید اجباری باشد. آموزش فنی و حرفه‌ای باید در دسترس عموم قرار گیرد و آموزش عالی باید به طور مساوی برای همه براساس شایستگی در دسترس باشد.

۲- آموزش باید در جهت رشد کامل شخصیت انسانی و تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. باید تفاهم، بردباری و دوستی را میان همه ملت‌ها، گروه‌های نژادی یا مذهبی ترویج کند و فعالیت‌های سازمان ملل متحد برای حفظ صلح را به پیش ببرد.

۳- پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.

ماده ۲۷

۱-هرکس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنرها برخوردار شود و در پیشرفت علمی و فواید آن سهیم باشد.

۲-هرکس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.

ماده ۲۸

هر کس مستحق نظم اجتماعی و بین‌المللی است که در آن حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه به طور کامل تحقق یابد.

ماده ۲۹

۱-هرکس در قبال جامعه‌ای که رشد آزادانه و کامل شخصیت او به تنهایی امکان پذیر است وظایفی دارد.

۲-هرکس در اعمال حقوق و آزادی‌های خود فقط مشمول محدودیت‌هایی خواهد بود که توسط قانون صرفاً به منظور تأمین شناخت و احترام به حقوق و آزادی‌های دیگران و رعایت الزامات عادلانه اخلاق و نظم و رفاه عمومی در یک جامعه دموکراتیک تعیین شده است.

۳-این حقوق و آزادی‌ها در هیچ موردی نمی‌تواند بر خلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا گردد.

ماده ۳۰

هیچ چیز در این اعلامیه نمی‌تواند به گونه‌ای تفسیر شود که برای هیچ کشور، گروه یا فردی متضمن حقی باشد تا در هر فعالیتی شرکت کند یا اقدامی را انجام دهد که هدف آن از بین بردن هر یک از حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه باشد.

مقاوله‌نامه

مربوط به وضع پناهندگان

زمینه‌های شکل‌گیری مقاوله‌نامه مربوط به وضع پناهندگان[1]

مقاوله‌نامه مربوط به وضعیت پناهندگان، همچنین به عنوان مقاوله‌نامه ۱۹۵۱ پناهندگی مصوب ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ شناخته می‌شود، معاهده چندجانبه تدوین شده از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد است مفهوم حقوقی پناهندگی و مسئولیت کشورهایی که پناهندگی اعطا می‌کنند را تعریف می‌کند. این مقاوله‌نامه مفصل و طولانی حاوی ۷ بخش و ۴۶ ماده بوده، و مطابق با بند ۱ از ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ بنا شده است. ماده ۱۰ مزبور در بند ۱، حق افراد برای درخواست پناهندگی از آزار و اذیت در کشورهای دیگر به رسمیت شناخته شده است. «هر کس حق دارد در برابر آزار و شکنجه در کشورهای دیگر پناهندگی بخواهد و از آن برخوردار شود». البته این حق پناه جستن با محدودیت‌هایی نیز همراه اس. بر طبق بند ۲ از همان ماده ۱۴ اعلامیه جهانی گفته شده است که افرادی مانند جنایت‌کاران جنگی واجد شرایط پناهندگی نیستند. «در مواردی که تعقیب واقعاً مبتنی به جرم عمومی و غیر سیاسی یا رفتارهایی مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد باشد، نمی‌توان از این حق استفاده نمود».

حمایت از پناهندگان از جمله موضوعات مهم حقوق بشر بین‌المللی است که تاریخچه آن به دوران باستان باز می‌گردد، هرچند که گفتمان حقوق بشر اساسا یک پدیده معاصر است. اما این نوع حمایت در دوران مدرن در کارهای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برجسته شده و به مبنایی برای تلاش‌های بین‌المللی برای حمایت از پناهندگان تبدیل شد که نقطه اوج آن تدوین همین مقاوله‌نامه حاضر است. سال‌های آغازین قرن بیستم تلاش‌ها برای حمایت از پناه جویان را وارد دوره نوینی ساخت. جنگ‌های بالکان در ۱۹۱۳-۱۹۱۲، و پیامدهای آن برای خاور نزدیک، یعنی جنگ‌های بالکان در همان دوره زمانی، جنگ جهانی اول در فاصله سال‌های ۱۹۱۸-۱۹۱۴، و در نهایت جنگ یونان و ترکیه در سال‌های ۱۹۱۹ و ۱۰۲۲، و تحولاتی که شرایط سیاسی و اجتماعی روسیه بروز کرد، موجبات شکل گیری امواج پناهندگی و جابجایی گسترده‌ای را باعث شد. تعداد زیادی از پناهندگان (برآوردها بین ۱ تا ۲ میلیون متغیر است) مناطق روسیه را به مقصد کشورهای مختلف اروپا یا آسیای

---

[1] Convention Relating to the Status of Refugees (with schedule). Signed at Geneva, on 28 July 1951.

صغیر، آسیای مرکزی و شرقی بین سال‌های ۱۹۱۸ و ۱۹۲۲ و همچنین سال‌های پس از آن ترک کردند.[۱]

پیشتر از این، وقایع غم‌انگیزی که در قلمرو امپراتوری عثمانی اتفاق افتاد جوامع مختلف قومی-مذهبی را تحت تأثیر قرار داده بود. ارمنی‌ها، که بیشتر از همه قربانیان آنها نام برده شده و واژه «نسل‌کشی» در مورد آنها نیز بکار برده می‌شود، همچنین آشوری‌ها (نسطوریان)، کلدانی‌ها (نسطوریان متحد) و ژاکوبی‌ها، ترک‌ها، کردها، و سایر گروه‌های مسلمان نیز آسیب دیدند. در مورد یونانی‌هایی که از قتل‌عام‌ها و جنگ‌های بالکان و یونان و ترکیه جان سالم به در بردند، آنها با همتایان بلغاری یا ترک خود در مبادله «اختیاری متقابل» جمعیت‌ها که بر اساس معاهده قسطنطنیه (۱۹۱۳) انجام گرفت، شرکت کردند. معاهده (۱۹۱۳)، موافقتنامه یونان و ترکیه (مه ۱۹۱۴) و معاهده نوئی (۱۹۱۹) و سرانجام در مبادله اجباری جمعیت یونانی و ترکی که در معاهده لوزان (۱۹۲۳) پیش بینی شده بود.

با جابجایی گسترده جمعیتی که در جریان جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد، و تجدید نظم سیاسی دوران پس از جنگ جهانی دوم، موضوعات مربوط به پناهندگی دوباره در دستور کار بین‌المللی قرار گرفت. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۶ فوریه ۱۹۴۶، به موجب قطعنامه شماره (۱)۸ در اولین جلسه خود در سال ۱۹۴۶ تصمیم گرفت که موضوع پناهندگان را «برای بررسی کامل در همه جنبه‌های آن» به شورای اقتصادی و اجتماعی ارجاع دهد. با این حال، اولویت اول شورا، طی قطعنامه شماره (۱۱۱) ۱۸مورخه ۳ اکتبر ۱۹۴۶، پرداختن به مشکل پناهندگان در دوران پس از جنگ و تأسیس سازمان بین‌المللی پناهندگان بود.

تلاش برای تدوین سند حقوقی معتبری که بتواند بگونه‌ای جهانشمول به نیازهای پناه جویان پاسخ گوید، در سال ۱۹۴۷، کمیسیون حقوق بشر (که در سال ۲۰۰۶ شورای حقوق بشر جانشین آن شد)، قطعنامه‌ای را به تصویب رساند که به موجب آن این آرزو را ابراز کرد که کمیسیون تلاش کرد موضوع گنجاندن حق پناهندگی پناهندگان ناشی از آزار و اذیت را در منشور بین‌المللی حقوق بشر یا در یک مقاوله‌نامه خاص که برای این منظور تهیه می‌شود، تدوین کند. هدف این بود که به وضعیت حقوقی

---

[1] Jaeger, G. (September 2001). On the History of the International protection of Refugees. *IRRC*, Vol. 83 No. 84.

افرادی که از حمایت هیچ کشوری برخوردار نیستند، از نقطه نظر حقوقی و اجتماعی مورد حمایت قرار گیرند. به دنبال این قطعنامه بود که به موجب این قطعنامه، اقتصاد و شورای اجتماعی در ششمین جلسه خود از دبیرکل درخواست کرد:

الف) درخصوص وضعیت موجود مربوط به حمایت از افراد بدون تابعیت با صدور مدارک لازم و سایر اقدامات بررسی‌هایی انجام داده، و توصیه‌هایی به جلسه اولیه شورا در مورد اقدامات موقتی که ممکن است توسط شورا اتخاذ شود، ارائه کند.

ب) مطالعه قوانین ملی و موافقت‌نامه‌ها و مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی مربوط به بی تابعیتی را در دستور کار قرار داده و توصیه‌هایی به شورا در مورد مطلوب بودن انعقاد مقاوله‌نامه دیگری ارائه کند.

همچنین شورای اقتصادی و اجتماعی در نهمین جلسه خود در ۸ اوت ۱۹۴۹ قطعنامه (۹)۲۴۸ را به تصویب رساند که به گزارش کمیته موقت پناهندگان و افراد بدون تابعیت، به ویژه پیش‌نویس موافقتنامه‌های مندرج در آن و نظرات کشورها در مورد آن توجه داشت. همچنین قرار شد که گزارش کمیته موقت را همراه با نظرات کشورها در مورد آن و سوابق جلسات این شورا به مجمع عمومی ارائه می کند. و در نهایت از دبیرکل درخواست می‌کرد:

اول، تشکیل مجدد کمیته موقت پناهندگان و افراد بی تابعیت به منظور تهیه پیش‌نویس تجدید نظر شده این موافقتنامه‌ها با توجه به نظرات کشورها و سازمان‌های تخصصی و بحث‌ها و تصمیمات این شورا در جلسه یازدهم خود، که باید شامل تعریف "پناهنده" و مقدمه‌ای باشد، که توسط شورا تصویب شده است، و سایر تجدید نظرها را که لازم به نظر می رسد، را انجام دهد.

دوم، پیشنویس اصلاح شده به جلسه پنجم مجمع عمومی ارائه کند.

در نهایت مقاوله‌نامه وضعیت پناهندگان در سال ۱۹۵۱ به تصویب رسید و تضمین‌های کافی برای حمایت از حقوق پناهندگان را اعلام کرد. این مقاوله‌نامه اولین سند اساسی در حقوق بین‌الملل است که پناهنده را به عنوان فردی تعریف می‌کند که به دلیل ترس موجه از آزار و اذیت به دلایل نژادی، مذهبی، ملیت، عضویت در یک گروه اجتماعی خاص یا عقاید سیاسی، در خارج از کشور تابعیت خود

قرار گرفته است. به موجب مقاوله‌نامه، زمینه‌های لازم برای وضعیت حقوقی پناهندگان براساس قوانین بین‌المللی فراهم می‌شود، و حقوق و حمایت‌های خاصی نیز برای آنها درنظر گرفته شده است. کشورهایی که این مقاوله‌نامه را تصویب می‌کنند، موظف به حمایت از پناهندگان و رعایت اصول مندرج در آن هستند. با این حال، تفسیر و اجرای این تعهدات می‌تواند متفاوت باشد، که منجر به وضعیت‌های مختلف پناهندگی قانونی در سراسر جهان شود. افزون براین، از آنجایی که طی سی سال گذشته تعداد فزاینده‌ای از پناهجویان از کشورهای در حال توسعه به توسعه‌یافته‌ترین مناطق جهان رسیده‌اند، شایستگی معاهده حاضر به زیر سوال کشیده شده است. واقعیت این است که امروزه بسیاری از کشورها در تامین بخش قابل توجهی از شهروندان خود با اساسیترین سطح امنیت انسانی ناکام هستند. گروه جدیدی از آزار و شکنجه‌گران جدای از دولت‌های حاکم اکنون در چنین جوامعی اقتدار و قدرت دارند و گروه‌های اجتماعی خاصی را با استفاده از اشکال جدید آزار و اذیت هدف قرار می‌دهند.[۱]

امروزه حقوق ایجاد شده توسط مقاوله‌نامه یاد شده همچنان پا برجاست. با اینحال، افرادی ممکن است استدلال کنند که ماهیت پیچیده روابط پناهندگان در شرایط معاصر مستلزم یک معاهده جدیدی است که بتواند با توجه به ماهیت درحال تحول کشورها و جامعه بین‌المللی، مهاجران اقتصادی، جابجایی جمعیت، مهاجران محیط زیستی، و مهاجرت ناشی از جنگ‌های مدرن را نیز به رسمیت بشناسد.

---

[1] Schoenholtz, A. (2015). The New Refugees and the Old Treaty: Persecutors and Persecuted in 20th first Century. Chicago Journal of International Law, Vol. 16, No. 1, Article 5.

متن مقاوله‌نامه مربوط به وضع پناهندگان ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱

مقدمه

طرفین متعاهدین نظر به اینکه منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی رسیده است - این اصل را مورد تأکید قرار داده‌اند که کلیه افراد بشر باید بدون تبعیض از حقوق بشری و آزادی‌های اساسی برخوردار گردند. نظر به اینکه سازمان ملل متحد در مواقع مختلف نسبت به وضع پناهندگان علاقمندی بسیار نشان داده و کوشیده است تا برخورداری از حقوق بشری و آزادی‌های اساسی را به وسیع‌ترین شکل ممکن برای پناهندگان تضمین کند.

نظر به اینکه مصوب است موافقتنامه های بین‌المللی قبلی مربوط به وضع پناهندگان مورد تجدیدنظر قرار گرفته و تدوین گردد و حدود شمول این اسناد و میزان حمایتی که طبق آنها از پناهندگان به عمل می‌آید بوسیله موافقتنامه جدیدی بسط و توسعه یابد. نظر به اینکه ممکن است در نتیجه اعطاء حق پناهندگی تعهدات فوق العاده سنگینی برای بعضی از کشورها ایجاد گردد، و بنابراین حل رضایت بخش موضوعاتی که ملل متحد خصوصیت و وسعت بین‌المللی آن را به رسمیت شناخته است، نخواهند توانست بدون همکاری بین‌المللی تحقق یابد - با ابراز امیدواری به اینکه کلیه کشورها با شناسایی جنبه اجتماعی و بشر دوستانه مسئله پناهندگان تا آنجاییکه امکان دارد بکوشند تا این مسئله موجب تشنج بین کشورها نشود.

با توجه به اینکه کمیسر عالی ملل متحد برای پناهندگان عهده دار نظارت بر اجرای مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی مربوط به حمایت از پناهندگان می‌باشد و با آگاهی به اینکه هماهنگی مؤثر اقداماتی که برای حل این مسئله به عمل می‌آید بستگی به همکاری کشورها با کمیسر عالی دارد بشرح زیر موافقت نموده کند:

فصل اول

مقررات عمومی

ماده ۱: تعریف اصطلاح «پناهنده»

الف- از لحاظ مقاوله‌نامه حاضر اصطلاح «پناهنده» به شخصی اطلاق می‌گردد که:

۱-به موجب ترتیبات مورخ ۱۲ مه ۱۹۲۶ و ۳۰ ژوئن ۱۹۲۸ یا به موجب مقاوله‌نامه‌های مورخ ۲۸ اکتبر ۱۹۳۳ و ۱۰ فوریه ۱۹۳۸ یا پروتکل مورخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۳۹ یا اساسنامه سازمان بین‌المللی پناهندگان پناهنده تلقی شده است.

تصمیمات مربوط به عدم قابلیت انتخاب شدن که از طرف سازمان بین‌المللی پناهندگان در مدت فعالیت سازمان اتخاذ گردیده است مانع آن نیست که اشخاص واجد شرایط مقرر در بند ۲ این بخش پناهنده شناخته شوند.

۲-در نتیجه حوادث قبل از یکم ژانویه ۱۹۵۱ و بعلت ترس موجه از اینکه به دلایل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد - در خارج از کشور محل سکونت عادی خود زندگی می‌کند و نمی‌توان د و یا بعلت ترس مذکور مایل نیست خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد یا - در صورتی که فاقد تابعیت است و پس از چنین حوادثی در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود زندگی می‌کند نمی‌تواند یا بعلت ترس مذکور تمایل ندارد به آن کشور باز گردد.

در مورد شخصی که بیش از یک تابعیت دارد اصطلاح «کشور محل تابعیت» او عبارت خواهد بود از هر یک از کشورهای که شخص مزبور تابعیت آن را دارد. شخصی را که بدون دلیل معتبر و مبتنی بر ترس موجه خود را تحت حمایت یکی از کشورهای که تابعیت آنرا دارد قرار نداده باشد نمی‌توان از حمایت کشور محل تابعیت خود محروم تلقی کرد.

ب (۱) از لحاظ مقاوله‌نامه حاضر عبارت «وقایعی که قبل از اول ژانویه ۱۹۵۱ اتفاق افتاده است» - مذکور در بخش الف ماده ۱ عبارتست از:

الف- «وقایعی که قبل از ژانویه ۱۹۵۱ در اروپا روی داده است»؛

ب - «وقایعی که قبل از ژانویه ۱۹۵۱ در اروپا یا جای دیگر روی داده است».

هر یک از کشورهای متعاهد باید موقع امضا یا تصویب یا الحاق، اعلامیه‌ای صادر و در آن تصریح نماید که بر تعهدات خود نسبت به مقاوله‌نامه حاضر برای اصطلاح مذکور چه شعاع عملی را منظور می‌دارد.

۲- کشور عضو که بند «الف» را پذیرفته است در هر موقع می‌تواند با ارسال یادداشتی خطاب به دبیرکل ملل متحد تعهدات خود شامل بند (ب) را اعلام نماید.

پ- این مقاوله‌نامه در موارد ذیل درباره اشخاص مذکور در بخش الف این ماده اجرا نخواهد گردید.

۱-شخصی که داوطلبانه خود را مجدّداً تحت حمایت کشور متبوع خویش قرار دهد؛

۲-در صورتیکه تابعیت خود را از دست داده باشد آن را مجدّداً تحصیل نماید؛

۳-تابعیت جدیدی کسب کرده و از حمایت کشور متبوعه جدید برخوردار باشد؛

۴-داوطلبانه برای سکونت به کشوری بازگردد که بعلت ترس از شکنجه قبلا آنجا را ترک گفته یا در خارج از آن زندگی کرده است؛

۵-علت از بین رفتن اوضاع و احوالی که باعث شده بود وی بعنوان پناهنده شناخته شود دیگر نتواند از قبول حمایت کشور متبوع خود امتناع نماید. بدیهی است مقررات این بند شامل پناهنده‌ای که مشمول مقررات بند ۱بخش«الف» ماده حاضر است و می‌تواند برای امتناع از قبول حمایت کشور متبوعه خود دلایل قاطعی دال بر شکنجه قبلی اقامه نماید نخواهد گردید.

۶-اگر اوضاع و احوالی که باعث شده بودند یک شخص بدون تابعیت بعنوان پناهنده شناخته شود، از بین رود، آن شخص می‌تواند به کشوری که در آنجا سکونت دائم داشته، مراجعت نماید.

بدیهی است مقررات این بند شامل پناهنده‌ای که مشمول مقررات بند ۱بخش«الف» ماده حاضر است و می‌تواند برای امتناع از بازگشت به کشور محل سکونت عادی قبلی خود دلایل قاطعی دال بر شکنجه قبلی اقامه نماید نخواهد گردید.

ت- این مقاوله‌نامه در مورد اشخاصی که در حال حاضر تحت حمایت مؤسسات یا ارکان سازمان ملل متحد از کمیسر عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان قرار دارند یا از مؤسسات یا ارکان مزبور کمک دریافت می‌دارند مجری نخواهد بود. در صورتیکه حمایت یا کمک مزبور به هر دلیلی قطع شود و سرنوشت این اشخاص به موجب قطعنامه های مربوط مجمع عمومی ملل متحد تعیین نگردد اشخاص مزبور کاملا حق خواهند داشت از مقررات این مقاوله‌نامه برخوردار شوند.

ج- این مقاوله‌نامه در مورد شخصی که از طرف مقامات صلاحیت دار کشور محل سکونت دائم خود حائز حقوق و تکالیف ناشی از تحصیل تابعیت آن کشور شناخته شده باشد مجری نخواهد بود.

چ- مقررات این مقاوله‌نامه در مورد اشخاصی که علیه آنها دلایل محکمی دال بر مراتب زیر وجود داشته باشد مجری نخواهد بود.

- مرتکب جنایتی علیه صلح یا بشریت یا جنایت جنگی شده باشد (طبق تعاریف مندرج در اسناد بین‌المللی که برای پیش بینی مقررات مربوط به این جنایات تنظیم گردیده است).
- قبل از آنکه در کشور پناه دهنده بعنوان پناهنده پذیرفته شوند در خارج از آن کشور مرتکب جنایت عمده‌ای که مشمول مجازات عمومی می‌باشد شده باشند.
- مرتکب اعمالی که مغایر با مقاصد و اصول ملل متحد است شده باشند.

ماده ۲: وظایف کلی

هر پناهنده در کشوری که زندگی می‌کند دارای وظایفی است که به موجب آن مخصوصاً ملزم می‌باشد خود را با قوانین و مقررات آن کشور و اقداماتی که برای حفظ نظم عمومی به عمل می‌آید تطبیق دهد.

ماده ۳: عدم تبعیض

کشورهای متعاهد مقررات این مقاوله‌نامه را بدون تبعیض از لحاظ نژاد یا مذهب یا سرزمین اصلی درباره پناهندگان اجراء خواهند نمود.

ماده ۴: دین

کشورهای متعاهد در سرزمین خود نسبت به آزادی پناهنده در اجرای امور دینی و دادن تعلیمات مذهبی به کودکان خود رفتاری لااقل در حد رفتاری که نسبت به اتباع خود دارند - اتخاذ خواهند نمود.

ماده ۵: حقوقی که خارج از حدود این مقاوله‌نامه اعطاء می‌شود

هیچیک از مقررات مقاوله‌نامه حاضر به حقوق و مزایایی که خارج از حدود این مقاوله‌نامه به پناهندگان داده شده است لطمه ای وارد نخواهد ساخت.

ماده ۶: اصطلاح «در شرایط یکسان»

از لحاظ این مقاوله‌نامه منظور از اصطلاح «در شرایط یکسان» اینست که تمام شرایطی (بخصوص شرایط مربوط بمدت و نحوه اقامت موقت یا دائم) که فرد اگر پناهنده نباشد باید برای برخورداری از حق مورد نظر دارا باشد مراعات گردد به استثنای شرایطی که طبیعتاً پناهنده نمی‌تواند واجد آن باشد.

ماده ۷ : معافیت از عمل متقابل

۱-هریک از کشورهای متعاهد در مورد پناهندگان همان رژیمی را معمول خواهد داشت که با بیگانگان بطور کلی به عمل می‌آورد، جز در مواردی که اساسا این مقاوله‌نامه رژیم بهتری برای آن مقرر گردیده است.

۲-کلیه پناهندگان پس از سه سال سکونت در سرزمین کشورهای متعاهد از شرط به عمل متقابل که قانوناً مقرر شده باشد معاف خواهند بود.

۳-هریک از کشورهای متعاهد باید حقوق و مزایایی را که پناهندگان تا تاریخ لازم‌الاجرا شدن این مقاوله‌نامه در صورتیکه اصل عمل متقابل وجود نداشته باشد از آن برخوردار بوده‌اند، کماکان به آنها اعطاء نماید.

۴-کشورهای متعاهد، در صورتیکه اصل عمل متقابل وجود نداشته باشد، امکان اعطای حقوق و مزایایی را به پناهندگان علاوه بر آنچه به موجب بند ۲ و ۳ اعطاء گردیده است - و همچنین

امکان اعطای معافیت از عمل متقابل را به پناهندگانی که واجد شرایط مقرر در بند ۲ و ۳ نبوده کند با نظر مساعد مورد بررسی قرار خواهند داد.

۵-مقررات بندهای ۲ و ۳ این ماده در مورد حقوق و مزایای مذکور در مواد ۱۳ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۱ و ۲۲ این مقاوله‌نامه و همچنین در مورد حقوق و مزایایی که در این مقاوله‌نامه پیش بینی نشده است اجرا خواهد شد.

ماده ۸: معافیت از اقدامات استثنائی

در مورد اقدامات استثنائی که ممکن است علیه شخص - مال یا منافع اتباع یک کشور معین به عمل آید کشورهای متعاهد این اقدامات را درباره پناهنده‌ای که به روشنی از اتباع کشور مزبور است صرفاً بخاطر تابعیت او به عمل نخواهند آورد. کشورهای متعاهدی که قوانین آنها مانع از اجرای اصل کلی تصریح شده در این ماده است در موارد مقتضی اقدام به اعطای معافیت‌هایی به پناهندگان مزبور خواهند نمود.

ماده ۹: اقدامات موقتی

هیچیک از مقررات مقاوله‌نامه حاضر مانع آن نخواهد بود که یک کشور متعاهد در موقع جنگ یا سایر مواقع استثنایی و دشوار در مورد یک شخص معین- موقتاً و تا حصول یقین به اینکه شخص مزبور یک پناهنده است اقداماتی معمول دارد که بنظر آن کشور مبادرت به آنها برای حفظ امنیت ملی ضروریست.

ماده ۱۰: ادامه اقامت

۱-در صورتیکه پناهنده‌ای در دوران جنگ دوم جهانی تبعید گردیده و به سرزمین یکی از کشورهای متعاهد برده شده و در آنجا ساکن باشد مدت این اقامت اجباری جزء اقامت قانونی وی در سرزمین کشور مذکور محسوب خواهد شد.

۲-در صورتیکه پناهنده‌ای در دوران جنگ دوم جهانی از سرزمین کشور متعاهد تبعید گردیده و قبل از تاریخ لازم‌الاجرا این مقاوله‌نامه بمنظور سکونت به سرزمین مزبور بازگشته باشد مدت سکونت قبل و بعد از تبعید مزبور برای هر منظور که مستلزم اقامت بی وقفه است به منزله یک دوره بی وقفه تلقی خواهد شد.

ماده ۱۱: ملوانان پناهنده

در مورد پناهندگانی که به‌عنوان ملوان بطور منظم در کشتی دارای پرچم یکی از کشورهای متعاهد خدمت می‌کنند، کشور مزبور نسبت به امکان اجازه اسکان آنها در سرزمین خود و صدور اسناد مسافرت برای آنان یا نسبت به قبول موقت آنان در سرزمین خود، بخصوص به منظور تسهیل در کار اسکان آنان در کشور دیگر، توجه خاص مبذول خواهد داشت.

فصل دوم

وضع حقوقی

ماده ۱۲: احوال شخصیه

۱-احوال شخصیه پناهنده تابع قوانین کشوری است که در آنجا اقامت دارد ولی چنانچه فاقد محل اقامت باشد تابع قوانین کشور محل سکونت او خواهد بود.

۲-حقوقی که پناهنده قبلا کسب نموده و مربوط به احوال شخصیه او می‌باشد مخصوصاً حقوق مربوط به ازدواج باید از طرف هر کشور متعاهد محترم شمرده شود به شرط آنکه در صورت لزوم تشریفات پیشبینی شده در قوانین کشور مزبور را انجام دهد. بدیهی است حق مورد بحث باید از جمله حقوقی باشد که طبق قوانین کشور مذکور چنانچه وی پناهنده هم نباشد، شناخته شده باشد.

ماده ۱۳: اموال منقول و غیرمنقول

کشورهای متعاهد در مورد تحصیل اموال منقول و غیرمنقول و سایر حقوق مربوطه و همچنین در مورد مقاوله‌نامه‌های اجاره یا سایر مقاوله‌نامه‌های مربوط به مالکیت اموال منقول و غیرمنقول با پناهندگان رفتاری خواهند نمود که تا سرحد امکان مساعد بوده و در هر حال از رفتاری که در این گونه موارد نسبت به بیگانگان بطور اعم به عمل می‌آید نامساعدتر نباشد.

ماده ۱۴: مالکیت معنوی و صنعتی

در مورد حمایت از مالکیت صنعتی بخصوص حمایت از اختراعات، طرح‌ها و الگوها، علائم تجارتی و اسامی تجارتی، و همچنین حمایت از مالکیت ادبی و هنری و علمی پناهنده در کشوری که معمولا

سکونت دارد مورد همان حمایتی واقع خواهد شد که از اتباع کشور مزبور به عمل می‌آید. در سرزمین هر یک از کشورهای متعاهد دیگر پناهنده از حمایتی برخوردار خواهد شد که در آن سرزمین نسبت به اتباع کشوری که پناهنده درآن سکونت دارد معمول می‌گردد.

ماده ۱۵: حق عضویت

در مورد عضویت در جمعیت های غیرسیاسی و غیرانتفاعی و سندیکاهای حرفه‌ای کشورهای متعاهد نسبت به پناهندگانی که طبق قانون در سرزمین آنان سکونت دارند، مساعدترین رفتاری را که در چنین موارد در مورد اتباع کشورهای خارجی به عمل می‌آورند معمول خواهند داشت.

ماده ۱۶: حق مراجعه به دادگاه‌ها

۱-هر پناهنده می‌تواند در سرزمین کشورهای متعاهد آزادانه به محاکم قضایی مراجعه نماید.

۲-هر پناهنده در سرزمین کشور متعاهدی که محل سکونت عادی اوست در مورد دسترسی به دادگاه‌ها از جمله استفاده از معاضدت قضایی و معافیت از سپردن تضمین هزینه‌های دادرسی همان رفتاری که درباره اتباع کشور مزبور به عمل می‌آید بهره‌مند خواهد شد.

۳-هر پناهنده در سرزمین های کشورهای متعاهد دیگر غیر از سرزمین محل سکونت دائمی خود در مورد موضوعات مندرج در بند ۲ از رفتاری برخوردار خواهد شد که درباره اتباع کشور محل سکونت دائمی وی به عمل می‌آید.

فصل سوم

مشاغل انتفاعی

ماده ۱۷: اشتغال با دستمزد

۱-در مورد حق اشتغال بکار با دریافت دستمزد هر کشور متعاهد نسبت به پناهندگانی که بطور منظم در سرزمین او سکونت کرده کند مناسب ترین رفتاری را که در چنین موارد نسبت به اتباع کشورهای بیگانه معمول می‌دارد به عمل خواهد آورد.

۲-در هر حال مقررات محدود کننده‌ای که درباره بیگانگان یا استخدام بیگانگان به منظور حمایت از بازار داخلی کار وضع می‌گردد درباره پناهنده‌ای که در تاریخ اجرای این مقاوله‌نامه

در سرزمین کشور متعاهد مذکور از مقررات مورد بحث معاف بوده یا واجد یکی از شرایط زیر باشد اجراء نخواهد شد:

الف - مدت سه سال در آن کشور سابقه سکونت داشته است.

ب - همسری دارد که دارای تابعیت کشور محل سکونت اوست. پناهنده‌ای که با همسرش متارکه کرده نمی‌تواند به مقررات این بند استناد نماید.

ج - فرزند یا فرزندانی دارد که دارای تابعیت کشور محل سکونت او می‌باشند.

۱-کشورهای متعاهد با نظر مساعد کوشش خواهند کرد که حقوق مربوط به استخدام پناهندگان خصوصاً پناهندگانی را که براساس برنامه‌های مربوط به استخدام کارگر یا برنامه‌های مهاجرتی وارد سرزمین آنها شده‌اند، با حقوق اتباع خود در این مورد مشابه و یکسان رفتار کنند.

ماده ۱۸: اشتغال به کارهای آزاد

کشورهای متعاهد نسبت به پناهندگانی که قانوناً در سرزمین آنان زندگی می‌کنند در مورد اشتغال بکار آزاد در زمینه کشاورزی، صنعت، کارهای دستی و تجارت و تأسیس شرکت‌های تجارتی و صنعتی رفتاری معمول خواهند داشت که تا حد امکان مساعد بوده و در هر حال از رفتاری که در چنین موارد نسبت به بیگانگان بطور کلی به عمل می‌آید نامناسب‌تر نباشد.

ماده ۱۹: حرفه های آزاد علمی

۱-هر یک از کشورهای متعاهد نسبت به پناهندگانی که بطور منظم در سرزمین آنان ساکن می‌باشند و دارای مدرک تحصیلی می‌باشند که از طرف مقامات آن کشور به رسمیت شناخته شده است و مایلند به حرفه های آزاد علمی اشتغال داشته باشند رفتاری که معمول خواهند داشت تا حد امکان مساعد بوده و در هر حال از رفتاری که در چنین موارد نسبت به بیگانگان بطور کلی به عمل می‌آید نامساعدتر نباشد.

۲-کشورهای متعاهد حداکثر کوشش را خواهند کرد که مطابق قوانین و اساسنامه‌های خود وسایل استقرار پناهندگان مزبور را غیر از سرزمین اصلی در سرزمین‌های دیگری که مسئولیت روابط بین‌المللی آنها را عهده دار می‌باشند تأمین کنند.

فصل چهارم

رفاه و آسایش

ماده ۲۰: جیره بندی

در صورتیکه سیستم جیره بندی وجود داشته باشد و توزیع محصولات کمیاب در میان عموم مردم طبق سهمیه صورت گیرد نسبت به پناهندگان نیز مانند اتباع کشور رفتار خواهد شد.

ماده ۲۱: مسکن

در مورد مسکن تا آنجا که این امر بر طبق قوانین و مقررات تنظیم گردیده یا تحت نظارت مقامات کشوری است، کشورهای متعاهد نسبت به پناهندگان رفتاری معمول خواهند داشت که تا حد امکان مساعد بوده و در هر حال از رفتاری که در چنین موارد نسبت به بیگانگان بطور کلی معمول می دارند نامساعدتر نباشد.

ماده ۲۲: تعلیمات عمومی

۱-در مورد تحصیلات ابتدایی کشورهای متعاهد نسبت به پناهندگان مانند اتباع خود رفتار خواهند نمود.

۲-در مورد تحصیلات غیرابتدایی و مخصوصاً در مورد حق اشتغال به تحصیل و تعیین ارزش مدارک تحصیلی دیپلم ها و دانشنامه های صادره از ممالک خارجی و تخفیف حقوق و عوارض مربوط و اعطای کمک هزینه تخفیف حقوق و عوارض مربوط و اعطای کمک هزینه تحصیلی و بورس تحصیلی کشورهای متعاهد نسبت به پناهندگان رفتاری معمول خواهند داشت که تا سر امکان مساعد بوده و در هر حال از رفتاری که نسبت به بیگانگان بطور کلی به عمل می‌آید نامساعدتر نباشد.

ماده ۲۳: امور خیریه کشوری

در مورد تعاون و کمک‌های عمومی کشورهای متعاهد نسبت به پناهندگانی که مطابق قانون در سرزمین آنها زندگی می‌کنند، مانند اتباع خود رفتار خواهند کرد.

ماده ۲۴: قوانین کار و بیمه اجتماعی

۱-کشورهای متعاهد در موارد زیر نسبت به پناهندگانی که مطابق قانون در سرزمین آنها زندگی می‌کنند، مانند اتباع خود رفتار خواهند کرد:

الف- حقوق (منجمله مدد معاش خانواده در مواردی که مدد معاش مزبور جزء حقوق است)، ساعات کار، ساعات اضافه کار، مرخصی با حقوق، محدودیت‌های مربوط بکار کردن در منزل - حداقل سن برای استخدام، یادگیری و تعلیمات حرفه‌ای، اشتغال بکار بانوان و نوجوانان و استفاده از مزایای مقاوله‌نامه‌های جمعی تا حدودی که موارد مذکور تابع قوانین یا مقررات بوده یا منوط به نظر مقامات اداری می‌باشد.

ب - بیمه اجتماعی (مقررات قانونی درباره حوادث امراض ناشی از کار، زایمان، بیماری، از کارافتادگی، پیری، مرگ، بیکاری، مسئولیت‌های خانوادگی و سایر پیش‌آمدهای احتمالی که طبق قوانین داخلی مشمول بیمه های اجتماعی است) با رعایت محدودیت‌های زیر:

یکم - ترتیبات مقتضی مربوط به حفظ حقوق مکتسبه و حقوقی که در شرف اکتساب است.

دوم - مقررات خاصی که در قوانین داخلی کشور محل سکونت راجع به مزایا یا سهمی از مزایایی که کلا از بودجه عمومی پرداخت می‌شود و همچنین راجع به پرداخت فوق العاده به اشخاصی که از واجد شرایط لازم برای دریافت مقرری نمی باشند پیش بینی شده است.

۲-چنانچه پناهنده بر اثر حادثه یا بیماری ناشی از کار فوت نماید حقی که باید به این مناسبت پرداخت گردد بعلت اینکه اقامتگاه استفاده کننده از این حق در خارج از سرزمین کشور متعاهد است زایل نخواهد شد.

۳-کشورهای متعاهد پناهندگان را از مزایای موافقت‌نامه‌هایی که بین آنان در خصوص حفظ حقوق اکتسابی یا حقوق در شرف اکتساب در زمینه بیمه های اجتماعی منعقد گردیده یا در آینده منعقد می‌گردد بهره‌مند خواهند ساخت، مشروط بر اینکه پناهندگان دارای شرایطی باشند که برای اتباع کشورهای امضا کننده این موافقت‌نامه ها پیشبینی شده است.

۴-در مورد موافقت‌نامه های مشابهی که ممکن است بین کشورهای متعاهد و کشورهای دیگر لازم‌الاجرا باشد یا بعداً به موقع اجرا گذاشته شود کشورهای متعاهد امکان برخورداری پناهندگان را از مزایای موافقت‌نامه‌های مزبور با حسن نیت مورد بررسی قرار خواهند داد.

فصل پنجم

اقدامات اداری

ماده ۲۵ - مساعدت اداری

۱-هنگامی‌که اعمال حقی از طرف پناهنده مستلزم مساعدت مقامات یک کشور خارجی است که پناهنده نمی‌تواند به آنها رجوع نماید، کشورهای متعاهدی که پناهنده در سرزمین آنها سکونت دارد ترتیبی خواهند داد که مقامات مربوط به آنها یا مقامات بین‌المللی به پناهنده مزبور مساعدت لازم را بکنند.

۲-مقام یا مقامات مذکور در بند (۱) اسناد یا گواهی نامه‌هایی را که معمولا بوسیله یا وساطت مقامات کشوری آنها به بیگانگان داده می‌شود به پناهندگان تسلیم خواهند داشت یا وسایل تسلیم آنرا تحت نظارت خود فراهم خواهند ساخت.

۳-اسناد یا گواهی‌نامه‌هایی که بدین ترتیب به پناهندگان داده می‌شود جایگزین اسناد رسمی خواهد بود که بوسیله یا با وساطت مقامات کشوری آنها به بیگانگان داده می‌شود و باید معتبر شناخته شود مگر اینکه خلاف آن ثابت گردد.

۴-با رعایت موارد استثنایی که به منظور مساعدت با اشخاص بی بضاعت رعایت می‌شود در مقابل انجام خدمات مذکور در این ماده ممکن است حق‌الزحمه دریافت شود. اما حق‌الزحمه مزبور باید منصفانه بوده و متناسب با حق‌الزحمه‌ای باشد که در مقابل خدمات مشابه از اتباع مملکت دریافت می‌شود.

۵-مقررات این ماده تأثیری در مفاد مواد ۲۷ و ۲۸ نخواهد داشت.

ماده ۲۶: آزادی رفت و آمد

هریک از کشورهای متعاهد به پناهندگانی که طبق قانون در سرزمین آن زندگی می‌کنند حق خواهد داد که محل سکونت خود را انتخاب کنند و آزادانه در داخل سرزمین آن کشور رفت و آمد کنند. مشروط به رعایت مقرراتی که عموماً در اینگونه موارد درباره خارجیان اجرا می‌شود.

ماده ۲۷: اوراق هویت

کشورهای متعاهد برای پناهندگانی که در سرزمین آنها زندگی می‌کنند و فاقد اسناد معتبر مسافرت می‌باشند اوراق هویت صادر خواهند کرد.

ماده ۲۸: اسناد مسافرت

۱-کشورهای متعاهد برای پناهندگانی که بطور منظم در سرزمین آنها زندگی می‌کنند به منظور مسافرت آنها به خارج از سرزمین خود اسناد مسافرت صادر خواهند کرد مگر اینکه دلایل آمرانه مربوط به امنیت ملی و نظم عمومی مغایر با این امر باشد.

اسناد مزبور مشمول مقررات مندرج در الحاقیه این مقاوله‌نامه خواهد بود. کشورهای متعاهد می‌توانند برای کلیه پناهندگانی که در سرزمین آنها زندگی می‌کنند اسناد مسافرت صادر کنند. کشورهای متعاهد نسبت به پناهندگانی که نمی‌توانند اسناد مسافرت را از کشوری که محل سکونت دائمی آنان در آنجاست تحصیل کنند توجه خاص مبذول خواهند داشت.

۲-اسناد مسافرتی که طبق موافقتنامه های قبلی بین‌المللی توسط کشورهای طرف موافقتنامه های مزبور برای پناهندگان صادر شده است رسمیت داشته و کشورهای متعاهد باید اینگونه اسناد را به منزله اسنادی تلقی کنند که طبق مقررات این ماده صادر شده است.

ماده ۲۹: مالیات و عوارض

۱-کشورهای متعاهد هیچ نوع حقوق و عوارض یا مالیات غیر از آنچه در موارد مشابه از اتباع خود اخذ می‌کنند - یا بیشتر از آن - به پناهندگان تحمیل نخواهند کرد.

۲-مندرجات بند فوق مانع از آن نیست که قوانین و مقررات مربوط به عوارض صدور اسناد اداری از جمله اوراق هویت برای بیگانگان در مورد پناهندگان اجرا گردد.

ماده ۳۰: انتقال دارایی

۱-هریک از کشورهای متعاهد طبق قوانین و مقررات خود اجازه خواهد داد که پناهندگان دارایی خود را که به آن کشور آورده‌اند به سرزمین کشور دیگری که به آنها اجازه استقرار مجدد داده است انتقال دهند.

۲-هریک از کشورهای متعاهد تقاضای پناهندگان را دائر بر موافقت با انتقال هرگونه دارایی دیگر که برای استقرار آنان در کشور دیگری که با استقرار مجدد آنان موافقت کرده است لازم باشد با نظر مساعد مورد توجه قرار خواهند داد.

ماده ۳۱: پناهندگانی که بر خلاف قانون در کشور پناه دهنده بسر می‌برند

۱-کشورهای متعاهد پناهندگانی را که مستقیماً از سرزمینی که در آنجا زندگی و آزادی آنها به مفهوم ماده ۱ در معرض تهدید بوده بدون اجازه به سرزمین آنها وارد شده یا در آنجا زندگی می‌کنند بخاطر اینکه بر خلاف قانون وارد سرزمین آنها شده‌اند یا در آن زندگی می‌کنند مجازات نخواهند کرد، مشروط بر اینکه بلادرنگ خود را به مقامات مربوطه معرفی کرده دلایل قانع کننده‌ای برای ورود یا حضور غیرقانونی خود ارائه دهند.

۲-کشورهای متعاهد نسبت به تردد این قبیل پناهندگان محدودیت‌هایی غیر از آنچه لازم باشد قائل نخواهند شد و محدودیت‌های مزبور فقط تا موقعی خواهد بود که وضع این قبیل پناهندگان در کشور پناه دهنده تعیین نشده یا اجازه ورود به کشور دیگری تحصیل نکرده‌اند. کشورهای متعاهد به این قبیل پناهندگان فرصت مناسب داده و تسهیلات لازم را برای آنان فراهم خواهند ساخت تا اجازه ورود به سرزمین کشور دیگر را تحصیل کنند.

ماده ۳۲: اخراج

۱-کشورهای متعاهد پناهنده‌ای را که بطور منظم در سرزمین آنان زندگی می‌کنند، اخراج نخواهند کرد مگر به دلایل حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی.

۲-اخراج چنین پناهنده‌ای فقط به موجب تصمیمی صورت خواهد گرفت که طبق موازین قانونی اتخاذ شده باشد. به پناهنده مزبور باید اجازه داده شود که برای رفع اتهام از خود مدارکی ارائه دهد - تقاضای استیناف نماید و به مقامات صلاحیت دار یا شخص یا اشخاصی که مقامات صلاحیت دار تعیین نموده کند مراجعه نماید مگر آنکه این امر به دلایل امنیت ملی میسر نباشد.

۳-کشورهای متعاهد به چنین پناهنده‌ای فرصت مناسب خواهند داد تا در این مدت بتواند از طریق قانون مجوز ورود به کشور دیگری را تحصیل کند. کشورهای متعاهد می‌توانند در مدت مزبور اقدامات داخلی را که لازم تشخیص دهند، به عمل آورند.

ماده ۳۳: منع اخراج یا اعاده

۱-هیچ‌یک از کشورهای متعاهد به هیچ نحو پناهنده‌ای را به سرزمین‌هایی که امکان دارد به علل مربوط به نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در دسته اجتماعی بخصوص یا دارا بودن عقاید سیاسی زندگی یا آزادی او در معرض تهدید واقع شود تبعید نخواهند کرد یا باز نخواهند گردانید.

۲-اما پناهنده‌ای که طبق دلایل کافی وجود او برای امنیت کشوری که در آن زندگی می‌کند خطرناک بوده یا طبق رای قطعی دادگاه محکوم به ارتکاب جرم یا جنایت مهمی شده و مضر بحال جامعه کشور تشخیص داده شود نمی‌تواند دعوی استفاده از مقررات مذکور در این ماده را بنماید.

ماده ۳۴: کسب تابعیت

کشورهای متعاهد تا آنجا که ممکن است در پذیرش و اعطای تابعیت به پناهندگان تسهیلاتی فراهم خواهند آورد و مخصوصاً کوشش خواهند کرد تا امر تحصیل تابعیت را تسریع کرده و تا آنجا که ممکن است از هزینه و مخارج این امر بکاهند.

فصل ششم

مقررات اجرائی و موقتی

ماده ۳۵: همکاری مقامات ملی با ملل متحد

۱-کشورهای متعاهد تعهد می‌کنند که با دفتر کمیسیون عالی ملل متحد برای پناهندگان یا هریک از ادارات ملل متحد که جانشین آن گردد در اجرای وظایف او همکاری نموده و مخصوصاً انجام وظیفه آنرا در امر نظارت بر اجرای مقررات این مقاوله‌نامه تسهیل کنند.

۲-برای آنکه دفتر کمیسیون عالی ملل متحد برای پناهندگان یا هریک از ادارات ملل متحد که جانشین آن گردد بتواند گزارش‌های لازم را به ارکان صلاحیت دار ملل متحد تسلیم نماید کشورهای متعاهد تعهد می‌کنند که اطلاعات و آمار درخواست شده راجع به موضوعات زیر را در فرم‌های مناسب تهیه و در اختیار آنان قرار دهند:

الف - وضع پناهندگان؛

ب - اجرای این مقاوله‌نامه؛

پ - قوانین یا مقررات یا احکامی که درباره پناهندگان مجری بوده یا از این پس به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.

ماده ۳۶: اطلاعات مربوط به قوانین و آیین‌نامه های داخل

کشورهای متعاهد متن قوانین و مقرراتی را که ممکن است برای تأمین اجرای این مقاوله‌نامه وضع کنند در اختیار دبیرکل ملل متحد قرار خواهند داد.

ماده ۳۷: رابطه با مقاوله‌نامه‌های قبلی

بدون آنکه به مقررات بند ۲ ماده ۲۸ لطمه‌ای وارد شود، این مقاوله‌نامه نسبت به کشورهای متعاهد آن جانشین موافقت‌نامه‌های مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۲۲ و ۳۱ ماه مه ۱۹۲۴ و ۱۲ ماه مه ۱۹۲۶ و ۳۰ ژوئن ۱۹۲۸ و ۳۰ ژوئیه ۱۹۳۵ و مقاوله‌نامه‌های مورخ ۲۸ اکتبر ۱۹۳۳ و ۱۰ فوریه ۱۹۳۸ و پروتکل مورخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۳۹ و موافقتنامه مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۴۶ خواهد بود.

فصل هفتم

مقررات نهایی

ماده ۳۸: حل اختلافات

کلیه اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای این مقاوله‌نامه بین کشورهای متعاهد که از طرق دیگر حل و فصل نشود بنا به تقاضای یکی از طرفین اختلاف به دادگاه بین‌المللی دادگستری ارجاع خواهد شد.

ماده ۳۹: امضاء، تصویب، و الحاق

۱-این مقاوله‌نامه در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ در ژنو برای امضا مفتوح خواهد بود و از آن پس به دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد. از تاریخ ۲۸ ژوئیه تا ۳۱ اوت ۱۹۵۱ نیز در دفتر اروپایی سازمان ملل متحد و از ۱۷ سپتامبر ۱۹۵۱ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۵۲ در مقر سازمان ملل متحد برای امضا مفتوح خواهد بود.

۲-این مقاوله‌نامه برای امضای کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد و همچنین کشورهای غیرعضو که برای شرکت در کنفرانس نمایندگان تام الاختیار راجع به وضع پناهندگان و اشخاص بدون وطن دعوت شده‌اند یا کشورهایی که از طرف مجمع عمومی برای امضاء دعوت گردیده کند مفتوح خواهد بود.

۳-این مقاوله‌نامه باید به تصویب برسد و اسناد تصویب آن به دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده شود.

۴-این مقاوله‌نامه از تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ برای الحاق کشورهای مذکور در بند ۲ ماده حاضر مفتوح خواهد بود. الحاق یا سپردن سند الحاق به دبیرکل سازمان ملل صورت خواهد گرفت.

ماده ۴۰: مقررات مربوط به اجرای مقاوله‌نامه

۱-هرکشوری می‌تواند در موقع امضا یا تصویب یا الحاق اعلام نماید که این مقاوله‌نامه را در کلیه سرزمین‌هایی که مسئول روابط بین‌المللی آنهاست یا در چند مورد از آنها بموقع اجراء

می‌گذارد. این اعلامیه از تاریخی که مقاوله‌نامه در سرزمین کشور مزبور به موقع اجرا گذاشته می‌شود نافذ خواهد گردید.

۲-از آن پس اجرای مقاوله‌نامه با ارسال اطلاعیه‌ای بعنوان دبیرکل سازمان ملل متحد صورت خواهد گرفت و نود روز پس از وصول اطلاعیه مزبور توسط دبیرکل ملل متحد یا پس از تاریخ اجرای مقاوله‌نامه در سرزمین کشور مزبور (هر کدام مؤخر باشد: بموقع اجرا گذاشته خواهد شد).

۳-در مورد سرزمین‌هایی که در موقع امضا یا تصویب یا الحاق مقاوله‌نامه مشمول آن نمی‌شوند هر کشور ذینفع امکان انجام اقدامات لازم برای توسعه این مقاوله‌نامه را به سرزمین‌های مزبور در اسرع وقت مورد بررسی قرار خواهد داد، منوط بر آنکه، در صورت لزوم، نظر موافق حکومت‌های سرزمین‌های مذکور که به دلایل مربوط به قانون اساسی الزامی خواهد بود، حاصل گردد.

ماده ۴۱: مقررات مربوط به کشورهای فدرال

مقررات زیر درباره کشورهای فدرال یا غیر آن اجرا خواهد شد.

الف - تعهدات کشور فدرال نسبت به موادی از این مقاوله‌نامه که در صلاحیت قانونی قوه مقننه فدرال می‌باشد مانند تعهدات کشورهای متعاهد فدرال خواهد بود.

ب - راجع به موادی از این مقاوله‌نامه که در صلاحیت قانونی کشورها، استان‌ها، یا نواحی محلی حکومت فدرال می‌باشد که طبق قوانین اساسی فدراسیون ملزم به اقدام قانونی نمی‌باشند، کشور فدرال مواد مزبور را با نظر مساعد در اولین فرصت ممکن به نظر مقامات صالحه کشورها، استان‌ها یا نواحی خواهد رسانید.

ج - کشور فدرالی که طرف این مقاوله‌نامه می‌باشد به موجب درخواست کتبی هر کشور متعاهد دیگر توسط دبیرکل سازمان ملل متحد به این کشور تسلیم شده باشد، گزارشی از مجموعه قوانین و مقررات جاری در فدراسیون و واحدهای متشکله آنرا در مورد هریک از مقررات این مقاوله‌نامه با ذکر حدود اجرایی آن که به وسیله یک اقدام قانونی یا غیر آن معین می‌گردد تهیه و به اطلاع خواهد رسانید.

ماده ۴۲: حق شرط

۱-در موقع امضا، تصویب، و یا الحاق، هر کشور می‌تواند راجع به کلیه مواد این مقاوله‌نامه به استثنای مواد ۱ و ۳ و ۴ و (۱) ۱۶ و ۳۳ و ۳۶ تا ۴۶ حق شرط قائل شود.

۲-هر کشور که طبق بند یک این ماده حق شرطی قید می‌کند می‌تواند هر موقع که بخواهد با ارسال اطلاعیه‌ای بعنوان دبیرکل ملل متحد حق شرط مزبور را لغو شده تلقی نماید.

ماده ۴۳: تاریخ اجرا

۱-این مقاوله‌نامه ۹۰ روز پس از تاریخ سپردن ششمین سند تصویب یا الحاق به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.

۲-این مقاوله‌نامه درباره کشورهایی که پس از سپردن ششمین سند تصویب یا الحاق آنرا تصویب نموده یا به آن ملحق می‌شوند ۹۰ روز پس از تاریخ سپردن سند تصویب یا الحاق کشور مزبور به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

ماده ۴۴: فسخ

۱-هر کشور متعاهد می‌تواند در هر موقع با ارسال اطلاعیه‌ای به دبیر کل ملل متحد این مقاوله‌نامه را فسخ نماید.

۲-فسخ یک سال پس از تاریخ دریافت اطلاعیه به وسیله دبیرکل درباره کشور مزبور نافذ خواهد گردید.

۳-کشوری‌که طبق مقررات ماده ۴۰ اقدام به صدور اعلامیه یا اطلاعیه نموده باشد از آن پس در هر موقع می‌تواند با ارسال اطلاعیه‌ای به دبیرکل ملل متحد اعلام نماید مقاوله‌نامه منبعد در مورد سرزمینی که در اطلاعیه معین گردیده اجرا نخواهد گردید. در اینصورت مقاوله‌نامه یک سال پس از آنکه دبیرکل اطلاعیه مزبور را دریافت دارد در مورد سرزمین مزبور غیر قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۴۵ - تجدید نظر

۱-هر کشور متعاهد در هر موقع می‌تواند با ارسال اطلاعیه‌ای به دبیرکل ملل متحد تقاضا کند در این مقاوله‌نامه تجدید نظر به عمل آید.

۲-مجمع عمومی ملل متحد در صورت لزوم اقداماتی را که باید در خصوص تقاضای مزبور به عمل آید توصیه خواهد کرد.

ماده ۴۶: اطلاعیه‌های دبیر کل ملل متحد

دبیرکل ملل متحد موضوعات زیر را به اطلاع کلیه اعضای سازمان ملل متحد و کشورهای غیرعضو مذکور در ماده ۳۹ خواهد رساند:

الف - اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های مذکور در بخش (ب: ماده یک)؛

ب - امضا - تصویب و الحاق‌های مذکور در ماده ۳۹؛

پ- اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های صادر طبق ماده ۴۰؛

ت – حق شرط‌هایی که به موجب ماده ۴۲ قید گردیده یا لغو شده است؛

ث - تاریخ اجرای این مقاوله‌نامه طبق ماده ۴۳ ؛

ج - فسخ‌ها و اطلاعیه‌های مذکور در ماده ۴۴؛

چ - تقاضای تجدید نظر طبق ماده ۴۵

بنا به مراتب امضاکنندگان ذیل که دارای اختیارات قانونی می‌باشند این مقاوله‌نامه را از طرف کشورهای متبوعه خویش امضا می‌کند. در روز ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۵ که و یک در شهر ژنو در یک نسخه به امضا رسید. متون انگلیسی و فرانسه آن بطور مساوی معتبر است و در بایگانی سازمان ملل متحد بطور امانت نگهداری خواهند شد و نسخه‌های مصدق آن به تمام کشورهای عضو سازمان ملل متحد و کشورهای غیرعضو مذکور در ماده ۳۹ داده خواهد شد.

الحاقیه

بند یک - سند مسافرت مذکور در ماده ۲۸ این مقاوله‌نامه طبق نمونه ضمیمه این مقاوله‌نامه خواهد بود.

این مدرک لااقل به دو زبان که یکی از آنها انگلیسی یا فرانسه خواهد بود تهیه خواهد شد.

بند دو - با رعایت مقررات کشور صادر کننده سند مسافرت - نام اطفال را می‌توان در سند مسافرت یکی از والدین یا در موارد استثنایی در سند مسافرت پناهنده بالغ دیگر ذکر کرد.

بند سه - هزینه صدور سند مسافرت نباید از حداقل هزینه صدور گذرنامه ملی تجاوز کند.

بند چهار - جز در موارد مخصوص یا استثنایی سند مسافرت باید تا آنجا که ممکن است برای مسافرت به سرزمین های بیشتر معتبر باشد.

بند پنج- اعتبار سند مسافرت بنا به انتخاب مقام صادر کننده ممکن است یک یا دو سال باشد.

بند شش

۱ - تا موقعی که دارنده سند مسافرت قانوناً در سرزمین کشور صادر کننده سند مسافرت اقامت دارد و در سرزمین کشور دیگر بطور قانونی اقامت نکرده تجدید یا تمدید اعتبار سند مسافرت در صلاحیت مقام صادر کننده آن خواهد بود. صدور سند جدید نیز در همان شرایط در صلاحیت مقامی است که مدرک قبلی را صادر نموده است.

۲- نمایندگان دیپلماتیک یا کنسولی در صورتیکه دارای اختیار لازم باشند می‌توانند اسناد مسافرتی را که از طرف حکومت مربوط آنها صادر شده است حداکثر تا شش ماه تمدید کنند.

۳ - کشورهای متعاهد تجدید یا تمدید اعتبار اسناد مسافرت یا صدور اسناد جدید را برای پناهندگانی که اقامت آنها در سرزمین آنها منبعد صورت قانونی نخواهد داشت و نمی‌توانند از کشوری که اقامتگاه قانونی آنها در آنجا است اسناد مسافرت تحصیل کنند با حسن نظر مورد بررسی قرار خواهند داد.

بند هفت - کشورهای متعاهد اعتبار اسنادی را که طبق مقررات ماده ۲۸ این مقاوله‌نامه صادر شده است به رسمیت خواهند شناخت.

بند هشت - مقامات صلاحیت دار کشوری که پناهنده مایل است به آنجا برود اگر مایل به پذیرفتن او باشند و برای ورود او روادید لازم باشد در سند مسافرت او روادید صادر خواهند نمود.

بند نه

۱ - کشورهای متعاهد تعهد می‌کنند به پناهندگانی که روادید ورود به سرزمینی را که مقصد نهایی آنها است کسب کرده‌اند روادید عبور بدهند.

۲- دلایلی که امتناع از دادن روادید به خارجیان را توجیه می‌کند می‌تواند سبب امتناع از دادن روادید مذکور در فوق گردد.

بند ده - حقوق مربوط به هزینه صدور روادیدهای مربوط به خروج - پذیرش یا عبور نباید از حداقل تعرفه مربوط به صدور روادید برای گذرنامه‌های خارجی تجاوز نماید.

بند یازده - در صورتیکه پناهنده‌ای محل اقامت خود را تغییر دهد و بر طبق قانون در سرزمین کشور متعاهد دیگری اقامت گزیند مسئولیت صدور اسناد جدید طبق شرایط مقرر در ماده ۲۸ بر عهده مقام صلاحیت دار آن سرزمین خواهد بود و پناهنده حق خواهد داشت تقاضای خود را به مقام مزبور تسلیم نماید.

بند دوازده - مقام صادر کننده سند جدید باید سند قبلی را اخذ و آنرا به کشور صادر کننده آن ارسال دارد. این امر در صورتی انجام می‌پذیرد که در سند مزبور بدین نحو قید شده باشد در غیر اینصورت مقام مذکور سند مسافرت را اخذ و آنرا باطل خواهد کرد.

بند سیزده

۱ - هر کشور متعاهد تعهد می‌نماید به دارنده سند مسافرتی که طبق ماده ۲۸ این مقاوله‌نامه بوسیله آن کشور صادر شده است اجازه دهد در مدتی که سند مزبور اعتبار دارد هر موقع بخواهد به سرزمین آن کشور باز گردد.

۲- مشروط بر مقررات بند فوق هر کشور متعاهد می‌تواند از دارنده سند مزبور بخواهد که تشریفات مقرر برای ورود و خروج به سرزمین کشور مزبور را رعایت نماید.

۳ - کشورهای متعاهد در موقع صدور سند مسافرت حق خواهند داشت در موارد استثنایی یا در مواردی که توقف پناهنده تا مدت معینی اجازه داده شده مدتی را که پناهنده طی آن می‌تواند به سرزمین آنها باز گردد به حداقل سه ماه محدود سازند.

بند چهارده - فقط مشروط به رعایت مقررات بند سیزده مقررات الحاقیه حاضر به هیچ وجه در قوانین و مقررات حاکم بر شرایط پذیرش - عبور - توقف و استقرار در سرزمین‌های کشورهای متعاهد و خروج از آنها تأثیری نخواهد داشت.

بند پانزده - صدور سند مسافرت یا مندرجات آن در وضع دارنده آن بخصوص از لحاظ تابعیت مؤثر و تعیین کننده نخواهد بود.

بند شانزده - صدور سند مسافرت به هیچ وجه دارنده آن را صاحب حق برای استفاده از حمایت کنندگان دیپلماتیک و کنسولی کشور صادر کننده سند نخواهد ساخت و به مقامات مزبور نیز حق حمایت نخواهد داد.

پروتکل

مربوط به وضعیت پناهندگان

متن پروتکل مربوط به وضعیت پناهندگان ۱۹۶۶[1]

کشورهای طرف پروتکل حاضر،

با توجه به اینکه مقاوله‌نامه مربوط به وضعیت پناهندگان در ژنو در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ (که از این پس مقاوله‌نامه نامیده می شود،) فقط شامل افرادی می‌شود که در نتیجه حوادثی که قبل از اول ژانویه ۱۹۵۱ رخ داده‌اند، پناهنده شده‌اند،

با توجه به اینکه از زمان تصویب مقاوله‌نامه، شرایط پناهندگی جدید بوجود آمده است و بنابراین پناهندگان مربوطه ممکن است در محدوده مقاوله‌نامه قرار نگیرند،

با توجه به اینکه مطلوب است که همه پناهندگان مشمول تعریف مقاوله‌نامه بدون توجه به تاریخ اول ژانویه ۱۹۵۱ از وضعیت برابر برخوردار شوند،

به شرح زیر موافقت کردند:

ماده ۱ – مقررات عمومی

۱. کشورهای طرف پروتکل حاضر متعهد می‌شوند که مواد ۲ تا ۳۴ از جمله مقاوله‌نامه در مورد پناهندگان همانطور که در ادامه تعریف می شود، را اعمال کنند.

۲. برای اهداف این پروتکل، اصطلاح "پناهنده"، به جز در مورد اعمال بند ۳ این ماده، به هر شخصی در تعریف ماده یک مقاوله‌نامه اطلاق می‌شود که گویی عبارت "در نتیجه وقایع قبل از۱ ژانویه ۱۹۵۱ و ...» و عبارت «... در نتیجه چنین حوادثی» در ماده ۱ الف (۲) از آنها حذف شده است.

۳. این پروتکل توسط کشورهای عضو بدون هیچ محدودیتی جغرافیایی اعمال می‌شود، با این تفاوت که اعلامیه‌های موجود صادر شده توسط کشورهای عضو مقاوله‌نامه مطابق با ماده (۱) ب

---

[1] The Protocol was taken note of with approval by the Economic and Social Council in resolution 1186 (XLI) of 18 November 1966 and was taken note of by the General Assembly in resolution 2198 (XXI) of 16 December 1966. In the same resolution, the General Assembly requested the Secretary-General to transmit the text of the Protocol to the States mentioned in article V thereof, to enable them to accede to the Protocol.

مقاوله‌نامه، مگر اینکه به موجب ماده (۲) ب ۱ آن گسترش یابد، به موجب این پروتکل نیز اعمال می‌شود.

ماده ۲ – همکاری مقامات ملی با سازمان ملل متحد

۱ . کشورهای طرف این پروتکل متعهد می‌شوند که در اجرای وظایف خود با دفتر کمیسariای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان یا هر آژانس دیگری از سازمان ملل متحد که ممکن است جانشین آن شود همکاری کنند، و به ویژه باید وظیفه نظارت بر اجرای مفاد این پروتکل را تسهیل کنند.

۲. به منظور اینکه دفتر کمیساریای عالی یا هر سازمان دیگری از سازمان ملل متحد که ممکن است جانشین آن باشد، بتواند به ارگان‌های صلاحیت دار سازمان ملل گزارش دهد، کشورهای عضو این پروتکل متعهد می‌شوند که اطلاعات و داده های آماری مورد درخواست را در فرم مناسب در مورد موارد زیر به آنها ارائه دهند:

الف) وضعیت پناهندگان؛

ب) اجرای پروتکل حاضر.

(ج) قوانین، مقررات و احکامی که در مورد پناهندگان لازم‌الاجرا هستند، یا ممکن است از این پس اجرایی باشند.

ماده ۳ – اطلاعات در مورد قوانین ملی

کشورهای طرف این پروتکل قوانین و مقرراتی را که ممکن است برای اطمینان از اجرای این پروتکل اتخاذ کنند به دبیر کل سازمان ملل متحد ابلاغ خواهند کرد.

ماده ۴ – حل و فصل اختلافات

هر گونه اختلاف بین کشورهای طرف این پروتکل که به تفسیر یا کاربرد آن مربوط می شود و نمی‌توان آن را با روش های دیگر حل و فصل کرد، بنا به درخواست هر یک از طرفین اختلاف به دادگاه بین‌المللی دادگستری ارجاع خواهد شد.

ماده ۵ - الحاق

پروتکل حاضر برای الحاق از طرف کلیه کشورهای عضو مقاوله‌نامه و هر کشور دیگر عضو سازمان ملل متحد یا عضو هر یک از آژانس‌های تخصصی و یا دعوت مجمع عمومی برای الحاق به آنها مفتوح خواهد بود. الحاق با سپردن سند الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد انجام خواهد شد.

ماده ۶ - بند فدرال

در مورد یک کشور فدرال یا غیر واحد، مقررات زیر اعمال می شود:

(الف) در مورد آن دسته از مواد مقاوله‌نامه که مطابق با بند ۱ ماده ۱ این پروتکل اعمال می شود و در صلاحیت قانونی مرجع قانونگذاری فدرال است، تعهدات دولت فدرال تا این حد خواهد بود. مانند کشورهای عضو که ایالت فدرال نیستند.

ب) با توجه به آن دسته از مواد مقاوله‌نامه که مطابق با بند ۱ ماده یک پروتکل حاضر اعمال می‌شوند و در صلاحیت قانونی کشو ها، استان‌ها یا واحدهای کوچکتر تشکیل دهنده هستند که براساس نظام قانون اساسی فدراسیون ملزم به رعایت آنها نیستند، برای انجام اقدامات قانونی، دولت فدرال باید این مواد را با توصیه مساعد در اولین زمان ممکن به اطلاع مقامات مربوطه کشورها، استان ها یا واحدهای کوچکتر برساند.

ج) یک کشور فدرال عضو این پروتکل، به درخواست هر کشور عضو دیگر این پروتکل که از طریق دبیرکل سازمان ملل ارسال شود، بیانیه‌ای از قانون و عمل فدراسیون و واحدهای تشکیل دهنده آن را در رابطه با هر حکم خاص مقاوله‌نامه که مطابق با بند ۱ ماده ۱ این پروتکل باید اعمال شود، ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد تا چه حد به این حکم با اقدام قانونی یا دیگر عمل شده است.

ماده ۷ – حق شرط و اعلامیه‌ها

۱. در زمان الحاق، هر کشوری م تواند در رابطه با ماده ۴ پروتکل حاضر و در خصوص اعمال هر یک از مقررات مقاوله‌نامه به غیر از موارد مندرج در ماده ۱ پروتکل حاضر، حق شرطی به غیر از آنچه در مواد ۳، ۴، (۱) ۱۶، و ۳۳ اعلام کند، مشروط بر اینکه در مورد یک کشور عضو

مقاوله‌نامه، حق شرط انجام شده به موجب این ماده شامل پناهندگانی که این مقاوله‌نامه در مورد آنها اعمال می شود، نباشد.

۲. ملاحظاتی که توسط کشورهای عضو مقاوله‌نامه مطابق با ماده ۴۲ آن ارائه شده است، در رابطه با تعهدات آنها به موجب این پروتکل، اعمال خواهد شد، مگر اینکه آن ملاحظات پس گرفته شوند.

۳. هر کشوری که طبق بند یک این ماده شرطی را قید می‌کند، می‌تواند در هر زمانی از طریق اطلاعیه‌ای به دبیر کل سازمان ملل متحد، این شرط را پس بگیرد.

۴. اعلامیه‌هایی که به موجب بندهای اول و دوم ماده ۴۰ مقاوله‌نامه توسط یک کشور عضو مقاوله‌نامه که به این پروتکل پیوسته است، صادر شده است، در رابطه با این پروتکل به عنوان قابل اجرا در نظر گرفته می‌شود، مگر اینکه در هنگام پیوستن، کشور عضو مربوطه به دبیرکل سازمان ملل متحد اطلاعیه‌ای خلاف آن ارسال کند. مفاد ماده ۴۰، بندهای ۲ و ۳ و بند ۳ از ماده ۴۴ مقاوله‌نامه، مشمول این پروتکل خواهد بود.

ماده ۸ – لازم‌الاجرا شدن پروتکل

۱. این پروتکل از روز توديع ششمین سند الحاق لازم‌الاجرا خواهد شد.

۲. برای هر کشوری که پس از توديع ششمین سند الحاق به پروتکل ملحق می‌شود، پروتکل از تاریخ توديع سند الحاق توسط آن کشور لازم‌الاجرا خواهد شد.

ماده ۹ – فسخ پروتکل

۱. هر کشور عضو این پروتکل می‌تواند در هر زمان از طریق اطلاعیه‌ای خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد، این پروتکل را فسخ کند.

۲. این انصراف یک سال از تاریخ دریافت آن توسط دبیر کل سازمان ملل متحد برای کشور عضو مربوطه نافذ خواهد بود.

ماده ۱۰ - اطلاعیه های دبیر کل سازمان ملل متحد

دبیر کل سازمان ملل متحد، کشورهای مذکور در ماده ۵ فوق را از تاریخ لازم‌الاجرا شدن، الحاقات، حق شرط و انصراف از آن، انصراف از پروتکل حاضر، و اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های مربوط به این پروتکل مطلع خواهد کرد.

ماده ۱۱. تودیع در آرشیو دبیرخانه سازمان ملل متحد

یک نسخه از پروتکل حاضر که متون چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی آن به یک اندازه معتبر است و به امضای رئیس مجمع عمومی و دبیر کل سازمان ملل رسیده باشد، در آرشیو سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد. دبیر کل رونوشت‌های تایید شده آن را به تمام کشورهای عضو سازمان ملل متحد و سایر کشورهای مذکور در ماده ۵ فوق ارسال خواهد کرد.

مقاوله‌نامه

ملیت زنان متاهل

مقدمه‌ای بر شکل‌گیری مقاوله‌نامه ملیت زنان متاهل[1]

موضوع تابعیت زنان بعد از ازدواج همواره محل بحث‌هایی بوده است زیرا اغلب زنان به دنبال ازدواج با مردی که تابعیت متفاوتی از زن می‌داشت، تابعیت اصلی خود را از دست می‌دادند. بنابراین، تلاش‌هایی صورت گرفته است تا زنان به وضع قوانینی که اصل برابری حقوق ملیت برای زنان متاهل را به رسمیت می‌شناسد، دست یابند. اینگونه تلاش‌ها در ایالات متحده امریکا با موفقیت‌هایی همراه بود. اما علاوه بر تلاش‌هایی که در سطوح ملی انجام گرفت، سازمان‌های بین‌المللی نیز بوجود آمدند تا زنان را در دستیابی به این حقوق یاری رسانند. «شورای بین‌المللی زنان»، «کنفرانس زنان آسیایی زنان»، «فدراسیون بین‌المللی زنان دانشگاهی»، و «اتحاد بین‌المللی» برای حق رأی و شهروندی برابر در ردیف اینگونه سازمان‌ها قرار دارند. اتحاد بین‌المللی شاید مهمترین دستاورد را داشته باشد زیرا توانست در سال ۱۹۲۳، نشستی را در رم برگزار کند که در آن تقاضا از کشورهای جهان برای تصویب مقاوله‌نامه‌ای برای استقلال حقوق زنان را با جدیت دنبال کرد. اتحاد همچنین توانست پیش‌نویس موقت مقاوله‌نامه مورد نظر خود را نیز تهیه کند. ، اما اتحادیه درنهایت نتوانست به اهداف مورد نظر دست یابد زیرا به این نتیجه رسید که وضع چنین قوانینی برعهده کشورهاست.

پایان جنگ جهانی دوم، فرصت بی همتایی را فراهم آورد تا این حقوق مشخص زنان مورد توجه بیشتری قرار گیرد. منشور ملل متحد بطور عام همه آحاد جامعه بشری را شایسته برخورداری از حقوق ذاتی خود می‌داند. همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد نیز قانوناً متعهد هستند برای تحقق کامل همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مردم خود تلاش کنند. وضعیت حقوق بشر، از جمله هدف برابری بین زنان و مردان، به این ترتیب به یک تعهد مقاوله‌نامهی برای همه کشورها و سازمان ملل تبدیل شده است. این تاکید بر حقوق بشر در وضعیت حقوق زنان تاثیرات بسزایی داشت. اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ به تصویب رسید، حق همه را از برابری در برابر قانون و برخورداری از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بدون هیچ گونه تمایزی از جمله نژاد، رنگ،

---

[1] Convention on the Nationality of Married Women. New York, 20 February 1957.

جنسیت و زبان و غیره اعلام می کند. ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر صراحت دارد که «۱- هر کس حق دارد که دارای تابعیت باشد. ۲- احدی را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد».

از زمان تأسیس خود، کمیسیون مقام زن با جدیت برنامه‌هایی را برای تعریف و تشریح ضمانت‌های عمومی عدم تبعیض از منظر جنسیتی دنبال کرده است. اقدامات این کمیسیون به توسعه و تدوین تعدادی اعلامیه و مقاوله‌نامه‌های مهمی منجر شده است که از حقوق بشر زنان حمایت و آنرا ترویج می‌کنند. این نهاد بین دولتی که در ابتدا در سال ۱۹۴۶ به عنوان نهادی فرعی در چارچوب کمیسیون حقوق بشر تأسیس شد، به سرعت در نتیجه فشار اعمال شده توسط فعالان زن، به‌عنوان کمیسیون مستقل موقعیت خود را تثبیت کرد. مأموریت کمیسیون شامل تهیه توصیه‌هایی در رابطه با مشکلاتی است که مستلزم توجه فوری در زمینه حقوق زنان است تا به برابری حقوق زنان و مردان بینجامد. در اثر همین تلاش‌ها بود که مقاوله‌نامه حقوق سیاسی زنان توسط مجمع عمومی در ۲۰ دسامبر ۱۹۵۲ تصویب شد. مقاوله‌نامه تابعیت زنان متاهل نیز در نتیجه همین تلاش‌ها در ۲۰ فوریه سال ۱۹۵۷ توسط مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد و در ۱۱ آگوست سال ۱۹۵۸ قوت اجرایی پیدا کرد.

هرچند که مقاوله‌نامه ۶۰ سال پیش تصویب شد، و سپس مقاوله‌نامه بین‌المللی حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان در سال ۱۹۷۹ نیز بر آن پیش گرفت، اهمیت مقاوله‌نامه را برای شرایط سیاسی امروز جهان نمی‌توان نادیده گرفت. درحقیقت، نوعی چالش از سوی این مقاوله‌نامه در برابر کشورهای مختلف قرار می‌گیرد که می‌کوشند در مقابله با امواج فزاینده تروریسم توسط بازیگران غیردولتی (از جمله شهروندان "بومی") که آغاز قرن بیست و یکم را رقم زده است، پرسش‌های عمیق و نگران کننده‌ای را در مورد خواسته‌های شهروندی و شرایط اعطای آن مطرح سازند.[۱] اما علی رغم این حساسیت‌ها مقاوله‌نامه مذکور را باید به‌عنوان گام مهمی در جهت استیفای حقوق زنان و برابری آنها با مردان در نظر گرفت، هرچند که هنوز در پاره‌ای از کشورهای جهان این حقوق برای زنان نادیده گرفته می‌شود. ایران یکی از اینگونه جوامع است که در آنها هرگاه زنی با مردی غیر ایرانی ازدواج

---

[1] Helen Irving, Citizenship, Alienage and the Modern Constitutional State: A Gendered History. Cambridge University Press.

کند، درصورتیکه قوانین کشور مرد، زن بعد از ازدواج تابعیت کشور مرد را بگیرد، زن ایرانی، تابعیت کشور خود را از دست می‌دهد. با اینحال بعد مرگ شوهر و یا جدایی امکان بازگشت به تابعیت اصلی وجود دارد.

متن مقاوله‌نامه ملیت زنان متاهل ۱۹۵۷

کشورهای متعاهد، با اذعان به اینکه، تعارضات قانونی در عمل با اشاره به تابعیت در نتیجه مقررات مربوط به از دست دادن یا تحصیل تابعیت توسط زنان در نتیجه ازدواج، انحلال آن یا تغییر تابعیت توسط شوهر در حین ازدواج ایجاد می‌شد، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اذعان به اینکه در ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام کرده است که «هرکس حق داشتن یک تابعیت دارد» و «هیچ کس را نباید خودسرانه از تابعیت خود محروم کرد و از حق ملیت خود را تغییر دهد».

با تمایل به همکاری با سازمان ملل متحد در ترویج احترام جهانی و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون هیچگونه تمایز از نظر جنسیت، بر موارد زیر توافق می‌کنند:

ماده ۱

هر یک از کشورهای متعاهد موافقت می‌کند که نه شکل گیری و نه انحلال ازدواج بین یکی از اتباع خود و یک فرد بیگانه و نه تغییر تابعیت توسط شوهر در حین ازدواج، به طور خودکار تابعیت زن را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.

ماده ۲

هر کشور متعاهد موافقت می‌کند که نه تحصیل داوطلبانه تابعیت یک کشور دیگر و نه ترک تابعیت آن توسط یکی از اتباع آن مانع از حفظ تابعیت آن توسط همسر آن تبعه نخواهد شد.

ماده ۳

۱-هر کشور متعاهد موافقت می‌کند که زن بیگانه یکی از اتباع خود می‌تواند بنا به درخواست او تابعیت شوهر خود را از طریق تشریفات ویژه اخذ تابعیت دریافت کند. اعطای چنین تابعیتی

ممکن است مشمول محدودیت‌هایی باشد که ممکن است در راستای منافع امنیت ملی یا سیاست عمومی اعمال شود.

۲-هر کشور متعاهد موافقت می‌کند که مقاوله‌نامه حاضر نباید به عنوان تأثیری بر قوانین یا رویه قضایی تعبیر شود که به موجب آن زن بیگانه یکی از اتباع آن می‌تواند بنا به درخواست خود، تابعیت شوهر خود را به‌عنوان موضوع حقوقی کسب کند.

ماده ۴

۱-این مقاوله‌نامه از طرف هر کشور عضو سازمان ملل متحد و همچنین از طرف هر کشور دیگری که عضو هر یک از آژانس های تخصصی سازمان ملل متحد می‌شد یا از این پس به عضویت آن در می‌آید، یا از این پس به عضویت اساسنامه دادگاه بین‌المللی دادگستری یا هر کشور دیگری که مجمع عمومی سازمان ملل متحد از آن دعوت کرده است می‌شد.

۲-این مقاوله‌نامه به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب نزد دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

ماده ۵

۱-مقاوله‌نامه حاضر برای الحاق برای کلیه کشورهای مذکور در بند یک ماده ۴ مفتوح خواهد بود.

۲-الحاق با سپردن سند الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد انجام خواهد شد.

ماده ۶

۱-این مقاوله‌نامه ۹۰ روز پس از تاریخ ششمین تصویب یا الحاق لازم‌الاجرا خواهد شد.

۲-برای هر کشوری که پس از تودیع ششمین سند تصویب یا الحاق، مقاوله‌نامه را تصویب کرده یا به آن ملحق می‌شود، این مقاوله‌نامه در نودمین روز پس از تودیع سند تصویب یا الحاق توسط آن کشور لازم‌الاجرا خواهد شد.

ماده ۷

۱-این مقاوله‌نامه در مورد کلیه سرزمین‌های غیر خودگردان، امانی، استعماری و سایر مناطق غیر کلان شهری که هر یک از کشورهای متعاهد مسئول آن هستند، اعمال خواهد شد. کشور متعاهد مربوط، با رعایت مفاد بند ۲ این ماده، در زمان امضا، تصویب یا الحاق، قلمرو یا سرزمین‌های غیر کلان شهری را که مقاوله‌نامه در نتیجه چنین امضایی در مورد آنها اعمال خواهد شد، تصویب یا الحاق اعلام خواهد کرد.

۲-در هر موردی که به منظور تابعیت، یک قلمرو غیرکلان شهری به‌عنوان قلمرو کلان شهری تلقی نمی‌شود، یا در هر موردی که طبق قوانین اساسی، رضایت قبلی یک قلمرو غیرکلان شهری لازم است. یا رویه های کشور متعاهد یا قلمرو غیر کلان شهری برای اعمال مقاوله‌نامه در آن سرزمین، آن کشور متعاهد تلاش خواهد کرد تا رضایت لازم سرزمین غیر کلان شهری را ظرف مدت دوازده ماه از تاریخ امضا به دست آورد. مقاوله‌نامه توسط آن کشور متعاهد و در صورت کسب چنین رضایتی، کشور متعاهد مراتب را به دبیرکل سازمان ملل متحد اطلاع خواهد داد. این مقاوله‌نامه از تاریخ دریافت آن توسط دبیرکل در قلمرو یا سرزمین‌هایی که در چنین اطلاعیه‌ای ذکر شده است، اعمال خواهد شد.

۳-پس از انقضای دوره دوازده ماهه مندرج در بند ۲ این ماده، کشورهای متعاهد ذینفع، نتایج رایزنی‌ها را با آن سرزمین‌های غیر کلان شهری که مسئولیت روابط بین‌المللی آنها را بر عهده دارند، به دبیرکل اطلاع خواهند داد. موافقت آنها با اعمال مقاوله‌نامه حاضر ممکن است خود داری شده باشد.

ماده ۸

۱-در زمان امضا، تصویب یا الحاق، هر کشوری می‌تواند برای هر ماده‌ای از مقاوله‌نامه حاضر به غیر از مواد ۱ و ۲ قید و شرطی قائل شود.

۲-اگر هر کشوری طبق بند ۱ این ماده شرطی قید کند، مقاوله‌نامه، به استثنای مقرراتی که شرط به آنها مربوط می‌شود، بین کشور اعمال کننده حق شرط و سایر طرفین اثرگذار خواهد بود. دبیرکل سازمان ملل متحد متن شرط را به کلیه کشورهایی که عضو مقاوله‌نامه هستند یا

ممکن است تبدیل شوند، ابلاغ خواهد کرد. هر کشور عضو مقاوله‌نامه یا پس از آن عضو می‌شود، می‌تواند به دبیرکل اطلاع دهد که موافقت نمی‌کند که خود را ملزم به این مقاوله‌نامه در رابطه با کشوری که حق شرطی را برای خود اعمال می‌کند، بداند. این اطلاعیه باید در مورد کشوری که قبلاً عضو است، ظرف نود روز از تاریخ ابلاغ دبیرکل انجام شود این اطلاع رسانی باید در مورد یک کشور که قبلاً عضو این معاهده است، در عرض نود روز از تاریخ اطلاع رسانی توسط دبیر کل انجام شود. هر کشوری که طبق بند ۱ این ماده شرطی را قید می‌کند، می‌تواند در هر زمانی، پس از پذیرفته شدن، از طریق اطلاعیه‌ای در این خصوص خطاب به دبیرکل از این شرط صرف نظر کند. چنین اخطاریه از تاریخی که در آن دریافت شده است لازم‌الاجرا خواهد بود.

ماده ۹

۱-هر کشور متعاهد می‌تواند این مقاوله‌نامه را با اطلاعیه کتبی به دبیرکل سازمان ملل متحد فسخ کند. فسخ یک سال پس از تاریخ دریافت اطلاعیه توسط دبیرکل نافذ خواهد شد.

۲-این مقاوله‌نامه از تاریخی که انصراف از آن به کمتر از ۶ نفر کاهش می‌دهد، نافذ می‌شود.

ماده ۱۰

هر اختلافی که ممکن است بین هر دو یا چند کشور متعاهد در مورد تفسیر یا اجرای این مقاوله‌نامه ایجاد شود که از طریق مذاکره حل و فصل نشود، بنا به درخواست هر یک از طرفین اختلاف، به دادگاه بین‌المللی ارجاع خواهد شد. عدالت برای تصمیم گیری، مگر اینکه طرفین با روش حل و فصل دیگری موافقت کنند.

ماده ۱۱

دبیرکل سازمان ملل متحد موارد زیر را به کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد و کشورهای غیرعضو در نظر گرفته شده در بند ۱ ماده ۴ این مقاوله‌نامه اعلام خواهد کرد:

الف: امضاها و اسناد تصویب دریافت شده مطابق با ماده ۴؛

ب: اسناد الحاق دریافت شده مطابق با ماده ۵؛

پ: تاریخی که این مقاوله‌نامه مطابق با ماده ۶ لازم‌الاجرا می‌شد؛

ت: ارتباطات و اطلاعیه‌های دریافت شده مطابق با ماده ۸؛

ث: اطلاعیه‌های انصراف دریافتی مطابق بند ۱ ماده ۹؛

ج: نسخ مطابق بند ۲ ماده ۹؛

ماده ۱۲

۱-این مقاوله‌نامه که متون چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی آن به یک اندازه معتبر است، در آرشیو سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

۲-دبیرکل سازمان ملل متحد یک نسخه تأیید شده از مقاوله‌نامه را به تمام کشورهای عضو سازمان ملل متحد و به کشورهای غیرعضو در نظر گرفته شده در بند ۱ ماده ۴ ارسال خواهد کرد.

مقاوله‌نامه ۱۱۱

تبعیض در امور مربوط به استخدام و اشتغال

۱۹۵۸

مقدمه‌ای بر مقاوله‌نامه ۱۱۱ تبعیض در امور مربوط به استخدام و اشتغال ۱۹۵۸[1]

مقاوله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار حوزه وسیعی از مسائل اجتماعی و کاری از جمله حقوق اساسی بشر، حداقل دستمزد، روابط صنعتی، سیاست اشتغال، گفتگوی اجتماعی، امنیت اجتماعی و مسائل دیگر را پوشش می‌دهند. معمولا مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌هایی که بوجود می‌آیند بیانگر قوانین حقوقی هستند که موضوعات مربوط به حقوق بشر، حقوق اساسی کارگران و هدایت شرایط کاری را تنظیم می کنند. یک چنین قوانینی نه تنها نشانگر آن است که کشورهای عضو سازمان تمایل دارند اقدامات موثری را برای بهبود شرایط کاری انجام دهند، بلکه آنها می‌پذیرند که خود را به قوانین ایجاد شده نیز متعهد سازند. این قوانین و قواعد حقوقی مربوط به استانداردهای کاری موجبات گشایش در قوانین ملی در جهت توسعه بیشتر عدالت اجتماعی را نیز فراهم می‌آورند، و در نتیجه ابعاد اجتماعی را متحول می‌سازند که شامل مسائل مربوط به حقوق اساسی بشر مانند حذف کار کودکان، کار اجباری و هر نوع رفتار متفاوت در شغل و اشتغال است. اینگونه قوانین، استانداردهای اساسی را ایجاد کرده است که به عنوان یک میانجی و کنشگر برای اقدامات قانونی جدید عمل می‌کنند، از جمله مواردی مانند تبعیض در شغل و اشتغال، اقدامات ویژه در مورد کار در شرایط خاص، مانند کار نیمه وقت، شب و کار زیرزمینی، برابری غرامت، کارگران با مسئولیت های خانوادگی، حفاظت از زایمان و همچنین مسائل مربوط به سلامت را در بر می‌گیرد.

از اواسط دهه ۱۹۶۰، توجه سازمان به طور فزاینده‌ای بر بهبود استانداردهای مربوط به تبعیض برای کارگران از طریق اتخاذ شیوه‌هایی متمرکز شده است که زنان را قادر می سازد تا به استعدادهای کامل خود در توسعه اجتماعی و اقتصادی دست یابند. در میان استانداردهای اتخاذ شده، مواردی که با هدف ایجاد توازن بین مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی، که مسئولیت مشترک زن و مرد را در قبال خانواده به رسمیت می‌شناسند، مهم است. از الگوی استانداردهای بین‌المللی کار که به تصویب رسیده است، مشخص است که استفاده از استانداردهای مبارزه با تبعیض و ایجاد برابری برای کارگران

---

[1] Convention No. 111 Convention concerning Discrimination in Respect of Employment and Occupation, 1958.

زن و مرد با درک این موضوع که برابری در یک حوزه تنها از طریق دستیابی به برابری، کرامت و احترام به دست می‌آید، گسترش یافته است. در تمام جنبه‌های زندگی استانداردهای تدوین شده از سازمان بین‌المللی کار علاوه بر تلقی آنها به‌عنوان اقدامات قانونی و الزام‌آور، می‌تواند مروج قوی در احترام و دفاع از حقوق زنان در زندگی اجتماعی و کاری، مرتبط با رفتار و فرصت‌های برابر و مبارزه با تبعیض باشد. نمایندگان کارفرمایان، کشورها و سازمان‌های کارگری و همچنین سایر سازمان‌هایی که به موضوعات جامعه مدنی توجه دارند، موظف و تشویق می‌شوند تا به منظور مشارکت زنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری و همچنین در برنامه‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه عمومی فعالیت کنند.

در مورد مقاوله‌نامه «تبعیض اشتغال و شغل»، اساسا مفهوم «تبعیض» در درجه اول، به معنای هر ترجیح یا محرومیتی است که بر اساس رنگ، نژاد، دیدگاه‌های سیاسی، مذهب، جنسیت، منشأ اجتماعی یا هر ترجیح یا حذفی که منجر به معایب شود، و تفاوت رفتار و فرصت‌ها در شغل، می‌باشد. ثانیاً، با استناد به این مقاوله‌نامه، تبعیض همچنین شامل کلیه ترجیحات، تمایزات یا محرومیت‌های دیگر می‌شود که در ایجاد شرایط متفاوت و تفاوت در رفتار یا فرصت‌های شغلی که ممکن است توسط نمایندگان مربوطه کشورهای عضو پس از بحث با کارگران نتیجه گیری شود، تأثیر دارد. و سازمان های کارفرمایی و سایر موضوعات درگیر. علاوه بر این، شرایط شغل و اشتغال به معنای دسترسی به حرفه های خاص و دسترسی شغلی به شرایط و ضوابط استخدام و رویکرد به آموزش حرفه‌ای است.

مقاوله‌نامه مذکور اصولی را بیان می‌کند که به دنبال ارتقای برابری در رفتار، فرصت‌ها و نیز امکانات مربوط به اشتغال و کار، شغل، ممنوعیت و جلوگیری از تبعیض در کار و اشتغال، بویژه هرگونه محرومیت، است. ترجیح یا تمایز بر اساس رنگ، نژاد، مذهب، عقاید سیاسی، جنسیت منشأ اجتماعی یا منجر به برخی شرایط و موقعیت‌هایی می‌شود که برابری در درمان و فرصت، آموزش حرفه‌ای و همچنین در دسترسی به مقاوله‌نامه‌های سازمان در مورد برابری جنسیتی تضمین نمی‌شود. هدف اصلی مقاوله‌نامه شماره ۱۱۱ اتخاذ تدابیر و روش‌های ملی به منظور حذف تفاوت‌ها در رفتار، امکانات، فرصت‌ها، شغل، استخدام، لغو یا اصلاح قوانینی است که با این سیاست سازگار نیست. علاوه بر این، مقاوله‌نامه مستلزم مشورت بین دولت و نمایندگان کارگران، با هدف پیشبرد اهداف و نیز اصول مقاوله‌نامه است. از سوی دیگر، با توجه به "اشتغال و شغل" توصیه مقاوله‌نامه این است که کشورهای

عضو موظف به اجرای یک سیاست بدون تبعیض و اتخاذ تمام سیاست های قابل اجرا هستند تا تضمین کنند که هیچ سازمان کارفرمایی اجازه هیچ گونه تبعیض را نخواهد داد.

مشخص شده است که رفتارهای مختلف در محل کار می‌تواند به روش‌ها و اشکال مختلف ظاهر شود. تبعیض ممکن است شامل کارگران زن یا مرد شود، و یا به دلیل برخی ویژگی‌ها، مانند رنگ پوست، منشاء اجتماعی، گرایش جنسی، عقاید سیاسی یا مذهب، صورت گیرد. برای رفع تبعیض، کشورها باید چنین سیاست‌هایی را اجرا کنند که هدف آن از بین بردن موانع و تضمین فرصت‌های یکسان مربوط به آموزش و پرورش، استفاده از منابع و کار در شرایط یکسان است. همچنین رفع تبعیض شامل انطباق شرایط برای تأسیس شرکت‌ها در هر اندازه، نوع، شیوه و سیاست مرتبط با ایفای تعهدات، شرایط کار، ترفیع، پاداش، غرامت، استخدام و انقضای مقاوله‌نامه کار، اخراج و حقوق است.

تبعیض در شغل و اشتغال ممکن است غیرمستقیم یا مستقیم باشد، که می‌تواند زمانی رخ دهد که اقدامات، قوانین، مشخصه نژاد، جهت گیری‌های جنسی، رنگ پوست و غیره به خود گرفته و منجر به موقعیت‌هایی شود که در اثر آنها اصول برابری آسیب می‌بینند. تبعیض غیرمستقیم در جایی وجود دارد که اعمال و یا قوانین به نظر تبعیض آمیز نیستند، اما در واقع به تبعیض و تمایز منجر می‌شوند. براساس تجربه مشخص شده است که در مورد کارگران خود-اشتغال، تبعیض مستقیم و غیرمستقیم در شغل و دستمزد بستگی به فرصت‌های برابر برای دسترسی به آموزش و آموزش، قبل از ورود و دسترسی به بازار کار وجود دارد. این امر بویژه در مواردی که گروه شامل دختران، زنان و یا سایر افراد محروم باشد، اهمیت زیادی می‌یابد. براساس مقاوله‌نامه، مراجع ذیصلاح موظف به اجرای سیاست‌های مناسبی هستند که شرایط لازم را برای تسهیل در انجام مسئولیت‌های خانوادگی و کاری ایجاد کند. برای کشورهای عضو بسیار مهم است که روش‌های مربوطه را به منظور حل چالش‌ها و مشکلات مختلفی که در نهایت ممکن است رخ دهد، اجرا کنند. سازمان بین‌المللی کار استانداردها و اصول اساسی را تدوین کرده است، در حالی که قوانین ملی ممکن است شامل طیف گسترده‌ای از

استانداردها و اصول باشد و چارچوب قانونی گسترده‌تری را ایجاد کند که حذف همه اشکال تبعیض در کار را تضمین می‌کند.[1]

متن مقاوله‌نامه ۱۱۱ تبعیض در امور مربوط به استخدام و اشتغال مصوب ۱۹۵۸

ماده ۱

۱-در این مقاوله‌نامه، واژه «تبعیض»، عبارت است از:

الف - هرگونه تفاوت، محرومیت یا تقدم که بر پایه نژاد، رنگ پوست، جنسیت، مذهب، دیدگاه سیاسی، یا خاستگاه ملی یا اجتماعی برقرار بوده و در امور مربوط به استخدام و اشتغال تساوی احتمال موفقیت و رعایت مساوات در شرایط رفتار با کارگر را به کلی از میان برده و یا بدان آسیب وارد کند.

ب - هرگونه تفاوت دیگر یا محرومیت و یا تقدم که نتیجه آن از میان بردن یا محدودیت تساوی احتمال موفقیت و شرایط رفتار با کارگران باشد و پس از مشورت با تشکل‌های کارگری و کارفرمایی (در کشورهایی که چنین تشکل‌هایی وجود دارند: ذینفع از طرف مقامات صلاحیت دار به این عنوان شناخته و معرفی گردد.

۲-هرگونه تفاوت، محرومیت یا حق تقدم بر پایه صلاحیت حرفه‌ای جهت اشتغال به حرفه معینی لازم شناخته شده باشد تبعیض محسوب نخواهد شد.

۳-از لحاظ این مقاوله‌نامه اصطلاح «استخدام» و «اشتغال» حق استفاده از راهنمایی حرفه‌ای و آموزش حرفه‌ای و حق استخدام و اشتغال به حرفه‌های مختلف و همچنان شرایط کار را شامل خواهد بود.

---

[1] This text has been extracted from the following source: Laci, A, Maxhelaku, A. and Rusi, I. (May 2017). Equality at Work and Discrimination in Employment and Occupation. Journal of Educational and Social Research, Vol. 7, No. 2.

ماده۲

هر یک از کشورهای عضو که این مقاوله‌نامه را تصویب نموده است مقید و موظف است که طبق اصول معین که با شرایط و رسوم و سنن محلی مطابق باشد یک سیاست عمومی و ملی که هدف آن استقرار تساوی احتمال موفقیت در استخدام و اشتغال در شرایط رفتار با کارگر باشد و هر گونه تبعیض را از بین ببرد اتخاذ نماید.

ماده ۳

هر یک از کشورهای عضو که مقررات این مقاوله‌نامه درباره وی قابل اجرا می‌باشد موظف است که با اتخاذ روش معینی که با شرایط و رسوم محلی منطبق باشد:

الف – همکاری و مساعدت سازمان‌های کارگری و کارفرمایی و سازمان‌های مربوطه دیگر را به منظور قبول و اجراء سیاست سابق الذکر جلب نماید.

ب – مقرراتی تصویب نموده و تنظیم و اجرای برنامه‌هایی را تشویق نماید که قادر باشند قبول و رعایت اصل مزبور را تأمین بکنند.

ج – کلیه مقررات قانونی و اصول معمول اداری را که با اصل فوق تضاد دارد لغو یا اصلاح کنند.

د – در مورد مشاغل و حرفه‌هایی که تحت نظر مستقیم مقامات ملی هستند این اصل را رعایت کنند.

ه – در سازمان‌های راهنمایی حرفه‌ای و آموزش‌های حرفه‌ای و کاریابی که تحت نظر مستقیم مقامات ملی انجام وظیفه می‌کنند رعایت اصل را کاملاً تأمین کنند.

و – ضمن گزارش‌های سالیانه خود اجرای مقررات این مقاوله‌نامه و اقداماتی را که در اثر اتخاذ این سیاست معمول می‌گردد ذکر کنند.

ماده ۴

اقداماتی که علیه شخص معینی که مورد سوء ظن واقع شده است و احتمال داده می‌شود که علیه امنیت کشور اقدام می‌نماید – یا مسلم شده است که به یک چنین فعالیتی می‌پردازد تبعیض محسوب نمی‌شود. لیکن بدیهی است که شخص مورد نظر باید حق و اجازه داشته باشد که در این خصوص به یک مقام نهاد صلاحیت دار ملی که طبق اصول و آیین مرسوم محلی مستقر گردیده است رجوع کند.

ماده ۵

۱-مقررات مخصوص مربوط به حمایت و تعاون که ضمن مقاوله‌نامه‌ها یا توصیه نامه‌های دیگری که از طرف کنفرانس تصویب شده است ذکر گردیده‌اند، تبعیض محسوب نمی‌شوند.

۲-هر یک از کشورهای عضو می‌تواند پس از استماع نظریه سازمان‌های کارگری و کارفرمایی ذینفع (در صورتیکه چنین سازمان‌هایی وجود داشته باشد: اقدامات یا مقرراتی که به منظور مساعدت و یا حمایت از بعضی اشخاص به عمل می‌آید و نظر به احتیاجات مخصوص این افراد از لحاظ جنسیت یا سن شخصیت و موقعیت اجتماعی و تحمیلات خانوادگی یا موقعیت فرهنگی آنها لازم به نظر می‌رسد تعیین نموده و از جمله عملیاتی که تبعیض نامیده می‌شود خارج سازد.

ماده ۶

هر یک از کشورهای عضو که این مقاوله‌نامه را تصویب می‌نماید موظف است که مطابق مقررات اساسنامه بین‌المللی کار مفاد آن را در سرزمین‌هایی که خارج از سرزمین اصلی کشور هستند نیز اجرا کند.

مقاوله‌نامه مربوط به

وضعیت افراد بدون تابعیت

مقدمه‌ای بر شکل‌گیری مقاوله‌نامه مربوط به وضعیت افراد بدون تابعیت[1] ۱۹۵۴

مجمع عمومی سازمان ملل متحد کنفرانسی از نمایندگان تام الاختیار برای پیش نویس معاهده بین‌المللی در مورد پناهندگان و افراد بدون تابعیت در سال ۱۹۵۱ تشکیل داد. در حالی که مقاوله‌نامه مربوط به وضعیت پناهندگان در آن سال تصویب شد، مذاکرات بین‌المللی در مورد نیازهای حمایتی افراد بدون تابعیت ادامه یافت. مقاوله‌نامه مربوط به وضعیت افراد بدون تابعیت در ۲۸ سپتامبر ۱۹۵۴ به تصویب رسید و در ۶ ژوئن ۱۹۶۰ لازم‌الاجرا شد. این مقاوله‌نامه چارچوبی برای حمایت بین‌المللی از افراد بدون تابعیت ایجاد می‌کند و جامع‌ترین تدوین حقوق افراد بدون تابعیت در سطح بین‌المللی است که تاکنون ایجاد شده است.

مهمترین سهم مقاوله‌نامه ۱۹۵۴ در حقوق بین‌الملل، تعریفی است که از «فرد بدون تابعیت» به‌عنوان کسی است که «بر اساس قوانین خود، توسط هیچ کشوری تابعیت تلقی نمی‌شود»، ارائه کرده است. برای کسانی که واجد شرایط به عنوان افراد بدون تابعیت هستند، مقاوله‌نامه حداقل استانداردهای مهمی را برای درمان ارائه می کند. این امر مستلزم آن است که افراد بدون تابعیت از حقوقی مشابه شهروندان در رابطه با آزادی مذهب و تحصیل فرزندان خود برخوردار باشند. برای حقوق دیگر، مانند حق اشتغال و مسکن، مقرر می‌دارد که افراد بدون تابعیت حداقل باید از رفتاری مشابه با سایر افراد غیر تبعه برخوردار شوند.

مقاوله‌نامه برای غلبه بر آسیب پذیری عمیقی که بر افراد بدون تابعیت تأثیر می‌گذارد و برای کمک به حل مشکلات عملی که در زندگی روزمره خود با آن مواجه هستند، از حق آزادی رفت وآمد برای افراد بدون تابعیت به طور قانونی حمایت می‌کند و از کشورها درخواست می‌کند که اسناد هویتی و سفر برای آنها فراهم کنند. مقاوله‌نامه همچنین اخراج افراد بدون تابعیت را که بطور قانونی در قلمرو یک کشور عضو هستند ممنوع می‌سازد. مانند مقاوله‌نامه ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان،

---

[1] The 1954 Convention Relating to the Status of Stateless Persons,

مقاوله‌نامه ۱۹۵۴ صراحتاً افرادی را تصور می‌شود مرتکب جنایت علیه صلح، جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت یا جنایت غیرسیاسی جدی در خارج از کشور شده‌اند، را مستثنی می‌کند.

این مقاوله‌نامه امروزه از اهمیت حیاتی برخوردار است زیرا میلیون‌ها نفر در سراسر جهان به دلیل بی تابعیت بودن، همچنان با مشکلات جدی روبرو هستند. با این حال تعداد بسیار کمی از کشورهای عضو این مقاوله‌نامه هستند. با توجه به درخواست کمیساریای عالی پناهندگان برای ریشه کن کردن بی‌تابعیتی تا سال ۲۰۱۴، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل تلاش‌های خود را برای تشویق کشورها به پیوستن به هر دو معاهده بی‌تابعیتی تجدید می‌کند. مقاوله‌نامه ۱۹۵۴ راه حل‌های عملی برای کشورها ارائه می‌کند تا به نیازهای خاص افراد بدون تابعیت رسیدگی کنند تا امنیت و حیثیت آنها را تا زمانی که وضعیت آنها روشن شود تضمین کنند. ضروری است که مفاد این مقاوله‌نامه به طور گسترده‌ای شناخته شود و همه ذینفعان به کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در ترویج الحاق بیشتر به مقاوله‌نامه برای رسیدگی به مشکلات افراد بدون تابعیت در سراسر جهان بپیوندند.[1]

[1] Produced by the Office of the United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR).

متن مقاوله‌نامه بین‌المللی حذف هر نوع تبعیض نژادی، ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵

کشورهای متعاهد در این مقاوله‌نامه:

نظر به اینکه منشور ملل متحد مبتنی بر اصول حیثیت ذاتی و تساوی کلیه افراد انسانی و کلیه کشورهای عضو ملل متحد متعهد شده‌اند که بطور فردی و یا جمعی با همکاری سازمان برای نیل به یکی از اهداف ملل متحد یعنی توسعه و تشویق احترام جهانی و واقعی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز نژاد یا جنس یا زبان و یا مذهب اقدام کنند،

نظر به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌دارد که کلیه افراد انسانی به طور آزاد و یکسان از لحاظ حیثیت و حقوق متولد می‌شوند و باید بتوانند از کلیه حقوق و آزادی‌های مندرج در آن اعلامیه بدون تمایز به خصوص از حیثیت نژاد و رنگ و یا ملیت برخوردار شوند،

نظر به اینکه کلیه افراد بشر در پیشگاه قانون برابر بوده و حق دارند علیه هر نوع تبعیض و هر نوع تحریک به تبعیض از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند،

نظر به اینکه ملل متحد استعمار و کلیه روش‌های تفکیک و تبعیضی را که به همراه دارد به هر شکل و در هر محلی که موجود باشد محکوم نموده و اعلامیه مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ راجع به اعطای استقلال به کشورها و ملل مستعمره (قطعنامه ۱۵۱۴ دوره پانزدهم مجمع عمومی) لزوم ختم سریع و بی هیچ شرطی استعمار را تأیید و رسماً اعلام نموده است،

نظر به اینکه اعلامیه مورخ بیستم نوامبر ۱۹۶۳ ملل متحد (قطعنامه ۱۹۰۴ ـ دوره هیجدهم مجمع عمومی) راجع به رفع هر نوع تبعیض نژادی رسماً لزوم رفع سریع کلیه اشکال و همه مظاهر تبعیضات نژادی را در سراسر جهان و همچنین لزوم تأمین تفاهم و احترام به حیثیت شخص انسانی را مورد تأیید قرار داده است،

با اعتقاد به اینکه هر آیین مبتنی بر برتری مبتنی بر تمایز نژادی از نظر علمی نادرست، از نظر اخلاقی محکوم، از نظر اجتماعی ناعادلانه و خطرناک است و هیچ توجیهی برای تبعیض نژادی، در تئوری یا عمل، در هیچ کجا وجود ندارد،

با تأیید مجدد اینکه تبعیض بین افراد بشر به جهات مبتنی بر نژاد و رنگ و یا ریشه قومی مانعی در برابر وجود روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز در میان ملل بوده و امکان دارد صلح و امنیت بین‌الملل و همچنین همزیستی هماهنگ اشخاص را در داخل یک کشور مختل سازد،

با اطمینان به اینکه وجود موانع نژادی با آرمان‌های جامعه بشری قابل جمع نیست. با احساس خطر از مظاهر تبعیض نژادی که هنوز در برخی از نواحی جهان مشهود است و نیز از سیاست‌های حکومتی مبتنی بر برتری یا تنفر نژادی از قبیل تبعیض نژادی ـ و تفکیک وجدانی مصمم به اتخاذ کلیه تدابیر لازم برای امحاء سریع کلیه اشکال و تمامی مظاهر تبعیض نژادی و مصمم به پیشگیری و مبارزه با فرضیه‌ها و رویه‌های نژادی ـ به منظور تسهیل حسن تفاهم بین نژادها بر مبنای یک جامعه بین‌المللی که از قید کلیه اشکال تبعیض و تفکیک نژادی آزاد باشد،

با تذکر مفاد مقاوله‌نامه مربوط به رفع تبعیض در مورد شغل و حرفه مصوب سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۵۸ و با توجه به مقاوله‌نامه مربوط به مبارزه با تبعیض نژادی در زمینه تعلیم که از طرف سازمان فرهنگی، علمی و تربیتی ملل متحد (یونسکو) در سال ۱۹۶۰ به تصویب رسیده است.

با تمایل به اجرای اصول مقرر در اعلامیه ملل متحد راجع به رفع کلیه انواع تبعیضات نژادی و حصول اطمینان از اتخاذ سریع تدابیر عملی در این راه به شرح زیر موافقت نمودند.

بخش اول

ماده ۱

۱-در مقاوله‌نامه حاضر اصطلاح "تبعیض نژادی" به هر نوع تمایز و ممنوعیت یا محدودیت و یا برتری براساس نژاد و رنگ یا نسب و یا منشأ ملی و یا قومی مبتنی اطلاق می‌شود که هدف آن یا اثر آن لغو یا تضعیف به رسمیت شناختن، بهره‌مندی یا اجرای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در شرایط برابر در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا هر زمینه دیگر زندگی عمومی است.

۲-این مقاوله‌نامه در مورد تمایزات، استثناها، محدودیت‌ها یا ترجیحات ایجاد شده توسط یک دولت عضو این مقاوله‌نامه بین شهروندان و غیرشهروندان اعمال نخواهد شد.

۳-مقررات مقاوله‌نامه حاضر را نباید طوری تفسیر کرد که در مقررات قانونی کشورهای متعاهد راجع به تابعیت و ملیت و قبول تابعیت به نحوی از انحاء مؤثر واقع شود، مشروط بر اینکه مقررات مزبور علیه ملیت خاصی قائل به تبعیض نباشد.

۴- اقدامات ویژه‌ای که تنها به منظور تضمین پیشرفت کافی برخی از گروه‌های نژادی یا قومی یا اشخاصی که به چنین حمایت‌هایی نیاز دارند، برای اطمینان از برخورداری برابر یا اعمال حقوق بشر و آزادی‌های اساسی توسط این گروه‌ها یا افراد ضروری است، تبعیض نژادی تلقی نمی‌شود، به شرطی که این اقدامات در نتیجه به حفظ حقوق جداگانه برای گروه‌های نژادی مختلف منجر نشوند و پس از دستیابی به اهدافی که برای آنها اتخاذ شده است، ادامه ندهند.

ماده ۲

۱.کشورهای متعاهد تبعیض نژادی را محکوم می‌کنند و متعهد می‌شوند که با بکارگیری اقدامات مقتضی و بدون درنگ سیاست‌هایی را اتخاذ کنند که هدف آن از بین بردن هر نوع تبعیض نژادی و تسهیل توافق و تفاهم در بین کلیه نژادها باشد و برای نیل به این مقصود:

الف) هر یک از کشورهای طرف مقاوله‌نامه متعهد می‌شود که به هیچ نوع اقدام و یا رفتار تبعیض نژادی علیه اشخاص و گروه‌های افراد و یا مؤسسات اقدام نکرده و ترتیبی فراهم آورد که کلیه مقامات و مؤسسات کشوری اعم از مملکتی یا محلی این تعهد را رعایت کنند.

ب) هر یک از کشورهای طرف متعهد مقاوله‌نامه می‌شود که هیچ روش تبعیض نژادی را که از طرف فرد یا سازمانی اتخاذ گردیده مورد تشویق و دفاع و یا تأیید قرار ندهد.

ج) هر یک از کشورهای طرف مقاوله‌نامه موظف است تدابیر مؤثری اتخاذ نماید که سیاست‌های مملکتی و محلی تجدید نظر و مقرراتی را که موجب ایجاد و یا تثبیت و استمرار تبعیضات نژادی گردد در هر کجا که باشد اصلاح یا ابطال و یا فسخ کند.

د) هر کشور عضو، تبعیض نژادی توسط هر شخص، گروه یا سازمانی را با تمام ابزارهای مناسب، از جمله قوانینی که بر اساس شرایط لازم است، ممنوع کرده و به آنها پایان خواهد داد.

ه)ـ هر یک از کشورهای طرف متعهد می‌شود در صورت ضرورت تشکیلات و نهضت‌های طرفدار یگانگی نژادها و سایر وسایل از میان بردن موانع بین نژادها را مورد تشویق قرار دهد و موجبات عدم ترغیب هر عملی را که باعث تقویت تفرقه نژادی می‌شود فراهم آورد.

۲-کشورهای طرف در صورت اقتضاء در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره تدابیر خاص و معینی برای تأمین رشد و توسعه مطلوب برخی گروه‌های نژادی یا افراد وابسته به آنها و حمایت از این گروه‌ها و افراد اتخاذ می‌کنند. این تدابیر بدین منظور اتخاذ می‌گردد که استیفای کامل حقوق بشری و آزادی‌های اساسی در شرایط متساوی برای ایشان تضمین شود ولی نباید پس از نیل به هدف موجب و منشأ حفظ حقوق غیرمتساوی و متمایز برای گروه‌های نژادی گردد.

ماده ۳

کشورهای متعاهد به خصوص تفکیک نژادی و اعمال روش‌های تبعیض نژادی را تقبیح و محکوم می‌کنند و متعهد می‌شوند که در کلیه اراضی که در قلمرو صلاحیت قضایی آنهاست، انجام این قبیل اعمال و روش‌ها را ممنوع ساخته و آنها را ریشه‌کن سازند.

ماده ۴

کشورهای عضو مقاوله‌نامه هر نوع تبلیغات و تشکیلاتی را که از افکار و نظریه‌های مبتنی بر تفوق یک نژاد و یا گروهی از اشخاصی که رنگ و یا منشأ قومی معین دارند الهام بگیرد و یا هر نوع تنفر و تبعیض نژادی را توصیه یا تشویق کند، تقبیح می‌نماید و متعهد می‌شوند که به منظور ریشه کن ساختن این چنین تحریکات یا تبعیضات و به طور کلی برای محو هر نوع تبعیض نژادی سریعاً تدابیر لازم را اتخاذ کنند ـ و در این راه اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز حقوقی را که در ماده ۵ این مقاوله‌نامه تصریح گردیده است مورد توجه قرار دهند.

کشورهای طرف مخصوصاً متعهد می‌شوند که:

الف) نشر هر نوع افکار مبتنی بر تفوق یا نفرت نژادی و تحریک به تبعیض نژادی و همچنین اعمال زور یا تحریک به زور علیه هر نژاد و یا هر گروه که از حیث رنگ و قومیت متفاوت

باشند و نیز بذل هر نوع مساعدت منجمله کمک مالی به فعالیت‌های تبعیضی نژادی را قانوناً از جرائم قابل مجازات اعلام نماید؛

ب) سازمان‌ها و فعالیت‌های تبلیغاتی متشکل و هر قسم فعالیت تبلیغاتی دیگر را که محرک تبلیغات نژادی بوده و یا آن را تشویق نماید و عضویت در این چنین سازمان‌ها را قانوناً از جرائم قابل مجازات اعلام نماید؛

ج) به مقامات مسئول یا مؤسسات عمومی از مملکتی و یا محلی اجازه ندهند تبعیضات نژادی را ترغیب یا تشویق کنند.

ماده ۵

کشورهای عضو طبق تعهدات اساسی مندرج در ماده ۲ متعهد می‌شوند که تبعیضات نژادی را به هر شکل و صورتیکه باشد ممنوع و ریشه کن سازند و حق هر فرد را به مساوات در برابر قانون و به ویژه در برخورداری از حقوق زیر بدون تمایز از لحاظ نژاد یا رنگ یا ملیت یا قومیت تضمین کنند.

الف) حق برخورداری از رفتار مساوی در برابر محاکم و سایر مراجعی که اجرای عدالت را به عهده دارند.

ب) حق برخورداری از امنیت شخصی و حمایت کشور در برابر تجاوز و صدمه جسمی از ناحیه مأمورین کشور و یا هر فرد یا دسته یا تشکیلات.

ج) حقوق سیاسی و به خصوص حق شرکت در انتخابات و رای دادن و نامزد شدن براساس سیستم اخذ رای همگانی و یکسان و حق مشارکت در حکومت و اداره امور عمومی و حق نیل به مشاغل عمومی کشوری به هر رتبه و مقام در شرایط مساوی.

د) سایر حقوق مدنی ـ خصوصاً:

- حق رفت و آمد و انتخاب اقامتگاه در داخل یک کشور؛
- حق ترک هر کشور و منجمله ترک میهن خود و بازگشت به آن؛
- حق داشتن یک تابعیت؛

- حق ازدواج و انتخاب همسر خود؛

- حق مالکیت چه به صورت فردی و چه به شکل مشارکت؛

- حق توارث؛

- حق آزادی فکر و وجدان و مذهب؛

- آزادی عقیده و بیان؛

- حق آزادی گردهمایی و تجمعات مسالمت‌آمیز.

ه) حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خصوصاً:

- حق کار کردن و انتخاب آزاد شغل و استفاده از شرایط عادلانه و رضایتبخش کار و برخورداری از حمایت در برابر بیکاری و دریافت دستمزد مساوی برای کار مساوی و دریافت پاداش منصفانه و رضایتبخش؛

-حق تشکیل اتحادیه‌های صنفی و عضویت در آنها؛

-حق مسکن؛

-حق استفاده از بهداشت عمومی و مراقبت‌های پزشکی و بیمه‌های اجتماعی و خدمات اجتماعی؛

-حق تحصیل و کارآموزی حرفه‌ای؛

-حق مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی با شرایط یکسان.

ز) حق دسترسی به کلیه امکانات خدماتی که به عموم عرضه می‌شود از قبیل وسایل نقلیه، هتل‌ها، رستوران‌ها، کافه‌ها، تماشاخانه‌ها و بارها.

ماده ۶

کشورهای طرف برای کلیه افراد مشمول صلاحیت قضایی خود در برابر هر نوع تبعیض نژادی که حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد را برخلاف مقررات این مقاوله‌نامه مورد تجاوز قرار دهد حمایت کرده، و یک طریقه دادرسی مؤثر در برابر محاکم ذیصلاحی ملی و سایر مراجع صلاحیت دار مملکتی

تأمین خواهند کرد و همچنین حق افراد را در مطالبه غرامت و جبران عادلانه و متناسب خسارتی که بر اثر اعمال تبعیضات نژادی وارد می‌گردد تضمین خواهند نمود.

ماده ۷

کشورهای طرف متعهد می‌شوند به منظور مبارزه با هر نوع تعصب که منجر به تبعیضات نژادی می‌شود و نیز برای تعمیم و بسط تفاهم و روح گذشت و سازش و دوستی در میان ملل و گروه‌ها و نژادها و اقوام مختلف و ترویج نیات و اصول منشور ملل متحد و مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه ملل متحد درباره رفع تبعیضات نژادی و مفاد این مقاوله‌نامه اقدامات مؤثر بویژه در زمینه تعلیم و تربیت فرهنگ و نشر اخبار معمول دارند.

بخش دوم

ماده ۸

۱-کمیته‌ای به منظور رفع تبعیضات نژادی (که از این پس «کمیته» نامیده می‌شود: مرکب از هیجده نفر کارشناس واجد صفات عالی اخلاقی و بیطرفی که من باب اهلیت و مقام شخصی انجام وظیفه خواهند نمود و از طرف کشورهای طرف با توجه به لزوم توزیع جغرافیایی عادلانه و در برگرفتن اشکال مختلف تمدن و نظام‌های عمده قضایی انتخاب می‌شوند تشکیل خواهد شد.

۲-اعضای کمیته با رای مخفی از بین کسانیکه کشورهای طرف برای عضویت کمیته نامزد کرده‌اند انتخاب می‌شوند. هر کشور عضو می‌تواند یک نفر را از میان اتباع خود نامزد کند.

۳-نخستین انتخابات شش ماه پس از تاریخ اجرای این مقاوله‌نامه انجام می‌گیرد. حداقل سه ماه قبل از تاریخ هر دوره انتخاباتی دبیرکل ملل متحد کتباً از کشورهای عضو دعوت خواهد کرد تا نامزدهای انتخاباتی خود را ظرف دو ماه معرفی کنند. دبیرکل ملل متحد فهرست اسامی کلیه کسانی را که بدین ترتیب نامزد شده‌اند به ترتیب حروف الفباء و با ذکر نام کشورهای عضوی که آنها را نامزد کرده‌اند تهیه و به کشورهای طرف این مقاوله‌نامه تسلیم می‌کند.

۴-انتخاب اعضای کمیته در جلسه‌ای متشکل از کلیه کشورهای عضو که از طرف دبیرکل ملل متحد در مقر سازمان ملل متحد دعوت می‌شوند انجام خواهد گرفت. در این جلسه که با حضور

دو سوم کشورهای عضو حائز اکثریت می‌شود کسانی به عضویت کمیته انتخاب می‌شوند که تعداد بیشتر و اکثریت مطلق آراء نمایندگان حاضر و رای دهنده کشورهای عضو را به دست آورند.

۵- الف) اعضای کمیته برای مدت چهار سال انتخاب می‌شوند. معذالک دوره عضویت نه نفر از کسانیکه در نخستین انتخابات به عضویت برگزیده می‌شوند پس از دو سال منقضی می‌گردد و رئیس کمیته بلافاصله پس از انجام نخستین انتخابات اسامی این نه عضو را به حکم قرعه تعیین می‌نماید؛

۵- ب) برای جانشینی کارشناسی که به علل غیرمنتظره از ادامه و وظایف خود در کمیته دست کشیده، کشور متبوع او کارشناس دیگری را از میان اتباع خود مشروط به تصویب کمیته منصوب می‌کند.

۵-ج) پرداخت هزینه و مخارج اعضای کمیته مادامی که در کمیته انجام وظیفه می‌کنند به عهده کشورهای عضو خواهد بود.

ماده ۹

۱-کشورهای طرف متعهد می‌شوند گزارشی درباره اقدامات قانونی و قضایی و اداری و غیره که به منظور اجرای مقررات و مفاد این مقاوله‌نامه معمول داشته‌اند در موارد زیر به دبیرکل تسلیم کنند که مورد مطالعه و بررسی کمیته قرار گیرد.

الف) ظرف یک سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن مقاوله‌نامه برای کشور مربوطه؛

ب) متعاقباً هر دو سال یک بار و بعلاوه هر وقت که کمیته چنین تقاضایی داشته باشد، کمیته می‌تواند از کشورهای طرف تقاضای اطلاعات تکمیلی نماید.

۲-کمیته هر سال گزارش اقدامات و فعالیت‌های خود را توسط دبیرکل به مجمع عمومی تسلیم می‌دارد و می‌تواند براساس مطالعه و بررسی گزارش‌ها و اطلاعات دریافتی از کشورهای عضو پیشنهادها و توصیه‌هایی که دارای جنبه عمومی است نماید. این پیشنهادها و توصیه‌های عمومی در صورت لزوم همراه با ملاحظات کشورهای عضو به مجمع عمومی گزارش خواهد شد.

ماده ۱۰

۱-کمیته آیین نامه و مقررات داخلی خود را تعیین و تصویب خواهد کرد؛

۲-کمیته هیئت رئیسه خود را برای مدت دو سال انتخاب خواهد نمود؛

۳-دبیرخانه کمیته به عهده دبیرکل ملل متحد خواهد بود؛

۴-جلسات کمیته در مقر سازمان ملل متحد منعقد خواهد گردید؛

ماده ۱۱

۱-هرگاه یکی از کشورهای عضو، چنین تشخیص دهد که یکی از کشورهای عضو مقررات مقاوله‌نامه حاضر را مرعی و مجری نمی‌دارد، می‌تواند توجه کمیته را به موضوع جلب کند، کمیته مراتب را به اطلاع کشور مربوطه می‌رساند. کشور مربوطه ظرف سه ماه توضیحات کتبی برای روشن شدن قضیه اقداماتی که ممکن بود به عمل آید تسلیم کمیته می‌کند.

۲- اگر این موضوع در طی شش ماه پس از دریافت اطلاعیه اولیه توسط کشور دریافت کننده، به رضایت هر دو طرف، از طریق مذاکرات دوجانبه یا هر روش دیگری که برای آنها باز است، تنظیم نشود، هر یک از کشورها حق دارند این موضوع را به کشور دیگر اطلاع داده، و آنرا دوباره به کمیته ارجاع دهند.

۳-کمیته فقط در صورتی می‌تواند در مورد یک اختلاف طبق بند ۲ این ماده رسیدگی نماید که قبلاً اطمینان حاصل کرده باشد که کلیه طرق دادخواهی در حقوق داخلی که براساس اصول کلی مورد قبول حقوق بین‌المللی استوار باشد، مورد استفاده و توسل قرار گرفته است. این قاعده در مواردی که آیین دادخواهی متضمن فرصت طولانی غیرمنطقی باشد اعمال نمی‌شود.

۴-کمیته می‌تواند در مورد هر موضوعی که به آن ارجاع می‌شود اطلاعات تکمیلی دیگری که لازم بداند از کشورهای مربوطه بخواهد.

۵-در مواقعی که کمیته به موجب ماده حاضر مشغول بررسی موضوعی می‌باشد هر یک از کشورهای ذینفع می‌توانند نماینده‌ای تعیین کند که بدون داشتن حق رای در تمام مدت رسیدگی در جلسات کمیته شرکت نماید.

ماده ۱۲

۱-الف) پس از آنکه کمیته کلیه اطلاعاتی را که لازم تشخیص می‌دهد تحصیل نمود و مورد بررسی مقاوله‌نامه، رئیس کمیته کمیسیون سازش ویژه‌ای که منبعد «کمیسیون» نامیده می‌شود، مرکب از پنج تن که ممکن است عضو کمیته باشد و یا نباشند تعیین خواهد کرد. اعضای کمیسیون با رضایت کامل طرفین اختلاف انتخاب می‌شوند و کمیسیون مساعی جمیله خود را به منظور یافتن راه حل دوستانه موضوع، که مبتنی بر احترام و مراعات مفاد مقاوله‌نامه حاضر باشد، برای کشورهای ذینفع به کار خواهد برد.

۱- ب) هرگاه طرفین اختلاف ظرف سه ماه در خصوص ترکیب کمیسیون بطور جزئی و یا کلی به توافق نرسند آن عده از اعضاء کمیسیون که مورد توافق طرفین اختلاف قرار نگرفته‌اند با رای مخفی و به اکثریت دو سوم آراء اعضای کمیته از بین اعضای خود کمیته انتخاب خواهند شد.

۲-اعضای کمیسیون براساس اهلیت و مقام شخصی خود خدمت می‌کنند و نباید از اتباع کشورهای طرف اختلاف و یا از اتباع کشورهای غیر عضو مقاوله‌نامه حاضر باشند.

۳-کمیسیون رئیس خود را انتخاب و روش کار و آیین نامه داخلی خود را تعیین و تصویب خواهد نمود.

۴-جلسات کمیسیون عادتاً در مقر سازمان ملل متحد یا محل مناسب دیگری که کمیسیون تعیین کند منعقد خواهد گردید.

۵-دبیرخانه مذکور در بند ۳ ماده ۱۰ مقاوله‌نامه حاضر در صورتیکه اختلاف بین کشورها موجب تشکیل کمیسیون شود خدمات خود را در اختیار کمیسیون می‌گذارد.

۶-کشورهای طرف اختلاف هزینه اعضای کمیسیون را بر اساس صورت برآوردی که به وسیله دبیرکل تسلیم می‌شود بالسویه پرداخت خواهند نمود.

۷-دبیرکل اختیار دارد در صورت لزوم پیش از آنکه کشورهای طرف اختلاف هزینه‌های آنرا طبق بند ۶ این ماده تأمین کنند ـ هزینه اعضای کمیسیون را پرداخت نماید.

۸-اطلاعاتی‌که کمیته تحصیل و بررسی نموده است در اختیار کمیسیون قرار خواهد گرفت و کمیسیون می‌تواند از کشورهای ذیربط تقاضای ارسال اطلاعات مربوطه دیگری را بنماید.

ماده ۱۳

۱-کمیسیون پس از بررسی همه جوانب موضوع گزارشی تهیه و به رئیس کمیته تسلیم می‌کند. این گزارش مشتمل بر استنتاجات کمیسیون در مورد واقعیت‌های مربوطه به اختلاف بین طرفین بوده و متضمن توصیه‌هایی که برای حل دوستانه اختلاف مناسب تشخیص می‌شود خواهد بود.

۲-رئیس کمیته گزارش کمیسیون را به هر یک از کشورهای طرف اختلاف ارسال خواهد داشت. کشورهای مذکور ظرف سه ماه موافقت یا مخالفت خود را با توصیه‌های مندرج در گزارش کمیسیون به رئیس کمیته اطلاع خواهند داد.

۳-پس از انقضای مهلت مقرر در بند ۲ این ماده رئیس کمیته گزارش کمیسیون را به انضمام گزارشات کشورهای ذینفع برای سایر کشورهای طرف مقاوله‌نامه ارسال خواهد داشت.

ماده ۱۴

۱- یک کشور عضو می‌تواند در هر زمانی اعلام کند که صلاحیت کمیته را برای دریافت و بررسی گزارشات افراد یا گروه‌هایی از افراد در حوزه قضایی خود که ادعا می‌کنند قربانی نقض هر یک از حقوق مندرج در این قانون توسط آن کشور عضو هستند، به رسمیت می‌شناسد. در صورتیکه کشوری عضوی مقاوله‌نامه نباشد، و چنین اعلامیه‌ای را صادر نکرده است، کمیته هیچ گزارشی را از سوی اتباع آن کشور نمی‌پذیرد.

۲-هر یک از کشورهای طرف این مقاوله‌نامه که صلاحیت کمیته را طبق بند ۱ این ماده به رسمیت شناخته‌اند، می‌توانند در داخل نظام قضایی ملی خود، برای دریافت و رسیدگی به شکایات افراد یا گروه‌هایی از اشخاص که تابع آن کشور بوده و مدعی هستند که با نقض یکی از حقوق تصریح شده در مقاوله‌نامه حاضر از طرف کشور مذکور در معرض تهدید قرار گرفته‌اند، برای دادخواهی مرجعی را ایجاد یا تعیین نمایند.

۳-اعلام شناسایی که طبق بند ۱ این ماده صورت می‌گیرد و نام مرجعی که به موجب بند ۲ این ماده ایجاد و یا تعیین می‌شود توسط کشور مربوط به دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام می‌شود. رونوشت این اعلامیه به سایر کشورهای متعاهد ارسال می‌کند. اعلام شناسایی را می‌توان هر موقع از طریق ارسال یادداشت به دبیرکل سازمان ملل متحد مسترد داشت، لیکن این استرداد در مورد گزارشاتی که کمیته تا آن تاریخ دریافت داشته مؤثر نخواهد بود.

۴-مرجعی که طبق بند ۲ این ماده ایجاد و یا تعیین می‌شود موظف است شکایات دریافتی را در دفتری به نام دفتر شکایات ثبت کند و نسخه‌های مصدق و متحدالشکل این دفتر همه ساله از طریق مناسب در اختیار دبیرکل قرار دهد. محتویات دفتر مزبور افشاء نخواهد شد.

۵-هرگاه مرجعی که طبق بند ۲ این ماده ایجاد و یا تعیین می‌شود نتواند موجبات رضایت شاکی را فراهم سازد، او حق دارد ظرف شش ماه مراتب را به اطلاع کمیته برساند.

۶- الف) کمیته هر گزارشی را که به آن ارجاع می‌شود محرمانه به نظر کشور متعاهد که شاکی مدعی است مقررات این مقاوله‌نامه را نقض کرده است می‌رساند لیکن هویت شخص و یا گروه افراد شاکی را بدون رضایت صریح شخص و یا گروه مذکور نمی‌توان فاش ساخت. کمیته شکایاتی را که فاقد امضاء صریح باشد نخواهد پذیرفت؛

۶- ب) کشور مربوطه ظرف سه ماه پس از اطلاع از مفاد شکایت توضیحات و اظهارات لازم را که برای روشن شدن موضوع و ضرورتا اقداماتی که ممکن بود به عمل آید کتباً به اطلاع کمیته می‌رساند.

۷ - الف) کمیته در بررسی گزارش‌ها با توجه به تمام اطلاعاتی که از سوی کشور عضو و درخواست کننده به آن ارائه شده است، اقدام می‌کند. کمیته هیچگونه اطلاعیه‌ای را از طرف یک متقاضی بررسی نمی کند مگر اینکه اطمینان داشته باشد که متقاضی تمام راه حل‌های داخلی موجود را به پایان رسانده است. با اینحال، این قاعده در صورتیکه استفاده از راه حل‌ها به طور غیرمنطقی طولانی شود، رعایت نمی‌شود؛

۷ - ب) کمیته پیشنهادها و توصیه‌های احتمالی خود را به اطلاع کشور مربوطه و شخص شاکی خواهد رسانید.

۸-کمیته خلاصه گزارشات دریافت شده و در صورت ضرورت خلاصه توضیحات و اظهارات کشورهای مربوطه و نیز پیشنهادها و توصیه‌های خود را در گزارش سالانه منتشر خواهد کرد.

۹-کمیته فقط در صورتی صلاحیت خواهد داشت وظایف مقرر در این ماده را انجام دهد که حداقل ده کشور طرف این مقاوله‌نامه صلاحیت آن را طبق مفاد بند ۱ این ماده به رسمیت شناخته باشند.

ماده ۱۵

۱-تا رسیدن به اهداف اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و ملل تحت استعمار مندرج در قطعنامه ۱۵۱۴ (دوره ۱۵) مجمع عمومی مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ مقررات مقاوله‌نامه حاضر به هیچ وجه در برخورداری ملل مذکور از حق دادخواهی و شکایت که به موجب سایر اسناد بین‌المللی یا از طرف سازمان ملل متحد و سازمان‌های تخصصی به آنان اعطاء گردیده است محدودیتی ایجاد نخواهد کرد.

۲- الف) کمیته طبق بند ۱ ماده ۸ مقاوله‌نامه حاضر رونوشت شکایات واصل از ارگان‌های سازمان ملل متحد را که مشغول به موضوعاتی می‌باشد که با اصول و هدفهای مقاوله‌نامه ارتباط مستقیم دارد، دریافت خواهد داشت و درباره شکایات رسیده از سکنه اراضی تحت قیمومیت و یا غیر خودمختاری و یا به طور کلی از سایر سرزمین‌های مشمول قطعنامه شماره ۱۵۱۴ (دوره پانزدهم) مجمع عمومی که با موضوعات منظور در مقاوله‌نامه حاضر ارتباط دارد و ارگان‌های مذکور راجع به آن اقدام و رسیدگی می‌کنند اظهار عقیده کرده و راجع به موضوع آن شکایات توصیه‌هایی به عمل خواهد آورد.

۲- ب) کمیته رونوشت گزارش‌های ارگان‌های صالحه سازمان ملل متحد را در زمینه اقدامات قانون‌گذاری و قضایی و اداری یا هر اقدام دیگری که مستقیماً به اصول و هدفهای این مقاوله‌نامه مربوط می‌شود و توسط قوای اجرایی سرزمین‌های مذکور در جزء (الف) این بند معمول گردیده است دریافت خواهد داشت و عقاید و پیشنهادهای خود را به اطلاع ارگان‌های مزبور خواهد رسانید.

۳-گزارش کمیته به مجمع عمومی حاوی خلاصه شکایات و گزارش‌های رسیده از ارگان‌های ملل متحد بوده و همچنین عقاید و توصیه‌های کمیته در خصوص شکایات و گزارش‌های مذکور خواهد بود.

۴-کمیته از دبیرکل سازمان ملل تقاضا می‌کند که کلیه اطلاعات مربوطه به اهداف این مقاوله‌نامه و همچنین هر گونه اطلاعاتی که راجع به سرزمین‌های مذکور در بند ۲ (الف) این ماده در اختیار دارد به کمیته ارسال دارد.

ماده ۱۶

مقررات مقاوله‌نامه حاضر در مورد تدابیری که بایستی برای حل اختلافات و رسیدگی به شکایات اتخاذ شود بدون خلل به سایر طرق حل اختلاف و رسیدگی به شکایات راجع به موضوع تبعیضات که در اسناد اساسی سازمان ملل و یا اسناد مربوط به تأسیس مؤسسات تخصصی آن و یا در مقاوله‌نامه‌های مصوبه سازمان ملل متحد در نظر گرفته شد، اجرا می‌شود و مقررات مذکور مانع از آن نخواهد بود که کشورهای طرف به سایر طرق حل اختلاف طبق موافقتنامه‌های بین‌المللی عمومی و یا خصوصی که بین آنان منعقد و مجری است مراجعه نمایند.

بخش سوم

ماده ۱۷

۱-مقاوله‌نامه حاضر برای امضای هر کشوری که عضو سازمان ملل متحد یا یکی از مؤسسات تخصصی آن بوده یا هر کشوری که اساسنامه دادگاه بین‌المللی دادگستری را امضاء کرده باشد و همچنین هر کشوری که از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای عضویت در مقاوله‌نامه حاضر دعوت شود، مفتوح خواهد بود.

۲-مقاوله‌نامه حاضر به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب آن به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

ماده ۱۸

۱-مقاوله‌نامه حاضر برای الحاق هر یک از کشورهای مذکور در بند ۱ ماده ۱۷ مفتوح خواهد بود.

۲-الحاق با تسلیم سند الحاق به دبیرکل ملل متحد انجام می‌گیرد.

ماده ۱۹

۱-مقاوله‌نامه حاضر سی روز پس از تاریخ بیست و هفتمین سند تصویب و یا الحاق به دبیرکل سازمان ملل متحد لازم‌الاجرا خواهد شد.

۲-مقاوله‌نامه حاضر برای کشورهایی که آن را تصویب کنند و یا پس از تسلیم بیست و هفتمین سند تصویب یا الحاق بدان ملحق شوند سی روز پس از تاریخی که سند تصویب یا سند الحاق خود را به دبیرکل ملل متحد تسلیم کنند لازم‌الاجرا خواهد بود.

ماده ۲۰

۱-دبیرکل سازمان ملل متحد متن حق شرط‌هایی را که احتمالاً کشورها در موقع تصویب این مقاوله‌نامه یا الحاق به آن قائل شوند دریافت داشته و به کلیه کشورهای طرف یا کشورهایی که ممکن است به مقاوله‌نامه ملحق شوند کتباً اطلاع خواهد داد. هر کشوری که به شرایط مذکور معترض باشد، ظرف نود روز پس از تاریخ اطلاعیه مذکور به دبیرکل اطلاع خواهد داد شرط مورد بحث را نمی‌پذیرد.

۲-به شرطی که با موضوع و هدف مقاوله‌نامه حاضر ناسازگار است و همچنین شروطی که اثر آن فلج ساختن فعالیت یکی از ارگان‌های مخلوق مقاوله‌نامه حاضر باشد، مجاز نخواهد بود و شروطی دارای وصف فوق تلقی می‌گردد که مورد اعتراض حداقل دو سوم کشورهای طرف مقاوله‌نامه واقع شود.

۳-قیود و شروط را می‌توان هر موقع به اطلاع کتبی به دبیرکل مسترد داشت. اطلاعیه مذکور از تاریخ وصول نافذ و معتبر خواهد بود.

ماده ۲۱

هر یک از کشورهای طرف می‌تواند این مقاوله‌نامه را با اطلاع کتبی به دبیرکل ملل متحد فسخ کند. فسخ مقاوله‌نامه یک سال پس از تاریخ وصول اعلامیه مذکور به دبیرکل نافذ خواهد بود.

ماده ۲۲

اختلافات بین دو یا چند کشور طرف راجع به تفسیر و یا اجرای مقاوله‌نامه حاضر که از طریق مذاکره یا از طریق دیگر در این مقاوله‌نامه حل و فصل نشود، بنا به درخواست هر یک از طرفین اختلاف به دادگاه بین‌المللی دادگستری ارجاع خواهد شد تا به آن رسیدگی کند. مشروط بر اینکه طرفین اختلاف در مورد راه حل دیگری توافق نکرده باشند.

ماده ۲۳

۱-هر یک از کشورهای طرف می‌تواند هر موقع کتباً از دبیرکل ملل متحد تقاضای تجدیدنظر در مقاوله‌نامه حاضر را بنماید.

۲-مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره اقداماتی که باید ضرورتا در مورد چنین تقاضایی اتخاذ گردد، تصمیم خواهد گرفت.

ماده ۲۴

دبیرکل سازمان ملل متحد جزئیات زیر را به اطلاع کلیه کشورهای مذکور در بند ۱ ماده ۱۷ مقاوله‌نامه حاضر خواهد رسانید:

الف ـ امضاء و تصویب و یا الحاق به مقاوله‌نامه طبق مواد ۱۷ و ۱۸؛

ب ـ تاریخ اجرای مقاوله‌نامه حاضر طبق ماده ۱۹؛

ج ـ اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌ها و مکاتبات دریافتی طبق مواد ۱۴ و ۲۰ و ۲۳؛

د ـ موارد فسخ طبق ماده ۲۱.

ماده ۲۵

۱-مقاوله‌نامه حاضر که متون انگلیسی و چینی و اسپانیایی و فرانسه و روسی آن دارای اعتبار یکسان می‌باشد در بایگانی سازمان ملل متحد ضبط خواهد شد.

۲-دبیرکل ملل متحد نسخه‌های مصدق این مقاوله‌نامه را برای کلیه کشورهایی که به یکی از طبقات مذکور در بند ۱ ماده ۱۷ تعلق داشته باشد ارسال خواهد داشت.

مقاوله‌نامه فوق مشتمل بر یک مقدمه و بیست و پنج ماده منضم به قانون مربوط به مقاوله‌نامه بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی است.

میثاق بین‌المللی

حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۶۶

پیش‌زمینه‌های شکل‌گیری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی[1]

مصوب ۱۶ دسامبر سال ۱۹۶۶

و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی[2]

مصوب ۱۶ دسامبر سال ۱۹۶۶

در همان روزی که اعلامیه جهانی تصویب شد، مجمع عمومی از کمیسیون حقوق بشر درخواست کرد که به عنوان اولویت، پیش‌نویس میثاق حقوق بشر و پیش‌نویس اقدامات اجرایی مرتبط با آنرا آماده سازد. کمیسیون متن پیش‌نویس میثاق را بررسی کرد و پاره‌ای از مواد آنرا براساس نظرات دریافتی از کشورها پیش‌نویس کرد. در سال ۱۹۵۰، مجمع عمومی قطعنامه‌ای صادر کرد که «برخورداری از آزادی‌های مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به هم پیوسته و وابسته هستند».[3] قطعنامه همچنین در مقدمه خود اعلام کرد که کشورها باید اقداماتی را برای پیشبرد و اجرای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در نظر گیرند که شامل قانونگذاری و تضمین آن و همچنین فراهم ساختن فرصت‌های واقعی برای همه مردم در برخورداری از حقوق و آزادی‌های خود باشد. این قطعنامه که در عین حال فراخوانی بود، برای انجام اقدامات ضروری در جهت در نظر داشتن ابعاد عدالت اجتماعی از طریق به رسمیت شناختن حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد درخواست می‌کرد تا نقش فعالی در انجام این هدف به عهده گیرد. در پاسخ به این درخواست، در سال ۱۹۵۱، کمیسیون طرحی را در مورد حقوق اقتصادی، اجتماعی

---

[1] The International Covenant on Civil and Political Rights was adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 2200A (XXI) of 16 December 1966. It took another 10 years before the necessary 35 States had become parties to it and it formally entered into force for those States on 23 March 1976, in accordance with Article 49. The Convention's monitoring body, the Human Rights Committee (HRC) was established by the Covenant and first met in 1977.

[2] International Covenant on economic, Social, and Cultural Rights was adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 2200A (XXI) of 16 December 1966. Entry into force: 3 January 1976, in accordance with article 27.

[3] Res.421/V/E: Draft International Covenant on Human Rights and Measures of Implementation: Future work of the Commission on Human Rights.

و فرهنگی، براساس پیشنهادات ارائه شده توسط کشورها و پیشنهادات آژانس‌های تخصصی، تهیه کرد. پس از بحث‌های طولانی، مجمع عمومی در ششمین جلسه خود در سال ۱۹۵۲، از کمیسیون درخواست کرد که دو میثاق حقوق بشر، یکی شامل حقوق مدنی و سیاسی و دیگری شامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تهیه کند.[1] مجمع تصریح کرد که دو میثاق باید تا حد امکان حاوی مفاد و تصریحات مشابهی باشند. همچنین تصمیم گرفت، حق تعیین سرنوشت همه مردم را در این دو میثاق مورد توجه قرار دهد. قطعنامه مذکور با صراحت اعلام کرد که تخلف از این حق منجر به جنگ‌هایی در گذشته شده است. بنابراین، بایستی برای دستیابی به صلح بین‌المللی، این حق مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گیرد. قطعنامه ادامه داد که ایمان به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نمی‌تواند از حق تعیین سرنوشت جدا باشد. این بیان صریح، حاکی از انقلابی در جهت اجرایی کردن حقوق بشر بود که در فضای پسا-استعماریِ پس از جنگ جهانی دوم، در جامعه بین‌المللی شکل می‌گرفت. یک چنین حقی به ملل تحت استعمار سابق یاری می‌رساند تا بتوانند بر منابع طبیعی خود مالکیت داشته باشند.[2]

کمیسیون، آماده سازیِ دو پیشنویس را در جلسات نهم و دهم در سالهای ۱۹۵۳ و ۱۹۵۴ به پایان رساند. مجمع عمومی این متون را در نهمین اجلاس خود در سال ۱۹۵۲ بررسی کرد و از کشورها خواست تا نقطه نظرات خود را در مورد آنها اعلام کنند. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، توسط مجمع عمومی در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب رسیدند.[3] در ماده اول هر دو میثاق بین‌المللی با صراحت اعلام شده است؛ همه مردم دارای حق تعیین سرنوشت هستند. براساس این حق، آنها می‌توانند شرایط سیاسی خود را تعیین کنند و آزادانه اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش را نیز دنبال کنند. هر دو میثاق برای امضا به روی کشورهاگشوده شدند. اما تصویب این میثاق‌ها بنابر ملاحظات سیاسی از تعادل موزون برخوردار نشدند. به عنوان مثال، میثاق حقوق مدنی و سیاسی در ۲۳ مارس سال ۱۹۷۶ قوت اجرایی یافت (امریکا و ایران این میثاق را تصویب کردهاند) در حالی که کشورهایی مانند عربستان سعودی

---

[1] UN. General Assembly (6th session: 1951-1952: Paris) .A/RES/543(VI), Preparation of two Draft International Covenants on Human Rights.
[2] General Assembly Res. 1803 (XVII) Permanent Sovereignty Over Natural Resources.
[3] General Assembly Res. 2200 A (XXI), 16 December 1966.

و امارات متحده عربی هیچ تمایلی به امضا و تصویب آن نداشته‌اند و چین فقط آنرا امضا کرده است. میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سوم ژانویه همان سال ۱۹۷۶ قوت اجرایی یافت؛ اما امریکا فقط آنرا امضا کرده است و عربستان سعودی هیچ تمایلی به امضای میثاق نداشته است .

مقدمه هر دو میثاق یکسان هستند و به ایمان به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تصریح دارند. کشورهای عضو این میثاق‌ها با توجه به اینکه براساس اصول اعلام شده در منشور سازمان ملل متحد، بر «به رسمیت شناختن حیثیت ذاتی و حقوق مساوی و مسلم همه اعضای خانواده بشری، اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان» تصریح دارند؛ همه آنها با اذعان به اینکه این حقوق ناشی از حیثیت ذاتی انسان است، اعلام میدارند که «مطابق با اعلامیه جهانی حقوق بشر، آرمان انسان‌های آزاد، که از ترس و بی نیازی رهایی داشته باشند، تنها در صورت ایجاد شرایط می‌تواند محقق شود» که «به موجب آن هرکس بتواند از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز حقوق مدنی و سیاسی خود بهره‌مند شود». براساس منشور ملل متحد، برای ترویج احترام جهانی و رعایت حقوق و آزادی‌های بشر، همه کشورهای عضو موظف هستند در جهت ارتقا و رعایت حقوق شناخته شده در این میثاق تلاش کنند .

ماده ۱ هر دو میثاق نیز کاملا مشابه است. حق تعیین سرنوشت، ماهیتی جهان‌شمول دارد و اساس صلح و آرامش در جهان است:

- همه مردم حق تعیین سرنوشت دارند. به موجب این حق، آنها آزادانه وضعیت سیاسی خود را تعیین می‌کنند و آزادانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را دنبال می‌کنند .

- همه مردم می‌توانند برای اهداف خود، آزادانه ثروت و منابع طبیعی خود را بدون لطمه به تعهدات ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی براساس اصل منفعت متقابل و حقوق بین‌الملل در اختیار داشته باشند. در هیچ موردی نمی‌توان مردمی را از وسایل زندگی خود محروم کرد .

- کشورهای طرف این میثاق، از جمله کشورهایی که مسئولیت اداره سرزمین‌های غیر خودگردان و مورد اعتماد را بر عهده دارند، تحقق حق تعیین سرنوشت را ترویج خواهند کرد و این حق را مطابق با مقررات مندرج در منشور ملل متحد، رعایت خواهند کرد. (ماده ۱)

ماده ۳ هر دو میثاق بر حق برابر زن و مرد در برخورداری از همه حقوق بشر تاًکید می‌کنند و کشورها را موظف می‌سازند که این اصل را به واقعیت تبدیل کنند. «کشورهای طرفین میثاق متعهد می‌شوند که حقوق برابر زن و مرد را در برخورداری از کلیه حقوق مدنی و سیاسی مندرج در این میثاق تضمین کنند».

ماده ۵ هر دو میثاق نیز تدابیری را در برابر تخریب یا محدودیت بی‌رویه هر یک از حقوق بشر یا آزادی اساسی و در برابر تفسیر نادرست از هر یک از مفاد میثاق‌ها به‌عنوان وسیله‌ای برای توجیه نقض یک حق یا آزادی یا محدود ساختن آن به میزان بیشتر فراهم می‌کند .همچنین کشورها را از محدود کردن حقوقی که قبلاً در قلمرو خود برخوردار بودند، به این دلیل که چنین حقوقی در میثاق‌ها به رسمیت شناخته نشده یا به میزان کمتری به رسمیت شناخته شده‌اند، باز می‌دارد.

هیچ چیز در این میثاق نمی‌تواند به گونه‌ای تفسیر شود که برای هیچ کشور، گروه یا شخصی، متضمن حقی باشد که در هر فعالیتی یا انجام هر عملی، با هدف از بین بردن هر یک از حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این میثاق یا محدود کردن آنها به موارد بیشتر، متضمن حقی باشد. (بند ۱ از ماده ۵)

هیچ گونه محدودیت یا انحرافی برای هیچ یک از حقوق اساسی بشر که در هر یک از کشورهای عضو این میثاق به موجب قانون، مقاوله‌نامه‌ها، مقررات یا عرف به رسمیت شناخته شده یا موجود است، وجود نخواهد داشت؛ به این بهانه که این میثاق چنین حقوقی را به رسمیت نمی‌شناسد یا اینکه آنها را به میزان کمتری به رسمیت می‌شناسد. (بند ۲ از ماده ۵)

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی شامل ۵۳ ماده است. این میثاق به همراه اعلامیه جهانی حقوق بشر جزو اسناد نسل اول حقوق بشر است. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شامل ۳۱ ماده است و از اسناد اصلی نسل دوم حقوق بشر به حساب می‌آید.[۱]

[۱] متن این مقدمه بطور مستقیم از فصل سوم کتاب «بنیادها و موضوعات حقوق بشر بین‌المللی» از این نویسنده استخراج شده است.

متن میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶

مقدمه

کشورهای طرف این میثاق

با توجه به این که مطابق با اصول اعلام شده در منشور سازمان ملل متحد، به رسمیت شناختن کرامت ذاتی و حقوق برابر و غیرقابل انکار همه اعضای خانواده بشری، پایه و اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است،

با اذعان به اینکه این حقوق ناشی از کرامت ذاتی انسان است،

با اذعان به اینکه بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمال مطلوب انسان آزاد رهایی یافته از ترس و فقر فقط در صورتی حاصل می‌شود که شرایط برخورداری هر کس از حقوق مدنی و سیاسی خود و همچنین از حقوق اقتصادی ـ اجتماعی و فرهنگی او فراهم شود،

با توجه به اینکه کشورها بر طبق منشور ملل متحد به ترویج احترام جهانی و مؤثر و رعایت حقوق و آزادی‌های بشر متعهد و ملزم هستند،

با در نظر گرفتن این حقیقت که هر فرد نسبت به افراد دیگر و نیز نسبت به اجتماعی که بدان تعلق دارد عهده‌دار وظایفی است و متعهد است به اینکه در ترویج و رعایت حقوق شناخته شده به موجب این میثاق اهتمام نماید،

بر مواد زیر موافقت دارند:

بخش یک

ماده ۱

۱- همه مردم حق تعیین سرنوشت خود را دارند. بر اساس این حق، آنها آزادانه وضعیت سیاسی خود را تعیین کرده و آزادانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را دنبال می‌کنند.

۲- همه مردم می‌توانند برای اهداف خود، بدون آنکه به تعهداتی که از همکاری اقتصادی بین‌المللی بر مبنای اصل منافع متقابل و حقوق بین‌المللی حاصل می‌شود، آسیب برسانند

آزادانه از ثروت و منابع طبیعی خود استفاده کنند. در هیچ موردی نمی توان مردمی را از وسایل زندگی خود محروم کرد.

۳- کشورهای طرف این میثاق از جمله کشورهای مسئول اداره سرزمین‌های غیرخودمختار و تحت قیمومیت متعهد هستند تحقق حق خودمختاری آن ملت‌ها را تسهیل و احترام به این حق را طبق مقررات منشور ملل متحد رعایت کنند.

بخش دوم

ماده ۲

۱-کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو تابع حاکمیت خود بدون هیچگونه تمایزی بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا شرایط دیگر محترم شمرده و تضمین کنند.

۲-هرکشور طرف این میثاق متعهد می‌شود که بر طبق اصول قانون اساسی خود و مقررات این میثاق اقداماتی در زمینه اتخاذ تدابیر قانون‌گذاری و غیر آن به منظور تنفیذ حقوق شناخته شده در این میثاق که قبلاً به موجب قوانین موجود یا تدابیر دیگر لازم‌الاجرا نشده‌اند، به عمل آورد.

۳-هرکشور طرف این میثاق متعهد می‌شود که:

الف(تضمین کند که برای هر شخصی که حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این میثاق درباره او نقض شده باشد وسیله مطمئن احقاق حق فراهم بشود، حتی اگر نقض حقوق به وسیله اشخاصی ارتکاب شده باشد که در اجرای مشاغل رسمی خود عمل کرده باشند؛

ب(تضمین کند که مقامات صالح قضایی ـ اداری یا مقننه یا هر مقام دیگری که به موجب مقررات قانونی آن کشور صلاحیت دارد درباره شخص دادخواست دهنده احقاق حق کرده و همچنین امکانات دادخواهی آنها به مقامات قضایی را تامین کنند؛

ج: مقامات ذیصلاح اطمینان حاصل کنند که چنین اقداماتی را اجرا کنند.

ماده ۳

کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی پیشبینی شده در این میثاق تأمین کنند.

ماده ۴

۱-هرگاه یک خطر عمومی استثنایی (فوق‌العاده) موجودیت ملت را تهدید کند و این خطر رسماً اعلام بشود، کشورهای طرف این میثاق می‌توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق به میزانی که متناسب با آن وضعیت باشد، اتخاذ کنند، مشروط بر اینکه تدابیر مزبور با سایر الزامات که بر طبق حقوق بین‌الملل برعهده دارند مغایرت نداشته باشد و منجر به هر نوع تبعیضی براساس نژاد ـ رنگ ـ جنس ـ زبان ـ اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی نشود.

۲-مفاد بند فوق نباید موجب هیچگونه انحراف از مواد ۶ ـ ۷ (بندهای اول و دوم) مفاد ۸ ـ ۱۱ ـ ۱۵ـ ۱۶ ـ ۱۸ بشود.

۳-کشورهای طرف این میثاق که از موادی خود را استثنا کردن خود را کنند، متعهد هستند بلافاصله از طریق دبیرکل ملل متحد سایر کشورهای طرف میثاق را از آن آگاه سازند. و در تاریخی که به این استثنا خاتمه می‌دهند، مراتب را به وسیله اعلامیه جدیدی از همان طریق مجرا اطلاع دهند.

ماده ۵

۱-هیچیک از مقررات این میثاق نباید به نحوی تفسیر شود که متضمن ایجاد حقی برای کشوری یا گروهی یا فردی گردد که به استناد آن به منظور تضییع هر یک از حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این میثاق و یا محدود کردن آن بیش از آنچه در این میثاق پیش بینی شده است مبادرت به فعالیتی کرده و یا اقدامی به عمل آورد.

۲هیچگونه محدودیت یا انحراف از هر یک از حقوق اساسی بشر که به موجب قوانین، مقاوله‌نامه‌ها، یا آئین‌نامه‌ها یا عرف و عاداتی که توسط کشورهای طرف این میثاق به رسمیت

شناخته شده و جاری است به عذراینکه این میثاق چنین حقوقی را به رسمیت نشناخته، یا اینکه به میزان کمتری به رسمیت شناخته است، قابل قبول نخواهد بود.

بخش سوم

ماده ۶

۱-هر انسانی حق ذاتی به زندگی دارد. این حق توسط قانون محافظت می شود. هیچ کس نباید به طور خودسرانه از زندگی خود محروم شود.

۲-در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده صدور حکم اعدام جایز نیست مگر در مورد مهم‌ترین جنایات طبق قوانین لازم‌الاجرا در زمان ارتکاب جنایت که آنهم نباید با مقررات این میثاق و مقاوله‌نامه‌ها راجع به جلوگیری و مجازات جرم کشتار دسته جمعی (کشتار دسته جمعی) منافات داشته باشد. اجرای این مجازات جایز نیست مگر به موجب حکم قطعی از سوی دادگاه صالحی صادر شده است.

۳- هنگامی که محرومیت از زندگی دربرگیرنده جنایت نسل کشی باشد، به هیچ عنوان به کشورهای عضو این پیمان اجازه نمی‌دهد که تحت هیچ شرایطی از هر گونه تعهداتی که بر اساس مقررات مقاوله‌نامه پیشگیری و مجازات جنایت نسل کشی به عهده گرفته‌اند، تخطی کنند.

۴-هر محکوم به اعدامی حق خواهد داشت که درخواست عفو یا تخفیف مجازات خود را داشته باشد. عفو عمومی یا عفو فردی یا تخفیف مجازات اعدام در تمام موارد ممکن است اعطا شود.

۵-حکم اعدام در مورد جرائم ارتکابی اشخاص کمتر از هیجده سال صادر نمی‌شود و در مورد زنان باردار نیز قابل اجرا نیست.

۶-هیچ چیز در این ماده برای به تأخیر انداختن یا جلوگیری از لغو مجازات اعدام توسط هیچیک از کشورهای عضو این میثاق مورد استناد قرار نمی‌گیرد.

ماده ۷

هیچکس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه، خلاف انسانی، یا تحقیر کننده قرار داد. مخصوصاً قرار دادن یک شخص تحت آزمایش‌های پزشکی یا علمی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است.

ماده ۸

۱-هیچکس را نمی‌توان در بردگی نگاه داشت. بردگی و خرید و فروش برده به هر شکلی که باشد ممنوع است.

۲-هیچکس را نمی‌توان در (شرایط) بندگی نگاه داشت.

۳- الف: هیچکس به انجام اعمال شاقه یا کار اجباری وادار نخواهد شد.

۳- ب: بند الف از بند ۳ را نمی‌توان چنین تفسیر کرد که در کشورهایی که بعضی از جنایات قابل مجازات با اعمال شاقه است مانع اجرای اعمال شاقه مورد حکم صادره از دادگاه صالح بشود.

۳- ج: «اعمال شاقه یا کار اجباری» مذکور در این بند شامل امور زیر نیست:

اول ـ هرگونه کار یا خدمات ذکر نشده در بند «ب» که به کسی که به موجب یک تصمیم قضایی قانونی زندانی است یا به کسی که موضوع چنین تصمیمی بوده و در حال آزادی مشروط است، اعمال شود؛

دوم ـ هر خدمت نظامی و در کشورهایی که مخالفت وجدانی (نسبت به آن) به رسمیت شناخته شده است، هر خدمت ملی که طبق قانون مخالفان وجدانی لازم است؛

سوم ـ هر خدمتی که در مواقع اضطراری یا بروز فاجعه‌ای که جان یا رفاه جامعه را تهدید می‌کند، انجام شود؛

چهارم ـ هر کار یا خدمتی که جزئی از الزامات مدنی (اجتماعی) متعارف باشد.

ماده ۹

۱-هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچکس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندانی) کرد. از هیچکس نمی‌توان سلب آزادی کرد، مگر طبق آیین دادرسی مقرر در قانون.

۲-هرکسی‌که دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیر شدن از جهات (علل) آن مطلع شود و در اسرع وقت اخطاریه‌ای دائر به هرگونه اتهامی که به او نسبت داده می‌شود، دریافت دارد.

۳- هر کس به اتهام جنایی دستگیر یا بازداشت شود، باید فوراً نزد یک قاضی یا مأمور دیگری که قانوناً مجاز به اعمال قدرت قضایی بر او است، آورده شود و حق محاکمه در مدت معقول یا آزادی را دارد. این قاعده کلی نیست که افرادی که در انتظار محاکمه هستند باید در بازداشت نگهداری شوند، اما آزادی ممکن است مشروط به ضمانت هایی باشد که برای محاکمه، در هر مرحله دیگر از رسیدگی قضایی، و در صورت پیش آمدن شرایط، برای اجرای حکم تضمین شوند.

۴- هر کس که به وسیله بازداشت یا بازداشت از آزادی محروم شده است، حق دارد به دادگاه مراجعه کند تا این دادگاه بتواند بدون تاخیر در مورد مشروعیت بازداشت او تصمیم بگیرد و در صورت عدم مشروعیت بازداشت، دستور آزادی او را صادر کند.

۵-هرکس که بطور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت (زندانی) شود، حق جبران خسارت خواهد داشت.

ماده ۱۰

۱-درباره کلیه افرادی که از آزادی خود محروم شده‌اند باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار کرد.

الف: متهمین، به جز در شرایط استثنایی، باید از افراد محکوم شده جدا شوند، باید با آنها رفتار جداگانه‌ای داشت که مناسب افراد محکوم نشده باشد.

ب: نوجوانان متهم باید از بزرگسالان جدا بوده و باید در اسرع اوقات ممکن در مورد آنان اتخاذ تصمیم بشود.

۲- نظام ندامتگاهی باید شامل رفتاری با زندانیان باشد که هدف اساسی آن اصلاح و بازپروری اجتماعی آنها است. مجرمان نوجوان باید از بزرگسالان جدا شوند و با سن و وضعیت قانونی آنها رفتار شود.

ماده ۱۱

هیچکس را نمی‌توان تنها به این علت که قادر به اجرای تعهد مقاوله‌نامهی خود نیست، زندانی کرد.

ماده ۱۲

۱-هرکسی که قانوناً در سرزمین کشوری مقیم است حق عبور و مرور آزادانه و انتخاب آزادانه مسکن خود را در آنجا خواهد داشت.

۲-هرکس آزاد است هر کشوری شامل کشور خود را ترک کند.

۳-حقوق مذکور فوق تابع هیچگونه محدودیتی نخواهد بود مگر محدودیت‌هایی که به موجب قانون مقرر گردیده و برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی، یا حقوق و آزادی‌های دیگران لازم بوده و با سایر حقوق شناخته شده در این میثاق سازگار باشد.

۴-هیچکس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از حق ورود به کشور خود محروم کرد.

ماده ۱۳

بیگانه‌ای که قانوناً در قلمرو یک کشور طرف این میثاق باشد فقط در اجرای تصمیمی که مطابق قانون اتخاذ شده باشد ممکن است از آن کشور اخراج بشود و جز در مواردی که جهات حتمی امنیت ملی طور دیگر اقتضا نماید. باید امکان داشته باشد که علیه اخراج خود اعتراض کند و اعتراض او در مقام صالح یا نزد شخص یا اشخاص منصوب از طرف مقام صالح با حضور نماینده‌ای که به این منظور تعیین می‌شود، مورد رسیدگی قرار گیرد.

ماده ۱۴

۱-همه در مقابل دادگاه‌ها و دادگاه‌های دادگستری متساوی هستند. هرکس حق به دادخواهی که دارد منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بیطرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی بشود، و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزایی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او در موارد مدنی، اتخاذ تصمیم کند. تصمیم به غیر علنی بودن جلسات در تمام یا قسمتی از دادرسی، خواه به جهات اخلاق حسنه یا نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه دموکراتیک، و خواه در صورتیکه مصلحت زندگی خصوصی طرفین دعوی اقتضاء کند، و خواه در مواردی که از لحاظ کیفیات خاص دعوی، علنی بودن جلسات مضر به عدالت باشد، تا حدی که دادگاه لازم بداند امکان پذیر می‌باشد. اما حکم صادر در امور کیفری یا مدنی علنی خواهد بود مگر آنکه مصلحت افراد نابالغ طور دیگری اقتضاء کند، یا دادرسی مربوط به اختلافات زناشوئی یا سرپرستی اطفال باشد.

۲-هرکسی که به ارتکاب جرمی متهم شده است باید بیگناه فرض شود تا اینکه مقصر بودن او بر طبق قانون احراز بشود.

۳-هرکس متهم به ارتکاب جرمی شود با تساوی کامل لااقل حق تضمین های ذیل را خواهد داشت:

الف) در اسرع وقت و به تفصیل و به زبانی که او آنرا می فهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود، آگاه شود؛
ب) وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد؛
ج) بدون تأخیری غیرموجه قضاوت در باره او انجام شود؛
د) در محاکمه حاضر شده و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود از خویش دفاع کند و در صورتیکه وکیل نداشته باشد، حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که

عدالت اقتضا کند از طرف دادگاه برای او وکیل تعیین شود که در صورت ناتوانی برای پرداخت حق وکالت، هزینه‌ای برای او نداشته باشد؛

ه) باید بتواند از شهودی که علیه او شهادت می‌دهند سئوالاتی بپرسد یا درخواست کند که از آنها سئوالاتی پرسیده شود و شهودی که به نفع او شهادت می‌دهند با همان شرایط شهود علیه او احضار و از آنها سئوالاتی پرسیده شود؛

و) اگر متهم زبانی را که در دادگاه مورد استفاده است نمی‌فهمد، و یا نمی‌تواند به آن زبان سخن گوید، یک مترجم بطور رایگان به او یاری رساند؛

ز) متهم نباید مجبور شود که علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن خود اعتراف کند.

۴-آیین دادرسی جوانانی که از لحاظ قانون جزا هنوز بالغ نیستند، باید به نحوی باشد که در آن مقتضیات سن و مصلحت اعاده حیثیت آنان رعایت شود.

۵-هرکسی که به ارتکاب جرمی متهم شد، حق دارد که اعلام مجرمیت و محکومیت او به وسیله یک دادگاه عالیتر طبق قانون مورد رسیدگی قرار گیرد.

۶-هنگامی‌که شخصی به موجب تصمیم قطعی به ارتکاب جرمی مجرم شناخته شده اما متعاقباً محکومیت وی نقض شده باشد، یا به این دلیل مورد عفو قرار گرفته باشد که یک واقعیت جدید یا تازه کشف شده به طور قطع نشان دهد که تخلف از عدالت صورت گرفته است که در اثر محکومیت متحمل مجازات شده است، طبق قانون باید جبران شود مگر اینکه ثابت شود عدم افشای واقعه مجهول به موقع تمام یا قسمتی از آن منتسب به او باشد.

۷-هیچکس را نمی‌توان برای جرمی که قبلاً به موجب قانون و آیین دادرسی کیفری هر کشور محکوم یا تبرئه شده است، مجدّداً محاکمه یا مجازات کرد.

ماده ۱۵

۱-هیچکس را نباید به علت فعل یا ترک فعلی که در موقع ارتکاب بر طبق قوانین ملی یا بین‌المللی جرم نبوده است محکوم کرد، و همچنین هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه در زمان

ارتکاب جرم قابل اعمال بوده است، برای او تعیین نخواهد شد. هرگاه پس از ارتکاب جرم، قانون مجازات خفیف تری برای آن مقرر دارد مرتکب حق دارد از آن استفاده کند.

۲- هیچ چیز در این ماده نباید به محاکمه و مجازات هر فرد برای هر فعل یا ترک فعلی که در زمان ارتکاب آن براساس اصول کلی حقوقی شناخته شده توسط جامعه بین‌المللی مجرمانه بوده، لطمه وارد کند.

ماده ۱۶

هر کس حق دارد در همه جا به عنوان یک شخص در برابر قانون به رسمیت شناخته شود.

ماده ۱۷

۱-هیچکس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخلات خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود.

۲-هر کس حق دارد در مقابل این گونه مداخلات یا تعرض‌ها از حمایت قانون برخوردار باشد.

ماده ۱۸

۱-هر کس از حق آزادی فکر و وجدان و مذهب برخوردار است. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا اعتقادات، همچنین آزادی بیان مذهب یا اعتقادات خود، خواه بطور فردی یا گروهی، خواه بطور علنی یا درخصوصی در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می‌باشد.

۲- هیچ کس نباید تحت اجباری قرار گیرد که به آزادی او برای داشتن یا اتخاذ یک مذهب یا باور به انتخاب او آسیب برساند.

۳-آزادی ابراز مذهب یا اعتقادات را نمی‌توان تابع محدودیت‌هایی نمود مگر آنچه منحصرا به موجب قانون پیشبینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد.

۴-کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی والدین و برحسب مورد سرپرستان قانونی کودکان را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق اعتقادات خودشان محترم بشمارند.

ماده ۱۹

۱-هر کس حق دارد بدون هر مداخله‌ای اعتقادات خود را داشته باشد.

۲-هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و عقاید از هر نوع، بدون توجه به مرزها، چه به صورت شفاهی، چه به صورت کتبی یا چاپی، در قالب هنری یا از طریق هر وسیله دیگری که به انتخاب او می‌باشد، خواهد بود.

۳-اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاصی است، بنابراین ممکن است تابع محدودیت‌های باشد که در قانون تصریح شده و برای اهداف ذیل ضرورت داشته باشد:

الف) برای احترام به حقوق یا شهرت دیگران؛

ب) برای حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی، و یا سلامت یا اخلاق عمومی.

ماده ۲۰

۱-هر گونه تبلیغ برای جنگ به موجب قانون ممنوع است؛

۲-هر گونه دعوت (یا ترغیب) به کینه ورزی (تنفر) ملی یا نژادی یا مذهبی که موجبات انگیزش‌هایی برای تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور را فراهم آورد به موجب قانون ممنوع است.

ماده ۲۱

حق تشکیل مجامع مسالمت‌آمیز به رسمیت شناخته می‌شود. اعمال این حق تابع هیچگونه محدودیتی نمی‌تواند باشد مگر آنکه بر طبق قانون مقرر شده و در یک جامعه دمکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی یا نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد.

ماده ۲۲

۱-هر کس حق آزادی اجتماع با دیگران، از جمله حق تشکیل و پیوستن به اتحادیه‌های کارگری را برای حمایت از منافع خود خواهد داشت.

۲-اعمال این حق تابع هیچگونه محدودیتی نمی‌تواند باشد، مگر آنکه به موجب قانون مقرر گردیده و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیتی ملی یا ایمنی عمومی، نظم عمومی، یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی، یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد. مفاد این ماده مانع از آن نخواهد شد که اعضای نیروهای مسلح و پلیس در اعمال این حق تابع محدودیت‌های قانونی بشوند.

۳- هیچ چیز در این ماده به کشورهای عضو مقاوله‌نامه سازمان بین‌المللی کار در مورد آزادی انجمن‌های کارگری و حفاظت از حق سازماندهی اجازه نمی‌دهد تا اقدامات قانونی را اتخاذ کنند که به تضمینات مقرر در آن مقاوله‌نامه آسیب رسانده یا قانون را بگونه‌ای اعمال کنند که به آن آسیب برساند.

ماده ۲۳

۱-خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه است و استحقاق حمایت از سوی جامعه و حکومت را دارد.

۲-حق ازدواج و تشکیل خانواده برای زنان و مردان از زمانیکه به سن ازدواج می‌رسند، به رسمیت شناخته می‌شود.

۳-هیچ ازدواجی بدون رضایت آزادانه و کامل طرفین آن منعقد نمی‌شود.

۴-کشورهای طرف این میثاق تدابیر مقتضی به منظور تساوی حقوق و مسئولیت‌های زوجین در مورد ازدواج، در مدت ازدواج و هنگام انحلال آن، را اتخاذ خواهند کرد. در صورت انحلال ازدواج پیشبینی‌های لازم برای تأمین حمایت از اطفال به عمل خواهد آمد.

ماده ۲۴

۱-هر کودکی بدون هیچگونه تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت یا نسب، که دارد، باید از تدابیر حمایتی که لازمه وضعیت صغیر بودن او است، هم از طرف خانواده و هم جامعه و حکومت کشور او برخوردار شود.

۲-هر کودکی باید بلافاصله پس از ولادت به ثبت برسد و دارای نامی بشود.

۳-هر کودکی حق تحصیل تابعیت دارد.

ماده ۲۵

هر انسان عضو اجتماع حق و امکان خواهد داشت بدون (در نظر گرفتن) هیچیک از تبعیضات مذکور در ماده ۲ و بدون محدودیت غیرمعقول:

الف) در اداره امور عمومی (به طور مستقیم یا از طریق نمایندگان انتخاب شده آزادانه) مشارکت داشته باشد؛

ب) در انتخابات دوره‌ای که با حق رای عمومی و برابر و با رأی مخفی برگزار می‌شود، و بیان آزاد اراده رأی دهندگان را تضمین می‌کند، رای داده و انتخاب شود؛

ج) حق دسترسی به خدمات عمومی در کشور خود، بر اساس شرایط کلی برابری را داشته باشد.

ماده ۲۶

همه افراد در برابر قانون برابر هستند و بدون هیچ تبعیضی حق دارند از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند. در این راستا، قانون هرگونه تبعیضی را ممنوع ساخته و تضمین می کند که همه افراد در برابر تبعیض به هر دلیلی از قبیل نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا هر عقیده دیگر، منشاء ملی یا اجتماعی، دارایی، زاد و ولد، حمایت مؤثر در برابر تبعیض را تضمین کنند.

ماده ۲۷

در کشورهایی که اقلیتهای نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، افراد متعلق به این اقلیت‌ها را نباید از حق تشکیل اجتماع با سایر اعضای گروه خود، بهره‌مندی از فرهنگ و بیان و انجام فرائض دینی و تکلم به زبان خودشان محروم کرد.

بخش چهارم

ماده ۲۸

۱-یک کمیته حقوق بشر (که از این پس کمیته نامیده خواهد شد)، تأسیس می‌شود. این کمیته مرکب از هیجده عضو است و انجام خدمات بشرح زیر را برعهده می‌گیرد:

۲- کمیته شامل اتباع کشورهای طرف این میثاق که دارای مکارم عالی اخلاقی و شخصیتی هستند و صلاحیت آنها در زمینه حقوق بشر محرز (شناخته شده) شده است، می‌باشد. مفید بودن شرکت بعضی اشخاص واجد تجربه در امور قضایی در کارهای این کمیته مورد توجه واقع خواهد شد.

۳- اعضای کمیته انتخابی هستند و برحسب صلاحیت شخصی خودشان خدمت خواهند نمود.

ماده ۲۹

۱-اعضای کمیته با رای مخفی و از فهرست اشخاص واجد شرایط مذکور در ماده ۲۸ که به این منظور توسط کشورهای طرف این میثاق نامزد شده‌اند، انتخاب می‌شوند.

۲-هر کشور طرف این میثاق نمی‌تواند بیش از دو نفر نامزد کند.

۳-تجدید نامزدی یک شخص مجاز است.

ماده ۳۰

۱-انتخابات اولیه حداکثر شش ماه پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این میثاق برگزار خواهد شد.

۲-برای انتخابات کمیته هر بار حداقل چهار ماه پیش از تاریخ انجام آن ـ به استثنای انتخاباتی که برای اشغال محل خالی طبق ماده ۳۴ به عمل می‌آید ـ دبیرکل سازمان ملل متحد از کشورهای طرف این میثاق کتباً دعوت خواهد نمود که نامزدهای خود را برای عضویت کمیته ظرف سه ماه معرفی کنند.

۳-دبیرکل سازمان ملل متحد فهرستی به ترتیب حروف الفباء از کلیه اشخاصی که به این ترتیب نامزد می‌شوند با ذکر نام کشورهایی که آنان را معرفی کرده‌اند تهیه و آنرا حداکثر یک ماه قبل از تاریخ انتخابات به کشورهای طرف این میثاق ارسال خواهد داشت.

۴-انتخاب اعضای کمیته در جلسه‌ای که به دعوت دبیرکل سازمان ملل متحد از کشورهای طرف این میثاق در مرکز سازمان ملل متحد تشکیل خواهد شد انجام می‌شود. حد نصاب این جلسه دو سوم کشورهای طرف این میثاق است و منتخبین نامزدهایی خواهند بود که بیشترین تعداد رای را به دست آورده و حائز اکثریت تام آراء کنندگان کشورهای حاضر و رای دهنده باشند.

ماده ۳۱

۱- کمیته نمی‌تواند بیش از یک تبعه از هر کشور عضو داشته باشد.

۲- در انتخاب اعضای کمیته، رعایت تقسیمات عادلانه جغرافیایی شرکت کنندگان و اشکال مختلف تمدن‌ها و نظام‌های عمده حقوقی خواهد شد.

ماده ۳۲

۱-اعضای کمیته برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند و در صورتیکه مجدداً نامزد شوند، تجدید انتخاب آنان مجاز خواهد بود. اما مدت عضویت ۹ تن از اعضای منتخب در اولین انتخابات در پایان دو سال مقتضی می‌شود. نام این ۹ تن بلافاصله پس از اولین انتخابات به وسیله قرعه توسط رئیس جلسه مذکور در بند ۴ ماده ۳۰ معین می‌شود.

۲-در انقضای دوره تصدی انتخابات طبق مواد قبلی این بخش میثاق به عمل خواهد آمد.

ماده ۳۳

۱-هرگاه یک عضو کمیته، به نظر مورد اتفاق آراء سایر اعضای کمیته انجام خدمات خود را به هر علتی جز غیبت موقت قطع نموده باشد رئیس کمیته، دبیرکل سازمان ملل متحد را مطلع و او کرسی عضو مزبور را بدون متصدی اعلام می‌کند.

۲-در صورت فوت یا استعفای یک عضو کمیته، رئیس کمیته فوراً دبیرکل سازمان ملل متحد را مطلع و او آن کرسی را از تاریخ فوت یا تاریخی که به استعفاء ترتیب اثر داده می‌شود بدون متصدی اعلام می‌کند.

ماده ۳۴

۱-هرگاه بدون متصدی بودن یک کرسی بر طبق ماده ۳۳ اعلام شود و دوره تصدی عضوی که جانشین او باید انتخاب گردد، ظرف شش ماه از تاریخ اعلام بدون متصدی بودن منقضی نشود، دبیرکل سازمان ملل متحد به هر یک از کشورهای طرف این میثاق اعلام خواهند نمود که می‌توانند ظرف مدت دو ماه نامزدهای خود را بر طبق ماده ۲۹ اشغال کرسی بدون متصدی معرفی کنند.

۲-دبیرکل سازمان ملل متحد فهرستی به ترتیب حروف الفبا از کلیه اشخاصی که به این ترتیب نامزد می‌شوند با ذکر نام کشورهایی که آنان را معرفی کرده‌اند تهیه و آنرا حداکثر یک ماه قبل از تاریخ انتخابات به کشورهای طرف این میثاق ارسال خواهد داشت.

۳-انتخاب اعضای کمیته در جلسه‌ای که به دعوت دبیرکل سازمان ملل متحد از کشورهای طرف این میثاق در مرکز سازمان ملل متحد تشکیل خواهد شد انجام می‌شود. نصاب این جلسه دو سوم کشورهای طرف این میثاق است و منتخبین نامزدهایی خواهند بود که بیشترین تعداد رأی را به دست آورده و حائز اکثریت تام آراء کنندگان کشورهای حاضر و رای دهنده باشند.

ماده ۳۵

اعضای کمیته با تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد طبق شرایطی که مجمع عمومی با توجه به اهمیت خدمات کمیته تعیین نماید، از منابع سازمان ملل متحد حقوق دریافت خواهند داشت.

ماده ۳۶

دبیرکل سازمان ملل متحد کارمندان و نیازهای مادی مورد احتیاج برای اجرای مؤثر وظایفی که کمیته به موجب این میثاق به عهده دارد در اختیار کمیته خواهد گذاشت.

ماده ۳۷

۱-دبیرکل سازمان ملل متحد اعضای کمیته را برای تشکیل نخستین جلسه در مرکز سازمان ملل متحد دعوت می‌کند.

۲-پس از نخستین جلسه کمیته در اوقاتی که در آیین نامه داخلی آن پیش بینی می‌شود تشکیل جلسه خواهد داد.

۳-کمیته معمولاً در مرکز سازمان ملل متحد یا در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو تشکیل جلسه خواهد داد.

ماده ۳۸

هر عضو کمیته باید پیش از تصدی وظایف خود در جلسه علنی طی تشریفات رسمی تعهد کند که وظایف خود را با کمال بیطرفی و از روی وجدان ایفاء خواهد کرد.

ماده ۳۹

۱-کمیته هیئت رئیسه خود را برای مدت دو سال انتخاب خواهد کرد. اعضای هیئت رئیسه قابل انتخاب مجدد هستند.

۲-کمیته آیین نامه داخلی خود را خودش تنظیم می‌کند. آیین نامه مذکور از جمله مشتمل بر مقررات ذیل خواهد بود:

الف) حد نصاب رسمیت جلسات حضور دوازده عضو است.

ب) تصمیمات کمیته با اکثریت آراء اعضای حاضر اتخاذ می‌گردد.

ماده ۴۰

۱-کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند درباره تدابیری که اتخاذ کرده‌اند و آن تدابیر به حقوق شناخته شده در این میثاق ترتیب اثر می‌دهد و درباره پیشرفت‌های حاصل در برخورداری از این حقوق گزارشهایی تهیه کنند:

الف: ظرف یکسال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این میثاق برای هر کشور طرف میثاق در امور مربوط به آن کشور؛

ب: پس از آن هر زمانی که کمیته چنین درخواستی داشته باشد.

۲-کلیه گزارش‌ها باید خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد باشد و او آنها را برای رسیدگی به کمیته ارجاع خواهد کرد. گزارش‌ها باید بر حسب مورد حاکی از عوامل و مشکلاتی باشد که در اجرای مقررات این میثاق تأثیر دارند.

۳-دبیرکل سازمان ملل متحد می‌تواند پس از مشورت با کمیته، رونوشت بخش‌هایی از گزارشات را که ممکن است مربوط به امور مشمول صلاحیت مؤسسات تخصصی باشد برای آن مؤسسات ارسال دارد.

۴-کمیته گزارش‌های واصل از کشورهای طرف این میثاق را بررسی می‌کند و گزارش‌های خود و همچنین هرگونه ملاحظات کلی که مقتضی بداند به کشورهای طرف این میثاق ارسال خواهد داشت. کمیته نیز می‌تواند این ملاحظات را به ضمیمه گزارش‌های واصل از کشورهای طرف این میثاق به شورای اقتصادی و اجتماعی تقدیم کند.

۵-کشورهای طرف این میثاق می‌توانند نظریاتی درباره هر گونه ملاحظات که بر طبق بند ۴ این ماده اظهار شده باشد، به کمیته ارسال دارند.

ماده ۴۱

۱-هر کشور طرف این میثاق می‌تواند به موجب این ماده هر زمانی اعلام کند که صلاحیت کمیته را برای دریافت و رسیدگی به اطلاعیه‌های دائر بر ادعای هر کشور طرف میثاق که کشور دیگر طرف میثاق تعهدات خود را طبق این میثاق انجام نمی‌دهد، به رسمیت می‌شناسد. به

موجب این ماده فقط اطلاعیه‌هایی قابل دریافت و رسیدگی خواهد بود که توسط یک کشور طرف میثاق که شناسایی صلاحیت کمیته را نسبت به خود اعلام کرده باشد تقدیم بشود. هیچ اطلاعیه مربوط به یک کشور طرف این میثاق که چنین اعلامی نکرده باشد قابل پذیرش نخواهد بود. نسبت به اطلاعیه‌هایی که به موجب این ماده دریافت می‌شود به ترتیب ذیل اقدام خواهد شد:

الف) اگر یک کشور طرف میثاق تشخیص دهد که کشور دیگر طرف میثاق به مقررات این میثاق ترتیب اثر نمی‌دهد می‌تواند بوسیله اطلاعیه کتبی توجه آن کشور طرف میثاق را به موضوع جلب کند. در ظرف مدت سه ماه پس از وصول اطلاعیه کشور دریافت کننده آن توضیح یا هرگونه اظهار کتبی دیگر دائر به روشن کردن موضوع در اختیار کشور فرستنده اطلاعیه خواهد گذارد. توضیحات و اظهارات مزبور تا حد امکان و تا جائیکه مقتضی باشد از جمله حاوی اطلاعاتی خواهد بود در خصوص قواعد دادرسی طبق قوانین داخلی آن کشور و آنچه که برای علاج آن صورت گرفته یا در جریان رسیدگی است یا آنچه در این مورد قابل استفاده بعدی است.

ب) اگر در ظرف شش ماه پس از وصول اولین اطلاعیه به کشور دریافت کننده موضوع با رضایت هر دو طرف مربوط فیصله نیابد هر یک از طرفین حق خواهد داشت با ارسال اخطاریه‌ای به کمیته و به طرف مقابل موضوع را به کمیته ارجاع نماید.

ج) کمیته تنها پس از اینکه مطمئن شد که تمام راه حل‌های داخلی موجود مطابق با اصول عمومی شناخته شده حقوق بین‌الملل در این موضوع مورد استناد قرار گرفته و به اتمام رسیده است، به موضوعی که به آن ارجاع می‌شود رسیدگی می‌کند. این قاعده در مواردی که استفاده از راه حل‌ها به طور غیرمنطقی طولانی شود، نخواهد بود.

د) کمیته در موقع رسیدگی اطلاعیه‌های دریافت شده به موجب این ماده، جلسات سری تشکیل خواهد داد.

ه) با رعایت مقررات بند «ج» کمیته به منظور حل دوستانه موضوع مورد اختلاف براساس احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی شناخته شده در این میثاق مساعی جمیله خود را در اختیار کشورهای ذینفع طرف میثاق خواهد گذارد.

و) کمیته در کلیه امور ارجاع شده می‌تواند از کشورهای (ذینفع) طرف اختلاف موضوع بند «ب» هرگونه اطلاعات مربوط به قضیه را درخواست کند.

ح) کشورهای ذینفع طرف میثاق موضوع بند «ب» حق خواهند داشت هنگام رسیدگی به قضیه در کمیته نماینده‌ای داشته باشند و ملاحظات خود را شفاهی و یا کتبی ارائه کنند.

ط) کمیته باید در مدت ۱۲ ماه پس از تاریخ دریافت اخطاریه موضوع بند «ب» گزارش بدهد:

۱) اگر راه حلی طبق مقررات بند «ه» بالا حاصل شده باشد، کمیته گزارش خود را به شرح مختصر قضایا و راه حل حاصله محدود خواهد کرد.

۲) اگر راه حلی طبق مقررات بند «ه» بالا حاصل نشده باشد، کمیته در گزارش خود به شرح مختصر قضایا اکتفا خواهد کرد. متن ملاحظات کتبی و صورت مجلس ملاحظات شفاهی که کشورهای ذینفع طرف میثاق اظهار کرده‌اند ضمیمه گزارش خواهد شد. برای هر موضوعی گزارشی به کشورهای ذینفع طرف میثاق ابلاغ خواهد شد.

۲-مقررات این ماده موقعی لازم‌الاجرا خواهد شد که تعداد ده کشور طرف این میثاق اعلامیه‌های پیش بینی شده در بند اول این ماده را ارائه کرده باشند.

اعلامیه‌های مذکور توسط کشور طرف میثاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع می‌شود و او رونوشت آن را برای سایر کشورهای طرف میثاق ارسال خواهد داشت. اعلامیه ممکن است هر موقع با اعلام به دبیرکل پس گرفته شود. اما این انصراف است، به بررسی هر موضوعی که موضوع اطلاعیه ای است که قبلاً بر اساس این ماده ارسال شده است، تأثیر نمی گذارد. هیچ اطلاعیه دیگری از طرف هیچ یک از کشورهای عضو پس از دریافت اطلاعیه از عقب نشینی

اعلامیه توسط دبیر کل دریافت نمی‌شود، مگر اینکه کشور عضو مربوطه اعلامیه جدیدی ارائه دهد.

ماده ۴۲

۱-الف: اگر موضوع ارجاع شده به کمیته طبق ماده ۴۱ با رضایت کشورهای ذینفع طرف میثاق حل و فصل نشود، کمیته می‌تواند با موافقت قبلی کشورهای ذینفع طرف میثاق یک کمیسیون خاص سازش تشکیل بدهد (که از این پس کمیسیون نامیده می‌شود). کمیسیون به منظور نیل به یک راه حل دوستانه مسئله براساس احترام این میثاق مساعی جمیله خود را در اختیار کشورهای ذینفع طرف میثاق می‌گذارد.

۱-ب: کمیسیون مرکب از پنج عضو است که با توافق کشورهای ذینفع طرف میثاق تعیین می‌شوند. اگر کشورهای ذینفع طرف میثاق درباره ترکیب تمام یا بعضی از اعضاء کمیسیون در مدت سه ماه به توافق نرسند آن عده از اعضای کمیسیون که درباره آنها توافق نشده است از بین اعضای کمیته با رای مخفی به اکثریت دو ثلث اعضاء کمیته انتخاب می‌شوند.

۲-اعضای کمیسیون برحسب صلاحیت شخصی خودشان انجام وظیفه می‌کنند. آنها نباید از اتباع کشورهای ذینفع طرف میثاق بوده یا از اتباع کشوری که طرف این میثاق نیست یا از اتباع کشور طرف این میثاق که اعلامیه مذکور در ماده ۴۱ را نداده باشد.

۳- کمیسیون رئیس خود را انتخاب و آیین نامه داخلی خود را تصویب می‌کند.

۴-جلسات کمیسیون معمولاً در مرکز سازمان ملل متحد یا در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو تشکیل خواهد شد. با اینحال جلسات مزبور ممکن است با مشورت دبیرکل سازمان ملل متحد و کشورهای ذینفع طرف میثاق در محل مناسب دیگری تشکیل شود.

۵-دبیرخانه پیش بینی شده در ماده ۳۶ خدمات دفتری کمیسیون‌های متشکل به موجب این ماده را انجام می‌دهد.

۶-اطلاعاتی‌که کمیته دریافت و رسیدگی می‌کند در اختیار کمیسیون گذارده می‌شود و کمیسیون می‌تواند از کشورهای ذینفع طرف میثاق تهیه هرگونه اطلاع تکمیلی مربوط دیگری را بخواهد.

۷-کمیسیون پس از مطالعه مسئله از جمیع جهات، ولی در هر صورت حداکثر در مدت دوازده ماه پس از ارجاع امر به آن گزارشی به رئیس کمیته تقدیم می‌دارد و او آنرا به کشورهای ذینفع طرف میثاق ابلاغ می‌نماید:

الف: اگر کمیسیون نتواند در مدت دوازده ماه رسیدگی را به اتمام برساند در گزارش خود اکتفا به بیان مختصر این نکته می‌کند که رسیدگی مسئله به کجا رسیده است.

ب: هرگاه یک راه حل دوستانه براساس احترام حقوق بشر به شکل شناخته شده در این میثاق حاصل شده باشد، کمیسیون در گزارش خود به ذکر مختصر قضایا و راه حل مشخصی که به آن رسیده‌است، اکتفا می‌کند.

ج: هرگاه یک راه حل براساس بند «ب» حاصل نشده باشد، کمیسیون استنباط های خود را در خصوص کلیه نکات ماهیتی مربوط به مسئله مورد بحث بین کشورهای ذینفع طرف میثاق و همچنین نظریات خود را در خصوص امکانات حل و فصل دوستانه قضیه در گزارش خود درج می‌کند. این گزارش همچنین حاوی ملاحظات کتبی و صورت مجلس ملاحظات شفاهی کشورهای ذینفع طرف میثاق خواهد بود.

د: هرگاه گزارش کمیسیون طبق بند «ج» تقدیم بشود، کشورهای ذینفع طرف میثاق در مدت سه ماه پس از وصول گزارش به رئیس کمیته اعلام می‌دارند که با مندرجات گزارش کمیسیون توافق دارند یا خیر.

۸-مقررات این ماده به اختیارات کمیته بر طبق ماده ۴۱ آسیبی وارد نمی‌کند.

۹-کلیه هزینه‌های اعضای کمیسیون بطور مساوی بین کشورهای ذینفع طرف میثاق براساس برآوردی که دبیرکل سازمان ملل متحد تهیه می‌کند، تقسیم می‌شود.

۱۰- دبیر کل سازمان ملل متحد مجاز است تا در صورت لزوم، هزینه‌های اعضای کمیسیون را قبل از پرداخت هزینه توسط کشورهای عضو مربوطه، مطابق با بند ۹ این ماده پرداخت کند.

ماده ۴۳

اعضای کمیته و کمیسیون‌های مصالحه موقتی که ممکن است براساس ماده ۴۲ منصوب شوند، حق تسهیلات، امتیازات و مصونیت های کارشناسان مامور سازمان ملل متحد را دارند که در بخش‌های مربوطه مقاوله‌نامه امتیازات و مصونیت‌های سازمان ملل مقرر شده است.

ماده ۴۴

مقررات اجرایی این میثاق بدون اینکه به آیین نامه‌های دادرسی مقرر در زمینه حقوق بشر طبق اسناد تشکیل دهنده یا به موجب آن و مقاوله‌نامه‌های سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی آسیبی وارد سازد، اعمال می‌شود و مانع از آن نیست که کشورهای طرف میثاق برای حل یک اختلاف طبق موافقتنامه‌های بین‌المللی عمومی یا خصوصی که ملزم به آن هستند متوسل به آیین نامه‌های دادرسی دیگری بشوند.

ماده ۴۵

کمیته هر سال گزارش کارهای خود را توسط شورای اقتصادی و اجتماعی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم می‌دارد.

بخش پنجم

ماده ۴۶

هیچیک از مقررات این میثاق نباید بگونه‌ای تفسیر شود که که به مفاد منشور سازمان ملل متحد و اساسنامه‌های نهادهای تخصصی که مسئولیت‌های مربوط به ارگان‌های مختلف سازمان ملل متحد و نهادهای تخصصی را در رابطه با مسائل مورد رسیدگی در این میثاق تعریف می‌کند، را تضعیف کند.

ماده ۴۷

هیچیک از مقررات این میثاق نباید بگونه‌ای تفسیر شود که به حق ذاتی کلیه ملل به برخورداری و استفاده کامل و آزادانه آنان از منابع و ثروت‌های طبیعی خود آسیبی وارد کند.

بخش ششم

ماده ۴۸

۱-این میثاق برای امضای هر کشور عضو سازمان ملل متحد، یا عضو هر یک از مؤسسات تخصصی آن یا هر کشور طرف متعاهد اساسنامه دادگاه بین‌المللی دادگستری همچنین هر کشوری که مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت کند که طرف این میثاق شود، مفتوح است.

۲-این میثاق مشروط به تصویب است. اسناد تصویب باید نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع شود.

۳-این میثاق برای الحاق هر یک از کشورهای مذکور در بند اول این ماده مفتوح خواهد بود.

۴-الحاق بوسیله تودیع سند الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد به عمل می‌آید.

۵-دبیرکل سازمان ملل متحد کلیه کشورهایی را که این میثاق را امضا کرده‌اند یا به آن ملحق شده‌اند، از تودیع هر سند تصویب یا الحاق مطلع خواهد کرد.

ماده ۴۹

۱-این میثاق سه ماه پس از تاریخ تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد لازم‌الاجرا می‌شود.

۲-درباره هر کشوری که این میثاق را پس از تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق تصویب کند یا به آن ملحق بشود این میثاق سه ماه پس از تاریخ تودیع سند تصویب یا الحاق آن کشور لازم‌الاجرا می‌شود.

ماده ۵۰

مقررات این میثاق بدون هیچگونه محدودیت یا استثنا درباره کلیه واحدهای تشکیل دهنده کشورهای متحده شمول خواهد داشت.

ماده ۵۱

۱-هر کشور طرف میثاق می‌تواند اصلاحاتی را این میثاق را پیشنهاد کرده و متن آن را نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع کند. در اینصورت دبیرکل سازمان ملل متحد هر طرح اصلاح پیشنهادی را به کشورهای طرف این میثاق ارسال می‌دارد و از آنها درخواست می‌نماید به او اعلام دارند که آیا مایلند کنفرانسی از کشورهای طرف میثاق به منظور بررسی و اخذ رای درباره طرحهای پیشنهادی تشکیل گردد. در صورتیکه حداقل یک سوم کشورهای طرف میثاق موافق تشکیل چنین کنفرانسی باشند، دبیرکل کنفرانس را در به هدایت سازمان ملل متحد دعوت خواهد کرد. هر اصلاحی که مورد قبول اکثریت کشورهای حاضر و رای دهنده در کنفرانس واقع بشود برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم خواهد شد.

۲-اصلاحات موقعی لازم‌الاجرا می‌شود که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برسد و اکثریت دو ثلث کشورهای طرف این میثاق بر طبق قواعد قانون اساسی خودشان آنرا قبول کرده باشند.

۳-موقعی‌که اصلاحات لازم‌الاجرا می‌شود برای آن دسته از کشورهای طرف میثاق که آن را قبول کرده‌اند الزام‌آور خواهد بود. سایر کشورهای طرف میثاق کماکان به مقررات این میثاق و هرگونه اصلاح آن که قبلاً قبول کرده‌اند ملزم خواهند بود.

ماده ۵۲

قطع نظر از اطلاعیه‌های مقرر در بند ۵ ماده ۴۸ دبیرکل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به کلیه کشورهای مذکور در بند اول آن ماده اطلاع خواهد داد.

الف: امضاهای این میثاق و اسناد تصویب و الحاق تودیع شده طبق ماده ۴۸؛

ب: تاریخ لازم‌الاجرا شدن این میثاق طبق ماده ۴۹ و تاریخ لازم‌الاجرا شدن اصلاحات طبق ماده ۵۱.

ماده ۵۳

۱-این میثاق که متن‌های چینی ـ انگلیسی ـ فرانسه ـ روسی و اسپانیایی آن دارای اعتبار مساوی است در بایگانی سازمان ملل متحد تودیع خواهد شد.

۲-دبیرکل سازمان ملل متحد رونوشت مصدق این میثاق را برای کلیه کشورهای مذکور در ماده ۴۵ ارسال خواهد کرد.

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶

کشورهای طرف این میثاق

با توجه به اینکه برطبق اصولی که در منشور ملل متحد اعلام گردیده است، شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیر قابل انکار کلیه اعضای خانواده بشر بر مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است،

با اذعان به این که برطبق اعلامیه جهانی حقوق بشر کمال مطلوب انسان آزاد رهایی شده از ترس و فقر فقط درصورتی حاصل می‌شود که شرایط برخورداری هرکس از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود و همچنین از حقوق مدنی و سیاسی او ایجاد شود،

با توجه به اینکه کشورها برطبق منشور ملل متحد به ترویج احترام جهانی و موثر حقوق و آزادی‌های بشر ملزم هستند،

با درنظر گرفتن این حقیقت که هر فرد نسبت به افراد دیگر ونیز نسبت به اجتماعی که بدان تعلق دارد عهده دار وظایفی است و مکلف است به این که در ترویج و رعایت حقوق شناخته شده به موجب این میثاق اهتمام نماید، با مواد زیر موافقت دارند:

بخش اول

ماده ۱

۱-همه ملت‌ها از حق برخوردار هستند. به موجب حق مزبور کلیه ملل وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تامین می‌کنند

۲-همه ملل می‌توانند برای رسیدن به هدف‌های خود در منابع و ثروت‌های طبیعی که دراختیار دارند بدون اخلال به الزامات ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین‌الملل آزادانه هرگونه تصرفی کنند. در هیچ مورد نمی‌توان ملتی را از وسایل معاش خود محروم کرد.

۳- کشورهای طرف این میثاق ازجمله کشورهای مسئول اداره سرزمین‌های غیر خود مختار تحت قیمومیت متعهد می‌باشند تا تحقق حق خود مختاری آن ملل را تسهیل و احترام به این حق را طبق مقررات منشور ملل متحد رعایت کنند.

بخش دوم

ماده ۲

۱- هر کشور طرف این میثاق متعهد می‌شود به سعی و اهتمام خود از طریق همکاری‌های بین‌المللی بویژه در طرحهای اقتصادی و فنی، با استفاده از حداکثر منابع موجود خود به منظور تامین تدریجی اعمال کامل حقوق شناخته شده در این میثاق با کلیه وسایل مقتضی به خصوص با اقدامات قانون گذاری اقدام کنند.

۲- کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که اعمال حقوق مذکور دراین میثاق را بدون هیچ نوع تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و یا هر گونه عقیده دیگر، اصل و منشاء ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین نمایند.

۳- کشور های درحال رشد با توجه لازم به حقوق بشر و وضع اقتصاد ملی خود می‌توانند تعیین کنند که تا چه اندازه حقوق اقتصادی شناخته شده در این میثاق را درباره اتباع بیگانه تضمین خواهند کرد.

ماده ۳

کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تساوی حقوق مردان و زنان را در استفاده از کلیه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر در این میثاق تامین نمایند.

ماده۴

کشورهای طرف این میثاق تصدیق می‌کنند که در برخورداری از حقوقی که مطابق این میثاق در هر کشوری مقرر می‌شود آن کشور نمی‌تواند حقوق مزبور بجز در مواردی که قانون تعیین می‌کند

محدود سازند، و آنهم فقط تا حدودی که با ماهیت این حقوق سازگار بوده و منظور آن صرفا توسعه رفاه عمومی دریک جامعه دموکراتیک باشد.

ماده ۵

۱-هیچیک از مقرارت این میثاق را نمی‌توان بگونه‌ای تفسیر کرد که متضمن ایجاد حقی برای کشور یا گروه‌های فردی گردد که به استناد آن به منظور ضایع کردن هریک از حقوق و آزادهای شناخته شده دراین میثاق و یا محدود نمودن آن پیش از آنچه در این میثاق پیش بینی شده است، مبادرت و فعالیتی کرده و یا اقدامی به عمل آورد.

۲-هیچگونه محدودیت یا انحرافی از هریک از حقوق بشر که به موجب قوانین، مقاوله‌نامه‌ها، لوایح، یا عرف و عادات در هر کشور طرف این میثاق به رسمیت شناخته شده و یا نافذ و جاری است، به این بهانه که این میثاق چنین حقوقی را به رسمیت نشناخته یا اینکه به میزان کمتری به رسمیت شناخته، قابل قبول نخواهد بود.

بخش سوم

ماده ۶

۱- کشورهای طرف این میثاق حق کار کردن را که شامل حق هرکس است به اینکه فرصت یابد بوسیله و کاری که آزادانه انتخاب یا قبول می‌کند معاش خود را تامین کند، به رسمیت میشناسند و اقدامات مقتضی برای حفظ این حق معمول خواهند داشت .

۲-اقداماتی که کشورهای طرف این میثاق به منظور تامین اعمال کامل این حق به عمل خواهند آورد باید شامل راهنمایی و تربیت فنی و حرفه‌ای، طرح برنامه‌ها، و خط مشی‌ها و تدابیر فنی باشد که از لوازم تامین توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی اشتغال تام و مولد است تحت شرایطی که آزادی‌های اساسی سیاسی و اقتصادی را برای افراد حفظ نماید.

ماده ۷

کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به برخورداری از شرایط عادلانه و مساعد کاری که بویژه متضمن مراتب زیر باشد به رسمیت میشناسند:

الف) دستمزدی که در اصل، امور ذیل را برای کلیه کارگران تامین نماید.

۱-مزد منصفانه و اجرت مساوی برای کار، با ارزش مساوی و بدون هیچ نوعی از تبعیض بویژه اینکه زنان تضمین داشته باشند که شرایط کاری آنان پایینتر از شرایط مورد استفاده مردان نباشد، و برای کار مساوی مزد مساوی با مردان دریافت کنند؛

۲-مزد کافی برای آنان و خانواده شان طبق مقررات این میثاق.

ب) ایمنی و بهداشت کار .

ج) تساوی فرصت برای هرکس که بتواند در طول دوره خدمات خود به مدارج مناسب عالیتر ارتقاء یابد، بدون درنظر گرفتن هیچگونه ملاحظات دیگری بجز طول مدت خدمت و شایستگی.

د) استراحت، فراغت، و محدودیت معقول ساعت کار و مرخصی ادواری با استفاده از حقوق و همچنین مزد ایام تعطیل رسمی.

ماده ۸

۱- کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که مراتب زیر را تضمین کنند:

الف) حق هرکس به این امر که به منظور پیشبرد و حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی خود با رعایت مقررات سازمان ذیربط مبادرت به تشکیل اتحاد نماید، و به اتحادیه مورد انتخاب خود ملحق شود. اعمال این حق را نمی‌تواند تابع هیچ محدودیتی نمود مگر آنچه که به موجب قانون تجویز شده و در یک جامعه دموکراتیک برای مصالح امنیت ملی و یا نظم عمومی و یا حفظ حقوق و آزادی‌های افراد دیگر ضرورت داشته باشد؛

ب) حق اتحادیه‌های کارگری برای ایجاد فدراسیون‌ها یا کنفدراسیون‌های ملی و حق اتحادیه‌ها برای تشکیل یا پیوستن به سازمان‌های بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری؛

ج) حق اتحادیه‌ها که آزادانه به فعالیت خود مبادرت نمایند، بدون هیچ محدودیتی جز آنچه به موجب قانون تجویز شده و در یک جامعه دموکراتیک برای مصالح امنیت ملی و یا نظم عمومی و یا برای حفظ حقوق و آزادهای دیگران ضرورت داشته باشد؛

د) حق اعتصاب مشروط براین که با رعایت مقررات کشور مربوط اعمال شود.

۲- این ماده مانع از آن نخواهد بود که افراد نیرو های مسلح یا پلیس یا مقامات اداری دولت در اعمال این حقوق تابع محدودیت‌های قانونی شوند.

هیچیک از مقررات این ماده کشورهای طرف مقاوله‌نامه سال ۱۹۴۸ سازمان بین‌المللی کار مربوط به آزادی داشت اتحادیه و حمایت از حق اتحادیه‌ها را مجاز نمی‌دارد که با اتخاذ تدابیر قانونگذاری یا نحوه اجرای قوانین به تضمینات مقرر در مقاوله‌نامه مزبور لطمه‌ای وارد آورند.

ماده ۹

کشورهای طرف این میثاق هر شخص را به تامین اجتماعی از جمله ها بیمه‌های اجتماعی به رسمیت می‌شناسد.

ماده ۱۰

کشورهای طرف این میثاق تصدیق می‌کنند که:

۱-خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه است و باید از حمایت و مساعدت بالایی برخوردار شود، بویژه برای تشکیل و استقرار آن و مادامیکه مسئولیت نگاهداری و آموزش و پرورش کودکان خود را بر عهده دارد .ازدواج باید با رضایت آزادانه طرفین که قصد آن را دارند انجام شود.

۲-مادران در مدت معقول پیش از زایمان و پس از آن باید از حمایت خاص برخودار گردند. در آن مدت مادران کارگر باید از مرخصی با استفاده از حقوق و یا مرخصی با مزایای تامین اجتماعی کافی برخوردار گردند.

۳-تدابیر خاص در حمایت و مساعدت به نفع کلیه اطفال و نوجوانان بدون هیچگونه تبعیض به دلیل نسب یا علل دیگر باید اتخاذ شود. اطفال و نوجوانان باید در مقابل استثمار اقتصادی و اجتماعی حمایت شوند. مجبور ساختن آنان به کارهایی که برای جهات اخلاقی و یا سلامت

آنها زیان آور است و یا زندگی آنها را به مخاطره می‌اندازد و یا مانع رشد طبیعی آنان می‌شود، باید به موجب قانون قابل مجازات باشد.

ماده ۱۱

۱-کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را برای داشتن استانداردهای مناسب زندگی برای خود و خانواده‌اش از جمله غذا، پوشاک و مسکن کافی و بهبود مستمر شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسند. کشورهای عضو با توجه به اهمیت اساسی همکاری بین‌المللی مبتنی بر رضایت آزاد، اقدامات مناسبی را برای تضمین تحقق این حق انجام خواهند داد.

۲-کشورهای طرف این میثاق، با به رسمیت شناختن حق اساسی هر کس برای رهایی از گرسنگی، به طور جداگانه و از طریق همکاری بین‌المللی، اقداماتی از جمله برنامه‌های خاص را که لازم است انجام خواهند داد:

الف) بهبود روش‌های تولید، نگهداری و توزیع مواد غذایی با استفاده کامل از دانش فنی و علمی، با انتشار دانش اصول تغذیه و با توسعه یا اصلاح سیستم‌های کشاورزی به گونه‌ای که به کارآمدترین توسعه و استفاده از منابع طبیعی دست یابد؛

ب) با در نظر گرفتن مشکلات کشورهای وارد کننده و صادر کننده غذا، برای اطمینان از توزیع عادلانه منابع غذایی جهان در رابطه با نیاز.

ماده ۱۲

۱-کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به برخورداری از بهترین حال سلامت جسمی و روحی ممکن به رسمیت می‌شناسند.

۲-تدابیری که کشورهای طرف این میثاق برای تأمین استیفای کامل این حق اتخاذ خواهند کرد شامل اقدامات لازم برای تأمین امور ذیل خواهد بود:

الف) تقلیل میزان مرده متولد شدن کودکان، مرگ و میر کودکان و رشد سالم آنان؛
ب) بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات؛

ج) پیشگیری و معالجه بیماری‌های همه گیر، بومی، حرفه‌ای وسایر بیماری‌ها و همچنین مقابله علیه این بیماری‌ها؛
د) ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مراجع پزشکی و کمک‌های پزشکی برای عموم در صورت ابتلا به بیماری.

ماده ۱۳

۱-کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند. کشورهای مزبور موافقت دارند که هدف آموزش و پرورش باید رشد کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. علاوه بر این، کشورهای طرف این میثاق موافقت دارند که آموزش و پرورش باید کلیه افراد را برای ایفای نقش سودمند در یک جامعه آزاد آماده سازد و موجبات تفاهم و تساهل و دوستی بین همه ملت‌ها و همه گروه‌های نژادی، قومی یا مذهبی را فراهم آورد و توسعه فعالیت‌های سازمان ملل متحد را به منظور حفظ صلح تشویق نماید.

۲-کشورهای طرف این میثاق اذعان دارند که به منظور استیفای این حق:

الف) آموزش و پرورش ابتدایی باید اجباری باشد و رایگان در دسترس عموم قرار گیرد؛
ب) آموزش و پرورش متوسطه به اشکال مختلف از جمله آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای متوسطه باید تعمیم یابد و به همه وسایل مقتضی بویژه وسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی در دسترس عمومی قرار گیرد؛
ج) آموزش و پرورش عالی باید به کلیه وسایل مقتضی به ویژه بوسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی به تساوی کامل براساس استعداد هرکس در دسترس عموم قرار گیرد؛
د) آموزش و پرورش پایه‌ای باید حتی امکان برای کسانی که فاقد آموزش و پرورش ابتدایی بوده یا آنرا تکمیل نکرده باشند، تشویق شود.

ه) توسعه شبکه مدارس در کلیه مدارج باید فعالانه دنبال شود و نیز باید یک ترتیب کافی اعطای بورس‌ها (هزینهٔ تحصیلی) برقرار گردد و شرایط مادی معلمان باید پیوسته بهبود یابد.

۳-کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی والدین یا سرپرست قانونی کودکان را بر حسب مورد در انتخاب مدرسه برای کودکانش سوای مدارس کشوری محترم بشمارند. مشروط به اینکه مدارس مزبور با حداقل موازین (قواعد) آموزش و پرورش، که ممکن است کشور تجویز یا تصویب کرده باشد، مطابقت کنند و آموزش و پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق اعتقادات شخصی والدین یا سرپرستان آنان تأمین گردد.

۴-هیچ بخشی از این ماده نباید به گونه ای تفسیر شود که در آزادی افراد و نهادها برای تأسیس و هدایت موسسات آموزشی دخالت داشته باشد، که همیشه مشمول رعایت اصول بیان شده در بند اول این ماده و الزامی است که آموزش و پرورش در چنین موسساتی باید با حداقل استانداردهای تعیین شده توسط دولت مطابقت داشته باشد.

ماده ۱۴

هر کشور عضو این میثاق که در زمان عضویت در قلمرو شهری خود یا سایر مناطق تحت صلاحیت خود نتوانسته است آموزش ابتدایی اجباری را به صورت رایگان تضمین کند، متعهد می‌شود ظرف دو سال به انجام آن بپردازد. و برای اجرای تدریجی اصل آموزش اجباری رایگان برای همه در برنامه تثبیت شده و در مدت معقول برنامه اقدام دقیقی اتخاذ کند.

ماده ۱۵

۱-کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را در امور ذیل به رسمیت می‌شناسند:

الف) مشارکت در زند گی فرهنگی؛

ب) بهره‌مند شدن از پیشرفت‌های علمی و کاربردهای آن؛

ج) هره مندی از حفظ منافع معنوی و مادی ناشی از هر گونه تولید علمی، ادبی یا هنری که خود مؤلف آن است.

۲-تدابیری‌که برای تأمین اعمال کامل این حق توسط کشورهای طرف این میثاق اتخاذ خواهد شد شامل تدابیر لازم برای تأمین حفظ و توسعه و ترویج علم و فرهنگ باشد.

۳-کشورهای طرف این میثاق مزایایی را که از تشویق و توسعه تماس‌ها و همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌های علمی و فرهنگی حاصل می‌شود به رسمیت می‌شناسند.

بخش چهارم

ماده ۱۶

۱-کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که مطابق با این بخش از میثاق گزارش‌هایی را در مورد اقداماتی که اتخاذ کرده‌اند و پیشرفت‌های حاصل شده در دستیابی به رعایت حقوق شناخته شده در این میثاق ارائه کنند.

۲-الف) کلیه گزارشها باید به دبیر کل سازمان ملل متحد ارائه شود و او نسخه هایی را برای بررسی مطابق با مفاد این میثاق به شورای اقتصادی و اجتماعی ارسال خواهد کرد.

۲-ب) دبیر کل سازمان ملل همچنین به سازمان های تخصصی نسخه هایی از گزارش‌ها یا هر بخش مربوطه از آنها را از کشورهای عضو این پیمان که عضو این سازمان‌های تخصصی نیز هستند، تا آنجا که این گزارش‌ها یا بخش‌هایی از آنها مربوط به هر موضوعی است که مطابق با سندهای اساسی آنها در اختیار این سازمان‌ها قرار دارد، ارسال خواهد کرد.

ماده ۱۷

۱-کشورها عضو این پیمان گزارش‌های خود را طبق برنامه‌ای که شورای اقتصادی و اجتماعی در عرض یک سال پس از ورود به عمل این پیمان و پس از مشورت با کشورهای عضو و نهادهای تخصصی مربوطه وضع خواهد کرد، به صورت مرحله‌ای ارائه خواهند کرد.

۲-گزارش‌ها ممکن است نشان دهنده عوامل و مشکلات مؤثر بر میزان اجرای تعهدات تحت این میثاق باشد.

۳-در مواردی که اطلاعات مربوط توسط هرکشور طرف این میثاق پیشتر به سازمان ملل متحد یا هریک از مؤسسات تخصصی فرستاده شده باشد، تهیه مجدد اطلاعات مزبور ضرورت نخواهد داشت، و فقط اشاره صریح به اطلاعات ارسال شده قبلی کفایت خواهد کرد.

ماده ۱۸

شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند بر اساس مسئولیت‌های خود بر اساس منشور سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، با سازمان‌های تخصصی توافقاتی را در رابطه با گزارش دهی آنها به شورای اقتصادی و اجتماعی در مورد پیشرفت‌های حاصل شده در دستیابی به رعایت مقررات این پیمان که در حوزه فعالیت آنها قرار دارد، برقرار کند. این گزارش‌ها ممکن است شامل جزئیات تصمیمات و توصیه های مربوط به چنین اجرای اتخاذ شده توسط ارگان های صلاحیت دار آنها باشد.

ماده ۱۹

شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند گزارش‌های مربوط به حقوق بشر را که کشورها بر طبق مواد ۱۶ و ۱۷ و مؤسسات تخصصی بر طبق ماده ۱۸ تقدیم می‌دارند، برای مطالعه و توصیه کلی یا در صورت اقتضاء برای اطلاع به کمیسیون حقوق بشر ارجاع نماید.

ماده ۲۰

کشورهای طرف این میثاق و مؤسسات تخصصی مربوط می‌توانند در باره هر توصیه کلی که به موجب ماده ۱۹ شده باشد یا در باره هرگونه ذکری که از یک توصیه کلی در یک گزارش کمیسیون حقوق بشر یا در هر سند مذکور در آن گزارش شده باشد ملاحظات خود را به شورای اقتصادی و اجتماعی تقدیم دارند.

ماده ۲۱

شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند هرچند وقت یکبار گزارش‌های متضمن توصیه های کلی و خلاصه اطلاعات واصل از کشور های طرف این میثاق و عضو مؤسسات تخصصی در باره تدابیر اتخاذ شده و پیشرفت‌های حاصله در رعایت کلی حقوق شناخته شده در این میثاق را به مجمع عمومی تقدیم بدارد.

ماده ۲۲

شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند توجه سایر ارکان سازمان ملل متحد و ارکان فرعی و مؤسسات تخصصی مربوط را که عهده دار کمک فنی هستند به مسایلی معطوف بدارد که در گزارش‌های مذکور در این بخش این میثاق عنوان شده و ممکن است به این مؤسسات کمک کند که هر یک در حدود صلاحیت آنها راجع به مقتضی بودن اتخاذ تدابیر بین‌المللی مفید به اجرای مؤثر و تدریجی این میثاق اظهار نظر کند.

ماده ۲۳

کشورهای طرف این میثاق موافقت دارند که تدابیر بین‌المللی به منظور تأمین و تحقق حقوق شناخته شده در این میثاق بالاخص شامل انعقاد مقاوله‌نامه‌ها، تصویب نامه‌ها، دادن کمک فنی و تشکیل کنفرانسهای منطقه‌ای و کنفرانسهای فنی با شرکت کشورهای مربوط به منظور مشاوره و بررسی می‌باشد.

ماده ۲۴

هیچ چیز در این میثاق نباید به گونه‌ای تفسیر شود که به مقررات منشور سازمان ملل متحد و اساسنامه نهادهای تخصصی که مسئولیت‌های مربوط به ارگان های مختلف سازمان ملل متحد و نهادهای تخصصی را در رابطه با مسائل مورد رسیدگی در این پیمان تعریف می‌کند، تضعیف کند.

ماده ۲۵

هیچیک از مقررات این میثاق نباید بنحوی تفسیر گردد که به حق ذاتی کلیه ملل و برخورداری و استفاده کامل و آزادانه آنان از منابع و ثروت‌های طبیعی خود شان لطمه وارد آورد.

ماده ۲۶

۱-این میثاق برای امضای هر کشور عضو سازمان ملل متحد یا عضو هریک از مؤسسات تخصصی ملل متحد، یا هر کشور طرف اساسنامه دادگاه بین‌المللی دادگستری یا هر کشور دیگری که مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت کند که طرف این میثاق شود، مفتوح است.

۲-این میثاق موکول به تصویب است. اسناد تصویب باید نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع شود.

۳-این میثاق برای الحاق هریک از کشورهای مذکور در بند اول این ماده مفتوح خواهد بود.

۴-بیر کل سازمان ملل متحد تمامی کشورهایی را که این میثاق را امضا کرده‌اند یا به آن ملحق شده‌اند از تودیع هر سند تصویب یا الحاق مطلع خواهد کرد.

ماده ۲۷

۱-این میثاق سه ماه پس از تاریخ تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد لازم‌الاجرا می‌شود، درباره هر کشوری که پس از تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق این میثاق را تصویب کند یا به آ ملحق شود، این میثاق سه ماه پس از تاریخ تودیع سند تصویب یا الحاق آن کشور لازم‌الاجرا خواهد شد.

۲-برای هر کشوری که پس از سپرده گذاری سی و پنجمین سند تصویب یا سند پیوستن، این پیمان را تصویب کند یا به آن بپیوندد، این پیمان سه ماه پس از تاریخ سپرده گذاری سند تصویب یا سند پیوستن خود، به اجرا در می‌آید.

ماده ۲۸

مقررات این میثاق بدون هیچگونه محدودیت یا استثنا درباره کلیه واحد های تشکیل دهنده کشورهای متحد (فدرال) اعمال خواهد شد.

ماده ۲۹

۱-هر کشور عضو این میثاق می‌تواند اصلاحیه‌ای را پیشنهاد کند و آن را نزد دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم کند. دبیرکل پس از آن هرگونه اصلاحیه پیشنهادی را به کشورهای عضو این میثاق ابلاغ می‌کند و از آنها درخواست می‌کند که به او اطلاع دهند که آیا موافق برگزاری کنفرانس کشورهای عضو به منظور بررسی و رأی گیری نسبت به پیشنهادات هستند. در صورتیکه حداقل یک سوم کشورهای عضو از برگزاری چنین کنفرانسی حمایت کنند، دبیرکل کنفرانس را تحت نظارت سازمان ملل متحد تشکیل خواهد داد. هر اصلاحیه‌ای که با اکثریت کشورهای عضو حاضر و رای دهنده در کنفرانس تصویب شود، برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه خواهد شد.

۲-اصلاحیه‌ها زمانی لازم‌الاجرا می‌شوند که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شده و با اکثریت دو سوم کشورهای عضو این میثاق مطابق با فرآیندهای قانون اساسی مربوطه خود پذیرفته شوند.

۳-هنگامی که اصلاحیه‌ها لازم‌الاجرا می‌شوند، برای کشورهای عضوی که آنها را پذیرفته‌اند، الزام‌آور خواهند بود، سایر کشورهای عضو همچنان به مفاد این میثاق و هر اصلاحیه قبلی که پذیرفته‌اند، ملزم هستند.

ماده ۳۰

قطع نظر از اعلامیه‌های مقرر در بند ۵ ماده ۲۶، دبیرکل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به کلیه کشور های مذکور دربند اول آن ماده اطلاع خواهد داد:

الف) امضا های این میثاق و اسناد تصویب و الحاق تودیع شده طبق ماده ۲۶؛

ب) تاریخ لازم‌الاجرا شدن این میثاق بر اساس ماده ۲۷ و تاریخ لازم‌الاجرا شدن هر گونه اصلاحیه طبق ماده ۲۹.

ماده ۳۱

۱-این میثاق که متن‌های چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی آن دارای اعتبار مساوی است در بایگانی سازمان ملل متحد توديع خواهد شد. دبیرکل سازمان ملل متحد رونوشت مصدق این میثاق را برای کلیه کشورهای مذکور در ماده ۲۶ ارسال خواهد داشت.

۲-دبیر کل سازمان ملل متحد رونوشت های مصدق این میثاق را به تمامی کشورهای مذکور در ماده ۲۶ ارسال خواهد کرد..

زمینه‌های شکل‌گیری پروتکل‌های اختیاری

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و
میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی

اصطلاح «پروتکل» برای موافقتنامه‌های استفاده می‌شود که نسبت به «معاهدات» یا «مقاوله‌نامه‌ها» کمتر رسمی هستند. البته از آنجاییکه به معاهدات ملحق می‌شوند، و طرفین متعاهدین نیز آنها را با رضایت خود می‌پذیرند، تعهدات الزام آور قانونی را در حقوق بین الملل ایجاد می‌کنند. در بیشتر موارد این اصطلاح شامل سندی می شود که فرعی بر یک معاهده است. پروتکل‌ها انواع مختلفی دارند. گاهی توسط همان طرفین متعاهدین تنظیم شده‌اند و به موضوعات اضافی مانند تفسیر بندهای خاص معاهده می پردازند. درمواردی دیگر، پروتکل اختیاری یک معاهده سندی است که حقوق و تعهدات اضافی را در مورد یک معاهده ایجاد می کند. گاهی اوقات در همان روز به تصویب می رسد، اما ماهیت مستقلی دارد و منوط به تصویب مستقل است. چنین پروتکل‌هایی به برخی از طرف‌های معاهده این امکان را می‌دهد که چارچوبی از تعهدات را در بین خود ایجاد کنند که فراتر از معاهده عمومی است. البته ممکن است که همه طرف‌های معاهده عمومی با آن موافقت نکنند، و درنتیجه یک «نظام دو لایه»[۱] ایجاد می‌کنند. پروتکل‌های اختیاری به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که امکان دسترسی مستقیم افراد به نهاد نظارت کننده رفتار کشورها در قبال میثاق مذکور را فراهم می‌آورد، از این دسته از پروتکل‌هاست.

از آنجایی که برخورداری از حقوق مندرج در میثاق حقوق مدنی و سیاسی و اجرای آن توسط کشورها نیازمند سازوکار منسجم‌تری بود که می‌بایست توسط سیستم ملی کشورها ضمانت شود، کشورهای عضو میثاق متعهد شدند تا رفتارهای خود در قبال میثاق را در ترازوی سنجش بین‌المللی قرار دهند. برای این منظور، براساس ماده ۲، کشورهای عضو میثاق «متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو تابع حاکمیت آنها بدون هیچگونه تمایزی از قبیل نژاد ـ رنگ ـ جنس ـ زبان ـ مذهب ـ عقیده سیاسی یا عقیده دیگر ـ اصل و منشأ ملی یا اجتماعی ـ ثروت

---

[1] A two-tier system

ـ نسب یا سایر شرایط محترم شمرده و تضمین کنند». در عین حال، و به موجب بند ۲ همان ماده کشورهای عضو «متعهد می‌شوند تا بر طبق اصول قانون اساسی خود و مقررات این میثاق اقداماتی در زمینه اتخاذ تدابیر قانونگذاری و غیر آن به منظور تنفیذ حقوق شناخته شده در این میثاق که قبلاً به موجب قوانین موجود یا تدابیر دیگر لازم‌الاجرا نشده است به عمل آورند». این ماده رسما کشورهای عضو را به احترام، اجرا، و ترویج مفاد مندرج در میثاق (که درحقیقت ترجمان حقوقی الزام آور اعلامیه جهانی حقوق بشر است) متعهد و ملزم می‌سازد. سپس در اجرای ماده ۴۰ میثاق، «کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند درباره تدابیری که اتخاذ کرده‌اند و آن تدابیر به حقوق شناخته شده در این میثاق ترتیب اثر می‌دهد و درباره پیشرفت‌های حاصل در برخورداری از این حقوق گزارشهایی تهیه کنند». برای تضمین و اطمینان یافتن از تعهد عملی کشورها نسبت به اجرای مفاد میثاق، ماده ۴۱ ضرورت تاسیس «کمیته حقوق بشر» را توضیح می‌دهد تا هرگاه کشوری نسبت به تعهدات خود کوتاهی ورزد، افرادی که حقوق آنها زیرپا گذاشته شده، و محاکم داخلی نیز نتوانسته‌اند، یا نخواسته‌اند، به آن رسیدگی کنند، آن افراد بتوانند گزارشاتی را به این کمیته تسلیم کنند. این گزارشات شکایت نیز نامیده می‌شوند. همانطور که از اسم پروتکل پیداست، این سند اجباری نیست، اما هنگامی که یکی از کشورهای عضو میثاق مفاد آنرا بپذیرد، هر شخصی که تحت صلاحیت کشور عضو باشد می‌تواند شکایت کتبی خود را به کمیته حقوق بشر تسلیم کند، مشروط براینکه حق شرط آن کشور با آن منافات نداشته باشد.

به موجب بند ۱ از ماده ۱ پروتکل الحاقی مذکور «کشورهای عضو میثاق (حقوقی مدنی و سیاسی) که طرف عضو این پروتکل می‌شوند، صلاحیت کمیته را در دریافت و رسیدگی کردن به شکایات افرادی که تابع (پیرو حوزه قضاوت آن کشور) خود می‌باشند و (آن افراد: مدعی هستند که قربانی نقض هر یک از حقوق مندرج در میثاق از طرف (آن) کشور شده‌اند، را به رسمیت بشناسند». بند ۲ از همان ماده توضیح می‌دهد که «کمیته شکایت هیچ کشوری را که عضو پروتکل نیست، مورد رسیدگی قرار نخواهد داد». به همین دلیل عنوان پروتکل اختیاری برای این سند حقوقی استفاده شده است. یک چنین تعهدی برای کشورهایی که صلاحیت کمیته حقوق بشر را به رسمیت می‌شناسند، به این معنی است که آن کشورها، در این حوزه مشخص، صلاحیت ملی خود را به مفاد این پروتکل منوط می‌سازند. به همین دلیل، پروتکل مزبور را می‌توان سازوکار بین‌المللی مهمی

دانست که رابطه‌ای رسمی میان حق حاکمیت افراد و حق حاکمیت ملی کشورها برقرار می‌سازد. به این ترتیب، حکومت‌های کشورها مادامی مشروعیت دارند که به حقوق بشر ذاتی مردمان خود، و حق حاکمیت ارادی آنها برای تصمیم گیری درباره فلسفه حیات خویش، احترام می‌گذارند. در این باره، هرگاه کشوری تعهدات خود به موجب میثاق را به درستی انجام نداده، و یا از آن تخلف ورزد، کمیته حقوق بشر به‌عنوان نهاد بین‌المللی نظارت کننده، صلاحیت رسیدگی در جهت دفاع از حقوق مردم را داشته و برای اصلاح امور توصیه‌هایی به کشور مورد نظر ارائه می‌کند.

پروتکل اول اختیاری الحاقی به میثاق حقوق مدنی و سیاسی، مشتمل بر ۱۴، در ۱۶تاریخ دسامبر سال ۱۹۶۶ برای امضا گشوده شد، و در ۲۳ مارس سال ۱۹۷۶ قوت اجرایی پیدا کرد. ایران، هم پیش از سال ۱۹۷۹ و هم بعد از آن این پروتکل را امضا، اما تصویب نکرده است.

دومین پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مشتمل بر ۱۱ ماده، با هدف لغو مجازات اعدام، توافقی فرعی است که بر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ضمیمه شده است. پروتکل در ۱۵ دسامبر سال ۱۹۸۹ برای امضا گشوده شد، و در یکم ژوئیه سال ۱۹۹۱ قوت اجرایی پیدا کرد. هدف از شکل‌گیری این پروتکل پیشبرد این اعتقاد است که «الغای مجازات اعدام به بهبود حیثیت انسانی و توسعه پیشرو حقوق بشر کمک می‌کند». (مقدمه پروتکل) درواقع پروتکل در راستای ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنین ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تهیه شده است. این مواد، مجازات اعدام را ممنوع می‌سازند.

پروتکل اختیاری مزبور، بر اساس بند یک از ماده ۱ اعضای خود را به لغو مجازات اعدام در داخل مرزهای خود متعهد می‌سازد. «هیچ کس در حوزه صلاحیت یک کشور عضو این پروتکل اعدام نخواهد شد». بند ۲ از همان ماده توضیح می‌دهد که «هر کشور عضو تمامی اقدامات لازمه را برای الغای مجازات اعدام در صلاحیت خویش به عمل خواهد آورد». البته ماده ۲ در بند ۱ به طرفین اجازه می‌دهد که شرطی را مبنی بر اجازه اعدام «در زمان جنگ بر اساس محکومیت برای جدی‌ترین جنایت نظامی که در زمان جنگ انجام شده است» قید کنند. به همین دلیل، کشورهایی مانند برزیل، شیلی، السالوادور، قبرس، مالت و اسپانیا، در ابتدا چنین شرط‌هایی را انجام دادند و متعاقباً آنها را

پس گرفتند. این درحالی است که آذربایجان و یونان همچنان این شرط را در مورد اجرای پروتکل حفظ کرده‌اند.

شایان ذکر است که پروتکل دوم علاوه بر آثاری که بر قانونگذاری ملی و رویه‌ها دارد. از حیث بین‌الملل نیز حائز اهمیت بسیار است زیرا نشان می‌دهد که کشورهایی که به این پروتکل پیوسته‌اند تا چه اندازه نهادها سیاسی و اجتماعی خود را بر اساس اصول دمکراتیک تنظیم کرده‌اند و تا چه میزان به حقوق بشر پایبند می‌باشند. از نقطه نظر موضوعیت حقوق بشر، هر چه تعداد کشورهایی که پروتکل اختیاری دوم را تصویب می‌کنند بیشتر باشد، پروتکل به اهداف اصلی خود نزدیک می‌شود. یعنی اینکه نه تنها مجازات اعدام را به‌عنوان نقض حقوق بشر به قانونی جهانی با تعهدات معاهداتی تبدیل می‌کند، آنرا به عنوان یک هنجار حقوق بین‌الملل عرفی نیز ارتقا می‌دهد.

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی نیز با یک پروتکل اختیاری همراه شده است. از آنجاییکه این میثاق شامل حقوق مانند رهایی از تبعیض، حق برابری زن و مرد، حق کار کردن، حق داشتن شرایط عادلانه و مطلوب در کار، حق تشکیل اتحادیه های کارگری و حق اعتصاب، حق تامین اجتماعی، حق حمایت ویژه مادران قبل و بعد از تولد، آزادی کودکان از استثمار اجتماعی و اقتصادی، حق داشتن استانداردهای زندگی مناسب، رهایی از گرسنگی، و اساسا حقوقی است که در متن شرایط عینی و واقعی اجتماعی قابل درک و تحقق هستند، لازم بود سازوکارهای لازم برای اطمینان از اجرایی شدن این حقوق بوجود آید. به همین دلیل پروتکل اختیاری مورد نظر، مشتمل بر ۲۸ ماده، راه را برای تاسیس کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی هموار ساخت.

پروتکل در مقدمه، بعد از یادآوری اهمیت حقوق فردگرایانه نسل اول، بر آرمان انسان‌های آزاد که از ترس و فقدان رهایی داشته باشند، تاکید می‌کند و آنها را زمانی قابل تحقق می‌داند که شرایطی ایجاد شود تا به موجب آن همه مردم بتوانند از حقوق مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود برخوردار شوند. پروتکل همچنین اعلام می‌کند که گفتمان حقوق بشر جهان‌شمول، تقسیم ناپذیر، وابستگی متقابل و ارتباط متقابل با کلیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دارد. بنابراین، نمی‌توان فقط بر حقوق نسل اول توجه داشته و حقوقی که مربوط به حیات واقعی انسان‌ها در شرایط

واقعی اجتماعی است را فراموش کرد. برای رسیدن به این اهداف کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی تشکیل می‌شود تا بتواند:

۱-گزارشات افرادی که ادعا می‌کنند حقوق آنها به موجب این میثاق نقض شده است، را دریافت کند؛

۲- تحقیقات در مورد نقض شدید یا سیستماتیک هر یک از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مندرج در میثاق را انجام دهد؛

۳- به شکایات مربوط به نقض اینگونه حقوق رسیدگی کند.

اما باید در نظر داشت که این کمیته، همانند کمیته حقوق بشر، فقط زمانی قادر به انجام وظایف محوله می‌باشد که اولا شاکیان همه مراحل رسیدگی داخلی را دنبال کرده، اما به نتیجه نرسیده باشند. ثانیا شکایات هنگامی می‌توانند دریافت شوند که کشور مربوطه میثاق را پذیرفته و تصویب کرده باشد.

پروتکل اختیاری اول میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی[1]

مصوب ۱۷ دسامبر سال ۱۹۶۶

کشورهای عضو این پروتکل، با توجه به اینکه برای دستیابی بیشتر به اهداف میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (که در ادامه به آن "میثاق" گفته می‌شود) و اجرای مفاد آن، مناسب خواهد بود که کمیته حقوق بشر که در بخش چهارم این میثاق ایجاد شده است (که در ادامه به آن "کمیته" گفته می شود) بتواند، طبق مقررات این پروتکل، گزارشات اشخاصی را که ادعا می‌کنند قربانی نقض هر یک از حقوق مندرج در این میثاق هستند، دریافت و مورد بررسی قرار دهد.

ماده ۱

یک کشور عضو میثاق که عضو پروتکل حاضر می‌شود صلاحیت کمیته را برای دریافت و بررسی مکاتبات افراد مشمول صلاحیت خود که ادعا می کنند قربانی نقض هر یک از حقوق مندرج توسط آن کشور عضو هستند، به رسمیت می‌شناسد. در صورتیکه مربوط به یک کشور عضو میثاق باشد که طرف پروتکل حاضر نیست، هیچ اطلاعیه‌ای توسط کمیته دریافت نمی‌شود.

ماده ۲

پیرو مقررات ماده ۱، افرادی که مدعی هستند هر یک از حقوق آنان که در میثاق معین شده است نقض گردیده و آنها تمام مراحل (چاره اندیشی) موجود قوانین داخلی را طی کرده‌اند، می‌توانند شکایت کتبی خود را جهت رسیدگی به کمیته ارسال دارند.

ماده ۳

---

[1] Optional Protocol to the International Covenant on Civil and Political Rights. Adopted by General Assembly Resolution 2200A (XXI) on 17 December 1966.
[1] The Second Optional Protocol to the International Covenant on Civil and Political Rights was created on 15 December 1989 and entered into force on 11 July 1991.

کمیته به موجب این پروتکل شکایت بدون نام (و امضاء) و یا (شکایت‌هایی را که) تشخیص دهد از حق ارائه این نوع شکایات، سوء استفاده شده است و یا (شکایاتی که) با مقررات این میثاق مطابقت نداشته باشد، را غیرقابل پذیرش اعلام کند.

ماده ۴

۱- با رعایت مفاد ماده ۳، کمیته هرگونه گزارشی را که به موجب این پروتکل به آن ارائه شده است، به اطلاع کشور عضو پروتکل حاضر که ادعا می‌شود هر یک از مفاد میثاق را نقض می کند، خواهد رساند.

۲- کشور دریافت کننده (شکایات) ظرف ۶ ماه توضیحات و یا اظهارات روشن کننده موضوع و تدابیری را که احتمالا در مورد آن اتخاذ کرده است را به طور کتبی به کمیته ارائه خواهد داد.

ماده ۵

۱- کمیته گزارشات دریافت شده بر اساس این پروتکل را با توجه به تمام اطلاعات کتبی که توسط فرد و کشور مربوطه در اختیار آن قرار می‌گیرد، بررسی خواهد کرد.

۲-کمیته هیچ شکایتی را مورد رسیدگی قرار نمی‌دهد مگر آنکه معلوم شود که:

الف: همان موضوع در چارچوب یک روش تحقیق یا حل و فصل بین‌المللی دیگری مورد بررسی قرار نگرفته است؛

ب: فرد (شکایت کننده) کلیه تدابیر داخلی موجود (برای نقض حقوق خود) را طی کرده است. این قاعده در جائیکه درخواست چاره جویی و (اجرای قوانین داخلی) بطور غیر معقولی طولانی می‌باشد، اجرا نخواهد شد.

۳-کمیته به موجب این پروتکل در مواقع رسیدگی به شکایات جلسات محرمانه تشکیل خواهد داد.

۴-کمیته نظرات خود را به کشور عضو مربوطه و فرد (شکایت کننده) اطلاع خواهد داد.

ماده ۶

کمیته به موجب ماده ۴۵ میثاق خلاصه فعالیت‌های خود را تحت این پروتکل در گزارش سالانه خود منعکس خواهد کرد.

ماده ۷

تا هنگامیکه دستیابی به اهداف قطعنامه (۱۵) ۱۵۱۴، مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۴ دسامبر ۱۹۶۰ در مورد اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و مردم مستعمرات محقق گردد، مقررات این پروتکل به هیچ عنوان حق شکایتی را که این مردمان بوسیله منشور سازمان ملل و یا دیگر اسناد و میثاق های بین‌المللی (منعقد شده) تحت نظر سازمان ملل متحد یا مؤسسات تخصصی به آنها اعطا شده است را محدود نمی‌کند.

ماده ۸

۱-این پروتکل برای امضای هر کشوری که میثاق (حقوق مدنی و سیاسی) را پذیرفته است، مفتوح می‌باشد.

۲-این پروتکل حاضر منوط به تصویب هر کشوری است که میثاق را تصویب کرده یا به آن ملحق شده است. اسناد تصویب نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

۳-این پروتکل برای ملحق شدن هر کشوری که میثاق (حقوق مدنی و سیاسی) را تصویب و یا قبول کرده است، مفتوح می‌باشد.

۴- ملحق شدن بوسیله سپردن سند الحاقی نزد دبیرکل سازمان ملل متحد اجرایی می‌شود.

۴-دبیرکل سازمان ملل متحد کلیه کشورهایی که این پروتکل را امضا کرده‌اند و یا به آن ملحق شده‌اند را از سپردن هر سند تصویبی یا الحاقیه‌ای، آگاه خواهد کرد.

ماده ۹

۱-پس از اجرایی شدن میثاق، این پروتکل سه ماه پس از تاریخ سپردن دهمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد، قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد.

۲-برای هریک از کشورهایی که بعد از سپردن دهمین سند تصویب یا الحاق، این پروتکل را تصویب کرده‌اند و یا به آن ملحق شده‌اند، سه ماه پس از تاریخ سپردن سند تصویب یا الحاق آن کشور، قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد.

ماده ۱۰

مقررات این پروتکل، بدون هیچگونه محدودیت و یا استثنایی به کلیه واحدهای تشکیل دهنده کشورهای متحده (فدرال) گسترش و توسعه خواهد یافت.

ماده ۱۱

۱-هر کشور عضو این پروتکل می‌تواند اصلاحیه‌ای پیشنهاد کند و آنرا نزد دبیرکل سازمان ملل متحد بسپارد. سپس دبیرکل اصلاحیه‌های پیشنهادی را به کشورهای عضو این پروتکل ابلاغ خواهد کرد و درخواست می‌کند که آنها به او اطلاع دهند که آیا مایل هستند کنفرانسی از کشورهای عضو با هدف بررسی کردن و اخذ رای طرحهای پیشنهادی تشکیل گردد؟ هرگاه حداقل یک سوم کشورهای عضو مایل به تشکیل چنین کنفرانسی باشند، دبیرکل، کنفرانسی تحت نظر سازمان ملل متحد تشکیل خواهد داد. هر اصلاحیه‌ای که به اکثریت آرای کشورهای عضو حاضر و رای دهنده در کنفرانس پذیرفته شود (آن اصلاحیه) برای تصویب به مجمع عمومی ملل متحد تقدیم خواهد شد.

۲-اصلاحیه‌ها زمانی قدرت اجرایی پیدا خواهند کرد که به تصویب مجمع عمومی ملل متحد و پذیرش (رای اکثریت) دو سوم کشورهای عضو این پروتکل و مطابق پروسه قانونی آن کشورها پذیرفته شده باشد.

۳-هنگامی‌که این اصلاحیه‌ها قدرت اجرایی پیدا کردند برای کشورهایی که آنرا پذیرفته‌اند، الزام‌آور خواهد شد. دیگر کشورهای عضو کماکان به مقررات این پروتکل و هر اصلاحیه قبلی که پذیرفته‌اند، ملزم خواهند بود.

ماده ۱۲

۱-هر کشور عضو می‌تواند هر زمان خاتمه (عضویت) خود را به این پروتکل به وسیله یادداشت کتبی خطاب به دبیرکل سازمان ملل، اعلان دارد. خاتمه عضویت سه ماه پس از تاریخ وصول یادداشت به دبیرکل اجرا می‌شود.

۲-خاتمه عضویت (خروج از میثاق) به ادامه اجرای مقررات این پروتکل و هر شکایتی که به موجب ماده ۲ قبل از تاریخ به اجرا درآمدن خاتمه عضویت، ارائه شده باشد، آسیبی وارد نمی‌کند.

ماده ۱۳

صرف نظر از تذکرات موجود در بند ۵ ماده ۸ این پروتکل، دبیرکل سازمان ملل تمام کشورهای مذکور در بند ۱ ماده ۴۸ میثاق را از امور ویژه زیر آگاه خواهد کرد:

الف) امضاها، مصوبه‌ها و الحاقیه ها طبق ماده ۸؛

ب) تاریخ قدرت اجرایی پیدا کردن این پروتکل طبق ماده ۹ و تاریخ قدرت اجرایی پیدا کردن اصلاحیه‌ها طبق ماده ۱۱؛

ج) خاتمه عضویت‌ها (خروج از میثاق) طبق ماده ۱۲.

ماده ۱۴

۱-متن‌های چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی این پروتکل از اعتبار مساوی برخوردار است و به بایگانی سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

۲-دبیرکل سازمان ملل متحد رونوشت گواهی شده این پروتکل را به تمام کشورهای مذکور در ماده ۴۸ میثاق ارسال خواهد نمود.

دومین پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی برای الغای مجازات اعدام[1]

مصوب ۱۱ جولای سال ۱۹۹۱

کشورهای عضو این پروتکل،

با اعتقاد به اینکه الغای مجازات اعدام به بهبود حیثیت انسانی و توسعه پیشرو حقوق بشر کمک می کند،

با در نظر داشتن ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، و ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶،

با درنظر داشتن اینکه ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با چنان عباراتی به الغای مجازات اعدام استناد می‌کند که قویاً مبین مطلوب بودن الغای مجازات اعدام می‌باشد،

با اعتقاد به اینکه تمام تدابیر الغای مجازات اعدام باید به عنوان پیشرفتی در بهره‌مندی از حق حیات تلقی شوند، خواهان آنکه بدین وسیله تعهدی بین‌المللی برای الغای مجازات اعدام برعهده گیرند، به نحو زیر توافق کرده‌اند:

ماده ۱

۱-هیچکس در حوزه صلاحیت یک کشور عضو این پروتکل اعدام نخواهد شد.

---

[1] The Second Optional Protocol to the International Covenant on Civil and Political Rights was created on 15 December 1989 and entered into force on 11 July 1991.

۲-هر کشور عضو تمامی اقدامات لازمه را برای الغای مجازات اعدام در حوزه صلاحیت خویش به عمل خواهد آورد.

ماده ۲

۱-هیچ شرطی برای این پروتکل حاضر نمی‌توان در نظر گرفت، مگر شرطی که در زمان تصویب یا الحاق اعلام شده و اجرای مجازات اعدام را در زمان جنگ در رابطه با محکومیت برای ارتکاب جرمی بسیار شدید با ماهیتی نظامی که در زمان جنگ ارتکاب یافته باشد، مقرر نموده باشد.

۲-کشور وارد کننده چنین شرطی در زمان تصویب یا الحاق، مقررات مرتبط قوانین ملی قابل اعمال در زمان جنگ را به دبیرکل ملل متحد اطلاع خواهد داد.

۳-کشور عضوی که چنین شرطی را وارد کرده باشد، آغاز یا پایان وضعیت جنگی در سرزمین خود را به دبیرکل ملل متحد اطلاع خواهد داد.

ماده ۳

کشورهای عضو این پروتکل در گزارش‌هایی که مطابق با ماده ۴۰ این پیمان به کمیته حقوق بشر ارائه م دهند، اطلاعاتی را در مورد تدابیر اتخاذ شده برای اجرای این پروتکل درج خواهد کرد.

ماده ۴

در مورد کشورهای عضو میثاق که طبق ماده ۴۱ مبادرت به صدور اعلامیه نموده‌اند، هنگامیکه یک کشور ادعا کند که کشوری دیگر تعهدات خود را ایفا نمی‌کند، صلاحیت کمیته حقوق بشر برای دریافت و بررسی گزارش‌ها به مقررات پروتکل حاضر نیز توسعه داده خواهد شد، مگر آنکه

کشور عضو مربوطه بیانیه‌ای برای عدم پذیرش این مورد در زمان تصویب یا الحاق صادر نموده باشد.

ماده ۵

در مورد کشورهای عضو اولین پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، اختیار کمیته حقوق بشر برای دریافت و بررسی گزارش‌های افراد به موجب صلاحیت عام کمیته، به مقررات این پروتکل توسعه داده خواهد شد، مگر آنکه کشور عضو مربوط بیانیه‌ای خلاف آن را در زمان تصویب یا الحاق صادر نموده باشد.

ماده ۶

۱-مقررات این پروتکل به عنوان مقرراتی اضافه بر میثاق اعمال خواهند شد.

۲- بدون لطمه به امکان حق اعلام حق شرط طبق ماده ۲ این پروتکل، حق تضمین شده در بند ۱ ماده ۱ پروتکل حاضر مشمول هیچگونه انحرافی براساس ماده ۴ میثاق نخواهد بود.

ماده ۷

۱-پروتکل حاضر برای امضای هر کشوری که میثاق را امضا کرده است مفتوح می‌باشد.

۲-پروتکل حاضر قابل تصویب توسط هر کشوری است که میثاق را تصویب نموده یا به آن ملحق شده است. اسناد تصویب نزد دبیرکل ملل متحد تودیع خواهند شد.

۳-پروتکل حاضر برای الحاق هر کشوری که میثاق را تصویب نموده یا به آن ملحق شده است مفتوح می‌باشد.

۴-الحاق، با تودیع سند الحاقی نزد دبیرکل ملل متحد صورت می‌پذیرد.

۵-دبیرکل ملل متحد توديع هر سند تصويب يا الحاق را به اطلاع تمام کشورهایی که این پروتکل را امضا نموده یا به آن ملحق شده‌اند، خواهد رساند.

ماده ۸

۱-پروتکل حاضر سه ماه پس از توديع دهمین سند تصويب يا الحاق نزد دبیرکل ملل متحد لازم‌الاجرا خواهد شد.

۲-برای هر کشوری که پروتکل حاضر را پس از توديع دهمین سند تصويب يا الحاق تصويب نماید یا به آن ملحق شود، پروتکل حاضر سه ماه پس از توديع سند تصويب يا الحاق آن کشور لازم‌الاجرا خواهد شد.

ماده ۹

مقررات پروتکل حاضر به تمام بخشهای کشورهای فدرال بدون هیچگونه محدودیت یا استثنایی اعمال خواهند شد.

ماده ۱۰

دبیر کل سازمان ملل متحد تمام کشورهای مذکور در بند ۱ ماده ۴۸ میثاق را از جزئیات زیر مطلع خواهد کرد:

الف) حق شرطهای صورت گرفته، گزارش‌ها، و ابلاغ‌ها بر طبق ماده ۲ پروتکل حاضر؛

ب) بیانیه‌هایی که مطابق با مواد ۴ یا ۵ پروتکل حاضر صادر شده باشند؛

ج) امضاها، تصویب‌ها، و الحاق‌ها طبق ماده ۷ این پروتکل؛

د) تاریخ لازم‌الاجرا شدن پروتکل حاضر وفق ماده ۸ آن.

ماده ۱۱

۱-پروتکل حاضر که متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی آن به یک اندازه معتبر است، در آرشیو سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

۲-دبیر کل سازمان ملل متحد رونوشت های مصدق این پروتکل را به تمامی کشورهای مذکور در ماده ۴۸ میثاق ارسال خواهد کرد.

پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی[1] مصوب ۱۰ دسامبر ۲۰۰۸

مجمع عمومی،

با توجه به تصویب پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسط شورای حقوق بشر، با قطعنامه ۲/۸ مورخ ۱۸ ژوئن ۲۰۰۸،

۱-پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را که متن آن ضمیمه این قطعنامه است، تصویب می‌کند

۲-توصیه می‌کند که پروتکل اختیاری برای امضا در مراسم امضایی که در سال ۲۰۰۹ برگزار می‌شود، باز شود و از دبیرکل و کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل درخواست می‌کند که کمک‌های لازم را ارائه کنند.

مقدمه

کشورهای طرف پروتکل حاضر،

با توجه به اینکه براساس اصول اعلام شده در منشور ملل متحد، به رسمیت شناختن کرامت ذاتی و حقوق مساوی و مسلم همه اعضای خانواده بشری، اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است،

با اشاره به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌کند که همه انسان‌ها آزاد به دنیا می‌آیند و از نظر حیثیت و حقوق برابر هستند و همه بدون هیچگونه تمایزی، مانند نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا عقاید دیگر، خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد یا وضعیت دیگر، شایسته حقوق و آزادی‌های مندرج در آن هستند،

---

[1] Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights ،adopted by sixty-third session of the General Assembly by resolution A/RES/63/117 on 10 December 2008.

با یادآوری اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق بشر به این باور رسیده‌اند که ایده‌آل انسان‌های آزاد که از ترس و فقر برخوردارند، تنها در صورتی می‌تواند تحقق یابد که شرایطی ایجاد شود که در آن هر کسی از حقوق مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برخوردار باشد،

با تاکید مجدد بر جهانی بودن، تقسیم ناپذیری، وابستگی متقابل و ارتباط متقابل کلیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی،

با یادآوری اینکه هریک از کشورهای عضو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (که از این پس میثاق نامیده می‌شود) متعهد می‌شوند که به صورت فردی و از طریق کمکها و همکاری‌های بین‌المللی، بویژه اقتصادی و فنی، حداکثر منابع موجود خود را ابکار گیرند،

با هدف دستیابی تدریجی به تحقق کامل حقوق شناخته شده در میثاق با تمام ابزارهای مناسب، از جمله اتخاذ تدابیر قانونی، با توجه به اینکه به منظور دستیابی بیشتر به اهداف میثاق و اجرای مفاد آن، مناسب است کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (از این پس به عنوان کمیته) قادر به انجام وظایف پیش بینی شده باشد. در پروتکل حاضر،

به شرح زیر موافقت کردند:

ماده ۱- صلاحیت کمیته برای دریافت و بررسی ارتباطات

یک کشور عضو میثاق که به عضویت پروتکل حاضر درآید، صلاحیت کمیته را برای دریافت و بررسی ارتباطات طبق مفاد این پروتکل به رسمیت می‌شناسد. در صورتیکه مربوط به یک کشور عضو میثاق باشد که طرف پروتکل حاضر نیست، کمیته هیچ اطلاعیه‌ای را نمی‌تواند بپذیرد

ماده ۲- ارتباطات

افراد یا گروه‌های افراد تحت صلاحیت یک کشور عضو می‌توانند از طریق یا به نمایندگی از آنها گزارشاتی مبنی بر نقض هر یک از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مندرج در این پیمان توسط آن کشور عضو هستند، ارائه کنند. در صورتیکه گزارشی به نام افراد یا گروه‌های افراد ارائه شود، این

کار باید با رضایت آنها انجام شود، مگر اینکه نویسنده بتواند اقدام به نمایندگی از آنها را بدون چنین رضایت توجیه کند.

ماده ۳ - قابل پذیرش بودن

۱-کمیته هیچگونه گزارشی را مورد بررسی قرار نمی‌دهد مگر اینکه مطمئن شود که تمام راه حل‌های داخلی دنبال شده و به نتیجه نرسیده است. این قاعده در مواردی که استفاده از چنین راه‌کارهایی به طور غیرمنطقی طولانی شود، نخواهد بود.

۲-کمیته زمانی یک گزارش را قابل قبول می‌داند، اگر:

الف) ظرف یک سال پس از اتمام راه حل‌های داخلی دنبال شده است، مگر اینکه شکایت کننده نشان دهد که امکان ارسال گزارش در آن مهلت زمانی وجود نداشته است؛

ب) حقایقی که موضوع گزارش هستند قبل از لازم‌الاجرا شدن پروتکل حاضر برای کشور عضو مربوطه اتفاق افتاده است، مگر اینکه آن حقایق پس از آن تاریخ ادامه داشته باشد؛

ج) همین موضوع قبلاً توسط کمیته مورد بررسی قرار گرفته یا به موجب رویه دیگری از تحقیقات یا حل و فصل بین‌المللی بررسی شده یا در حال بررسی است؛

د) آشکارا بی‌اساس است، به اندازه کافی مستند نیست یا صرفا براساس گزارش‌های منتشر شده توسط رسانه های جمعی تهیه شده است؛

ه) یک سوء استفاده از حق ارسال گزارش است؛

و) ناشناس است، یا اینکه کتبی نیست.

ماده ۴ – ارتباطاتی که یک نقطه ضعف را آشکار نمی‌کند.

کمیته می‌تواند در صورت لزوم از بررسی گزارشی در مواردی که نشان نمی‌دهد شاکی آسیب آشکاری را متحمل شده است خودداری کند، مگر اینکه کمیته تشخیص دهد که این گزارش یک موضوع جدی با اهمیت کلی را مطرح می‌کند.

ماده ۵ - اقدامات موقت

۱-کمیته می‌تواند در هر زمانی پس از دریافت یک گزارش و قبل از تصمیم گیری در مورد ماهیت آن، درخواستی را برای بررسی فوری به کشور عضو میثاق ارسال کند تا کشور عضو اقدامات موقتی را که ممکن است در آن شرایط استثنایی ضروری باشد، اتخاذ کند.

۲- در مواردی که کمیته بر اساس بند ۱ این ماده صلاحدید خود را اعمال می کند، این امر به معنای تصمیم گیری در مورد پذیرش یا ماهیت ابلاغ نیست.

ماده ۶ - انتقال گزارشات

مگر اینکه کمیته یک گزارش را بدون ارجاع به کشور مربوطه غیرقابل قبول بداند، هرگونه گزارشی را که طبق این پروتکل به آن ارائه شده است، به طور محرمانه به اطلاع کشور مربوطه خواهد رساند. ظرف شش ماه، کشور عضو توضیحات یا گزارشی کتبی برای روشن ساختن موضوع، و در صورت وجود راه حلی که ممکن است توسط آن کشور ارائه شده باشد، به کمیته ارائه خواهد کرد.

ماده ۷ - حل و فصل دوستانه

کمیته به منظور دستیابی به یک راه حل و فصل دوستانه موضوع براساس احترام به تعهدات مندرج در میثاق، مساعی جمیله خود را در اختیار طرف‌های ذینفع قرار خواهد داد. توافق بر سر حل و فصل دوستانه، بررسی گزارشات تحت این پروتکل را پایان می‌دهد.

ماده ۸ - بررسی گزارشات

۱-کمیته گزارشات دریافت شده بر اساس ماده ۲ این پروتکل را با توجه به تمام اسنادی که به آن ارائه شده است، بررسی خواهد کرد، مشروط بر اینکه این اسناد به طرف‌های ذینفع ارسال شود؛

۲-کمیته هنگام بررسی گزارشات تحت این پروتکل جلسات غیر علنی برگزار خواهد کرد؛

۳- کمیته می‌تواند هنگام بررسی یک گزارش تحت این پروتکل، در صورت لزوم، از اسناد مربوطه که از سایر نهادهای سازمان ملل متحد، آژانسهای تخصصی، صندوق‌ها، برنامه‌ها و

سازوکارها، و سایر سازمان‌های بین‌المللی، از جمله از رژیم‌های حقوق بشر منطقه‌ای، و هرگونه تجربیات، و یا نظرات کشور عضو مربوطه استفاده کند؛

۴- هنگام بررسی گزارش تحت این پروتکل، کمیته معقول بودن اقدامات انجام شده توسط کشور عضو مطابق با بخش دوم میثاق را بررسی خواهد کرد. در انجام این کار، کمیته باید در نظر داشته باشد که کشور عضو ممکن است طیفی از اقدامات سیاسی ممکن را برای اجرای حقوق مندرج در میثاق اتخاذ کند.

ماده ۹ - پیگیری نظرات کمیته

۱-کمیته پس از بررسی یک اطلاعیه، نظرات خود را در مورد این اطلاعیه همراه با توصیه‌های خود، در صورت وجود، به طرفین مربوطه ارسال می‌کند؛

۲-کشور عضو باید نظرات کمیته را همراه با توصیه‌های آن، در صورت وجود چنین توصیه‌هایی، مورد توجه قرار دهد و ظرف شش ماه یک پاسخ کتبی شامل اطلاعات در مورد هر اقدامی که در پرتو نظرات و دیدگاه‌ها انجام شده است به کمیته ارائه دهد؛

۳- توصیه‌های کمیته ممکن است شامل درخواستی از کشور عضو باشد تا اطلاعات بیشتری در مورد هرگونه اقدامی که در پاسخ به نظرات یا توصیه‌های خود اتخاذ کرده است، در صورت وجود، از جمله مواردی که کمیته صلاح بداند، در گزارش‌های بعدی کشور عضو طبق مواد ۱۶ و ۱۷ میثاق ارائه کند.

ماده ۱۰ – گزارشات بین کشوری

۱-یک کشور عضو پروتکل حاضر می‌تواند در هر زمانی براساس این ماده اعلام کند که صلاحیت کمیته را برای دریافت و بررسی گزارشاتی که یک کشور عضو ادعا می‌کند که کشور عضو دیگر تعهدات خود را طبق این میثاق انجام نمی‌دهد، به رسمیت می‌شناسد. گزارشات طبق این ماده تنها در صورتی قابل دریافت و بررسی است که توسط یک کشور عضو که یادداشتی مبنی بر شناسایی صلاحیت کمیته در مورد خود ارائه کرده باشد، ارائه شود. در صورتیکه گزارش مربوط به کشور عضوی باشد که چنین یادداشتی را ارائه نکرده است، کمیته هیچ گزارشی را دریافت نخواهد کرد. به گزارشات دریافتی طبق این ماده طبق روال زیر رسیدگی می‌شود:

الف) اگر یکی از کشورهای عضو پروتکل حاضر تشخیص دهد که کشور دیگر عضو به تعهدات خود بر اساس این میثاق عمل نمی‌کند، می‌تواند با اطلاعیه کتبی موضوع را به اطلاع آن کشور عضو برساند. کشور عضو نیز می‌تواند موضوع را به کمیته اطلاع دهد. ظرف سه ماه پس از دریافت پیام، کشور پذیرنده باید به کشوری که پیام را ارسال کرده است، توضیح داده یا با بیانیه کتبی دیگری موضوع را روشن کند. این توضیح باید تا حد امکان و بگونه‌ای مناسب، رویه‌ها و راه حل‌های داخلی را توضیح داده باشد؛

ب) اگر موضوع در مدت شش ماه پس از دریافت گزارش اولیه توسط کشور پذیرنده حل و فصل نشود، هر یک از این دو کشور حق دارد با اطلاعیه‌ای که به کمیته داده می‌شد موضوع را به کمیته و به کشور دیگر، این موضوع را به کمیته ارجاع دهد؛

ج) کمیته پس از اینکه مطمئن شد که تمامی راه حل‌های داخلی موجود در این مورد دنبال شده و به پایان رسیده است، به موضوع ارجاع شده رسیدگی می‌کند. این قاعده در مواردی که چاره جویی داخلی بطور غیرمنطقی طولانی شود، نخواهد بو؛

د) با رعایت مفاد بند (ج) این بند، کمیته به منظور حل دوستانه موضوع بر اساس احترام به تعهدات مندرج در میثاق، مساعی جمیله خود را در اختیار کشورهای عضو ذیربط قرار خواهد داد؛

ه) هنگام بررسی گزارشات جلسات غیرعلنی برگزار می‌کند؛

و) کمیته می‌تواند در هر موضوعی که طبق بند (ب) این بند به آن ارجاع شده است از کشورهای عضو ذیربط مذکور در بند (ب) درخواست کند اطلاعات ضروری را ارائه کنند؛

ز) کشورهای عضو ذینفع، که در بند (ب) ذکر شده است، حق دارند در هنگام بررسی موضوع توسط کمیته، نماینده‌ای داشته باشند، و مطالبی را به صورت شفاهی و یا کتبی ارائه دهند؛

ح) کمیته با حسن نیت کامل پس از تاریخ دریافت اخطار موضوع بند (ب) این بند گزارشی را به شرح زیر ارائه خواهد کرد.

۲-اعلامیه طبق بند ۱ این ماده توسط کشورهای عضو نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد و دبیر کل رونوشت‌های آن را به سایر کشورهای عضو ارسال خواهد کرد. یک اعلامیه ممکن است در هر زمان با اطلاع رسانی به دبیرکل پس گرفته شود. چنین انصرافی به بررسی هر موضوعی که موضوع ارتباطی است که قبلاً تحت این ماده ارسال شده است، لطمه ای وارد نمی‌کند. پس از دریافت اطلاعیه انصراف از اعلامیه توسط دبیر کل، هیچگونه اطلاعیه دیگری توسط هیچیک از کشورهای عضو طبق این ماده دریافت نخواهد شد، مگر اینکه کشور عضو مربوطه اعلامیه جدیدی ارائه کرده باشد.

ماده ۱۱ - روش تحقیق

۱-یک کشور عضو پروتکل حاضر می‌تواند در هر زمانی اعلام کند که صلاحیت کمیته مقرر در این ماده را به رسمیت می‌شناسد.

۲-اگر کمیته اطلاعات قابل اعتمادی دریافت کند که نشان دهنده نقض جدی یا سیستماتیک یکی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مندرج در میثاق توسط یک کشور عضو باشد، کمیته از آن کشور عضو دعوت خواهد کرد تا در بررسی اطلاعات و برای ارائه مشاهدات در مورد اطلاعات مربوطه همکاری کند.

۳-با در نظر گرفتن هرگونه مشاهداتی که ممکن است توسط کشور عضو ذیربط ارائه شده باشد و همچنین سایر اطلاعات موثق در دسترس آن، کمیته می‌تواند یک یا چند عضو خود را برای انجام تحقیق و گزارش فوری به کمیته تعیین کند. در صورت لزوم و با موافقت کشور عضو، این تحقیق می‌تواند شامل بازدید از قلمرو آن کشور باشد.

۴-چنین تحقیقی باید به صورت محرمانه انجام شود و همکاری کشور عضو در تمام مراحل رسیدگی به عمل خواهد آمد.

۵-پس از بررسی یافته‌های چنین تحقیقی، کمیته این یافته‌ها را همراه با هرگونه نظر و توصیه به کشور عضو مربوطه ارسال خواهد کرد.

۶-کشور عضو ذینفع باید ظرف شش ماه پس از دریافت گزارشات، نظرات و توصیه‌های ارسال شده توسط کمیته، گزارش خود را به کمیته تسلیم نماید.

۷-پس از تکمیل این اقدامات در رابطه با تحقیق انجام شده مطابق بند ۲ این ماده، کمیته می‌تواند پس از مشورت با کشور مربوطه، تصمیم بگیرد که خلاصه ای از نتایج رسیدگی به شرح مقرر در ماده ۱۵ پروتکل در گزارش سالانه خود لحاظ کند.

۸-هر کشور عضوی که مطابق بند ۱ این ماده اعلامیه‌ای داده باشد، می‌تواند در هر زمانی این اعلامیه را با اطلاع رسانی به دبیرکل پس بگیرد.

ماده ۱۲ - پیگیری روند تحقیق

۱-کمیته می‌تواند از کشور عضو مربوطه دعوت کند تا در گزارش خود طبق مواد ۱۶ و ۱۷ میثاق جزئیات اقدامات اتخاذ شده در پاسخ به تحقیقات انجام شده بر اساس ماده ۱۱ پروتکل حاضر را درج کند.

۲-کمیته می‌تواند در صورت لزوم، پس از پایان دوره شش ماهه مذکور در بند ۶ ماده ۱۱، از کشور عضو مربوطه دعوت کند تا اقدامات اتخاذ شده در پاسخ به چنین تحقیقی را به آن اطلاع دهد.

ماده ۱۳ - اقدامات حفاظتی

یک کشور عضو باید تمام اقدامات لازم را برای اطمینان از اینکه افراد تحت صلاحیت خود در معرض هیچگونه بدرفتاری یا ارعاب در نتیجه ارتباط با کمیته بر اساس این پروتکل قرار نخواهند گرفت.

ماده ۱۴- کمک و همکاری بین‌المللی

۱-کمیته، در صورت صلاح دید و با موافقت کشور مربوطه، نظرات یا توصیه‌های خود را در مورد ارتباطات و تحقیقاتی که نشان دهنده نیاز به مشاوره فنی است، به آژانس‌های تخصصی سازمان ملل متحد، صندوق‌ها و برنامه‌ها و سایر نهادهای ذیصلاح همراه با مشاهدات و پیشنهادات کشور عضو، در صورت وجود، در مورد این دیدگاه ها یا توصیه ها، ارسال خواهد کرد.

۲-کمیته همچنین می‌تواند با موافقت کشور مربوطه، هر موضوعی را که ناشی از ارتباطات در نظر گرفته شده براساس این پروتکل است که ممکن است به آنها در تصمیم‌گیری، هر یک در حوزه صلاحیت خود، در مورد توصیه اقدامات بین‌المللی که احتمالاً به کمک به کشورهای عضو در دستیابی به پیشرفت در اجرای حقوق شناخته شده در میثاق کمک می‌کند.

۳-صندوق امانی طبق رویه‌های مربوطه مجمع عمومی تشکیل می‌شود که مطابق با مقررات مالی و قوانین سازمان ملل متحد اداره می‌شود و با هدف ارائه کمک‌های تخصصی و فنی به کشورهای عضو، با موافقت کشور عضو مربوطه، برای افزایش اجرای حقوق مندرج در میثاق، به این ترتیب به ایجاد ظرفیت های ملی در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در چارچوب این پروتکل کمک می‌کند.

۴-مفاد این ماده آسیبی به تعهدات هر یک از کشورهای عضو برای انجام تعهدات خود به موجب این میثاق وارد نمی‌کند.

ماده ۱۵ - گزارش سالانه

کمیته در گزارش سالانه خلاصه‌ای از فعالیت‌های خود را براساس این پروتکل درج خواهد کرد.

ماده ۱۶ - انتشار و اطلاعات

هر کشور عضو متعهد می‌شود که میثاق و پروتکل حاضر را به طور گسترده‌ای به اطلاع مردم رسانده و منتشر کند و دسترسی به اطلاعات در مورد دیدگاه‌ها و توصیه‌های کمیته، بویژه در مورد موضوعات مربوط به آن کشور عضو را تسهیل کند و این کار را در قالب‌های قابل دسترس برای افراد دارای معلولیت انجام دهد.

ماده ۱۷ - امضا، تصویب و الحاق

۱-پروتکل حاضر برای امضای هر کشوری که میثاق را امضا، تصویب یا به آن ملحق شده باشد، مفتوح است؛

۲- پروتکل حاضر منوط به تصویب هر کشوری است که میثاق را تصویب کرده یا به آن ملحق شده است. اسناد تصویب نزد دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد؛

۳- پروتکل حاضر برای الحاق هر کشوری که این میثاق را تصویب کرده یا به آن ملحق شده است باز خواهد بود؛

۴- الحاق با سپردن سند الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد انجام خواهد شد.

ماده ۱۸ - لازم‌الاجرا شدن

این پروتکل سه ماه پس از تاریخ تودیع دهمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد، لازم‌الاجرا خواهد شد. برای هر کشوری که پروتکل حاضر را تصویب کرده یا به آن ملحق می‌شود، پس از تودیع دهمین سند تصویب یا الحاق، پروتکل سه ماه پس از تاریخ تودیع سند تصویب یا الحاق خود لازم‌الاجرا خواهد شد.

ماده ۱۹ - اصلاحات

۱-هر کشور عضو می‌تواند اصلاحیه‌ای را برای پروتکل حاضر پیشنهاد و آن را به دبیرکل سازمان ملل متحد ارائه کند. دبیرکل هرگونه اصلاحیه پیشنهادی را به کشورهای عضو ابلاغ خواهد کرد و از آنها درخواست خواهد کرد که آیا آنها طرفدار نشست کشورهای عضو به منظور بررسی و تصمیم گیری در مورد پیشنهادات هستند یا خیر. در صورتیکه ظرف چهار ماه از تاریخ چنین اطلاعیه‌ای، حداقل یک سوم کشورهای عضو از برگزاری چنین جلسه ای حمایت کنند، دبیرکل جلسه را تحت نظارت سازمان ملل متحد تشکیل خواهد داد. هر اصلاحیه‌ای که با اکثریت دو سوم کشورهای عضو حاضر و رای دهنده تصویب شود، توسط دبیرکل برای تصویب به مجمع عمومی و پس از آن به همه کشورهای عضو برای پذیرش ارائه خواهد شد.

۲-اصلاحیه‌ای که مطابق بند ۱ این ماده پذیرفته و تصویب شده است در سی امین روز پس از رسیدن تعداد اسناد پذیرش سپرده شده به دو سوم تعداد کشورهای عضو در تاریخ تصویب اصلاحیه لازم‌الاجرا خواهد شد. پس از آن، این اصلاحیه برای هر کشور عضو در سی روز پس از تودیع سند پذیرش خود لازم‌الاجرا خواهد شد. اصلاحیه فقط برای کشورهای عضوی که آن را پذیرفته‌اند الزام‌آور خواهد بود.

ماده ۲۰ - فسخ

۱-هر کشور عضو می‌تواند در هر زمان با اطلاعیه کتبی خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد این پروتکل را فسخ کند. انصراف شش ماه پس از تاریخ دریافت اطلاعیه توسط دبیرکل نافذ خواهد شد.

۲-فسخ لطمه‌ای به تداوم اعمال مفاد این پروتکل در مورد هرگونه اطلاعیه‌ای که طبق مواد ۲ و ۱۰ ارسال شده، یا به هر رویه که براساس ماده ۱۱ قبل از تاریخ لازم‌الاجرا شدن فسخ آغاز شده است، نخواهد بود.

ماده ۲۱ - اطلاعیه توسط دبیرکل

دبیرکل سازمان ملل متحد به کلیه کشورهای مذکور در بند ۱ ماده ۲۶ میثاق جزئیات زیر را مطلع خواهد کرد:

۱-امضاء، تصویب و الحاق تحت این پروتکل؛

۲-تاریخ لازم‌الاجرا شدن پروتکل حاضر و هر اصلاحیه طبق ماده ۱۹؛

۳-هرگونه انصراف طبق ماده ۲۰.

ماده ۲۲ - زبانهای رسمی

پروتکل حاضر که متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی آن به یک اندازه معتبر است، در آرشیو سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد. دبیر کل سازمان ملل متحد رونوشت های مصدق این پروتکل را به تمامی کشورهای مذکور در ماده ۲۶ میثاق ارسال خواهد کرد.

اعلامیه رفع تبعیض از زنان

پیش‌زمینه‌های شکل گیری اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان[1]

مصوب ۷ نوامبر سال ۱۹۶۷

پیش‌زمینه‌های صدور این اعلامیه را باید در کارهای کمیسیون مقام زن جستجو کرد که در سال ۱۹۴۷ تشکیل شده و روابط نزدیکی با سازمان‌های غیردولتی، که وضعیت مشورتی با شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل روابطی برقرار کرد تا بتواند شرایط و مقام زنان را ارتقا بخشد. در فاصله سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۲، تمرکز گسترده‌ای بر تنظیم استانداردها و تدوین مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی برای تغییر قوانین تبعیض آمیز و تقویت آگاهی جهانی از مسائل زنان قرار گرفت. یکی از مهمترین کارهای اولیه و موفقیت‌ها را باید در تهیه پیش‌نویس اعلامیه جهانی حقوق بشر جستجو کرد که زبان جدید و فراگیرتری معرفی شد تا اینکه بر واژه «مردم» بعنوان واژه «مرد» متمرکز باشد.

از آنجایی که توسعه و تدوین حقوق قانونی زنان باید توسط داده‌ها و تحلیل‌ها پشتیبانی می‌شد، کمیسیون ارزیابی گسترده‌ای از وضعیت زنان را آغاز کرد. کمیسیون پیش نویس مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی اولیه در مورد حقوق زنان، مانند مقاوله‌نامه حقوق سیاسی زنان در سال ۱۹۵۳ را تهیه کرد که اولین سند حقوق بین‌الملل برای به رسمیت شناختن و حمایت از حقوق سیاسی زنان بود. اولین موافقت نامه‌های بین‌المللی در مورد حقوق زنان در ازدواج، یعنی مقاوله‌نامه ۱۹۵۷ در مورد تابعیت زنان متاهل، و مقاوله‌نامه ۱۹۶۲ در مورد رضایت ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج از اقدامات دیگر کمیسیون مقام زن است. در سال ۱۹۶۳، تلاش‌ها برای تثبیت استانداردهای حقوق زنان باعث شد مجمع عمومی سازمان ملل از کمیسیون درخواست کند تا پیشنویس اعلامیه‌ای در مورد رفع تبعیض علیه زنان، که مجمع عمومی در نهایت آنرا در سال ۱۹۶۷ تصویب کرد.

مقدمه اعلامیه حاوی مواردی است که در برنامه‌های حقوق بشر بین‌المللی تصریح شده‌اند، و تاکید می‌کند که علی رغم تلاش‌ها تبعیض علیه زنان همچنان وجود دارد. این تبعیض‌ها حیثیت و وقار بشری و رفاه خانواده و اجتماع را به چالش کشیده است، و مانع از مشارکت زنان در شرایط مساوی

---

[1] Declaration on the Elimination of Discrimination against Women, Resolution adopted by the General Assembly 2263 (XXII) on 7 November 1967.

با مردان در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای آنها می‌شود. درنتیجه به مانعی بزرگ بر سر راه پیشرفت کامل استعدادهای زنان در خدمت به کشورهای خود و بشریت می باشد. اعلامیه همچنین اذعان می‌دارد که زنان سهم بزرگی در حیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایفا کرده و بویژه نقش آنان در خانواده و بویژه در پرورش کودکان حائز اهمیت بسیار است. به همین دلیل تلاش‌ها برای مقابله با تبعیض علیه زنان باید ادامه پیدا کرده و سازوکارهای حقوقی موثر در مقابله با آنها بوجود آید.

اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان ۱۹۶۷

از آن جا که منشور سازمان ملل متحد بر حقوق اساسی بشر، کرامت و ارزش انسان‌ها و بر برابری مرد و زن تایید کرده است؛

از آن جا که اعلامیه جهانی حقوق بشر، ضمن تأکید بر لزوم رفع تبعیض، اعلام کرده است که افراد بشر آزاد به دنیا آمده و از حیث منزلت و حقوق با یکدیگر برابر هستند و همه، بدون هیچگونه تبعیضی، شامل تبعیض جنسی، استحقاق برخورداری از کلیه حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه را دارند؛

با توجه به قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های سازمان ملل متحد و آژانسهای تخصصی که به منظور رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان و توسعه حقوق برابر مرد و زن بوجود آمده‌اند؛

با اعتقاد به اینکه علی رغم منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق های بین‌المللی راجع به حقوق بشر و سایر اسناد سازمان ملل متحد و آژانسهای تخصصی و علی رغم پیشرفتی که در زمینه تساوی حقوق حاصل شده است، هنوز تبعیضات قابل توجهی علیه زنان وجود دارد؛

با این عقیده که تبعیض علیه زنان با حیثیت و کرامت انسانی و با رفاه خانواده و اجتماع تضاد است. از شرکت آنان در شرایط مساوی با مردان در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای آنها جلوگیری نموده و مانعی برای پیشرفت کامل استعدادهای زنان در خدمت به کشورهای خود و بشریت می باشد؛

با اذعان به سهم بزرگی که زنان در حیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایفا کرده و نقشی که در خانواده و بویژه در پرورش کودکان به عهده دارند؛

با ایمان به اینکه توسعه کامل هر کشور و سعادت جهان و صیانت صلح مستلزم شرکت هرچه بیشتر زنان و مردان در تمام مظاهر حیات اجتماعی است؛ و

نظر به اینکه تضمین شناسایی جهانی اصل تساوی زن و مرد چه در عمل و چه از نظر حقوقی لازم و ضروری به نظر می‌رسد مجمع عمومی اعلامیه زیر را رسماً اعلام می‌دارد:

ماده ۱

تبعیض نسبت به زنان به دلیل انکار اصل برابری میان زنان و مردان، اساساً غیر عالادنه بوده و حیثیت انسانی را تخطئه می‌نماید.

ماده ۲

برای الغاء کلیه قوانین، عادات و سنن و قواعد جاری که متضمن تبعیض نسبت به حقوق زنان بوده و همچنین برای تأمین حمایت حقوقی کامل تساوی زن و مرد باید تدابیری خاص اتخاذ گردد، مخصوصاً:

الف - اصل برابری حقوق زن و مرد در قانون اساسی منظور و یا به طریق دیگری تضمین گردد؛

ب - قراردادهای سازمان ملل متحد و آژانسهای تخصصی را در زمینه الغاء تبعیض علیه زنان تصویب نموده و یا به آن ملحق شده و هرچه زودتر آن ها را به نحو احسن مجری دارند.

ماده ۳

اقدامات مقتضی به منظور پرورش افکار عمومی و ارشاد تمایلات ملی در جهت بر انداختن تعصب و لغو شیوه‌های قدیمی و منسوخ، و تمامی رویه‌هایی که بر حقارت زنان متکی باشد به عمل آید.

ماده ۴

اقدامات مقتضی در جهت تأمین شرایط برخورداری زن و مرد بدون تبعیض از حقوق ذیل معمول گردد:

الف – حق رای در انتخابات اعم از انتخاب کردن یا انتخاب شدن در مجامعی که اعضای آن علنی انتخاب می‌شوند؛

ب – حق رای در تمام اموری که به آراء عمومی مراجعه می‌شود؛

پ – حق تصدی مناصب و مشاغل عمومی.

حقوق مذکور باید به موجب قانون تضمین شود.

ماده ۵

زنان باید در تحصیل، تغییر یا حفظ تابعیت همانند مردان بوده و ازدواج با اتباع بیگانه نباید خود به خود در تابعیت زن مؤثر باشد، او را فاقد تابعیت کند یا تابعیت شوهر را به او تحمیل نماید.

ماده ۶

۱–اتخاذ تدابیر خاص در جهت تأمین حقوق مدنی مساوی با مردان، بویژه در موارد ذیل بدون توجه به تأهل یا تجرد آنان در حدی که صیانت وحدت خانواده که اساس هر جامعه را تشکیل می‌دهد، زایل نشود:

الف) حق کسب اموال، اداره آن، برخورداری، تصرف و وارث بودن از جمله وارث اموال حاصله در دوران زناشویی؛

ب) اهلیت حقوقی و استیفای آن؛

پ) حقوق مساوی قانونی با مردان برای مسافرت.

۲–تدابیر لازم در جهت استقرار اصل تساوی مقام زن و شوهر خاصه در موارد ذیل:

الف) زن باید مانند مرد بتواند همسر خود را انتخاب و با آزادی و رضایت کامل ازدواج نماید؛

ب) زنان در دوران زناشویی و به هنگام انحلال ازدواج، حقوقی مساوی با مردان داشته باشند؛

ج) والدین نسبت به اطفال حقوق و تکالیف یکسان داشته و همیشه مصلحت اطفال مورد نظر باشد؛

د) ازدواج اطفال و نامزدی دختران نا بالغ ممنوع شود؛

ه) تدابیری مؤثر در جهت تعیین حداقل سن ازدواج و اجباری کردن ثبت واقعه ازدواج در دفاتر رسمی اتخاذ گردد.

ماده ۷

کلیه قوانین کیفری که متضمن تبعیض علیه زنان باشد باید ملغی شود.

ماده ۸

اتخاذ تدابیر قانونی به منظور مبارزه با فحشاء به هر نحوی که باشد.

ماده ۹

اقدامات مقتضی به منظور تأمین حقوق مساوی زن و مرد در زمینه آموزش و پرورش در همه مراحل، بویژه در موارد زیر برای دختران و زنان صرف نظر از تجرد یا تأهل آنان معمول گردد:

الف) شرایط مساوی برای ورود و تحصیل در مؤسسات آموزشی شامل دانشگاه ها و مدارس حرفه‌ای و فنی؛

ب) برخورداری از امکانات مساوی در زمینه برنامه‌های تحصیلی و کادر آموزشی، یکسان بودن امتحانات، استفاده از اماکن و وسایل ورزشی به نحو یکسان اعم از اینکه مؤسسات مربوطه مختلط بوده یا نباشند؛

ج) امکانات مساوی برای استفاده از بورس‌های تحصیلی؛

د) امکانات مساوی به منظور دسترسی به برنامه های تحصیلی از جمله با سواد کردن بزرگسالان؛

ه) دسترسی به اطلاعات آموزشی برای کمک به تأمین بهداشت و رفاه خانواده ها.

ماده ۱۰

۱-اتخاذ تدابیر خاص به منظور تأمین حقوق مساوی مرد و زن در عرصه حیات اقتصادی و اجتماعی خاصه در موارد ذیل صرف نظر از تجرد یا تأهل آنان:

الف) حق فرا گرفتن تعلیمات حرفه‌ای، کار، انتخاب آزاد حرفه و شغل، ترفیع در کار و حرفه بدون تبعیض به لحاظ تجرد یا تأهل یا هر عامل دیگر؛

ب) حق دریافت مزد مساوی با مردان و تساوی رفتار برای کار یا ارزش مساوی؛

ج) حق استفاده از مرخصی با حقوق و مزایای بازنشستگی، پرداخت‌های اجتماعی به هنگام بیماری، بیکاری، پیری یا سایر موارد از کار افتادگی؛

د) حق دریافت کمک هزینه عائله‌مندی در شرایط مساوی با مردان.

۲-برای جلوگیری از تبعیض در برابر زنان به دلیل ازدواج یا زایمان و تضمین حق واقعی آنها برای کار، اقدامات لازم برای جلوگیری از اخراج آنها در صورت ازدواج یا زایمان و ارائه مرخصی زایمان با حقوق، با تضمین بازگشت به شغل قبلی و ارائه خدمات اجتماعی لازم، از جمله امکانات مراقبت از کودکان، باید اتخاذ شود.

۳- اقدامات اتخاذ شده برای محافظت از زنان در انواع خاصی از کار به دلایل ذاتی در طبیعت فیزیکی آنها، تبعیض آمیز تلقی نمی‌شود.

ماده ۱۱

۱- اصل تساوی حقوق زن و مرد مستلزم اجرای در همه کشورها مطابق با اصول منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر است؛

۲-بنابراین از کشورها، سازمان‌های غیردولتی و افراد خواسته می شود تا تمام توان خود را برای ترویج اجرای اصول مندرج در این اعلامیه انجام دهند.

جلسه عمومی ۱۵۹۷

نوامبر سال ۱۹۶۷

مقاوله‌نامه بین‌المللی

رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان

پیش زمینه‌های شکل گیری مقاوله‌نامه رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان[۱]

مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹

برابری حقوق زنان از اصول اساسی سازمان ملل متحد است. مقدمه منشور سازمان ملل متحد به عنوان یکی از اهداف اصلی سازمان، بر «ایمان به حقوق اساسی بشر، به کرامت و ارزش انسان، به حقوق برابر زن و مرد» تاکید می‌کند. ماده ۱ منشور ملل متحد اعلام می‌کند که یکی از اهداف سازمان ملل متحد دستیابی به همکاری‌های بین‌المللی در ترویج و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تمایز از نظر جنسیت است. طبق شرایط منشور، به‌عنوان اولین سند بین‌المللی که به طور خاص به حقوق بشر و حقوق برابر زن و مرد تاکید می‌کند، همه اعضای سازمان ملل متحد قانوناً موظف هستند برای تحقق کامل همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تلاش کنند.

منشور بین‌المللی حقوق بشر این تأکید بر حقوق بشر و برابری زنان را تقویت و گسترش می‌دهد. اعلامیه جهانی حقوق بشر همه مردم را شایسته برابری در برابر قانون و برخورداری از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بدون هیچ گونه تمایزی دانسته و جنسیت را در میان دلایل چنین تبعیض‌هایی غیرمجاز اعلام می‌کند. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که اصول اعلامیه را به شکل قانونی الزام‌آور درآورده‌اند، به وضوح بیان می‌کنند که حقوق ذکر شده در اعلامیه برای همه افراد بدون هیچ نوع تمایزی از هر نوعی که باشد قابل اعمال است. علاوه براین، هر میثاق به طور خاص کشورهای عضو را متعهد می‌سازد تا حق برابر همه انسان‌ها، اعم از زن و مرد را در بهره‌مندی از تمام حقوقی که ایجاد می‌کنند، تضمین کنند.

---

۱ Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 34/180 of 18 December 1979 entry into force 3 September 1981, in accordance with article 27(1).

منشور بین‌المللی حقوق بشر، همراه با معاهدات مربوط به حقوق بشر، مجموعه‌ای از حقوق را مشخص می‌کند که همه افراد، از جمله زنان، از آن برخوردارند. با این حال، این اقدامات بین‌المللی برای تضمین حقوق زنان و برخورداری آنها حقوق تصریح شده در این توافقات بین‌المللی کافی نبوده است. به همین دلیل، از زمان تأسیس کمیسیون مقام زن اقدامات مهمی دنبال شده‌اند تا حقوق بشر زنان مورد حمایت و ترویج قرار گیرد.

اگرچه این اسناد پیچیدگی روزافزون سیستم سازمان ملل متحد را در زمینه حمایت و ارتقای حقوق بشر زنان منعکس می‌کرد، اما رویکردی که آنها منعکس می‌کردند پراکنده بود، زیرا نتوانستند به طور جامع با تبعیض علیه زنان مقابله کنند. علاوه براین، این نگرانی وجود داشت که گفتمان عمومی حقوق بشر آنچنان برای حمایت و ارتقای حقوق زنان نیاز باشد، موثر نبوده است. بنابراین، مجمع عمومی، در ۵ دسامبر ۱۹۶۳، قطعنامه شماره (۱۸)۱۹۲۱ خود را تصویب کرد، که در آن از شورای اقتصادی و اجتماعی درخواست می‌کرد تا از کمیسیون مقام زن دعوت کند تا پیشنویس اعلامیه‌ای را تهیه کند که استانداردهای بین‌المللی لازم را در یک سند واحد برای حقوق برابر زنان و مردن بیان کرده باشد. تهیه پیشنویس اعلامیه توسط کمیته‌ای منتخب از داخل کمیسیون مقام زن در سال ۱۹۶۵ آغاز شد و در نهایت اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان توسط مجمع عمومی در ۷ نوامبر ۱۹۶۷ تصویب شد. این اعلامیه تنها بیانیه‌ای اخلاقی بود، اما توانست راه را برای سند بین‌المللی الزام آوری آماده سازد.

در سال ۱۹۷۲، پنج سال پس از تصویب اعلامیه، و چهار سال پس از معرفی یک سیستم گزارش دهی داوطلبانه در مورد اجرای بیانیه توسط کمیسیون اقتصادی و اجتماعی، کمیسیون مقام زن امکان تهیه یک معاهده الزام‌آوری که نیرویی هنجاری داشته باشد، مورد بررسی قرار داد. کمیسیون از دبیرکل درخواست کرد تا از کشورهای عضو سازمان ملل متحد درخواست کند نظرات خود را در مورد چنین پیشنهادی در اختیار کمیسیون قرار دهند. سال بعد، کارگروهی برای بررسی تدوین چنین مقاوله‌نامه‌ای تعیین شد. در سال ۱۹۷۴، کمیسیون در بیست و پنجمین جلسه خود و با توجه به گزارش این کارگروه، تصمیم گرفت که سندی واحد، جامع و الزام‌آور بین‌المللی برای رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان تهیه کند.

متن مقاوله‌نامه رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان توسط گروه های کاری در کمیسیون در طول سال ۱۹۷۶ و مذاکرات گسترده توسط گروه کاری کمیته سوم مجمع عمومی از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۹ تهیه شد. پیش‌نویس کار در کمیسیون توسط برنامه جهانی اقدام برای اجرای اهداف سال جهانی زن مورد تشویق قرار گرفت. این برنامه که توسط کنفرانس جهانی که در مکزیکو سیتی در سال ۱۹۷۵ برگزار شد، تصویب شده و خواستار آن شد تا مقاوله‌نامه رفع تبعیض علیه زنان و رویه‌های موثر برای اجرای آن، تهیه شود. کار همچنین توسط مجمع عمومی مورد حمایت قرار گرفت و کمیسیون مقام زن مورد حمایت قرار گرفت تا کار خود را تا سال ۱۹۷۶ به پایان برساند، به طوری که مقاوله‌نامه به موقع برای بررسی در کنفرانس جهانی سازمان ملل در اواسط دهه ۱۹۸۰ در کپنهاگ تکمیل شود. (کنفرانس جهانی سازمان ملل) اگرچه پیشنهادهایی برای به تعویق انداختن تکمیل متن برای یک سال دیگر ارائه شد، مقاوله‌نامه رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در سال ۱۹۷۹ با ۱۳۰ رای موافق و ۱۰ رای ممتنع توسط مجمع عمومی طی قطعنامه شماره (۳۴) ۱۸۰ به تصویب رسید.

در مراسم ویژه‌ای که در کنفرانس کپنهاگ در ۱۷ ژوئیه ۱۹۸۰ برگزار شد، ۶۴ کشور مقاوله‌نامه را امضا کردند و دو کشور اسناد تصویب خود را ارائه نمودند. در ۳ سپتامبر ۱۹۸۱، یعنی ۳۰ روز پس از تصویب آن مقاوله‌نامه - سریعتر از هر مقاوله‌نامه قبلی حقوق بشر - لازم‌الاجرا شد و بدین ترتیب تلاش های سازمان ملل برای تدوین استانداردهای حقوقی بین‌المللی جامع برای زنان به اوج خود رسید.[۱]

برای اطمینان یافتن از اجرای موثر مقاوله‌نامه، و نظارت بر رفتار کشورها در قبال تعهداتی که به موجب این مقاوله‌نامه برعهده گرفته‌اند، ضرورت تاسیس نهادی نظارت کننده اجتناب ناپذیر بود. برای این منظور، پروتکل اختیاری مقاوله‌نامه حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، در ۱۵ اکتبر ۱۹۹۹، که حاوی ۲۱ ماده است، به تصویب رسید.[۲] به موجب ماده ۱ این پروتکل، کشورهای عضو صلاحیت

---

[۱] این مقدمه بطور غیر مستقیم و بدون هرنوع دخل و تصرفی از نهاد سازمان ملل متحد برای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان ترجمه شده است.

[2] Optional Protocol to the Convention on Eliminating All Forms of Discrimination against Women. Adopted by Resolution A/RES/54/4 at the fifty-fourth session of the General Assembly of the United Nations on 06 October 1999.

کمیته حذف تبعیض علیه زنان (کمیته) را جهت دریافت و رسیدگی به شکایات ارائه شده را به رسمیت شناخته و رفتارهای خود را مطابق با آن تنظیم می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران هیچیک از این اسناد را امضا و یا تصویب نکرده است.

مقاوله‌نامه رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان، ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹

مقدمه

کشورهای عضو مقاوله‌نامه حاضر،

با عنایت به اینکه منشور ملل متحد بر پایبندی به حقوق اساسی بشر، کرامت و ارزش هر فرد انسانی و برابری حقوق زن و مرد تأکید دارد،

با عنایت به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر اصل قابل قبول نبودن تبعیض را تأیید نموده، اعلام می‌دارد که کلیه افراد بشر آزاد به دنیا آمده و از نظر منزلت و حقوق یکسان بوده و بدون هیچگونه تمایزی، از جمله تمایزات مبتنی بر جنسیت، حق دارند از کلیه حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه بهره‌مند شوند،

با عنایت به اینکه کشورهای عضو میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر متعهد به تضمین حقوق برابر زنان و مردان در بهره‌مندی از کلیه حقوق اساسی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی می‌باشند،

با در نظر گرفتن مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی که تحت نظر سازمان ملل متحد و سازمان‌های تخصصی به منظور پیشبرد تساوی حقوق زنان و مردان منعقد گردیده، همچنین با عنایت به قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و توصیه‌هایی که توسط ملل متحد و سازمان‌های تخصصی برای پیشبرد تساوی حقوق زنان و مردان تصویب شده است، در عین حال، با نگرانی از اینکه به رغم این اسناد متعدد، تبعیضات علیه زنان همچنان به طور گسترده ادامه دارد،

با یادآوری اینکه تبعیض علیه زنان ناقض اصول برابری حقوق و احترام به کرامت انسانی است و مانع شرکت زنان در شرایط مساوی با مردان در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور و نیز گسترش سعادت جامعه و خانواده شده و شکوفایی کامل قابلیت‌ها و استعدادهای زنان در خدمت

به کشور و بشریت را دشوارتر می‌نماید. با نگرانی از اینکه در شرایط فقر و تنگدستی زنان از حداقل امکان دسترسی به مواد غذایی، بهداشت، تعلیم و تربیت و فرصت‌های شغلی و سایر نیازها برخوردارند.

با اعتقاد بر اینکه تأسیس نظام نوین اقتصاد بین‌الملل براساس مساوات و عدالت در تحقق پیشبرد برابری بین مردان و زنان نقش مهمی را ایفاء می‌نماید. با تأکید بر اینکه ریشه ساختن کردن تبعیض نژادی، اشکال مختلف نژادپرستی، تبعیض‌نژادی، استعمار، استعمار نو، تجاوز، اشغال و سلطه و دخالت خارجی در امور داخلی کشورها مستلزم تحقق کامل حقوق مردان و زنان می‌باشد،

با تأیید بر اینکه تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی، تشنج‌زدایی بین‌المللی، همکاری‌های متقابل کشورها صرف نظر از نظام‌های اجتماعی و اقتصادی آنان، خلع سلاح کامل و عمومی و بویژه خلع سلاح اتمی تحت نظارت و کنترل دقیق و مؤثر بین‌المللی، تأکید بر اصول عدالت، مساوات و منافع متقابل در روابط بین کشورها و احقاق حق مردم تحت سلطه استعمار و بیگانه و اشغال خارجی به دستیابی به حق تعیین سرنوشت و استقلال و همچنین احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی باعث توسعه و پیشرفت اجتماعی خواهد شد و در نتیجه به دستیابی به مساوات کامل بین مردان و زنان کمک خواهد کرد،

با اعتقاد بر اینکه توسعه تمام و کمال یک کشور، رفاه جهانی و برقراری صلح مستلزم شرکت یکپارچه زنان در تمام زمینه‌ها در شرایط مساوی با مردان است. با یادآوری سهم عمده زنان در تحقق رفاه خانواده و پیشرفت جامعه، که تا کنون کاملاً شناسایی نشده است، اهمیت اجتماعی مادری و نقش والدین در خانواده و در تربیت کودکان، و با آگاهی از اینکه نقش زنان در تولید مثل نباید اساس تبعیض قرار گیرد، بلکه تربیت کودکان مستلزم تقسیم مسئولیت بین زن و مرد و جامعه به طور کلی می‌باشد،

با اطلاع از اینکه تغییر در نقش سنتی مردان و زنان در جامعه و خانواده برای دستیابی به مساوات کامل میان زنان و مردان ضروری است. با عزم بر اجرای اصول مندرج در اعلامیه محو تبعیض علیه زنان و در این راستا اتخاذ اقدامات ضروری برای از میان برداشتن این‌گونه تبعیض‌ها در اشکال و صور آن، بر مقررات زیر توافق کرده‌اند:

بخش یک

ماده ۱

از نظر این مقاوله‌نامه، عبارت: «تبعیض علیه زنان»، به معنی قائل شدن هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت براساس جنسیت است که بر به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی‌های اساسی آنها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق، بر پایه مساوات با مردان، صرف‌نظر از وضعیت تأهل آنها، در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها اثر مخرب دارد یا اساسا، هدفش از بین بردن این وضعیت است.

ماده ۲

کشورهای عضو، تبعیض علیه زنان را به هر شکل محکوم می‌کنند و موافقت می‌کنند بدون درنگ، به طرق مقتضی، سیاست رفع تبعیض علیه زنان را تعقیب کنند و بدین منظور، بر امور زیر تعهد می‌کنند:

الف) به رسمیت شناختن اصل برابری زنان و مردان در قانون اساسی ملی خود یا سایر قوانین مناسب اگر هنوز در آنها گنجانده نشده باشد و تضمین تحقق عملی این اصل از طریق قانون و سایر ابزارهای مناسب؛

ب) اتخاذ تدابیر قانونی و غیره از جمله وضع ضمانت اجراهای مناسب به منظور جلوگیری از اعمال تبعیض علیه زنان؛

ج) حمایت قانون از حقوق زنان براساس تساوی با مردان و حصول تضمین و اطمینان از حمایت مؤثر زنان علیه هر نوع تبعیض، از طریق دادگاه‌های صالح ملی و دیگر مؤسسات عمومی؛

د) خود داری از انجام هرگونه اقدام و عمل تبعیض آمیز علیه زنان و تضمین اینکه مقامات و مؤسسات عمومی بر طبق این تعهد عمل کنند؛

ه) اتخاذ هرگونه اقدام مناسب برای رفع تبعیض علیه زنان توسط هر فرد، سازمان یا مؤسسه؛

و) اتخاذ تدابیر لازم، از جمله تدابیر قانون‌گذاری، برای تغییر یا لغو قوانین، مقررات، عادات و عملکردهایی که نسبت به زنان تبعیض آمیز هستند؛

ز) لغو کلیه مقررات کیفری داخلی که تبعیض علیه زنان است.

ماده ۳

کشورهای عضو در همه زمینه‌ها، مخصوصاً در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، تمام اقدامات لازم از جمله قانون‌گذاری را اعمال خواهند کرد، تا از توسعه و پیشرفت کامل زنان اطمینان حاصل کنند و در نتیجه، برخورداری زنان را از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بر پایه تساوی با مردان تضمین کنند.

ماده ۴

۱-پذیرش تدابیر ویژه موقتی که به منظور تسریع برابری موقت میان مردان و زنان توسط کشورهای عضو صورت می‌گیرد، نباید به عنوان تبعیض به نفع زنان آنچنانکه در این مقاوله‌نامه تعریف شده است تلقی گردد، ولی به هیچ وجه نباید منتج به حفظ استانداردهای جداگانه یا نامساوی بشود. این اقدامات و تدابیر هنگامیکه اهداف برابری فرصت‌ها و برخورد مساوی زنان با مردان حاصل شد، متوقف خواهد گردید.

۲-همچنین اقدامات ویژه‌ای که توسط کشورهای عضو صورت می‌گیرد از جمله تدابیری که در این مقاوله‌نامه وجود دارد و هدف آن حمایت از ایفای نقش مادری زنان است نباید تبعیض آمیز تلقی گردد.

ماده ۵

کشورهای عضو، اقدامات مقتضی زیر را به عمل خواهند آورد:

الف) تغییر الگوهای رفتاری اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان به منظور دستیابی به برانداختن تعصبات، عادات و دیگر روش‌های عملی که بر طرز تفکر پست نگری یا برتر بینی یک جنس نسبت به جنس دیگر یا نقش کلیشه‌ای زنان و مردان مبتنی است.

ب) حصول اطمینان از اینکه تعلیم و تربیت خانواده، شامل درک صحیح از مادری به عنوان یک وظیفه اجتماعی و شناسایی مسئولیت مشترک زن و مرد در تربیت و رشد کودکان می‌شود. این امر را هم باید درک کرد که منافع کودکان در همه موارد از اولویت برخوردار است.

ماده ۶

کشورهای عضو باید به هر نوع اقدام مقتضی از جمله وضع قانون دست بزنند تا از هرگونه معامله بر روی زنان و بهره برداری از فحشای آنها جلوگیری کنند.

بخش دوم

ماده ۷

کشورهای عضو مقاوله‌نامه موظف هستند اقدامات مقتضی برای رفع تبعیض علیه زنان در زندگی سیاسی و عمومی کشور، اتخاذ نموده و مخصوصاً اطمینان دهند که در شرایط مساوی با مردان، حقوق زیر را برای زنان تأمین کنند:

الف) حق رای دادن در همه انتخابات و همه پرسی‌های عمومی و صلاحیت انتخاب شدن در همه ارگان‌هایی که با انتخابات عمومی برگزیده می‌شوند؛

ب) حق شرکت در تعیین سیاست کشور و اجرای آنها و به عهده گرفتن مناصب کشوری و انجام وظایف عمومی در تمام سطوح کشوری؛

ج) حق شرکت در سازمان‌ها و انجمنهای غیر دولتی مربوط به زندگی عمومی و سیاسی کشور.

ماده ۸

کشورهای عضو باید اقدامات مناسب و مقتضی برای اطمینان و تضمین این امر فراهم آورند تا زنان در شرایط مساوی با مردان و بدون هیچگونه تبعیضی، فرصتی برای نمایندگی کشورهای خود در سطح بین‌المللی و مشارکت در کار سازمان‌های بین‌المللی داشته باشند.

ماده ۹

۱-کشورهای عضو، به زنان حقوق مساوی با مردان در زمینه کسب، تغییر و یا حفظ تابعیت می‌دهند، مخصوصاً کشورها باید اطمینان دهند و تضمین کنند، که نه ازدواج زن با یک مرد خارجی و نه تغییر تابعیت شوهر در طی دوران ازدواج، خود بخود، موجب تغییر تابعیت زن، بی‌تابعیت شدن او یا تحمیل تابعیت شوهر بر او نمی‌شوند؛

۲- کشورهای عضو به زنان حقوق مساوی با مردان در رابطه با تابعیت فرزندان خود اعطا خواهند کرد.

بخش سوم

ماده ۱۰

کشورهای عضو تمام اقدامات لازم برای رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و تضمین حقوق مساوی آنان با مردان در زمینه آموزش مخصوصاً در موارد زیر را اتخاذ می‌کنند:

الف) شرایط مساوی برای هدایت شغلی و حرفه‌ای، دسترسی به تحصیل، اخذ مدرک از مؤسسات آموزشی در همه سطوح مختلف در مناطق روستایی و شهری. این تساوی باید شامل دوره‌های پیش دبستانی آموزش عمومی، فنی، حرفه‌ای و آموزش عالی فنی و نیز هر شیوه دیگر کارآموزی شغلی بشود؛

ب) امکان دسترسی به برنامه درسی، آزمونها، کادر آموزشی، اماکن تحصیلی و تجهیزات آموزشی که در همه آنها از کیفیت و معیارهای مساوی با مردان برخوردار باشد؛

ج) از میان برداشتن هر نوع مفهوم تقلیدی و کلیشه‌ای از نقش زنان و مردان در تمام سطوح و تمام اشکال مختلف آموزشی با تشویق آموزش مختلط پسر و دختر و دیگر انواع روش‌های آموزشی که دستیابی به این هدف را ممکن سازد. مخصوصاً با تجدید نظر در متون کتب درسی و برنامه‌های مدارس و تعدیل و تطبیق روش‌های آموزشی؛

د) اعطای فرصت یکسان برای استفاده از بورس‌ها و دیگر مزایای تحصیلی؛

ه:) فرصت‌های یکسان برای دستیابی به برنامه‌های آموزشی مداوم، شامل برنامه‌های عملی سوادآموزی برای بزرگسالان و برنامه‌های سوادآموزی عملکردی، بویژه آنهایی که با هدف کاهش، در اولین زمان ممکن، هر گونه شکاف در آموزش بین مردان و زنان انجام می‌شود؛

و) کاهش تعداد دختران دانش آموزی که ترک تحصیل می‌کنند و برنامه ریزی برای زنان و قبلاً ترک تحصیل کرده‌اند؛

ز) دادن فرصت مناسب به زنان برای شرکت فعال در ورزش و تربیت بدنی؛

ح) دسترسی به آموزشهای خاص تربیتی که سلامتی و تندرستی خانواده را تضمین می‌نماید و از جمله اطلاعات و مشورت‌های مربوط به تنظیم خانواده.

ماده ۱۱

۱-کشورهای عضو باید اقدامات مقتضی را برای رفع تبعیض علیه زنان در زمینه اشتغال انجام دهند و اطمینان دهند که بر مبنای تساوی مردان و زنان، حقوق برابر مخصوصاً در موارد زیر برای زنان رعایت می‌شود:

الف: حق کار(اشتغال) به عنوان یک حق لاینفک حقوق انسانی؛

ب: حق امکانات شغلی یکسان، از جمله اجرای ضوابط یکسان در مورد انتخاب شغل؛

ج: حق انتخاب آزادانه حرفه و شغل، حق ارتقای مقام، برخورداری از امنیت شغلی و تمام امتیازات و شرایط خدمتی و حق استفاده از دوره‌های آموزشی حرفه‌ای و بازآموزی از جمله کارآموزی و شرکت در دوره‌های آموزشی پیشرفته و آموزشی مقطعی؛

د: حق دریافت مزد مساوی، استفاده از مزایا و برخورداری از رفتار مساوی در مشاغل و کارهایی که ارزش یکسان دارند. همچنین رفتار مساوی در ارزیابی کیفیت کار؛

ه: حق برخورداری از تأمین اجتماعی مخصوصاً در موارد بازنشستگی، بیکاری، بیماری، دوران ناتوانی و پیری و سایر موارد از کارافتادگی. همچنین حق استفاده از مرخصی استحقاقی (با دریافت حقوق)؛

و: حق برخورداری از بهداشت و ایمنی شرایط کار از جمله برخورداری از ایمنی و سلامتی برای تولید مثل.

۲-به منظور جلوگیری از تبعیض علیه زنان به دلیل ازدواج، یا بارداری و تضمین حق مسلم آنان برای کار. کشورهای عضو اقدامات مناسب ذیل را معمول خواهند داشت:

الف) ممنوعیت اخراج به خاطر حاملگی یا مرخصی زایمان و اعمال تبعیض در اخراج به لحاظ وضعیت زناشویی با برقراری ضمانت اجرا برای تخلف از این امر؛

ب) دادن مرخصی دوران زایمان با پرداخت حقوق با مزایای اجتماعی مناسب بدون از دست رفتن شغل، سمت یا مزایای اجتماعی؛

ج☺ تشویق و حمایت لازم برای ارائه خدمات اجتماعی به نحوی که والدین را قادر سازد تا تعهدات خانوادگی را با مسئولیت‌های شغلی هماهنگ سازند و در زندگی عمومی شرکت جویند، مخصوصاً از طریق تشویق به تأسیس و توسعه تسهیلات مراقبت از کودکان؛

د) حمایت ویژه از زنان در دوران بارداری در مشاغلی که ثابت شده برای آنها زیان‌آور است.

۳-قوانین حمایتی در رابطه با موضوعات مطروحه در این ماده باید متناوباً در پرتو پیشرفت‌های علمی و تکنیکی مورد بازنگری قرار گیرند و در صورت ضرورت، اصلاح و لغو، و یا تمدید شوند.

ماده ۱۲

۱-کشورهای عضو باید اقدامات لازم را برای محو تبعیض علیه زنان در زمینه مراقبت‌های بهداشتی به عمل آورند و براساس تساوی بین زن و مرد، دسترسی به خدمات بهداشتی از جمله خدمات بهداشتی مربوط به تنظیم خانواده را تضمین کنند.

۲-کشورهای عضو، علاوه بر مقررات بند یک ماده خدمات لازم را برای زنان در دوران بارداری، زایمان و دوران پس از زایمان تأمین نموده و در صورت لزوم خدمات رایگان در اختیار آنها قرار خواهند داد و همچنین در دوران بارداری و شیردادن، تغذیه کافی به آنها خواهند رساند.

ماده ۱۳

کشورهای عضو باید اقدامات مقتضی برای محو تبعیض علیه زنان در دیگر زمینه‌های زندگی اقتصادی و اجتماعی به عمل آورند و بر مبنای تساوی زن و مرد حقوق یکسان را برای آنها مخصوصاً در موارد زیر تأمین کنند:

الف) حق استفاده از مزایای خانوادگی؛

ب) حق استفاده از وام‌های بانکی، رهن و دیگر اعتبارات بانکی؛

ج) حق شرکت در فعالیت‌های تفریحی، ورزشی و کلیه جنبه‌های زندگی فرهنگی.

ماده ۱۴

۱-کشورهای عضو مشکلات خاص زنان روستایی را مدنظر قرارداده و به نقش مهمی که این زنان در جهت حیات اقتصادی خانواده‌های خود از جمله کار در بخش‌های غیر مالی اقتصادی به عهده دارند، توجه خاص مبذول خواهند داشت و کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد تا مفاد مقاوله‌نامه نسبت به زنان در مناطق روستایی اجرا گردد.

۲-کشورهای عضو کلیه اقدامات مقتضی را جهت رفع تبعیض از زنان در مناطق روستایی به عمل خواهند آورد، تا این زنان براساس تساوی مردان و زنان در برنامه‌های توسعه روستایی شرکت نموده و از آن بهره‌مند گردند و بخصوص از حقوق زیر برخوردار شوند:

الف) شرکت در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه در کلیه سطوح؛
ب) دسترسی به تسهیلات بهداشتی کافی از جمله اطلاعات، مشاوره و خدمات تنظیم خانواده؛
ج) استفاده مستقیم از برنامه‌های تأمین اجتماعی؛
د) استفاده از انواع دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی رسمی و غیررسمی، از جمله سوادآموزی عملی و نیز بهره‌مندی از خدمات محلی و فوق‌العاده به منظور بالا بردن کارآیی فنی آنان؛
ه) تشکیل گروه‌ها و تعاونی‌های خود یاری به منظور بدست آوردن امکان دستیابی مساوی به فرصت‌های اقتصادی از طریق اشتغال یا خوداشتغالی؛
و) شرکت در کلیه فعالیت‌های محلی؛
ز) دسترسی به وام‌ها و اعتبارات کشاورزی، تسهیلات بازاریابی، تکنولوژی مناسب و استفاده یکسان از زمین و برخورداری از رفتار مساوی در چارچوب اصلاحات ارضی و روستایی و نیز در برنامه‌های جایگزینی زمین؛
ح) بهره‌مندی از شرایط زندگی مناسب، بویژه مسکن، بهداشت، آب و برق، ارتباطات و حمل و نقل.

بخش چهارم

ماده ۱۵

۱-کشورهای عضو، تساوی زنان را با مردان در برابر قانون می‌پذیرند؛

۲-کشورهای عضو، در امور مدنی، همان کلیت قانونی را که مردان دارند به زنان داده و امکانات مساوی برای اجرای این کلیت را در اختیار آنها قرار می‌دهند. مخصوصاً کشورهای عضو به زنان حقوق مساوی با مردان را در انعقاد قرارداد و اداره اموال می‌دهند و در تمام مراحل دادرسی در دادگاه‌ها و محاکم با آنها رفتار یکسان خواهند داشت.

۳-کشورهای عضو قبول می‌کنند که هرگونه قرار داد یا اسناد خصوصی دیگر از هر نوع که به منظور محدود کردن صلاحیت قانونی زنان تنظیم شده باشد باطل و بلا اثر تلقی می‌شود.

۴-کشورهای عضو می‌پذیرند که در رابطه با قانون رفت و آمد اشخاص و انتخاب مسکن و محل اقامت، زن و مرد از حق مساوی برخوردار باشند.

ماده ۱۶

۱-کشورهای عضو باید اقدامات لازم را برای رفع تبعیض علیه زنان در همه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی به عمل آورند و مخصوصاً برپایه تساوی حقوق مرد و زن امور زیر را تضمین کنند:

الف) حق یکسان برای انعقاد ازدواج؛

ب) حق یکسان برای انتخاب آزادانه همسر و انعقاد ازدواج براساس رضایت آزاد و کامل طرفین؛

ج) حقوق و مسئولیت‌های یکسان در دوران ازدواج و هنگام انحلال آن؛

د) حقوق و مسئولیت‌های یکسان به عنوان والدین، قطع نظر از وضعیت زناشویی آنها، در موضوعات مربوط به فرزندان، در تمام موارد، منافع کودکان در اولویت است؛

ه) حقوق مساوی برای تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولانه در زمینه تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری و دسترسی به اطلاعات، آموزش و وسایلی که آنها را برای اعمال این حقوق قادر سازند؛

و) حقوق و مسئولیت یکسان در رابطه با ولایت، حضانت، قیمومیت کودکان و فرزندخواندگی یا هرگونه عناوین و مفاهیم مشابهی که در قوانین داخلی وجود دارد. در تمام موارد، منافع کودکان در اولویت است؛

ز) حقوق شخصی یکسان به عنوان شوهر و زن از جمله حق انتخاب نام خانوادگی، حرفه و شغل؛

ح) حقوق یکسان برای هریک از زوجین در رابطه با مالکیت، اکتساب، مدیریت، سرپرستی، بهره‌برداری و در اختیار داشتن اموال خواه مجانی و یا با داشتن هزینه.

۲-نامزد کردن و ترویج کودکان، قانوناً بلا اثر خواهد بود و هرگونه اقدام لازم، از جمله وضع قانون جهت تعیین حداقل سن برای ازدواج و ثبت اجباری ازدواج در یک دفتر رسمی باید اتخاذ شود.

بخش پنجم

ماده ۱۷

۱-به منظور بررسی پیشرفت حاصله در اجرای مفاد این مقاوله‌نامه، کمیته محو تبعیض علیه زنان (که از این پس از آن به عنوان کمیته یاد خواهد شد) شامل هجده نفر در زمان لازم‌الاجرا شدن و پس از تصویب یا پیوستن سی و پنجمین کشور عضو بیست و سه نفر از خبرگان دارای شهرت اخلاقی والا و صلاحیت در زمینه‌های مربوط به مقاوله‌نامه تشکیل می‌شود. این خبرگان توسط کشورهای عضو از میان اتباع کشورهای خود انتخاب می‌شوند و در صلاحیت شخصی خود خدمت می‌کنند. در انتخاب این اشخاص به توزیع عادلانه جغرافیایی و به حضور اشکال مختلف تمدن و نظام‌های عمده حقوقی توجه می‌شود.

۲-اعضای کمیته با رای مخفی و از فهرست افرادی که توسط کشورهای عضو نامزد شده‌اند انتخاب می‌شوند. هر کشور عضو می‌تواند یک نفر از اتباع خود را نامزد نماید.

۳-نخستین انتخابات شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این مقاوله‌نامه برگزار خواهد شد. حداقل سه ماه قبل از تاریخ هر انتخابات دبیرکل ملل متحد طی نامه‌ای از کشورهای عضو درخواست می‌کند تا ظرف دو ماه نامزدهای خود را معرفی کنند. دبیرکل فهرست اسامی نامزدها را به ترتیب حروف الفبا و با ذکر کشور نامزد کننده هریک، تهیه و برای کشورهای عضو ارسال خواهد داشت.

۴-انتخاب اعضای کمیته در جلسه کشورهای عضو که توسط دبیرکل در مقر ملل متحد برگزار خواهد شد، انجام می‌شود. در این جلسه، که حد نصاب تشکیل آن حضور دو سوم کشورهای

عضو می‌باشد، اشخاص انتخاب شده برای عضویت در کمیته آن دسته از نامزدهایی خواهند بود که بیشترین تعداد آراء و همزمان اکثریت مطلق آرای کشورهای عضو حاضر و رای دهنده در جلسه را به دست آورند.

۵-اعضای کمیته برای یک دوره چهار ساله انتخاب می‌شوند. اما دوره عضویت ۹ نفر از اعضای منتخب در اولین انتخابات در پایان دو سال به اتمام می‌رسد. بلافاصله پس از اولین انتخابات اسامی این ۹ عضو به قید قرعه توسط رئیس کمیته انتخاب خواهد شد.

۶-انتخاب ۵ عضو دیگر کمیته مطابق با بندهای ۲، ۳ و ۴ این ماده و به دنبال سی و پنجمین تصویب یا الحاق صورت خواهد گرفت. دوره عضویت دو نفر از اعضای فوق در پایان دو سال خاتمه خواهد یافت و اسامی این دو نفر به قید قرعه توسط رئیس کمیته انتخاب خواهد شد.

۷-به منظور اشغال مناصب خالی احتمالی، کشوری که فعالیت کارشناس آنها به عنوان عضو کمیته متوقف شده است، کارشناس دیگری را از بین اتباع خود برای عضویت در کمیته مشروط به تأیید انتخاب خواهد کرد.

۸-اعضای کمیته با تأیید مجمع عمومی و بر طبق ضوابط و شرایطی که آن مجمع مقرر می‌دارد و با در نظر گرفتن اهمیت مسئولیت‌های کمیته از سازمان ملل متحد حقوق دریافت خواهند کرد.

۹-دبیرکل ملل متحد تسهیلات و کارمندان لازم را به منظور تحقق و انجام مؤثر وظایف کمیته در چارچوب این مقاوله‌نامه تأمین خواهد نمود.

ماده ۱۸

۱-کشورهای عضو متعهد می‌شوند گزارشی برای بررسی کمیته در مورد اقدامات قانونگذاری، قضایی و اجرایی و سایر اقدامات متخذه در راستای اجرای مفاد این مقاوله‌نامه و پیشرفت‌های حاصله در این رابطه به دبیرکل ملل متحد ارائه کنند.

الف) یک سال پس از لازم‌الاجرا شدن مقاوله‌نامه برای آن کشور؛

ب) پس از آن حداقل هر چهار سال یکبار و علاوه بر آن هر زمانیکه کمیته درخواست کند.

۲-این گزارش‌ها می‌تواند مبین عوامل و مشکلاتی که بر میزان اجرای تعهدات تحت این مقاوله‌نامه اثر می‌گذارد باشد.

ماده ۱۹

۱-کمیته آیین‌نامه اجرایی خود را تصویب خواهد نمود.

۲-کمیته مسئولان خود را برای یک دوره دو ساله انتخاب خواهد کرد.

ماده ۲۰

۱-کمیته به منظور بررسی گزارش‌هایی که مطابق با ماده ۱۸ این مقاوله‌نامه ارائه شده هر ساله به مدتی که از دو هفته تجاوز نکند تشکیل جلسه می‌دهد.

-۲جلسات کمیته معمولاً در مقر سازمان ملل متحد یا در هر محل مناسب دیگری که به تصمیم کمیته تعیین می‌شود برگزار خواهد شد.

ماده ۲۱

۱-کمیته همه ساله از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی گزارشی در مورد فعالیت‌های خود به مجمع عمومی تسلیم می‌نماید و می‌تواند براساس گزارش‌ها و اطلاعات دریافتی از کشورهای عضو، پیشنهادات و توصیه‌های کلی ارائه دهد. این پیشنهادات و توصیه‌های کلی همراه با نظرات احتمالی کشورهای عضو در گزارش کمیته درج می‌گردد.

۲-دبیرکل ملل متحد گزارش‌های کمیته را جهت اطلاع به کمیسیون مقام زن ارسال می‌نماید.

ماده ۲۲

مؤسسات تخصصی مجاز خواهند بود که از طریق نمایندگان خود اجرای موادی از مقاوله‌نامه حاضر را که در حوزه فعالیت‌های آنها جای می‌گیرند مورد بررسی قرار دهند. کمیته ممکن است از مؤسسات تخصصی دعوت کند تا گزارش‌هایی درباره نحوه اجرای مقاوله‌نامه در زمینه‌هایی که به حوزه فعالیت آنها مربوط می‌شود ارائه کنند.

بخش ششم

ماده ۲۳

هیچ چیز در این مقاوله‌نامه بر مقرراتی که برای دستیابی زنان و مردان به برابری مفیدتر و مؤثرتر وجود دارد تأثیر نخواهد گذاشت. این مقررات می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

الف) قوانین یک کشور عضو؛ یا

ب) هر مقاوله‌نامه، پیمان یا موافقت نامه بین‌المللی دیگری که برای آن کشور لازم‌الاجرا است.

ماده ۲۴

کشورهای عضو متعهد می‌گردند کلیه اقدامات لازم در سطح ملی را که هدف از آن تحقق کامل حقوق به رسمیت شناخته شده در این مقاوله‌نامه می‌باشد، به عمل آورند.

ماده ۲۵

۱-این مقاوله‌نامه برای امضای کلیه کشورها مفتوح می‌باشد؛

۲-دبیرکل ملل متحد به عنوان امین این مقاوله‌نامه تعیین می‌شود؛

۳-تصویب این مقاوله‌نامه منوط به طی مراحل تصویب قانونی است. اسناد تصویب نزد دبیرکل ملل متحد به امانت گذارده خواهد شد؛

۴-این مقاوله‌نامه جهت الحاق کشورها مفتوح می‌باشد. الحاق با سپردن سند الحاق به دبیرکل ملل متحد محقق می‌شود.

ماده ۲۶

۱-کشورهای عضو می‌توانند در هر زمان طی نامه‌ای خطاب به دبیرکل ملل متحد درخواست تجدید نظر در این مقاوله‌نامه را کنند؛

۲-مجمع عمومی ملل متحد در مورد اقدامات احتمالی بعدی در مورد چنین درخواستی تصمیم خواهد گرفت.

ماده ۲۷

۱–این مقاوله‌نامه سی روز پس از تاریخی که بیستمین سند تصویب یا الحاق آن نزد دبیرکل ملل متحد به امانت گذارده شد، لازم‌الاجرا می‌گردد.

۲–پس از به ودیعه سپردن بیستمین سند تصویب یا الحاق، برای هر کشوری که این مقاوله‌نامه را تصویب می‌کند یا به آن ملحق می‌گردد، مقاوله‌نامه مذکور از روز سی تاریخی که سند تصویب یا الحاق آن به امانت گذارده شده لازم‌الاجرا می‌گردد.

ماده ۲۸

۱–دبیرکل ملل متحد متن حق شرط کشورها، در هنگام تصویب یا الحاق را دریافت نموده و آن را میان کلیه کشورهای توزیع می‌نماید.

۲–حق شرط‌هایی که با هدف و منظور این مقاوله‌نامه سازگار نباشد مجاز نخواهد بود.

۳–حق شرط‌هایی از طریق تسلیم یادداشتی به دبیرکل ملل متحد در هر زمان قابل پس گرفتن است. نامبرده همه کشورها را از این موضوع مطلع خواهد کرد. لغو حق شرط از روزی که یادداشت دریافت شود معتبر است.

ماده ۲۹

۱–هرگونه اختلاف در تفسیر یا اجرای این مقاوله‌نامه بین دو یا چند کشور عضو که از طریق مذاکره حل نگردد، بنا به تقاضای یکی از طرفین به داوری ارجاع می‌گردد. چنانچه ظرف شش ماه از تاریخ درخواست داوری، طرفین در مورد نحوه و تشکیلات داوری به توافق نرسند، یکی از طرفین می‌تواند خواستار ارجاع موضوع به دادگاه بین‌المللی دادگستری مطابق با اساسنامه دادگاه گردد.

–۲هر کشور عضو می‌تواند به هنگام امضا یا تصویب این مقاوله‌نامه یا الحاق به آن اعلام کند که خود را موظف به اجرای بند یک ماده نمی‌داند. کشورهای عضو دیگر در قبال کشوری که به بند یک این ماده اعلام حق شرط نموده است، ملزم به اجرای بند یک نمی‌باشند.

۳-هرکشور عضوی که بر طبق بند ۲ این ماده اعلام حق شرط نموده باشد می‌تواند در هر زمان از حق شرط خود از طریق اعلام رسمی به دبیرکل ملل متحد صرف نظر نماید.

ماده ۳۰

این مقاوله‌نامه که متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی آن دارای اعتبار یکسان می‌باشند، نزد دبیرکل ملل متحد به امانت گذارده می‌شود.

پروتکل اختیاری ملحق به مقاوله‌نامه حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان[1] مصوب ۱۵ اکتبر ۱۹۹۹

مجمع عمومی،

با تأیید مجدد اعلامیه و برنامه اقدام وین و اعلامیه و برنامه اقدام پکن،

با یادآوری این که برنامه اقدام پکن، براساس اعلامیه و برنامه اقدام وین، از روند آغاز شده توسط کمیسیون مقام زنان به منظور تهیه طرح پروتکل اختیاری به مقاوله‌نامه حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان که می‌تواند در اسرع وقت در مورد رویه حق دادخواست به اجرا درآید، حمایت می‌کند،

با اشاره به اینکه برنامه اقدام پکن همچنین از تمامی کشورهایی که هنوز این مقاوله‌نامه را تصویب نکرده یا به آن ملحق نشده‌اند، درخواست می‌کند تا این مقاوله‌نامه را در اسرع وقت تصویب کنند تا شناسایی جهانی آن تا سال ۲۰۰۰، محقق شود،

۱- پروتکل اختیاری مقاوله‌نامه را که متن آن ضمیمه قطعنامه حاضر است، تصویب و برای امضا، تصویب و الحاق می‌گشاید.

---

[1] Optional Protocol to the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, by resolution A/RES/54/4 at the fifty-fourth session of the United Nations General Assembly. It was adapted on 06 October 1999.

۲- از تمام کشورهایی که مقاوله‌نامه را امضا کرده، اما آن را تصویب نکرده‌اند یا به آن نپیوسته‌اند، درخواست می‌کند تا هرچه زودتر به این پروتکل امضا کرده و آن را تصویب کنند یا به آن بپیوندند؛

۳- تأکید می‌کند که کشورهای عضو پروتکل باید متعهد به احترام گذاشتن به حقوق و رویه های مقرر شده در این پروتکل و همکاری با کمیته حذف تبعیض علیه زنان در تمام مراحل کار این کمیته بر اساس این پروتکل باشند؛

۴- همچنین تأکید می‌کند که کمیته در اجرای ماموریت و وظایف خود بر اساس پروتکل، باید همچنان با اصول عدم انتخابی بیطرفی هدایت شود؛

۵- از کمیته درخواست می‌کند تا برای انجام وظایف خود بر اساس این پروتکل پس از ورود آن به اجرا، علاوه بر جلساتی که بر اساس ماده ۲۰ مقاوله‌نامه برگزار می‌کند، جلسات دیگری نیز برگزار کند؛ مدت زمان این جلسات توسط جلسه‌ای از کشورهای عضو این پروتکل تعیین و در صورت لزوم با تأیید مجمع عمومی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛

۶- از دبیرکل درخواست می‌کند که کارکنان و امکانات لازم را برای اجرای موثر وظایف کمیته براساس این پروتکل پس از ورود آن به اجرا در نظر بگیرد؛

۷- همچنین از دبیرکل درخواست می‌کند که اطلاعات مربوط به وضعیت پروتکل را در گزارش‌های منظم خود که به مجمع عمومی در مورد وضعیت مقاوله‌نامه ارائه می‌شود، شامل شود.

بیست و هشتمین جلسه عمومی ۶ اکتبر ۱۹۹۹

ضمیمه پروتکل اختیاری مقاوله‌نامه رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

کشورهای طرف پروتکل حاضر:

با توجه به این که منشور سازمان ملل متحد، بار دیگر ایمان به حقوق اساسی بشر، به کرامت و ارزش انسان و به حقوق برابر مردان و زنان را تأیید می‌کند،

با توجه به این که منشور سازمان ملل متحد، بار دیگر ایمان به حقوق اساسی بشر، به کرامت و ارزش انسان و به حقوق برابر مردان و زنان را تأیید می کند،

با یادآوری میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر و دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر که تبعیض برمبنای جنسیت را منع کرده‌اند،

با یادآوری مقاوله‌نامه حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان که به موجب آن کشورهای تبعیض علیه زنان را در تمام اشکال آن محکوم کرده‌اند و پذیرفته‌اند که با تمام ابزارهای مناسب و بدون درنگ رفع تبعیض علیه زنان را پیگیری کنند،

با تأکید مجدد بر عزم خود برای تضمین برخورداری کامل و برابر زنان از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و اقدام مؤثر برای جلوگیری از نقض این حقوق و آزادی‌ها،

کشورهای عضو موارد زیر را می‌پذیرند:

ماده ۱

کشور عضو پروتکل حاضر صلاحیت کمیته حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان (کمیته) را جهت دریافت و رسیدگی به شکایات ارائه شده براساس ماده ۲ به رسمیت می‌شناسد.

ماده ۲

شکایات ممکن است توسط یا از طرف افراد یا گروه‌هایی از افراد تحت صلاحیت یک کشور عضو که ادعا می‌کنند قربانی نقض هر یک از حقوق مندرج در مقاوله‌نامه توسط آن کشور عضو هستند، ارسال

شود. در صورتیکه شکایت از طرف افراد یا گروهی از افراد ارسال شود، این امر باید با رضایت آنها باشد، مگر اینکه شاکی بتواند اقدام از جانب آنها را بدون چنین رضایتی توجیه کند.

ماده ۳

شکایات می‌بایست کتبی و دارای امضا باشد. اگر شکایت رسیده به کمیته راجع به کشوری باشد که عضو مقاوله‌نامه است اما عضو پروتکل نیست، این شکایت مورد رسیدگی قرار نخواهد گرفت.

ماده ۴

کمیته به شکایت فردی رسیدگی خواهد کرد که محقق و معلوم گردد آن فرد تمام راه‌های قابل قبول داخلی را طی کرده اما نتیجه روشنی از شکایت خود نگرفته است. در مواردی که طی کردن مراحل شکایت به نحو غیرمعقولی طولانی باشد، اجرا نخواهد شد. کمیته شکایاتی را که قابل پذیرش نیستند را بنا بر دلایل زیر اعلام خواهد کرد:

الف) آن شکایت پیشتر توسط کمیته یا روند تحقیقات بین‌المللی دیگری مورد رسیدگی قرارگرفته باشد؛

ب) آن شکایت آشکارا ناقص و یا ک اثبات ناشدنی باشد؛

ج) آن شکایت (تشخیص داده شود که) مورد سوءاستفاده از حق تسلیم شکایت کردن است؛

د) موارد موضوع شکایت زمانی اتفاق افتاده است که پروتکل حاضر برای کشور عضو مربوطه لازم‌الاجرا نبوده است، مگر آنکه آن موارد بعد از آن زمان ادامه داشته است.

ماده ۵

۱-در هر زمان پس از دریافت یک شکایت و قبل از اینکه تصمیم گیری در مورد آن صورت گیرد، کمیته می‌تواند به کشور عضو مربوطه برای بررسی فوری درخواست کند که کشور عضو اقدامات موقت لازم را برای جلوگیری از آسیب احتمالی جبران ناپذیر به قربانی یا قربانیان نقض ادعایی انجام دهد.

۲-هنگامی که کمیته از اختیار خود بر اساس بند ۱ این ماده استفاده می‌کند، این امر به معنای تعیین قابل قبول بودن یا شایستگی برای رسیدگی به شکایت نیست.

ماده ۶

۱-مگر اینکه کمیته یک شکایت را بدون اشاره به کشور عضو مربوطه غیرقابل قبول بداند، و به شرطی که فرد یا افراد به افشای هویت خود به آن کشور عضو رضایت دهند، کمیته هر شکایتی را که طبق این پروتکل به آن ارسال شده است به صورت محرمانه به اطلاع کشور عضو مربوطه می رساند.

۲- ظرف شش ماه، دولت عضو پذیرنده توضیحات یا بیانیه‌های کتبی مبنی بر شفاف سازی موضوع و در صورت وجود راه حلی که ممکن است توسط آن کشور عضو ارائه شده باشد، به کمیته ارائه خواهد کرد.

ماده ۷

۱-کمیته، شکایات دریافت شده بر اساس این پروتکل را با توجه به تمام اطلاعاتی که توسط افراد یا گروه های افراد یا به نام آنها و توسط کشور عضو مورد نظر به آن ارائه شده است، بررسی می‌کند، به شرطی که این اطلاعات به طرف‌های مورد نظر ارسال شود.

۲-کمیته در هنگام بررسی شکایات تحت این پروتکل جلسات بسته‌ای برگزار می‌کند.

۳-کمیته پس از بررسی یک شکایت، نظرات خود را در مورد این شکایت همراه با توصیه‌های خود، در صورت وجود، به طرفین مربوطه ارسال می کند.

۴-کشور عضو به طرز مناسبی به نظرات کمیته، همراه با توصیه های آن، در صورت وجود، توجه می‌کند و در عرض شش ماه، پاسخ کتبی خود که شامل اطلاعاتی در مورد هرگونه اقداماتی است که با توجه به نظرات و توصیه های کمیته انجام شده است، را به کمیته ارائه می‌دهد.

۵-کمیته می‌تواند از کشور عضو درخواست کند تا اطلاعات بیشتری در مورد هر گونه اقداماتی که کشور عضو در پاسخ به نظرات یا توصیه‌های خود، در صورت وجود، از جمله در گزارش های بعدی کشور عضو بر اساس ماده ۱۸ مقاوله‌نامه ارائه دهد.

ماده ۸

۱-اگر کمیته اطلاعات موثق و معتبری دریافت کند که نشان دهد کشور عضو مورد نظر حقوقی را که در مقاوله‌نامه بیان شده است، همواره نقض کرده است، آن کشور عضو را جهت همکاری و رسیدگی به اطلاعات به دست آمده دعوت خواهد کرد و در پایان مشاهدات خود را در رابطه با اطلاعات مربوطه ارائه خواهد کرد.

۲- با در نظر گرفتن هرگونه ملاحظه‌ای که ممکن است توسط کشور عضو مورد نظر ارائه شده باشد و همچنین هرگونه اطلاعات قابل اعتماد دیگری که در دسترس آن قرار دارد، کمیته می‌تواند یک یا چند عضو خود را برای انجام تحقیقات و گزارش فوری به کمیته تعیین کند. در صورت توجیه و با رضایت کشور عضو، تحقیق می‌تواند شامل بازدید از قلمرو آن کشور باشد.

۳-پس از کسب مجوز و رسیدگی برای چنین تحقیقی، کمیته این مجوز را همراه با نظرات و توصیه‌های خود به کشور عضو مربوط ارسال خواهد کرد.

۴-کشور عضو مربوطه ظرف ۶ ماه از دریافت حکم کتبی و با توجه به نظرات و توصیه هایی که توسط کمیته ارسال شده است، موافقت خود را جهت تحقیقات کمیته ابراز خواهد کر..

۵-چنین تحقیق و رسیدگی محرمانه انجام خواهد گرفت و همکاری کشور عضو در تمام مراحل تحقیقات خواسته خواهد شد.

ماده ۹

۱-کمیته ممکن است کشور عضو مربوطه را جهت (ارائه) گزارش خود، طبق ماده ۱۸ مقاوله‌نامه و همچنین جزئیات اقدامات انجام شده در پاسخ به رسیدگی‌ها و تحقیقات به عمل آمده را طبق ماده ۱۸ پروتکل حاضر، دعوت نماید.

۲-کمیته ممکن است در صورت ضرورت طبق ماده ۸ و ۴، پس از پایان دوره ۶ ماهه طی دعوتی از کشور عضو مربوطه، اقدامات انجام شده در پاسخ به رسیدگی‌ها را به اطلاع آن کشور برساند.

ماده ۱۰

۱-هر کشور عضو در موقع امضا یا تصویب یا الحاق پروتکل حاضر ممکن است اعلام کند که صلاحیت کمیته را نسبت به ماده ۸ و ۹ به رسمیت نمی‌شناسد.

۲-کشور عضوی که در ارتباط با بند ۱ ماده حاضر اعلام کرده است (که صلاحیت کمیته را به رسمیت نمی‌شناسد) می‌تواند در هر زمان با اعلام آن به دبیر کل آن را پس بگیرد.

ماده ۱۱

کشور عضو کلیه اقدامات لازم و مقتضی را برای اطمینان از اینکه افراد برابر قوانین قضایی آن کشور تحت رفتار بد یا تهدید که در نتیجه ارتباط آنها با کمیته و پیگیری پروتکل حاضر (نسبت به آن کشور) می‌باشد، انجام خواهد داد.

ماده ۱۲

کمیته گزارش سالانه خود را طبق ماده ۲۱ مقاوله‌نامه و خلاصه فعالیت‌های خود را طبق این پروتکل ارائه خواهد داد.

ماده ۱۳

هر یک از کشورهای عضو متعهد می‌شوند که بطور گسترده مفاد مقاوله‌نامه و پرتکل حاضر را در دسترس اطلاع عموم قرار دهند، بویژه امکانات دستیابی به اطلاعات در مورد دانستن نظرات و پیشنهادهای کمیته در خصوص کشور عضوی که درگیر است را مهیا سازند.

ماده ۱۴

کمیته مقررات اجرایی خود را در جهت پیروی (از دستورالعمل‌ها) و وظایفی که این پروتکل به آن اعطاء کرده است، تعیین و گسترش خواهد داد.

ماده ۱۵

۱-پروتکل حاضر برای امضای هر کشوری که مقاوله‌نامه را امضا، تصویب یا به آن ملحق شده است، مفتوح خواهد بود.

۲-پروتکل حاضر موکول به تصویب هر کشوری است که مقاوله‌نامه را تصویب یا به آن ملحق شده است. اسناد تصویب نزد دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

۳-پروتکل حاضر برای الحاق هر کشوری که مقاوله‌نامه را تصویب کرده است و یا به آن ملحق شده است، مفتوح خواهد بود.

۴-الحاق از طریق سپردن سند الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد انجام خواهد گرفت.

ماده ۱۶

۱-پروتکل حاضر ۳ ماه پس از تاریخ سپردن دهمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل لازم‌الاجرا خواهد شد.

۲-برای هر کشوری‌که پس از لازم‌الاجرا شدن، این پروتکل را به تصویب رساند و یا به آن ملحق شود، این پروتکل ۳ ماه پس از تاریخ سپردن سند تصویب یا الحاق، لازم‌الاجرا خواهد بود.

ماده ۱۷

هیچ اجازه حق شرطی نسبت به پروتکل حاضر داده نخواهد شد.

ماده ۱۸

هر کشوری می‌تواند اصلاحیه‌ای نسبت به پروتکل حاضر پیشنهاد کند و آن‌ها را نزد دبیرکل سازمان ملل متحد بسپارد.

۱-دبیرکل هر اصلاحیه پیشنهاد شده را به کشورهای عضو (این پروتکل) ارسال می‌دارد و طی درخواستی از آنها درخواست می‌کند به او اطلاع دهند که آیا مایل هستند کنفرانسی از کشورهای طرف معاهده برای بررسی این طرح‌ها و اخذ رای درباره آنها تشکیل شود. هرگاه حداقل یک سوم کشورهای طرف معاهده موافق تشکیل چنین کنفرانسی باشند، دبیرکل کنفرانسی را زیر نظر سازمان ملل متحد تشکیل خواهد داد. هر اصلاحیه‌ای که به اکثریت آرای کشورهای حاضر و رای دهنده در کنفرانس پذیرفته شود برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم خواهد شد.

۲-هنگامی‌که اصلاحیه‌ها به تصویب مجمع عمومی ملل متحد رسیده باشد و بوسیله دوسوم از کشورهای طرف معاهده پروتکل حاضر و طبق قانون اساسی هر یک از آنها پذیرفته شود، لازم‌الاجرا خواهد شد.

۳-هنگامی‌که این اصلاحیه‌ها لازم‌الاجرا شدند برای کشورهایی که آنها را پذیرفته‌اند اجرای آن الزامی خواهد بود. سایر کشورهای عضو کماکان به مقررات پروتکل حاضر و هر اصلاحیه‌ای که قبلاً پذیرفته‌اند ملزم خواهند بود.

ماده ۱۹

۱-هر کشور عضو می‌تواند در هر زمان ببا اعلام کتبی خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد پروتکل حاضر را فسخ نماید. این فسخ شش ماه پس از تاریخ وصول اعلام به دبیرکل نافذ خواهد بود.

۲-فسخ به اجرای مقررات پروتکل حاضر در مورد هر اطلاعیه‌ای که به موجب ماده ۲ قبل از تاریخ نافذ شدن فسخ تقدیم شده باشد خللی وارد نخواهد کرد.

ماده ۲۰

دبیرکل سازمان ملل متحد به اطلاع تمام کشورها مراتب زیر را خواهد رساند:

الف) امضاها، تصویب‌ها و الحاق‌های پروتکل حاضر؛

ب) تاریخ لازم‌الاجرا شدن پروتکل حاضر و هر اصلاحیه‌ای را بنابر ماده ۱۸؛

ج) هر فسخی که بر اساس ماده ۱۹ انجام گیرد.

ماده ۲۱

۱-متن‌های عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی پروتکل حاضر دارای اعتباری یکسان است و در بایگانی سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

۲-دبیرکل سازمان ملل متحد رونوشت مصدق پروتکل حاضر را به کلیه کشورهای مذکور در ماده ۲۵ مقاوله‌نامه ارسال خواهد کرد.

مقاوله‌نامه بین‌المللی

منع شکنجه

و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بیرحمانه،

غیرانسانی و یا تحقیرآمیز

پیش‌زمینه‌های شکل‌گیری مقاوله‌نامه منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و یا تحقیرآمیز[1]

شکل‌گیری مقاوله‌نامه علیه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز (موسوم به مقاوله‌نامه شکنجه) ، نتیجه کار چندین ساله‌ای بود که بلافاصله پس از تصویب اعلامیه حمایت از همه افراد در برابر شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز (اعلامیه شکنجه) مجمع عمومی در ۹ دسامبر ۱۹۷۵ به موجب قطعنامه شما ره (۳۰) ۳۴۵۲، آغاز شد. در واقع، اعلامیه شکنجه قرار بود نقطه شروعی برای کار بیشتر علیه شکنجه باشد. در قطعنامه دوم که در ۹ دسامبر ۱۹۷۵نیز به تصویب رسید، مجمع عمومی طی قطعنامه شماره (۳۰) ۳۴۵۳ از کمیسیون حقوق بشر درخواست کرد که موضوع شکنجه و هرگونه اقدام لازم برای اطمینان از رعایت مؤثر اعلامیه شکنجه را بررسی کند. دو سال بعد، در ۸ دسامبر ۱۹۷۷، مجمع عمومی طی قطعنامه شماره (۳۲)۶۲ به طور خاص از کمیسیون حقوق بشر درخواست کرد تا پیش نویس مقاوله‌نامه علیه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز را با توجه به اصول مندرج در اعلامیه شکنجه تهیه کند.

کمیسیون حقوق بشر در نشست فوریه تا مارس ۱۹۷۸ کار خود را در این زمینه آغاز کرد. کارگروهی برای رسیدگی به این موضوع تشکیل شد و مبنای اصلی بحث در این کارگروه پیش نویس مقاوله‌نامه ارائه شده توسط سوئد بود. در طول هر یک از سال‌های بعدی تا سال ۱۹۸۴ یک گروه کاری مشابه برای ادامه کار بر روی پیش نویس مقاوله‌نامه تشکیل شد. اما تعدادی از مسائل وجود داشت که در ابتدا رسیدن به توافق در مورد آنها دشوار بود. به ویژه، موضوعات زیر باعث بحث‌های طولانی شد:

---

[1] Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment. Adopted by General Assembly resolution 39/46 on 10 December 1984. Entry into force: 26 June 1987, in accordance with article 27 (1).

تعریف شکنجه که در اعلامیه شکنجه آمده بود، دقیق نبود و در موارد مختلف مورد انتقاد قرار گرفت. این بحث‌ها به تعریف دقیقتر و همچنین پیچیده تری منجر شد که در بند ۱ ماده ۱ مقاوله‌نامه شکنجه آمده است.

بحث پیرامون مفهوم صلاحیت جهانشمول از دیگر موضوعات مورد منازعه بود. به عبارت دیگر، سؤال این بود که آیا هر کشوری باید در رابطه با شکنجه، صلاحیت قضایی را نه تنها بر اساس قلمرو یا تابعیت مجرم، بلکه در مورد اعمال شکنجه‌ای که در خارج از قلمرو آن توسط افرادی که تبعه آن نیستند، به عهده بگیرد یا خیر. اصل صلاحیت جهانشمول - که قبلاً در مقاوله‌نامه‌های مقابله با هواپیماربایی و سایر اقدامات تروریستی پذیرفته شده بود - سرانجام مورد قبول قرار گرفته و جای خود را در بند ۲ ماده ۵ مقاوله‌نامه شکنجه باز کرد.

اجرای سازی بین‌المللی مقاوله‌نامه از موضوعات دیگر مورد اختلاف بود. از آنجایی که اثربخشی مقاوله‌نامه شکنجه، مانند بسیاری از مقاوله‌نامه‌های حقوق بشر دیگر، تا حد زیادی به سیستم نظارت کننده برآن بستگی دارد، اجرای آن در سطح بین‌المللی باعث بحثهای گسترده‌ای شد. در نهایت تصمیم گرفته شد که کمیته مقابله با شکنجه (براساس ماده ۱۷ مقاوله‌نامه شکنجه) با وظایف زیر تشکیل شود:

الف) دریافت، مطالعه و اظهار نظر در مورد گزارش‌های دوره‌ای از کشورهای عضو در مورد اقداماتی که برای اجرای تعهدات خود براساس مقاوله‌نامه اتخاذ کرده‌اند. (ماده ۱۹)

ب) برای شروع تحقیقات زمانی که اطلاعات قابل اعتمادی وجود دارد که به نظر می‌رسد حاوی نشانه‌های مستدلی است مبنی بر اینکه شکنجه به طور سیستماتیک در قلمرو یک کشور عضو انجام می‌شود. (ماده ۲۰)

پ) دریافت و بررسی شکایات یک کشور عضو در مورد نقض مقاوله‌نامه توسط کشور دیگر عضو. (ماده ۲۱)

ت) دریافت و بررسی درخواست‌های افرادی که ادعا می‌کنند قربانی نقض مقاوله‌نامه توسط یک کشور عضو هستند. (ماده ۲۲)

با این حال، صلاحیت‌های کمیته علیه شکنجه تحت اجباری نشدند، اما با اصلاحات زیر اعمال می‌شوند:

الف) یک کشور عضو ممکن است «انصراف دهد» و اعلام کند که صلاحیت کمیته برای شروع تحقیقات براساس ماده ۲۰ را به رسمیت نمی‌شناسد.

ب) صلاحیت کمیته برای بررسی شکایات بین کشورها تنها زمانی اعمال می‌شود که یک کشور عضو به طور خاص این صلاحیت را به رسمیت شناخته باشد. (ماده ۲۱)

ج) صلاحیت کمیته برای بررسی درخواست‌های افراد تنها زمانی اعمال می‌شود که یک کشور عضو به طور خاص این صلاحیت را به رسمیت شناخته باشد. (ماده ۲۲)

تعهدات کشورهای عضو از موضوعات دیگری است که توجه به آن برای درک اهمیت مقاوله‌نامه ضروری است. بیشتر مفاد مقاوله‌نامه شکنجه به تعهدات کشورهای عضو می‌پردازد. این تعهدات را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱) هر کشور عضو باید اقدامات مؤثر قانونی، اداری، قضایی یا سایر موارد را برای جلوگیری از اعمال شکنجه اتخاذ کند. ممنوعیت شکنجه مطلق است و در شرایط جنگی و سایر شرایط استثنایی نیز برقرار است. (ماده ۲)

ب) هیچ کشور عضو نمی‌تواند فردی را که در آن دلایل قابل توجهی برای این باور وجود دارد که در معرض خطر شکنجه قرار م گیرد، اخراج یا مسترد کند. (ماده ۳)

ج) هر کشور عضو باید تضمین کند که اعمال شکنجه در نظام حقوقی خود از جرائم جنایی جدی است. (ماده ۴)

د) هر کشور عضو، تحت شرایط معین، یک فرد مظنون به جرم شکنجه را به بازداشتگاه خواهد برد و تحقیقات مقدماتی در مورد حقایق انجام خواهد داد. (ماده ۶)

ه) هر کشور عضو باید شخص مظنون به جرم شکنجه را استرداد کند، یا پرونده را برای تعقیب به مقامات خود تسلیم کند. (ماده ۷)

و) هر کشور عضو باید اطمینان حاصل کند که مقامات آن در صورت وجود دلیل منطقی مبنی بر اینکه عمل شکنجه انجام شده است، تحقیقات انجام می‌دهند. (ماده ۱۲)

ز) هر کشور عضو باید اطمینان حاصل کند که فردی که ادعا می‌کند تحت شکنجه قرار گرفته است، پرونده او توسط مقامات ذیصلاح بررسی می‌شود. (ماده ۱۳)

ح) هر کشور عضو باید برای قربانیان شکنجه حق قابل اجرا برای غرامت عادلانه و کافی تضمین کند. (ماده ۱۴)

یک پروتکل اختیاری برای مقاوله‌نامه شکنجه توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۲ (قطعنامه (۵۷) ۱۹۹ به تصویب رسید. پروتکل اختیاری که در ۲۲ ژوئن ۲۰۰۶ لازم‌الاجرا شد، سیستمی از بازدیدهای منظم نهادهای بین‌المللی و ملی از اماکن بازداشت را به منظور جلوگیری از شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز ایجاد می‌کند. یک کمیته فرعی برای پیشگیری از شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز برای انجام چنین بازدیدهایی و حمایت از کشورهای عضو و نهادهای ملی در انجام وظایف مشابه در سطح ملی تشکیل شده است.

کمیته مقابله با شکنجه دو جلسه سالانه برگزار می‌کند. در هر جلسه، کمیته گزارش‌های تعدادی از کشورهای عضو را بررسی می‌کند. هر گزارش به صورت شفاهی با حضور یک یا چند نماینده از کشور مربوطه بررسی می‌شود. هر کشوری که گزارش آن باید در یک جلسه مورد بررسی قرار گیرد، از قبل از سؤالات اصلی که کمیته مورد بحث قرار خواهد داد، مطلع می‌شود. پس از بررسی هر گزارش، کمیته نتیجه گیری و پیشنهادات خود را اتخاذ م کند. کمیته همچنین می‌تواند نظرات کلی را در مورد مقررات خاص مقاوله‌نامه یا موضوعات مربوط به اجرای آنها اتخاذ کند..

کمیته ضد شکنجه همچنین یک گروه کاری را برای آماده سازی بررسی ارتباطات فردی دریافت شده بر اساس ماده ۲۲ مقاوله‌نامه شکنجه تشکیل داده است. این کارگروه مقبولیت و شایستگی ارتباطات را بررسی می‌کند و توصیه‌هایی را به کمیته ارائه می‌کند.[1]

---

[1] This section has directly been translated from the following text: Hans Danelius, Former Justice of the Supreme Court of Sweden. Audiovisual Library of International Law.

مقاوله‌نامه منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی رحمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز

کشورهای طرف این مقاوله‌نامه با توجه به اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد که شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق برابر و غیر قابل انتقال تمام اعضای خانواده بشری را مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان اعلام داشته است،

با توجه به اینکه حقوق مذکور از شان و منزلت ذاتی انسان سرچشمه گرفته است. با توجه به تعهدات کشورهای امضا کننده منشور، به ویژه ماده ۵۵ آن که اعتلای رعایت و حرمت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را متذکر می‌شود،

با در نظر گرفتن ماده پنجم اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده هفتم مقاوله‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که مقرر داشته است: هیچ کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه و یا مجازات و رفتارهای ظالمانه و غیرانسانی قرار داد که سلب کننده حقوق مدنی و اجتماعی فرد است،

با توجه به اعلامیه مجمع عمومی ۹ دسامبر ۱۹۷۵ مبنی بر حمایت از انسان‌هایی که مورد شکنجه و اعمال ظالمانه، غیرانسانی و رفتارهایی که باعث سلب حقوق مدنی و اجتماعی آنها می‌شود،

با آرزو و تلاش و تاثیرگذاری بیشتر علیه شکنجه و دیگر اعمال وحشیانه و غیرانسانی و مجازات و رفتارهایی که حقوق انسان‌ها را در سراسر جهان به مخاطره می‌اندازد.

ما امضا کنندگان این مقاوله‌نامه، اصول زیر را می‌پذیریم:

بخش اول

ماده ۱

۱-از نظر این مقاوله‌نامه شکنجه چنین تعریف می‌شود: هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه فردی به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او و یا شخص سوم اعمال می‌شود، شکنجه نام دارد. (همچنین) مجازات فردی به عنوان عملی که او یا شخص سوم انجام داده

است و یا احتمال می‌رود که انجام دهد، با تهدید و اجبار و بر مبنای تبعیض از هر نوع و هنگامیکه وارد شدن این درد و رنج و یا به تحریک و ترغیب و یا با رضایت و عدم مخالفت مامور کشوری و یا هر صاحب مقام دیگر انجام گیرد، شکنجه تلقی می‌شود.

۲-این ماده خدشه‌ای نسبت به اسناد بین‌المللی و یا (مصوبات) قوانین داخلی کشورها که مفهوم وسیعتری برای شکنجه درنظر گرفته‌اند، وارد نمی‌کند. (باید براساس همان مفهوم وسیعی که آن سند بین‌المللی و یا قانون داخلی درنظر گرفته است، عمل نمود).

ماده ۲

۱-هر کشور عضو این مقاوله‌نامه، موظف است اقدامات لازم و موثر قانونی، اجرایی، قضایی و دیگر امکانات را جهت ممانعت از اعمال شکنجه در قلمرو حکومت خود، به عمل آورد.
۲-هیچ وضعیت استثنایی کشوری، مانند جنگ و یا تهدید به جنگ، بی‌ثباتی سیاسی داخلی و یا هرگونه وضعیت اضطراری دیگر، مجوز و توجیه کننده اعمال شکنجه نمی‌باشد.
۳-دستور و حکم مقام مافوق (حکومتی) و یا مرجع کشوری، نمی‌تواند توجیه کننده عمل شکنجه باشد.

ماده ۳

هیچ کشور عضو، فردی را که جانش در خطر است و مورد شکنجه واقع خواهد شده، به کشوری‌که زمینه واقعی (چنین اعمالی را) دارد، مسترد نخواهد کرد. به منظور پایان دادن به ایجاد زمینه های عمل شکنجه، مراجع شایسته و صلاحیت داری باید در نظر گرفت تا بتوان بدینوسیله کشوری‌که وجود نمونه‌های فاحش و آشکار و عملی شکنجه و نقض مداوم حقوق بشر در آن مشاهده می‌شود را بررسی کنند.

ماده ۴

هر کشور عضو، مراقب و مطمئن خواهد شد که تمام انواع شکنجه تحت قوانین جنایی، جرم محسوب شود و برای کسی که مبادرت به انجام شکنجه می‌کند و یا کسی که در انجام این عمل با او مشارکت

و همکاری می‌نماید، جرم شناخته شود. هر کشور عضو برای این جرایم و با در نظر گرفتن نوع و اهمیت آنها، کیفری مناسب تعیین خواهد کرد.

ماده ۵

۱-هر کشور عضو، اقدامات لازم و ضروری و اختیارات قانونی برای جرم‌هایی که راجع به ماده چهارم است را (در دستگاه قضایی) خود به قرار زیر انجام خواهد داد:

الف: هنگامیکه جرمی در قلمرو قضایی و یا مرز دریایی و هوایی شناخته شده (آن کشور)، انجام گرفته است؛

ب: هنگامیکه متهم شهروند آن کشور باشد؛

ج: هنگامیکه قربانی (شکنجه) شهروند آن کشور باشد و آن کشور آن را تایید نماید.

۲-هر کشور عضو همچنین، اقدامات لازم را در جهت کسب اختیارات قانونی در نظام قضایی خود، به عمل خواهد آورد. این اقدامات در مواردی است که جرم های در قلمرو قضایی آن کشور صورت گرفته است و فرد متهم به کشور متبوع خود تسلیم نشده است. طبق ماده هشتم بند اول، متهم به کشورهایی که نام آنها ذکر شده است، مسترد خواهد شد. ۳-این مقاوله‌نامه از جرایم جنایی که در ارتباط با قوانین داخلی است، مستثنی نمی‌باشد.

ماده ۶

۱-پس از بررسی اطلاعات موجود، هر کشور عضوی که در قلمرو آن فردی که ادعا می‌شود مرتکب هر جرمی شده است، که در ماده ۴ به آن اشاره شده است، حضور دارد، پس از بررسی اطلاعات موجود، باید او را بازداشت کند یا اقدامات قانونی دیگر را انجام دهد. برای اطمینان از حضور او بازداشت و سایر اقدامات قانونی باید همانگونه باشد که در قانون آن کشور پیش بینی شده است، اما تنها تا زمانی که برای ایجاد هرگونه دادرسی کیفری یا استرداد ضروری است، ممکن است ادامه یابد.

۲-کشور (مذکور) مقدمات تحقیق و رسیدگی را فراهم خواهد کرد.

۳- فردی که در بازداشت به سر می‌برد، حق خواهد داشت که طبق بند ۱ این ماده، بی درنگ با نزدیکترین نمایندگی کشور متبوع خود تماس حاصل نماید. اگر فرد بازداشت شده تابعیتی نداشته باشد، او حق خواهد داشت که با نمایندگی کشوری که او در آنجا معمولا اقامت دارد، تماس گیرد.

۴-هنگامی‌که کشوری فردی را طبق این ماده بازداشت می‌کند، مراتب امر را به کشور های که در ماده ۵ بند ۱ به آنها اشاره شده است، بی درنگ اطلاع خواهد داد و شرایط و موقعیت بازداشت شده فرد متهم را بازگو خواهد کرد.

ماده ۷

۱- کشور عضو که در قلمرو آن شخص متهم به ارتکاب جرایم مذکور در ماده ۴ پیدا شده است، در موارد مذکور در ماده ۵، اگر او را تحویل ندهد، پرونده را به مقامات صلاحیت دار خود برای هدف تعقیب و پیگرد قانونی ارائه می‌دهد.

۲- این مقامات تصمیم خود را به همان شیوه ای اتخاذ می‌کنند که در مورد هر گونه جرم عادی با ماهیت جدی بر اساس قانون آن کشور اتخاذ می‌شود. در مواردی که در بند ۲ از ماده ۵ ذکر شده است، استانداردهای اثبات مورد نیاز برای تعقیب و محکومیت به هیچ وجه نباید کمتر از استانداردهای مورد استفاده در مواردی که در بند ۱ ماده ۵ ذکر شده است، باشد.

۳-هرشخصی که در رابطه با هر یک از جرایم مذکور در ماده ۴ مورد تعقیب قرار گرفته، باید در تمام مراحل این روند از برخورد عادلانه برخوردار باشد.

ماده ۸

۱-کشورهای عضو جرایم مربوط به ماده ۴ که شامل استرداد مجرمین به کشور متبوع آنها است و یا هر نوع اخراج و استردادی که آنها به وسیله قراردادهای دوجانبه پذیرفته‌اند، تضمین خواهند کرد.

۲-اگر کشور عضوی در خواست استرداد (متهمی) را از کشور عضو دیگر که معاهده‌ای را برای استرداد با این کشور امضاء نکرده است، دریافت دارد، این مقاوله‌نامه به مثابه معاهده‌ای قانونی برای استرداد مجرمین به شمار می‌رود.

۳-کشورهای عضوی که شرط استرداد را براساس معاهداتی نپذیرفته‌اند، جرایم (مربوط به شکنجه) را به مثابه جرایم قابل استرداد در قراردادهای دوجانبه محفوظ خواهند داشت و آنرا (جرم شکنجه) همانند یک جرم قابل استرداد و قانونی از کشور عضو خواستار می‌شوند.

۴-این نوع جرایم (شکنجه) با هدف استرداد ضرورت دارد که به وسیله قرارداد دوجانبه‌ای بین کشورهای عضو، انجام شود. چنانکه قرارداد دوجانبه‌ای بین (آنها) امضا شده است، لازم است مطابق با بند ۱ از ماده ۵ و براساس اختیارات قضایی کشورها، نه فقط برای مکانی که جرم در آن به وقوع پیوسته است، باشد، بلکه شامل قلمرو کشورها نیز گردد.

ماده ۹

۱-کشورهای عضو در فراهم کردن امکاناتی که در ارتباط با روند پیگیری جرایم مجرمینی که مشمول ماده ۴ می باشند، اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد و نیز یکدیگر را با ارائه شواهد و اسنادی که در اختیار دارند، جهت پیگیری روند جرایم یاری خواهند رساند.

۲-کشورهای عضو، تعهدات خویش را بنابر بند ۱ این ماده مبنی بر مساعدت‌های قضایی متقابل در بین خود عمل خواهند کرد.

ماده ۱۰

۱- هر کشور عضو باید اطمینان حاصل کند که آموزش و اطلاعات مربوط به ممنوعیت شکنجه به طور کامل در آموزش پرسنل مجری قانون، غیرنظامی یا نظامی، پرسنل پزشکی، مقامات دولتی و سایر اشخاصی که ممکن است در بازداشت، بازجویی یا درمان هر فرد تحت هر نوع دستگیری، بازداشت یا حبس دخیل باشند، گنجانده شود.

۲- هر کشور عضو باید این ممنوعیت را در قوانین یا دستورالعمل های صادر شده در رابطه با وظایف و وظایف هر یک از این افراد لحاظ کند.

ماده ۱۱

هر کشور عضو، موظف است به طور مرتب و منظم قواعد و روش‌های مربوط به بازجویی و ترتیبات راجع به نگهداری افراد در بازداشتگاه‌ها را انجام دهد. این مراقبت شامل هر نوع دستگیری، زندان و در هر کجا که حوزه قضایی آن کشور است، با در نظر گرفتن اصل ممنوعیت شکنجه انجام می‌شود.

ماده ۱۲

هر کشور عضو، موظف است ترتیباتی اتخاذ کند تا اگر دلیل معقولی بر انجام عمل شکنجه در مکان و یا در قلمرو قضایی آن کشور وجود دارد، مقامات صلاحیت دار بی درنگ و بیطرفانه به آنها رسیدگی کنند.

ماده ۱۳

هر کشور عضو موظف است حق شکایت فردی را که عنوان می‌کند او در قلمرو قضایی آن کشور مورد شکنجه قرار گرفته است، را محفوظ بدارد و شکایت او را بی درنگ و بیطرفانه به مقامات صلاحیت دار جهت رسیدگی ارجاع دهد و نیز مطمئن گردد که شکایت کننده و شاهدان از تهدیدهای که نتیجه عمل آنهاست در امان خواهند بود.

ماده ۱۴

۱-هرکشور عضو، موظف است از طریق نظام قانونی خود ترتیبات اطمینان بخشی ایجاد کند تا قربانی شکنجه حق گرفتن خسارت و جبران غرامت مناسب (عادلانه) و کافی داشته باشد. این جبران شامل اعاده وضع اولیه قربانی شکنجه تا حد امکان نیز هست. هرگاه فردی بر اثر شکنجه جان خود را از دست بدهد، جبران خسارات شامل بستگان او می‌گردد.

۲-هیچ موردی از اجرای این ماده مبنی بر اعاده حقوق قربانی شکنجه و افراد دیگری که بنابر قوانین کشوری غرامت به آنها تعلق می‌گیرد، جلوگیری نخواهد کرد.

ماده ۱۵

هر کشور عضو موظف است به نحوی اطمینان حاصل نماید که اقرار در اثر شکنجه به هیچ وجه مدرک محسوب نخواهد شد و نمی‌توان آن مدارک را به جز در مورد شخص شکنجه گر و در جهت پیگرد او به لحاظ ارتکاب جرم، مورد استناد قرار داد.

ماده ۱۶

۱-هر کشور عضو، متعهد است که در قلمرو قضایی خود اعمال وحشیانه، غیرانسانی و رفتارهای تحقیرآمیز و مجازات‌هایی را که مشمول تعریف شکنجه و ماده یک این مقاوله‌نامه نیست و این اعمال به تحریک و ترغیب و یا با رضایت و عدم مخالفت مامور کشوری و یا هر صاحب مقام دیگر انجام می‌گیرد، جلوگیری به عمل آورد.

۲- هر کشور عضو متعهد می شود که در هر سرزمینی که تحت صلاحیت خود است از سایر اعمال یا رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز که به منزله شکنجه تعریف شده در ماده یک نمی باشد، جلوگیری کند، در صورتیکه این اعمال توسط یا به تحریک یا با رضایت یا رضایت یک مقام دولتی یا شخص دیگری که در مقام رسمی فعالیت می‌کند. به ویژه، تعهدات مندرج در مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ با جانشینی اشاره به شکنجه، ارجاع به اشکال دیگر رفتار یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز اعمال خواهد شد.

بخش دوم

ماده ۱۷

۱-یک کمیته علیه شکنجه (که از این پس کمیته نامیده می شود) ایجاد خواهد شد که وظایف ارائه شده از این پس را انجام خواهد داد. کمیته متشکل از ده نفر از کارشناسان دارای جایگاه

اخلاقی متعالی و صلاحیت شناخته شده در زمینه حقوق بشر است که در مقام شخصی خود خدمت خواهند کرد. کارشناسان با توجه به توزیع عادلانه جغرافیایی و سودمندی مشارکت برخی از افراد دارای تجربه حقوقی توسط کشورهای عضو انتخاب خواهند شد.

۲-اعضای کمیته با رای مخفی و از فهرست نامزدهایی که کشورهای عضو تعیین کرده‌اند، انتخاب می‌شوند. کشورهای عضو در نظر خواهند داشت که افراد سودمند و کسانی از اعضای کمیته حقوق بشر تحت نظارت پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز افرادی که مایل به خدمت در کمیته ضد شکنجه خدمت کنند، را نامزد کنند.

۳-انتخابات اعضای کمیته در جلسات دو ساله کشورهای عضو که توسط دبیر کل سازمان ملل متحد فراخوانده می‌شود، برگزار می‌شود. در این جلسات، که دو سوم کشورهای عضو به صورت قطعنامه تشکیل می‌شوند، افرادی به کمیته انتخاب می شوند که بیشترین تعداد رای و اکثریت مطلق رای نمایندگان کشورهای عضو حاضر و رای دهنده را کسب کرده‌اند.

۴-اولین انتخابات نباید از ۶ ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این مقاوله‌نامه بیشتر باشد. برای انتخابات حداقل ۴ ماه پیش از تاریخ انجام آن، دبیرکل سازمان ملل متحد، از کشورهای عضو، به وسیله نامه دعوت خواهد کرد که نامزدهای خود را برای عضویت در کمیته ظرف ۳ ماه معرفی کنند. دبیرکل سازمان ملل فهرستی به ترتیب حروف الفباء از افرادی که نامزد شده‌اند، با ذکر نام کشورهای که آنان را معرفی کرده‌اند، تهیه و به کشورهای عضو ارسال خواهد داشت.

۵-اعضای کمیته برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند و در صورتیکه مجددا نامزد شوند، تجدید انتخاب آنها مجاز خواهد بود. لیکن مدت زمان پنج عضو کمیته منتخب در اولین انتخابات در پایان ۲ سال منقضی می‌شود. نام این ۵ عضو پس از اولین دوره انتخابات با قید قرعه و به وسیله رئیس جلسه مذکور، بنابر بند ۳ این ماده معین می‌گردد.

۶-اگر عضوی از اعضای کمیته فوت کند و یا استعفا دهد، و یا به هر دلیل دیگری نتواند انجام وظیفه کند، کشور عضوی که این فرد را نامزد کرده بود، شخص کارشناس دیگری که تبعه آن کشور باشد را جهت جایگزینی و خدمت تعیین می‌کند و تصویب او را با اکثریت آراء از کشورهای

عضو خواستار می‌گردد. کشورهای عضو تصویب (عضو جدید) را مورد بررسی قرار خواهند داد، اگر نصف یا بیشتر آنها رای منفی به این تصویب دهند، مراتب امر به اطلاع دبیرکل سازمان ملل خواهد رسید تا در ظرف ۶ هفته فرد دیگری معرفی و تعیین گردد. کشورهای عضو، مسئولیت هزینه‌های اعضای کمیته را در هنگام انجام وظیفه متقبل خواهند شد.

ماده ۱۸

۱-کمیته، هیئت رئیسه خود را برای مدت ۲ سال انتخاب خواهد کرد، آنها می‌توانند مجددا انتخاب شوند.

۲-کمیته آیین نامه داخلی خود را خود تنظیم می کند. مقررات این آیین نامه به قرار زیر خواهد بود:

الف) حد نصاب رسمیت جلسات حضور ۶ عضو است؛

ب) تصمیمات کمیته با اکثریت آراء اعضای حاضر اتخاذ می گردد.

۳-دبیرکل سازمان ملل متحد، کارمندان و امکانات لازم و مورد احتیاج را جهت اجرای موثر وظایفی که کمیته به موجب این مقاوله‌نامه به عهده دارد، در اختیار کمیته قرار می‌دهد.

۴-دبیرکل سازمان ملل متحد اعضای کمیته را برای تشکیل نخستین جلسه دعوت می‌کند. پس از آن، کمیته در ایامی که در آیین نامه داخلی آن پیش بینی شده است، تشکیل جلسه خواهد داد.

۵-کشورهای عضو مسئولیت هزینه‌هایی که در ارتباط با گردهمایی کشورهای عضو کمیته و هزینه‌های که به وسیله سازمان ملل در این مورد پرداخت می‌شود، مانند هزینه کارمندان و تهیه امکانات بنابر بند ۳ این ماده را برعهده خواهند داشت.

ماده ۱۹

۱-کشورهای عضو به توسط دبیرکل سازمان ملل، اقداماتی که در جهت اجرای تعهدات خود طبق این مقاوله‌نامه انجام داده‌اند، را به کمیته تقدیم می‌کنند. (نخستین گزارش) یک سال پس از لازم‌الاجرا شدن مقاوله‌نامه برای کشور عضو باید به کمیته ارائه گردد و از آن پس کشورهای عضو گزارشات تکمیلی و اقدامات جدید خود در این زمینه را هر چهار سال یکبار تقدیم می‌دارند.

۲-دبیرکل سازمان ملل این گزارش را به کشورهای عضو ارسال خواهد داشت.

۳-هر گزارشی مورد بررسی و رسیدگی کمیته قرار خواهد گرفت و کمیته نظرها و پیشنهادهای عمومی خود را نسبت به گزارش به کشورهای مربوط اعلام می‌دارد. کشور عضو مزبور می‌تواند پاسخ‌ها و نظرات خود را به کمیته اعلام نماید.

۴-کمیته بنابر صلاح دید خود ممکن است نظرات و پیشنهادهایی که در ارتباط با بند ۳ این ماده و مربوط به کشور عضو مزبور است و ملاحظات خود و نظر کشورها را در گزارش سالانه خود و بر طبق ماده ۲۴ به مجمع عمومی ارائه دهد. اگر کشور عضو مزبور درخواست یک رونوشت از این گزارش را نماید، کمیته طبق بند ۱ این ماده این درخواست را می‌پذیرد.

ماده ۲۰

۱-اگر کمیته، اطلاعات موثق و قابل اعتمادی دریافت کند که به وضوح نشان دهد، در قلمرو یکی از کشورهای عضو به طور منظم شکنجه وجود دارد، کمیته، کشور مربوط را دعوت می‌کند که برای رسیدگی و بررسی این موضوع همکاری نماید و در پایان نظرهای خود را با توجه بر اطلاعات مزبور، ارائه خواهد داد.

۲-با توجه به ملاحظاتی که کشور عضو ممکن است به کمیته ارائه دهد و نیز اطلاعات قابل استناد دیگر که کمیته را به معتبر بودن این اطلاعات متقاعد کرده است، کمیته ممکن است یک یا چند

عضو خود را برای رسیدگی و تحقیق به طور محرمانه مامور کند تا بی درنگ گزارشی برای کمیته تهیه کنند.

۳-با انجام این تحقیقات، بنابر بند ۲ این ماده، کمیته از کشور عضو مربوط خواهد خواست که در این مورد همکاری نماید.

۴-با توجه به تحقیقات انجام شده و توافق با کشور عضو ذیربط، بازدید (مسافرت) از قلمرو آن کشور به عمل خواهد آمد. کمیته بعد از رسیدگی و تشخیص نظرات عضو و یا اعضاء و با توجه به بند ۲ این ماده، نظرات و تشخیص آنها را همراه با پیشنهادات و ارزیابی خود و با در نظر گرفتن موقعیت به کشور عضو مربوط، منتقل خواهد کرد.

۵-تمام مراحل (تحقیق و بررسی) که از طرف کمیته انجام م می‌گیرد، بنابر بند ۱ تا ۴ این ماده، محرمانه خواهد بود. همچنین در تمام مراحل تحقیق و رسیدگی، کشور عضو ذیربط به همکاری خواسته می‌شود. پس از تکمیل روند تحقیقات و با توجه به بند ۲، کمیته با مشورت کشور عضو مربوط، ممکن است تصمیم بگیرد که خلاصه‌ای از نتایج تحقیقات را با توجه به ماده ۲۴ ، در گزارش سالانه خود (به مجمع عمومی) منعکس نماید.

ماده ۲۱

۱- هر کشور عضو این مقاوله‌نامه می‌تواند در هر زمان به موجب این ماده اعلام کند که صلاحیت کمیته را برای دریافت و بررسی گزارش‌هایی که به این معنا است که یک کشور عضو ادعا می‌کند که یک کشور عضو دیگر تعهدات خود را بر اساس این مقاوله‌نامه انجام نمی‌دهد، به رسمیت می‌شناسد. چنین اطلاعیه‌هایی تنها در صورتی می‌توانند بر اساس روشهای مقرر در این ماده دریافت و بررسی شوند که از سوی یک کشور عضو که اعلامیه‌ای مبنی بر پذیرش صلاحیت کمیته را صادر کرده باشد، ارسال شوند. هیچگونه اطلاعیه ای توسط کمیته بر اساس این ماده مورد بررسی قرار نمی گیرد اگر مربوط به یک کشور عضو باشد که چنین بیانیه ای را ارائه نکرده باشد. اطلاعات دریافت شده بر اساس این ماده با روش زیر رسیدگی می شود:

الف) اگر یک کشور عضوی تشخیص دهد که کشور عضو دیگری به مقررات این مقاوله‌نامه ترتیب اثر نمی‌دهد، می‌تواند به وسیله نامه، توجه آن کشور عضو را جهت رسیدگی به موضوع جلب کند. در ظرف ۳ ماه پس از دریافت اطلاعیه، کشور دریافت کننده، توضیح یا هرگونه اظهار کتبی دیگر دائر بر روشن کردن موضوع را در اختیار کشور فرستنده اطلاعیه خواهد گذارد. توضیحات و اظهارات مزبور تا حد امکان شامل اطلاعاتی در مورد آیین دادرسی طبق قوانین داخلی آن کشور و آنچه که برای بهبودی آن به عمل آمده یا در جریان رسیدگی است یا آنچه در این مورد قابل اصلاح است، خواهد بود.

ب) اگر موضوعات به ترتیبی باشد که رضایت هر دو کشور عضو پس از دریافت اولین اطلاعیه و در ظرف ۶ ماه جلب ننماید، هر یک از طرفین حق خواهد داشت با ارسال اخطاریه‌ای به کمیته و به کشور مقابل، موضوع را پیگیری نماید.

ج) کمیته با توجه به این ماده فقط پس از اینکه برایش محقق شد که اقدامات چاره جویانه و قابل اصلاح طبق قوانین داخلی دو کشور، به نتیجه‌ای نرسیده است و دو کشور از حل موضوع بر طبق اصول حقوق بین‌المللی عاجز می‌باشند، آنگاه به موضوع مرجوعه رسیدگی خواهد کرد. این قاعده در مواردی که رسیدگی به شکایات به نحوی از راه های قانونی غیر معقول و طولانی باشد و یا کمک مؤثر به فردی که طبق این میثاق قربانی خشونت محسوب می‌شود، غیر محتمل و بعید بنظر رسد، اجرا نخواهد شد.

د) کمیته در مواقع رسیدگی به شکایت‌های دریافتی، براساس این ماده جلسات محرمانه تشکیل خواهد داد.

ه) با رعایت مقررات بند (ج)، کمیته به منظور حل دوستانه موضوع مورد اختلاف و براساس احترام به تعهداتی که در این مقاوله‌نامه ارائه شده است، کمک‌های قابل اجرای خود را در اختیار کشورهای عضو مربوط خواهد گذارد. بدین منظور، در زمان مقتضی، کمیته یک کمیسیون حل اختلاف تخصصی تعیین خواهد کرد.

و) کمیته باید ظرف دوازده ماه پس از تاریخ دریافت اخطار طبق بند (ب) گزارشی را ارائه کند.

ز) کشورهای عضو مربوط موضوع زیر بند (ب) حق خواهند داشت هنگام رسیدگی به موضوع در کمیته، نماینده‌ای داشته باشند و ملاحظات خود را بطور شفاهی و یا کتبی اظهار دارند.

ح) این کمیته در مدت دوازده ماه پس از دریافت اطلاعیه به موجب بند (ب) یک گزارش ارائه خواهد کرد:

اول - اگر راه حلی در چارچوب بند (ه) حاصل شود، کمیته باید گزارش خود را به بیان مختصری از حقایق و راه حل به دست آمده محدود کند .

دوم- اگر راه حلی در چارچوب بند (ه) حاصل نشود، کمیته گزارش خود را به بیان مختصری از حقایق محدود خواهد کرد. گزارش‌های کتبی و سوابق ارسال‌های شفاهی ارائه شده توسط کشورهای عضو مربوط باید به گزارش پیوست شود.

در هر مورد، این گزارش به کشورهای عضو مربوطه ارسال خواهد شد.

۲-مقررات این ماده هنگامی قابل اجرا خواهد بود که پنج کشور عضو مقاوله‌نامه، بنا بر بند ۱ این ماده اعلامیه های پیش بینی شده را داده باشند. اعلامیه های مذکور نزد دبیرکل سازمان ملل سپرده خواهد شد و رونوشت آن برای سایر کشورهای عضو مقاوله‌نامه ارسال خواهد شد. اعلامیه ممکن است در هر زمان بوسیله نامه‌ای دبیرکل سازمان ملل بازپس گرفته شود. این استرداد به رسیدگی موضوع یک شکایت که قبلا به موجب این ماده ارسال شده باشد، خللی وارد نمی‌کند. هیچ شکایت دیگری پس از دریافت اخطاریه استرداد اعلامیه به دبیرکل پذیرفته نمی‌شود، مگر آنکه کشور عضو مربوط اعلامیه جدیدی داده باشد.

ماده ۲۲

۱-یک کشور عضو این مقاوله‌نامه می‌تواند به موجب این ماده در هر زمان صلاحیت کمیته را برای دریافت و رسیدگی شکایات افرادی که مدعی قربانی خشونت توسط یک کشور عضو این میثاق هستند، به رسمیت شناسد و آنرا اعلام دارد.

۲-هیچ شکایتی از کشور عضوی که چنین اعلامی نسبت به آن صورت نگرفته است از جانب کمیته قابل پذیرش نخواهد بود.

۳-کمیته شکایات بدون نام و یا ناسازگار با مقررات مقاوله‌نامه را بنا بر این ماده و یا شکایاتی که در مقام سوء استفاده از این حق مطرح شده است را نخواهد پذیرفت.

۴-با رعایت مقررات بند ۲، کمیته بنا بر این ماده ضمن رسیدگی کردن به شکایات کشور عضوی که متهم به تخلف از مفاد این مقاوله‌نامه است، توجه آنرا نیز طبق بند ۱ به این شکایات جلب می‌کند.

۵- کمیته، گزارشات دریافت شده بر اساس این ماده را با توجه به تمام اطلاعاتی که توسط فرد یا به نام فرد و توسط دولت عضو مورد نظر به آن ارائه شده است، بررسی می‌کند. ۵- کمیته هیچگونه اطلاع رسانی از سوی یک فرد براساس این ماده را در نظر نمی گیرد مگر اینکه اطمینان حاصل کرده باشد که:

الف) همان موضوع تحت مورد رسیدگی توسط یک نهاد دیگر بین‌المللی نیست؛

ب) فرد تمام راه حل‌های داخلی موجود را به اتمام رسانده است؛ این قاعده در صورتیکه استفاده از این راه حل‌ها به طور غیرمنطقی طولانی شود یا به احتمال زیاد به فرد قربانی نقض این مقاوله‌نامه کمکی موثر نمی رساند، صدق نمی‌کند.

۶-کمیته در مواقع رسیدگی به شکایات دریافتی، بنابر این ماده جلسات محرمانه تشکیل خواهد داد.

۷-کمیته نظرات خود را به کشور عضو مربوط و فرد(شکایت کننده) منعکس میکند.

۸-مقررات این ماده هنگامی قابل اجرا خواهد بود که پنج کشور عضو مقاوله‌نامه اعلامیه های پیش بینی شده در بند اول این ماده را داده باشند. اعلامیه‌های مذکور توسط کشور عضو، نزد دبیرکل سازمان ملل به امانت سپرده خواهد شد. دبیرکل سازمان ملل، رونوشت آنرا برای سایر کشورهای طرف میثاق ارسال خواهد داشت. اعلامیه ممکن است در هر زمان، بوسیله اخطاریه به دبیرکل مسترد گردد، این استرداد به رسیدگی هر مسئله، موضوع شکایتی که قبلا به موجب این ماده ارسال شده بود، خللی وارد نمی‌کند.

ماده ۲۳

اعضای کمیته و کمیسیون‌های مشاورین متخصص که بنا به ماده ۲۱ بند ۱(ه) انتصاب می‌شوند، سزاوار برخورداری از امتیازات و مصونیت های در ماموریت‌های سازمان ملل، خواهند بود. این موارد در بخش‌های مربوط به مقاوله‌نامه و براساس امتیازات و مصونیت‌های سازمان ملل قرار خواهد گرفت.

ماده ۲۴

کمیته به موجب این مقاوله‌نامه، فعالیت‌های خود را در یک گزارش سالانه تقدیم کشورهای عضو و مجمع عمومی سازمان ملل متحد خواهد نمود.

بخش سوم

ماده ۲۵

۱-این این مقاوله‌نامه برای امضای همه کشورها باز است.

۲- این مقاوله‌نامه مشروط به تصویب است. اسناد تصویب در اختیار دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده می شود.

ماده ۲۶

این مقاوله‌نامه برای الحاق تمام کشورها مفتوح خواهد بود. الحاق کشورها بوسیله سند الحاق که نزد دبیرکل سازمان ملل سپرده خواهد شد، صورت می‌گیرد.

ماده ۲۷

این مقاوله‌نامه ۳۰ روز پس از سپرده شدن بیستمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد، قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد. برای هر کشوری که پس از سپرده شدن بیستمین سند تصویب یا الحاق، این مقاوله‌نامه را تصویب کند و به آن بپیوندد، مقاوله‌نامه ۳۰ روز بعد از تاریخ سپرده شدن سند تصویب یا الحاق آن کشور، قدرت اجرایی (برای آن کشور) پیدا خواهد کرد.

ماده ۲۸

۱-هر کشوری ممکن است در زمان امضا یا تصویب این مقاوله‌نامه یا الحاق، اعلام دارد که صلاحیت کمیته را برای (وظایفی که) در ماده ۲۰ ارائه شده است، به رسمیت نمی‌شناسد.

۲-هر کشور عضوی که حق شرطی را برای خود در ارتباط با بند ۱ این ماده قائل شده است، در هر زمان می‌تواند آنرا بوسیله نوشتن یادداشت به دبیرکل سازمان ملل متحد، استرداد کند.

ماده ۲۹

۱-هر کشور عضو این مقاوله‌نامه می‌تواند اصلاحیه‌ای را برای مقاوله‌نامه پیشنهاد کرده و متن آن را نزد دبیرکل سازمان ملل بسپارد.

۲-دبیرکل هر طرح اصلاحی پیشنهادی را برای کشورهای عضو این میثاق ارسال خواهد داشت و از آنها درخواست خواهد کرد که به او اعلام دارند آیا با تشکیل کنفرانسی از کشورهای عضو به منظور رسیدگی و گرفتن رای در باره طرح‌های پیشنهادی موافق هستند؟ در صورتیکه حداقل یک سوم کشورهای عضو خواهان تشکیل چنین کنفرانسی باشند، دبیرکل کنفرانس را تحت

نظر و توجه سازمان ملل تشکیل خواهد داد. هر اصلاحی که مورد قبول اکثریت کشورهای حاضر عضو و رای دهنده در کنفرانس قرار گیرد، به وسیله دبیرکل به تمام کشورهای عضو برای پذیرفتن، ارسال خواهد شد.

۳-اصلاحیه پذیرفته شده با توجه به بند ۱ این ماده، هنگامی قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد که دو سوم کشورهای عضو این مقاوله‌نامه، به دبیرکل سازمان ملل متحد اطلاع دهند که آنها بر طبق قانون اساسی خودشان آنرا پذیرفته‌اند.

۴-وقتی مفاد اصلاحی قدرت اجرایی پیدا کردند، برای کشورهای عضو که آنرا پذیرفته‌اند، لازم‌الاجرا می‌گردد.

۵-دیگر کشورهای عضو به مقررات این مقاوله‌نامه و هرگونه اصلاحاتی که پذیرفته‌اند، ملزم خواهند شد.

ماده ۳۰

۱-هر اختلافی که بین دو کشور عضو و یا چند کشور عضو در مورد تفسیر یا کاربرد این مقاوله‌نامه بوجود آید، و آنها نتوانند این اختلاف را طی مذاکرات بین خود حل کنند، با درخواست یکی از آنها این اختلاف به (هیئت) داوری واگذار خواهد شد.

۲-اگر پس از ۶ ماه یعنی از زمانیکه درخواست به هیئت واگذار شده است، کشورها قادر به پذیرفتن رای هیئت داور نیستند، هرکدام از طرفین موضوع می‌توانند این اختلاف را به دادگاه دادگستری بین‌المللی ارجاع دهند.

۳-هر کشوری می‌تواند در زمان امضای این مقاوله‌نامه یا الحاق آن اعلام دارد که خود را متعهد به اجرای بند ۱ این ماده نمی‌داند. کشورهای عضو دیگر با احترام به هر کشوری که این حق و شرط را برای خود محفوظ داشته‌اند، خود را متعهد به اجرای بند ۱ این ماده، در مورد آن کشور نمی‌دانند.

۴-هر کشور عضوی که شرط و حق شرطی را در ارتباط با بند ۲ این ماده برای خود قائل شده است، در هر زمان می‌تواند آنرا به وسیله یادداشت به دبیرکل سازمان ملل متحد، مسترد کند.

ماده ۳۱

۱-یک کشور عضو می‌تواند در هر زمان این مقاوله‌نامه را از طریق یادداشت کتبی به دبیرکل سازمان ملل، فسخ نماید و خروج خود را از این مقاوله‌نامه (که در واقع عدم تعهد خود به آن است) را اعلام دارد. یکسال پس از دریافت این یادداشت به دبیرکل انصراف و خروج قطعی و لازم‌الاجرا خواهد شد.

۲-این فسخ و انصراف، تاثیری بر تعهدات کشور عضو نسبت به اعمالی که قبل از تاریخ لازم‌الاجرا شدن خروج انجام داده است، نخواهد داشت و مانع ادامه رسیدگی کمیته که قبل از آن تاریخ شروع شده، نمی‌شود.

۳-پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن خروج از مقاوله‌نامه، کمیته دیگر نسبت به کشور خارج شده، رسیدگی را انجام نخواهد داد.

ماده ۳۲

دبیرکل سازمان ملل متحد تمام کشورهای عضو سازمان ملل و کشورهایی که این مقاوله‌نامه را امضا کرده‌اند و یا به آن پیوسته‌اند را مطلع خواهد کرد که:

الف) امضا ها، مصوبات (اسناد تصویب) و الحاق ها را بنا بر ماده ۲۵ و ۲۶؛

ب) تاریخ اجرایی شدن این مقاوله‌نامه طبق ماده ۲۷ و تاریخ اجرایی شدن اصلاحات طبق ماده ۲۹؛

ج) انصراف و فسخ کشورها طبق ماده ۳۱.

ماده ۳۳

۱-متن‌های عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی این مقاوله‌نامه، دارای اعتباری یکسان می باشند و آنها نزد دبیرکل سازمان ملل متحد به امانت سپرده خواهند شد.

۲-دبیرکل سازمان ملل متحد رونوشت گواهی شده این مقاوله‌نامه را برای تمام کشورها ارسال خواهد داشت.

مقاوله‌نامه بین‌المللی حقوق کودک

پیش‌زمینه‌های شکل‌گیری مقاوله‌نامه بین‌المللی حقوق کودک[1]

مصوب ۲۰ نوامبر سال ۱۹۸۹

مقاوله‌نامه حقوق کودک، مشتمل بر سه بخش و ۵۴ ماده، توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد با قطعنامه ۴۴/۲۵ مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ به تصویب رسید. شکل‌گیری و تصویب این مقاوله‌نامه این پایان فرآیندی بود که با تدارک سال جهانی کودک در سال ۱۹۷۹ با بحثی در مورد پیش نویس مقاوله‌نامه ارائه شده توسط دولت آغاز شده بود. دولت جمهوری اسلامی ایران این مقاوله‌نامه را امضا و سپس تصویب کرده است.[2]

جامعه بین‌المللی قبلاً درباره کودکان اقداماتی را آغاز کرده بود. اعلامیه‌های حقوق کودک توسط جامعه ملل در سال ۱۰۲۴ و سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۹ تصویب شده بودند. همچنین، مقررات خاصی در مورد کودکان در تعدادی از معاهدات حقوق بشری و حقوق بشردوستانه گنجانده شده بود. با این وجود، برخی از کشورها استدلال می‌کردند که نیاز به بیانیه‌ای جامع در مورد حقوق کودکان وجود دارد، که طبق قوانین بین‌المللی الزام‌آور باشد. این دیدگاه تحت تأثیر گزارش‌هایی از بی‌عدالتی‌های عمده‌ای مانند مرگ و میر بالای نوزادان، کمبود مراقبت‌های بهداشتی، فرصت‌های محدود برای آموزش ابتدایی بود که کودکان متحمل می‌شدند. همچنین گزارش‌های نگران کننده‌ای از آزار و بهره‌کشی از کودکان در فحشا یا مشاغل سخت و زیان‌آور، کودکان در زندان، و یا سایر شرایط سخت و کودکان به عنوان پناهندگان و قربانیان درگیری‌های مسلحانه وجود داشت.

تدوین پیش‌نویس مقاوله‌نامه مورد نظر در کارگروهی که توسط کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد تشکیل شده بود، انجام شد. نمایندگانی از سوی کشورها هسته اصلی گروه تهیه پیش‌نویس را تشکیل می‌دادند، اما نمایندگان ارگان‌ها و آژانس‌های تخصصی سازمان ملل متحد و همچنین تعدادی

---

[1] Convention on the Rights of the Child. Adopted by General Assembly resolution 44/25 on 20 November 1989. Entry into force: 2 September 1990, in accordance with article 49.

[2] دولت جمهوری اسلامی این حق شرط را برای خود محفوظ نگه داشته است: «دولت جمهوری اسلامی ایران این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که هیچ یک از مقررات یا موادی از مقاوله‌نامه را که با قوانین اسلامی و قوانین بین‌المللی معتبر ناسازگار باشد، اعمال نکند».

از سازمان‌های غیردولتی در این مذاکرات شرکت داشتند. پیش نویس اولیه ارائه شده توسط دولت لهستان به طور گسترده‌ای اصلاح شد و از طریق بحث‌های طولانی هرچه بیشتر توسعه یافت.

تصویب به اتفاق آرای مقاوله‌نامه توسط مجمع عمومی، راه را برای مرحله بعدی، یعنی تصویب توسط کشورها، تشکیل کمیته نظارت، و کمیته حقوق کودک هموار کرد. در کمتر از یک سال، تا سپتامبر ۱۹۹۰، تعداد ۲۰ کشور به طور قانونی این مقاوله‌نامه را تأیید کردند که به این ترتیب آنرا لازم‌الاجرا ساختند.

در همین ماه، اجلاس جهانی کودکان به ابتکار یونیسف و شش کشور (کانادا، مصر، مالی، مکزیک، پاکستان و سوئد) در نیویورک برگزار شد. اجلاس سران همه کشورها را به تصویب مقاوله‌نامه تشویق کرد. در پایان سال ۱۹۹۰، تعداد ۵۷ کشور این کار را انجام دادند و بدین ترتیب به کشورهای عضو تبدیل شدند. در سال ۱۹۹۳، کنفرانس جهانی حقوق بشر که در وین برگزار شد، اعلام کرد که هدف، تصویب جهانی تا پایان سال ۱۹۹۵ است. تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵، تعداد ۱۹۶ کشور این مقاوله‌نامه را تصویب کرده یا به آن ملحق شده بودند. این تعداد کشور عضو برای یک مقاوله‌نامه در حوزه حقوق بشر بی سابقه است.

چهار اصل کلی در مقاوله‌نامه ذکر شده است. این اصول به منظور کمک به تفسیر مقاوله‌نامه به عنوان یک کل و در نتیجه هدایت برنامه‌های اجرایی ملی ضروری است.

اصل عدم تبعیض (ماده ۲): کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که همه کودکان در حوزه قضایی آنها از حقوق خود برخوردار می‌شوند. هیچ کودکی نباید دچار تبعیض شود. این امر در مورد هر کودک، «صرف نظر از نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، منشاء ملی، قومی یا اجتماعی، دارایی، ناتوانی، تولد یا سایر موقعیت‌های کودک یا والدین یا قیم قانونی کودک یا او اعمال می‌شود». پیام ضروری برابری فرصت‌ها است. به دختران نیز باید فرصت‌های مشابه پسران داده شود. کودکان پناهنده، کودکان خارجی، کودکان گروه های بومی یا اقلیت باید مانند سایرین از حقوق برخوردار باشند. به کودکان دارای معلولیت باید فرصت یکسانی برای برخورداری از استانداردهای زندگی مناسب داده شود.

اصل بهترین منافع کودک (ماده ۳): هنگامی که مقامات یک کشور تصمیماتی را اتخاذ می‌کنند که بر کودکان تأثیر گذار است، بهترین منافع کودکان باید در اولویت قرار گیرد. این اصل به تصمیمات دادگاه‌های حقوقی، مقامات اداری، نهادهای قانونگذاری و نهادهای رفاه اجتماعی دولتی و خصوصی مربوط می‌شود. این البته پیامی اساسی از مقاوله‌نامه است که اجرای آن با یک چالش بزرگ همراه می‌باشد.

اصل حق حیات، بقا و توسعه (ماده ۶): این اصل شامل فرمول‌هایی در مورد حق بقا و توسعه است که باید «تا حد امکان» تضمین شود. اصطلاح "توسعه" در این زمینه باید به معنای گسترده‌ای تفسیر شود و یک بعد کیفی به آن اضافه شود: نه تنها سلامت جسمی در نظر گرفته شده است، بلکه رشد ذهنی، عاطفی، شناختی، اجتماعی و فرهنگی نیز مد نظر است.

اصل دیدگاه کودک (ماده ۱۲): کودکان باید در همه امور مربوط به آنها در اظهار نظر آزاد باشند و به آن دیدگاه‌ها «مطابق با سن و رشد کودک» اهمیت داده شود. ایده اصلی این است که کودکان حق دارند شنیده شوند و نظرات آنها، از جمله در هر گونه رسیدگی قضایی یا اداری که بر آنها تأثیر می‌گذارد، جدی گرفته شود.

براساس ماده ۴۴ مقاوله‌نامه، کشورهای عضو این وظیفه را می‌پذیرند که گزارش‌های منظمی را در مورد اقداماتی که برای اجرای مقاوله‌نامه و پیشرفت در برخورداری از حقوق کودکان در قلمرو خود انجام داده‌اند، به کمیته حقوق کودک ارائه کنند.[1]

---

[1] مطالب این بخش بطور مستقیم تارنمای کمیته حقوق کودک ترجمه و با اندک اصلاحاتی همراه شده است.

مقاوله‌نامه بین‌المللی حقوق کودک

مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹

مقدمه

با توجه به اینکه طبق اصول اعلام شده در منشور سازمان ملل متحد، شالوده آزادی، عدالت و صلح جهانی همانا به رسمیت شناختن منزلت ذاتی و حقوق مساوی و غیرقابل انکار همه اعضای خانواده بشری است. با در نظر داشتن اینکه مردم ملل متحد اعتقاد خود به حقوق اساسی بشر و منزلت و ارزش انسان را در منشور سازمان ملل متحد مورد تأیید مجدد قرار داده و عزم راسخ دارند رشد اجتماعی و سطح زندگی بهتر توأم با آزادی‌های گسترده تری را ترویج کنند،

با اذعان به اینکه سازمان ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر و در میثاق‌های بین‌المللی مربوط به حقوق بشر اعلام و موافقت نموده است که همگان، بدون هرگونه تبعیض از نظر نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و دیگر عقاید، منشأ ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد یا سایر خصوصیات، سزاوار کلیه حقوق و آزادی‌های مندرج در اسناد مذکور هستند،

با یادآوری اینکه سازمان ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام نموده است که دوران کودکی مستلزم مراقبت و مساعدت ویژه می‌باشد، با اعتقاد به اینکه خانواده، به عنوان گروه بنیادین جامعه و محیط طبیعی رشد و رفاه کلیه اعضای آن و به ویژه کودکان، باید از حمایت و مساعدت لازم برخوردار شود به نحوی که بتواند مسئولیت‌های آنرا را در جامعه کاملاً بر عهده گیرد،

با اذعان به اینکه کودک برای رشد کامل و هماهنگ شخصیت خود باید در محیط خانوادگی، و در فضایی مملو از خوشبختی، محبت و تفاهم رشد یابد، با توجه به اینکه کودک باید برای زندگی فردی در اجتماع آمادگی کامل پیدا کند و در سایه آرمان‌های اعلام شده در منشور سازمان ملل متحد و به ویژه صلح، عزت، مدارا، آزادی، برابری و همبستگی بزرگ شود،

با در نظر داشتن اینکه ضرورت ارائه مراقبت ویژه برای کودک در اعلامیه حقوق کودک ژنو مورخ ۱۹۲۴ و در اعلامیه حقوق کودک مصوب مجمع عمومی در بیستم نوامبر ۱۹۵۹ تصریح گردیده و در اعلامیه جهانی حقوق بشر و در میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی (به ویژه مواد ۲۳

و ۲۴)، در میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (به ویژه ماده ۱۰) و در اساسنامه و اسناد سازمان‌های تخصصی و سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با رفاه کودکان به رسمیت شناخته شده است،

با در نظر داشتن اینکه همانگونه که در اعلامیه حقوق کودک تصریح گردیده «کودک به دلیل‌عدم رشد کامل جسمی و ذهنی، قبل از تولد و نیز پس از آن نیازمند محافظت و مراقبت ویژه، از جمله حمایت حقوقی مناسب است. با یادآوری مفاد اعلامیه اصول اجتماعی و حقوقی مربوط به حمایت و رفاه کودکان با اشاره خاص به امر نگهداری توسط خانواده جایگزین، فرزندخواندگی ملی و بین‌المللی، مقررات سازمان ملل مبتنی بر حداقل ضوابط برای دادرسی ویژه کودکان (مقررات پکن)، و اعلامیه حمایت از زنان و کودکان در شرایط اضطراری و مخاصمات مسلحانه، با اذعان به اینکه در تمام کشورهای جهان کودکانی هستند که در شرایط فوق‌العاده دشوار زندگی می‌کنند و این‌گونه کودکان نیازمند توجه ویژه می‌باشند،

با توجه به اهمیت سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی هریک از ملل در مورد حمایت و رشد هماهنگ کودک،

با اذعان به اهمیت همکاری‌های بین‌المللی برای بهبود شرایط زندگی کودکان در همه کشورها، به ویژه در کشورهای در حال رشد، به شرح زیر توافق نموده‌اند:

بخش اول

ماده ۱

از نظر مقاوله‌نامه حاضر منظور از کودک هر انسان دارای کمتر از ۱۸ سال سن است، مگر اینکه طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک، سن قانونی کمتر تعیین شده باشد.

ماده ۲

۱-کشورهای عضو، حقوق مندرج در مقاوله‌نامه حاضر را برای هریک از کودکانی که در حوزه قضایی آنها می‌باشند بدون هرگونه تبعیض و بدون توجه به نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب،

عقاید سیاسی و سایر عقاید، منشأ ملی، قومی، یا اجتماعی، دارایی، معلولیت، تولد یا سایر خصوصیات کودک یا والدین یا سرپرستان قانونی او محترم شمرده و تضمین خواهند کرد.

۲-کشورهای عضو همه اقدامات مقتضی را جهت تضمین حمایت از کودک در مقابل کلیه اشکال تبعیض یا مجازات براساس وضعیت، فعالیت‌ها، عقاید ابراز شده، یا اعتقادات والدین، سرپرستان قانونی یا اعضای خانواده کودک به عمل خواهند آورد.

ماده ۳

۱-در کلیه اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی کشوری یا خصوصی، دادگاه‌ها، مقامات اجرایی یا نهادهای قانون‌گذاری به عمل می‌آید، منافع عالیه کودک از اهم ملاحظات می‌باشد.

۲-کشورهای عضو متعهد می‌شوند حمایت و مراقبتی را که برای رفاه کودک ضروری است با توجه به حقوق و تکالیف والدین، سرپرستان قانونی، یا دیگر اشخاصی که قانوناً مسئول کودک هستند، تضمین کنند و در این راستا کلیه اقدامات قانونی و اجرایی لازم را به عمل خواهند آورد.

۳-کشورهای عضو اطمینان حاصل خواهند نمود که مؤسسات، خدمات و نهادهای مسئول مراقبت و حمایت از کودکان، به ویژه در زمینه‌های ایمنی، بهداشت، از حیث تعداد و مناسب بودن کارکنان و نیز نظارت شایسته، با معیارهایی که توسط مقامات واجد صلاحیت مقرر گردیده است منطبق باشند.

ماده ۴

کشورهای عضو کلیه اقدامات قانونی، اجرایی و سایر اقدامات مقتضی را برای تحقق حقوقی که در مقاوله‌نامه حاضر به رسمیت شناخته شده است معمول خواهند نمود. در مورد حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کشورهای عضو اقدامات مذکور را با بکارگیری حداکثر منابع موجود خود و در صورت لزوم، در چارچوب همکاری‌های بین‌المللی به عمل خواهند آورد.

ماده ۵

کشورهای عضو مسئولیت‌ها، حقوق و تکالیف والدین، یا برحسب مورد، اعضای خانواده گسترده مطابق عرف مرسوم هر منطقه، سرپرستان قانونی یا سایر اشخاصی که قانوناً مسئول کودک هستند را در هدایت و ارائه راهنمایی‌های مقتضی به روشی هماهنگ با تواناییهای بالنده کودک در راستای اعمال حقوق مندرج در مقاوله‌نامه حاضر توسط کودک، محترم خواهند شمرد.

ماده ۶

۱-کشورهای عضو، حق ذاتی تمام کودکان را برای زندگی به رسمیت می‌شناسند.

۲-کشورهای عضو، بقاء و رشد کودک را تا حد امکان تضمین خواهند کرد.

ماده ۷

۱-تولد کودک باید بلافاصله پس از به دنیا آمدن او ثبت شود و کودک از بدو تولد از حق داشتن نام، حق کسب تابعیت و تا حد امکان از حق شناختن والدین و قرار گرفتن تحت مراقبت آنان برخوردار خواهد بود.

۲-کشورهای عضو اعمال حقوق مذکور را مطابق با قوانین داخلی خود و تعهدات ناشی از اسناد بین‌المللی مربوطه در این زمینه، به ویژه در مواردی که عدم اعمال این حقوق موجب بی‌تابعیتی کودک شود، تضمین خواهند نمود.

ماده ۸

۱-کشورهای عضو متعهد می‌شوند حق کودک برای حفظ هویت خود، از جمله تابعیت، نام و روابط خانوادگی را مطابق قانون و بدون مداخله غیر قانونی محترم بشمارند.

۲-در مواردی که کودک به صورت غیر قانونی از تمام یا برخی از حقوق مربوط به هویت خود محروم شود، کشورهای عضو حمایت و مساعدت مقتضی را برای استیفای سریع هویت او فراهم خواهند آورد.

ماده ۹

۱-کشورهای عضو تضمین خواهند کرد که کودک از والدین خود بر خلاف میل آنان جدا نشود، مگر در مواردی که مقامات واجد صلاحیت مطابق قوانین و مقررات قابل اعمال و پس از بررسی‌های قضایی حکم دهند که این جدایی برای تأمین منافع عالیه کودک ضروری می‌باشد. چنین حکمی ممکن است در مواردی خاص، از قبیل سوءاستفاده از کودک یا بی توجهی به او توسط والدین، یا زمانی که والدین جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند و باید در مورد محل اقامت کودک تصمیم‌گیری شود، ضروری باشد.

۲-در هریک از دادرسی‌های مرتبط با بند ۱ این ماده، باید به همه طرفین ذینفع فرصت داده شود در دادرسی‌ها شرکت کنند و نظرات خود را ابراز کنند.

۳-کشورهای عضو حق کودک جدا شده از یک یا هر دو والد خود را برای حفظ روابط شخصی و تماس مستقیم و منظم با هر دو والد محترم خواهند شمرد. مگر آنکه این امر مغایر با منافع عالیه کودک باشد.

۴-هرگاه این جدایی ناشی از اقدامات یک کشور عضو از قبیل بازداشت، حبس، تبعید، اخراج یا مرگ یک یا هر دو والد یا کودک (از جمله مرگی که به هر دلیل در حین توقیف شخص توسط کشور روی می‌دهد) باشد، کشور عضو، بنا به درخواست، اطلاعات ضروری مربوط به محل اقامت عضو (یا اعضای) غایب خانواده را در اختیار والدین، کودک یا در موارد مقتضی، یکی دیگر از اعضای خانواده قرار خواهد داد، مگر آنکه ارائه این اطلاعات مخل رفاه کودک باشد. علاوه بر این، کشورهای عضو تضمین خواهند نمود که تسلیم این درخواست فی نفسه تبعات نامطلوب برای فرد (یا افراد) ذینفع در پی نداشته باشد.

ماده ۱۰

۱-به موجب تعهدات ناشی از بند ۱ ماده ۹، کشورهای عضو درخواست کودک یا والدین او را برای ورود به یک کشور عضو یا خروج از آن به منظور پیوند مجدد خانواده، با نظر مثبت و به روشی انسانی و سریع بررسی خواهند کرد. کشورهای عضو علاوه بر این تضمین خواهند کرد

که تسلیم چنین درخواستی تبعات نامطلوبی برای درخواست کنندگان و اعضای خانواده آنان در پی نداشته باشد.

۲-کودکی‌که والدین او مقیم کشورهای مختلفی هستند حق دارد که، جز در شرایط استثنایی، به صورت منظم روابط شخصی و تماس مستقیم خود را با هر دو والد حفظ نماید. به این منظور و مطابق با تعهدات کشورهای عضو به موجب بند ۱ ماده ۹، کشورهای عضو حق کودک و والدین او را برای ترک هر کشوری، از جمله کشور خود، و ورود به کشور خود محترم خواهند شمرد. حق ترک هر کشوری تنها مشمول محدودیت‌هایی است که در قانون تصریح شده و برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، بهداشت عمومی، اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری است و با سایر حقوق مندرج در مقاوله‌نامه حاضر منطبق می‌باشد.

ماده ۱۱

۱-به منظور مبارزه با انتقال غیرقانونی کودکان به خارج از کشور و عدم بازگشت کودکان مقیم خارج، کشورهای عضو اقداماتی معمول خواهند داشت.

۲-کشورهای عضو به همین منظور انعقاد توافق‌نامه‌های دوجانبه یا چند جانبه و یا الحاق به توافق‌نامه‌های موجود را تشویق خواهند کرد.

ماده ۱۲

۱-کشورهای عضو تضمین خواهند کرد که کودکی که قادر به شکل دادن به عقاید خود می‌باشد حق ابراز آزادانه این عقاید را در کلیه امور که به وی مربوط می‌شود داشته باشد و متناسب با سن و میزان رشد فکری کودک به نظرات وی اهمیت لازم داده شود.

۲-بدین منظور باید به ویژه برای کودک این فرصت فراهم شود تا بتواند در کلیه مراحل رسیدگی قضایی و اجرایی مربوط به خود مستقیماً یا از طریق یک نماینده یا مرجع مناسب، به روش منطبق با مقررات آیین دادرسی در قوانین داخلی، اظهار نظر نماید.

ماده ۱۳

۱-کودک باید حق آزادی بیان داشته باشد. حق مذکور شامل آزادی جستجو، دریافت و ارائه اطلاعات و عقاید از هرگونه است، بدون توجه به مرزها، به طور شفاهی، کتبی، چاپ شده، یا به شکل آثار هنری، و یا از طریق هر رسانه‌ای که کودک انتخاب کند.

۲-اعمال حق مذکور ممکن است منوط به برخی محدودیت‌ها باشد، لیکن این محدودیت‌ها باید تنها منحصر به مواردی باشد که در قانون تصریح شده و به یکی از دلایل زیر ضروری است:

الف) برای رعایت حقوق و آبروی دیگران؛

ب) برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، بهداشت عمومی یا اخلاق عمومی.

ماده ۱۴

۱-کشورهای عضو حق آزادی اندیشه، عقیده و مذهب را برای کودک محترم خواهند شمرد.

۲-کشورهای عضو حقوق و تکالیف والدین و برحسب مورد سرپرستان قانونی، را در هدایت کودک برای اعمال حقوق خود به روشی هماهنگ با توانایی‌های بالنده وی محترم خواهند شمرد.

۳-آزادی آشکار ساختن مذهب یا اعتقادات تنها می‌تواند مشمول محدودیت‌هایی باشد که در قانون تصریح شده و برای حفظ امنیت، نظم، بهداشت و اخلاق عمومی یا حقوق اساسی و آزادی‌های دیگران ضروری است.

ماده ۱۵

۱-کشورهای عضو حقوق کودک را در مورد آزادی اجتماعات و شرکت در مجامع مسالمت‌آمیز به رسمیت می‌شناسند.

۲-به غیر از محدودیت‌هایی که در قانون تصریح شده و در یک جامعه دمکراتیک برای حفظ امنیت ملی یا عمومی، نظم عمومی، بهداشت عمومی، اخلاق عمومی و یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری است، نباید هیچگونه محدودیتی در اعمال حقوق مذکور ایجاد گردد.

ماده ۱۶

۱-در امور خصوصی، خانوادگی یا مکاتبات هیچ کودکی نباید مداخله خودسرانه یا غیر قانونی کرد یا به صورت غیر قانونی عزت و آبروی او را مورد تعرض قرار داد.
۲-کودک حق برخورداری از حمایت قانون را در برابر این‌گونه مداخلات و تعرضات دارد.

ماده ۱۷

کشورهای عضو به عملکرد مهم رسانه‌های گروهی واقف بوده و تضمین خواهند کرد که کودک به اطلاعات و مطالب از منابع گوناگون ملی و بین‌المللی دسترسی داشته باشد، به ویژه اطلاعات و مطالبی که هدف آنها ترویج رفاه اجتماعی، معنوی و اخلاقی و بهداشت جسمی و روانی کودک است. بدین منظور، کشورهای عضو اقدامات زیر را به عمل خواهند آورد:

الف) تشویق رسانه‌های گروهی به انتشار و پخش اطلاعات و مطالبی که برای کودک از نظر اجتماعی و فرهنگی سودمند و مطابق با روح ماده ۲۹ باشد؛

ب) تشویق همکاری‌های بین‌المللی در زمینه تولید، مبادله و انتشار این‌گونه اطلاعات و مطالب از منابع گوناگون فرهنگی، ملی و بین‌المللی؛

ج) تشویق تولید و انتشار کتاب‌های کودکان؛

د) تشویق رسانه‌های گروهی به بذل توجه خاص به نیازهای کودکان گروه‌های اقلیت یا بومی از نظر زبان؛

ه) تشویق تهیه رهنمودهای مناسب برای حمایت از کودک در برابر اطلاعات و مطالبی که به رفاه وی آسیب می‌رساند با در نظر داشتن مفاد مندرج در مواد ۱۳ و ۱۸.

ماده ۱۸

۱-کشورهای عضو حداکثر تلاش خود را به کار خواهند بست تا این اصل که هر دو والد در مورد پرورش و رشد کودک مسئولیت مشترک دارند به رسمیت شناخته شود. والدین، یا برحسب مورد

سرپرستان قانونی، مسئولیت عمده را در پرورش و رشد کودک بر عهده دارند. منافع عالیه کودک عمده‌ترین موضوع مورد توجه آنان خواهد بود.

۲-به منظور تضمین و ترویج حقوق مندرج در مقاوله‌نامه حاضر، کشورهای عضو مساعدت لازم را به والدین و سرپرستان قانونی در جهت ایفای مسئولیت‌های آنها برای پرورش کودک عرضه خواهند کرد و توسعه مؤسسات، تسهیلات و خدمات برای مراقبت از کودکان را تضمین خواهند نمود.

۳-کشورهای عضو کلیه اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد تا اطمینان حاصل کنند حق کودکان دارای والدین شاغل برای برخورداری از خدمات و تسهیلات مربوط به نگهداری کودکان که استحقاق آن را دارند، تضمین گردد.

ماده ۱۹

۱-کشورهای عضو کلیه اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی لازم را به عمل خواهند آورد تا از کودک در برابر کلیه اشکال خشونت جسمی یا روانی، صدمه یا آزار، بی توجهی یا رفتار توأم با سهل انگاری، سوء رفتار یا بهره کشی، از جمله سوءاستفاده جنسی، در حین مراقبت توسط والد (یا والدین)، سرپرست (یا سرپرستان) قانونی یا هر شخص دیگری که عهده‌دار مراقبت از کودک است، حمایت کنند.

۲-این‌گونه اقدامات حمایتی باید بر حسب مورد شامل روش‌های مؤثر برای ایجاد برنامه‌های اجتماعی جهت فراهم نمودن پشتیبانی لازم از کودک و کسانی که عهده‌دار مراقبت از کودک هستند و نیز پشتیبانی از دیگر شکل‌های پیشگیری و شناسایی، گزارش دهی، ارجاع، تحقیق، درمان و پیگیری موارد سوء رفتار با کودک که قبلاً ذکر گردید، و برحسب مورد پشتیبانی از پیگرد قضایی، باشد.

ماده ۲۰

۱-کودکی‌که به طور موقت یا دائم از محیط خانوادگی خود محروم شده است، یا کودکی که به خاطر منافع عالیه او نتوان به او اجازه داد که در آن محیط باقی بماند، سزاوار حمایت و مساعدت ویژه از سوی کشور خواهد بود.

۲-کشورهای عضو طبق قوانین داخلی خود برای این‌گونه کودکان مراقبت جایگزین تضمین خواهند نمود.

۳-چنین مراقبتی ممکن است از جمله شامل نگهداری توسط خانواده جایگزین، کفالت در قوانین اسلامی، فرزندخواندگی یا در صورت لزوم اسکان در مؤسسات مناسب برای مراقبت از کودکان باشد. هنگام بررسی راه حل‌ها، باید به مطلوبیت تداوم در پرورش کودک و نیز به پیشینه قومی، مذهبی، فرهنگی و زبانی کودک توجه شایسته‌ای نمود.

ماده ۲۱

آن دسته از کشورهای عضو که نظام فرزندخواندگی را به رسمیت می‌شناسند یا آن را مجاز می‌دانند، تضمین خواهند کرد که منافع عالیه کودک مهمترین نکته مورد توجه باشد و اقدامات زیر را به عمل خواهند آورد:

الف) تضمین اینکه فرزندخواندگی تنها با مجوز مقامات واجد صلاحیتی صورت پذیرد که مطابق با قوانین و مقررات قابل اعمال و براساس اطلاعات قابل اطمینان تعیین می‌کنند که با توجه به وضعیت کودک در ارتباط با والدین، خویشاوندان و سرپرستان قانونی، فرزندخواندگی جایز است و در صورت لزوم اشخاص ذیربط، رضایت آگاهانه خود را در مورد فرزندخواندگی براساس مشاوره‌های مقتضی اعلام نموده‌اند؛

ب) فرزندخواندگی در کشورهای دیگر را به عنوان روش دیگری برای مراقبت از کودک در مواردی که امکان سپردن کودک به عنوان فرزندخوانده به یک خانواده یا یافتن هیچگونه روش مناسبی برای مراقبت از کودک در کشور متبوع وی وجود ندارد، به رسمیت خواهند شناخت؛

ج: تضمین برخورداری کودکی که در کشوری دیگر به فرزندخواندگی پذیرفته می‌شود از حمایت‌ها و معیارهایی که در صورت فرزندخواندگی در کشور خود از آنها برخوردار می‌شد؛

د: اتخاذ کلیه تدابیر مناسب به منظور حصول اطمینان از اینکه فرزندخواندگی در کشور دیگر برای اشخاص ذیربط دربردارنده درآمدهای مالی نادرست نباشد؛

ه) ترویج اهداف ماده حاضر در موارد مقتضی از طریق انعقاد قراردادها یا اتخاذ تدابیر دو یا چند جانبه و در این چارچوب، تلاش برای حصول اطمینان از اینکه فرزندخواندگی کودک در یک کشور دیگر تنها توسط مقامات یا نهادهای واجد صلاحیت صورت می‌پذیرد.

ماده ۲۲

۱-کشورهای عضو اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد تا تضمین شود کودکی که متقاضی پناهندگی است یا طبق قوانین و مقررات بین‌المللی یا داخلی پناهنده محسوب می‌شود، اعم از اینکه همراه والدین خود یا شخص دیگری باشد و یا همراه نداشته باشد، از حمایت مناسب و مساعدت بشردوستانه در برخورداری از حقوق مندرج قابل اعمال در این مقاوله‌نامه و در سایر اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر یا بشردوستانه که کشورهای عضو به آنها ملحق شده‌اند، بهره‌مند خواهد شد.

۲-به این منظور کشورهای عضو، در مواردی که مقتضی بدانند، در همه تلاش‌های سازمان ملل متحد و نیز سایر سازمان‌های بین‌المللی یا غیرکشوری ذیربط که با سازمان ملل همکاری می‌کنند، جهت مساعدت و حمایت از این‌گونه کودکان و ردیابی والدین یا سایر اعضای خانواده کودک پناهنده به منظور کسب اطلاعات لازم برای پیوستن مجدد وی به خانواده‌اش همکاری خواهند کرد. در مواردی که نتوان والدین یا دیگر اعضای خانواده را یافت باید برای چنین کودکی همان حمایتی را فراهم نمود که مطابق مفاد مقاوله‌نامه حاضر برای کودکانی در نظر گرفته می‌شود که موقتاً یا به طور دائم از محیط خانوادگی محروم شده‌اند.

ماده ۲۳

۱-کشورهای عضو اذعان دارند کودکی که از لحاظ جسمی یا ذهنی معلول است باید از یک زندگی کامل و محترمانه در شرایطی که متضمن منزلت و افزایش اتکا به نفس او باشد و مشارکت مؤثر او را در جامعه تسهیل نماید، برخوردار باشد.

۲-کشورهای عضو، حق کودکان معلول را برای برخورداری از مراقبت ویژه به رسمیت می‌شناسند و بسته به منابع موجود، مساعدت مورد تقاضا و متناسب با شرایط کودک، والدین یا سایر مراقبان

کودک را برای کودک مستحق و کسانی که مسئول مراقبت از او هستند تشویق و تضمین خواهند کرد.

۳-با تشخیص نیازهای ویژه کودک معلول، مساعدت مقرر در بند ۲ ماده حاضر باید در صورت امکان و با در نظر گرفتن امکانات مالی والدین یا دیگر مراقبان کودک، به طور رایگان ارائه شود و باید به گونه‌ای طراحی شود که متضمن دسترسی مؤثر کودک معلول به تحصیل، دوره‌های آموزشی، خدمات بهداشتی، خدمات توانبخشی، آماده سازی برای اشتغال و امکانات تفریحی باشد و به روشی که موجب دستیابی کودک به بالاترین حد ادغام در جامعه و رشد فردی، از جمله رشد فرهنگی و معنوی، گردد.

۴-کشورهای عضو، در سایه همکاری‌های بین‌المللی، مبادله اطلاعات مقتضی را در زمینه مراقبت‌های بهداشتی جهت پیشگیری و معالجات پزشکی، روانشناسی و توانبخشی کودکان معلول ترویج خواهند کرد. مبادله اطلاعات مذکور از جمله شامل انتشار و دسترسی به اطلاعات مربوط به روش‌های توانبخشی، آموزش و خدمات حرفه‌ای است و هدف آن قادر ساختن کشورهای عضو به بهبود توانایی‌ها و مهارت‌ها و گسترش تجربیات آنها در این زمینه‌هاست. در این مورد توجه خاصی به نیازهای کشورهای در حال رشد مبذول خواهد شد.

ماده ۲۴

۱-کشورهای عضو حق کودک را برای برخورداری از بالاترین معیارهای بهداشتی و تسهیلات قابل حصول جهت درمان بیماری و بازیابی سلامت به رسمیت می‌شناسند. کشورهای عضو برای تضمین اینکه هیچ کودکی را از حق دسترسی به چنین خدمات بهداشتی محروم نمی‌کند تلاش خواهند کرد.

۲-کشورهای عضو اعمال کامل حق مذکور را پیگیری خواهند نمود و به ویژه در موارد زیر اقدامات مقتضی به عمل خواهند آورد:

الف) کاهش مرگ و میر نوزادان و کودکان؛

ب) تضمین ارائه کمک‌های پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی لازم برای همه کودکان با تأکید بر گسترش مراقبت‌های بهداشتی اولیه؛

ج) مبارزه علیه بیماری‌ها و سوء تغذیه در چارچوب مراقبت‌های بهداشتی اولیه از جمله از طریق به کار بستن فناوری موجود و فراهم ساختن مواد غذایی مقوی و کافی و آب آشامیدنی سالم با توجه به خطرات آلودگی محیط زیست؛

د) تضمین مراقبت‌های بهداشتی پیش و پس از زایمان برای مادران؛

ه) تضمین اینکه همه اقشار جامعه به ویژه والدین و کودکان، از آموزش‌های مربوطه آگاهی و به آنها دسترسی داشته باشند و در استفاده از دانش پایه در مورد بهداشت و تغذیه کودک، مزایای تغذیه با شیر مادر، بهداشت محیط و پیشگیری از سوانح مورد حمایت قرار گیرند؛

و) توسعه مراقبت‌های بهداشتی جهت پیشگیری، راهنمایی والدین و آموزش تنظیم خانواده و خدمات مربوطه.

۳-کشورهای عضو به منظور برچیدن روش‌های سنتی که به سلامت کودک آسیب می‌رسانند کلیه اقدامات مناسب و مؤثر را به عمل خواهند آورد.

۴-کشورهای عضو برای دستیابی تدریجی به تحقق کامل حق مندرج در ماده حاضر متعهد می‌شوند همکاری‌های بین‌المللی را ترویج و تشویق کنند. در این مورد به نیازهای کشورهای در حال رشد توجه خاصی مبذول خواهد شد.

ماده ۲۵

کشورهای عضو حق کودکی که توسط مقامات واجد صلاحیت جهت نگهداری، حمایت یا بازیابی سلامت جسمی یا روانی به خانواده یا مؤسسه‌ای سپرده شده است را برای انجام بررسی دوره‌ای درمان ارائه شده برای کودک و کلیه شرایط دیگر مربوط به نگهداری از او به رسمیت می‌شناسند.

ماده ۲۶

۱-کشورهای عضو حق هر کودک را برای برخورداری از تأمین اجتماعی، از جمله بیمه اجتماعی، به رسمیت می‌شناسند و اقدامات لازم را برای دستیابی به تحقق کامل این حق مطابق با قوانین داخلی خود به عمل خواهند آورد.

۲-مزایای مذکور در موارد مقتضی باید با توجه به امکانات و شرایط کودک و اشخاص مسئول نگهداری از او و نیز سایر ملاحظات مربوط به درخواست مزایا از سوی کودک یا از طرف او اعطاء شوند.

ماده ۲۷

۱-کشورهای عضو حق همه کودکان را برای برخورداری از سطح زندگی مناسب برای رشد جسمی، ذهنی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی به رسمیت می‌شناسند.

۲-والد (یا والدین) یا دیگر اشخاص مسئول کودک در حد توان و امکانات مالی خود مسئولیت عمده را در تأمین شرایط زندگی لازم برای رشد کودک برعهده دارند.

۳-کشورهای عضو، برحسب شرایط داخلی و در حد امکانات خود اقدامات مقتضی جهت کمک به والدین و دیگر اشخاص مسئول کودک برای اعمال حق مذکور به عمل خواهند آورد و در صورت نیاز، به ویژه در ارتباط با تغذیه و پوشاک و مسکن، کمک‌های مادی و برنامه‌های پشتیبانی فراهم خواهند کرد.

۴-کشورهای عضو کلیه اقدامات لازم را جهت تضمین پرداخت نفقه کودک توسط والدین یا دیگر اشخاص که از نظر مالی مسئولیت کودک را به عهده دارند، چه در داخل کشور عضو و چه در خارج، به عمل خواهند آورد. به ویژه هرگاه شخصی که مسئولیت تأمین مالی کودک را به عهده دارد در کشور دیگری غیر از کشور کودک زندگی می‌کند، کشورهای عضو باید الحاق به توافق‌نامه‌های بین‌المللی یا انعقاد چنین توافقنامه‌هایی و نیز اتخاذ تدابیر مناسب دیگر را ترویج کنند.

ماده ۲۸

۱-کشورهای عضو حق کودک را برای برخورداری از آموزش به رسمیت می‌شناسند و برای دستیابی به این حق، به صورت تدریجی و بر پایه ایجاد فرصت‌های برابر به ویژه اقدامات زیر را معمول خواهند داشت:

الف: اجباری کردن و در دسترس قراردادن آموزش ابتدایی رایگان برای همه؛

ب: تشویق ایجاد و گسترش انواع مختلف آموزش متوسط، از جمله آموزش عمومی و حرفه‌ای، فراهم کردن و قراردادن آنها در دسترس همه کودکان و به عمل آوردن اقدامات مقتضی از قبیل ارائه آموزش رایگان و اعطای کمک‌های مالی در صورت نیاز؛

ج: در دسترس قرار دادن آموزش عالی برای همگان براساس قابلیت و از هر طریق مناسب؛

د: فراهم نمودن اطلاعات و راهنمایی‌های آموزشی و حرفه‌ای و قرار دادن آنها در دسترس همه کودکان؛

ه) به عمل آوردن اقداماتی جهت تشویق به حضور منظم در مدارس و کاهش موارد ترک تحصیل.

۲-کشورهای عضو کلیه اقدامات مقتضی را جهت تضمین آنکه انضباط در مدارس مطابق با شأن انسانی کودک و مفاد مقاوله‌نامه حاضر اعمال می‌شود معمول خواهند داشت.

۳-کشورهای عضو همکاری‌های بین‌المللی را در موارد مربوط به آموزش، به ویژه در جهت مشارکت در ریشه کن ساختن جهل و بیسوادی در سراسر جهان و تسهیل دسترسی به دانش علمی و فنی و روش‌های نوین تدریس، تشویق و ترویج خواهند کرد. در این خصوص توجهی ویژه به نیازهای کشورهای در حال رشد مبذول خواهد شد.

ماده ۲۹

۱-کشورهای عضو اتفاق نظر دارند که آموزش کودک باید در راستای اهداف زیر باشد:

الف: رشد شخصیت، استعدادها و توانایی‌های جسمی و ذهنی کودک تا حد امکان؛

ب: افزایش احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد؛

ج: افزایش احترام به والدین کودک، هویت فرهنگی، زبان و ارزش‌های کودک، به ارزش‌های ملی کشوری که کودک در آن زندگی می‌کند و موطن اصلی او و به تمدنهای متفاوت با تمدنی که او بدان تعلق دارد؛

د: آماده سازی کودک برای یک زندگی مسئولانه در جامعه‌ای آزاد و با روحیه تفاهم، صلح، مدارا، مساوات بین زن و مرد، و دوستی میان همه مردمان، گروه‌های قومی، ملی و مذهبی و افرادی که منشأ بومی دارند؛

ه) افزایش احترام به محیط زیست طبیعی.

۲-هیچ بخشی از ماده حاضر یا ماده ۲۸ نباید به گونه‌ای تفسیر شود که مخل آزادی افراد و نهادها برای تأسیس و اداره مؤسسات آموزشی گردد، منوط به اینکه اصول مقرر در بند ۱ ماده حاضر و شرایط مربوط به منطبق بودن آموزش در این گونه مؤسسات با معیارهای حداقل که ممکن است توسط کشور تعیین شده باشد، همواره رعایت شوند.

ماده ۳۰

در کشورهایی که اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی وجود دارند یا افرادی با منشأ بومی، کودک متعلق به این‌گونه اقلیت‌ها یا کودکی که بومی است نباید از حق برخورداری از فرهنگ خود، برخورداری از مذهب خود و اعمال آن یا استفاده از زبان خود به همراه سایر اعضای گروه خود محروم شود.

ماده ۳۱

۱-کشورهای عضو حق کودک را برای استراحت، داشتن اوقات فراغت، پرداختن به بازی و فعالیت‌های تفریحی متناسب با سن کودک و مشارکت آزادانه در زندگی فرهنگی و هنری به رسمیت می‌شناسند.

۲-کشورهای عضو حق کودک برای مشارکت کامل در زندگی فرهنگی و هنری را محترم شمرده و ترویج خواهند کرد و مشوق فراهم ساختن فرصت‌های برابر و مناسب برای فعالیت‌های فرهنگی، هنری و تفریحی خواهند بود.

ماده ۳۲

۱-کشورهای عضو حق کودک را برای برخورداری از حمایت در برابر بهره‌کشی اقتصادی و انجام هرگونه کاری که ممکن است زیانبار باشد یا خدشه‌ای در تحصیل کودک وارد آورد، و یا به سلامتی کودک یا رشد جسمانی، ذهنی، اخلاقی یا اجتماعی او آسیب رساند، به رسمیت می‌شناسند.

۲-کشورهای عضو جهت تضمین اجرای ماده حاضر اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی به عمل خواهند آورد. بدین منظور و با عنایت به مفاد سایر اسناد بین‌المللی مربوطه، کشورهای عضو به ویژه اقدامات ذیل را به عمل خواهند آورد:

الف) تعیین حداقل سن یا حداقل سنین برای اشتغال به کار؛

ب) تدوین مقررات مناسب در ارتباط با ساعات کار و شرایط اشتغال؛

ج) تعیین مجازات‌های مناسب یا ضمانت‌های اجرایی دیگر به منظور تضمین اجرای مؤثر ماده حاضر.

ماده ۳۳

کشورهای عضو کلیه اقدامات مقتضی، از جمله اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی، را به عمل خواهند آورد تا کودکان را در برابر استفاده غیر مجاز از داروهای مخدر و روانگردانی که در اسناد بین‌المللی مربوطه توصیف شده‌اند، حمایت کنند و از استفاده از کودکان در تولید غیر مجاز و قاچاق چنین موادی جلوگیری کنند.

ماده ۳۴

کشورهای عضو متعهد می‌شوند از کودک در برابر کلیه اشکال بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی حمایت کنند. بدین منظور، کشورهای عضو به ویژه کلیه اقدامات مقتضی ملی، دو جانبه و چند جانبه را به عمل خواهند آورد تا از موارد زیر جلوگیری شود:

الف: اغوا یا وادار کردن کودک به پرداختن به هرگونه فعالیت جنسی غیر قانونی؛

ب: استفاده استثمارگرانه از کودکان در فحشا یا دیگر اعمال جنسی غیر قانونی؛

ج: استفاده استثمارگرانه از کودکان در هرزه نگاری.

ماده ۳۵

به منظور جلوگیری از ربوده شدن، فروش یا قاچاق کودکان به هر منظور و به هر شکل، کشورهای عضو کلیه اقدامات مقتضی ملی، دوجانبه و چند جانبه را به عمل خواهند آورد.

ماده ۳۶

کشورهای عضو از کودک در برابر کلیه اشکال دیگر بهره‌کشی که مغایر با هر یک از جنبه‌های رفاه کودک باشد حمایت خواهند کرد.

ماده ۳۷

کشورهای عضو تضمین خواهند کرد که:

الف) هیچ کودکی مورد شکنجه یا سایر رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار نگیرد. مجازات اعدام، یا حبس ابد بدون امکان آزادی، نباید در مورد جرم‌هایی که اشخاص زیر ۱۸ سال مرتکب می‌شوند اعمال گردد؛

ب) هیچ کودکی به طور غیرقانونی یا خودسرانه از آزادی محروم نشود. دستگیری، بازداشت یا زندانی کردن کودک باید مطابق قانون و تنها به عنوان آخرین راه چاره و در کوتاه‌ترین زمان ممکن صورت پذیرد؛

ج) با هر کودکی که از آزادی محروم شده است رفتاری انسانی و همراه با احترام به مقام ذاتی انسان و با توجه به نیازهای افراد هم سن او اعمال شود. بویژه کودک محروم از آزادی باید از بزرگسالان جدا شود، مگر آنکه این امر مغایر با منافع عالیه کودک تشخیص داده شود، و او حق دارد جز در موارد استثنایی، تماس خود را با خانواده خود از طریق مکاتبه و ملاقات حفظ کند.

د) هر کودک محروم از آزادی حق دسترسی فوری به کمک‌های حقوقی و سایر مساعدت‌های مقتضی داشته باشد و همچنین حق داشته باشد که محرومیت خود از آزادی را از حیث تطابق با قانون در برابر دادگاه یا هر مقام واجد صلاحیت مستقل و بیطرف دیگر مورد اعتراض قرار دهد و در یک چنین مواردی از تصمیم فوری برخوردار شود.

ماده ۳۸

۱-کشورهای عضو متعهد می‌شوند که هنگام مخاصمات مسلحانه‌ای که با کودکان ارتباط پیدا می‌کند مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اعمال را محترم بشمارند و احترام به مقررات مذکور را تضمین کنند.

۲-کشورهای عضو کلیه اقدامات امکان‌پذیر را به عمل خواهند آورد تا تضمین کنند که اشخاصی که به سن ۱۵ سالگی نرسیده‌اند در مخاصمات شرکت مستقیم نداشته باشند.

۳-کشورهای عضو از پذیرش اشخاصی که به ۱۵ سالگی نرسیده‌اند در نیروهای مسلح خود اجتناب خواهند کرد. در پذیرش اشخاص بین ۱۵ سال و ۱۸ سال، کشورهای عضو تلاش خواهند نمود اولویت را به آنهایی دهند که سن بیشتری دارند.

۴-کشورهای عضو، طبق تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه، کلیه اقدامات امکان‌پذیر را برای تضمین حمایت و مراقبت از کودکانی که به علت مخاصمات مسلحانه در معرض آسیب قرار می‌گیرند، به عمل خواهند آورد.

ماده ۳۹

کشورهای عضو کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد تا بهبود جسمانی و روانی و ادغام مجدد اجتماعی کودکی که قربانی هرگونه بی توجهی، بهره‌کشی، آزار، شکنجه یا سایر اشکال رفتار یا تنبیه بیرحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز و یا مخاصمات مسلحانه واقع شده است، تسریع گردد. بهبود و ادغام مجدد مذکور باید در محیطی صورت پذیرد که تندرستی، عزت نفس و منزلت کودک را تقویت می‌کند.

ماده ۴۰

۱-کشورهای عضو این حق را برای هر کودک مجرم، متهم یا مظنون به نقض قوانین کیفری به رسمیت می‌شناسند که با او به روشی که موجب اعتلای مفهوم شرف و ارزش در ذهن کودک می‌گردد رفتار شود. روشی که احترام کودک به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دیگران را تقویت کند و به سن کودک و مطلوب بودن ترویج ادغام مجدد کودک در جامعه و ایفای نقشی سازنده توسط کودک در جامعه توجه داشته باشد.

۲-به این منظور و با عنایت به مفاد مربوطه در اسناد بین‌المللی، کشورهای عضو بویژه تضمین خواهند کرد که:

الف) هیچ کودکی نباید به سبب فعل یا ترک فعلی که در زمان ارتکاب به موجب قوانین ملی یا بین‌المللی ممنوع نبوده است، مجرم، متهم یا مظنون به نقض قوانین کیفری شناخته شود؛

ب) هر کودک مظنون یا متهم به نقض قوانین کیفری حداقل از تضمین‌های زیر برخوردار باشد:

- تا زمانیکه گناهکار بودن او بر طبق قانون ثابت نشده است بیگناه فرض شود؛

- به سرعت و مستقیماً، و در موارد مقتضی از طریق والدین یا سرپرستان قانونی خود، از اتهامات وارده علیه خود اطلاع یابد و برای تهیه و ارائه دفاعیه خود از کمک حقوقی یا دیگر کمک‌های مقتضی برخوردار شود؛

- رسیدگی به اتهام بدون تأخیر و توسط یک مقام یا مرجع قضایی واجد صلاحیت، مستقل و بیطرف، در یک دادرسی عادلانه مطابق با قانون و با موجود بودن کمک حقوقی یا دیگر کمک‌های مقتضی، و منوط به مغایر نبودن با منافع عالیه کودک و به ویژه با توجه به سن یا وضعیت کودک، با حضور والدین یا سرپرستان قانونی او صورت پذیرد؛

- ملزم نگردد شهادت دهد یا اعتراف به گناه نماید، و امکان بررسی اظهارات شهود مخالف و کسب اجازه برای شرکت شهود خود و بررسی اظهارات آنان را در شرایط مساوی داشته باشد؛

- در صورتیکه مجرم شناخته شود، بتواند از مقام یا مرجع قضایی واجد صلاحیت، مستقل و بیطرف بالاتری بخواهد مطابق با قانون، حکم صادره و هرگونه اقدام ناشی از آن را مورد تجدید نظر قرار دهد؛

- در صورتیکه کودک قادر به فهمیدن زبان مورد استفاده یا تکلم به آن زبان نباشد، بتواند از یاری یک مترجم بطور رایگان برخوردار شود؛

- در کلیه مراحل دادرسی، حریم شخصی او کاملاً محفوظ بماند.

۳-کشورهای عضو تلاش خواهند نمود وضع قوانین و مقررات و تأسیس مراجع و نهادهایی که به کودکان مجرم، متهم یا مظنون به نقض قوانین کیفری اختصاص دارند را ترویج کنند و خصوصاً اقدامات ذیل را معمول خواهند داشت:

الف) تعیین حداقل سنی که پایینتر از آن نتوان کودکان را دارای قابلیت نقض قوانین کیفری محسوب کرد؛
ب) در صورت مقتضی و مطلوب بودن، اعمال تدابیری برای برخورد با این‌گونه کودکان بدون توسل به دادرسی‌های قضایی، منوط به اینکه حقوق بشر و ضمانت‌های حقوقی کاملاً رعایت شوند.

۴-به منظور تضمین اینکه با کودکان به روشی متناسب با رفاه و شرایط و جرم آنها رفتار شود، باید تمهیدات گوناگونی از قبیل مقررات مراقبت، راهنمایی و نظارت و نیز مشاوره، تعلیق مجازات، نگهداری توسط خانواده جایگزین، آموزش و برنامه‌های آموزش حرفه‌ای و سایر اقدامات جایگزین مراقبت در مؤسسات فراهم باشد.

ماده ۴۱
مفاد مقاوله‌نامه حاضر تأثیری بر قوانینی که در جهت تحقق حقوق کودک مؤثرتر می‌باشند، و ممکن است جزء موارد زیر باشند، نخواهد داشت:

الف: قوانین کشور عضو؛
ب: قوانین بین‌المللی لازم‌الاجرا در آن کشور.

بخش دوم

ماده ۴۲
کشورهای عضو متعهد می‌شوند به طور گسترده و به طریقی مناسب و فعال اصول و مفاد مقاوله‌نامه را به نحوی یکسان به اطلاع بزرگسالان و کودکان برسانند.

ماده ۴۳

۱-به منظور بررسی پیشرفت کشورهای عضو در دستیابی به تحقق تعهدات ناشی از مقاوله‌نامه حاضر، یک کمیته حقوق کودک تشکیل خواهد شد که وظایف آن در بندها و مواد بعدی تصریح شده است.

۲-کمیته از ده کارشناس تشکیل خواهد شد که از نظر اخلاقی حسن شهرت داشته باشند و صلاحیت آنان در زمینه‌هایی که در مقاوله‌نامه حاضر تصریح گردیده مورد تأیید باشد. اعضای کمیته را کشورهای عضو، با توجه به پراکندگی جغرافیایی متناسب و نیز نظام‌های حقوقی اصلی، از میان اتباع خود انتخاب می‌کنند و این افراد به صورت شخصی به انجام وظیفه در کمیته خواهند پرداخت.

۳-اعضای کمیته با رای مخفی از میان فهرست افرادی که توسط کشورهای عضو نامزد شده‌اند، انتخاب خواهند شد. هر کشور عضو می‌تواند یکی از اتباع خود را نامزد نماید.

۴-اولین انتخابات کمیته حداکثر ظرف شش ماه پس از قابل اجرا شدن مقاوله‌نامه حاضر و سپس هر دو سال یک بار برگزار خواهد شد. حداقل چهار ماه پیش از برگزاری هر یک از انتخابات، دبیرکل سازمان ملل متحد طی نامه‌ای از کشورهای عضو دعوت خواهد کرد ظرف دو ماه نامزدهای خود را معرفی کنند. دبیرکل متعاقباً فهرستی از اسامی همه نامزدها، به ترتیب حروف الفبا و با ذکر نام کشوری که هر یک را نامزد نموده است تهیه و به کشورهای عضو مقاوله‌نامه حاضر تسلیم خواهد کرد.

۵-انتخابات در اجلاس کشورهای عضو که به دعوت دبیرکل و در مقر سازمان ملل متحد تشکیل می‌شود، برگزار خواهد شد. در اجلاس مذکور که با حضور دو سوم کشورهای عضو رسمیت خواهند یافت، افرادی که بیشترین تعداد آرا و اکثریت مطلق آرای نمایندگان حاضر و رأی دهنده کشورهای عضو را به دست آورند به عضویت کمیته انتخاب خواهند شد.

۶-اعضای کمیته برای یک دوره چهار ساله انتخاب خواهند شد و در صورتیکه باز هم نامزد شوند واجد شرایط برای انتخاب مجدد خواهند بود. دوره عضویت پنج تن از اعضای منتخب در اولین

انتخابات، در پایان دو سال خاتمه خواهد یافت. بلافاصله پس از اولین انتخابات، اسامی این پنج نفر از طریق قرعه کشی توسط رئیس جلسه تعیین خواهد شد.

۷-در صورتیکه یکی از اعضای کمیته فوت کند یا استعفا دهد، یا به هر دلیلی اعلام نماید که دیگر قادر به انجام وظیفه در کمیته نمی‌باشد، کشور عضوی که این عضو را نامزد کرده است کارشناس دیگری را از میان اتباع خود معرفی خواهد کرد تا در صورت تصویب کمیته تا پایان دوره در کمیته به انجام وظیفه بپردازد.

۸-کمیته آیین‌نامه داخلی خود را تنظیم خواهد کرد.

۹-کمیته مأموران خود را برای یک دوره دو ساله انتخاب خواهد کرد.

۱۰-جلسات کمیته معمولاً در مقر سازمان ملل متحد یا هر مکان مناسب دیگری که کمیته تعیین کند برگزار خواهد شد. کمیته به طور معمول سالانه تشکیل جلسه خواهد داد. مدت جلسات کمیته در جلسه‌ای با شرکت کشورهای عضو مقاوله‌نامه حاضر و منوط به تصویب مجمع عمومی تعیین خواهد شد و در صورت لزوم مورد تجدید نظر قرار خواهد گرفت.

۱۱-دبیرکل سازمان ملل متحد کارمندان و تجهیزات لازم را برای عملکرد ثمر بخش کمیته طبق مقاوله‌نامه حاضر فراهم خواهد نمود.

۱۲-با تأیید مجمع عمومی، اعضای کمیته‌ای که به موجب مقاوله‌نامه حاضر تشکیل می‌شود از محل منابع سازمان ملل متحد و طبق شرایطی که مجمع عمومی تعیین می‌نماید حقوق دریافت خواهند کرد.

ماده ۴۴

۱-کشورهای عضو متعهد می‌شوند از طریق دبیرکل سازمان ملل متحد گزارش‌هایی در مورد اقداماتی که به منظور تحقق حقوق به رسمیت شناخته شده در مقاوله‌نامه حاضر به عمل آمده‌اند و پیشرفت‌هایی که در برخورداری از این حقوق صورت گرفته است را به ترتیب زیر به کمیته تسلیم کنند:

الف) ظرف دو سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن مقاوله‌نامه برای کشور عضو مربوطه؛

ب) سپس هر پنج سال یک بار.

۲-گزارش‌هایی‌که طبق ماده حاضر تهیه می‌شوند باید عوامل و مشکلاتی که ممکن است موجود باشند و بر میزان انجام تعهدات ناشی از مقاوله‌نامه حاضر تأثیر می‌گذارند را مشخص سازند. گزارشات، برای آنکه درکی جامع از اجرای مقاوله‌نامه در کشور مربوطه به دست دهند، باید حاوی اطلاعات کافی نیز باشند.

۳-برای آن کشور عضوی که گزارش اولیه جامعی به کمیته تسلیم کرده است ضرورتی ندارد در گزارشات بعدی خود، موضوع بند ۱ (ب) این ماده، اطلاعات پایه‌ای که قبلاً ارائه نموده است را تکرار کند.

۴-کمیته می‌تواند از کشورهای عضو بخواهد اطلاعات بیشتری در مورد اجرای مقاوله‌نامه ارائه دهند.

۵-کمیته گزارش فعالیت‌های خود را هر دو سال یک بار از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی به مجمع عمومی تسلیم خواهد کرد.

۶-کشورهای عضو گزارشات خود را به طور گسترده در کشور خود در اختیار عموم قرار خواهند داد.

ماده ۴۵

به منظور ترویج اجرای هر چه مؤثرتر مقاوله‌نامه و تشویق همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌های تحت پوشش مقاوله‌نامه:

الف) سازمان‌های تخصصی، صندوق کودکان سازمان ملل متحد و سایر ارگان‌های سازمان ملل متحد می‌توانند در بررسی اجرای مفادی از این مقاوله‌نامه که در حوزه وظایف آنها واقع می‌شود، شرکت داشته باشند. کمیته می‌تواند از سازمان‌های تخصصی، صندوق کودکان سازمان ملل متحد و سایر نهادهای واجد صلاحیت که مناسب تشخیص دهد دعوت نماید تا در مورد اجرای مقاوله‌نامه در زمینه‌های مرتبط با حوزه وظایف خود نظرات تخصصی ارائه کنند. کمیته می‌تواند از سازمان‌های تخصصی، صندوق کودکان سازمان ملل متحد و سایر ارگان‌های سازمان ملل

متحد دعوت نماید تا در مورد اجرای مقاوله‌نامه در زمینه‌هایی که در حوزه فعالیت‌های آنها واقع می‌شود گزارش‌هایی تسلیم کنند؛

ب) کمیته می‌تواند، در صورتیکه مناسب بداند، هر گزارش دریافتی از کشورهای عضو را که حاوی درخواست برای مشاوره یا مساعدت فنی یا نمایانگر نیاز به آن باشد، همراه با ملاحظات و پیشنهاداتی که ممکن است کمیته در این زمینه داشته باشد برای سازمان‌های تخصصی، صندوق کودکان سازمان ملل متحد و سایر نهادهای واجد صلاحیت ارسال نماید؛

ج) کمیته می‌تواند به مجمع عمومی توصیه کند که از دبیرکل درخواست نماید از طرف کمیته در مورد موضوعات خاصی مربوط به حقوق کودک مطالعاتی انجام دهد؛

د) کمیته می‌تواند بر پایه اطلاعاتی که از طریق اجرای مواد ۴۴ و ۴۵ مقاوله‌نامه حاضر دریافت می‌کند پیشنهادات و توصیه‌های کلی ارائه دهد. این‌گونه پیشنهادات و توصیه‌های کلی باید برای کشورهای عضو مربوطه ارسال گردد و همراه با نظرات کشورهای عضو، چنانچه ملاحظاتی موجود باشد، به مجمع عمومی گزارش شود.

بخش سوم

ماده ۴۶

مقاوله‌نامه حاضر جهت امضای کلیه کشورها مفتوح خواهد بود.

ماده ۴۷

مقاوله‌نامه حاضر منوط به تصویب است. اسناد تصویب به دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهند شد.

ماده ۴۸

مقاوله‌نامه حاضر جهت الحاق کلیه کشورها مفتوح خواهد ماند. اسناد الحاق به دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهند شد.

ماده ۴۹

۱-مقاوله‌نامه حاضر سی روز پس از سپرده شدن بیستمین سند تصویب یا الحاق به دبیرکل سازمان ملل متحد قابل اجرا خواهد بود.

۲-تاریخ لازم‌الاجرا شدن مقاوله‌نامه حاضر در مورد هر کشوری که پس از سپرده شدن بیستمین سند تصویب یا الحاق، مقاوله‌نامه را تصویب می‌کند یا به آن ملحق می‌شود، سی روز پس از تاریخ سپردن سند تصویب یا الحاق توسط آن کشور خواهد بود.

ماده ۵۰

۱-هر یک از کشورهای عضو می‌تواند اصلاحیه‌ای پیشنهاد کرده و آن را به دبیرکل سازمان ملل متحد تحویل دهد. دبیرکل سپس اصلاحیه پیشنهادی را برای کشورهای عضو ارسال خواهد نمود و از آنها درخواست خواهد کرد نظر خود را درباره برپایی کنفرانس کشورهای عضو به منظور بررسی و رای گیری در مورد پیشنهادات اعلام کنند. چنانچه ظرف چهار ماه از تاریخ ارسال، حداقل یک سوم کشورهای عضو موافق برگزاری چنین کنفرانسی باشند، دبیرکل کنفرانس را با پشتیبانی سازمان ملل متحد برگزار خواهد کرد. هر اصلاحیه‌ای که مورد تصویب اکثریت کشورهای عضو حاضر و رای دهنده در کنفرانس قرار گیرد، جهت تصویب به مجمع عمومی تسلیم خواهد شد.

۲-اصلاحیه‌ای‌که مطابق با بند ۱ ماده حاضر به تصویب برسد، پس از تصویب مجمع عمومی و پذیرش دو سوم کشورهای عضو قابل اجرا خواهد بود.

۳-زمانی که اصلاحیه‌ای قابل اجرا می‌شود، برای آن دسته از کشورهای عضو که آن را پذیرفته‌اند لازم‌الاجرا خواهد بود و دیگر کشورهای عضو همچنان ملزم به اجرای مفاد مقاوله‌نامه حاضر و اصلاحیه‌هایی که قبلاً پذیرفته‌اند خواهند بود.

ماده ۵۱

۱-دبیرکل سازمان ملل متحد متن حق شرط کشورها را که در زمان تصویب یا الحاق تسلیم می‌شوند دریافت و برای کلیه کشورها ارسال خواهد کرد.

۲-حق شرطی که با هدف و مقصود مقاوله‌نامه حاضر مغایرت داشته باشد، مجاز نیست.

۳-حق شرط را می‌توان در هر زمان با ارسال اعلامیه رسمی به دبیرکل سازمان ملل متحد باز پس گرفت و دبیرکل سپس این امر را به اطلاع کلیه کشورها خواهد رساند. چنین بیانیه‌ای از تاریخ وصول توسط دبیرکل نافذ خواهد بود.

ماده ۵۲

هر یک از کشورهای عضو می‌تواند با ارسال اعلامیه کتبی برای دبیرکل سازمان ملل متحد از عضویت مقاوله‌نامه حاضر خارج شود. خروج از عضویت مقاوله‌نامه یک سال پس از تاریخ دریافت بیانیه توسط دبیرکل صورت می‌پذیرد.

ماده ۵۳

دبیرکل سازمان ملل متحد به عنوان امانت‌دار مقاوله‌نامه حاضر تعیین شده است.

ماده ۵۴

۱-نسخه اصلی مقاوله‌نامه حاضر، که متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی آن همگی از اعتبار یکسان برخوردارند، نزد دبیرکل سازمان ملل متحد توديع خواهد شد.

۲-با حضور امضا کنندگان تام‌الاختیار زیر که از طرف کشورهای متبوع خود برای این امر کاملاً مجاز می‌باشند، مقاوله‌نامه حاضر به امضا رسید.

پیش‌زمینه‌های پروتکل اختیاری در مورد مقاوله‌نامه حقوق کودک در مورد دخالت کودکان در درگیری‌های مسلحانه[1]

پروتکل اختیاری در مورد مقاوله‌نامه حقوق کودک در مورد دخالت کودکان در درگیری‌های مسلحانه، مشتمل بر ۱۳ ماده، طی قطعنامه شماره (۲۶۳) ۵۴ در ۲۵ ماه مه ۲۰۰۰ تصویب شده و ابعاد و تعهدات تازه‌ای به شرح زیر برای کشورها در مورد مقاوله‌نامه حقوق کودک افزود:

- کشورهای عضو کودکان متعهد خواهند بود تا کودکان با سن کمتر از ۱۸ سال را برای اعزام به میدان جنگ بکار نگیرند.
- همچنین کشورهای عضو می‌پذیرند که خدمت سربازی برای افراد زیر ۱۸ سال را انجام ندهند.
- کشورها باید تمام اقدامات ممکن را برای جلوگیری از چنین استخدامی، شامل وضع قوانینی برای ممنوعیت و جرم‌انگاری استخدام کودکان زیر ۱۸ سال و شرکت آنها در درگیری‌ها و جنگ‌ها، را انجام دهند.
- کشورهای عضو افراد زیر ۱۸ سال را که به خدمت سربازی یا در جنگ استفاده می‌شوند، از خدمت خارج می‌کنند و خدمات بازیابی جسمی و روانی ارائه می‌کنند تا به همگرایی مجدد اجتماعی آنها کمک کند.
- گروه‌های مسلح متمایز از نیروهای مسلح یک کشور تحت هیچ شرایطی نباید افراد زیر ۱۸ سال را به خدمت بگیرند یا از آنها در جنگ استفاده کنند.

تلاش‌های اولیه برای محدود کردن مشارکت کودکان در درگیری‌های مسلحانه با تصویب پروتکل‌های الحاقی به مقاوله‌نامه‌های سال ۱۹۴۹ ژنو، تصویبی سال ۱۹۷۷ براساس بند ۲ از ماده ۷۷ آغاز شد. این پروتکل‌ها استخدام نظامی کودکان زیر ۱۵ سال و مشارکت مستقیم آنها در خصومت‌ها را ممنوع می کرد، اما همچنان به نیروهای مسلح دولتی و گروه ای مسلح غیر دولتی اجازه می داد تا کودکان را از ۱۵ سالگی برای شرکت در جنگ به خدمت بگیرند. علاوه بر این، این پروتکل‌ها طرفین

---

[1] Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the involvement of children in armed conflict. Adopted by General Assembly resolution A/RES/54/263 on 25 May 2000.

متخاصمین از استفاده از کودکان کمتر از ۱۵ سال در خصومت‌ها در زمانی که مشارکت آنها "مستقیم" نبود، را منع نمی‌کرد. این کودکان برای خدماتی مانند پیشاهنگ، باربر، خبرچین، جاسوس، حامل پیام، و نقش‌های پشتیبانی دیگر بکار گرفته می‌شدند.

با تصویب مقاوله‌نامه حقوق کودک، ضرورت ممنوعیت کودکان برای مشارکت در نبردها و همچنین خدمت سربازی هرچه بیشتر ضروری بود. اما همچنان رویه‌هایی وجود داشت که برخلاف مقاوله‌نامه مذکور عمل می‌کرد. برای دستیابی به هدف ممنوع ساختن خدمت سربازی کودکان زیر ۱۸ سال و مشارکت آنها در جنگ‌ها، گروه کوچکی از فعالان حقوق بشر و کشورهای دلسوز کارساز جهانی برای یک معاهده جدید را آغاز کردند که در سال ۲۰۰۰ به شکل گیری پروتکل اختیاری در مورد مقاوله‌نامه حقوق کودک در مورد دخالت کودکان در درگیری‌های مسلحانه انجامید.[۱]

براساس گزارش «دفتر نماینده ویژه دبیرکل در امور کودکان و مخاصمات مسلحانه»[۲] که این مقدمه بطور عمدا از آن استخراج شده است، در حال حاضر، ۱۷۳ کشور پروتکل اختیاری در مورد دخالت کودکان در درگیری‌های مسلحانه را تصویب کرده‌اند. درحالیکه ۷ کشور شامل جمهوری اسلامی ایران، لبنان، لیبریا، هائیتی، سومالیا، زامبیا، و نارو، آنرا امضا اما هنوز تصویب نکرده‌اند. ۱۷ کشور دیگر، شامل اغلب جزایر کوچک و امارات متحده عربی، نیز پروتکل را نه امضا و نه تصویب کرده‌اند.

در ۲۵ ماه مه ۲۰۱۰، دبیر کل سازمان ملل متحد «کارزار جهانی برای تصویب جهانی و اجرای پروتکل های اختیاری»[۳] را راه اندازی کرد. علاوه بر پروتکل، این کارزار با هدف دستیابی به تصویب جهانی پروتکل اختیاری در مورد فروش کودکان، تن فروشی کودکان و هرزه نگاری آنها شکل گرفت.

برای حمایت بیشتر از این کارزار، دفتر نماینده ویژه دبیرکل در امور کودکان و درگیری‌های مسلحانه، کارزار درجه تحمل صفر زیر ۱۸ سال را برای دستیابی به تصویب جهانی پروتکل اختیاری مقاوله‌نامه

---

[1] See: Becker, J. (2012). *Campaigning for Justice: Human Rights Advocacy in Practice*. Stanford, California: Stanford University Press.

[2] Office of the Special Representative of the Secretary General for Children and Armed Conflict

[3] Global Campaign for the universal ratification and implementation of the Optional Protocols to the CRC.

حقوق کودک در مورد مشارکت کودکان در درگیری‌های مسلحانه را ایجاد کرد. این کارزار در سال ۲۰۱۲ پایان یافت و همراه با اطلاع رسانی به دست آمده از طریق کارزار جهانی، ۲۱ تصویب جدید برای پروتکل اختیاری بوجود آورد.

پروتکل اختیاری الحاقی به مقاوله‌نامه حقوق کودک در مورد دخالت کودکان در درگیری‌های مسلحانه

کشورهای عضو این مقاوله‌نامه؛

برای پیشبرد و حمایت کامل از میثاق حقوق کودک و تلاش در جهت تحقق گسترده آن و حفاظت حقوق کودک در تأیید دوباره به رعایت حقوق کودک که مستلزم حفاظت ویژه‌ای است؛

و یاد آوری و درخواست برای ادامه بهبود وضعیت کودکان در پیشرفت و آموزش آنها بدون تبعیض و در محیطی سرشار از صلح و امنیت:

با ابراز نگرانی از اضطرابی که بوسیله جنگ برای کودکان بوجود می‌آید و نتایج دراز مدت آن برای صلح و امنیت پایدار و پیشرفت کودکان زیان آور است؛

با محکوم کردن هدف قرار دادن کودکان در شرایط درگیری های مسلحانه و حملات مستقیم به موضوعات تحت حفاظت حقوق بین الملل، از جمله مکان‌هایی که به طور کلی حضور قابل توجهی از کودکان، مانند مدارس و بیمارستان ها را دارند،

با توجه به اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، بویژه در مورد جرایم جنگی، سربازگیری و نام نویسی کودکان زیر ۱۵ سال و استفاده آنان در جنگ‌های داخلی و بین‌المللی، جرم محسوب می‌شود؛

با توجه به تقویت اجرای مواد میثاق حقوق کودک مبنی بر نیاز مبرم به افزایش حفاظت کودکان در جنگها و منازعات مسلحانه؛

با توجه به این که در ماده ۱ مقاوله‌نامه حقوق کودک مشخص شده است که برای مقاصد آن مقاوله‌نامه، کودک به معنای هر موجود بشری زیر سن ۱۸ سال است مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا برای کودک، سن بلوغ زودتر از آن حاصل شود؛

با اطمینان از این که پروتکل اختیاری مقاوله‌نامه که سن استخدام احتمالی افراد به نیروهای مسلح و مشارکت آنها در جنگها را افزایش می‌دهد، به طور موثر به اجرای این اصل که منافع بالاتری کودک باید در تمام اقدامات مربوط به کودکان در نظر گرفته شود، کمک خواهد کرد؛

با اشاره به اینکه بیست و ششمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر در دسامبر ۱۹۹۵، از جمله، توصیه کرد که طرف‌های درگیر هر گام ممکن را برای اطمینان از عدم شرکت کودکان زیر ۱۸ سال در درگیری‌ها بردارند؛

با استقبال از رای همگانی، (اعضای) میثاق سازمان بین‌المللی کار، ژوئن ۱۹۹۹ شماره ۱۸۲ مبنی بر پذیرش حذف کار کودکان و ممنوعیت فوری استخدام اجباری کودکان برای جنگها؛

با توجه به محکومیت شدید گروه‌های مسلح و جدا از نیروهای حکومتی، در استخدام، آموزش و بکارگیری کودکان برای جنگ در درون و برون مرزها، و نیز محکومیت افرادی که با علم و آگاهی مرتکب چنین اعمالی می‌شوند؛

با یادآوری بر تعهدات هر کشور عضو در پایبندی به مقررات حقوقی بشردوستانه بین‌المللی در مواقع جنگ؛

با اصرار بر اجرای مواد این مقاوله‌نامه که بدون هیچ پیش فرضی در جهت اهداف و اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد، ماده ۵۱ و اسناد مربوط به حقوق بشر تدوین شده است؛

با یادآوری به شرایط صلح و امنیت بر پایه احترام کامل به اصول مندرج در منشور و رعایت عملی اسناد و قوانین حقوقی بشردوستانه برای حفاظت کودکان بویژه در خلال جنگها و اشغال سرزمین‌ها توسط بیگانگان با شناخت به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و جنسی کودکان و احتیاجات ویژه آنها و نیز با توجه به آسیب پذیری کودکان در مواقع استخدام و بکارگیری آنها در جنگها و مخاصمات که مخالف مواد این مقاوله‌نامه است؛

با توجه به ضروریات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که سبب می‌شود کودکان در جنگها حضور یابند؛

با اعتقاد به نیاز مبرم در جهت تقویت همکاری‌های بین‌المللی برای اجرای این مقاوله‌نامه و نیز جهت احیای شرایط جسمانی و روانی و بازیابی سلامت اجتماعی کودکان بویژه کسانیکه قربانی جنگها هستند؛

تشویق مشارکت جامعه و به ویژه کودکان و کودکان قربانی در انتشار برنامه های اطلاعاتی و آموزشی در مورد اجرای پروتکل؛

به مراتب زیر موافقت کرده‌اند:

ماده ۱

کشورهای عضو می بایست اقدامات لازم را جهت تضمین عدم شرکت افراد زیر ۱۸ سال در نیروهای مسلح برای شرکت در مخاصمات و جنگها به عمل در آورند.

ماده ۲

کشورهای عضو می‌بایست اطمینان حاصل کنند که افراد زیر ۱۸ سال به استخدام اجباری نیروهای مسلح مجبور نشوند.

ماده ۳

۱-کشورهای عضو می‌بایست حداقل سن داوطلبان خدمت در نیروهای مسلح و ملی خود را طبق ماده ۳۸ میثاق حقوق کودک، بند سوم، قرار دهند. این ماده از میثاق متضمن اصولی است که از حکومتها می‌خواهد اقدامات لازم را جهت حمایت‌های ویژه افراد زیر ۱۸ سال انجام دهند.

۲-هرکشور عضو می‌بایست مصوبه و یا پیوستی به این مقاوله‌نامه مبنی بر اظهار علاقه به تعیین حداقل سن خدمت افراد در نیروهای مسلح خود، داشته باشد. همچنین یک دستورالعمل توضیحی مبنی بر حمایت افراد جهت استخدام در نیروهای مسلح به عمل آورد، تا بدین وسیله کسی مجبور به استخدام در نیروهای مسلح نشود.

۳-هرکشور عضوی که اجازه خدمت داوطلبانه به افراد کمتر از ۱۸ سال، در نیروهای مسلح خود می‌دهد، ملزم به حداقل مراقبت و حمایت‌هایی است که در زیر آورده می‌شود:

الف) خدمت (در نیروهای مسلح) داوطلبانه باشد؛

ب) خدمت با اطلاع و رضایت والدین و یا قیم قانونی فرد باشد؛

ج) این اشخاص (والدین و قیم قانونی) می‌بایست کاملا از وظایفی که فرد در چنین خدمات نظامی با آن روبرو است، مطلع باشد؛

د) این اشخاص مدرک معتبر و قابل پذیرش که نشان دهند سن فرد داوطلب است را ارائه بدهند.

۴-هر کشور عضو می‌تواند در هر زمان بوسیله یادداشتی خطاب به دبیرکل سازمان ملل اظهار علاقه خود مبنی بر اعلام (مذکور) را تحکیم بخشد. دبیرکل این مورد را به اطلاع سایر کشورهای عضو خواهد رساند. این چنین یادداشتی از تاریخ دریافت آن بوسیله دبیرکل اجرا خواهد شد.

۵-بنابر ماده ۲۸ و ۲۹ میثاق حقوق کودک، لازمه افزایش سنی که در بند اول این ماده آمده است، برای مدارسی که تحت کنترل نیروهای مسلح کشورهای عضو است، قابل اجرا نخواهد بود.

ماده ۴

۱-گروه‌های نظامی که جدا از نیروهای مسلح کشوری هستند، نباید تحت هیچ شرایطی، افراد زیر ۱۸ سال را جهت شرکت در جنگ به استخدام خود درآورند.

۲-کشورهای عضو متعهد خواهند بود اقدامات لازم و عملی را جهت ممانعت از استخدام و بکارگیری این‌گونه افراد، انجام دهند. این ممانعت ها شامل بکار بردن اقدامات قانونی مبنی بر جرم شناختن اینگونه اعمال است.

۳-اجرای ماده حاضر در وضعیت قانونی کشور عضوی که در حال جنگ است، تاثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۵

هیچکدام از مواد این مقاوله‌نامه نباید به گونه‌ای تفسیر شود که از قوانین و مقررات کشورهای عضو و یا قوانین بین‌المللی و قوانین بشردوستانه بین‌المللی که همگی برای تحقق بخشیدن و (دفاع) از حقوق کودک وضع شده کند، ممانعت به عمل آورد.

ماده ۶

۱-کشورهای عضو می‌بایست مراحل قانونی، اداری و اقدامات لازم جهت تصویب و اجرای مواد این مقاوله‌نامه را در دستگاه قضایی خود طی کنند.

۲-کشورهای عضو متعهد می‌باشند که اصول و مقررات مقاوله‌نامه حاضر را بطور وسیع و با ابزارهای مناسب به بزرگسالان و کودکان آموزش دهند.

۳-کشورهای عضو می‌بایست اقدامات لازم و عملی را در دستگاه قضایی خود جهت اطمینان از افرادی که در نیروهای مسلح استخدام شده‌اند و یا در جنگها بکار گرفته می‌شوند در وضعیت مخالف مواد این مقاوله‌نامه به سر نبرند. آنان ملزم هستند افرادی را (که وضعیت آنها مخالف مواد این مقاوله‌نامه است) را یا از خدمت نظام مرخص کنند و یا در جنگ شرکت ندهند. همچنین کشورهای عضو موظف هستند در صورت امکان کمکهای لازم را جهت بهبودی جسمی و روانی این چنین افراد و برای فعالیت اجتماعی مجدد آنها به عمل آورند.

ماده ۷

۱-کشورهای عضو می‌بایست برای به اجرا درآوردن این مقاوله‌نامه با یکدیگر همکاری کنند. این همکاری‌ها شامل جلوگیری از هر اقدام و فعالیتی می‌باشد که مخالف این مقاوله‌نامه است. همچنین این همکاری‌ها می‌تواند در جهت احیا و بازسازی اجتماعی کسانی باشد که قربانی اقدامات مخالف این مقاوله‌نامه شده‌اند. این همکاری‌های کمکهای مالی و فنی را نیز شامل می‌گردد که با مشاوره کشورهای عضو مربوطه و سازمان‌های بین‌المللی انجام می‌گیرد.

۲-کشورهای عضوی که در شرایط انجام این کمکها قرار دارند می‌بایست کمکهای دو یا چند جانبه و یا سایر برنامه ها را از طریق مؤسسات مالی داوطلبانه طبق قوانین مجمع عمومی ارائه دهند.

ماده ۸

۱-کشورهای عضو ۲ سال پس از قدرت اجرایی پیدا کردن این مقاوله‌نامه گزارشی جامع به کمیته حقوق کودک که شامل اطلاعات و اقداماتی که در مورد مواد مقاوله‌نامه و نیز اقداماتی که در مورد اجرای شرکت افراد و سرباز گیری انجام داده است، تقدیم خواهد نمود.

۲-پیرو ارائه گزارش جامع، بنابر ماده ۴۴ میثاق حقوق کودک، کشورهای عضو می‌توانند منبعد هر پنج سال یکبار به کمیته حقوق کودک گزارش دهند.

۳-کمیته حقوق کودک، ممکن است گزارشات و اطلاعات بیشتری که در ارتباط با مواد اجرایی مقاوله‌نامه است، از کشورهای عضو در خواست نماید.

ماده ۹

۱-این مقاوله‌نامه برای هر کشوری که میثاق حقوق کودک را پذیرفته است و یا آنرا امضا نموده، آماده امضا می‌باشد.

۲-این مقاوله‌نامه تابع به تصویب است و برای هر کشوری آماده به الحاق است. اسناد تصویب یا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل سپرده خواهد شد.

۳-دبیرکل به سمت امانت دار میثاق و مقاوله‌نامه حقوق کودک، وظیفه دارد به کشورهای عضو و کشورهایی که میثاق را امضا کرده‌اند، مطابق ماده ۳ اطلاع دهد.

ماده ۱۰

۱-این مقاوله‌نامه ۳ ماه بعد از سپرده شدن دهمین سند تصویب یا الحاق قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد.

۲-برای هر کشوری که این مقاوله‌نامه را تصویب می‌کند و یا به آن ملحق می‌شود یک ماه بعد از تاریخ سپرده شدن اسناد تصویب یا الحاق قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد.

ماده ۱۱

۱-هر کشوری می‌تواند در هر زمان بوسیله یادداشت به دبیرکل سازمان ملل، اعلان خارج شدن (انصراف) از این مقاوله‌نامه را بنماید. دبیرکل این انصراف را که به اطلاع کشورهای عضو میثاق و کشورهایی که آنرا امضا کرده‌اند، خواهند رساند. انصراف از مقاوله‌نامه بعد از یک سال از دریافت یادداشت دبیرکل اجرا خواهد شد. اگر تاریخ سال اعلان انصراف از مقاوله‌نامه همان سالی منقضی شود که کشور (انصراف دهنده) درگیر جنگ است، پس از پایان جنگ انصراف آن کشور به اجرا در خواهد آمد.

۲-این قبیل اعلان انصراف نباید روی تعهدات کشور عضو نسبت به این مقاوله‌نامه و یا هر قراردادی که قبل از تاریخ اعلان انصراف انجام داده است، تأثیری گذارد. همچنین این انصراف نباید به ادامه روند موضوعاتی که قبلا تحت رسیدگی کمیته حقوق کودک قرار داشت، لطمه‌ای وارد کند.

ماده ۱۲

۱-هر کشور عضو ممکن است اصلاحیه‌ای پیشنهاد کند و آنرا نزد دبیرکل سازمان ملل متحد بسپارد. در این صورت دبیرکل اصلاحیه‌های پیشنهادی را به کشورهای عضو این میثاق ابلاغ خواهد کرد و از آنها درخواست خواهد کرد، نشان دهند که آیا مایل هستند کنفرانسی از کشورهای عضو با هدف بررسی کردن و اخذ رای طرح‌های پیشنهادی تشکیل گردد. بعد از چهار ماه از زمانیکه دبیرکل پیشنهاد اصلاحی را به آگاهی کشورهای عضو رساند، اگر حداقل یک سوم کشورهای عضو مایل به تشکیل چنین کنفرانسی باشند، دبیرکل، کنفرانسی تحت نظر سازمان ملل متحد تشکیل خواهد داد. هر اصلاحیه‌ای که به اکثریت آرای کشورهای عضو حاضر و رای دهنده در کنفرانس پذیرفته شود (آن اصلاحیه) برای تصویب به مجمع عمومی ملل متحد تقدیم خواهد شد.

۲-اصلاحیه پذیرفته شده زمانی قدرت اجرایی پیدا می‌کند که بر طبق بند اول پروتکل حاضر، به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده و اکثریت دو سوم کشورهای عضو آنرا پذیرفته باشند.

۳-موقعی‌که اصلاحیه قدرت اجرایی پیدا نمود، برای کشور عضوی که آنرا پذیرفته است لازم‌الاجرا خواهد شد. سایر کشورها امکان به مقررات این مقاوله‌نامه و هرگونه اصلاحیه‌ای که قبلا پذیرفته‌اند، ملزم خواهند بود.

ماده ۱۳

۱-متن مقاوله‌نامه حاضر به زبانهای عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی می‌باشد و از اعتبار یکسان برخوردار است و در بایگانی سازمان ملل نگهداری خواهد شد.

۲-دبیرکل سازمان ملل می‌بایست رونوشت‌های گواهی شده این مقاوله‌نامه را برای تمام کشورهای عضو میثاق و تمام کشورهایی که میثاق را امضا کرده کنند، ارسال دارد.

پیش زمینه‌های شکل گیری پروتکل اختیاری مقاوله‌نامه حقوق کودک در مورد فروش کودکان، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان[1]

پروتکل اختیاری مقاوله‌نامه حقوق کودک، مشتمل بر ۱۷ ماده، در مورد فروش کودکان، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان، که با قطعنامه (۲۶۳)۵۴ در پنجاه و چهارمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۵ ماه مه سال ۲۰۰۰به تصویب رسید. این پروتکل کشورها را ملزم می‌سازد که این فعالیت‌ها را جرم انگاری کنند، تعقیب مجرمان را آسانتر ساخته، و اقداماتی را برای حمایت از کودکان قربانی اتخاذ کنند. درحال حاضر ۱۷۸ کشور پروتکل را امضا و تعداد ۱۲۱ کشور، شامل جمهوری اسلامی ایران، آنرا تصویب کرده‌اند.

پیش‌زمینه‌های شکل‌گیری این پروتکل را باید در واقعیت‌های بیرحمانه جوامع مختلف و سودجویی انسان نمایانی جستجو کرد که در بهره برداری از کودکان برای منافع خود استفاده می‌کنند. براساس گزارش یونیسف، از بیش از ۱۲۰ میلیون دختر زیر ۲۰ سال در صنعت سکس (فحشا، هرزه‌نگاری و غیره) استفاده می‌شود که بیشتر آنها به دلیل فقر و نا آگاهی‌ها انجام می‌گیرد. براساس همان گزارش تقریباً ۹۰ درصد از دختران نوجوانی که رابطه جنسی اجباری را گزارش می‌کنند می‌گویند که اولین مرتکب آنها کسی مانند دوست پسر یا شوهر بوده‌اند.[2] این سواستفاده‌های غیرانسانی از کودکان معصوم عواقب چشمگیری هم برای سلامت جسمی و هم برای سلامت روانی آنها دارد. موضوع بویژه هنگامی دردناکتر می‌شود که بسیاری از این کودکان برخلاف میل خود به هرزگی کشیده شده، ربوده، و یا فروخته می‌شوند، و یا اینکه به نفع شبکه‌های فاسد فحشا و هرزه‌نگاری به فرزندی قبول می‌شوند. ازاینروی، کمک به آنها اغلب به دلیل ناپیدا بودن سوءاستفاده از آنها امر بسیار دشواری است، بویژه اینکه بدون اسناد رسمی، آنها برای مقامات ناشناخته هستند و ناپدید شدن آنها به

---

[1] Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the Sale of Children, Child Prostitution and Child Pornography. Adopted by resolution A/RES/54/263 at the fifty-fourth session of the General Assembly of the United Nations on 5 May 2000.
[2] UNICEF: Sexual Violence against Children. Sexual Violence Knows no Boundaries. It Occurs in Every Country, across all Parts of Society.

سرعت فراموش می‌شود. این معضل هم کشورهای توسعه یافته و هم کشورهای در حال توسعه را تحت تاثیر قرار داده است.

بنابراین، پروتکل یادشده یکی از مهمترین اقدامات حقوقی الزام‌آور بین‌المللی برای مقابله با این جنایات است. طبق مقدمه، پروتکل برای دستیابی به اهداف برخی از مواد در مقاوله‌نامه حقوق کودک در نظر گرفته شده است، جایی که حقوق با این شرط تعریف شده است که طرفین باید «اقدامات مناسب» را برای حمایت از آنها انجام دهند. ماده ۱ پروتکل طرفین را ملزم می کند از حقوق و منافع کودکان قربانی قاچاق، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان، کار کودکان و به ویژه بدترین اشکال کار کودکان حمایت کنند. «کشورهای عضو، فروش کودکان، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان را طبق این پروتکل ممنوع خواهند کرد». ماده ۲ پروتکل، این وظیفه کشورها را در موارد زیر توضیح می‌دهد:

- فروش کودکان به معنای هر عمل یا معامله‌ای است که به موجب آن یک کودک توسط شخص یا گروهی از افراد به دیگری برای دستمزد یا هر هزینه دیگری منتقل می‌شود.
- روسپیگری کودک به معنای استفاده از کودک در فعالیت‌های جنسی برای دریافت پاداش یا هر نوع پرداخت دیگری است.
- هرزه‌نگاری کودک به معنای هرگونه نمایش کودکی است که در فعالیت‌های جنسی واقعی یا شبیه سازی شده یا هر نمایشی از بخش‌های جنسی کودک برای مقاصد اصلی جنسی انجام می‌شود.

مواد باقیمانده در پروتکل استانداردهای اجرای قانون بین‌المللی را تشریح می‌کنند که موضوعات مختلفی مانند عوامل قضایی، استرداد، کمک متقابل در تحقیقات، رسیدگی‌های کیفری یا استرداد، و توقیف و مصادره دارایی‌های دست اندرکاران این نوع جنایت‌ها را پوشش می‌دهد. پروتکل همچنین کشورهای عضو را موظف می‌کند تا قوانینی را در قلمرو خود علیه این اعمال «مجازات با مجازات‌های مناسب که ماهیت سنگین آنها را در نظر می‌گیرد»، تصویب کنند.

پروتکل اختیاری

مقاوله‌نامه حقوق کودک در مورد فروش کودکان، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان

کشورهای عضو این پروتکل،

با توجه به این که برای دستیابی بیشتر به اهداف مقاوله‌نامه حقوق کودک و اجرای مقررات آن، به ویژه مواد ۱، ۱۱، ۲۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵ و ۳۶، لازم است اقدامات لازم برای تضمین حفاظت از کودک در برابر فروش کودکان، فحشا کودکان و هرزه‌نگاری کودکان را گسترش دهند،

همچنین با توجه به این که مقاوله‌نامه حقوق کودک حق کودک را در برابر استثمار اقتصادی و از انجام هر کاری که احتمال دارد خطرناک باشد یا در آموزش کودک دخالت داشته باشد یا به سلامت کودک یا رشد جسمی، روانی، معنوی، اخلاقی یا اجتماعی او مضر باشد، به رسمیت می‌شناسد،

با ابراز شدید نگرانی از افزایش قابل توجه و فزاینده ی قاچاق بین‌المللی کودکان به منظور فروش کودکان، فحشاگری کودکان و هرزه‌نگاری کودکان،

با نگرانی عمیق از گسترش گسترده و ادامه فعالیت‌های گردشگری جنسی که کودکان به ویژه در معرض آن قرار دارند، زیرا به طور مستقیم فروش کودکان، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان را ترویج می‌دهد،

با شناخت این که تعدادی از گروه‌های به ویژه آسیب پذیر از جمله دختران در معرض خطر بیشتری از بهره برداری جنسی قرار دارند و دختران به طور نامتناسبی در میان بهره برداری جنسی حضور دارند،

با ابراز نگرانی از دسترسی روزافزون به هرزه‌نگاری کودکان در اینترنت و سایر فن آوری های در حال تحول، و با یادآوری کنفرانس بین‌المللی مبارزه با هرزه‌نگاری کودکان در اینترنت که در وین در سال ۱۹۹۹ برگزار شد، بویژه نتیجه گیری آن که خواستار جرم شمردن تولید، توزیع، صادرات، انتقال، واردات، نگهداری عمدی و تبلیغات هرزه‌نگاری کودکان در سراسر جهان بود، و با تأکید بر اهمیت همکاری و مشارکت نزدیک تر میان کشورها و صنعت اینترنت،

با اعتقاد به این که از بین بردن فروش کودکان، فحشا کودکان و هرزه‌نگاری کودکان با اتخاذ یک رویکرد جامع، با پرداختن به عوامل موثر، از جمله توسعه ی عقب مانده، فقر، نابرابری های اقتصادی، ساختار اقتصادی-اجتماعی ناعادلانه، خانواده های ناکارآمد، فقدان تحصیلات، مهاجرت شهری به روستایی، تبعیض جنسیتی، رفتار جنسی غیرمسئولانه بزرگسالان، شیوه‌های سنتی مضر، درگیری های مسلحانه و قاچاق کودکان، تسهیل خواهد شد،

همچنین با اعتقاد به اینکه برای کاهش تقاضای مصرف کنندگان برای فروش کودکان، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان، به تلاش‌هایی برای افزایش آگاهی عمومی نیاز است، و با اعتقاد بیشتر به اهمیت تقویت مشارکت جهانی بین همه بازیگران و بهبود اجرای قانون در سطح ملی،

با توجه به مفاد سندهای حقوقی بین‌المللی مربوط به حفاظت از کودکان، از جمله مقاوله‌نامه لاهه در مورد حفاظت از کودکان و همکاری در رابطه با فرزندخواندگی بین‌المللی، مقاوله‌نامه لاهه در مورد جنبه های مدنی ربودن بین‌المللی کودکان، مقاوله‌نامه لاهه در مورد صلاحیت قضایی، قانون قابل اجرا، به رسمیت شناختن، اجرای و همکاری در رابطه با مسئولیت والدین و اقدامات حفاظت از کودکان، و مقاوله‌نامه سازمان بین‌المللی کار شماره ۱۸۲ در مورد ممنوعیت و اقدام فوری برای از بین بردن بدترین اشکال کار کودکان،

با تشویق از حمایت فراگیر از مقاوله‌نامه حقوق کودک که نشان دهنده تعهد گسترده ای است که برای ارتقاء و حفاظت از حقوق کودک وجود دارد،

با شناخت اهمیت اجرای مفاد برنامه عمل برای پیشگیری از فروش کودکان، فحشاگری کودکان و هرزه‌نگاری کودکان و اعلامیه و برنامه عمل تصویب شده در کنگره جهانی علیه بهره برداری جنسی از کودکان به منظور کسب و کار که از ۲۷ تا ۳۱ آگوست ۱۹۹۶ در استکهلم برگزار شد و سایر تصمیمات و توصیه های مربوطه نهادهای بین‌المللی مربوطه،

با در نظر گرفتن اهمیت سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی هر ملت برای حفاظت و رشد هماهنگ کودک، توافق کرده‌اند که:

ماده ۱

کشورهای عضو فروش کودکان، فحشا کودکان و هرزه‌نگاری کودکان را طبق مقررات این پروتکل ممنوع می‌کنند.

ماده ۲

برای مقاصد این پروتکل:

الف) فروش کودکان به معنی هر عمل یا معامله ای است که در آن یک کودک توسط هر شخص یا گروه از افراد به شخص دیگری به ازای پاداش یا هر نوع پاداش دیگر منتقل می‌شود؛

ب) فحشا کودک به معنی استفاده از یک کودک در فعالیت‌های جنسی به ازای پاداش یا هر نوع دیگری از پاداش است؛

ج) هرزه‌نگاری کودک به معنی هر گونه نمایش، به هر وسیله‌ای، از یک کودک درگیر در فعالیت های جنسی واقعی یا شبیه سازی شده یا هر گونه نمایش قسمت‌های جنسی یک کودک به طور عمده برای اهداف جنسی است.

ماده ۳

۱-هر کشور عضو باید تضمین کند که حداقل اعمال و فعالیت‌های زیر به طور کامل تحت پوشش قوانین جزایی یا کیفری خود قرار می‌گیرد، خواه این جرائم در داخل کشور یا فراملی یا به صورت فردی یا سازماندهی شده انجام شوند:

الف) در زمینه فروش کودکان همانطور که در ماده ۲ تعریف شده است؛

۱: پیشنهاد، تحویل یا پذیرش کودک به هر وسیله‌ای به منظور

- استثمار جنسی از کودک؛
- انتقال اعضای بدن کودک برای سود؛
- درگیر شدن کودک در کار اجباری؛

۲: ایجاد رضایت نادرست، به عنوان یک واسطه، برای فرزندخواندگی در نقض اسناد حقوقی بین‌المللی قابل اجرا در مورد فرزندخواندگی؛

ب) پیشنهاد، به دست آوردن، تهیه یا تهیه کودک برای روسپیگری کودکان، همانطور که در ماده ۲ تعریف شده است؛

ج) تولید، توزیع، انتشار، واردات، صادرات، عرضه، فروش یا در اختیار داشتن هرزه‌نگاری کودکان برای مقاصد فوق طبق تعریف در ماده ۲؛

۲: تلاش برای ارتکاب هر یک از اعمال مذکور و مشارکت یا مشارکت در هر یک از اعمال مذکور.

۳-هر کشور عضو این جرایم را با مجازاتهای مناسبی که ماهیت شدید آنها را در نظر می گیرد مجازات خواهد کرد.

۴- با رعایت مقررات قانون ملی خود، هر کشور عضو، در صورت لزوم، اقداماتی را برای احراز مسئولیت اشخاص حقوقی در قبال جرائم مندرج در بند ۱ این ماده اتخاذ خواهد کرد. با رعایت اصول حقوقی دولت عضو، چنین مسئولیتی برای اشخاص حقوقی ممکن است کیفری، مدنی یا اداری باشد.

۵-کشورهای طرف مقاوله‌نامه کلیه اقدامات قانونی و اداری مناسب را برای اطمینان از اینکه همه افراد دخیل در فرزندخواندگی کودک مطابق با اسناد حقوقی بین‌المللی قابل اجرا عمل می‌کنند، اتخاذ خواهند کرد.

ماده ۴

۱-هر کشور عضو باید اقدامات لازم را برای ایجاد صلاحیت خود در قبال جرایم مذکور در بند ۱ از ماده ۳ در صورت ارتکاب جرایم در قلمرو آن یا در یک کشتی یا هواپیما که در آن کشور ثبت شده است، اتخاذ کند.

۲-هر کشور عضو می تواند اقدامات لازم را برای ایجاد صلاحیت قضایی خود در مورد جرایم مذکور در بند ۱ ماده ۳ در موارد زیر اتخاذ کند:

الف) هنگامی که مرتکب جرم متهم، تابع آن کشور باشد یا شخصی که اقامت عادی خود را در قلمرو آن کشور دارد؛

ب) هنگامی که قربانی تابع آن کشور باشد.

۳- هر کشور عضو همچنین باید اقدامات لازم را برای ایجاد صلاحیت خود در قبال جرایم مذکور در صورتیکه مرتکب ادعایی در قلمرو خود حضور داشته باشد و او را به دلیل اینکه جرم توسط یکی از اتباع خود مرتکب شده است به کشور عضو دیگری تحویل ندهد، اتخاذ کند.

۴-این پروتکل هیچ صلاحیت قضایی کیفری را که مطابق با قانون داخلی اعمال می‌شود، مستثنی نمی‌کند.

ماده ۵

۱-جرایم مذکور در بند ۱ ماده ۳ به عنوان جرایم قابل استرداد در هر معاهده استرداد موجود بین کشورهای عضو در نظر گرفته می‌شوند و به عنوان جرایم قابل استرداد در هر معاهده استرداد که بعداً بین آنها منعقد شود، مطابق با شرایط مقرر در چنین معاهداتی، در نظر گرفته می‌شوند.

۲-اگر یک کشور عضو که واگذاری را مشروط به وجود یک معاهده می داند، درخواست واگذاری از یک کشور عضو دیگر که با آن معاهده واگذاری ندارد، دریافت کند، می تواند این پروتکل را مبنای قانونی برای واگذاری در رابطه با چنین جرایمی در نظر بگیرد. صدور حکم به شرایط مقرر در قانون کشور درخواست شده مشروط خواهد بود. ۳- کشورهای عضو که واگذاری را مشروط به وجود معاهده‌ای قرار نمی‌دهند، چنین جرایمی را به عنوان جرایمی قابل واگذاری در میان خود با رعایت شرایط مقرر در قانون دولت درخواست شده می‌شناسند.

۴- چنین جرایمی، برای اهداف استرداد بین کشورهای عضو، چنان مورد توجه قرار می گیرند که گویی نه تنها در محل وقوع آنها، بلکه در قلمروهای کشورهای مورد نیاز برای اثبات صلاحیت قضایی آنها مطابق با ماده ۴ مرتکب شده‌اند.

۵- در صورتی که در رابطه با یک جرم و جنایتی که در بند ۱ ماده ۳ شرح داده شده است، درخواست تسلیحات صورت گیرد و کشور عضو درخواست شده، بر اساس ملیت مرتکب جرم و

جنایت، شخص را مسلح نساخته یا نخواهد کرد، آن کشور اقدامات مناسب را برای ارائه پرونده به مقامات صلاحیت دار خود به منظور پیگرد قانونی انجام خواهد داد.

ماده ۶

۱-کشورهای عضو در ارتباط با تحقیقات یا دادرسی‌های کیفری یا استردادی که در رابطه با جرایم ذکر شده در بند ۱ ماده ۳ آغاز شده است، از جمله در کسب شواهد مورد نیاز برای دادرسی، به یکدیگر بیشترین میزان کمک را ارائه می‌دهند.

۲-کشورهای عضو تعهدات خود را بر اساس بند ۱ این ماده مطابق با هر معاهده یا توافق دیگری در مورد کمک حقوقی متقابل که ممکن است بین آنها وجود داشته باشد، انجام می‌دهند. در صورت عدم وجود چنین معاهده ها یا ترتیبات، کشورهای عضو مطابق با قوانین داخلی خود به یکدیگر کمک می‌کنند.

ماده ۷

کشورهای عضو، با رعایت مقررات قانون ملی خود:

الف) اقدامات لازم را برای مصادره و مصادره، در صورت لزوم، موارد زیر اتخاذ می‌کنند؛

۱: کالاها، مانند مواد، دارایی‌ها و سایر ابزارها که برای ارتکاب یا تسهیل جرایم بر اساس این پروتکل استفاده می‌شود؛

۲: درآمد حاصل از چنین جرایم؛

ب) درخواست‌های یک کشور عضو دیگر برای مصادره یا مصادره کالاها یا درآمد مذکور در زیر بند (الف) را اجرا می‌کند؛

ج) اقدامات لازم را برای بسته شدن موقت یا دائمی مکان‌هایی که برای ارتکاب چنین جرایم استفاده می‌شود، اتخاذ می‌کند.

ماده ۸

۱- کشورهای عضو اقدامات مناسب را برای حفاظت از حقوق و منافع کودکان قربانی اقدامات ممنوعه براساس این پروتکل در تمام مراحل روند عدالت کیفری اتخاذ می‌کنند، به ویژه با:

الف) به رسمیت شناختن آسیب پذیری کودکان قربانی و تطبیق رویه‌ها به منظور شناخت نیازهای ویژه آنها، از جمله نیازهای ویژه آنها به عنوان شاهدان؛

ب) اطلاع رسانی به کودکان قربانی از حقوق، نقش و دامنه، زمان بندی و پیشرفت دادرسی و رسیدگی به پرونده‌های آنها؛

ج) اجازه دادن به ارائه نظرات، نیازهای و نگرانی‌های کودکان قربانی در دادرسی که منافع شخصی آنها تحت تأثیر قرار می گیرد، به شیوه‌ای سازگار با قواعد رویه‌های قانون ملی؛

د) ارائه خدمات حمایتی مناسب به کودکان قربانی در طول روند قانونی؛

ه) حفاظت، در صورت مناسب، از حریم خصوصی و هویت کودکان قربانی و اتخاذ اقدامات مطابق با قانون ملی برای جلوگیری از انتشار نامناسب اطلاعاتی که می‌تواند منجر به شناسایی کودکان قربانی شود؛

و) در موارد مناسب، تأمین امنیت کودکان قربانی و همچنین خانواده‌های آنها و شاهدان به نمایندگی از آنها در برابر تهدید و انتقام؛

ز) اجتناب از تاخیر غیرضروری در رسیدگی به پرونده‌ها و اجرای دستورات یا فرمان‌های اعطای جبران خسارت به کودکان قربانی.

۲- دولت های عضو تضمین می کنند که عدم قطعیت در مورد سن واقعی قربانی مانع از آغاز تحقیقات کیفری، از جمله تحقیقات با هدف تعیین سن قربانی، نشود.

۳- دولت های عضو تضمین می‌کنند که در برخورد سیستم عدالت کیفری با کودکان قربانی جرایم شرح داده شده در این پروتکل، منافع بالاتری کودک در اولویت اول قرار دارد.

۴- کشورهای عضو اقدامات لازم را برای تضمین آموزش مناسب، بویژه آموزش حقوقی و روانی، برای افرادی که با قربانیان جرایم ممنوعه براساس این پروتکل کار می کنند، اتخاذ خواهند کرد.

۵- کشورهای عضو، در موارد مقتضی، تدابیری اتخاذ خواهند کرد تا از ایمنی و یکپارچگی افراد و یا سازمان‌هایی که در پیشگیری ویا حفاظت و بازپروری قربانیان چنین جرائمی دخیل هستند، محافظت کنند.

۶- هیچ چیز در این ماده نباید به گونه‌ای تعبیر شود که به حقوق متهم برای محاکمه عادلانه و بیطرفانه لطمه وارد کند یا با آن مغایرت داشته باشد.

ماده ۹

۱- کشورهای عضو باید قوانین، اقدامات اداری، سیاست‌ها و برنامه‌های اجتماعی را برای پیشگیری از جرائم مذکور در این پروتکل تصویب یا تقویت، اجرا و منتشر کنند. توجه ویژه‌ای باید به محافظت از کودکانی که بویژه در برابر چنین اعمالی آسیب پذیر هستند، معطوف شود.

۲- کشورهای عضو باید آگاهی عمومی از جمله کودکان را از طریق اطلاع رسانی با تمام ابزارهای مناسب، آموزش و پرورش در مورد اقدامات پیشگیرانه و اثرات مضر جرایم مذکور در این پروتکل ارتقا دهند. در اجرای تعهدات خود به موجب این ماده، کشورهای عضو مشارکت جامعه و به ویژه کودکان و کودکان قربانی را در چنین برنامه‌های اطلاعاتی و آموزشی و آموزشی از جمله در سطح بین‌المللی تشویق خواهند کرد.

۳- کشورهای عضو باید تمام اقدامات ممکن را با هدف اطمینان از تمام کمک‌های مناسب به قربانیان چنین جرایمی، از جمله ادغام مجدد اجتماعی کامل آنها و بهبودی کامل جسمی و روانی آنها انجام دهند.

۴- کشورهای طرف مقاوله‌نامه تضمین خواهند کرد که همه کودکان قربانی جرایم شرح داده شده در این پروتکل به رویه‌های کافی دسترسی داشته باشند تا بدون تبعیض، غرامت برای خسارات را از افراد مسئول قانونی دریافت کنند.

۵- کشورهای عضو اقدامات مقتضی را با هدف منع مؤثر تولید و انتشار مطالبی که در مورد جرایم تشریح شده در این پروتکل تبلیغ می‌کنند، اتخاذ خواهند کرد.

ماده ۱۰

۱- کشورهای طرف مقاوله‌نامه کلیه اقدامات لازم را برای تقویت همکاری بین‌المللی از طریق ترتیبات چند جانبه، منطقه‌ای و دوجانبه برای پیشگیری، کشف، تحقیق، تعقیب و مجازات افرادی که مسئول اعمال مربوط به فروش کودکان، روسپیگری کودکان، هرزه‌نگاری کودکان و رابطه جنسی با کودکان هستند، انجام خواهند داد. گردشگری کشورهای عضو همچنین همکاری و هماهنگی بین‌المللی بین مقامات خود، سازمان‌های غیردولتی ملی و بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی را ارتقا خواهند داد.

۲- کشورهای عضو همکاری بین‌المللی را برای کمک به کودکان قربانی در بهبود جسمی و روانی، ادغام مجدد اجتماعی و بازگرداندن آنها به کشور ترویج خواهند کرد.

۳-کشورهای عضو تقویت همکاری بین‌المللی را به منظور رسیدگی به علل ریشه‌ای مانند فقر و توسعه نیافتگی، کمک به آسیب پذیری کودکان در برابر فروش کودکان، روسپیگری کودکان، هرزه‌نگاری کودکان و گردشگری جنسی کودکان ترویج خواهند کرد.

۴- کشورهای عضو در موقعیتی برای انجام این کار، کمک های مالی، فنی یا سایر موارد را از طریق برنامه های چند جانبه، منطقه‌ای، دوجانبه یا دیگر ارائه خواهند کرد.

ماده ۱۱

هیچ چیز در این پروتکل بر مقرراتی که برای تحقق حقوق کودک مساعدتر است و ممکن است در موارد زیر باشد، تأثیر نخواهد گذاشت:

الف) قانون یک کشور عضو؛

ب) قوانین بین‌المللی لازم‌الاجرا برای آن کشور.

ماده ۱۲

۱- هر کشور عضو باید ظرف دو سال پس از لازم‌الاجرا شدن این پروتکل برای آن کشور عضو، گزارشی را به کمیته حقوق کودک ارائه کند که اطلاعات جامعی در مورد اقداماتی که برای اجرای مفاد آن اتخاذ کرده است، ارائه کند.

۲- پس از ارائه گزارش جامع، هر کشور عضو، طبق ماده ۴۴ مقاوله‌نامه، در گزارش‌هایی که به کمیته حقوق کودک ارسال می‌کند، اطلاعات بیشتری را در رابطه با اجرای این مقاوله‌نامه درج خواهد کرد. پروتکل. سایر کشورهای طرف پروتکل هر پنج سال یکبار گزارشی را ارائه خواهند کرد.

۳-کمیته حقوق کودک می‌تواند از کشورهای عضو، اطلاعات بیشتری در رابطه با اجرای این پروتکل درخواست کند.

ماده ۱۳

۱- پروتکل حاضر برای امضای هر کشوری که عضو مقاوله‌نامه است یا آن را امضا کرده است، مفتوح است.

۲-پروتکل حاضر مشمول تصویب است و برای الحاق هر کشوری که عضو مقاوله‌نامه است یا آن را امضا کرده است باز است. اسناد تصویب یا الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

ماده ۱۴

۱- این پروتکل سه ماه پس از تودیع دهمین سند تصویب یا الحاق لازم‌الاجرا خواهد شد.

۲-برای هر کشوری که این پروتکل را تصویب کرده یا پس از لازم‌الاجرا شدن آن به آن ملحق می‌شود، پروتکل یک ماه پس از تاریخ تودیع سند تصویب یا الحاق خود لازم‌الاجرا خواهد شد.

ماده ۱۵

۱-هر کشور عضو می‌تواند در هر زمان از طریق اطلاعیه کتبی به دبیرکل سازمان ملل متحد، این پروتکل را فسخ کند، دبیرکل پس از آن به سایر کشورهای عضو مقاوله‌نامه و کلیه کشورهایی که مقاوله‌نامه را امضا کرده‌اند، اطلاع خواهد داد. فسخ یک سال پس از تاریخ دریافت اطلاعیه توسط دبیر کل نافذ خواهد شد.

۲-چنین انصرافی تأثیری بر رهایی کشور عضو از تعهدات خود طبق این پروتکل در رابطه با هر جرمی که قبل از تاریخی که فسخ نافذ می‌شود، نخواهد داشت. همچنین چنین فسخی به هیچ وجه به ادامه رسیدگی به هر موضوعی که قبلاً توسط کمیته حقوق کودک در حال بررسی است، قبل از تاریخی که انصراف لازم‌الاجرا می شود، لطمه وارد نمی‌کند.

ماده ۱۶

۱-هر کشور عضو می تواند اصلاحیه‌ای را پیشنهاد کند و آن را نزد دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم کند. دبیرکل متعاقباً اصلاحیه پیشنهادی را به کشورهای عضو ابلاغ می‌کند و از آنها درخواست می‌کند که آیا موافق برگزاری کنفرانس کشورهای عضو به منظور بررسی و رأی گیری نسبت به پیشنهادات هستند یا خیر. در صورتی که ظرف چهار ماه از تاریخ چنین اطلاعیه ای، حداقل یک سوم کشورهای عضو از برگزاری چنین کنفرانسی حمایت کنند، دبیرکل کنفرانس را تحت نظارت سازمان ملل متحد تشکیل خواهد داد. هر اصلاحیه ای که توسط اکثریت کشورهای عضو حاضر و رای دهنده در کنفرانس تصویب شود، برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه خواهد شد.

۲-اصلاحیه ای که مطابق بند ۱ این ماده اتخاذ شده است، زمانی لازم‌الاجرا می‌شود که توسط مجمع عمومی تصویب شده و با اکثریت دو سوم کشورهای عضو پذیرفته شود.

۳-هنگامیکه اصلاحیه لازم‌الاجرا می‌شود، برای کشورهای عضوی که آن را پذیرفته‌اند، الزام‌آور خواهد بود، سایر کشورهای عضو همچنان به مفاد این پروتکل و هر اصلاحیه قبلی که پذیرفته‌اند، ملزم هستند.

ماده ۱۷

۱-پروتکل حاضر که متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی آن به یک اندازه معتبر است، در آرشیو سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

۲-دبیر کل سازمان ملل متحد رونوشت‌های مصدق این پروتکل را به تمامی کشورهای عضو و کلیه کشورهایی که مقاوله‌نامه را امضا کرده‌اند ارسال خواهد کرد.

مقاوله‌نامه بین‌المللی

حمایت از حقوق کلیه کارگران مهاجر

و اعضای خانواده آنها

پیش‌زمینه‌های شکل‌گیری مقاوله‌نامه بین‌المللی حمایت از حقوق کلیه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها[1]

مقاوله‌نامه بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنها پس از سال‌ها بحث، گزارش و توصیه‌هایی که در این زمینه جریان داشت، توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد با قطعنامه ۴۵/۱۵۸ در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۰ به تصویب رسید. براساس یک گزارش شماره ۲۴ سازمان ملل متحد مصوب ۲۰۰۵،«سازمان ملل متحد برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ نگرانی خود را در مورد حقوق کارگران مهاجر ابراز کرده بود، و آن هنگامی بود که شورای اقتصادی و اجتماعی... نسبت به آوردن غیرقانونی نیروی کار از برخی از کشورهای افریقایی به کشورهای اروپایی نگرانی‌های خود را ابراز کرد. استثمار این کارگران از کشورهای آفریقایی «در شرایطی شبیه به بردگی و کار اجباری» بود. به همین دلیل، در همان سال، مجمع عمومی در قطعنامه ۲۹۲۰(۲۷)، تبعیض علیه کارگران خارجی را محکوم کرد و از کشورهاها خواست که به این شیوه‌های غیرقانونی شبیه به استعمار پایان داده، و ترتیباتی اتحاذ کنند که پذیرش کارگران مهاجر را بهبود بخشد.

به دنبال درخواست شورای اقتصادی و اجتماعی در سال ۱۹۷۳، کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها گزارشی را در مورد استثمار نیروی کار از طریق قاچاق غیرقانونی و مخفی در سال ۱۹۷۶ به تصویب رساند. این گزارش دو مشکل عمده را برجسته کرده بود. اول اینکه نقل و انتقال کارگران به شکل غیرقانونی و مخفیانه صورت می‌گرفت. دومین مشکل به رفتارهای تبعیض‌آمیز با کارگران مهاجر در کشورهای میزبان اشاره داشت. این گزارش برای مقابه با این مشکلات، تنظیم مقاوله‌نامه‌ای توسط سازمان ملل را توصیه می‌کرد. این توصیه در کنفرانس جهانی مبارزه با نژادپرستی و تبعیض نژادی در ژنو در سال ۱۹۷۸ و در قطعنامه ۱۶۳/۳۳ مجمع عمومی در مورد اقداماتی برای بهبود وضعیت و تضمین حقوق بشر و کرامت همه کارگران مهاجر تکرار شد.

پس از تصویب قطعنامه‌ای توسط مجمع عمومی، در سال ۱۹۸۰ یک کار گروه باز برای همه کشورهای عضو برای تنظیم مقاوله‌نامه ایجاد شد و ارگان‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مربوطه – یعنی کمیسیون

---

[1] International Convention on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and Members of Their Families. Adopted by General Assembly resolution 45/158 on 18 December 1990. Entry into force on 1 July 2003.

حقوق بشر، کمیسیون توسعه اجتماعی، سازمان بین‌المللی کار، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد، و سازمان بهداشت جهانی - برای مشارکت در این کار دعوت شدند. این کارگروه در سال ۱۹۹۰ پیش نویس مقاوله‌نامه را به پایان رساند و مجمع عمومی بدون رأی گیری آن را تصویب کرد.

این مقاوله‌نامه در ۱ ژوئیه ۲۰۰۳ پس از تصویب یا پیوستن ۲۰ کشور به آن لازم‌الاجرا شد. در سال ۱۹۹۸، یک کمیته راهبری برای تصویب مقاوله‌نامه، اتحادی که شامل دبیرخانه سازمان ملل متحد، آژانس‌های بین‌دولتی و سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری، کلیسا، اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های مهاجران و زنان بود، تشکیل شد و «فعالیت‌های بین‌المللی و ملی را برای اطلاع رسانی عمومی در مورد مقاوله‌نامه و افزایش آگاهی نسبت به آن از طریق برپایی کارزاری جهانی هماهنگ کرد». این کارزار کمک بزرگی به افزایش تعداد امضاها و تصویب مقاوله‌نامه شد.

مقاوله‌نامه مورد به‌عنوان یکی از هفت معاهده بین‌المللی حقوق بشر اصلی در نظر گرفته می‌شود که مجموعاً سیستم معاهدات حقوق بشر سازمان ملل را تشکیل می‌دهند.

مقاوله‌نامه مزبور، کارگر مهاجر را اینگونه تعریف می‌کند: «شخصی که قرار است در کشوری که تابعیت آن را ندارد، مشغول به کار شود، به فعالیت‌هایی پرداخته یا مشغول به کار بوده است». علاوه براین، مقاوله‌نامه «بر پیوند بین مهاجرت و حقوق بشر تأکید می‌کند» و «به دنبال ایفای نقشی در جلوگیری و از بین بردن استثمار همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنها در کل فرآیند مهاجرت است».

مقاوله‌نامه ضمن تاکید مجدد بر حقوق بشر که در سایر معاهدات اصلی حقوق بشر تصریح شده است، به نیازهای حفاظتی ویژه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها نیز می‌پردازد. برای این اهداف، مقاوله‌نامه کمیته حمایت از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها را ایجاد کرده است که بدنه‌ای نظارتی متشکل از کارشناسان مستقل براجرای مقاوله‌نامه توسط کشورهای عضو می‌باشد.

مقاوله‌نامه به دنبال ایجاد حداقل استانداردهایی است که کشورهای عضو باید در مورد کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها صرف نظر از وضعیت مهاجرت آنها اعمال کنند. منطق پشت به رسمیت شناختن حقوق کارگران مهاجر غیرقانونی نیز در مقدمه مورد تاکید قرار گرفته است، که در آن کشورهای عضو، از جمله، در نظر دارند که مهاجران غیرقانونی به طور مکرر مورد استثمار قرار می گیرند و با نقض جدی حقوق بشر مواجه می‌شوند، و باید اقدامات مناسب برای جلوگیری و از بین بردن تحرکات

مخفیانه و قاچاق کارگران مهاجر و در عین حال تضمین حمایت از حقوق بشر آنها به عمل آید. همچنین، مقاوله‌نامه بین کارگران مهاجر «مستند» یا «عادی» و اعضای خانواده آنها تمایز قائل می‌شود. مهاجر مستند فردی که بر اساس قوانین آن کشور مجاز به ورود، اقامت و انجام فعالیت‌های با دستمزد در کشور محل کار است. این کارگران موضوع موافقت نامه‌های بین‌المللی که آن کشور طرف آن است، می‌باشند. کارگران مهاجر «غیر مستند» و یا «غیرقانونی» آنهایی هستند که با شرایط فوق مطابقت ندارند.

مقاوله‌نامه از کشورهای عضو می‌خواهد که طبق اسناد بین‌المللی حقوق بشر عمل کنند و تضمین کنند حقوق مندرج در مقاوله‌نامه بدون هیچ گونه تمایزی مانند جنسیت، نژاد، رنگ، زبان، مذهب یا عقیده، عقاید سیاسی یا سایر عقاید ملی منشأ قومی یا اجتماعی، ملیت، سن، موقعیت اقتصادی، دارایی، وضعیت تأهل، تولد یا وضعیت دیگر، رعایت می‌شود. بسیاری از مواد مقاوله‌نامه کاربرد حقوقی را که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سایر معاهدات اصلی حقوق بشر بیان شده است، برای کارگران مهاجر مشخص می‌کند.

متن مقاوله‌نامه بین‌المللی حمایت از حقوق کلیه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها مصوب سال ۱۹۹۰

مقدمه

کشورهای طرف مقاوله‌نامه حاضر،

با در نظر گرفتن اصول مندرج در اسناد اساسی سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر، به ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مقاوله‌نامه بین‌المللی در مورد رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی، مقاوله‌نامه رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و مقاوله‌نامه حقوق کودک،

همچنین با در نظر گرفتن اصول و استانداردهای مندرج در اسناد مربوطه تدوین شده در چارچوب سازمان بین‌المللی کار، به ویژه مقاوله‌نامه مهاجرت برای استخدام (شماره ۹۷)، مقاوله‌نامه مهاجرت در شرایط سوء استفاده و ارتقای برابری فرصت و رفتار با کارگران مهاجر (شماره ۱۴۳)، توصیه در مورد مهاجرت برای استخدام (شماره ۸۶)، توصیه در مورد کارگران مهاجر (شماره ۱۵۱)، مقاوله‌نامه مربوط به کار اجباری (شماره ۲۹) و مقاوله‌نامه در مورد لغو کار اجباری (شماره ۱۰۵)،

با تأکید مجدد بر اهمیت اصول مندرج در مقاوله‌نامه منع تبعیض در آموزش سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد،

با یادآوری مقاوله‌نامه منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، اعلامیه چهارمین کنگره سازمان ملل متحد در مورد پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین، آیین نامه رفتار مقامات مجری قانون، و مقاوله‌نامه های برده داری، با یادآوری اینکه یکی از اهداف سازمان بین‌المللی کار، همانطور که در اساسنامه آن آمده است، حفظ منافع کارگران در هنگام استخدام در کشورهایی غیر از کشور خود و با در نظر گرفتن تخصص و تجربه آن سازمان در امور مربوط به کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها،

با به رسمیت شناختن اهمیت کار انجام شده در ارتباط با کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنها در ارگان‌های مختلف سازمان ملل، بویژه در کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون توسعه اجتماعی،

سازمان غذا و کشاورزی ایالات متحده ملل متحد، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد و سازمان بهداشت جهانی و همچنین در سایر سازمان های بین‌المللی. همچنین با به رسمیت شناختن پیشرفت های حاصل شده توسط برخی کشورها به صورت منطقه ای یا دوجانبه در جهت حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده های آنها و همچنین اهمیت و سودمندی موافقت نامه های دوجانبه و چند جانبه در این زمینه،

با درک اهمیت و گستردگی پدیده مهاجرت که میلیون‌ها نفر را درگیر کرده و تعداد زیادی از کشورها را در جامعه بین‌المللی تحت تاثیر قرار می‌دهد. با آگاهی از تأثیر جریان های کارگران مهاجر بر کشورها و افراد ذینفع و تمایل به ایجاد هنجارهایی که ممکن است به هماهنگی نگرش کشورها از طریق پذیرش اصول اساسی در مورد رفتار با کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها کمک کند.

با توجه به وضعیت آسیب پذیری که کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های‌شان اغلب خود را به دلیل غیبت از کشور مبدا و مشکلاتی که ممکن است به دلیل حضورشان در کشور محل کار با آنها مواجه شوند، می‌یابند،

با متقاعد شدن به اینکه حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها در همه جا به اندازه کافی به رسمیت شناخته نشده است و بنابراین نیاز به حمایت بین‌المللی مناسب دارد، با در نظر گرفتن این واقعیت که مهاجرت اغلب علت مشکلات جدی برای اعضای خانواده کارگران مهاجر و همچنین برای خود کارگران است، به ویژه به دلیل پراکندگی خانواده،

با در نظر گرفتن این نکته که مشکلات انسانی ناشی از مهاجرت در مورد مهاجرت غیرقانونی حتی جدی تر است و متقاعد شده است که اقدامات مناسب برای جلوگیری و از بین بردن تحرکات مخفیانه و قاچاق کارگران مهاجر و در عین حال باید حمایت از حقوق اساسی انسانی آنها، تشویق شود،

با توجه به اینکه کارگرانی که فاقد مدرک هستند یا در وضعیت نامنظمی هستند، اغلب در شرایط کاری کمتر مساعد نسبت به سایر کارگران به کار گرفته می‌شوند و کارفرمایان خاصی این را انگیزه‌ای برای جستجوی چنین کاری برای بهره‌مندی از مزایای رقابت ناعادلانه می دانند،

همچنین با در نظر گرفتن اینکه اگر حقوق اساسی انسانی همه کارگران مهاجر به طور گسترده به رسمیت شناخته شود و همچنین اعطای برخی حقوق اضافی به کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها

در یک وضعیت منظم همه مهاجران و کارفرمایان را تشویق می‌کند تا قوانین و رویه های تعیین شده توسط کشورهای مربوطه را رعایت کنند و از آنها پیروی کنند،

بنابراین، با متقاعد شدن به لزوم ایجاد حمایت بین‌المللی از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها، با تأیید مجدد و ایجاد هنجارهای اساسی در یک مقاوله‌نامه جامع که می‌تواند به طور جهانی اعمال شود،

به شرح زیر موافقت کردند:

بخش اول : محدوده و تعاریف

ماده ۱

۱-این مقاوله‌نامه، به استثنای مواردی که بعداً به نحو دیگری مقرر شده است، برای کلیه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها بدون هیچ گونه تمایزی از قبیل جنسیت، نژاد، رنگ، زبان، مذهب یا عقیده، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، ملی، قومی، قابل اجرا است. یا خاستگاه اجتماعی، ملیت، سن، موقعیت اقتصادی، دارایی، وضعیت تاهل، تولد یا وضعیت دیگر.

۲-این مقاوله‌نامه در تمام مراحل مهاجرت کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها که شامل آمادگی برای مهاجرت، خروج، ترانزیت و کل دوره اقامت و فعالیت با حقوق در کشور محل کار و همچنین بازگشت به کشور محل کار است، اعمال خواهد شد.

ماده ۲

برای اهداف این مقاوله‌نامه:

۱-اصطلاح "کارگر مهاجر" به شخصی اطلاق می‌شود که در کشوری که تابعیت آن را ندارد مشغول به کار شده یا مشغول به فعالیت بوده است.

۲-الف) اصطلاح «کارگر مرزی» به کارگر مهاجری اطلاق می‌شود که اقامتگاه معمول خود را در کشور همسایه که معمولاً هر روز یا حداقل یک بار در هفته به آن باز می‌گردد، حفظ می‌کند؛

۲- ب) اصطلاح «کارگر فصلی» به کارگر مهاجری اطلاق می‌شود که کارش به لحاظ خصوصیت به شرایط فصلی وابسته است و فقط در بخشی از سال انجام می‌شود؛

۲- ج) اصطلاح "دریانورد" که شامل ماهیگیر می‌شود، به کارگر مهاجری اطلاق می‌شود که در کشتی ثبت شده در کشوری که تابعیت آن را ندارد، استخدام می‌شود؛

۲- د) اصطلاح "کارگر در تأسیسات دریایی" به کارگر مهاجر شاغل در تأسیسات دریایی که تحت صلاحیت کشوری است که تبعه آن نیست، اشاره دارد؛

۲- ه) اصطلاح "کارگر دوره گرد" به کارگر مهاجری اطلاق می‌شود که با داشتن اقامت معمولی خود در یک ایالت، به دلیل ماهیت شغل خود مجبور است برای مدت کوتاهی به کشور یا کشورهای دیگری سفر کند؛

۲- و) اصطلاح "کارگر وابسته به پروژه" به کارگر مهاجری اطلاق می‌شود که برای مدت معینی در یک کشور برای کار پذیرفته شده است تا صرفاً در یک پروژه خاص که در آن کشور توسط کارفرمای خود انجام می‌شود کار کند؛

۲-ز) اصطلاح "کارگر با اشتغال مشخص" به کارگر مهاجر اشاره دارد:

- فردی که توسط کارفرمای خود برای مدت زمان محدود و معینی به کشور محل کار برای انجام یک وظیفه یا وظیفه خاص اعزام شده است. یا
- فردی که برای مدت زمان محدود و معینی درگیر کارهایی می‌شود که به مهارت های حرفه ای، تجاری، فنی یا سایر مهارت های بسیار تخصصی نیاز دارد. یا
- فردی که بنا به درخواست کارفرمای خود در کشور محل کار، برای مدت زمان محدود و معینی مشغول به کاری می‌شود که ماهیت آن گذرا یا مختصر است، و کسی که باید از کشور محل کار خارج شود، یا در پایان مدت اقامت مجاز خود، یا زودتر اگر دیگر آن وظیفه یا وظیفه خاص را انجام ندهد یا در آن کار مشغول باشد.

۲- ح) اصطلاح "کارگر خود اشتغال" به کارگر مهاجری اطلاق می‌شود که به غیر از قرارداد کار به فعالیتی با دستمزد مشغول است و زندگی خود را از طریق این فعالیت به دست می‌آورد که معمولاً به تنهایی یا همراه با اعضای خانواده خود کار می‌کند، و هر کارگر مهاجر دیگری که توسط قوانین قابل اجرا کشور محل کار یا موافقت نامه های دو یا چند جانبه به عنوان خوداشتغال شناخته شده است.

ماده ۳

مقاوله‌نامه حاضر در موارد زیر اعمال نخواهد شد:

الف) اشخاصی که توسط سازمان‌ها و آژانس‌های بین‌المللی فرستاده یا به کار گرفته می‌شوند یا افرادی که توسط یک کشور به خارج از قلمرو آن کشور برای انجام وظایف رسمی فرستاده یا استخدام شده‌اند، که پذیرش و وضعیت آنها توسط حقوق بین‌الملل عمومی یا موافقت‌نامه‌ها یا مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی خاص تنظیم شده است؛

ب) افرادی که توسط یک کشور یا از طرف آن به خارج از قلمرو آن کشور فرستاده یا به کار گرفته می‌شوند و در برنامه‌های توسعه و سایر برنامه‌های همکاری شرکت می‌کنند. پذیرش و وضعیت آنها با توافق با کشور محل کار تنظیم می‌شود و طبق آن موافقتنامه، کارگر مهاجر محسوب نمی‌شوند؛

پ) اشخاصی که به عنوان سرمایه گذار در کشوری متفاوت از کشور مبدا خود اقامت می‌کنند؛

ت) پناهندگان و افراد بدون تابعیت، مگر اینکه چنین درخواستی در قوانین ملی مربوطه یا اسناد بین‌المللی لازم‌الاجرا برای کشور مربوطه پیش بینی شده باشد؛

ث) دانشجویان و کارآموزان؛

ج) دریانوردان و کارگران تأسیسات دریایی که برای اقامت و انجام فعالیتی با مزد در کشور محل کار پذیرفته نشده کند.

ماده ۴

از نظر مقاوله‌نامه حاضر، اصطلاح «اعضای خانواده» به افرادی اطلاق می‌شود که با کارگران مهاجر ازدواج کرده یا با آنها رابطه‌ای دارند که طبق قوانین قابل اجرا، آثاری معادل ازدواج داشته باشد، همچنین فرزندان تحت تکفل آنها و سایر افراد. افراد تحت تکفل که به موجب قوانین قابل اجرا یا موافقتنامه های قابل اجرا دوجانبه یا چند جانبه بین کشور های مربوطه به عنوان اعضای خانواده شناخته شده کند.

ماده ۵

برای اهداف این مقاوله‌نامه، کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها:

الف) در صورتیکه به آنها اجازه ورود، اقامت و انجام فعالیتی با مزد در کشور محل کار را بر اساس قوانین آن کشور و موافقت‌نامه های بین‌المللی که آن کشور به آنها وابسته است، در وضعیت عادی تلقی می‌شوند.

ب) در صورت عدم رعایت شرایط مندرج در بند (الف) این ماده، غیرعادی یا در وضعیت نامنظم محسوب می‌شوند.

ماده ۶

برای اهداف این مقاوله‌نامه:

الف) اصطلاح "کشور مبداء" به معنای کشوری است که شخص مربوطه تابعیت آن را دارد.

ب) اصطلاح "کشور اشتغال" به معنای کشوری است که کارگر مهاجر، حسب مورد، باید در آن مشغول به کار شود، در آن مشغول به کار باشد یا در آن مشغول به فعالیت بوده است.

پ) اصطلاح "کشور ترانزیت" به معنای هر کشوری است که شخص مربوطه از طریق آن به هر سفری به کشور محل کار یا از کشور محل کار به کشور مبداء یا کشور محل سکونت معمولی می‌رود.

بخش دوم: عدم تبعیض با توجه به حقوق

ماده ۷

کشورهای عضو متعهد می‌شوند، مطابق با اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، حقوق مقرر در این مقاوله‌نامه را بدون هیچگونه تمایزی برای کلیه کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنها در قلمرو خود یا تحت صلاحیت قضایی آنها محترم بشمارند و تضمین کنند. از نظر جنس، نژاد، رنگ، زبان، مذهب یا عقیده، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، منشأ ملی، قومی یا اجتماعی، ملیت، سن، موقعیت اقتصادی، دارایی، وضعیت تأهل، تولد یا وضعیت دیگر.

بخش سوم: حقوق بشر همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها

ماده ۸

۱-کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها می‌توانند هر کشوری از جمله کشور مبداء خود را ترک کنند. این حق مشمول هیچ محدودیتی نخواهد بود مگر آنهاییکه قانون پیش بینی کرده و برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی (نظم عمومی)، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری است و با سایر حقوق به رسمیت شناخته شده در مقاوله‌نامه حاضر مطابقت دارد.

۲-کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها در هر زمان حق ورود و ماندن در کشور مبدأ خود را خواهند داشت.

ماده ۹

حق حیات کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها توسط قانون حمایت می‌شود.

ماده ۱۰

هیچ کارگر مهاجر یا عضوی از خانواده وی نباید مورد شکنجه یا رفتار یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد.

ماده ۱۱

۱-هیچ کارگر مهاجر یا عضوی از خانواده او نباید در بردگی یا بندگی نگهداری شود.

۲-هیچ کارگر مهاجر یا عضوی از خانواده وی نباید ملزم به انجام کار اجباری باشد.

۳- بند دوم این ماده نباید به این معنا باشد که در کشورهایی که در آن مجازات حبس با کار اجباری به عنوان مجازات جرم ممکن است، اجرای کار اجباری به عنوان اجرای حکم مجازات توسط یک دادگاه صلاحیت دار را منع می‌کند.

۴-از نظر این ماده اصطلاح "کار اجباری یا اجباری" شامل موارد زیر نخواهد بود:

الف: ر کار یا خدمتی که در بند ۳۳ این ماده به آن اشاره نشده است، معمولاً برای شخصی که در نتیجه حکم قانونی دادگاه یا شخصی در حین آزادی مشروط از چنین بازداشتی تحت بازداشت است، مورد نیاز است.

ب: هرگونه خدماتی که در موارد اضطراری یا فاجعه‌ای که جان یا رفاه جامعه را تهدید می‌کند، انجام شود.

ج: هر کار یا خدمتی که بخشی از تعهدات عادی مدنی را تشکیل می‌دهد تا جائیکه بر شهروندان کشور مربوطه نیز تحمیل شده باشد.

۵-کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها از حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب برخوردار خواهند بود. این حق شامل آزادی داشتن یا پذیرفتن یک دین یا عقیده به انتخاب خود و آزادی بیان دین یا عقیده خود به صورت انفرادی یا جمعی با دیگران و به طور عمومی یا خصوصی در عبادت، اعمال، اعمال و آموزش است.

۶-کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها نباید تحت اجباری قرار گیرند که آزادی آنها را برای داشتن یا پذیرش دین یا عقیده دلخواه آنها مختل کند.

۷-آزادی ابراز مذهب یا عقیده تنها ممکن است مشمول محدودیت‌هایی باشد که توسط قانون مقرر شده و برای حفظ امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضروری است.

۸-کشورهای طرف مقاوله‌نامه حاضر متعهد می‌شوند که به آزادی والدین که حداقل یکی از آنها کارگر مهاجر است و در صورت لزوم قیم قانونی آنها احترام بگذارند تا از آموزش مذهبی و اخلاقی فرزندان خود مطابق با اعتقادات خودشان اطمینان حاصل کنند.

ماده ۱۳

۱-کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها حق دارند بدون مداخله نظرات خود را داشته باشند.

۲-کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها حق آزادی بیان را خواهند داشت. این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و عقاید از هر نوع، بدون توجه به مرزها، چه به صورت شفاهی، کتبی یا چاپی، در قالب هنری یا از طریق هر رسانه دیگری به انتخاب خود خواهد بود.

۳-اعمال حق مندرج در بند ۲ این ماده وظایف و مسئولیت های خاصی را به همراه دارد. بنابراین ممکن است مشمول محدودیت‌های خاصی باشد، اما این محدودیت‌ها فقط باید مواردی باشند که توسط قانون پیشبینی شده و ضروری هستند:

الف) برای احترام به حقوق یا شهرت دیگران؛

ب) برای حفاظت از امنیت ملی کشورهای مربوطه، یا نظم عمومی، یا سلامتی، و یا اخلاق عمومی؛

پ) به منظور جلوگیری از هرگونه تبلیغ برای جنگ؛

ت) به منظور جلوگیری از هرگونه حمایت از نفرت ملی، نژادی یا مذهبی‌که تحریک به تبعیض، خصومت یا خشونت باشد.

ماده ۱۴

هیچ کارگر مهاجر یا عضوی از خانواده او نباید در معرض مداخله خودسرانه یا غیرقانونی در حریم خصوصی، خانواده، مکاتبات یا سایر ارتباطات خود قرار گیرد، یا مورد تعرض غیرقانونی به شرافت و آبروی خود قرار گیرد. هر کارگر مهاجر و عضوی از خانواده وی حق حمایت قانون در برابر چنین مداخلات یا حملاتی را خواهد داشت.

ماده ۱۵

هیچ کارگر مهاجر یا عضوی از خانواده او را نباید خودسرانه از داشتن اموال، خواه به صورت فردی یا همراه با دیگران، محروم کرد. در صورتیکه طبق قوانین حاکم در کشور محل کار، دارایی های یک

کارگر مهاجر یا یکی از اعضای خانواده وی به طور کلی یا جزیی مصادره شود، شخص مربوطه حق دریافت غرامت عادلانه و کافی را خواهد داشت.

ماده ۱۶

۱-کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها از حق آزادی و امنیت شخصی برخوردار خواهند بود.

۲-کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنها از حمایت مؤثر کشور در برابر خشونت، آسیب جسمی، تهدید و ارعاب، چه توسط مقامات کشوری و چه توسط افراد، گروه‌ها یا مؤسسات خصوصی برخوردار خواهند بود.

۳-هرگونه راستی آزمایی توسط مقامات مجری قانون از هویت کارگران مهاجر یا اعضای خانواده آنها باید طبق روال تعیین شده توسط قانون انجام شود.

۴-کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها نباید به صورت فردی یا جمعی مورد بازداشت یا بازداشت خودسرانه قرار گیرند. آزادی آنها را نمی‌توان سلب کرد مگر به دلایلی و طبق رویه‌هایی که قانون تعیین می‌کند.

۵-کارگران مهاجر و اعضای خانواده های آنها که دستگیر می‌شوند باید در زمان دستگیری تا آنجا که ممکن است به زبانی که آنها می‌فهمند از دلایل دستگیری خود مطلع شوند و بلافاصله به زبانی که می‌دانند از اتهامات وارده به آنها اطلاع داده شود.

۶- کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها که به اتهام جنایی دستگیر یا بازداشت شده‌اند، باید فوراً پیش یک قاضی یا دیگر مامورانی که به موجب قانون مجاز به اجرای اختیارات قضایی هستند، احضار شوند و باید حق محاکمه در مدت زمان معقول یا آزادی را داشته باشند. این قاعده عمومی نیست که در انتظار محاکمه آنها را در بازداشت نگه دارند، اما آزادی می‌تواند مشروط به تضمین حضور در محاکمه، در هر مرحله دیگری از روند قضایی و، در صورت بروز، برای اجرای حکم باشد.

۷-هنگامی‌که یک کارگر مهاجر یا یکی از اعضای خانواده او دستگیر شده یا در انتظار محاکمه به زندان یا بازداشت می‌شد یا به هر طریق دیگری بازداشت می‌شد:

الف) مقامات کنسولی یا دیپلماتیک کشور مبدأ یا کشوری که منافع آن کشور را نمایندگی می‌کند، در صورت درخواست، بدون تأخیر از دستگیری یا بازداشت وی و دلایل آن مطلع خواهند شد؛

ب) شخص مربوطه حق دارد با مقامات مذکور ارتباط برقرار کند. هرگونه مکاتبه از سوی شخص ذینفع به مراجع مذکور، بدون تأخیر ارسال می‌شود و وی نیز حق دریافت پیام‌های ارسالی از سوی مراجع مذکور را بدون تأخیر خواهد داشت.

ج) شخص ذینفع باید بدون تأخیر از این حق و حقوق ناشی از معاهدات مربوطه، در صورت وجود، بین کشورهای ذیربط، برای مکاتبه و ملاقات با مقامات مذکور و ایجاد ترتیباتی با آنها مطلع شود.

۸-کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها که با دستگیری یا بازداشت از آزادی خود محروم می‌شوند، حق دارند در دادگاه رسیدگی کنند تا دادگاه بتواند بدون تأخیر در مورد قانونی بودن بازداشت آنها تصمیم بگیرد و در صورتیکه بازداشت قانونی نیست هنگامیکه آنها در چنین جلساتی شرکت می‌کنند، در صورت لزوم، بدون هزینه برای آنها، از کمک یک مترجم برخوردار خواهند شد، اگر نمی‌توانند زبان مورد استفاده را بفهمند یا صحبت کنند.

۹-کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها که قربانی دستگیری یا بازداشت غیرقانونی شده‌اند، از حق قابل اجرا برای غرامت برخوردار خواهند بود.

ماده ۱۷

۱-با کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنها که از آزادی محروم شده‌اند، باید با انسانیت و با احترام به کرامت ذاتی انسان و هویت فرهنگی آنها رفتار شود.

۲-کارگران مهاجر متهم و اعضای خانواده آنها، به استثنای شرایط استثنایی، از محکومین جدا می‌شوند و متناسب با وضعیت آنها به عنوان افراد غیرمحکوم، تحت رفتار جداگانه‌ای قرار خواهند گرفت. افراد نوجوان متهم باید از بزرگسالان جدا شده و در اسرع وقت برای قضاوت آورده شوند.

۳-هر کارگر مهاجر یا عضوی از خانواده او که در یک کشور ترانزیت یا در یک کشور کار به دلیل نقض مقررات مربوط به مهاجرت بازداشت می‌شود، تا آنجا که عملی باشد، جدا از محکوم شدگان یا افراد بازداشت شده در انتظار محاکمه، نگهداری می‌شود.

۴-در طول هر دوره حبس به موجب حکمی که توسط دادگاه صادر می‌شود، هدف اساسی از رفتار با کارگر مهاجر یا یکی از اعضای خانواده او اصلاح و بازپروری اجتماعی او خواهد بود. مجرمان نوجوان باید از بزرگسالان جدا شده و متناسب با سن و وضعیت قانونی با آنها رفتار شود.

۵-کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها در طول بازداشت یا حبس از همان حقوقی برخوردار خواهند بود که اتباع از ملاقات اعضای خانواده خود برخوردارند.

۶-هرگاه کارگر مهاجر از آزادی خود محروم شود، مقامات صلاحیت دار کشور مربوطه باید به مشکلاتی که ممکن است برای اعضای خانواده وی، به ویژه برای همسران و فرزندان خردسال ایجاد شود، توجه کنند.

۷-کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنها که طبق قوانین لازم‌الاجرا در کشور محل کار یا در کشور ترانزیت تحت هر نوع بازداشت یا حبس قرار می‌گیرند از همان حقوقی برخوردار خواهند بود که اتباع آن کشورها که در همان وضعیت قرار دارند، می شوند.

۸-اگر کارگر مهاجر یا یکی از اعضای خانواده وی به منظور بررسی هرگونه تخلف از مقررات مربوط به مهاجرت بازداشت شود، هیچ هزینه‌ای را متحمل نخواهد شد.

ماده ۱۸

۱-کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها از حق برابری با اتباع کشور مربوطه در برابر دادگاه ها برخوردار خواهند بود. در تعیین هرگونه اتهام جنایی علیه آنها یا حقوق و تعهدات آنها در دعوای قانونی، آنها مستحق رسیدگی منصفانه و علنی توسط دادگاه صالح، مستقل و بیطرف خواهند بود که به موجب قانون تشکیل شده است.

۲-کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها که متهم به یک جرم کیفری هستند، تا زمانیکه جرم آنها طبق قانون ثابت نشود، حق دارند بیگناه فرض شوند.

۳-در تعیین هرگونه اتهام کیفری علیه آنها، کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها از حداقل تضمین های زیر برخوردار خواهند بود:

الف) از ماهیت و علت اتهام علیه خود به زبانی که می‌دانند، به سرعت و با جزئیات مطلع شوند؛
ب) زمان و امکانات کافی برای تهیه دفاعیه و ارتباط با وکیل مورد نظر خود داشته باشند؛
ج) بدون تأخیر بی مورد، محاکمه شود؛
د) محاکمه شدن در حضور آنها و دفاع از خود شخصاً یا از طریق کمک حقوقی به انتخاب خود. در صورت نداشتن مساعدت حقوقی از این حق مطلع شوند. در هر موردی که مصلحت عدالت اقتضا می‌کند و در صورت نداشتن امکانات کافی برای پرداخت، بدون پرداخت وجه به آنها کمک حقوقی داده شود؛
ه) بازجویی یا بازجویی از شهود علیه خود و جلب حضور و معاینه شهود از طرف آنها با همان شرایطی که شاهدان علیه آنها هستند؛
ز) در صورتیکه نمی‌توانند زبان مورد استفاده در دادگاه را بفهمند یا صحبت کنند، از کمک رایگان مترجم برخوردار شوند؛
ح) مجبور به شهادت علیه خود یا اعتراف به گناه نباشند.

۴-در مورد افراد نوجوان، رویه باید به گونه‌ای باشد که سن آنها و مطلوبیت ارتقای توانبخشی آنها در نظر گرفته شود.

۵-کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها که به ارتکاب جرم محکوم شده‌اند حق دارند که محکومیت و محکومیت آنها توسط دادگاه بالاتر مطابق قانون بررسی شود.

۶- کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها که به اتهام جنایی دستگیر یا بازداشت شده‌اند، باید فورا پیش یک قاضی یا دیگر مامورانی که به موجب قانون مجاز به اجرای اختیارات قضایی هستند، احضار شوند و باید حق محاکمه در مدت زمان معقول یا آزادی را داشته باشند. این

قاعده عمومی نیست که در انتظار محاکمه آنها را در بازداشت نگه دارند، اما آزادی می‌تواند مشروط به تضمین حضور در محاکمه، در هر مرحله دیگری از روند قضایی و، در صورت بروز، برای اجرای حکم باشد.

۷-هیچ کارگر مهاجر یا عضوی از خانواده وی نباید به دلیل جرمی که قبلاً به موجب قانون و آیین دادرسی کیفری کشور مربوطه محکوم یا تبرئه شده است مجدداً محاکمه یا مجازات شود.

ماده ۱۹

۱- هیچ کارگر مهاجر یا عضو خانواده او نباید به خاطر اعمال یا تخلفی که در زمان ارتکاب جرم، طبق قوانین ملی یا بین‌المللی جرم محسوب نمی‌شد، به ارتکاب جرم محکوم شود و همچنین نباید مجازات سنگینتری نسبت به مجازات قابل اجرا در زمان ارتکاب جرم به او تحمیل شود. اگر پس از ارتکاب جرم، قانون مجازات کمتری را مقرر کند، از آن بهره‌مند خواهد شد.

۲-ملاحظات بشردوستانه مربوط به وضعیت یک کارگر مهاجر، به ویژه در رابطه با حق اقامت یا کار او، باید در صدور حکم برای یک جرم جنایی ارتکابی توسط کارگر مهاجر یا یکی از اعضای وی یا خانواده او در نظر گرفته شود.

ماده ۲۰

۱-هیچ کارگر مهاجر یا عضوی از خانواده وی صرفاً به دلیل عدم انجام تعهدات قراردادی زندانی نخواهد شد.

۲-هیچ کارگر مهاجر یا عضوی از خانواده وی نباید از مجوز اقامت یا اجازه کار محروم شود یا صرفاً به دلیل عدم انجام تعهدات ناشی از قرارداد کار اخراج شود، مگر اینکه اجرای آن تعهد به منزله یک تعهد شرط چنین مجوزی باشد.

ماده ۲۱

مصادره، نابود کردن یا تلاش برای نابود کردن اسناد هویت، اسناد مجاز به ورود یا اقامت، اقامت یا تأسیس در قلمرو ملی یا مجوز کار غیرقانونی است. هیچگونه توقیف مجاز چنین اسنادی بدون تحویل رسید دقیق صورت نمی‌گیرد. در هیچ موردی نمی‌توان گذرنامه یا مدارک معادل آن کارگر مهاجر یا یکی از اعضای خانواده وی را از بین برد.

ماده ۲۲

۱-کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها مشمول اقدامات اخراج دسته جمعی نخواهند بود. هر مورد اخراج باید به صورت جداگانه بررسی و تصمیم گیری شود.

۲-کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنها را می‌توان از قلمرو یک کشور عضو اخراج کرد، تنها در پی تصمیمی که توسط مقام صلاحیّتدار مطابق قانون اتخاذ شده است.

۳-تصمیم باید به زبانی که آنها بفهمند به اطلاع آنها خواهد رسید. در صورت درخواست آنها در مواردی که اجباری نباشد، تصمیم به صورت کتبی به آنها ابلاغ می‌شد و به جز در شرایط استثنایی به دلیل امنیت ملی، دلایل تصمیم نیز به همین ترتیب ذکر می‌شود. افراد ذیربط باید قبل یا حداکثر در زمان صدور تصمیم از این حقوق مطلع شوند.

۴- به جز در مواردی که یک تصمیم نهایی توسط یک مقام قضایی صادر شود، شخص مربوطه حق دارد که دلیل اخراج نشدن خود را ارائه دهد و پرونده خود را توسط مقام صلاحیت دار بررسی کند، مگر اینکه دلایل قانع کننده امنیت ملی خلاف آن را لازم بدارد. تا زمانیکه این بازنگری صورت نمی‌گیرد، فرد مربوطه حق دارد از تعلیق تصمیم اخراج درخواست کند.

۵-اگر تصمیم اخراج که قبلاً اجرا شده است متعاقباً باطل شود، شخص ذینفع حق دارد طبق قانون درخواست غرامت کند و تصمیم قبلی برای جلوگیری از ورود مجدد او به کشور مربوطه استفاده نخواهد شد.

۶-در صورت اخراج، شخص ذینفع باید قبل یا بعد از خروج فرصت معقولی برای تسویه مطالبات مربوط به دستمزد و سایر استحقاق های مربوط به خود و هرگونه بدهی معلق داشته باشد.

۷-بدون لطمه‌ای به اجرای تصمیم اخراج، یک کارگر مهاجر یا یکی از اعضای خانواده او که مشمول چنین تصمیمی است می‌تواند خواهان ورود به کشوری غیر از کشور مبدأ خود باشد.

۸-در صورت اخراج کارگر مهاجر یا یکی از اعضای خانواده وی هزینه های اخراج به عهده وی نخواهد بود. ممکن است از شخص مربوطه خواسته شود که هزینه های سفر خود را بپردازد.

۹- اخراج از کشور محل کار به خودی خود لطمه‌ای به حقوق کارگر مهاجر یا یکی از اعضای خانواده او که طبق قوانین آن کشور به دست آورده است، از جمله حق دریافت دستمزد و سایر حقوق مربوط به وی، لطمه ای وارد نمی‌کند.

ماده ۲۳

کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنها حق دارند از حمایت و کمک مقامات کنسولی یا دیپلماتیک کشور مبدأ خود یا کشوری که منافع آن کشور را نمایندگی می‌کند، هر زمان که حقوق شناخته شده در این مقاوله‌نامه خدشه‌دار شود، متوسل شوند. به ویژه، در صورت اخراج، شخص مربوطه باید بدون تأخیر از این حق مطلع شود و مقامات کشور اخراج کننده اعمال چنین حقی را تسهیل خواهند کرد.

ماده ۲۴

هر کارگر مهاجر و هر عضو خانواده او حق دارد در همه جا به عنوان یک شخص در برابر قانون به رسمیت شناخته شود.

ماده ۲۵

۱- کارگران مهاجر از برخوردی که از نظر حقوق و دستمزد کمتر از برخوردی که برای اتباع کشور محل کار اعمال می شود برخوردار خواهند بود و:

الف) سایر شرایط کار، یعنی اضافه کاری، ساعات کار، استراحت هفتگی، تعطیلات با حقوق، ایمنی، سلامت، خاتمه رابطه کاری و سایر شرایط کاری که طبق قوانین و رویه ملی، تحت پوشش این شرایط هستند؛

ب) سایر شرایط استخدام، یعنی حداقل سن اشتغال، محدودیت در کار و سایر مواردی که طبق قوانین و رویه ملی، مدت استخدام محسوب می‌شود.

۲-تخلف از اصل برابری رفتار در بند ۱ این ماده در قراردادهای کاری خصوصی مجاز نیست.

۳-کشورهای عضو باید تمام تدابیر لازم را اتخاذ کنند تا اطمینان حاصل شود که کارگران مهاجر به دلیل هرگونه بی‌نظمی در اقامت یا اشتغال خود از حقوق ناشی از این اصل محروم نخواهند شد. به ویژه، کارفرمایان نباید از هیچگونه تعهدات قانونی یا قراردادی معاف شوند و همچنین تعهدات آنها به دلیل چنین بی نظمی به هیچ وجه محدود نخواهد شد.

ماده ۲۶

۱-کشورهای عضو، حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها را به رسمیت می‌شناسند:

الف) شرکت در جلسات و فعالیت‌های اتحادیه‌های کارگری و سایر انجمن‌هایی که طبق قانون تأسیس می‌شوند، به منظور حفظ منافع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره، تنها با رعایت قوانین سازمان مربوطه؛

ب) پیوستن آزادانه به هر اتحادیه صنفی و هر انجمنی که در بالا ذکر شد، تنها با رعایت قوانین سازمان مربوطه؛

ج) درخواست کمک و مساعدت از هر اتحادیه کارگری و هر انجمنی که در بالا ذکر شد.

۲- هیچ محدودیتی برای اعمال این حقوق نمی‌توان اعمال کرد، به جز مواردی که قانون تجویز می‌کند و در یک جامعه دموکراتیک به نفع امنیت ملی، نظم عمومی یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری است.

ماده ۲۷

۱-در رابطه با تأمین اجتماعی، کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنها در کشور محل کار از همان رفتاری برخوردار خواهند بود که به اتباع آن کشور اعطا می‌شود تا جائیکه شرایط مقرر در قوانین قابل اجرا آن کشور و قوانین دوجانبه و قابل اجرا را برآورده کنند. معاهدات چند جانبه مقامات صلاحیّت‌دار کشور مبدأ و کشور محل کار می‌توانند در هر زمان ترتیبات لازم را برای تعیین نحوه اعمال این هنجار ایجاد کنند.

۲- در صورتی که قانون قابل اجرا اجازه دریافت مزایایی را برای کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها نمی‌دهد، کشورهای مربوطه امکان بازپرداخت مبلغی را که از سوی افراد علاقه‌مند در رابطه با این مزایایی پرداخت شده است، بر اساس رفتار با اتباع خود که در شرایط مشابه قرار دارند، بررسی می کنند.

ماده ۲۸

کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها حق دارند هرگونه مراقبت پزشکی را که برای حفظ جان آنها یا جلوگیری از صدمات جبران ناپذیر به سلامت آنها ضروری است بر اساس رفتار برابر با اتباع کشور مربوطه دریافت کنند. چنین مراقبت های پزشکی اورژانسی نباید به دلیل هرگونه بی نظمی در مورد اقامت یا اشتغال از آنها خودداری شود.

ماده ۲۹

هر فرزند کارگر مهاجر حق داشتن نام، ثبت تولد و تابعیت را دارد.

ماده ۳۰

هر کودک کارگر مهاجر باید از حق اولیه دسترسی به آموزش بر اساس رفتار برابر با اتباع کشور مربوطه برخوردار باشد. دسترسی به مؤسسات آموزشی پیش دبستانی کشوری یا مدارس نباید به دلیل وضعیت نامنظم در مورد اقامت یا اشتغال هر یک از والدین یا به دلیل نامنظم بودن اقامت کودک در کشور محل کار خودداری یا محدود شود.

ماده ۳۱

۱-کشورهای عضو، احترام به هویت فرهنگی کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنها را تضمین خواهند کرد و مانع از حفظ پیوندهای فرهنگی خود با کشور مبدأ خود نخواهند شد.

۲-کشورهای عضو می‌توانند اقدامات مناسبی را برای کمک و تشویق تلاش ها در این زمینه اتخاذ کنند.

ماده ۳۲

کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنها پس از پایان اقامت خود در کشور محل کار، حق دارند درآمد و پس‌انداز خود و طبق قوانین قابل اجرا کشورهای مربوطه، اثاثیه شخصی و اموال خود را انتقال دهند.

ماده ۳۳

۱-کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها حق خواهند داشت که توسط کشور مبدأ، کشور محل کار یا کشور ترانزیت در مورد موارد زیر مطلع شوند:

الف) حقوق آنها ناشی از این مقاوله‌نامه؛

ب) شرایط پذیرش آنها، حقوق و تعهدات آنها بر اساس قانون و رویه کشور مربوطه و سایر مواردی که آنها را قادر می‌سازد تا تشریفات اداری یا سایر تشریفات را در آن کشور انجام دهند.

۲-کشورهای عضو، تمام اقداماتی را که مناسب می‌دانند برای انتشار اطلاعات مذکور یا اطمینان از ارائه آن توسط کارفرمایان، اتحادیه‌های کارگری یا سایر نهادها یا مؤسسات مناسب اتخاذ خواهند کرد. در صورت اقتضاء، آنها باید با سایر کشورهای ذینفع همکاری کنند.

۳-چنین اطلاعات کافی باید در صورت درخواست به کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها، به صورت رایگان، و تا آنجا که ممکن است، به زبانی که آنها قادر به درک آن هستند، ارائه شود.

ماده ۳۴

هیچ چیز در این بخش از مقاوله‌نامه نمی‌تواند کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها را از تعهد به رعایت قوانین و مقررات هر کشور عبور و کشور کار یا تعهد به احترام به هویت فرهنگی ساکنان این کشورها، معاف کند.

ماده ۳۵

هیچ چیز در این بخش از مقاوله‌نامه نباید به این معنا تفسیر شود که به معنای تنظیم وضعیت کارگران مهاجر یا اعضای خانواده آنها است که بدون مدارک یا در وضعیت غیرقانونی هستند یا هر

گونه حق به چنین تنظیم وضعیت آنها، و همچنین نباید اقدامات مورد نظر برای اطمینان از شرایط سالم و عادلانه برای مهاجرت بین‌المللی به عنوان ارائه شده در بخش ششم این مقاوله‌نامه را تحت تاثیر قرار دهد.

بخش چهارم: سایر حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها که دارای مدرک یا در وضعیت عادی هستند

ماده ۳۶

کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها که در کشور محل کار دارای مدرک هستند یا در وضعیت عادی قرار دارند، علاوه بر حقوق مندرج در بخش سوم، از حقوق مندرج در بخش حاضر مقاوله‌نامه برخوردار خواهند بود.

ماده ۳۷

کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها قبل از خروج، یا حداکثر در زمان پذیرش در کشور محل کار، حق خواهند داشت که به طور کامل توسط کشور مبدأ یا کشور محل کار، در صورت اقتضا، مطلع شوند. کلیه شرایط مربوط به پذیرش آنها و به ویژه شرایط مربوط به اقامت آنها و فعالیت‌های با دستمزدی که آنها می‌توانند در آن شرکت کنند و همچنین شرایطی که باید در کشور محل کار و مرجعی که آنها باید خود را برای هر گونه تغییر در این شرایط رعایت کنند.

ماده ۳۸

۱-کشورهای محل کار باید تمام تلاش خود را بکار گیرند تا به کارگران مهاجر و اعضای خانواده اجازه غیبت موقت بدهند بدون اینکه برحسب مورد مجوز اقامت یا کار آنها را تحت تأثیر قرار دهد. در انجام این کار، کشورهای محل کار باید نیازها و تعهدات ویژه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها، به ویژه در کشورهای مبدأ آنها را در نظر بگیرند.

۲-کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها حق دارند از شرایطی که چنین غیبت های مؤقتی مجاز است به طور کامل مطلع شوند.

ماده ۳۹

۱-کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها حق تردد آزادانه در قلمرو کشور محل کار و انتخاب محل اقامت خود در آنجا را خواهند داشت.

۲-حقوق مندرج در بند (۱) این ماده مشمول هیچ محدودیتی نخواهد بود، مگر آنهایی که به موجب قانون برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران و با سایر حقوق شناخته شده در این مقاوله‌نامه سازگار است.

ماده ۴۰

۱-کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها حق تشکیل انجمن ها و اتحادیه های کارگری را در کشور محل کار برای ارتقا و حمایت از منافع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره خود خواهند داشت.

۲-هیچ محدودیتی برای اعمال این حق به جز مواردی که قانون تجویز می‌کند و در یک جامعه دموکراتیک به نفع امنیت ملی، نظم عمومی یا حمایت از حقوق و آزادی‌های مردم ضروری است را نمی‌توان اعمال کرد.

ماده ۴۱

۱-کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها حق شرکت در امور عمومی کشور مبدأ خود و رأی دادن و انتخاب شدن در انتخابات آن کشور را بر اساس قوانین آن کشور خواهند داشت.

۲-کشورهای ذیربط، در صورت مقتضی و مطابق با قوانین خود، اعمال این حقوق را تسهیل خواهند کرد.

ماده ۴۲

۱- کشورهای عضو، ایجاد رویه ها یا نهادهایی را در نظر خواهند گرفت که از طریق آن، هم در کشورهای منشأ و هم در کشورهای اشتغال، به نیازهای خاص، آرزوها و تعهدات کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها توجه شود و در صورت لزوم، امکان داشتن نمایندگان آزادانه انتخاب شده برای کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها در این نهادها را در نظر خواهند گرفت.

۲-کشورهای محل کار، مطابق با قوانین ملی خود، مشاوره یا مشارکت کارگران مهاجر و اعضای خانواده های آنها را در تصمیم گیری های مربوط به زندگی و اداره جوامع محلی تسهیل خواهند کرد.

۳-کارگران مهاجر می‌توانند در کشور محل کار از حقوق سیاسی برخوردار شوند در صورتیکه آن کشور در اعمال حاکمیت خود چنین حقوقی را به آنها اعطا کند.

ماده ۴۳

۱-کارگران مهاجر باید از رفتار برابر با اتباع کشور محل کار در رابطه با موارد زیر برخوردار شوند:

الف) دسترسی به مؤسسات آموزشی و خدمات مشروط به شرایط پذیرش و سایر مقررات مؤسسات و خدمات مربوطه؛

ب) دسترسی به خدمات راهنمایی و کاریابی حرفه‌ای؛

ج) دسترسی به امکانات و مؤسسات آموزش حرفه‌ای و بازآموزی؛

د) دسترسی به مسکن، از جمله طرح‌های مسکن اجتماعی و حفاظت در برابر استثمار در رابطه با اجاره؛

ه) دسترسی به خدمات اجتماعی و بهداشتی، مشروط بر اینکه الزامات مشارکت در طرح های مربوطه برآورده شود؛

و) دسترسی به تعاونی ها و شرکت های خودگردان که به معنای تغییر وضعیت مهاجرت آنها نیست و تابع قوانین و مقررات ارگان های مربوطه خواهد بود؛

ز) دسترسی و مشارکت در زندگی فرهنگی.

۲-کشورهای عضو، شرایطی را برای تضمین برابری مؤثر در رفتار ایجاد خواهند کرد تا کارگران مهاجر بتوانند از حقوق ذکر شده در بند ۱ این ماده برخوردار شوند. هر زمان که شرایط اقامت آنها، طبق مجوز کشور محل کار، شرایط مناسب را برآورده کند.

۳- کشورهای محل کار، کارفرمای کارگران مهاجر را از ایجاد مسکن یا تسهیلات اجتماعی یا فرهنگی برای آنها منع نخواهد کرد. با رعایت ماده ۷۰ این مقاوله‌نامه، کشور محل کار می‌تواند ایجاد چنین تأسیساتی را منوط به الزاماتی باشد که عموماً در آن کشور در مورد نصب آنها اعمال می‌شود.

ماده ۴۴

۱-کشورهای عضو، با اذعان به اینکه خانواده واحد طبیعی و اساسی جامعه است و مستحق حمایت جامعه و کشور است، اقدامات مقتضی را برای تضمین حمایت از وحدت خانواده‌های کارگران مهاجر اتخاذ خواهند کرد.

۲-کشورهای عضو اقداماتی را که مناسب می‌دانند و در صلاحیت آنها قرار دارد برای تسهیل اتحاد مجدد کارگران مهاجر با همسران آنها یا افرادی که با کارگر مهاجر رابطه‌ای دارند که طبق قوانین قابل اجرا، اثراتی معادل ازدواج دارند، و همچنین با فرزندان مجرد تحت تکفل خود. اتخاذ خواهند کرد.

۳-کشورهای شاغل، به دلایل بشردوستانه، اعطای رفتار مساوی، همانطور که در بند ۲ این ماده، با سایر اعضای خانواده کارگران مهاجر بیان شده است، به طور مساعد در نظر خواهند گرفت.

ماده ۴۵

۱-اعضای خانواده کارگران مهاجر در کشور محل کار از رفتار برابر با اتباع آن کشور در رابطه با موارد زیر برخوردار خواهند بود:

الف) دسترسی به مؤسسات و خدمات آموزشی، مشروط به شرایط پذیرش و سایر مقررات مؤسسات و خدمات مربوطه؛

ب) دسترسی به مؤسسات و خدمات راهنمایی و آموزش حرفه‌ای، مشروط بر اینکه الزامات مشارکت برآورده شود؛

ج) دسترسی به خدمات اجتماعی و بهداشتی، مشروط بر اینکه الزامات مشارکت در طرح‌های مربوطه برآورده شود؛

د) دسترسی و مشارکت در زندگی فرهنگی.

۲-کشورهای محل کار باید سیاستی را، در صورت لزوم، با همکاری کشورهای مبدأ، با هدف تسهیل ادغام کودکان کارگران مهاجر در سیستم مدارس محلی، به ویژه در رابطه با آموزش زبان محلی به آنها، دنبال کنند.

۳-کشورهای محل کار تلاش خواهند کرد تا آموزش زبان مادری و فرهنگ را برای فرزندان کارگران مهاجر تسهیل کنند و در این راستا، کشورهای مبدأ هر زمان که مقتضی باشد همکاری خواهند کرد.

۴-کشورهای محل کار می‌توانند در صورت لزوم با همکاری کشورهای مبدأ، طرح های ویژه‌ای برای آموزش به زبان مادری فرزندان کارگران مهاجر ارائه دهند.

ماده ۴۶

کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها با رعایت قوانین قابل اجرا کشور های مربوطه و همچنین موافقت نامه های بین‌المللی مربوط و تعهدات کشورهای مربوطه ناشی از مشارکت آنها در اتحادیه های گمرکی، از معافیت از حقوق و عوارض واردات و صادرات برخوردار خواهند شد. در رابطه با وسایل شخصی و خانگی و همچنین تجهیزات لازم برای انجام فعالیت های مزدی که برای آن در کشور محل کار پذیرفته شده‌اند:

الف) پس از خروج از کشور مبدأ یا کشور محل سکونت معمولی؛
ب) پس از پذیرش اولیه در کشور محل کار؛
ج) پس از خروج نهایی از کشور محل کار؛
د) پس از بازگشت نهایی به کشور مبدأ یا کشور محل سکونت معمولی.

ماده ۴۷

۱-کارگران مهاجر این حق را خواهند داشت که درآمدها و پس‌اندازهای خود، بویژه آن وجوهی که برای حمایت از خانواده‌های آنها ضروری است، از کشور محل کار به کشور مبدأ یا هر کشور

دیگری منتقل کنند. چنین نقل و انتقالاتی باید مطابق با رویه های تعیین شده توسط قوانین قابل اجرا کشور مربوطه و مطابق با موافقتنامه‌های بین‌المللی قابل اجرا انجام شود.

۲-کشورهای ذیربط اقدامات مناسب را برای تسهیل چنین انتقالی اتخاذ خواهند کرد.

ماده ۴۸

۱- بدون لطمه ای به موافقت نامه های قابل اجرا مالیات مضاعف، کارگران مهاجر و اعضای خانواده های آنها باید در مورد درآمد در کشور محل اشتغال:

الف) مشمول مالیات، عوارض یا هزینه‌هایی با هر توصیفی بالاتر یا سنگین تر از آنچه در شرایط مشابه بر اتباع تحمیل می‌شود، نباشد؛

ب) مستحق کسر یا معافیت از مالیات با هر توصیفی و هرگونه تخفیف مالیاتی قابل اعمال برای اتباع در شرایط مشابه، از جمله کمک هزینه مالیاتی برای اعضای تحت تکفل خانواده آنها.

۲-کشورهای عضو کوشش خواهند کرد تا تدابیر مناسب اتخاذ کنند تا از مالیات مضاعف بر درآمد و پس‌انداز کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنها اجتناب کنند.

ماده ۴۹

۱-در مواردی که طبق قوانین ملی مجوزهای جداگانه برای اقامت و اشتغال به کار الزامی است، کشورهای محل کار برای کارگران مهاجر مجوز اقامت حداقل برای مدت زمانی مشابه مجوز آنها برای انجام فعالیت های با دستمزد صادر خواهند کرد.

۲-کارگران مهاجری که در کشور محل کار مجازند آزادانه فعالیت حقوقی خود را انتخاب کنند، نه به عنوان وضعیت نامنظم تلقی می‌شوند و نه تنها به دلیل خاتمه فعالیت حقوقی خود قبل از انقضای اجازه کار و یا اجازه‌های مشابه، مجوز اقامت خود را از دست نمی‌دهند.

۳-برای اینکه به کارگران مهاجر موضوع بند ۲ این ماده زمان کافی برای یافتن فعالیت‌های با دستمزد جایگزین داده شود، مجوز اقامت حداقل برای مدتی که در طی آن ممکن است از مزایای بی‌کاری برخوردار شوند لغو نمی‌شود.

ماده ۵۰

۱-در صورت فوت یک کارگر مهاجر یا انحلال ازدواج، کشور محل کار به طور مساعد اعطای مجوز اقامت به اعضای خانواده آن کارگر مهاجر مقیم آن کشور را براساس چگونگی اتحاد مجدد خانواده بررسی خواهد کرد. کشور محل کار مدت زمانی را که آنها قبلاً در آن کشور اقامت داشته کند در نظر می‌گیرد.

۲-اعضای خانواده که چنین مجوزی به آنها اعطا نمی‌شود باید قبل از عزیمت به مدت معقولی اجازه داده شود تا بتوانند امور خود را در کشور محل کار حل و فصل کنند.

۳-مفاد بندهای ۱ و ۲ این ماده را نمی‌توان به گونه‌ای تفسیر کرد که بر حق اقامت و کار که در غیر این صورت توسط قوانین کشور محل کار یا معاهدات دوجانبه و چند جانبه قابل اعمال به آن کشور به این اعضای خانواده اعطا شده است، تأثیر منفی بگذارد.

ماده ۵۱

کارگران مهاجری که در کشور محل کار مجاز به انتخاب آزادانه فعالیت حقوقی خود نیستند، نه به عنوان وضعیت نامنظم تلقی می‌شوند و نه تنها به دلیل خاتمه فعالیت حقوقی خود قبل از انقضا، مجوز اقامت خود را از دست نمی‌دهند. مجوز کار آنها، به استثنای مواردی که مجوز اقامت صراحتاً به فعالیت خاص با دستمزدی که آنها برای آن پذیرفته شده‌اند بستگی دارد. این کارگران مهاجر حق دارند در طول مدت باقی مانده از مجوز کار خود به دنبال شغل جایگزین، مشارکت در طرح‌های کار عمومی و بازآموزی باشند، مشروط به شرایط و محدودیت‌هایی که در مجوز کار مشخص شده است.

ماده ۵۲

۱- کارگران مهاجر در کشور محل کار حق انتخاب آزادانه فعالیت حقوقی خود را با رعایت محدودیت‌ها یا شرایط زیر خواهند داشت.

۲-برای هر کارگر مهاجر، کشور محل کار ممکن است:

الف) دسترسی به گروه‌های محدودی از مشاغل، وظایف، خدمات یا فعالیت‌ها را در مواردی که به نفع این کشور ضروری است و توسط قوانین ملی پیشبینی شده است، محدود کند؛

ب) انتخاب آزادانه فعالیت با دستمزد را مطابق با قوانین خود در مورد به رسمیت شناختن صلاحیت های شغلی کسب شده در خارج از قلمرو خود محدود کند. با این حال، کشورهای عضو ذینفع تلاش خواهند کرد تا به رسمیت شناختن چنین شرایطی را فراهم کنند.

۳-برای کارگران مهاجری که اجازه کار آنها از نظر زمانی محدود است، یک کشور شاغل نیز ممکن است:

الف: حق انتخاب آزادانه فعالیت‌های با دستمزد خود را مشروط به این باشد که کارگر مهاجر برای مدتی که در قانون ملی خود مقرر شده است که نباید از دو سال تجاوز کند، به طور قانونی در قلمرو خود به منظور فعالیت با دستمزد اقامت داشته باشد؛

ب: محدود کردن دسترسی کارگر مهاجر به فعالیت‌های با دستمزد در پیروی از سیاست اعطای اولویت به اتباع خود یا افرادی که به موجب قانون یا موافقتنامه‌های دوجانبه یا چند جانبه با آنها برای این اهداف جذب شده‌اند. هر گونه چنین محدودیتی دیگر به کارگر مهاجر که به طور قانونی در قلمرو آن به منظور فعالیت با حقوق برای مدت زمانی که در قانون ملی آن مقرر شده است و نباید بیش از پنج سال باشد، اقامت داشته باشد، اعمال نمی‌شود.

۴-کشورهای محل کار شرایطی را تعیین خواهند کرد که بر اساس آن کارگر مهاجری که برای استخدام پذیرفته شده است، می‌تواند اجازه داشته باشد که به حساب خود به کار مشغول شود. مدت زمانی که کارگر قبلاً بطور قانونی در کشور محل کار بوده است در نظر گرفته می‌شود.

ماده ۵۳

۱-اعضای خانواده کارگر مهاجر که برای خود مجوز اقامت یا پذیرش بدون محدودیت زمانی یا به طور خودکار قابل تمدید دارند، می‌توانند آزادانه فعالیت حقوقی خود را تحت همان شرایطی که برای کارگر مهاجر مزبور اعمال می‌شود انتخاب کنند. با ماده ۵۲ این مقاوله‌نامه.

۲-در رابطه با اعضای خانواده کارگر مهاجر که اجازه انتخاب آزادانه فعالیت حقوقی خود را ندارند، کشورهای عضو باید اولویت را در کسب اجازه برای انجام فعالیتی با دستمزد نسبت به

سایر کارگران که به دنبال پذیرش در کشور محل کار هستند، به طور مساعد در نظر بگیرند، البته مشروط به توافقات دوجانبه و چند جانبه قابل اجرا.

ماده ۵۴

۱-کارگران مهاجر بدون لطمه به شرایط مجوز اقامت یا اجازه کار و حقوق مقرر در مواد ۲۵ و ۲۷ این مقاوله‌نامه، از رفتار برابر با اتباع کشور محل کار در موارد زیر برخوردار خواهند بود:

الف) حفاظت در برابر اخراج؛

ب) مزایای بیکاری؛

ج) دسترسی به طرحهای کار عمومی با هدف مبارزه با بیکاری؛

د) دسترسی به شغل جایگزین در صورت از دست دادن کار یا خاتمه سایر فعالیت‌های با مزد، موضوع ماده ۵۲ این مقاوله‌نامه.

۲-اگر کارگر مهاجر ادعا کند که مفاد قرارداد کاری او توسط کارفرما نقض شده است، او حق دارد پرونده خود را با رعایت شرایط به مقامات ذیصلاح کشور محل کار رسیدگی کند. مقرر در بند ۱ ماده ۱۸ این مقاوله‌نامه.

ماده ۵۵

کارگران مهاجری که اجازه فعالیت در فعالیتی با مزد دریافت کرده‌اند، مشروط به شرایطی که به آن اجازه داده می‌شود، در اجرای آن فعالیت مزد دریافت می‌کنند.

ماده ۵۶

۱-کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها که در بخش حاضر مقاوله‌نامه ذکر شده است را نمی‌توان از کشور محل کار اخراج کرد، مگر به دلایلی که در قوانین ملی آن کشور تعریف شده است و با رعایت ضمانت‌های تعیین شده در بخش سوم.

۲-اخراج نباید به منظور محروم کردن کارگر مهاجر یا یکی از اعضای خانواده وی از حقوق ناشی از مجوز اقامت و مجوز کار انجام شود.

۳-در بررسی اخراج یک کارگر مهاجر یا یکی از اعضای خانواده او، باید ملاحظات بشردوستانه و مدت زمانی که شخص مربوطه قبلاً در کشور محل کار اقامت داشته است در نظر گرفته شود.

بخش پنجم: مقررات مربوط به گروه‌های خاصی از کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنها

ماده ۵۷

گروه‌های خاصی از کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنها که در این بخش حاضر مقاوله‌نامه مشخص شده‌اند و دارای اسناد و مدارک قانونی می‌باشند، یا در وضعیتی عادی قرار دارند، از حقوق مندرج در بخش «م» برخوردار خواهند بود و به استثنای مواردی که در زیر اصلاح می‌شود، از حقوق مندرج در بخش چهارم بهره‌مند می‌شوند.

ماده ۵۸

۱-کارگران مرزی، همانطور که در بند ۲ (الف) ماده ۲ این مقاوله‌نامه تعریف شده است، از حقوق مقرر در بخش۴ برخوردار خواهند بود که می‌تواند به دلیل حضور و کار آنها در قلمرو دولت اشتغال، با توجه به اینکه آنها اقامتگاه عادی خود را در آن کشور ندارند، به آنها اعمال شود.

-۲کشورهای شاغل به کارگران مرزی حق انتخاب آزادانه فعالیت حقوقی خود را پس از یک دوره زمانی معین به طور مطلوب در نظر خواهند گرفت. اعطای این حق بر وضعیت آنها به عنوان کارگران مرزی تأثیری نخواهد داشت.

ماده ۵۹

۱-کارگران فصلی، همانطور که در بند ۲ (ب) ماده ۲ این مقاوله‌نامه تعریف شده است، از حقوق مقرر در بخش۴ برخوردار خواهند بود که می‌تواند به دلیل حضور و کار در قلمرو این مقاوله‌نامه در مورد آنها اعمال شود. با در نظر گرفتن این واقعیت که آنها فقط برای بخشی از سال در آن ایالت حضور دارند و با وضعیت آنها به عنوان کارگران فصلی در آن ایالت سازگار است.

۲-کشور محل کار، با رعایت بند ۱ این ماده، به کارگران فصلی که برای مدت زمان قابل توجهی در قلمرو آن شاغل بوده‌اند، امکان انجام سایر فعالیت های با دستمزد و اولویت دادن به آنها را نسبت به سایر کارگرانی‌که برای مدت قابل توجهی در قلمرو آن اشتغال داشته‌اند، در نظر خواهد گرفت. درخواست پذیرش در آن کشور، مشروط به توافقات دوجانبه و چند جانبه قابل اجرا.

ماده ۶۰

کارگران دوره گرد، همانطور که در بند ۲ (الف) ماده ۲ این مقاوله‌نامه تعریف شده است، از حقوق مقرر در بخش ۴ برخوردار خواهند بود که می‌تواند به دلیل حضور و کار در قلمرو کشور به آنها اعطا شود، استخدام و با وضعیت آنها به عنوان کارگران دوره گرد در آن ایالت سازگار است.

ماده ۶۱

۱-کارگران مرتبط با پروژه، همانطور که در بند ۲ ماده ۲ (این مقاوله‌نامه) تعریف شده است، و اعضای خانواده آنها به استثنای مفاد ماده ۴۳ بند یک (ب) و اعضای خانواده آنها از حقوق مقرر در بخش۴ برخوردار خواهند بود. (ج)، ماده ۴۳، بند اول (د)، در مورد طرح های مسکن اجتماعی، ماده ۴۵، بند یک (ب) و مواد ۵۲ تا ۵۵.

۲-اگر کارگر مرتبط با پروژه ادعا کند که مفاد قرارداد کارش توسط کارفرما نقض شده است، حق دارد پرونده خود را به مقامات صلاحیت دار کشوری که صلاحیت دارد بر آن کارفرما، طبق شرایط مقرر در بند ۱ ماده ۱۸ این مقاوله‌نامه رسیدگی کند.

۳-با توجه به موافقتنامه‌های دوجانبه یا چند جانبه که برای آنها لازم‌الاجرا است، کشورهای عضو مربوطه باید تلاش کنند تا کارگران مرتبط با پروژه را قادر سازند تا در طول فعالیت خود در پروژه، توسط سیستم های تأمین اجتماعی کشورهای مبدأ یا محل سکونت معمول خود به طور کافی محافظت شوند. کشورهای عضو ذینفع اقدامات مقتضی را با هدف اجتناب از هرگونه انکار حقوق یا تکرار پرداخت ها در این زمینه اتخاذ خواهند کرد.

۴-بدون لطمه به مفاد ماده ۴۷ این مقاوله‌نامه و موافقتنامه‌های دوجانبه یا چند جانبه مربوط، کشورهای عضو ذینفع اجازه خواهند داد که درآمد کارگران مرتبط با پروژه در کشور مبدأ یا محل سکونت معمولی آنها پرداخت شود.

ماده ۶۲

۱-کارگران با اشتغال مشخص که در بند ۲ (ز) ماده ۲ این مقاوله‌نامه تعریف شده است، به استثنای مفاد ماده ۴۳ بندهای (ب) و (ج) این مقاوله‌نامه از حقوق مقرر در بخش ۴ برخوردار خواهند بود. ماده ۴۳، بند اول (د)، در مورد طرح های مسکن اجتماعی، ماده ۵۲، و ماده ۵۴، بند ۱ (د).

۲-اعضای خانواده کارگران با شغل معین از حقوق مربوط به اعضای خانواده کارگران مهاجر پیشبینی شده در بخش چهارم این مقاوله‌نامه، به استثنای مفاد ماده ۵۳، برخوردار خواهند بود.

ماده ۶۳

۱-کارگران خوداشتغالی، همانطور که در ماده ۲، بند ۲ (ح)، مقاوله‌نامه ارسالی تعریف شده است، از حقوق مقرر در بخش ۴، به استثنای آن دسته از حقوقی‌که منحصراً برای کارگرانی که دارای قرارداد کار در نظر گرفته شده است، برخوردار خواهند بود.
۲-بدون لطمه به مواد ۵۲ و ۷۹ این مقاوله‌نامه، خاتمه فعالیت اقتصادی کارگران خوداشتغالی به خودی خود به معنای لغو مجوز اقامت یا اشتغال برای آنها یا اعضای خانواده آنها نخواهد بود. در یک فعالیت با دستمزد در کشور محل کار، به استثنای مواردی که مجوز اقامت صراحتا به فعالیت با دستمزد خاصی بستگی دارد که برای آن پذیرفته شده‌اند.

بخش ششم: ارتقای شرایط سالم، عادلانه، انسانی و قانونی در ارتباط با مهاجرت بین‌المللی کارگران و اعضای خانواده آنها

ماده ۶۴

۱-بدون لطمه به ماده ۷۹ این مقاوله‌نامه، کشورهای عضو ذینفع به منظور ارتقای شرایط سالم، عادلانه و انسانی در ارتباط با مهاجرت بین‌المللی کارگران و اعضای خانواده‌های‌شان، به نحو مقتضی مشورت و همکاری خواهند کرد.

-۲در این راستا، نه تنها به نیازها و منابع نیروی کار، بلکه به نیازهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سایر نیازهای کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها و همچنین پیامدهای چنین مهاجرتی برای جوامع مربوطه نیز توجه لازم مبذول خواهد شد.

ماده ۶۵

۱-کشورهای عضو باید خدمات مناسبی را برای رسیدگی به موضوعات مربوط به مهاجرت بین‌المللی کارگران و اعضای خانواده آنها حفظ کنند. وظایف آنها از جمله شامل موارد زیر است:

الف) تدوین و اجرای سیاست‌های مربوط به چنین مهاجرتی؛
ب) تبادل اطلاعات، مشورت و همکاری با مقامات ذیصلاح سایر کشورهای عضو درگیر در چنین مهاجرتی؛
ج) ارائه اطلاعات مناسب به ویژه به کارفرمایان، کارگران و سازمان های آنها در مورد سیاست ها، قوانین و مقررات مربوط به مهاجرت و اشتغال، در مورد توافقنامه های منعقد شده با سایر کشورها در مورد مهاجرت و سایر موارد مرتبط؛
د) ارائه اطلاعات و کمک مناسب به کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها در مورد مجوزها و تشریفات لازم و ترتیبات خروج، سفر، ورود، اقامت، فعالیت‌های با دستمزد، خروج و بازگشت و همچنین شرایط کار و زندگی در کشور محل کار و در مورد گمرکات، ارز، مالیات و سایر قوانین و مقررات مربوط.

۲-کشورهای عضو، در صورت اقتضا، ارائه خدمات کنسولی و سایر خدمات کافی را که برای رفع نیازهای اجتماعی، فرهنگی و سایر نیازهای کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها ضروری است، تسهیل خواهند کرد.

ماده ۶۶

۱-با رعایت بند ۲ این ماده، حق انجام عملیات به منظور استخدام کارگران برای استخدام در کشور دیگر محدود به موارد زیر خواهد بود:

الف) خدمات عمومی یا ارگان‌های کشوری که چنین عملیاتی در آن انجام می‌شود؛
ب) خدمات عمومی یا ارگان‌های کشور محل کار براساس توافق بین کشورهای مربوطه؛
ج) ارگانی که به موجب توافقنامه دو یا چند جانبه ایجاد شده است.

۲-مشروط به هرگونه مجوز، تأیید و نظارت مقامات کشوری کشورهای عضو مربوطه که ممکن است بر اساس قوانین و رویه آن کشورها ایجاد شود، آژانس‌ها، کارفرمایان بالقوه یا افرادی که از طرف آنها عمل می کنند نیز ممکن است مجاز به انجام این اقدامات باشند.

ماده ۶۷

۱-کشورهای عضو مربوطه در اتخاذ تدابیر مربوط به بازگشت منظم کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها به کشور مبدا، در صورتی که آنها تصمیم به بازگشت بگیرند یا مجوز اقامت یا اشتغال آنها به پایان برسد یا زمانی که آنها در کشور اشتغال به صورت غیرقانونی قرار دارند، همکاری می‌کنند.

۲-در مورد کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنها در یک وضعیت عادی، کشورهای عضو ذینفع باید طبق شرایط مورد توافق آن کشورها، به منظور ارتقای شرایط اقتصادی کافی برای اسکان مجدد آنها و تسهیل اجتماعی پایدار آنها و ادغام مجدد فرهنگی در کشور مبدا، همکاری کنند.

ماده ۶۸

۱-کشورهای عضو، از جمله کشورهای ترانزیت، به منظور جلوگیری و حذف تحرکات غیرقانونی یا مخفیانه و به کارگیری کارگران مهاجر در وضعیت نامنظم همکاری خواهند کرد. اقداماتی‌که برای این منظور در صلاحیت هر کشور مربوطه انجام می‌شود شامل موارد زیر خواهد بود:

الف) اقدامات مناسب در برابر انتشار اطلاعات گمراه کننده مربوط به مهاجرت؛
ب) اقداماتی برای کشف و ریشه کن کردن تحرکات غیر قانونی یا مخفی کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنها و اعمال تحریم‌های مؤثر علیه افراد، گروه‌ها یا نهادهایی که سازماندهی، فعالیت یا کمک به سازماندهی یا اجرای چنین جنبش‌هایی را انجام می‌دهند؛
ج) اقداماتی برای اعمال تحریم‌های مؤثر علیه افراد، گروه‌ها یا نهادهایی که از خشونت، تهدید یا ارعاب علیه کارگران مهاجر یا اعضای خانواده‌های آنها در شرایط نامنظم استفاده می‌کنند.

۲-کشورهای شاغل باید تمام اقدامات کافی و مؤثر را برای حذف اشتغال کارگران مهاجر در یک وضعیت نامنظم در قلمرو خود انجام دهند، از جمله، در صورت لزوم، تحریم‌هایی برای کارفرمایان این کارگران. حقوق کارگران مهاجر در برابر کار فرمای خود ناشی از اشتغال نباید با این اقدامات خدشه دار شود.

ماده ۶۹

۱-کشورهای عضو، زمانیکه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها در قلمرو آنها در وضعیت نامنظمی قرار دارند، اقدامات لازم را برای اطمینان از عدم تداوم چنین وضعیتی اتخاذ خواهند کرد.

۲-هرگاه کشورهای عضو ذینفع امکان تنظیم وضعیت این افراد را مطابق با قوانین ملی قابل اجرا و موافقتنامه‌های دو یا چند جانبه در نظر بگیرند، باید شرایط ورود آنها، مدت اقامت آنها در کشورهای محل کار را در نظر گرفت و سایر ملاحظات مرتبط، به ویژه ملاحظات مربوط به وضعیت خانوادگی آنها.

ماده ۷۰

کشورهای عضو اقدامات نه کمتر مطلوب از اقدامات اعمال شده برای اتباع خود را برای اطمینان از اینکه شرایط کار و زندگی کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها در یک وضعیت عادی با استانداردهای تناسب اندام، ایمنی، بهداشت و اصول کرامت انسانی مطابقت دارد.

ماده ۷۱

۱-کشورهای عضو، در صورت لزوم، بازگرداندن اجساد کارگران مهاجر متوفی یا اعضای خانواده آنها را به کشور مبدأ تسهیل خواهند کرد.

۲-در مورد موضوعات مربوط به غرامت مربوط به مرگ کارگر مهاجر یا یکی از اعضای خانواده وی، کشورهای عضو، در صورت اقتضا، به افراد مربوطه برای حل و فصل سریع چنین موضوعاتی کمک خواهند کرد. حل و فصل این موضوعات باید بر اساس قوانین ملی قابل اجرا مطابق با مفاد این مقاوله‌نامه و هرگونه موافقتنامه دو یا چند جانبه مربوط انجام شود.

بخش هفتم: کاربرد مقاوله‌نامه

ماده ۷۲

۱-الف) به منظور بررسی کاربرد این مقاوله‌نامه، کمیته‌ای در مورد حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها (که از این پس "کمیته" نامیده می‌شد)، ایجاد خواهد شد؛

۱-ب) کمیته در زمان لازم‌الاجرا شدن این مقاوله‌نامه متشکل از ده نفر، و پس از لازم‌الاجرا شدن مقاوله‌نامه برای چهل و یکمین کشور عضو، از ۱۴ کارشناس دارای جایگاه اخلاقی بالا، بیطرف و صلاحیت شناخته شده در زمینه مفاد مقاوله‌نامه، تشکیل می‌شود.

۲-الف) اعضای کمیته با رای مخفی توسط کشورهای عضو از میان فهرستی از افراد معرفی شده توسط کشورهای عضو انتخاب خواهند شد و به توزیع عادلانه جغرافیایی، از جمله کشورهای مبدأ و کشورهای محل کار، و نیز برای نمایندگی نظام‌های حقوقی اصلی هر کشور عضو می‌تواند یک نفر را از بین اتباع خود معرفی کند؛

۲-ب) اعضا باید انتخاب شوند و در مقام شخصی خود خدمت کنند.

۳-انتخابات اولیه حداکثر شش ماه پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این مقاوله‌نامه و انتخابات بعدی هر دو سال یکبار برگزار می‌شود. حداقل چهار ماه قبل از تاریخ هر انتخابات، دبیرکل سازمان ملل متحد نامه‌ای به تمام کشورهای عضو خواهد فرستاد و از آنها دعوت می‌کند تا نامزدهای خود را ظرف دو ماه ارائه دهند. دبیرکل فهرستی را به ترتیب حروف الفبا از تمام افرادی که بدین ترتیب نامزد شده‌اند، با ذکر کشورهای عضوی که آنها را نامزد کرده‌اند، تهیه کرده و آن را حداکثر یک ماه قبل از تاریخ انتخابات مربوطه، همراه با رزومه افرادی که بدین ترتیب نامزد شده‌اند، آماده می‌کند.

۴-انتخابات اعضای کمیته در جلسه ای از کشورهای عضو که توسط دبیرکل در مقر سازمان ملل متحد دعوت می‌شود، برگزار می‌شود . در آن جلسه که دو سوم کشورهای عضو حد نصاب را تشکیل می‌دهند، افرادی که برای کمیته انتخاب می‌شوند، نامزدهایی خواهند بود که بیشترین تعداد آرا و اکثریت مطلق آرای کشورهای عضو حاضر و رای دهنده را کسب کنند.

۵-الف) اعضای کمیته برای مدت چهار سال خدمت خواهند کرد. با این حال، دوره پنج نفر از اعضای انتخاب شده در اولین انتخابات در پایان دو سال منقضی می‌شود. بلافاصله پس از اولین انتخابات، اسامی این پنج عضو به قید قرعه توسط رئیس اجلاس کشورهای عضو انتخاب خواهد شد؛

۵-ب) انتخاب چهار عضو اضافی کمیته طبق مفاد بندهای ۲، ۳ و ۴ این ماده، پس از لازم‌الاجرا شدن مقاوله‌نامه برای چهل و یکمین کشور عضو، انجام خواهد شد. دوره دو نفر از اعضای اضافی که به این مناسبت انتخاب می‌شوند در پایان دو سال منقضی می‌شود. اسامی این اعضا به قید قرعه توسط رئیس اجلاس کشورهای عضو انتخاب خواهد شد؛

۵-ج) اعضای کمیته در صورت انتخاب مجدد واجد شرایط انتخاب مجدد خواهند بود.

۶-اگر یکی از اعضای کمیته فوت کند یا استعفا دهد یا اعلام کند که به هر دلیل دیگر نمی‌تواند وظایف کمیته را انجام دهد، کشور عضوی که کارشناس را معرفی کرده است، کارشناس دیگری

از بین اتباع خود را برای باقی مانده تعیین خواهد کرد. این امر انتصاب جدید منوط به تأیید کمیته می‌باشد.

۷-دبیرکل سازمان ملل متحد کارکنان و امکانات لازم را برای اجرای مؤثر وظایف کمیته فراهم خواهد کرد.

۸-اعضای کمیته حقوقی را از منابع سازمان ملل متحد بر اساس شرایط و ضوابطی که مجمع عمومی تصمیم بگیرد دریافت خواهند کرد.

۹-اعضای کمیته حق برخورداری از تسهیلات، امتیازات و مصونیت های کارشناسان مأموریت سازمان ملل متحد را خواهند داشت که در بخش های مربوطه مقاوله‌نامه امتیازات و مصونیت های سازمان ملل متحد مقرر شده است.

ماده ۷۳

۱-کشورهای عضو متعهد می‌شوند که گزارشی در مورد اقدامات قانونی، قضایی، اداری و سایر اقداماتی که برای اجرای مفاد این مقاوله‌نامه انجام داده‌اند، به دبیرکل سازمان ملل برای بررسی توسط کمیته ارائه کنند:

الف) ظرف یک سال پس از لازم‌الاجرا شدن مقاوله‌نامه برای کشور مربوطه؛

ب) پس از آن هر پنج سال و هر زمان که کمیته درخواست کند.

۲-گزارش‌های تهیه شده بر اساس این ماده همچنین باید عوامل و مشکلاتی را که در صورت وجود داشته باشد، بر اجرای مقاوله‌نامه تأثیر می‌گذارد و حاوی اطلاعاتی درباره ویژگی‌های جریان‌های مهاجرتی است که کشور عضو مربوطه در آن دخالت دارد.

۳-کمیته هرگونه رهنمود بیشتر مربوط به محتوای گزارش ها را تصمیم خواهد گرفت.

۴-کشورهای عضو باید گزارش های خود را به طور گسترده در دسترس عموم در کشورهای خود قرار دهند.

ماده ۷۴

۱-کمیته گزارش های ارائه شده توسط هر کشور عضو را بررسی خواهد کرد و ملاحظاتی را که ممکن است مناسب بداند به کشور مربوطه ارسال خواهد کرد. این کشور عضو می‌تواند در مورد هر نظری که کمیته مطابق با این ماده ارائه می‌کند، به کمیته تسلیم کند. کمیته می‌تواند هنگام بررسی این گزارش ها، اطلاعات تکمیلی را از کشورهای عضو درخواست کند.

۲-دبیرکل سازمان ملل متحد باید در زمان مقتضی قبل از گشایش هر جلسه منظم کمیته، نسخه‌هایی از گزارش های ارائه شده توسط کشورهای عضو مربوط و اطلاعات مربوط به آن را به مدیرکل دفتر بین‌المللی کار ارسال کند. بررسی این گزارش‌ها، به منظور توانمند سازی دفتر برای کمک به کمیته با تخصص‌هایی که دفتر ممکن است در مورد موضوعاتی که در مقاوله‌نامه حاضر به آن رسیدگی می‌شود و در حوزه صلاحیت سازمان بین‌المللی کار قرار می‌گیرد، ارائه دهد. کمیته در مذاکرات خود نظرات و مطالبی را که دفتر ممکن است ارائه دهد، بررسی خواهد کرد.

۳-دبیرکل سازمان ملل متحد همچنین می‌تواند پس از مشورت با کمیته، نسخه‌هایی از بخش‌هایی از این گزارش‌ها را که ممکن است در صلاحیت آنها باشد، به سایر آژانس‌های تخصصی و نیز سازمان‌های بین دولتی ارسال کند.

۴-کمیته می‌تواند از آژانس‌ها و ارگان‌های تخصصی سازمان ملل متحد و همچنین سازمان‌های بین دولتی و سایر نهادهای ذیربط دعوت کند تا اطلاعات کتبی در مورد موضوعاتی که در مقاوله‌نامه حاضر به آنها رسیدگی می‌شود را برای بررسی فعالیت‌های آنها، توسط کمیته ارائه کنند.

۵-کمیته بین‌المللی کار از دفتر بین‌المللی کار دعوت می‌نماید تا نمایندگانی را برای شرکت در جلسات کمیته، به عنوان مشورت، تعیین کند.

۶-کمیته می‌تواند از نمایندگان سایر سازمان‌ها و ارگان‌های تخصصی سازمان ملل متحد و همچنین سازمان‌های بین دولتی دعوت کند تا در جلسات خود هر زمان که موضوعاتی در حیطه صلاحیت آنها بررسی می‌شود، حضور داشته باشند و مورد استماع قرار گیرند.

۷-کمیته گزارشی سالانه به مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد اجرای این مقاوله‌نامه ارائه خواهد کرد که حاوی ملاحظات و توصیه‌های خود، بویژه بر اساس بررسی گزارش‌ها و هرگونه مشاهدات ارائه شده توسط کشورهای عضو است.

۸-دبیرکل سازمان ملل متحد گزارش های سالانه کمیته را به کشورهای طرف مقاوله‌نامه حاضر، شورای اقتصادی و اجتماعی، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، مدیرکل بین‌المللی و اداره کار و سایر سازمان‌های ذیربط ارسال خواهد کرد.

ماده ۷۵

۱-کمیته آیین نامه داخلی خود را تصویب خواهد کرد.

۲-کمیته، مقامات خود را برای مدت دو سال انتخاب می‌کند.

۳-کمیته معمولاً سالانه تشکیل جلسه می‌دهد.

۴-جلسات کمیته معمولاً در مقر سازمان ملل متحد برگزار می‌شود.

ماده ۷۶

۱-یک کشور عضو مقاوله‌نامه حاضر می‌تواند در هر زمانی طبق این ماده اعلام کند که صلاحیت کمیته را برای دریافت و بررسی ارتباطاتی به این مضمون که یک دولت عضو مدعی است دولت عضو دیگر تعهدات خود را طبق این مقاوله‌نامه انجام نمی‌دهد، به رسمیت می‌شناسد. بر طبق این ماده، گزارشات فقط در صورتی قابل دریافت و بررسی است که توسط کشور عضوی ارائه شده باشد که صلاحیت کمیته را در مورد خود به رسمیت شناخته باشد. در صورتیکه مربوط به کشور عضوی باشد که چنین اعلامیه‌ای را انجام نداده است، کمیته هیچ گزارشی دریافت نخواهد کرد. به گزارشات دریافتی طبق این ماده طبق روال زیر رسیدگی می‌شود:

الف) اگر یک کشور عضو به این باور باشد که یک کشور عضو دیگر تعهدات خود را بر اساس مقاوله‌نامه حاضر رعایت نمی‌کند، می‌تواند این موضوع را با یک اطلاعیه کتبی به اطلاع آن کشور عضو برساند. کشور عضو همچنین می‌تواند این موضوع را به کمیته اطلاع دهد. در

طی سه ماه پس از دریافت این اطلاعیه، کشور دریافت کننده باید به کشور فرستنده این اطلاعیه توضیحی یا هر بیانیه ی کتبی دیگری برای روشن کردن موضوع ارائه دهد که باید تا آنجا که ممکن است مناسب باشد، و به رویه های داخلی و راه حل های اتخاذ شده، در حال اجرا یا موجود در این موضوع را توضیح دهد؛

ب) در صورتیکه ظرف شش ماه پس از دریافت اطلاعیه اولیه توسط کشور پذیرنده، موضوع به گونه‌ای تنظیم نشود که مورد رضایت هر دو کشور عضو ذینفع باشد، هر یک از کشورها حق دارد موضوع را با اطلاعیه‌ای به کمیته و به کشور دیگر ارجاع دهد؛

ج) کمیته تنها پس از آنکه اطمینان حاصل کرد که تمام راه حل‌های داخلی موجود مطابق با اصول شناخته شده حقوق بین‌الملل در این موضوع مورد استناد قرار گرفته و به اتمام رسیده است، به موضوعی که به آن ارجاع شده است رسیدگی می‌کند. این قاعده در مواردی که به نظر کمیته، اعمال راه حل ها به طور غیرمنطقی طولانی شده باشد، نخواهد بود؛

د) با رعایت مفاد بند (ج) این بند، کمیته خدمات خوب خود را به منظور حل دوستانه موضوع بر اساس رعایت تعهدات تعیین شده در اختیار کشورهای عضو ذیربط قرار خواهد داد؛

ه) کمیته هنگام بررسی ارتباطات طبق این ماده جلسات غیرعلنی برگزار خواهد کرد؛

ج: در هر موضوعی که طبق جزء (ب) این بند به آن ارجاع شده است، کمیته می‌تواند از کشورهای عضو ذیربط مذکور در بند (ب) بخواهد که اطلاعات مربوطه را ارائه کنند؛

ز) کشورهای عضو ذینفع، که در جزء (ب) این بند ذکر شده است، حق دارند در هنگام بررسی موضوع توسط کمیته، نماینده داشته باشند و مطالبی را به صورت شفاهی و یا کتبی ارائه دهند؛

ح) کمیته باید ظرف دوازده ماه پس از تاریخ دریافت اخطار طبق بند (ب) این بند گزارشی را به شرح زیر ارائه کند:

- در صورت دستیابی به راه حلی در شرایط زیر بند (د) این بند، کمیته گزارش خود را به شرح مختصری از حقایق و راه حلی که به آن رسیده است، محدود می کند.

- در صورتی که به راه حلی در شرایط زیر بند (د) نرسیده باشد، کمیته در گزارش خود، حقایق مربوط به مسئله بین کشورهای عضو مربوطه را بیان خواهد کرد. اظهارات کتبی و سوابق اظهارات شفاهی دولت های عضو مربوطه به این گزارش پیوسته می شود. کمیته همچنین می‌تواند هر دیدگاهی را که ممکن است در رابطه با موضوع بین آنها مهم بداند، تنها به کشورهای عضو مربوطه اطلاع دهد.

در هر مورد، این گزارش به کشورهای عضو مربوطه ارسال خواهد شد.

۲-اگر راه حلی در چارچوب مفاد بند (الف) حاصل نشود، کمیته در گزارش خود حقایق مربوطه را در رابطه با موضوع بین کشورهای عضو مربوطه بیان خواهد کرد. ارائه‌های کتبی و سوابق ارسال‌های شفاهی ارائه شده توسط کشورهای عضو مربوط باید به گزارش پیوست شود. کمیته همچنین می‌تواند نظرهایی را که ممکن است مربوط به موضوع بین آنها بداند، فقط به کشورهای عضو مربوطه ابلاغ کند. در هر موضوعی، گزارش باید به کشورهای عضو مربوطه ابلاغ شود.

۳- مقررات این ماده زمانی به اجرا در می‌آید که ده کشور عضو این مقاوله‌نامه به موجب بند اول این ماده اعلامیه‌ای صادر کنند. این اعلامیه‌ها توسط کشورهای عضو به دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده می‌شوند که نسخه‌ای از آن را به سایر کشورهای عضو ارسال می‌کند. یک اعلامیه ممکن است در هر زمان با اطلاع رسانی به دبیرکل پس گرفته شود. چنین انصرافی به بررسی هر موضوعی که موضوع گزارشی است که قبلاً به موجب این ماده ارسال شده است لطمه‌ای وارد نمی‌کند. پس از دریافت اطلاعیه انصراف از اعلامیه توسط دبیرکل، هیچگونه اطلاعیه دیگری توسط هیچ یک از کشورهای عضو طبق این ماده دریافت نخواهد شد، مگر اینکه کشور عضو مربوطه اعلامیه جدیدی ارائه کرده باشد.

ماده ۷۷

۱- هر کشور عضو مقاوله‌نامه حاضر می تواند در هر زمان براساس این ماده اعلام کند که صلاحیت کمیته را برای دریافت و بررسی گزارشاتی از سوی یا به نمایندگی از اشخاصی که تحت صلاحیت آن هستند، و ادعا می‌کنند که حقوق فردی آنها طبق مقاوله‌نامه حاضر توسط

آن کشور عضو نقض شده است، به رسمیت می‌شناسد. در صورتیکه مربوط به کشور عضوی باشد که چنین اعلامیه‌ای را انجام نداده است، هیچ گزارشی توسط کمیته دریافت نخواهد شد.

۲-کمیته هرگونه گزارشی را که طبق این ماده ناشناس باشد یا به نظر او سوء استفاده از حق ارائه چنین ارتباطاتی است یا با مفاد این مقاوله‌نامه ناسازگار باشد، غیرقابل قبول خواهد دانست.

۳-کمیته هیچگونه گزارشی را که از سوی یک فرد بر اساس این ماده صورت می‌گیرد در نظر نخواهد گرفت، مگر اینکه مطمئن شده باشد که:

الف) همان موضوع تحت رویه دیگری از تحقیقات یا حل و فصل بین‌المللی بررسی نشده و در حال بررسی نیست؛

ب) فرد تمام راه حل‌های داخلی موجود را به پایان رسانده است. این قاعده در مواردی که از نظر کمیته، اعمال راه حل ها به طور غیرمنطقی طولانی شود یا بعید است که راه حل مؤثری برای آن فرد به همراه داشته باشد، وجود نخواهد داشت.

۴- با رعایت مفاد بند دوم این ماده، کمیته هر گونه گزارشی را که بر اساس این ماده به آن ارسال می شود، به توجه کشور عضو مقاوله‌نامه حاضر که به موجب بند اول گزارشی داده است و ادعا می‌شود هر گونه مفاد مقاوله‌نامه را نقض می‌کند، می رساند. در مدت شش ماه، کشور دریافت کننده باید به کمیته توضیحات یا اظهارات کتبی ارائه دهد که موضوع و هر گونه راه حلی که ممکن است توسط آن کشور اتخاذ شده باشد را روشن کند.

۵-کمیته گزارشات دریافت شده بر اساس این ماده را با توجه به تمام اطلاعاتی که توسط یا از طرف شخص و کشور مربوطه در اختیار آن قرار می گیرد، بررسی خواهد کرد.

۶-کمیته هنگام بررسی اینگونه گزارشات طبق این ماده جلسات غیرعلنی برگزار می‌کند.

۷-کمیته نظرات خود را به کشور مربوطه و فرد مورد نظر ارسال خواهد کرد.

۸- مقررات این ماده زمانی به اجرا در می‌آید که ده کشور عضو این مقاوله‌نامه به موجب بند اول این ماده اعلامیه‌ای صادر کنند. این اعلامیه‌ها توسط کشورهای عضو به نزد دبیر کل سازمان ملل

متحد سپرده می‌شوند که نسخه ای از آن را به سایر کشورهای عضو ارسال می کند. اعلامیه می‌تواند در هر زمان با اطلاع رسانی به دبیر کل، پس گرفته شود. این انصراف نباید به بررسی هر موضوعی که موضوع یک اطلاعیه است که قبلاً بر اساس این ماده ارسال شده است، تأثیر بگذارد. پس از دریافت اطلاعیه انصراف از اعلامیه توسط دبیرکل، هیچگونه ارتباط دیگری توسط یا از طرف یک فرد تحت این ماده دریافت نخواهد شد، مگر اینکه کشور عضو اعلامیه جدیدی ارائه کرده باشد.

ماده ۷۸

مفاد ماده ۷۶ این مقاوله‌نامه بدون لطمه‌ای به رویه های حل و فصل اختلافات یا شکایات در زمینه مشمول این مقاوله‌نامه که در اسناد تشکیل دهنده یا در مقاوله‌نامه های تصویب شده توسط سازمان ملل متحد و سازمان های تخصصی تعیین شده است، اعمال خواهد شد. آژانس‌ها مانع از توسل کشورهای عضو به هیچ رویه‌ای برای حل و فصل اختلاف بر اساس موافقتنامه‌های بین‌المللی لازم‌الاجرا بین آنها نخواهد شد.

بخش هشتم: مقررات عمومی

ماده ۷۹

هیچ چیز در این مقاوله‌نامه بر حق هر یک از کشورهای عضو برای تعیین معیارهای مربوط به پذیرش کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها تأثیر نمی‌گذارد. در مورد سایر موضوعات مربوط به وضعیت حقوقی و رفتار آنها به عنوان کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها، کشورهای عضو مشمول محدودیت‌های مندرج در این مقاوله‌نامه خواهند بود.

ماده ۸۰

هیچ چیز در این مقاوله‌نامه نباید به گونه ای تفسیر شود که به مقررات منشور سازمان ملل متحد و اساسنامه های نهادهای تخصصی که مسئولیت های مربوطه ارگان های مختلف سازمان ملل متحد و نهادهای تخصصی را در رابطه با موضوعات مورد رسیدگی در این مقاوله‌نامه تعریف می کند، تضعیف کند.

ماده ۸۱

۱-هیچ چیز در این مقاوله‌نامه بر حقوق یا آزادی‌های مساعدتر اعطا شده به کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها به موجب موارد زیر تأثیر نخواهد گذاشت:

الف) قانون یا رویه یک کشور عضو؛ یا

ب) هرگونه معاهده دو یا چند جانبه که برای کشور عضو مربوطه لازم‌الاجرا باشد.

۲-هیچ چیز در مقاوله‌نامه حاضر نمی‌تواند به گونه‌ای تفسیر شود که برای هیچ کشور، گروه یا فردی متضمن حقی باشد که در فعالیتی شرکت کند یا اقدامی را انجام دهد که به حقوق و آزادی‌های مندرج در این مقاوله‌نامه لطمه وارد کند.

ماده ۸۲

حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها که در این مقاوله‌نامه پیش بینی شده است قابل چشم پوشی نیست. اعمال هر نوع فشار بر کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها به منظور چشم پوشی یا نادیده گرفتن هر یک از حقوق مذکور مجاز نخواهد بود. کشورهای عضو اقدامات مناسب را برای اطمینان از رعایت این اصول اتخاذ خواهند کرد.

ماده ۸۳

هر کشور عضو مقاوله‌نامه حاضر متعهد می‌شود:

الف: اطمینان حاصل شود که هر شخصی که حقوق یا آزادی‌های او که در اینجا به رسمیت شناخته شده نقض می‌شود، باید چاره‌ای مؤثر (برای دادخواهی) داشته باشد، علی‌رغم اینکه تخلف توسط افرادی که در مقام رسمی عمل می‌کنند، انجام شده باشد.

ب: برای اطمینان از اینکه هر فردی که به دنبال چنین راه حلی است باید توسط مقامات قضایی، اداری یا قانونی ذیصلاح، یا هر مرجع ذیصلاح دیگری که توسط سیستم حقوقی کشور پیش بینی شده است، مورد بررسی و تصمیم گیری قرار گیرد. امکان رسیدگی قضایی؛

ج: اطمینان حاصل شود که مقامات ذیصلاح در صورت اعطای چنین اقداماتی، آنها اجرا کنند.

ماده ۸۴

هر کشور عضو متعهد می‌شود که اقدامات قانونی و سایر اقدامات لازم برای اجرای مفاد این مقاوله‌نامه را اتخاذ کند.

بخش نهم: مقررات نهایی

ماده ۸۵

دبیرکل سازمان ملل متحد به عنوان امین مقاوله‌نامه حاضر تعیین می‌شود.

ماده ۸۶

۱-این مقاوله‌نامه برای امضای همه کشورها مفتوح خواهد بود. منوط به تصویب است.

۲-مقاوله‌نامه حاضر برای الحاق هر کشوری باز خواهد بود.

۳-اسناد تصویب یا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

ماده ۸۷

۱-این مقاوله‌نامه در اولین روز ماه پس از یک دوره سه ماهه پس از تاریخ تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق لازم‌الاجرا خواهد شد.

۲-برای هر کشوری که این مقاوله‌نامه را پس از لازم‌الاجرا شدن آن تصویب می‌کند یا به آن ملحق می‌شود، این مقاوله‌نامه در اولین روز ماه بعد از یک دوره سه ماهه پس از تاریخ تودیع سند تصویب یا الحاق، لازم‌الاجرا خواهد شد.

ماده ۸۸

کشوری که این مقاوله‌نامه را تصویب کرده یا به آن ملحق می‌شود، نمی‌تواند اجرای هیچ یک از بخش‌های آن را مستثنی کند، یا بدون اعتنا به مفاد ماده ۳، گروه خاصی از کارگران مهاجر را از اجرای آن مستثنی کند.

ماده ۸۹

۱-هر کشور عضو می‌تواند این مقاوله‌نامه را حداقل پنج سال پس از لازم‌الاجرا شدن این مقاوله‌نامه برای کشور مربوطه، از طریق یک اطلاعیه کتبی خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد، فسخ کند.

۲-این فسخ در اولین روز ماه پس از انقضای دوره دوازده ماهه پس از تاریخ دریافت اطلاعیه توسط دبیرکل سازمان ملل متحد نافذ خواهد شد.

۳-چنین انصرافی تأثیری بر رهایی کشور عضو از تعهدات خود طبق این مقاوله‌نامه در رابطه با هر فعل یا ترکی که قبل از تاریخی که انصراف نافذ می‌شود، نخواهد داشت، و همچنین فسخ به هیچ وجه به این مقاوله‌نامه لطمه نمی‌زند. بررسی مستمر هر موضوعی که قبلاً توسط کمیته قبل از تاریخی که انصراف لازم‌الاجرا می‌شود در حال بررسی است.

۴-پس از تاریخی که انصراف یک کشور عضو نافذ می‌شود، کمیته بررسی هیچ موضوع جدیدی را در مورد آن کشور آغاز نخواهد کرد.

ماده ۹۰

۱-پس از گذشت پنج سال از لازم‌الاجرا شدن مقاوله‌نامه، هر کشور عضو می‌تواند در هر زمان درخواست تجدید نظر در مقاوله‌نامه را از طریق یک اطلاعیه کتبی خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد ارائه کند. دبیرکل پس از آن هرگونه اصلاحیه پیشنهادی را به کشورهای عضو ابلاغ خواهد کرد و از آنها درخواست خواهد کرد که به او اطلاع دهند که آیا موافق برگزاری کنفرانسی از کشورهای عضو به منظور بررسی و رأی گیری در مورد پیشنهادها هستند یا خیر. در صورتیکه ظرف چهار ماه از تاریخ چنین اطلاعیه‌ای حداقل یک سوم کشورهای عضو از برگزاری چنین کنفرانسی حمایت کنند، دبیرکل کنفرانس را تحت نظارت سازمان ملل متحد تشکیل خواهد داد. هر اصلاحیه‌ای که با اکثریت کشورهای عضو حاضر و رای دهنده به تصویب برسد برای تصویب به مجمع عمومی ارائه خواهد شد.

۲-اصلاحات زمانی لازم‌الاجرا خواهند شد که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شده و با اکثریت دو سوم کشورهای عضو مطابق با فرآیندهای قانون اساسی مربوطه پذیرفته شوند.

۳-هنگامی‌که اصلاحیه‌ها لازم‌الاجرا می‌شوند، برای کشورهای عضوی که آنها را پذیرفته‌اند، الزام آور خواهد بود. سایر کشورهای عضو همچنان به مقررات این مقاوله‌نامه و هر اصلاحیه قبلی که پذیرفته‌اند، ملزم هستند.

ماده ۹۱

۱-دبیرکل سازمان ملل متحد متن حق شرطی را که کشورها در زمان امضاء، تصویب یا الحاق دارند، دریافت و در اختیار همه کشورها قرار خواهد داد.

۲-حق شرط ناسازگار با هدف و مقصود این مقاوله‌نامه مجاز نخواهد بود.

۳-حق شرط ممکن است در هر زمان با صدور یک اطلاعیه در این زمینه خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد پس گرفته شود و دبیرکل آن را به اطلاع همه کشورها برساند. چنین اطلاعی از تاریخی که در آن دریافت شده است لازم‌الاجرا خواهد بود.

ماده ۹۲

۱-هرگونه اختلاف بین دو یا چند کشور عضو در مورد تفسیر یا اجرای این مقاوله‌نامه که با مذاکره حل و فصل نشده باشد، بنا به درخواست یکی از آنها، به داوری ارجاع خواهد شد. در صورتیکه ظرف شش ماه از تاریخ درخواست داوری، طرفین نتوانند در مورد سازمان داوری به توافق برسند، هریک از آن اعضا می‌توانند با درخواست مطابق اساسنامه دادگاه، اختلاف را به دادگاه بین‌المللی دادگستری ارجاع دهند.

۲-هرکشور عضو می‌تواند در زمان امضا یا تصویب این مقاوله‌نامه یا الحاق به آن اعلام کند که خود را ملزم به بند ۱ این ماده نمی‌داند. سایر کشورهای عضو نسبت به هیچ کشور عضوی که چنین اعلامیه‌ای را ارائه کرده است به آن بند متعهد نخواهند بود.

۳-هرکشور عضوی که طبق بند ۲ این ماده اعلامیه‌ای داده است، می‌تواند در هر زمانی از طریق یک اطلاعیه به دبیرکل سازمان ملل متحد، آن اعلامیه را پس بگیرد.

ماده ۹۳

۱-این مقاوله‌نامه که متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی آن به یک اندازه معتبر است نزد دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

۲-دبیرکل سازمان ملل متحد رونوشت های مصدق این مقاوله‌نامه را به همه کشورها ارسال خواهد کرد.

۳-با تصدیق مراتب فوق، نمایندگان تام‌الاختیار امضا کننده زیر که به طور مقتضی از طرف کشورهای متبوع خود مجاز بوده‌اند، مقاوله‌نامه حاضر را امضا کردند.

مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد

برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی

مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی[1]

پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق انسان، به ویژه زنان و کودکان[2]

پروتکل مبارزه با قاچاق مهاجر از طریق زمین، دریا و هوا[3]

پروتکل علیه ساخت و قاچاق غیرقانونی سلاح گرم، قطعات و اجزای آن و مهمات[4]

مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی و پروتکل های آن توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد با قطعنامه ۲۵/۵۵ در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰ تصویب به تصویب رسید. طبق ماده ۳۶، مقاوله‌نامه برای امضای همه کشورها و سازمان‌های ادغام اقتصادی منطقه‌ای مفتوح ماند، مشروط بر اینکه حداقل یکی از کشورهای عضو این سازمان مقاوله‌نامه را از ۱۲ تا ۱۵ دسامبر ۲۰۰۰ تصویب کند. مطابق با ماده ۳۸، مقاوله‌نامه در ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۳ لازم‌الاجرا شد. تاکنون ۱۹۲ کشور جهان عضو این مقاوله‌نامه هستند. ایران و کنگو فقط مقاوله‌نامه را امضا کرده اما هرگز آنرا به تصویب نرسانده‌اند. کشورهای پاپوا و گینه نو و همچنین کشور سومالی از هرنوع اقدامی اعم از امضا تاکنون خودداری کرده‌اند.

ریشه‌های پیدایش این مقاوله‌نامه را باید در سیسیلی ایتالیا دنبال کرد که به سرزمین مافیا و جنایات سازمان ، دادستان ضد جرائم سازمان یافته اشتهار دارد، «جوانی فالکون»[5] به عنوان پایه‌گذاری راهبردی و پدر فکری همکاری بین‌المللی علیه جرایم سازمان‌یافته است، که امروزه چارچوب قانونی تقریباً جهانی الزام‌آوری را شکل بخشیده است. فالکون در ماه مه ۱۹۹۲، تنها یک ماه پس از نمایندگی

---

[1] UN Convention against Transnational Organized Crime and the Protocols thereto. Adopted by the UN General Assembly on 15 November 2000, by resolution 55/25. Entry into force: 29 September 2003, in accordance with Article 38. The number of signatories: 147. Parties: 192 (as of 20 October 2023). The Islamic Republic of Iran has neither signed, nor ratified this convention.

[2] Protocol to Prevent, Suppress and Punish Trafficking in Persons, especially Women and Children, was adopted by General Assembly resolution 55/25. It entered into force on 25 December 2003.

[3] Protocol against the Smuggling of Migrants by Land, Sea and Air, adopted by General Assembly resolution 55/25, entered into force on 28 January 2004.

[4] Protocol against the Illicit Manufacturing of and Trafficking in Firearms, their Parts and Components and Ammunition was adopted by General Assembly resolution 55/255 of 31 May 2001. It entered into force on 3 July 2005.

[5] Giovanni Falcone

ایتالیا در اولین جلسه کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل در وین، توسط گروه‌های جنایتکار در پالرموی ایتالیا ترور شد. جنایات سازمان یافته موضوعی است که بحث و درک آن در مجامع بین‌المللی مربوطه از سال ۱۹۷۵ آغاز شد. اهمیت پرداختن به شکل گیری چارچوبی قانونی برای مقابله با این جنایات، به دلیل تهدید فراگیری است که برای امنیت و حاکمیت کشورها ایجاد کرده است. بنابراین، این ضرورت احساس می‌شد که مقاوله‌نامه حقوقی الزام آوری برای مقابله با آن تهیه شود. کنفرانس وزیران کشورهای جهان در سال ۱۹۹۴ در مورد چگونگی برخورد با جنایات سازمان یافته فراملی در ناپل تشکیل شد. اما نمایندگان نتوانستند به توافق روشنی درباره آن دست یابند. این ایده صرفاً به عنوان یکی از گزینه‌هایی که جامعه بین‌المللی باید دنبال کند، مورد تایید قرار گرفت. با این حال، علیرغم بدبینی اولیه در جهان غرب در مورد موضوع یک مقاوله‌نامه، فشار برای افزایش اقدامات چند جانبه، تحت تأثیر تجربیات مشترک دو کشور ایالات متحده امریکا و ایتالیا، با عمیق‌ترین سابقه مبارزه با جرایم سازمان‌یافته و همکاری بین‌المللی برای انجام این کار، افزایش یافت. اما در اصل ابتکار اصلی توسط لهستان آغاز شد که گام کلیدی در تهیه پیش‌نویس مقاوله‌نامه در چارچوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد را برداشت که در نهایت به پیدایش مقاوله‌نامه مذکور شد.

این مقاوله‌نامه در چارچوب پایان جنگ سرد شکل گرفت، دوره‌ای از همکاری چند جانبه نسبتاً موثر برای رسیدگی به مسائل عمده‌ای که جهان با آن درگیر بود، روس‌ها و آمریکایی‌ها توافق کردند که دو سوم کلاهک‌های هسته‌ای خود را در چارچوب جنگ سرد استراتژیک، از بین ببرند. روس‌ها و آمریکایی‌ها توافق کردند که دو سوم کلاهک‌های هسته‌ای خود را بر اساس معاهده کاهش تسلیحات استراتژیک منحل کنند و به نظر می‌رسید که روند صلح اسلو گامی لحظه‌ای رو به جلو در مناقشه لاینحل در خاورمیانه باشد. اما همانطور که شرایط آن دوره نشان می‌دهد، همه توجهات به موضوعات استراتژیک معطوف بود، و به همین دلیل موضوع مقابله با جنایات سازمان یافته با آهستگی دنبال می‌شد. پایان جنگ سرد در ۱۹۹۰، شاهد تغییر شکل بسیاری از کشورها و جوامع بود که با طیف گسترده‌تری از فرهنگ‌ها، عقاید، و اقتصاد درگیر شدند. این شرایط نوین، تکامل و پیشرفت ابتکارات برای مجرمان سازمان‌یافته را تسهیل کرد زیرا جنایت‌کاران از بازارهای جدید و مرزها و جوامع تازه باز شده، نهایت استفاده را می‌بردند. دولت پرزیدنت بیل کلینتون اگرچه با صراحت خواستار یک

مقاوله‌نامه جدید نبود، در اولویت دادن به اقدامات علیه جرایم سازمان‌یافته چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی و ترغیب سایر کشورها به انجام همین کار، از جمله در دو نوبت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بسیار فعال بود.[1]

در پایان سال ۱۹۹۸، دو سال پس از ارائه پیش نویس مقاوله‌نامه توسط رئیس جمهور لهستان، مجمع عمومی ملل متحد کمیته‌ای را برای پیش نویس مقاوله‌نامه جدید تعیین کرد. در طی دو سال بعد، تحت تلاش‌ها توسط یک دیپلمات ایتالیایی، کمیته ابعاد مقاوله‌نامه را بیشتر توسعه داد و بر مسائل بسیار دشوار در مورد تعاریف، انواع جرم و اختلافات بین سیستم‌های حقوق عمومی و مدنی غلبه کرد. این مقاوله‌نامه اولین چارچوب هنجاری الزام‌آور قانونی بود که تحت نظارت برنامه جنایت سازمان ملل متحد تهیه شد. درنهایت، مقاوله‌نامه توسط مجمع عمومی در سال ۲۰۰۰ تصویب شد.

این مقاوله‌نامه اصلی‌ترین سند بین‌المللی در مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی است و دو پروتکل هم به آن اضافه شده است. زمینه‌ها و مظاهر جنایت سازمان یافته‌ای که در این مقاوله‌نامه توضیح داده شده‌اند عبارتند از: پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق انسان، به ویژه زنان و کودکان؛ پروتکل مبارزه با قاچاق مهاجر از طریق زمین، دریا و هوا؛ و پروتکل علیه ساخت و قاچاق غیرقانونی سلاح گرم، قطعات و اجزاء و مهمات آن. کشورها قبل از اینکه بتوانند عضو هر یک از پروتکل‌ها شوند باید خود به عضوی از مقاوله‌نامه تبدیل شوند.

مقاوله‌نامه بیانگر یک گام بزرگ رو به جلو در مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی است و به رسمیت شناختن جدی مشکلات ناشی از آن توسط کشورهای عضو، و همچنین نیاز به تقویت و تقویت همکاری‌های بین‌المللی نزدیک به منظور مقابله با این مشکلات را نشان می‌دهد. کشورهایی که این سند را تصویب کرده‌اند، متعهد به اتخاذ یک سری اقدامات علیه جرایم سازمان یافته فراملی، از جمله ایجاد جرائم جنایی داخلی (شرکت در یک گروه جنایتکار سازمان یافته، پولشویی، فساد و ممانعت از اجرای عدالت) هستند. اتخاذ چارچوب‌های جدید و گسترده برای استرداد، کمک‌های حقوقی متقابل

[1] Tennant, I. (October 2000). *The Promise of Palermo: A Political History of the UN Convention against Transnational Organized Crime*. Global Initiative against Transnational Organized Crime.

و همکاری‌های اجرای قانون؛ و ارتقاء آموزش و کمک‌های فنی برای ایجاد یا ارتقاء ظرفیت لازم مقامات ملی از ابعاد دیگر این مقاوله‌نامه است.

پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق انسان به ویژه زنان و کودکان با قطعنامه ۵۵/۲۵ مجمع عمومی به تصویب رسید. این سند در ۲۵ دسامبر ۲۰۰۳ لازم‌الاجرا شد. این اولین سند جهانی الزام آور قانونی با تعریف توافق شده در مورد قاچاق انسان است. پروتکل مشتمل بر ۵ بخش و ۲۰ ماده است. جمهوری اسلامی ایران این پروتکل را امضا و تصویب نکرده است. هدف اصلی این تعریف، تسهیل همگرایی در رویکردهای ملی با توجه به ایجاد جرایم کیفری داخلی است که از همکاری بین‌المللی کارآمد در تحقیق و تعقیب قاچاق انسان حمایت می‌کند. هدف دیگر پروتکل حمایت و کمک به قربانیان قاچاق انسان با رعایت کامل حقوق بشر آنهاست.

پروتکل ضد قاچاق مهاجران از طریق زمین، دریا و هوا، که با قطعنامه ۵۵/۲۵ مجمع عمومی در ۱۵ نوامبر سال ۲۰۰۰، به تصویب رسید، در ۲۸ژانویه ۲۰۰۴ لازم‌الاجرا شد. این پروتکل با مشکل رو به رشد گروه‌های جنایتکار سازمان یافته که مهاجران را قاچاق می‌کنند، و اغلب در معرض خطر بالایی هستند، مهاجران و سود هنگفت برای مجرمان سروکار دارد. یکی از دستاوردهای مهم پروتکل این بود که برای اولین بار در یک سند بین‌المللی جهانی، تعریفی از قاچاق مهاجران تدوین و مورد توافق قرار گرفت. هدف پروتکل جلوگیری و مبارزه با قاچاق مهاجران و همچنین ارتقای همکاری بین کشورهای عضو و در عین حال حمایت از حقوق مهاجران قاچاق و جلوگیری از بدترین اشکال بهره کشی از آنها است که اغلب مشخصه فرآیند قاچاق است. جمهوری اسلامی این پروتکل را امضا و تصویب نکرده است.

پروتکل علیه ساخت و قاچاق غیرقانونی سلاح گرم، قطعات و اجزاء و مهمات آن توسط قطعنامه ۲۵۵/۵۵ مجمع عمومی در ۳۱ ماه مه ۲۰۰۱ به تصویب رسید. این پروتکل در ۳ ژوئیه ۲۰۰۵ لازم‌الاجرا شد. هدف پروتکل، که اولین سند الزام‌آور قانونی در مورد سلاح‌های سبک که در سطح جهانی به تصویب رسیده است، ترویج، تسهیل و تقویت همکاری بین کشورهای عضو به منظور جلوگیری، مبارزه و ریشه کن کردن ساخت و قاچاق غیرقانونی سلاح گرم، قطعات و اجزای آن و مهمات است. با تصویب پروتکل، کشورها متعهد می شوند که یک سری اقدامات کنترل جرم را اتخاذ

کنند و در نظم حقوقی داخلی خود سه دسته از مقررات هنجاری را اجرا کنند: اولین مورد مربوط به ایجاد جرائم جنایی مرتبط با ساخت و قاچاق غیرقانونی است. ، سلاح گرم بر اساس الزامات و تعاریف پروتکل؛ سیستم دوم به سیستم مجوزها یا مجوزهای دولتی که قصد دارند از ساخت و قاچاق قانونی سلاح گرم اطمینان حاصل کنند، و سومین تعهد به علامت گذاری و ردیابی سلاح گرم مربوط است. جمهوری اسلامی ایران این پروتکل را نه امضا و نه تصویب نکرده است. کشورهای کانادا، استرالیا، ژاپن، ایسلند، و انگلستان آنرا امضا اما تصویب نکرده‌اند.

مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد

برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی[1]

مجمع عمومی،

با یادآوری قطعنامه ۱۱۱/۵۳ خود در ۹ دسامبر ۱۹۹۸، که در آن تصمیم به ایجاد یک کمیته موقت بین دولتی با انتهای باز به منظور تدوین مقاوله‌نامه بین المللی جامع علیه جرایم سازمان یافته فراملی و بحث در مورد تدوین آن، و در صورت لزوم، اسناد بین‌المللی مربوط به قاچاق زنان و کودکان، مبارزه با ساخت و قاچاق غیرقانونی سلاح گرم، قطعات و اجزای آن و مهمات، و قاچاق غیرقانونی و حمل و نقل مهاجران، از جمله از طریق دریا،

همچنین با یادآوری قطعنامه ۱۲۶/۵۴ خود در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۹، که در آن از کمیته ویژه تدوین مقاوله‌نامه مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی درخواست کرد تا طبق قطعنامه های ۱۱۱/۵۳ و ۱۱۴/۵۳ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۸ به کار خود ادامه دهد، و برای تکمیل آن تا سال ۲۰۰۰ تلاش کند،

با یادآوری قطعنامه ۱۲۹/۵۴ مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۹۹، که در آن با قدردانی از پیشنهاد دولت ایتالیا برای میزبانی کنفرانسی در پالرمو به منظور امضای مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی (مقاوله‌نامه پالرمو) و پروتکل‌های آن، و اینکه از دبیر کل درخواست کرد که کنفرانس را برای یک دوره حداکثر یک هفته قبل از پایان هزاره در سال ۲۰۰۰ برنامه ریزی کند،

با ابراز قدردانی از دولت لهستان به خاطر ارائه اولین پیشنویس مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی در پنجاه و یکمین جلسه خود و میزبانی نشست گروه کارشناسان بین دولتی که بر اساس قطعنامه شماره ۸۵/۵۲ مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۹۷، در مورد تدوین پیشنویس اولیه یک مقاوله‌نامه جامع بین المللی احتمالی علیه جرایم سازمان یافته فراملی، که از ۲ تا ۶ فوریه ۱۹۹۸ در ورشو برگزار شد،

---

[1] General Assembly resolution 55/25 of 15 November 2000 United Nations Convention against Transnational Organized Crime.

با ابراز قدردانی از دولت آرژانتین برای میزبانی از نشست آماده سازی غیررسمی کمیته ویژه که از ۳۱ اوت تا ۴ سپتامبر ۱۹۹۸ در بوئنوس آیرس برگزار شد،
با ابراز قدردانی از دولت تایلند برای میزبانی سمینار وزیران آسیا و اقیانوسیه در مورد ایجاد ظرفیت برای مبارزه با جرم سازمان یافته فراملیتی که در ۲۰ و ۲۱ مارس ۲۰۰۰ در بانکوک برگزار شد،

با ابراز نگرانی عمیق از پیامدهای منفی اقتصادی و اجتماعی مرتبط با فعالیت‌های مجرمانه سازمان‌یافته، و متقاعد شده که نیاز فوری به تقویت همکاری‌ها برای پیشگیری و مبارزه مؤثرتر با این گونه فعالیت‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارد،

با ابراز نگرانی عمیق به ارتباط رو به رشد بین جنایات سازمان یافته فراملی و جنایات تروریستی، با در نظر گرفتن منشور سازمان ملل متحد و قطعنامه های مربوطه مجمع عمومی،

و با تصمیمی قوی به جلوگیری از پناهگاه‌های امن برای کسانی که در جنایات سازمان یافته فراملیتی شرکت می‌کنند، و با (ضرورت) تعقیب جنایات آنها در هر کجا که رخ می‌دهند از طریق همکاری‌های بین المللی،

با اعتقادی جازم به اینکه مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جنایات سازمان یافته فراملیتی، ابزاری موثر و چارچوب قانونی لازم برای همکاری بین‌المللی در مبارزه با فعالیت های جنایی مانند پولشویی، فساد، قاچاق غیرقانونی گونه‌های در معرض خطر گیاهان و جانوران وحشی، جنایات علیه میراث فرهنگی و روابط رو به رشد بین جنایات سازمان یافته فراملیتی و جنایات تروریستی می‌باشد،

۱. از گزارش کمیته ویژه برای تهیه مقاوله‌نامه علیه جنایت سازمان یافته فراملیتی که کار خود را در مقر دفتر سازمان ملل برای کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جنایت در وین انجام داده است، آگاه بوده و کمیته ویژه را به خاطر کاری که انجام داده است، تحسین می‌کند؛

۲. مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جنایات سازمان یافته فراملیتی و پروتکلی برای جلوگیری، سرکوب و تنبیه قاچاق انسان به ویژه زنان و کودکان، که به مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جرم سازمان یافته فراملیتی مکمل می‌شود، و پروتکل علیه قاچاق مهاجران از طریق خشکی، دریا و هوا، که به مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جرم سازمان یافته فراملیتی مکمل می‌شود، را که به این

قطعنامه پیوسته است، تصویب می کند و آنها را برای امضای در کنفرانس امضای سیاسی بالاترین سطوح سیاسی که مطابق با قطعنامه ۱۲۹/۵۴ از ۱۲ تا ۱۵ دسامبر ۲۰۰۰ در پالرمو، ایتالیا برگزار خواهد شد، باز می‌کند؛

۳. از دبیرکل درخواست می‌کند تا گزارش کاملی را در مورد کنفرانس امضای سیاسی بالاترین سطوح سیاسی که مطابق با قطعنامه ۱۲۹/۵۴ در پالرمو برگزار خواهد شد، تهیه کند؛
۴. با توجه به اینکه کمیته ویژه هنوز کار خود را بر روی طرح پروتکل علیه تولید غیرقانونی و قاچاق غیرقانونی سلاح های آتشین، قطعات و اجزای آنها و مهمات آنها، که مکمل مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جرم سازمان یافته فراملیتی خواهد بود، تکمیل نکرده است؛

۵. از کمیته موقت درخواست می‌کند که به کار خود در رابطه با این پیشنویس پروتکل، مطابق با قطعنامه های ۱۱۱/۵۳، ۱۱۴/۵۳ و ۱۲۶/۵۴ ادامه داده و این کار را در اسرع وقت نهایی کند،

۶. از همه کشورها درخواست می‌کند که با در نظر گرفتن قطعنامه‌های مربوطه مجمع عمومی، روابط بین فعالیت‌های جنایتکارانه سازمان یافته فراملی و اقدامات تروریستی را به رسمیت بشناسند و در مبارزه با همه اشکال فعالیت جنایتکارانه، مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جنایت سازمان یافته فراملی را طبق آنچه در آن مقرر است، همه تلاش خود را به کار گیرند،

۷. توصیه می‌کند کمیته موقت که توسط مجمع عمومی در قطعنامه ۲۱۰/۵۱ مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۹۶ ایجاد شده است، مذاکرات خود را با هدف تدوین مقاوله‌نامه جامع تروریسم بین‌المللی بر اساس قطعنامه ۱۱۰/۵۴ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۹، آغاز می‌کند، باید مفاد مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی را در نظر بگیرد.

۸. از همه کشورها و سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای می‌خواهد که مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جنایات سازمان‌یافته فراملی و پروتکل‌های آن را در اسرع وقت امضا و تصویب کنند تا از لازم‌الاجرا شدن سریع مقاوله‌نامه و پروتکل‌های آن اطمینان حاصل شود،

۹. تصمیم می‌گیرد تا زمانیکه کنفرانس طرف‌های مقاوله‌نامه که تحت نظارت سازمان ملل متحد علیه جنایات سازمان‌یافته فراملی تشکیل شده است به شکل دیگری تصمیم گیری کند، موضوع مفاد ماده

۳۰ مقاوله‌نامه توسط نهاد (صندوق) پیشگیری از جنایت و عدالت کیفری سازمان ملل متحد اداره شود، و کشورهای عضو را تشویق می‌کند تا کمکهای داوطلبانه کافی خود را به نهاد فوق برای ارائه به کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار، از کمک‌های فنی که ممکن است برای اجرای مقاوله‌نامه و پروتکل‌های آن نیاز داشته باشند، از جمله اقدامات لازم برای اجرای آن، آغاز کنند،

۱۰. همچنین تصمیم می‌گیرد که کمیته موقت تدوین مقاوله‌نامه مبارزه با جنایات سازمان‌یافته فراملی وظایف خود را که از تدوین مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی ناشی می‌شود، با برگزاری جلسه‌ای قبل از تشکیل اولین جلسه کنفرانس، تکمیل کند. طرفهای مقاوله‌نامه، به منظور تهیه پیش نویس آیین نامه داخلی کنفرانس و سایر قوانین و سازوکارهای شرح داده شده در ماده ۳۲ مقاوله‌نامه، که در اولین جلسه برای بررسی و اقدام به اطلاع کنفرانس اعضا خواهد رسید،

۱۱. از دبیرکل درخواست می‌کند تا مرکز پیشگیری از جنایات بین‌المللی دفتر کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل را به عنوان دبیرخانه کنفرانس اعضای مقاوله‌نامه مطابق با ماده ۳۳ مقاوله‌نامه تعیین کند،

۱۲. همچنین از دبیرکل درخواست می‌کند که منابع لازم را برای مرکز پیشگیری از جنایات بین‌المللی فراهم کند تا بتواند به شیوه‌ای مؤثر در اجرای سریع مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی و انجام وظایف دبیرخانه سازمان ملل متحد و حمایت از کمیته موقت براساس مفاد بند ۱۰ فوق، مؤثر واقع شود.

پیوست یک

مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی

ماده ۱- هدف مقاوله‌نامه

هدف از این مقاوله‌نامه، ارتقای همکاری‌های جهت پیشگیری و مبارزه مؤثرتر با جرایم سازمان یافته فراملی است.

ماده ۲- کاربرد اصطلاحات در این مقاوله‌نامه:

الف: «گروه مجرمانه سازمان یافته» یعنی گروه سازمان یافته متشکل از سه یا چند نفر که برای یک دوره زمانی مشخص وجود داشته و به طور هماهنگ با هدف ارتکاب یک یا چند جرم یا تخلف شدید مندرج در این مقاوله‌نامه، به منظور تحصیل مستقیم یا غیر مستقیم منافع مالی یا سایر منافع مادی، فعالیت می‌کنند؛

ب: «جرم شدید» عمل مجرمانه ای است که مجازات آن سلب آزادی به مدت حداقل چهار سال یا مجازاتهای شدیدتر باشد؛

ج: «گروه سازمان یافته» به گروهی اطلاق می‌شود که به منظور ارتکاب فوری جرم به طور تصادفی یا غیرمنظم تشکیل نشده باشد و به داشتن نقشهای تعریف شده رسمی برای اعضای خود، ادامه عضویت در آن یا به ساختار توسعه یافته نیاز نداشته باشد؛

د: «اموال» یعنی هر نوع دارایی اعم از مادی یا معنوی، منقول یا غیرمنقول، ملموس یا غیر ملموس و اوراق یا اسناد قانونی مبنی بر اثبات مالکیت یا سهم در اینگونه دارایی‌ها؛

هـ: «عواید حاصل از جرم» یعنی هر نوع اموالی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم از طریق ارتکاب جرم حاصل یا کسب شده باشد؛

و: «مسدود کردن» یا «توقیف کردن» یعنی ممنوعیت انتقال، تبدیل، تصرف یا جابجایی اموال، یا در اختیار گرفتن قیمومیت یا کنترل آنها به صورت موقت براساس دستور صادره از سوی دادگاه یا سایر مراجع صلاحیّت‌دار؛

ز: «مصادره» که در صورت اقتضاء شامل ضبط نیز می‌شود، به محرومیت دائمی از مالکیت دارایی به موجب دستور صادره از سوی دادگاه سایر یا مراجع صلاحیّت‌دار؛

ح: «تخلف اصلی» یعنی تخلفی که در نتیجه آن عایدی حاصل شده است که ممکن است طبق تعریف مندرج در ماده (۶) این مقاوله‌نامه، یک تخلف محسوب شود؛

ط: «تحویل کنترل شده» یعنی فن اجازه عبور محموله‌های غیر قانونی یا مشکوک از طریق سرزمین، یا به داخل سرزمین یک یا چند کشور با اطلاع و تحت نظارت مراجع صلاحیّت‌دار آنها به منظور انجام تحقیقات لازم درباره یک عمل مجرمانه و شناسایی اشخاصی که در ارتکاب آن دست دارند؛

ی: «سازمان منطقه‌ای همکاری‌های اقتصادی» یعنی سازمانی که از سوی کشورهای مستقل یک منطقه خاص تشکیل شده است و کشورهای عضو آن در ارتباط با موضوعات تابع این مقاوله‌نامه به آن اختیارات لازم را تفویض نموده‌اند و به آن اجازه داده شده است، طبق تشریفات و مقررات داخلی خود، این مقاوله‌نامه را امضا نماید، بپذیرد، تصویب کند یا به آن ملحق شود؛ اشارات انجام شده در این مقاوله‌نامه «به کشورهای عضو»، در خصوص این نوع سازمان‌ها در محدوده صلاحیت آنها کاربرد خواهد داشت.

ماده ۳- حدود کاربرد

۱-این مقاوله‌نامه برای پیشگیری از تحقیقات و تعقیب جرایم زیر و در مواردی به کار خواهد رفت که جرم مورد نظر ماهیت فراملی داشته و به یک گروه مجرمانه سازمان یافته مربوط باشد، مگر آنکه در این مقاوله‌نامه طور دیگری ذکر شده باشد:

الف: جرایم مقرر طبق مواد (۵) ،(۶) ،(۸) و (۲۳) این مقاوله‌نامه؛

ب: جرایم شدید طبق تعریف مندرج در ماده (۲) این مقاوله‌نامه.

۲-در بند (۱) این ماده، جرم در صورتی ماهیت فراملی خواهد داشت که:

الف) در بیش از یک کشور اتفاق افتاده باشد؛

ب) در یک کشور اتفاق افتاده باشد ولی بخش مهمی از مقدمات، برنامه ریزی، هدایت یا کنترل آن در کشور دیگری انجام شود؛

ج) در یک کشور اتفاق افتاده باشد اما یک گروه مجرمانه سازمان یافته در آن دخیل بوده باشد که در بیش از یک کشور به فعالیت‌های مجرمانه مشغول است؛

د) در یک کشور اتفاق افتاده باشد ولی در کشور دیگری آثار قابل ملاحظه‌ای داشته باشد.

ماده ۴- حفظ حق حاکمیت

۱-کشورهای عضو تعهدات خود طبق این مقاوله‌نامه را به نحوی انجام خواهند داد که منطبق با اصول برابری حق حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها و عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها باشد.

۲-هیچ یک از مقررات این مقاوله‌نامه به کشورهای عضو اجازه نمی‌دهد قوانین داخلی و وظایف قانونی خود، که طبق قوانین داخلی کشور متبوع خود منحصرا به مقامات آن کشور مربوط می‌شود را در قلمرو سایر کشورها اجرا کنند.

ماده ۵- جرم‌انگاری مشارکت در یک گروه مجرم سازمان یافته

۱-تمامی کشورهای عضو باید تدابیر قانونی و سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند تا موارد زیر در صورتیکه آگاهانه انجام شوند، عمل مجرمانه محسوب شوند:

الف: یک یا هر دو مورد زیر به عنوان عمل مجرمانه، به غیر از مواردیکه اقدام به ارتکاب یا تکمیل یک فعالیت مجرمانه هستند:

۱) توافق با یک یا چند نفر برای ارتکاب یک جرم شدید به منظوری که به طور مستقیم یا غیر مستقیم با کسب منافع مالی یا سایر منافع مادی مربوط است، و در مواردی که قوانین داخلی مقرر کرده است، مربوط به عملی باشد که از سوی یکی از شرکت کنندگان در جهت پیشبرد آن توافق انجام شده یا به یک گروه مجرمانه سازمان‌یافته مربوط است؛

۲) عمل هر شخصی که با علم به اهداف و فعالیت‌های مجرمانه کلی یک گروه مجرمانه سازمان یافته یا با آگاهی از قصد آن گروه به ارتکاب جرم مورد نظر، به طور فعال در اقدامات زیر مشارکت می نماید:

الف) فعالیت‌های مجرمانه گروه مجرمانه سازمان یافته؛

ب) سایر فعالیت‌های گروه مجرمانه سازمان یافته، با علم به اینکه مشارکت وی به دستیابی به اهداف مجرمانه فوق کمک خواهد کرد؛

-) سازماندهی، هدایت، همدستی، معاونت، تسهیل یا مشاوره در ارتکاب جرم شدید مربوط به یک گروه مجرمانه سازمان یافته.

۲-آگاهی، قصد، نیت، مقصود یا توافق موضوع بند (۱) این ماده را می‌توان از اوضاع و شرایط عینی استنباط نمود.

۳- کشورهای عضو که قوانین داخلی آنها دخالت یک گروه مجرمانه سازمان یافته در جرایم موضوع بخش (۱) بند (الف) بند ۱ این ماده مقرر می‌نماید، باید تضمین کنند قوانین داخلی آنها تمام جرایم شدید که به گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته مربوط می‌شوند را پوشش دهند. این کشورهای عضو و نیز سایر کشورهای عضو که قوانین داخلی آن‌ها، اقدام در جهت پیشبرد توافق مربوط به جرایم موضوع جزء (۱) بند (الف) بند ۱ این ماده را نیز مقرر می‌کنند، باید موضوع را هنگام امضاء یا سپردن سند تصویب، پذیرش یا تأیید یا الحاق به مقاوله‌نامه، به دبیرکل سازمان ملل متحد اطلاع دهند.

ماده ۶- جرم‌انگاری عواید حاصل از جرم شویی[1]

۱-همه کشورهای عضو، طبق اصول بنیادین قوانین داخلی کشور متبوع خود، باید تدابیر قانونی و سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند تا موارد زیر در صورتیکه آگاهانه انجام شوند، عمل مجرمانه محسوب شوند:

---

[1] Criminalization of the laundering of proceeds of crime

الف: (۱) تبدیل یا انتقال اموال به منظور مخفی کردن یا کتمان مبداء غیر قانونی آنها یا کمک به شخصی که در ارتکاب جرم اصلی مشارکت داشته است، به منظور فرار از عواقب قانونی اعمال خود، با علم به اینکه اموال مزبور عواید حاصل از جرم هستند؛

الف: (۲) مخفی نمودن یا کتمان ماهیت، مبداء، محل، ترتیبات، جابجایی، یا مالکیت یا حقوق واقعی متعلق به اموال با آگاهی از آن که اموال مزبور، عواید حاص از جرم هستند.

ب: با رعایت مفاهیم بنیادین نظام حقوقی خود:

(۱) تحصیل، مالکیت یا استفاده از اموال، با آگاهی از آن که در زمان دریافت، اموال مزبور عواید حاصل از جرم هستند؛

(۲) مشارکت، همکاری یا تبانی برای ارتکاب یا اقدام به ارتکاب، همدستی، معاونت، تسهیل یا مشاوره در ارتکاب هر یک از جرایم موضوع این ماده.

۲-به منظور اجرا یا کاربرد مفاد بند (۱) این ماده:

الف: کلیه کشورهای عضو باید تلاش کنند مفاد بند (۱) این ماده را برای گسترده‌ترین طیف جرایم اصلی به کار ببرند؛

ب: کلیه کشورهای عضو، تمامی جرایم شدید (موضوع ماده ۲) این مقاوله‌نامه و تخلفات موضوع مواد ۵، ۸ و ۲۳ این مقاوله‌نامه را به عنوان جرایم اصلی تلقی خواهند نمود. کشورهای عضوی که در قوانین آنها فهرست مشخصی از جرایم اصلی وجود دارد، باید، حداقل، طیف جامعی از جرایم مرتبط با گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته را در فهرست مزبور بگنجانند؛

ج: در جزء(ب) فوق، جرایم اصلی تخلفاتی را در بر می‌گیرد که هم در داخل و هم در خارج قلمرو کشور عضو مورد نظر اتفاق می‌افتد. با این حال، جرایمی‌که خارج از قلمرو کشور عـضو اتفـاق افتاده‌اند، تنها در صورتی جرم اصلی تلقی خواهند شد که طبق قوانین داخلی کشور عضوی که این عمل در آن اتفاق است جرم محسوب شود و همچنین طبق قوانین داخلی کشور عضو اجرا کننده یا اعمال کننده این ماده نیز عمل مجرمانه تلقی گردد؛

د: کلیه کشورهای عضو باید نسخه‌ای از قوانین خود که این ماده را لازم‌الاجرا می‌کنند و هرگونه تغییر متعاقب در قوانین مذکور یا شرحی از آنها را در اختیار دبیرکل سازمان ملل متحد قرار دهند؛

ه: چنانچه در اصول بنیادین قوانین داخلی کشور عضو مقرر شده باشد، می‌توان مقرر نمود که تخلفات موضوع بند (۱) این ماده در مورد افرادی که مرتکب جرایم اصلی شده‌اند، کاربرد نخواهد داشت؛

و: شروط آگاهی، قصد یا نیت که عناصر جرایم مقرر در بند ۱ این ماده هستند را می‌توان از اوضاع و احوال و شرایط عینی اثبات کرد.

ماده ۷- تدابیر لازم جهت مبارزه با پولشویی[1]

۱-تمامی کشورهای عضو:

الف: به منظور منع و کشف تمامی شکل‌های پولشویی، برای بانکها و مؤسسات مالی غیر بانکی، و در صورت اقتضاء، سایر دستگاه‌هایی که به ویژه مستعد پولشویی هستند، در حوزه صلاحیت خود، نظام جامع قانونی و نظارتی داخلی ایجاد خواهند کرد. این نظام بر الزامات مربوط به شناسایی مشتری، حفظ سوابق و گزارش تعاملات مشکوک تأکید خواهد داشت؛

ب: بدون وارد کردن لطمه‌ای به مواد (۱۸) و (۲۷) تضمین خواهند نمود که مقامات اداری، نظارتی، انتظامی و سایر مقامات دست مسئول در مبارزه با پولشویی (شامل مقامات قضایی، در صورتیکه قوانین داخلی اجازه دهد) بتوانند همکاری و اطلاعات مربوط را در سطوح ملی و بین‌المللی تحت شرایطی که قوانین داخلی آن ها تجویز می‌کند، مبادله کنند و در این

[1] Measures to combat money-laundering

راستا تشکیل واحد اطلاعات مالی را به عنوان مرکز ملی گردآوری، تجزیه و تحلیل و انتشار اطلاعات مربوط به پولشویی احتمالی را مدنظر قرار خواهند داد.

۲-به منظور کشف و پایش جابجایی وجوه نقد و اوراق بهادار در مرزهای خود، با رعایت مقررات مربوط به استفاده صحیح از اطلاعات، کشورهای عضو تدابیر عملی لازم را اجرا خواهند کرد بدون آنکه برای جابجایی سرمایه‌های مشروع مانعی به وجود آورند. این تدابیر ممکن است الزام افراد و کسب و کارها به ارائه گزارش مربوط به انتقال بین مرزی مبالغ قابل توجه پول نقد و اسناد و اوراق بهادار را در بر داشته باشد.

۳-در برقراری نظام قانونی و نظارتی داخلی موضوع این ماده و بدون آنکه به سایر مواد این مقاوله‌نامه لطمه‌ای وارد شود، از کشورهای عضو دعوت می‌شود از برنامه‌های مبارزه با پولشویی متعلق به سازمان‌های منطقه‌ای، بین منطقه‌ای و چند جانبه به عنوان راهنما استفاده کنند؛

۴-به منظور مبارزه با پولشویی، کشورهای عضو در راستای توسعه و تقویت همکاری‌های جهانی، منطقه‌ای و دو جانبه بین مراجع قضایی، مجری قانون و مقامات نظارتی مالی، تلاش خواهند کرد.

ماده ۸- جرم انگاری فساد

۱-تمامی کشورهای عضو، باید تدابیر قانون گذاری و سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند تا موارد زیر در صورتی که آگاهانه انجام شوند، عمل مجرمانه محسوب شوند:

الف: وعده دادن، پیشنهاد کردن یا دادن امتیازی نابجا به یک مقام عمومی، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، برای مقام مذکور یا برای شخص یا نهادی دیگر، تا مقام مزبور در انجام وظایف رسمی خود کاری را انجام دهد یا از انجام آن کار خودداری نماید؛

ب: درخواست یا پذیرش امتیاز نابجا از سوی مقام عمومی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، به نفع خود یا به نفع شخص یا نهادی دیگر، تا مقام مزبور در انجام وظایف رسمی خود کاری را انجام دهد یا از انجام آن کار خودداری نماید.

۲-تمامی کشورهای عضو، باید تدابیر قانون گذاری و سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند تا موارد مشروح در بند ۱ این ماده در صورتیکه مربوط به مقام عمومی خارجی یا کارمند بین‌المللی باشند، عمل مجرمانه محسوب شوند. به همین ترتیب، تمامی کشورهای عضو، سایر شکلهای فساد را نیز جرم محسوب خواهند کرد.

۳-کشورهای عضو همچنین تدابیر لازم را اتخاذ خواهند کرد تا معاونت در عمل مجرمانه موضوع این ماده نیز جرم محسوب گردد.

۴-در بند (۱) این ماده و ماده (۹) این مقاوله‌نامه، «مقام عمومی» یعنی هر مقام عمومی یا شخصی که خدمات عمومی مقرر در قوانین داخلی و مندرج در قوانین کیفری کشور عضوی را ارائه می‌دهد که مقام یا شخص مزبور در آن کشور، وظایف مذکور را انجام می‌دهد.

ماده ۹- تدابیر مقابله با فساد

۱-علاوه بر تدابیر مقرر در ماده (۸) این مقاوله‌نامه، به منظور ارتقای سطح صداقت و درستکاری مقامات عمومی و پیشگیری، کشف و مجازات فساد در میان آنان، تمامی کشورهای عضو، تا حدودی که مقتضی و با نظام حقوقی آنها منطبق باشد، تدابیر تقنینی، اداری یا سایر تدابیر مؤثر را اتخاذ خواهد کرد.

۲-به منظور تضمین اتخاذ اقدامات مؤثر از سوی مراجع ذیربط خود در زمینه پیشگیری، کشف و مجازات فساد مقامات عمومی، شامل تفویض استقلال کافی به این مراجع برای جلوگیری از اعمال نفوذ نابجا در اتخاذ این تدابیر، تمامی کشورهای عضو اقدامات لازم را انجام خواهند داد.

ماده ۱۰- مسئولیت اشخاص حقوقی

۱-به منظور تعیین مسئولیت اشخاص حقوقی در ارتباط با مشارکت در ارتکاب جرایم شدید مربوط به گروه مجرمانه سازمان یافته و در ارتباط با جرایم موضوع مواد (۵)، (۶) ،(۸) و (۲۳) این مقاوله‌نامه، تمامی کشورهای عضو، منطبق با اصول حقوقی خود، تدابیر لازم را اتخاذ خواهند کرد.

۲-با رعایت اصول حقوقی کشور عضو، مسئولیت اشخاص حقوقی ممکن است مسئولیت کیفری، مدنی یا اداری باشد.

۳-این مسئولیت، به مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی که مرتکب این جرایم شده‌اند، لطمه‌ای وارد نخواهد کرد.

۴-تمامی کشورهای عضو، به ویژه تضمین خواهند کرد که اشخاص حقوقی که طبق این ماده مسئولیت دارند، مشمول مجازات‌های کیفری یا غیر کیفری مؤثر، متناسب و بازدارنده، شامل مجازاتهای مالی، قرار بگیرند.

ماده ۱۱- تعقیب، دادرسی و مجازات

۱-تمامی کشورهای عضو، ارتکاب جرایم موضوع مواد (۵)، (۶)، (۸) و (۲۳) این مقاوله‌نامه را با در نظر گرفتن اهمیت جرم ارتکابی، مجازات خواهند کرد.

۲-به منظور به حداکثر رساندن میزان اثربخشی تدابیر اجرای قانون در زمینه جرایم موضوع این مقاوله‌نامه و با توجه به ضرورت منع ارتکاب جرایم مذکور، تمامی کشورهای عضو تلاش خواهند کرد تا تضمین شود، در ارتباط با تعقیب قضایی اشخاص به دلیل ارتکاب جرایم مزبور، کلیه اختیارات قانونی اعطاء شده به موجب قانون داخلی آنها اعمال شوند.

۳-درخصوص جرایم موضوع مواد (۵)، (۶)، (۸) و (۲۳) این مقاوله‌نامه، تمامی کشورهای عضو، طبق قوانین داخلی خود و با توجه به حق دفاع، تضمین خواهند کرد شرایط مقرر در رابطه با تصمیمات مربوط به آزادی تا زمان محاکمه یا تا زمان تجدید نظر خواهی، ضرورت حضور متهم در مراحل بعدی دادرسی را در نظر بگیرند.

۴-تمامی کشورهای عضو اطمینان حاصل خواهند کرد که دادگاه‌ها یا سایر مراجع صلاحیّت‌دار آنها، هنگام بررسی امکان آزادی پیش از موعد یا آزادی مشروط محکومین به ارتکاب جرایم موضوع مقاوله‌نامه، ماهیت شدید این گونه جرایم را در نظر بگیرند.

۵-تمامی‌کشورهای عضو، در موارد مقتضی و به موجب قوانین داخلی خود، دوره طولانی مرور زمان را برای شروع رسیدگی به هر یک از جرایم موضوع این مقاوله‌نامه و دوره طولانی‌تری را برای مواردی که متهم از اجرای عدالت گریخته است، مقرر خواهند کرد.

۶-هیچیک از مقررات این مقاوله‌نامه بر این اصل که شرح اعمال مجرمانه موضوع این مقاوله‌نامه و دفاعیات قانونی مربوط یا سایر اصول حقوقی حاکم بر قانونی بودن جریان رسیدگی باید به شرط رعایت مفاد قوانین داخلی باشند و این جرایم مطابق قوانین مذکور مورد رسیدگی قرار گرفته و مجازات شوند، هیچ تاثیری نخواهند داشت.

ماده ۱۲- مصادره و توقیف

۱-به منظور مصادره اقلام، در حد امکان و طبق نظام‌های حقوقی داخلی خود، کشورهای عضو باید تدابیر لازم را اتخاذ کنند:

الف: عواید حاصل از جرایم موضوع این مقاوله‌نامه یا اموالی که ارزش آنها با عواید مذکور برابر باشد؛

ب: اموال، تجهیزات، یا سایر وسایلی که برای ارتکاب جرایم موضوع این مقاوله‌نامه مورد استفاده قرار گرفته یا قصد استفاده از آنها وجود داشته است.

۲-به منظور شناسایی، ردیابی، مسدود کردن، یا توقیف هر یک از موارد مندرج در بند (۱) این ماده با هدف مصادره نهایی آنها، کشورهای عضو باید تدابیر لازم را اتخاذ کنند.

۳-چنانچه تمام یا بخشی از عواید حاصل از جرم، به اموال دیگری تبدیل یا تغییر داده شده باشند، این اموال به جای عواید مزبور، مشمول تدابیر مندرج در این ماده خواهند بود.

۴-در صورتیکه عواید حاصل از جرم با اموالی که از راه های قانونی کسب شده‌اند مخلوط شده باشند، بدون آنکه به اختیارات مربوط به مسدود کردن یا توقیف اموال لطمه‌ای وارد شود، اموال مزبور تا میزان ارزیابی شده عواید مخلوط شده، قابل مصادره خواهند بود.

۵-درآمدها یا سایر منافع ناشی از عواید حاصل از جرم یا اموالی که عواید حاصل از جرم به آن تبدیل شده یا تغییر یافته‌اند، یا از اموالی که عواید حاصل از جرم با آن مخلوط شده‌اند نیز به همان شیوه و به همان میزان عواید حاصل از جرم، مشمول تدابیر مندرج در این ماده خواهند بود.

۶-به منظور اجرای مفاد این ماده و ماده (۱۳) این مقاوله‌نامه، تمامی کشورهای عضو، به دادگاه‌های سایر مراجع صلاحیّتدار خود اختیارات لازم را تفویض خواهند کرد تا بتوانند دستور در دسترس گذاردن یا توقیف سوابق بانکی، مالی یا بازرگانی، را صادر کنند. کشورهای عضو مجاز نخواهند بود بنا بر اصل راز داری بانکی از اجرای مقررات مفاد این بند خودداری کنند.

۷-کشورهای عضو می‌توانند مقرر کنند مجرم باید، منبع قانونی عواید مورد ادعا حاصل از جرم یا سایر اموال قابل مصادره را ارائه نماید به این شرط که این امر با اصول حقوق داخلی آنها و نیز ماهیت دادرسی قضایی یا سایر دادرسی ها انطباق داشته باشد.

۸-مفاد این ماده نباید به گونه‌ای تعبیر شود که به حقوق اشخاص ثالث دارای حسن نیت، لطمه‌ای وارد آید.

۹-هیچ‌یک از مفاد این ماده به این اصل که تدابیر مورد اشاره در آن باید با رعایت و طبق مقررات قانون داخلی کشور عضو مورد نظر تعریف و اجرا گردند، لطمه‌ای وارد نمی‌کند.

ماده ۱۳- همکاری بین‌المللی به منظور مصادره

۱-کشور عضوی که از یک کشور عضو دیگر که صلاحیت قضایی رسیدگی به جرایم موضوع این مقاوله‌نامه را دارد، درخواستی برای مصادره عواید حاصل از جرم، اموال، تجهیزات یا سایر وسایل موضوع بند (۱) ماده (۱۲) این مقاوله‌نامه واقع در قلمروی آن دریافت نماید، تا حد امکان طبق نظم حقوق داخلی خود:

الف: به منظور دریافت دستور مصادره، یا اگر این دستور صادر شده باشد، به منظور اجرای آن، درخواست مزبور را به مراجع صلاحیّتدار کشور متبوع خود تسلیم خواهد کرد؛ یا

ب: به منظور اجرای دستور مصادره که از سوی یک دادگاه واقع در قلمرو کشور عضو درخواست کننده طبق بند (۱) ماده (۱۲) این مقاوله‌نامه صادر شده است، تا حدودی که به عواید حاصل از جرم یا اموال یا تجهیزات یا سایر وسایل موضوع بند (۱) ماده (۱۲) مربوط باشد، دستور مصادره مزبور را به مقامات صلاحیّت‌دار واقع در کشور درخواست شونده تسلیم خواهد کرد.

۲-پیرو درخواست کشور عضو دیگری که صلاحیت قضایی رسیدگی به جرم موضوع این مقاوله‌نامه را دارد، به منظور شناسایی، ردیابی و مسدود کردن یا ضبط عواید حاصل از جرم، اموال، تجهیزات یا سایر وسایل موضوع بند (۱) ماده (۱۲) این مقاوله‌نامه به قصد مصادره نهایی که دستور آن از سوی کشور عضو درخواست کننده یا به موجب درخواست موضوع بند (۱) این ماده از سوی کشور عضو درخواست شونده، صادر شده است، کشور عضو درخواست شونده تدابیر لازم را اتخاذ خواهد کرد.

۳-مفاد ماده (۱۸) این مقاوله‌نامه، با اعمال تغییرات لازم، در این ماده نیز صادق خواهد بود. علاوه بر اطلاعات مندرج در بند (۱۵) ماده (۱۸) درخواست‌هایی که طبق این ماده تسلیم می‌شوند باید حاوی نکات زیر باشد:

الف: درمورد درخواستی که به بخش (الف) بند (۱) این ماده مربوط می‌شود، شرح اموالی که باید مصادره شوند و مدارک مورد استناد کشور عضو درخواست کننده بـه ترتیبی که کشور درخواست شونده قادر گردد صدور دستور لازم را طبق قوانین داخلی خود درخواست نماید؛

ب: درمورد درخواستی که به بخش (ب) بند (۱) این ماده مربوط می‌شود، نسخه‌ای از دستور صادره از سوی کشور عضو درخواست کننده که درخواست مزبور بر اساس آن تسلیم شده است و ارائه وقایع و اطلاعات لازم دال بر حدود درخواست اجرای دستور؛

ج: در مورد درخواستی که به بند (۲) این ماده مربوط می‌شود، حقایق مورد استناد کشور عضو درخواست کننده و شرح اقدامات مورد درخواست.

۴-کشور عضو درخواست شونده تصمیمات یا اقدامات مقرر در بندهای (۱) و (۲) این ماده را بر طبق و با رعایت قوانین و آیین نامه‌های داخلی خود یا هر معاهده، موافقتنامه یا ترتیبات دو یا چند جانبه‌ای اتخاذ خواهد کرد که این کشور متعهد است آنها را در قبال کشور عضو درخواست کننده اجرا نماید.

۵-تمامی‌کشورهای عضو باید نسخه‌ای از قوانین و مقرراتی که این ماده را لازم‌الاجرا می‌سازد و هرگونه تغییرات متعاقب قوانین و مقررات مزبور، یا شرحی از آنها را در اختیار دبیرکل سازمان ملل متحد قرار دهند.

۶-چنانچه یک کشور عضو اتخاذ تدابیر موضوع بند (۱) و (۲) این ماده را به وجود یک معاهده مشروط نماید، آن کشور عضو، این مقاوله‌نامه را مبنای معاهده ای لازم و کافی تلقی خواهد نمود.

۷-چنانچه عمل مجرمانه که در خواست به آن مربوط است، از جرایم موضوع مقاوله‌نامه نباشد، کشور عضو می‌تواند از همکاری موضوع این ماده خودداری نماید.

۸-مفاد این ماده به گونه‌ای تفسیر نخواهد شد که به حقوق اشخاص ثالث دارای حسن نیت لطمه وارد شود.

۹-به منظور ارتقای کارآیی همکاری‌های بین‌المللی موضوع این ماده، کشورهای عضو، انعقاد معاهده ها، موافقت‌نامه‌ها یا ترتیبات دو جانبه یا چند جانبه را مد نظر قرار خواهند داد.

ماده ۱۴- انتقال اموال یا عواید حاصل از جرم که مصادره شده‌اند.

۱-عواید حاصل از جرم یا اموالی که طبق ماده (۱۲) یا بند (۱) ماده (۱۳) این مقاوله‌نامه از سوی یک کشور عضو مصادره شده‌اند، طبق قوانین و رویه‌های اداری داخلی آن به غیر منتقل خواهد شد.

۲-هنگامی‌که کشوری یا عضو بر اساس درخواستی اقدام می‌کنند که از سوی یک کشور عضو دیگر طبق ماده (۱۳) این مقاوله‌نامه تسلیم شده است، تا حدود مقرر در قوانین داخلی خود و

در صورتیکه درخواست شده باشد، بازگرداندن عواید حاصل از جرم یا اموالی مصادره‌ای به کشور عضو درخواست کننده را در اولویت قرار خواهند داد تا بدین ترتیب آن کشور بتواند خسارات وارده به قربانیان جرم را جبران یا عواید حاصل از جرم یا اموال مزبور را به صاحبان مشروع آن ها باز گرداند.

۳-در مواردی که یک کشور عضو بر مبنای درخواست تسلیمی از سوی یک کشور عضو دیگر طبق موارد (۱۲ (و (۱۳) این مقاوله‌نامه عمل می‌کند، می‌تواند به انعقاد موافقت‌نامه‌ها یا اتخاذ ترتیبات لازم در مواردی زیر توجه خاص مبذول نماید:

الف: اختصاص کل یا بخشی از ارزش عواید حاصل از جرم یا اموال، یا وجوه حاصل از فروش آنها به حسابی که طبق بند (ج) بند ۲ (ماده ۳۰) این مقاوله‌نامه تعیین شده و به نهادهای بین کشوری تخصصی در حوزه مبارزه با جرایم سازمان‌یافته؛

ب: به شراکت گذاردن این گونه اموال یا عواید حاصل از جرم، یا وجوه حاصل از فروش آنها با سایر کشورهای عضو به صورت منظم یا بر حسب مورد، براساس قانون داخلی یا تشریفات اداری خود.

ماده ۱۵- صلاحیت قضایی

۱-کلیه کشورهای عضو، به منظور احراز صلاحیت قضایی خود بر جرایم مندرج در مواد (۵) ،(۶) ،(۸ (و (۲۳) این مقاوله‌نامه، تدابیر لازم را در موارد زیر اتخاذ خواهند نمود:

الف: هرگاه جرم در قلمروی آن کشور عضو اتفاق افتاده باشد؛ یا

ب: هرگاه جرم مورد نظر در عرشه کشتی که تحت پرچم آن کشور عضو قرار دارد یا در هواپیمایی اتفاق افتاده باشد که در زمان وقوع جرم، طبق قوانین آن کشور عضو به ثبت رسیده است.

۲-با رعایت مفاد ماده (۴) این مقاوله‌نامه، تمامی کشورهای عضو همچنین می‌توانند صلاحیت قضایی خود را برای هریک از جرایم مزبور در موارد زیر احراز نمایند:

الف: هرگاه جرم علیه یکی از اتباع آن کشور عضو صورت گرفته باشد؛

ب: هرگاه یکی از اتباع آن کشور عضو یا فرد بدون تابعیتی که اقامتگاه عادی وی در قلمرو آن است جرم را مرتکب شده باشد؛ یا

پ: هرگاه جرم:

۱)یکی از اعمال مجرمانه مقرر در بند (۱) ماده (۵) این مقاوله‌نامه باشد و در خارج از قلمروی آن کشور با هدف ارتکاب یک جرم شدید در داخل قلمروی آن کشور، اتفاق افتاده باشد.

۲)یکی از اعمال مجرمانه مقرر در بند (۲) بخش (ب) بند (۱) ماده (۶) این مقاوله‌نامه بوده و در خارج از قلمروی آن کشور با هدف ارتکاب یکی از جرایم مندرج در بند (۱) یا (۲) بخش (الف) یا بند (۱) بخش (ب) (بند ۱) ماده (۶) این مقاوله‌نامه در داخل قلمروی آن کشور اتفاق افتاده باشد.

۳)در ارتباط با بند (۱۰) ماده (۱۶) این مقاوله‌نامه، تمامی کشورهای عضو برای احراز صلاحیت قضایی در مورد جرایم موضوع این مقاوله‌نامه، در مواردی که متهم مورد ادعا در قلمروی آن کشور حضور دارد و آن کشور تنها به این دلیل که فرد مظنون از اتباع آن است وی را مسترد نمی‌دارد، تدابیر لازم را اتخاذ خواهند نمود.

۴)تمامی کشورهای عضو برای احراز صلاحیت قضایی در مورد جرایم موضوع این مقاوله‌نامه، در مواردی که متهم مورد ادعا در قلمروی آن کشور حضور دارد و آن کشور وی را مسترد نمی‌دارد نیز، تدابیر لازم را اتخاذ خواهند کرد.

۵)چنانچه به کشور عضوی که در حال اعمال صلاحیت قضایی خو د طبق بند (۱) یا (۲) این ماده است ابلاغ شده باشد، یا به هر نحو دیگری مطلع شده باشد که یک یا چند کشور عضو دیگر در حال انجام تحقیقات، تعقیب یا دادرسی قضایی در مورد همان عمل هستند، مراجع صلاحیّت‌دار کشورهای عضو مزبور به منظور هماهنگ نمودن اقدامات خود، به گونه مقتضی با هم مشورت خواهند کرد.

۶)بدون آنکه خدشه‌ای به قواعد حقوق بین‌الملل عمومی وارد آید، این مقاوله‌نامه نافی اعمال هرگونه صلاحیت کیفری احراز شده از سوی یک کشور عضو طبق قانون داخلی آن نخواهد بود.

ماده ۱۶- استرداد مجرمین

۱-این ماده در مورد جرایم موضوع این مقاوله‌نامه یا در مواردی که یک گروه مجرمانه سازمان یافته در ارتکاب عمل مجرمانه موضوع بخش (الف) یا (ب) بند (۱) ماده (۳) دخالت دارد و شخصی که استرداد وی مورد درخواست است در قلمروی کشور عضو درخواست شونده حضور دارد، اعمال خواهد شد، مشروط بر آن که جرمی که استرداد به خاطر ارتکاب آن تقاضا شده است، طبق قانون داخلی هر دو کشور عضو درخواست شونده و درخواست کننده قابل مجازات باشد.

۲-چنانچه درخواست استرداد مجرم شامل چند جرم شدید مستقل باشد که برخی از آن ها مشمول این ماده نیستند، کشور عضو درخواست شونده می‌تواند این ماده را در مورد جرایم اخیرالذکر نیز اعمال کند.

۳-چنین تلقی می‌شود که تمامی جرایمی که این ماده در مورد آنها اعمال می‌شود، در کلیه معاهدات استرداد مجرمین موجود بین کشورهای عضو گنجانده شده‌اند. کشورهای عضو تعهد می‌کنند جرایم مزبور را به عنوان جرایم قابل استرداد در هر معاهده استردادی که قرار است بین آنها منعقد شود، لحاظ کنند.

۴-چنانچه کشور عضوی که استرداد مجرمین را به وجود یک معاهده مشروط می‌نماید، از کشور عضو دیگری که با آن معاهده استرداد مجرمین ندارد درخواست استردادی را دریافت نماید، می‌تواند این مقاوله‌نامه را به منزله مبنای قانونی برای استرداد مجرمین مربوط به هر یک از جرایم مشمول این ماده تلقی کند.

۵-کشورهای عضوی که استرداد مجرمین را به وجود معاهده مشروط می‌کنند، باید:

الف: هنگام توديع سند تصويب، پذيرش، تأييد يا الحاق به اين مقاوله‌نامه، به دبيركل سازمان ملل متحد اطلاع دهند اين مقاوله‌نامه را به منزله مبناى قانونى براى همكارى با ساير كشورهاى عضو اين مقاوله‌نامه در زمينه استرداد، تلقى مى‌كنند يا خير؛

ب: چنانچه اين مقاوله‌نامه را به منزله مبناى قانونى همكارى در زمينه استرداد تلقى نمى‌كنند، به منظور اجراى اين ماده تلاش كنند در موارد مقتضى معاهدات مربوط به استرداد مجرمين را با ساير كشورهاى عضو منعقد كنند.

۶-كشورهاى عضوى كه استرداد مجرمين را به وجود معاهده مشروط نمى‌كنند، جرائمى كه اين ماده نسبت به آنها اعمال مى‌شود را به عنوان جرايم قابل استرداد تلقى خواهند نمود.

۷-استرداد مجرمين منوط به رعايت شرايط پيشبينى شده در قانون داخلى كشور عضو درخواست شونده يا معاهدات استرداد حاكم، شامل و به ويژه، شرايط مربوط به حداقل مجازات مقرر براى استرداد مجرمين و دلايلى خواهد بود كه كشور عضو درخواست شونده به استناد آنها مى‌تواند از استرداد مجرمين خوددارى كند.

۸-كشورهاى عضو، با رعايت قوانين داخلى خود، تلاش خواهند كرد تشريفات استرداد را تسريع و الزامات مربوط به تسليم مستندات مربوط درخصوص جرايم موضوع اين ماده را تسهيل كنند.

۹-چنانچه كشور عضو درخواست شونده قانع شود كه اوضاع و احوال ايجاب مى‌كند و موضوع فوريت دارد، با رعايت قوانين داخلى و معاهدات استرداد مجرمين خود، بنابر تقاضاى كشور عضو درخواست كننده، مى‌تواند شخصى كه استرداد وى درخواست شده است و در سرزمين آن حضور دارد را بازداشت نموده يا ساير اقدامات لازم براى تضمين حضور وى در جريان رسيدگى به دعوى استرداد مجرم را انجام دهد.

۱۰-چنانچه كشور عضوى كه متهم ارتكاب جرم مورد ادعا موضوع اين ماده كه در سرزمين آن قرار دارد را صرفاً به دليل آنكه شخص مورد نظر از اتباع آن است مسترد نكند، مكلف است، بنا بر تقاضاى كشور عضو درخواست كننده، پرونده را بدون تأخير غير موجه به مراجع صلاحيّت‌دار خود به منظور تعقيب تسليم كند. مراجع مزبور به همان ترتيبى كه به ساير جرايم داراى ماهيت

شدید به موجب قانون داخلی آن کشور عضو عمل می‌کنند، درباره این پرونده تصمیم گیری و به آن رسیدگی خواهند کرد. به منظور حصول اطمینان از کارآمد بودن رسیدگی مزبور، کشورهای عضو ذیربط، به ویژه از نظر جوانب مربوط به آیین دادرسی و تأمین دلیل، با یکدیگر همکاری خواهند کرد.

۱۱-چنانچه یک کشور عضو طبق قانون داخلی خود تنها به این شرط مجاز باشد که فرد را مسترد یـا تسلیم نماید که فرد مورد نظر برای گذراندن دوران محکومیت صادره در نتیجه محاکمه یا دادرسی که برای حضور در آن مسترد یا تسلیم شده است به آن کشور عضو برگردانده شود، و کشور عضو درخواست کننده استرداد با گزینه کار و با سایر شرایطی که ممکن است مناسب باشند، موافقت نماید، این استرداد یا تسلیم مشروط، برای ادای تعهد مندرج در بند (۱۰) این ماده کافی خواهد بود.

۱۲-چنانچه از استردادی که به منظور اجرای حکم درخواست می‌شود به این دلیل خودداری گردد که فرد مورد نظر از اتباع کشور عضو درخواست شونده است، کشور عضو درخواست شونده، در صورتیکه قانون داخلی آن اجازه داده باشد و مطابق با الزامات قانون مزبور باشد، به درخواست کشور عضو درخواست کننده، اجرای حکم صادره طبق قانون داخلی عضو درخواست کننده یـا اجرای باقی مانده محکومیت را مد نظر قرار خواهد داد.

۱۳-در تمامی مراحل دادرسی تضمین خواهد شد با هر فردی که به دلیل ارتکاب هر یک از جرایم موضوع این ماده محاکمه می‌شود عادلانه رفتار شود. این رفتار شامل برخورداری از تمامی حقوق و ضمانت‌های مقرر در قوانین داخلی کشور عضوی است که فرد مورد نظر در قلمرو آن حضور دارد.

۱۴-هیچ یک از مفاد این مقاوله‌نامه نباید به عنوان الزام کشور عضو درخواست شونده به استرداد در مواردی تعبیر شود که کشور مزبور ادله کافی در دست دارد که درخواست استرداد با هدف تعقیب یا مجازات یک فرد به دلیل جنسیت، نژاد، مذهب، ملیت یا قومیت یا عقاید سیاسی وی تسلیم شده است و اینکه اجابت درخواست مزبور بنابر هر یک از دلایل مذکور به موقعیت آن شخص لطمه خواهد زد.

۱۵-کشورهای عضو نمی‌توانند صرفاً به این دلیل که به نظر می‌رسد جرم با امور مالی نیز مرتبط است، درخواست استرداد را رد کنند.

۱۶-قبل از رد درخواست استرداد، کشور عضو درخواست شونده، در صورت اقتضاء، با کشور درخواست کننده مذاکره خواهد کرد تا به آن کشور فرصت کافی داده باشد نظرات خود را مطرح و اطلاعات لازم درباره ادعای خود را ارائه نماید.

۱۷-به منظور استرداد مجرمین یا تقویت میزان کارآمد بودن آن، کشورهای عضو تلاش خواهند کرد موافقت‌نامه‌ها یا ترتیبات دو جانبه و چند جانبه لازم را منعقد کنند.

ماده ۱۷- انتقال محکومین

کشورهای عضو می‌توانند انعقاد موافقت‌نامه‌ها یا ترتیبات دو یا چند جانبه در زمینه انتقال اشخاصی را تصویب کنند که به علت ارتکاب جرایم موضوع این مقاوله‌نامه به حبس یا سایر شکلهای محرومیت از آزادی محکوم شده‌اند، تا این افراد برای گذراندن بقیه دوره محکومیت خود به قلمرو کشور متبوع بازگردند.

ماده ۱۸- همکاری‌های حقوقی متقابل

۱-در زمینه تحقیقات، تعقیب و رسیدگی‌های قضایی مربوط به جرایم موضوع این مقاوله‌نامه طبق مفاد ماده (۳) آن، کشورهای عضو بیشترین حد همکاری‌های حقوقی متقابل را برای یکدیگر فراهم خواهند کرد و در مواردی که کشور عضو درخواست کننده، بنا بر دلایل معقول معتقد باشد که جرایم موضوع بخش‌های (الف) یا (ب) بند (۱) ماده (۳) دارای ماهیت فراملی هستند، شامل این موضوع که قربانیان، شهود، عواید، آلات و اسباب یا ادله مربوط به جرایم مزبور در قلمروی کشور عضو در خواست شونده واقع شده و یک گروه مجرمانه سازمان‌یافته در ارتکاب جرم مورد نظر دخالت داشته است، همکاری‌های متقابل لازم را در اختیار آن کشور قرار خواهند داد.

۲-در خصوص تحقیقات، تعقیب و رسیدگی قضایی جرائمی که (طبق ماده ۱۰) این مقاوله‌نامه، یک شخصیت حقوقی واقع در کشور عضو درخواست کننده ممکن است مسئول ارتکاب آن

شناخته شود، همکاری حقوقی متقابل به کامل ترین حد ممکن به موجب ترتیبات، موافقت‌نامه‌ها، معاهدات قوانین داخلی مربوط کشور عضو درخواست شونده تأمین خواهند شد.

۳-معاضدت حقوقی متقابل که طبق این ماده ارائه می‌شوند را می‌توان برای هر یک از اهداف زیر درخواست کرد:

الف: دریافت شهادت یا اظهارات از اشخاص؛

ب: ابلاغ اسناد قضایی؛

پ: اجرای دستور جستجو، توقیف و مصادره؛

ت: بازرسی اشیاء و اماکن؛

ث: ارائه اطلاعات، ادله و ارزیابی‌های کارشناسی؛

ج: ارائه نسخه‌های اصل یا رونوشت گواهی شده اسناد و سوابق مربوط، شامل سوابق کشوری، بانکی، مالی، شرکتی یا کسب و کار؛

چ: شناسایی یا ردیابی عواید حاصل از جرم، اموال، وسایل یا سایر اشیا به منظور جمع آوری شواهد و مدارک؛

ح: تسهیل حضور داوطلبانه اشخاص در سرزمین کشور عضو درخواست کننده؛

خ: هر نوع همکاری دیگر که با قانون داخلی کشور عضو درخواست شونده مغایر نباشد.

۴-مراجع صلاحیّت‌دار یک کشور عضو می‌توانند بدون آنکه خدشه‌ای به قانون داخلی آن ها وارد آید و بدون درخواست قبلی، در مواردی که معتقدند اطلاعات مربوط به موضوعات کیفری در انجام یا تکمیل موفقیت آمیز تحقیقات و رسیدگی کیفری به مرجع صلاحیت دار کشور عضو دیگر کمک خواهد کرد یا به صدور درخواستی که از سوی کشور عضو اخیرالذکر طبق این مقاوله‌نامه منجر خواهد شد، می‌توانند این اطلاعات را در اختیار مرجع مزبور قرار دهند.

۵-ارسال اطلاعات طبق بند (۴) این ماده به روند تحقیقات و دادرسی کیفری در کشوری که مراجع صلاحیّت‌دار آن اطلاعات مزبور را ارائه نموده‌اند، لطمه وارد نخواهد کرد. مراجع صلاحیّت‌دار دریافت کننده اطلاعات باید درخواست مبنی بر محرمانه نگاه داشتن اطلاعات مزبور، حتی به صورت موقت، یا اعمال محدودیت‌هایی در مورد استفاده از آنها را رعایت کنند. در هر حال، این

امر مانع از آن نخواهد شد که کشور دریافت کننده در فرآیند دادرسی به افشای اطلاعاتی بپردازد که موجب تبرئه شدن شخص متهم خواهد شد. در چنین مواردی، کشور عضو دریافت کننده، قبل از افشای اطلاعات، کشور عضو ارسال کننده را مطلع خواهد ساخت و در صورت درخواست با کشور عضو ارسال کننده مشورت خواهد نمود. چنانچه، در موارد استثنایی، امکان اطلاع قبلی ممکن نباشد، کشور عضو دریافت کننده باید بدون درنگ کشور عضو ارسال کننده را از افشای اطلاعات مطلع نماید.

۶-مقررات این ماده به تعهدات ناشی از هر معاهده دو یا چند جانبه دیگری که بر تمامی یا بخشی از معاضدت های حقوقی متقابل حاکم است یا حاکم خواهد بود، خلل وارد نخواهد کرد.

۷-مفاد بندهای (۹) تا (۲۹) این ماده، در صورتی در مورد درخواست‌هایی که طبق این ماده تسلیم می‌شوند به کار خواهد رفت که بین کشورهای عضو مربوط معاهده‌ای در خصوص معاضدت های حقوقی متقابل وجود نداشته باشد. چنانچه بین آن کشورهای عضو چنین معاهداتی وجود داشته باشد، مفاد آن معاهده اعمال خواهد شد، مگر آنکه آنها موافقت کنند که به جای مفاد معاهده مذکور، بندهای (۹) تا (۲۹) این ماده را اعمال کنند. چنانچه مفاد این بندها همکاری‌ها را تسهیل خواهد کرد، به کشورهای عضو شدیداً توصیه می‌شود آنها را اعمال کنند.

۸-کشورهای عضو نباید به دلیل حفظ اصل رازداری بانکی، از انجام معاضدت های حقوقی متقابل خود داری کنند.

۹-کشورهای عضو می‌توانند براساس فقدان اصل جرم مضاعف، از تأمین معاضدت حقوقی متقابل موضوع این ماده خودداری کنند. با این وجود، کشور عضو درخواست شونده، چنانچه مناسب تشخیص دهد، می‌تواند تا حدودی که بنابر تشخیص خود تعیین خواهد کرد، بدون توجه به آنکه عمل مورد نظر طبق قانون داخلی کشور عضو درخواست شونده جرم محسوب می‌شود یا خیر، معاضدت لازم را فراهم نماید.

۱۰-شخصی‌که در سرزمین یک کشور عضو در بازداشت به سر می برد یا دوران محکومیت خود را سپری می‌کند و به منظور شناسایی، ادای شهادت یا ارائه هرگونه مساعدت در بدست آوردن

شواهد و ادله لازم برای تحقیق، تعقیب یا رسیدگی قضایی جرایم موضوع این مقاوله‌نامه، حضور او در سرزمین عضو دیگر درخواست شده است را می‌توان در صورت رعایت شرایط زیر به کشور مذکور نمود:

الف: شخص مزبور موافقت خود را آزادانه و از روی آگاهی اعلام نماید؛
ب: مقامات صلاحیّت‌دار هر دو کشور عضو، با رعایت شرایطی که کشورهای عضو مزبور مناسب تشخیص می‌دهند، با این امر موافقت کنند.

۱۱-در بند (۱۰) این ماده:

الف: کشور عضوی که شخص مزبور به قلمرو آن انتقال می‌یابد، اختیار و وظیفه خواهد داشت، شخص منتقل شده را تحت محافظت نگاه دارد، مگر آنکه کشور عضو انتقال دهنده، به گونه دیگری درخواست یا تجویز کرده باشد؛
ب: کشور عضوی که شخص مزبور به قلمرو وی انتقال یافته است، باید، طبق توافق قبلی و یـا به هر نحو دیگر که مقامات صلاحیّت‌دار دو کشور عضو توافق کرده‌اند، بدون تأخیر به تعهد خود نسبت به بازگرداندن شخص مزبور به کشور عضوی که وی از آن منتقل شده بود، عمل نماید؛
پ: کشور عضوی که شخص مزبور به آن انتقال می‌یابد نباید از کشور عضو انتقال دهنده بخواهد برای بازگرداندن این شخص تشریفات استرداد را آغاز نماید؛
ت: مدت زمانیکه شخص انتقال یافته در بازداشت کشور عضوی که وی به آن انتقال یافته گذرانده است، جزء دوران محکومیت او در کشور عضو انتقال دهنده محاسبه خواهد شد.

۱۲-مگر آن که کشور عضوی که شخص مورد نظر باید طبق بندهای (۱۰) و (۱۱) این ماده از آن منتقل شود موافقت کرده باشد، آن شخص، صرف نظر از تابعیت او، نباید در سرزمین کشوری که به آن انتقال می‌یابد، به دلیل فعل یا ترک فعل یا محکومیت‌ها پیش از خروج از سرزمین کشور انتقال دهنده، مورد پیگرد، بازداشت یا مجازات قرار گیرد یا به هر نحو دیگر آزادی وی محدود گردد.

۱۳-تمامی کشورهای عضو، یک مقام مرکزی تعیین خواهند کرد که مسئولیت و اختیار دریافت درخواست های معاضدت های حقوقی متقابل و اجرا یا ارسال آنها جهت اجرا از سوی مرجع صلاحیّتدار کشور متبوع خود را به عهده خواهد داشت. در موردی که کشور عضو دارای ناحیه یـا قلمرو خاص با نظام جداگانه معاضدت حقوقی متقابل باشد، می‌تواند مقام مرکزی مستقلی تعیین کند که دارای همان وظایف برای آن ناحیه یا قلمرو خواهد بود. مقامات مرکزی، باید اجرا و ارسال صحیح و سریع درخواستهای دریافتی را تضمین کنند. در مواردی که مرجع مرکزی، درخواست مزبور را برای اجرا به مقام صلاحیت داری ارسال می‌کند، باید از مقام مزبور بخواهد درخواست مورد نظر را به طور سریع و صحیح اجرا نماید. تمامی کشورهای عضو، هنگام توديع سند تأیید، پذیرش یا تصویب این مقاوله‌نامه یا الحاق به آن، مقام مرکزی تعیین شده برای این منظور را به دبیرکل سازمان ملل متحد معرفی خواهند کرد. درخواستهای معاضدت حقوقی متقابل و هرگونه مکاتبات مربوط به آن ها توسط کشورهای عضو، به مقامات مرکزی تعیین شده ارجاع خواهند شد. این الزام، به حق کشور عضو در تجویز آن که درخواست ها و مکاتبات مزبور از طریق مجاری دیپلماتیک، و در مواردی فوری، در صورت موافقت کشورهای عضو و در صورت امکان، از طریق سازمان پلیس جنایی بین‌المللی به آن کشور ارسال شوند، لطمه وارد نخواهد ساخت.

۱۴-درخواست‌ها به صورت کتبی یا در صورت امکان، با هر وسیله‌ای که قابلیت تهیه سوابق کتبی را داشته باشد، به زبان مورد قبول کشور عضو درخواست شونده و به نحوی تنظیم خواهند شد که آن کشور عضو بتواند اصالت آن را اجرا نماید. تمامی کشورهای عضو، در زمان توديع سند تأیید، پذیرش یا تصویب این مقاوله‌نامه یا الحاق به آن، زبان یا زبانهای مورد قبول خود را به دبیرکل سازمان ملل متحد اطلاع خواهند داد. در صورت فوریت و موافقت کشورهای عضو، درخواسـت‌هـا ممکن است به طور شفاهی نیز تسلیم شوند، ولی باید بلافاصله پس از آن، درخواست کتبی نیز تسلیم شود.

۱۵-درخواست معاضدت حقوقی متقابل باید حاوی موارد زیر باشد:

الف: هویت مقام درخواست کننده؛

ب: موضوع و ماهیت تحقیقات، تعقیب یا دادرسی قضایی که درخواست به آن مربوط می‌شود و نام و اختیارات مقامی که تحقیقات، تعقیب یا دادرسی قضایی را انجام می‌دهد؛

پ: خلاصه‌ای از وقایع مربوط به موضوع به استثنای آنچه که به درخواست ابلاغ اوراق قضایی مربوط می‌شود؛

ت: شرح معاضدت مورد درخواست و جزئیات مربوط به روش معینی که کشور عضو درخواست کننده مایل به اتخاذ آن است؛

ث: در صورت امکان، هویت، محل و تابعیت هر شخص ذیربط؛

ج: مقصود از درخواست مدرک و شواهد، اطلاعات یا اقدام مورد نظر.

۱۶-کشور عضو درخواست شونده می‌تواند، در مواردی که برای اجرای درخواست طبق قانون داخلی خود لازم می‌داند یا در مواردی که می‌تواند موجب تسهیل در اجرای درخواست شود، اطلاعات بیشتر درخواست نماید.

۱۷-درخواست معاضدت طبق قانون داخلی کشور عضو درخواست شونده و در حدی که مغایر با قانون داخلی کشور عضو درخواست شونده نباشد، و در صورت امکان، طبق تشریفات مندرج در درخواست، اجرا خواهد شد.

۱۸-چنانچه برای فردی که در قلمروی یک کشور عضو حضور دارد و استماع اظهارات وی در مقام کارشناس یا شاهد از سوی مقامات قضایی کشور عضو دیگر درخواست شده است، حضور در سرزمین کشور عضو درخواست کننده مقدور یا مطلوب نباشد، کشور عضو درخواست شونده می‌تواند درصورت امکان و طبق اصول بنیادین حقوق داخلی خود، بنا بر درخواست کشور عضو دیگر، اجازه دهد استماع از طریق ویدیو کنفرانس صورت گیرد. کشورهای عضو می‌توانند توافق کنند که استماع توسط مقام قضایی کشور عضو درخواست کننده و با حضور مقام قضایی کشور عضو درخواست شونده، انجام شود.

۱۹-کشور عضو درخواست کننده نباید بدون موافقت قبلی کشور عضو درخواست شونده اطلاعات یا اسناد و مدارکی که توسط کشور عضو درخواست شونده جهت انجام تحقیقات،

تعقیب یا دادرسی قضایی در اختیار آن نهاده شده است را غیر از آنچه در درخواست تصریح شده است ارسال یا استفاده کند. هیچ چیز در این بند مانع از آن نیست که کشور عضو درخواست کننده در جریان رسیدگی خود، اطلاعات یا سندی که دال بر تبرئه فرد متهم است را افشاء کند. در مورد اخیر، کشور عضو درخواست کننده باید، پیش از افشا، موضوع را به کشور عضو درخواست شونده اطلاع داده و در صورت درخواست، باید با کشور عضو درخواست شونده مشورت کند. چنانچه در یک مورد استثنائی، اطلاع قبلی امکان پذیر نباشد، کشور عضو درخواست کننده باید بدون تأخیر کشور عضو درخواست شونده را از افشاء مطلع کند.

۲۰-کشور عضو درخواست کننده می‌تواند از کشور عضو درخواست شونده بخواهد محتوا و مضمون درخواست را، مگر به میزان لازم برای اجرای درخواست، محرمانه نگاه دارد. چنانچه کشور عضو درخواست شونده نتواند این شرط رازداری را رعایت کند، باید موضوع را سریعاً به کشور عضو درخواست کننده اطلاع دهد.

۲۱-درخواست معاضدت حقوقی متقابل در موارد زیر مردود خواهد شد:

الف: اگر درخواست مزبور مطابق با مفاد این ماده تنظیم نشده باشد؛

ب: چنانچه به نظر کشور عضو درخواست شونده، امکان داشته باشد اجزای درخواست به حاکمیت، امنیت، نظم عمومی یا سایر منافع اساسی آن لطمه وارد کند؛

پ: اگر مقامات کشور عضو درخواست شونده، به موجب قانون داخلی خود از اجرای اقدام مورد درخواست درباره جرایم مشابه که در حوزه اختیارات آن است و موضوع تحقیق، تعقیب یـا دادرسی قضایی است، منع شده باشند؛

ت: چنانچه اجرای درخواست مورد نظر با نظام حقوقی کشور عضو درخواست شونده در رابطه با معاضدت حقوقی متقابل مغایر باشد.

۲۲-کشورهای عضو مجاز نیستند صرفاً به استناد آن که به نظر می‌رسد جرم مزبور موضوعات مالی را نیز در بر می‌گیرد از اجرای درخواست معاضدت حقوقی متقابل خودداری کنند.

۲۳-دلایل رد درخواست معاضدت حقوقی متقابل باید ارائه شوند.

۲۴-کشور عضو درخواست شونده در اسرع وقت درخواست معاضدت حقوقی متقابل را اجرا خواهد نمود و حتی المقدور مهلت های پیشنهادی کشور عضو درخواست کننده، که دلایل آن ترجیحا در درخواست قید شده‌اند را دقیقاً رعایت خواهد کرد. کشور عضو درخواست شونده به درخواست های معقول کشور عضو درخواست کننده در مورد میزان پیشرفت اجرای درخواست پاسخ خواهد داد. هرگاه کشور عضو درخواست کننده به معاضدت درخواست شده نیاز نداشته باشد، موضوع را فورا به کشور عضو درخواست شونده اطلاع خواهد داد.

۲۵-کشور عضو درخواست شونده می‌تواند به این دلیل که معاضدت حقوقی متقابل با تحقیقات یـا تعقیب کیفری یا دادرسی قضایی جاری تداخل دارد، اجرای آن را به تعویق اندازد.

۲۶-قبل از رد درخواست طبق بند (۲۱) این ماده یا به تعویق انداختن اجرای آن طبق بند (۲۵) این ماده، کشور عضو درخواست شونده باید شرایط و مفاد ارائه معاضدت مورد نظر ، که به تشخیص خود ضروری هستند، را به کشور درخواست کننده اطلاع دهد. چنانچه کشور عضو درخواست کننده، شرایط مذکور را بپذیرد، باید آن شرایط را رعایت کند.

۲۷-بدون آن که به اجرای مفاد بند (۱۲) این ماده لطمه وارد آید، شاهد یا کارشناس یـا هر شخص دیگری که، به درخواست کشور عضو درخواست کننده، حاضر می‌شود در یک جریان دادرسی شهادت دهد یا به انجام تحقیقات، تعقیب یا دادرسی قضایی در قلمروی کشور عضو درخواست کننده کمک کند، نباید به علت فعل یا ترک فعل یا محکومیت صادره قبل از خروج از قلمروی کشور عضو درخواست شونده، تحت تعقیب قرار گیرد، بازداشت یا مجازات شود یا آزادی فردی وی در قلمروی آن کشور به هر شکل دیگر محدود شود. چنانچه شاهد، کارشناس یا شخص دیگر، ظرف مدت (۱۵) روز متوالی از تاریخی که به طور رسمی به وی اطلاع داده شده است مراجع قضایی به حضور وی نیازی ندارند، یا هر مهلت دیگر مورد توافق کشورهای

عضو ذیربط، فرصت کافی داشته باشد از سرزمین کشور عضو درخواست کننده خارج شود ولی با این وجود، به طـور داوطلبانه در آنجا بماند یا بعد از خروج، به اراده خود به آنجا بازگردد، مصونیت مزبور پایان خواهد یافت.

۲۸-هزینه‌های عادی اجرای درخواست، توسط کشور عضو درخواست شونده پرداخت خواهد شد، مگر اینکه کشورهای عضو ذیربط به گونه دیگری توافق کنند. چنانچه برای اجرای درخواست، هزینه قابل توجه یا فوق‌العاده‌ای باید پرداخت شود یا پرداخت خواهد شد، کشورهای عضو به منظور تعیین شرایط و ترتیبات اجرای درخواست و نیز شیوه پرداخت هزینه‌ها با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

۲۹-کشور عضو درخواست شونده:

الف: رونوشت سوابق، اسناد یا اطلاعات کشوری را که طبق قانون داخلی خود در دسترس عموم قرار دارد، در اختیار کشور عضو درخواست کننده قرار خواهد داد؛
ب: می‌تواند به صلاحدید خود تمام یا بخشی از رونوشت سوابق، اسناد یـا اطلاعات کشوری را که طبق قانون داخلی خود در دسترس عموم قرار ندارد، تحت شرایطی که مناسب می‌داند، در اختیار کشور عضو درخواست کننده قرار دهد.

۳-کشورهای عضو، بر حسب ضرورت، امکان انعقاد موافقت‌نامه‌ها یا ترتیبات دو جانبه یا چند جانبه که به تحقق اهداف این ماده کمک کنند، به آن اعتبار بخشند یا آن را تقویت نماید، را مد نظر قرار خواهند داد.

ماده ۱۹- تحقیقات مشترک

کشورهای عضو، انعقاد موافقت‌نامه‌ها یا ترتیبات دو جانبه یا چند جانبه‌ای را مد نظر قرار خواهند داد که به موجب آنها، در خصوص موضوعاتی که موضوع تحقیقات، تعقیب یا دادرسی قضایی در یک یا چند کشور هستند مراجع صلاحیّت‌دار ذیربط می‌توانند هیئت‌های مشترک تحقیق تشکیل دهند. در صورت فقدان چنین موافقت‌نامه‌ها یا ترتیباتی، تحقیقات مشترک را می‌توان بر اساس توافقات موردی

انجام داد. کشورهای عضو ذیربط باید اطمینان حاصل کنند که حق حاکمیت کشور عضو که چنین تحقیقاتی در قلمروی آن انجام می‌گیرد به طور کامل رعایت گردد.

ماده ۲۰- فنون ویژه تحقیق

۱-به منظور مبارزه مؤثر با جرایم سازمان‌یافته، تمامی کشورهای عضو، در حدود امکانات و تحت شرایط پیشبینی شده در قوانین داخلی خود، و چنانچه اصول اساسی نظام حقوق داخلی آن ها اجازه داده باشد، تدابیر لازم را اتخاذ خواهد نمود تا اجازه دهند از تحویل کنترل شده و در موارد مقتضی، از سایر روش‌های ویژه تحقیق از قبیل مراقبت‌های الکترونیکی یا سایر شکل های مراقبت و عملیات مخفی، از سوی مراجع صلاحیّتدار خود قلمروی خویش به طور مناسب استفاده شود.

۲-به منظور انجام تحقیقات لازم در مورد جرایم موضوع این مقاوله‌نامه، کشورهای عضو ترغیب می‌شوند که در موارد ضروری، موافقت‌نامه‌ها یا ترتیبات دو جانبه یا چند جانبه مناسب برای استفاده از روش‌های ویژه تحقیق در قالب همکاری‌های بین‌المللی منعقد کنند. این موافقت‌نامه‌ها یا ترتیبات باید با رعایت کامل اصل برابری حق حاکمیت کشورها منعقد و اجرا شوند، و مفاد آنها باید به طور دقیق طبق شرایط مندرج در موافقت‌نامه‌ها یا ترتیبات مزبور اجرا گردد.

۳-در صورت فقدان ترتیبات یا موافقتنامه‌های مذکور در بند (۲) این ماده، در مورد استفاده از این‌گونه روش‌های ویژه تحقیق در سطح بین‌المللی به صورت موردی تصمیم گیری خواهد شد و در مواقع لازم، ممکن است ترتیبات و تفاهمات مالی مربوط به اعمال اختیارات قانونی از سوی کشورهای عضو ذیربط در نظر گرفته شوند.

۴-تصمیمات مربوط به استفاده از روش تحویل کنترل شده در سطح بین‌المللی ممکن است، با موافقت کشورهای عضو ذیربط، شامل روش‌هایی مانند ردیابی و اجازه حمل کالا به صورت دست نخورده، یا برداشتن یا جایگزین کردن بخشی یا کل از آن باشد.

ماده ۲۱- احاله دادرسی کیفری

کشورهای عضو، امکان احاله دادرسی برای رسیدگی به جرایم موضوع این مقاوله‌نامه به یکدیگر را در مواردی که این احاله برای اجرای صحیح عدالت مفید ارزیابی شود، به ویژه در مواردی که کشورهای مختلف در پرونده دخیل هستند، با هدف متمرکز ساختن رسیدگی، مدنظر قرار خواهند داد.

ماده ۲۲- تشکیل سابقه کیفری

تمامی کشورهای عضو، می‌توانند تدابیر قانونگذاری و سایر تدابیر لازم را اتخاذ کنند تا تحت شرایط و برای اهدافی که مناسب تشخیص می‌دهند، هرگونه محکومیت قبلی متهم مورد ادعا در یک کشور دیگر، به منظور استفاده در رسیدگی کیفری به جرایم موضوع این مقاوله‌نامه مورد نظر گرفته شوند.

ماده ۲۳- جرم انگاری ممانعت از اجرای عدالت

تمامی کشورهای عضو تدابیر قانونگذاری و سایر تدابیر لازم را اتخاذ خواهند نمود تا اقدامات زیر، چنانچه عامدانه صورت گیرند، عمل مجرمانه تلقی شوند:

الف: استفاده از زور، تهدید یا ارعاب، وعده، پیشنهاد یا اعطای امتیاز نابجا به منظور وادار کردن به ادای شهادت دروغ یا دخالت در ادای شهادت یا تسلیم شواهد و مدارک در جریان دادرسی مربوط به جرایم موضوع این مقاوله‌نامه؛

ب: استفاده از زور، تهدید یا ارعاب برای دخالت در انجام وظایف رسمی یک قاضی یا مأمور مجری قانون در رابطه با ارتکاب جرایم موضوع این مقاوله‌نامه. مفاد این بند به حق کشورهای عضو برای داشتن قوانینی در زمینه حمایت از سایر طبقات کارمندان کشور خدشه وارد نخواهد کرد.

ماده ۲۴- حمایت از شهود

۱-تمامی کشورهای عضو در حدود امکانات خود، برای حمایت مؤثر از شهودی که در جریان دادرسی کیفری راجع به جرایم موضوع این مقاوله‌نامه شهادت می‌دهند، و بر حسب اقتضاء از

خویشاوندان و سایر نزدیکان آنان، در برابر انتقام جویی یا ارعاب احتمالی، تدابیر مناسب اتخاذ خواهند نمود.

۲-تدابیر پیشبینی شده در بند (۱) این ماده، علاوه بر سایر موارد، ممکن است، بدون آنکه به حقوق متهم از جمله حق برخورداری از دادرسی منصفانه خدشه وارد نماید، موارد زیر را نیز در بر گیرد:

الف: وضع تشریفات لازم برای حفاظت جسمانی این افراد، مانند تا حدودی که لازم و عملی باشد، تغییر مکان و در صورت اقتضاء، اجازه افشاء یا تعیین حدود افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل زندگی این افراد؛

ب: تدوین مقررات مربوط به ارائه شواهد و مستندات تا بدین ترتیب شهادت شهود به گونه‌ای ارائه شود که ایمنی آنان تضمین گردد، مانند دادن اجازه ادای شهادت با استفاده از فناوری ارتباطات، از قبیل ارتباطات ویدیویی یا سایر وسایل مناسب.

۳-کشورهای عضو، امکان انعقاد موافقت‌نامه‌ها یا ترتیباتی را با سایر کشورها در زمینه انتقال افراد به محل جدید مورد اشاره در بند (۱) این ماده، مدنظر قرار خواهند داد.

۴-مفاد این ماده در مورد قربانیان تنها در صورتی اعمال خواهد شد که این افراد یک شاهد محسوب شوند.

ماده ۲۵- معاضدت به قربانیان و حمایت از آنان

۱-تمامی کشورهای عضو در حدود امکانات خود، برای کمک به قربانیان جرایم موضوع این مقاوله‌نامه و حمایت از آنان، به ویژه در مواردی که خطر انتقام جویی یا ارعاب آنان وجود دارد، تدابیر مناسب اتخاذ خواهند کرد.

۲-تمامی کشورهای عضو، برای فراهم آوردن امکان دستیابی به جبران خسارت قربانیان جرایم موضوع این مقاوله‌نامه و اعاده وضعیت سابق آنان تشریفات مناسب مقرر خواهد کرد.

۳-تمامی کشورهای عضو، با رعایت قوانین داخلی خود، امکان طرح و بررسی نظرات و نگرانی‌های قربانیان را در مراحل مناسب دادرسی کیفری علیه مجرمان فراهم خواهند کرد، به گونه‌ای که به حق دفاع آنان خدشه وارد نشود.

ماده ۲۶- تدابیر لازم برای تقویت همکاریها با مقامات مجری قانون

۱-تمامی کشورهای عضو، برای ترغیب اشخاصی که در گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته مشارکت داشته یا دارند تدابیر مقتضی اتخاذ خواهد کرد تا ایشان:

الف: اطلاعاتی‌که برای انجام تحقیقات یا جمع‌آوری مدارک و مستندات درباره موضوعاتی از قبیل موارد زیر مفید خواهند بود را برای مراجع صلاحیت‌دار تأمین کنند:

۱)هویت، ماهیت، ترکیب، ساختار، مکان یا فعالیت‌های گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته؛

۲)ارتباط، شامل ارتباطات بین‌المللی، با سایر گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته؛

۳)جرایمی که گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته مرتکب شده‌اند یا ممکن است مرتکب شوند.

ب : ارائه کمکهای واقعی و معین به مراجع صلاحیّت‌دار که ممکن است بـه محروم ساختن گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته از منابع مالی آنها یا عواید حاصل از جرم کمک کند.

۲-تمامی کشورهای عضو، در موارد مقتضی، امکان تخفیف مجازات متهمی را که در جریان تحقیق یا رسیدگی به جرم مشمول این مقاوله‌نامه، همکاری قابل توجه داشته است را مد نظر قرار خواهند داد.

۳-تمامی کشورهای عضو طبق اصول بنیادین حقوق داخلی خود، پیشبینی امکان اعطای مصونیت از پیگرد را به شخصی که در جریان تحقیق یا رسیدگی به جرم مشمول این مقاوله‌نامه همکاری قابل توجه کند، مدنظر قرار خواهند داد.

۴-حمایت از این اشخاص طبق مفاد ماده (۲۴) این مقاوله‌نامه صورت خواهد گرفت.

۵-هرگاه شخص موضوع بند (۱) این ماده که در یکی از کشورهای عضو حضور دارد بتواند با مراجع صلاحیّتدار کشور عضو دیگر همکاری قابل توجه داشته باشد، کشورهای عضو ذیربط می‌توانند ، انعقاد موافقت‌نامه‌ها یا ترتیباتی را طبق قانون داخلی خود برای ارائه رفتار مندرج در بندهای (۲) و (۳) این ماده توسط کشور عضو دیگر، مدنظر قرار دهند.

ماده ۲۷- همکاری در زمینه اجرای قانون

۱-به منظور ارتقای میزان کارآمد بودن اقدامات مربوط به اجرای قانون مبارزه با جرایم مشمول این مقاوله‌نامه، کشورهای عضو، مطابق با نظام‌های حقوقی و اداری داخلی خود، با یکدگر همکاری نزدیک خواهند داشت. تمامی کشورهای عضو به ویژه تدابیر مؤثری را برای موارد زیر اتخاذ خواهند کرد:

الف: تقویت و در صورت لزوم، ایجاد مجاری ارتباطی میان مقامات، نهادها و دوایر صلاحیّتدار به منظور تسهیل تبادل سریع و ایمن اطلاعات مربوط به کلیه جوانب جرایم مشمول این مقاوله‌نامه، شامل، در صورتیکه کشورهای عضو مربوط مقتضی بدانند، ارتباطات آنها با سایر فعالیت‌های مجرمانه؛

ب: همکاری با سایر کشورهای عضو در زمینه انجام تحقیقات راجع به جرایم مشمول این مقاوله‌نامه: در موارد زیر:

۱)هویت، مکان و فعالیت‌های اشخاص مظنون به دخالت در ارتکاب این جرایم یا محل سایر افراد ذیربط

۲)جابجایی عواید حاصل از جرم، یا اموال کسب شده از طریق ارتکاب آن جرایم؛

۳)جابجایی اموال، تجهیزات یا سایر وسایلی که برای ارتکاب این جرایم مورد استفاده قرار گرفته یا قرار بوده مورد استفاده قرار گیرند.

پ: فراهم آوردن اقلام یا مقادیری از مواد لازم برای مقاصد تحلیلی یا تحقیقاتی، در موارد مقتضی؛

ت: تسهیل هماهنگی مؤثر بین مقامات، نهادها و دوایر صلاحیّتدار و افزایش تبادل کارمندان و سایر کارشناسان، شامل تعیین مأمورین رابط با رعایت موافقت‌نامه‌ها یا ترتیبات دو جانبه بین کشورهای عضو ذیربط؛

ث: مبادله اطلاعات با سایر کشورهای عضو در مورد ابزار و شیوه‌های خاص مورد استفاده گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته، شامل، در موارد مقتضی، اطلاعات مربوط به مسیرها و وسایل نقلیه و استفاده از هویت جعلی، اسناد مخدوش یا جعلی یا دیگر ابزار اختفای فعالیت‌های آنها؛

ج: مبادله اطلاعات و هماهنگ کردن تدابیر اداری و سایر تدابیر اتخاذ شده، بر حسب اقتضاء، به منظور کشف سریع جرایم مشمول این مقاوله‌نامه؛

۲-به منظور لازم‌الاجرا کردن این مقاوله‌نامه، کشورهای عضو انعقاد موافقت‌نامه‌ها یا ترتیبات دو جانبه یا چند جانبه در زمینه همکاری مستقیم بین نهادهای مجری قانون خود، و در مواردی که چنین موافقت‌نامه‌ها یا ترتیباتی از قبل وجود دارند، اصلاح آنها را مدنظر قرار خواهند داد. در صورت فقدان اینگونه موافقت‌نامه‌ها یا ترتیباتی بین کشورهای عضو مربوط، اعضا می‌توانند این مقاوله‌نامه را به عنوان مبنای همکاری متقابل در زمینه اجرای قانون در خصوص جرایم مشمول این مقاوله‌نامه تلقی کنند. کشورهای عضو، در موارد مقتضی، از موافقت‌نامه‌ها یا ترتیبات از جمله سازمان‌های بین‌المللی یا منطقه‌ای برای ارتقای همکاری میان نهادهای مجری قانون خود حداکثر استفاده را خواهند نمود.

۳-کشورهای عضو تلاش خواهند کرد در حدود امکانات خود با جرایم سازمان‌یافته فراملی که از طریق استفاده از فن آوری جدید انجام می‌شوند، مقابله کنند.

ماده ۲۸- جمع آوری، مبادله و تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به ماهیت جرایم سازمان‌یافته

۱-تمامی کشورهای عضو، ضمن مشاوره با جوامع علمی و دانشگاهی، تجزیه و تحلیل روندهای جرایم سازمان‌یافته در سرزمین خود، اوضاع و احوالی که جرایم سازمان‌یافته در آن اتفاق می افتند و نیز گروه‌های حرفه‌ای دخیل و فناوری های مورد استفاده را مدنظر قرار خواهند داد.

۲-کشورهای عضو، توسعه و به شراکت گذاردن دانش کارشناسی در زمینه فعالیت‌های مجرمانه سازمان‌یافته را با یکدیگر و از طریق سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، مدنظر قرار خواهند داد. بدین منظور، لازم است تعریف‌ها، استانداردها و روش‌های مشترک وضع و بر حسب اقتضاء اعمال شوند.

۳-تمامی کشورهای عضو، موضوع پایش بر سیاست‌ها و تدابیر عملی برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته و ارزیابی میزان تأثیر و کارآیی آنها را مدنظر قرار خواهند داد.

ماده ۲۹- همکاری‌های آموزشی و فنی

۱-تمامی کشورهای عضو، بر حسب ضرورت، به منظور تدوین، توسعه یا بهبود برنامه های ویژه آموزشی برای مجریان قانون، شامل دادستان‌ها، قضات تحقیق و کارکنان گمرک، و سایر کارکنان دست‌اندرکار پیش‌گیری، کشف و کنترل جرایم موضوع این مقاوله‌نامه، اقدام خواهند کرد. این برنامه‌ها می‌تواند شامل مبادله و انتقال مؤقت کارکنان باشد. این برنامه‌ها، به ویژه و تاحدی‌که قانون داخلی اجازه می‌دهد، به موارد زیر خواهند پرداخت:

الف: روش‌های مورد استفاده در پیش‌گیری، شناسایی و کنترل جرایم موضوع این مقاوله‌نامه؛

ب: مسیرها و فنون مورد استفاده اشخاص مظنون به دخالت در جرایم موضوع این مقاوله‌نامه شامل مسیرها و فنون مورد استفاده در کشورهای ترانزیت، و تدابیر پیش‌گیرانه مناسب؛

پ: پایش جابجایی کالاهای قاچاق؛

ت: کشف و پایش جابجایی عواید حاصل از جرم، اموال، تجهیزات یا سایر وسایل و روش‌هایی که برای انتقال، اختفا یا تغییر و تبدیل عواید، اموال، تجهیزات یا سایر وسایل مزبور و نیز روش‌های مورد استفاده در مبارزه با پولشویی و دیگر جرایم مورد استفاده قرار می‌گیرند؛

ث: جمع‌آوری شواهد و مدارک؛

ج: فنون کنترل در مناطق آزاد تجاری و بنادر آزاد؛

چ: فنون و تجهیزات نوین اجرای قانون، شامل مراقبت الکترونیکی، تحویل کنترل شده، و عملیات مخفی؛

ح: روش‌های مورد استفاده در مبارزه با آن دسته از جرایم سازمان‌یافته فراملی که با استفاده از رایانه، شبکه‌های ارتباطات از راه دور یا سایر شکلهای فناوری نوین صورت می‌گیرند؛

خ: روش‌های مورد استفاده برای حمایت از قربانیان و شهود.

۲-کشورهای عضو در زمینه طراحی و اجرای برنامه‌های تحقیقاتی و آموزشی به منظور استفاده از دانش تخصصی در حوزه‌های موضوع بند (۱) این ماده به یکدیگر کمک خواهند کرد و بدین منظور در موارد مقتضی از کنفرانس‌ها و سمینارهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای ترغیب همکاری و تشویق بحث پیرامون نگرانی‌های مشترک از جمله مشکلات و نیازهای خاص کشورهای ترانزیت، بهره خواهند گرفت.

۳-کشورهای عضو، همکاری‌های فنی و آموزشی که استرداد مجرمین و معاضدت حقوقی متقابل را تسهیل می‌کنند را ارتقاء خواهند داد. این مساعدتهای فنی و آموزشی ممکن است آموزش زبان، انتقال موقت و تبادل کارکنان نهادها یا مراجع مرکزی دارای مسئولیت‌های مربوط را در بر بگیرد.

۴-در صورتیکه ترتیبات یا موافقتنامه‌های چند جانبه و دو جانبه وجود داشته باشند، کشورهای عضو، در حد لازم، تلاش‌های خود را برای به حداکثر رساندن فعالیت‌های آموزشی و عملیاتی در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز در سایر ترتیبات یا موافقتنامه‌های دو جانبه و چند جانبه مربوط، تقویت خواهند کرد.

ماده ۳۰- سایر تدابیر: اجرای مقاوله‌نامه از طریق همکاری‌های فنی و توسعه اقتصادی

۱-به منظور اجرای بهینه این مقاوله‌نامه، حتی المقدور از طریق همکاری بین‌المللی، و با در نظر گرفتن تبعات منفی جرایم سازمان‌یافته بر جامعه به طور کلی، و به ویژه بر توسعه پایدار، کشورهای عضو، تدابیر مناسب را اتخاذ خواهند کرد.

۲-کشورهای عضو حتی‌المقدور و با هماهنگی یکدیگر و نیز سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در خصوص موارد زیر به طور جدی تلاش خواهند نمود:

الف: افزایش همکاری‌های خود با کشورهای در حال توسعه در سطوح مختلف با هدف تقویت توان کشورهای یاد شده اخیر برای پیشگیری و مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی؛

ب: افزایش همکاری‌های مالی و مادی به منظور حمایت از تلاش‌های کشورهای در حال توسعه در راستای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی و کمک به آنها برای اجرای موفقیت‌آمیز این مقاوله‌نامه؛

پ: ارائه همکاری‌های فنی به کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذر به منظور کمک به آنها در تحقق نیازهای خود برای اجرای این مقاوله‌نامه. در این راستا، کشورهای عضو در زمینه اعطای کمک های مالی داوطلبانه کافی و منظم به حسابی که به طور مشخص برای این منظور در نظام تأمین مالی سازمان ملل متحد اختصاص یافته است، اهتمام خواهند ورزید. کشورهای عضو همچنین بر اساس قانون داخلی خود و مفاد این مقاوله‌نامه، اعطای درصدی از وجوه یا معادل ارزش عواید حاصل از جرم یا اموال مصادره شده طبق مفاد این مقاوله‌نامه، اعطای درصدی از وجوه یا معادل ارزش عواید حاصل از جرم یا اموال مصادره شده طبق مفاد این مقاوله‌نامه، به عنوان کمک به حساب یاد شده بالا را به طور خاص مورد بررسی قرار خواهند داد؛

ت: تشویق و ترغیب سایر کشورها و مؤسسات مالی، در صورت اقتضاء، برای ملحق شدن به اقداماتی که طبق این ماده انجام می‌شوند، به ویژه با ارائه برنامه‌های آموزشی بیشتر و

تجهیزات نوین برای کشورهای در حال توسعه به منظور کمک بـه آنها در دستیابی به اهداف این مقاوله‌نامه.

۳-این تدابیر نباید به تعهدات موجود در زمینه کمکهای خارجی یا سایر ترتیبات همکاری‌های مالی دو جانبه، منطقه‌ای یا بین‌المللی لطمه وارد نماید.

۴-با در نظر گرفتن ترتیبات مالی لازم برای اثر بخش نمودن ابزارهای همکاری‌های بین‌المللی پیشبینی شده در این مقاوله‌نامه و با هدف پیشگیری، کشف و کنترل جرایم سازمان‌یافته فراملی، کشورهای عضو می‌توانند موافقت‌نامه‌ها یا ترتیبات دو یا چند جانبه در زمینه همکاری‌های مادی و پشتیبانی منعقد کنند.

ماده ۳۱- پیشگیری

۱-کشورهای عضو تلاش خواهند نمود به منظور پیشگیری از جرایم سازمان‌یافته فراملی، پروژه‌های ملی ایجاد و ارزیابی و بهترین راهکارها و سیاست‌های لازم را ایجاد و تقویت کنند.

۲-کشورهای عضو، طبق اصول بنیادین حقوق داخلی خود و با استفاده از تدابیر حقوقی، اداری یا سایر تدابیر مقتضی، تلاش خواهند نمود فرصت‌های فعلی یا آتی گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته برای استفاده از عواید حاصل از جرم در بازارهای قانونی را کاهش دهند. این تدابیر بر موارد زیر متمرکز خواهد بود:

الف: تقویت همکاری بین دستگاههای مجری قانون یا دادستان‌ها و نهادهای خصوصی مربوط؛

ب: ارتقای توسعه موازین و رویه‌های طراحی شده برای تأمین یکپارچگی نهادهای عمومی و نهادهای ذیربط خصوصی و نیز ضوابط رفتاری تخصص‌های مربوط، به ویژه وکلا، سردفتران، مشاوران مالیاتی و حسابداران؛

پ: پیشگیری از سوءاستفاده گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته از تشریفات مناقصه‌هایی که توسط مراجع عمومی برگزار می‌شود و یارانه‌ها و مجوزهایی که از سوی مقامات عمومی برای فعالیت‌های تجاری اعطا می‌شوند؛

ت: پیشگیری از سوءاستفاده گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته از اشخاص حقوقی؛ این تدابیر می‌تواند شامل موارد زیر باشند:

۱)ایجاد سوابق عمومی برای اشخاص حقیقی و حقوقی دست‌اندر کار تأسیس، اداره و تأمین سرمایه اشخاص حقوقی؛
۲)معرفی امکان برکناری یا محرومیت اشخاص محکوم به ارتکاب جرایم موضوع مقاوله‌نامه از تصدی مدیریت اشخاص حقوقی ثبت شده کشور آنها به موجب دستور دادگاه یا هر ابزار مناسب دیگر برای مدت زمان معقول؛
۳)ایجاد سوابق ملی از اشخاصی که از تصدی مدیریت اشخاص حقوقی برکناری یا محروم شده‌اند؛
۴)تبادل اطلاعات مندرج در سوابق مورد اشاره در بند (۱) و (۳) بخش (د) این بند با مراجع صلاحیّت‌دار سایر کشورها عضو.

۳-کشورهای عضو برای ارتقای ادغام مجدد اشخاص محکوم به ارتکاب جرایم موضوع این مقاوله‌نامه در جامعه تلاش خواهند کرد.

۴-کشورهای عضو تلاش خواهند کرد اسناد قانونی مربوط و رویه‌های اداری موجود را به منظور کشف نقاط آسیب پذیر آنها در برابر سوءاستفاده گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته به طور منظم ارزیابی کنند.

۵-کشورهای عضو تلاش خواهند کرد میزان آگاهی عمومی در مورد وجود، علل و شدت جرایم سازمان‌یافته فراملی و خطرات ناشی از آنها را ارتقاء دهند. در موارد مقتضی، اطلاعات مربوط را می‌توان از طریق رسانه‌های عمومی منتشر نمود و شامل تدابیری برای ارتقای مشارکت عمومی در پیشگیری و مقابله با چنین جرائمی خواهد بود.

۶-تمامی کشورهای عضو، نام و نشانی مقام یا مقاماتی را که می‌توانند در توسعه تدابیر مربوط بـه پیشگیری از جرایم سازمان‌یافته فراملی به سایر کشورهای عضو کمک کنند، در اختیار دبیرکل سازمان ملل متحد قرار خواهند داد.

۷-کشورهای عضو، در صورت اقتضاء، برای تقویت و توسعه تدابیر موضوع این ماده با یکدیگر و با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ذیربط همکاری خواهند کرد. این امر شامل مشارکت در پروژه‌های بین‌المللی پیشگیری از جرایم سازمان‌یافته، به طور مثال، از بین بردن شرایط و مقتضیاتی خواهد بود که گروه‌های حاشیه نشین جامعه را نسبت به فعالیت‌های جرایم سازمان‌یافته فراملی آسیب پذیر می‌سازند.

ماده ۳۲- کنفرانس کشورهای عضو مقاوله‌نامه

۱-به این وسیله، با هدف بهبود ظرفیت کشورهای عضو برای مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی و ارتقاء و بررسی نحوه اجرای این مقاوله‌نامه، کنفرانس کشورهای عضو مقاوله‌نامه تأسیس می‌گردد.

۲-دبیرکل سازمان ملل متحد این کنفرانس را حداکثر ظرف یک سال پس از لازم‌الاجرا شدن این مقاوله‌نامه برگزار خواهد نمود. کنفرانس کشورهای عضو آیین‌نامه و قواعد ناظر بر نحوه فعالیت مندرج در بندهای (۳)و (۴) این ماده (شامل قواعد مربوط به نحوه پرداخت مخارج مربوط به اجرای این فعالیت‌ها) را تصویب خواهد نمود.

۳-کنفرانس کشورهای عضو در مورد سازوکارهای لازم برای دستیابی به اهداف مندرج در بند (۱) این ماده، شامل موارد زیر، توافق خواهند کرد:

الف: تسهیل فعالیت‌های کشورهای عضو به موجب مواد (۲۹)، (۳۰) و (۳۱) این مقاوله‌نامه شامل تشویق بسیج کمکهای داوطلبانه؛

ب: تسهیل تبادل اطلاعات میان کشورهای عضو درمورد الگوها و روندهای جرایم سازمان‌یافته فراملی و شیوه‌های موفق مبارزه با آنها؛

ج: همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی مربوط؛

ه: بررسی ادواری نحوه اجرای مقاوله‌نامه؛

و: ارائه توصیه‌های لازم برای بهبود این مقاوله‌نامه و اجرای آن.

۴-در راستای بخش‌های (د) و (هـ) بند (۳) این ماده، کنفرانس کشورهای عضو درباره اقداماتی که کشورهای عضو برای اجرای این مقاوله‌نامه به عمل آورده‌اند و نیز مشکلاتی که تجربه کرده‌اند، از طریق اطلاعات ارائه شده بوسیله آنها و سازوکارهای بررسی‌های تکمیلی که ممکن است کنفرانس اعضاء مقرر کنند، اطلاعات لازم را به دست خواهد آورد.

۵-تمامی کشورهای عضو درباره برنامه‌ها، طرحها و راهکارها و نیز تدابیر قانونگذاری و اداری خود برای اجرای این مقاوله‌نامه که کنفرانس کشورهای عضو مقرر کرده است، اطلاعات لازم را در اختیار کنفرانس اعضاء قرار خواهند داد.

ماده ۳۳- دبیرخانه

۱-دبیرکل سازمان ملل متحد خدمات دبیرخانه‌ای لازم را برای کنفرانس کشورهای عضو این مقاوله‌نامه تأمین خواهد کرد.

۲-این دبیرخانه:

الف: در اجرای فعالیت‌های مندرج در ماده (۳۲) به کنفرانس کشورهای عضو کمک خواهد کرد و برای برگزاری جلسات کنفرانس کشورهای عضو ترتیباتی را تهیه و خدمات لازم را فراهم خواهد نمود؛

ب: حسب درخواست، در ارائه اطلاعات لازم به کنفرانس کشورهای عضو، به گونه‌ای که در (بند ۵) ماده (۳۲) پیش بینی شده است به کشورهای عضو کمک خواهد کرد؛

پ: هماهنگیهای لازم را با دبیرخانه های سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مربوط به عمل خواهد آورد.

ماده ۳۴- اجرای مقاوله‌نامه

۱-تمامی کشورهای عضو تدابیر لازم را براساس اصول بنیادین حقوق داخلی خود، شامل تدابیر تقنینی و اداری، در راستای تضمین اجرای تعهدات خود به موجب این مقاوله‌نامه اتخاذ خواهد نمود.

۲-جرایم موضوع مواد (۵) ،(۶) ،(۸) و (۲۳) این مقاوله‌نامه، در قانون داخلی تمامی کشورهای عضو، مستقل از ماهیت فراملی یا دخالت یک گروه مجرم سازمان‌یافته موضوع بند (۱) ماده (۳) این مقاوله‌نامه، لحاظ خواهند شد، به جز تا حدودی که ماده (۵) این مقاوله‌نامه دخالت یک گروه مجرم سازمان یافته را مقرر نموده است.

۳-تمام کشورهای عضو می‌توانند تدابیری شدیدتر یا سخت‌گیرانه‌تر از موارد پیشبینی شده در این مقاوله‌نامه را برای پیشگیری و مقابله با جرایم سازمان یافته فراملی اتخاذ کنند.

ماده ۳۵- حل و فصل اختلافات

۱-کشورهای عضو تلاش خواهند کرد اختلافات ناشی از تفسیر یا کاربرد این مقاوله‌نامه را از طریق مذاکره حل و فصل کنند.

۲-هرگونه اختلاف بین دو یا چند کشور عضو در رابطه با تفسیر یا کاربرد این مقاوله‌نامه که از طریق مذاکره در مدت زمان معقول قابل حل و فصل نباشد، بنا بر درخواست یکی از آن کشورهای عضو، به داوری ارجاع خواهد شد. چنانچه، ظرف شش ماه پس از تاریخ درخواست ارجاع به داوری، کشورهای عضو مزبور نتوانند در مورد ساختار داوری به توافق برسند، هریک از آن کشورهای عضو می‌تواند طی درخواستی که طبق اساسنامه دادگاه بین‌المللی دادگستری تهیه می‌شود، موضوع را به دادگاه مزبور ارجاع نماید.

۳-تمامی کشورهای عضو می‌توانند در زمان امضاء، تأیید، پذیرش، تصویب یا الحاق به این مقاوله‌نامه اعلام کنند که خود را نسبت به بند (۲) این ماده متعهد نمی‌دانند. سایر کشورهای عضو نسبت به هر کشور عضوی که چنین حق شرطی را لحاظ نموده باشد، تعهد نخواهند داشت.

۴-هر کشور عضوی که طبق بند (۳) این ماده حق شرطی را لحاظ نموده باشد، در هر زمان می‌تواند با ارسال اطلاعیه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد از حق شرط مزبور صرف نظر نماید.

ماده ۳۶- تأیید، پذیرش، تصویب و الحاق

۱-این مقاوله‌نامه از تاریخ ۱۲ لغایت ۱۵ دسامبر ۲۰۰۰ در شهر پالرموی ایتالیا و پس از آن تا ۱۲ دسامبر ۲۰۰۲ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک برای امضای کلیه کشورها مفتوح خواهد بود.

۲-این مقاوله‌نامه برای امضای سازمان‌های منطقه‌ای همکاری‌های اقتصادی نیز مفتوح خواهد بود، مشروط بر آنکه حداقل یک کشور عضو چنین سازمانی طبق بند (۱) این ماده، این مقاوله‌نامه را امضاء کرده باشد.

۳-این مقاوله‌نامه منوط به تأیید ، پذیرش، یا تصویب می‌باشد. اسناد تأیید، پذیرش یا تصویب نزد دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده می‌شود. هر سازمان منطقه‌ای همکاری‌های اقتصادی می‌تواند اسناد تأیید، پذیرش یا تصویب را تودیع نماید، مشروط بر آنکه حداقل یکی از کشورهای عضو آن قبلاً این کار را انجام داده باشد. سازمان مزبور باید در اسناد تأیید، پذیرش یا تصویب خود، میزان صلاحیت خود را نسبت به موضوعات تابع این مقاوله‌نامه اعلام کنند . این سازمان‌ها باید هرگونه تغییر مرتبط در حوزه صلاحیت خود را نیز به امین اسناد اعلام کنند.

۴-این مقاوله‌نامه برای الحاق هر کشور یا سازمان منطقه‌ای همکاری‌های اقتصادی که حداقل یک کشور عضو آن باید عضو این مقاوله‌نامه باشد، مفتوح است. اسناد الحاق به دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد. سازمان منطقه‌ای همکاری‌های اقتصادی باید در زمان الحاق، میزان صلاحیت خود را نسبت به موضوعات تابع این مقاوله‌نامه اعلام نماید. سازمان مزبور باید هرگونه تغییر مرتبط در حوزه صلاحیت خود را به امین اسناد اعلام نماید.

ماده ۳۷- ارتباط با پروتکل‌ها

۱-یک یا چند پروتکل می‌توانند این مقاوله‌نامه را تکمیل کنند.

۲-عضویت یک کشور یا سازمان منطقه‌ای همکاری‌های اقتصادی در پروتکل‌ها مستلزم عضویت در این مقاوله‌نامه است.

۳-تمامی کشورهای عضو این مقاوله‌نامه ملزم به رعایت یک پروتکل نخواهند بود مگر آن که طبق مقررات پروتکل مزبور در آن عضویت داشته باشد.

۴-تمامی پروتکل‌های این مقاوله‌نامه با توجه به هدف پروتکل مورد نظر و به همراه این مقاوله‌نامه تفسیر خواهند شد.

ماده ۳۸ - لازم‌الاجرا شدن

۱-این مقاوله‌نامه در نودمین روز پس از تاریخ تودیع چهلمین سند تأیید، پذیرش، تصویب یا الحاق لازم‌الاجرا خواهد شد. با اینحال، سند تودیع شده از سوی یک سازمان منطقه‌ای همکاری‌های اقتصادی به تعداد اسناد تودیع شده از سوی کشورهای عضو آن سازمان اضافه نخواهد شد.

۲-این مقاوله‌نامه در مورد تمامی کشورها یا سازمان منطقه‌ای همکاری‌های اقتصادی که بعد از تودیع چهلمین سند تأیید، پذیرش، تصویب یا الحاق، این مقاوله‌نامه را مورد تأیید، پذیرش یا تصویب قرارداده یا به آن ملحق می شوند، در سی‌امین روز پس از تاریخ تودیع سند مربوط آن کشور یا سازمان مزبور، لازم‌الاجرا خواهد شد.

ماده ۳۹- اصلاحات

۱-پس از گذشت پنج سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این مقاوله‌نامه، هر کشور عضو می‌تواند پیشنهاد اصلاح آن را به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم نماید . دبیرکل بلافاصله اصلاحیه پیشنهادی را به منظور بررسی و تصمیم گیری به اطلاع کشورهای عضو و کنفرانس کشورهای عضو مقاوله‌نامه خواهد رساند. کنفرانس کشورهای تمام کوشش خود را به کار خواهند گرفت تا در مورد هر پیشنهاد مطرح شده به اجماع برسند. چنانچه تلاش‌ها برای رسیدن به اجماع بی نتیجه ماند و توافقی حاصل نشد، به عنوان آخرین راه حل، تصویب اصلاحیه پیشنهادی مستلزم کسب رای اکثریت دو سوم کشورهای عضو حاضر و رای دهنده در جلسه کنفرانس کشورهای عضو خواهد بود.

۲-سازمان‌های منطقه‌ای همکاری‌های اقتصادی، در اموری که در حیطه صلاحیت آن ها قرار دارد به موجب این ماده از حق رای برابر با تعداد کشورهای عضو آن سازمان که در این مقاوله‌نامه نیز عضویت دارند، برخوردار خواهند بود. چنانچه کشورهای عضو سازمان‌های مزبور به صورت مستقل رای بدهند، این سازمان حق رای دادن نخواهند داشت و بالعکس.

۳-هراصلاحیه تصویب شده طبق بند (۱) این ماده منوط به تأیید، پذیرش یا تصویب کشورهای عضو خواهد بود.

۴-اصلاحات تصویب شده طبق بند (۱) این ماده، نود روز پس از تودیع سند تأیید، پذیرش یا تصویب از سوی یک کشور عضو نزد دبیرکل سازمان ملل متحد برای آن کشور عضو لازم‌الاجرا خواهد شد.

۵-در صورتیکه اصلاحیه‌ای لازم‌الاجرا شود، آن اصلاحیه برای کشورهایی که رضایت خود را برای متعهد شدن به آن اعلام کرده‌اند، الزام‌آور خواهد شد. سایر کشورهای عضو کماکان ملزم به مفاد قبلی این مقاوله‌نامه و هرگونه اصلاحیه قبلی که مورد تأیید، پذیرش یا تصویب آنها قرار گرفته است، خواهند بود.

ماده ۴۰- انصراف از عضویت

۱-کشورهای عضو می‌توانند با ارسال اطلاعیه کتبی به دبیرکل سازمان ملل متحد از عضویت در این مقاوله‌نامه انصراف دهند. انصراف از عضویت یک سال پس از وصول اطلاعیه توسط دبیرکل، نافذ خواهد بود.

۲-عضویت سازمان منطقه‌ای همکاری‌های اقتصادی در این مقاوله‌نامه زمانی پایان خواهد یافت که تمامی کشورهای عضو آن سازمان از عضویت در این مقاوله‌نامه انصراف دهند.

۳-انصراف از عضویت در این مقاوله‌نامه طبق بند (۱) این ماده انصراف از عضویت در پروتکل های مربوط را نیز در بر خواهد گرفت.

ماده ۴۱- امین اسناد و زبان‌ها

۱-دبیرکل سازمان ملل متحد، سمت امین اسناد این مقاوله‌نامه منصوب می‌شود.

۲-نسخه اصلی این مقاوله‌نامه که متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی آن از اعتبار یکسان برخوردار هستند، نزد دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد. در تأیید مراتب فوق، امضا کنندگان زیر که نمایندگان تام الاختیار و از سوی کشورهای متبوع اجازه لازم ر ا کسب کرده‌اند، این مقاوله‌نامه را امضا کرده‌اند.

پروتکل اختیاری علیه قاچاق مهاجران از طریق زمین، دریا و هوا ملحق به مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جنایات سازمان یافته فراملی[1]

مقدمه

کشورهای عضو این پروتکل،

اعلام می‌کنند که اقدام موثر برای جلوگیری و مبارزه با قاچاق مهاجران از طریق زمین، دریا و هوا نیازمند یک رویکرد جامع بین‌المللی است که شامل همکاری، تبادل اطلاعات و سایر اقدامات مناسب، از جمله اقدامات اجتماعی-اقتصادی، در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است،

با یادآوری قطعنامه ۲۱۲/۵۴ مجمع عمومی در تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۹۹، که در آن مجمع عمومی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد درخواست کرد تا همکاری بین‌المللی در حوزه مهاجرت بین‌المللی و توسعه را تقویت کنند تا با علل ریشه‌ای مهاجرت، به ویژه آنهایی که به فقر مربوط می شوند، مقابله کنند و منافع مهاجرت بین‌المللی را برای افراد مربوط به آن به حداکثر برسانند، و در صورت لزوم، سازوکارهای بین منطقه‌ای، منطقه‌ای و زیر منطقه‌ای را تشویق کرده و پرداختن به مسئله مهاجرت و توسعه را ادامه دهند،

با اطمینان از لزوم ارائه رفتار انسانی با مهاجران و حمایت کامل از حقوق آنها،

با در نظر گرفتن این واقعیت که علیرغم کارهای انجام شده در مجامع بین المللی دیگر، هیچ سند جهانی وجود ندارد که به تمام جنبه‌های قاچاق مهاجران و سایر موضوعات مرتبط بپردازد،

با نگرانی از افزایش قابل توجه فعالیت‌های گروه‌های جنایتکار سازمان یافته در قاچاق مهاجران و سایر فعالیت های مجرمانه مرتبط مندرج در این پروتکل که صدمات زیادی به کشورهای مربوطه وارد می‌کند،

همچنین با نگرانی از اینکه قاچاق مهاجران می‌تواند جان یا امنیت مهاجران درگیر را به خطر بیندازد

---

[1] Protocol against Smuggling of Migrants by Land, Sea and Air, supplementing the United Nations Convention against Transnational Organized Crime .(New York, 15 November 2000).

با یادآوری قطعنامه ۱۱۱/۵۳ مجمع عمومی مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۸، که در آن مجمع تصمیم به ایجاد یک کمیته موقت بین دولتی با پایان باز به منظور تدوین مقاوله‌نامه بین‌المللی جامع علیه جرایم سازمان یافته فراملی و بحث در مورد تدوین، از جمله، یک سند بین‌المللی برای رسیدگی به قاچاق غیرقانونی و حمل و نقل مهاجران، از جمله از طریق دریا گرفت،
با اعتقاد به اینکه تکمیل مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی با یک سند بین‌المللی علیه قاچاق مهاجران از طریق زمین، دریا و هوا در پیشگیری و مبارزه با آن جنایت مفید خواهد بود،
به شرح زیر موافقت کردند:

بخش اول: مقررات عمومی

ماده ۱: ارتباط با مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی

۱-این پروتکل، مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملیتی را تکمیل می‌کند و باید همراه با مقاوله‌نامه فوق تعبیر و تفسیر شود.
۲-مفاد مقاوله‌نامه فوق، با انجام تغییرات لازم، باید در این پروتکل اعمال شود، مگر اینکه به گونه دیگری پیشبینی شود.
۳-خلاف‌های ثابت شده مطابق با ماده ۶ این پروتکل باید خلاف ثابت شده بر اساس مقاوله‌نامه به شمار آورده شوند.

ماده ۲: اهداف پروتکل

هدف این پروتکل پیشگیری و مبارزه با قاچاق مهاجران و همچنین ترویج و حمایت از همکاری بین‌المللی کشورهای طرف به این منظور و حفظ حقوق مهاجران قاچاق شده است.

ماده ۳: واژه‌های استفاده شده برای مقاصد این پروتکل

الف: قاچاق مهاجران یعنی فراهم کردن امکان ورود غیر قانونی شخصی به یک کشور طرف که آن شخص شهروند یا مقیم دایم آن کشور نیست به منظور کسب مستقیم یا غیر مستقیم سود مالی یا سود مادی دیگر؛

ب: ورود غیر قانونی یعنی عبور از مرزها بدون رعایت شرایط مقتضیات ضروری ورود قانونی به کشور مقصد؛

ج: سند تقلبی شناسایی یا مسافرت یعنی هر سند شناسایی یا مسافرتی که:

۱)که به وسیله شخصی غیر از یک شخص یا سازمانی که قانوناً مجاز به ساختن یا صدور سند مسافرت یا شناسایی از جانب یک کشور است به صورت تقلبی ساخته شده یا در آن تغییر داده شده است؛

۲)به گونه‌ای نادرست صادر شده یا از طریق قلب واقعیت یا اظهارات دروغین، فساد یا اجبار و اکراه یا هر طریق غیر قانونی دیگری به دست آمده باشد؛

۳)شخصی غیر از صاحب قانونی آن از آن استفاده می‌کند؛

د: کشتی یعنی هر نوع وسیله سفر در آب، از جمله هاور کرافت های که در آب های کم عمق حرکت می‌کنند، و هواپیماهای که می‌توانند روی آب فرود آمده و از روی آب به پرواز درآیند، که از آن ها به عنوان وسیله حمل و نقل در روی آب استفاده می‌شود یا امکان استفاده وجود دارد، به استثنای کشتی جنگی، کشتی های کمک رسان نیروی دریایی یا کشتی های دیگر متعلق به کشور یا مورد استفاده کشور و در حال حاضر فقط در خدمت هدف های غیر تجاری کشور است.

ماده ۴: دامنه شمول کاربرد

این پروتکل، به استثنای مواردی که در این پروتکل خلاف آن مشخص شده باشد، برای پیشگیری، تحقیق و تعقیب جرایم تعیین شده مطابق با ماده ۶ این پروتکل، در صورتیکه این جرایم از نظر ماهیت فراملیتی باشند و شامل یک گروه جنایی سازمان یافته باشند، و همچنین برای حفاظت از حقوق افرادی که هدف چنین جرایم بوده‌اند، اعمال می شود.

ماده ۵: مسئولیت کیفری مهاجران

مهاجران نباید برای واقعیت بودن موضوع اعمال ذکر شده در ماده ۶ این پروتکل تحت پیگرد کیفری براساس این پروتکل قرارگیرند.

ماده ۶: مجرم قلمداد کردن

۱-هر کشور طرف باید چنین قوانین و سایر مقرراتی را تصویب کند که ممکن است لازم باشد تا اعمال زیر را که به عمد انجام می‌شود تا به طور مستقیم یا غیر مستقیم از آن نفع مالی یا نفع مادی دیگر حاصل شود، به عنوان جرایم کیفری مشخص کند:

الف: قاچاق مهاجران؛

ب: امکان پذیر ساختن قاچاق مهاجران:

۱)تهیه سند سفر یا شناسایی جعلی؛

۲)تهیه، فراهم کردن یا ارائه چنین سندی.

ج: اجازه دادن به شخصی که شهروند یا مقیم دائم کشور نیست، برای ماندن در کشور مورد نظر بدون رعایت شرایط لازم برای اقامت قانونی در کشور با استفاده از روش های ذکر شده در بند (ب) این پاراگراف یا هر روش غیرقانونی دیگر.

۲-هر کشور طرف همچنین باید چنین مقررات و قوانین دیگری را که ممکن است برای تعیین موارد زیر به عنوان جرایم کیفری ضروری باشد، تصویب کند:

الف: با توجه به مفاهیم اساسی نظام حقوقی آن، تلاش برای ارتکاب یک جرم تعیین شده مطابق با بند ۱ این ماده؛

ب: مشارکت به عنوان همدستی در یک جرم مشخص شده مطابق با بند ۱ (الف) ، بند ۱ (ب) (بند یک) یا بند ۱ (ج) این ماده و، با رعایت مفاهیم اساسی نظام حقوقی آن، مشارکت به عنوان همدستی در یک جرم مشخص شده مطابق با بند ۱ (ب) (بند دو) این ماده؛

ج: سازمان دادن یا هدایت اشخاص دیگر برای ارتکاب جرم ثابت شده مطابق پاراگراف ۱ این ماده.

۳-هر کشور طرف باید چنین قوانین و مقررات دیگری وضع کند که ممکن است برای اثبات به عنوان شرایط تشدید کننده برای جرایم اثبات شده مطابق پاراگراف یک (الف)، (ب)، (اول) و

(ج) این ماده و به تبعیت از مفاهیم اساسی نظام حقوقی خود، برای جرایم اثبات شده مطابق پاراگراف ۲ بندهای (ب) و (ج) این ماده لازم باشد، شرایطی مانند اینکه:
الف: زندگی یا ایمنی مهاجران مربوطه را به خطر اندازد یا احتمال دارد به خطر اندازد؛
ب: موجب رفتار غیر انسانی یا تحقیر آمیز شود، از جمله برای استثمار و بهره‌کشی از چنین مهاجرانی.
۴-هیچ عاملی در این پروتکل نباید مانع از آن شود که کشور طرفی اقداماتی علیه شخصی انجام دهد که رفتارش بر اساس قانون ملی آن جرم به حساب می‌آید.

بخش دوم: قاچاق مهاجران از طریق دریا

ماده ۷: همکاری‌ها

همکاری کشورهای طرف باید برای پیشگیری و متوقف کردن قاچاق مهاجران از دریا، مطابق با حقوق بین‌الملل دریاها حداکثر همکاری ممکن را به عمل آورند.

ماده ۸: مقررات و اقدامات علیه قاچاق مهاجران از دریا

۱-کشور عضوی که دلایل معقول دارد شک کند که یک کشتی که با پرچم آن حرکت می‌کند یا مدعی است در آن کشور به ثبت رسیده، بدون ملیت است یا اگرچه پرچمی خارجی دارد یا از نشان دادن پرچمی امتناع می‌کند، در واقع دارای ملیت کشور طرف مربوطه است، در قاچاق مهاجران در دریا فعالیت دارد می‌تواند برای پیشگیری از استفاده از آن کشتی برای این منظور خواهان کمک کشور های طرف دیگر شود. طرف‌های که با چنین تقاضایی روبه رو می‌شوند باید تا حد توان خود کمک کنند.
۲-کشور طرفی که دلایل معقول دارد شک کند یک کشتی که مطابق با حقوق بین‌الملل و برخورداری از پرچم کشور طرف دیگر یا نشان دادن شواهد ثبت در یک کشور دیگر آزادانه در حرکت است، در قاچاق مهاجران در دریا دست دارد می‌تواند به کشور صاحب پرچم اطلاع دهد، تأیید ثبت آن را در آن کشور بخواهد و در صورت تأیید، از آن کشور تقاضا کند اقدامات لازم

در باره آن کشتی به عمل آورد. کشور صاحب پرچم می‌تواند به کشور درخواست کننده اجازه دهد اقداماتی از جمله موارد زیر به عمل آورد:

الف: ماموران آن وارد کشتی شوند؛

ب: کشتی را تفتیش کنند؛

پ: چنانچه مدرکی پیدا شود نشان دهد کشتی در قاچاق مهاجران در دریا دست دارد، اقدامات مقتضی را در باره کشتی و سرنشینان و محموله آن، بگونه‌ای که از سوی کشور صاحب پرچم مجاز شناخته شده، به عمل آورد.

۳-کشور طرفی که هر اقدامی مطابق پاراگراف ۲ این ماده به عمل آورده باید نتایج آن اقدام را بلافاصله به کشور صاحب پرچم مربوطه اطلاع دهد.

۴-کشور طرف باید به سرعت به درخواست کشور طرف دیگر برای تعیین اینکه آیا یک کشتی ادعا می‌کند در آن کشور به ثبت رسیده و یا تحت پرچم آن حرکت می‌کند حق انجام این کار را دارد یا نه، و به تقاضای آن برای گرفتن اجازه (تفتیش) بر اساس پاراگراف ۲ این ماده ، پاسخ دهد.

۵-کشور صاحب پرچم بر اساس ماده ۷ این پروتکل می‌تواند موافقت خود را به شرایطی که به توافق آن و کشور درخواست کننده برسد، مشروط کند، از جمله شرایط مربوط به مسئولیت و میزان اقدامات مؤثری که باید انجام شود. کشور طرف نباید بدون موافقت صریح کشور صاحب پرچم اقدامات اضافی انجام دهد به استثنای اقداماتی که برای بر طرف کردن خطر فوری از زندگی اشخاص یا اقداماتی که از موافقتنامه‌های دو جانبه یا چند جانبه مربوطه ناشی می‌شود، ضروری است.

۶-هر کشور طرف برای درخواست و پاسخ دادن به درخواست های کمک درباره تأیید ثبت یا حق یک کشتی برای نصب پرچم آن، و برای موافقت با انجام تدابیر مناسب باید یک و در صورت ضرورت، چند مسئول منصوب کند. چنین انتصابی باید از طریق دبیرکل به همه کشور های طرف دیگر در طول یک ماه پس از انتصاب اطلاع داده شود.

۷-کشور طرفی که دلایل معقول دارد شک کند که یک کشتی در قاچاق مهاجران در دریا شرکت دارد و فاقد ملیت است یا ممکن است شبیه یک کشتی فاقد ملیت باشد، می‌تواند ماموران خود را وارد آن کشتی کرده و آن را تفتیش کند. اگر دلیلی که شک فوق را تأیید کند

یافته شود آن کشور طرف مطابق قوانین ملی و بین‌المللی مربوطه می‌تواند دست به اقدامات مناسب بزند.

ماده ۹: موضوعات مربوط به حفاظت

۱-هنگامیکه یک کشور طرف مطابق ماده ۸ این پروتکل دست به اقداماتی علیه یک کشتی می‌زند، موظف است:

الف: ایمنی سرنشینان آن و رفتار انسانی با آنان را تضمین کند؛

ب: در مورد به خطر نیفتادن امنیت کشتی یا محموله آن اقدامات لازم به عمل آورد؛

پ: درمورد ضرورت به خطر نینداختن منافع تجاری یا حقوقی کشور صاحب پرچم آن کشتی یا هر کشور ذینفع دیگری اقدام لازم به عمل آورد؛

ت: در محدوده امکانات موجود تضمین کند هر اقدامی که در ارتباط با کشتی انجام می‌شود با سلامت محیط زیست سازگار باشد.

۲-هرگاه ثابت شود دلایل برای اقدام براساس و به پیروی از ماده ۸ این پروتکل بی اساس بوده، به کشتی برای هر خسارت یا زیانی که ممکن است به آن وارد شده باشد باید غرامت پرداخته شود مشروط بر اینکه کشتی مرتکب هیچ عملی برای توجیه اقدامات انجام شده نگردیده باشد.

۳-هر تدبیری که مطابق این بخش به عمل آمده، تصویب یا اجرا شده باید ضرورت عدم مداخله در موارد زیر یا تأثیر بر آن ها را در نظر گرفته باشد:

الف: حقوق و تعهدات و اعمال حق حاکمیت کشور های ساحلی بر اساس حقوق بین‌الملل دریاها؛

ب: اقتدار کشور صاحب پرچم برای اعمال حاکمیت و کنترل بر موضوعات اداری، فنی و اجتماعی مربوط به آن کشتی.

۴-هر اقدامی در چارچوب این بخش در دریا فقط به وسیله کشتی‌های جنگی یا هواپیماهای نظامی، یا کشتی ها یا هواپیماهای دیگری انجام شود که روی بدنه آنها نشانه‌های مشخص و قابل شناسایی وجود داشته باشد که نشان دهد در خدمت کشور مربوطه هستند و اجازه انجام چنین کاری را دارند.

بخش سوم- پیشگیری، همکاری، و تدابیر دیگر

ماده ۱۰: اطلاعات

۱-به منظور دستیابی به اهداف این پروتکل، کشورهای عضو، به ویژه کشورهایی که مرزهای مشترک دارند یا در مسیرهای قاچاق مهاجران قرار دارند، با رعایت مفاد ماده ۲۷ و ۲۸ مقاوله‌نامه، اطلاعات مربوطه مربوط به موضوعات زیر را با هم مبادله می کنند:

الف) نقاط سوار شدن و مقصد و همچنین مسیرها، حامل ها و وسایل حمل و نقل، که به طور معلوم یا مشکوک به استفاده توسط یک گروه مجرمانه سازمان یافته که در رفتارهای مندرج در ماده ۶ این پروتکل دخیل است؛

ب) هویت و روش های سازمان ها یا گروه های مجرمانه سازمان یافته که به طور معلوم یا مشکوک به استفاده از رفتارهای مندرج در ماده ۶ این پروتکل دخیل هستند؛

ج) اصالت و فرم مناسب اسناد سفر صادر شده توسط یک دولت عضو و سرقت یا سوءاستفاده مرتبط با اسناد سفر یا هویت آزاد[1]؛

د) وسایل و روش‌های اختفا و حمل و نقل اشخاص، تغییر، اکتساب یا ساخت و تولید دوباره غیرقانونی یا سوء استفاده‌های دیگر از اسناد شناسایی یا مربوط به سفر، که برای انجام اعمال ذکر شده در ماده ۶ این پروتکل از آنها استفاده شود و راه‌های کشف و شناسایی آنها؛

ه) تجربه ها، روش ها و تدابیر قانونی برای پیشگیری و مبارزه با اعمال ذکر شده در ماده ۶ این پروتکل؛

ز) اطلاعات علمی و متکی به فن آوری مفید برای اجرای قانون، چنان که توانایی یکدیگر را برای پیشگیری، کشف، تشخیص و تحقیق در باره اعمال ذکر شده در ماده ۶ این پروتکل و تعقیب کیفری اشخاص درگیر در آن ها تقویت کند.

---

[1] این سفری است که فرد را از نقطه انتخابی الف به نقطه ب می رساند، بدون اینکه مکان خاصی پیشنهادی شود، بنابراین می تواند تمام نقاط مورد توقف خود را در طول مسیر انتخاب کند.

۲: کشور طرفی که اطلاعات دریافت می‌کند، باید در خواست کشور طرفی را که اطلاعات در اختیار آن گذاشته در باره محدودیت‌های استفاده از آن اطلاعات بر آورده کند.

ماده ۱۱: تدابیر مرزی

۱-کشور های طرف، بدون ایجاد تغییر در تعهدات بین‌المللی در رابطه با رفت و آمد آزادانه مردم، باید چنین کنترل های مرزی را که ممکن است برای پیشگیری و کشف قاچاق مهاجران ضروری باشد، تا حد امکان تقویت کنند.

۲-هر کشور طرف باید تا حد امکان برای پیشگیری از استفاده از امکانات حمل و نقل مورد استفاده در فعالیت های شرکت‌های کشتی‌رانی بازرگانی به منظور انجام خلاف تعیین شده مطابق ماده ۶ ، پاراگراف یک (الف) این پروتکل اقدامات قانونی یا سایر تدابیر مناسب به عمل آورد.

۳-هرگاه مناسب باشد و بدون ایجاد تغییر در مقاوله‌نامه های قابل اجرای بین‌المللی، چنین اقدامات و تدابیری باید شامل ایجاد تعهد شرکت های کشتیرانی بازرگانی، از جمله هر شرکت حمل و نقل یا مالک یا متصدی و گرداننده هر وسیله حمل و نقل، برای معلوم کردن و پی بردن به این امر باشد که همه مسافران دارای اسناد لازم سفر برای ورود به کشور مقصد باشند.

۴-هر کشور طرف باید براساس قوانین ملی خود به منظور ارائه تحریم ها در موارد نقض تعهدات ذکر شده در پاراگراف ۳ این ماده تدابیر لازم به عمل آورد.

۵-هر کشور طرف باید انجام تدابیری را بررسی کند که بر اساس قوانین ملی آن ندادن اجازه ورود یا لغو روادید اشخاص درگیر در ارتکاب خلاف های تعیین شده مطابق این پروتکل را مجاز می‌داند.

۶-بدون تغییر در ماده ۲۷ مقاوله‌نامه، کشور های طرف باید تقویت همکاری بین کارگزاری‌های کنترل مرزی را، از جمله با ایجاد و حفظ مسیرها و کانال های مستقیم ارتباطی بررسی کنند.

ماده ۱۲: امنیت و کنترل اسناد

هر کشور طرف باید در صورت ضرورت در چارچوب امکانات موجود تدابیری به شرح زیر به عمل آورد:

الف: اطمینان حاصل کند اسناد شناسایی یا سفر صادر شده از سوی آن دارای چنان کیفیتی باشند که نتوان به سهولت از آن ها سوءاستفاده یا جعل کرد یا به طور غیرقانونی تغییر داد، باز سازی یا صادر کرد؛
ب: درستی و ایمنی اسناد شناسایی یا سفر صادر شده از سوی یا از جانب کشور طرف را تضمین و از ساخت، صدور و استفاده غیرقانونی از آنها پیشگیری کند.

ماده ۱۳: مشروعیت و اعتبار اسناد

۱-یک کشور طرف به درخواست کشور طرف دیگر باید مطابق قوانین ملی خود مشروعیت و اعتبار(صحت و سقم) اسناد شناسایی یا سفر را که از سوی آن صادر شده یا ادعا شده به وسیله آن صادر شده و مشکوک است، برای مقاصد اعمال ذکر شده در ماده ۶ این پروتکل از آنها (سوء) استفاده شده، طی مدت زمانی معقول تأیید کند.
۲-برای ارائه منابع لازم، مانند وسایل نقلیه، سیستم‌های رایانه‌ای و سندخوان ها، برای مبارزه با اعمال ذکر شده در ماده ۶ این پروتکل باید هر تلاشی به عمل آورند.

ماده ۱۴: آموزش و همکاری فنی

۱-کشورهای عضو باید آموزش‌های تخصصی را برای مأموران مهاجرت و سایر مقامات مربوطه فراهم کنند یا تقویت نمایند. این آموزش‌ها با هدف پیشگیری از اعمال مندرج در ماده ۶ این پروتکل و همچنین رفتار انسانی با مهاجرانی که هدف چنین اعمالی قرار گرفته‌اند، ضمن احترام به حقوق آنها طبق این پروتکل، انجام می‌شود.
۲-کشورهای عضو باید با یکدیگر و با سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار، سازمان‌های غیردولتی، سایر سازمان‌های مرتبط و دیگر بخش‌های جامعه مدنی همکاری کنند تا اطمینان حاصل شود که آموزش کافی برای کارکنان در قلمرو آنها برای پیشگیری، مبارزه و ریشه‌کن کردن اعمال مندرج در ماده ۶ این پروتکل و حمایت از حقوق مهاجرانی که هدف چنین اعمالی قرار گرفته‌اند، وجود دارد. این آموزش‌ها شامل موارد زیر خواهد بود:
الف: بهبود امنیت و کیفیت اسناد سفر؛
ب: شناسایی و تشخیص اسناد سفر یا هویتی جعلی؛

ج: جمع‌آوری اطلاعات جنایی، به ویژه در رابطه با شناسایی گروه‌های جنایی سازمان‌یافته‌ای که مشخص شده یا مظنون به درگیری در اعمال مندرج در ماده ۶ این پروتکل هستند، روش‌های مورد استفاده برای انتقال مهاجران قاچاق شده، سوء استفاده از اسناد سفر یا هویتی برای اهداف مندرج در ماده ۶ و روش‌های پنهان‌کاری مورد استفاده در قاچاق مهاجران؛

د: بهبود روش‌های تشخیص افراد قاچاق شده در نقاط ورود و خروج متعارف و غیرمتعارف؛

ه: رفتار انسانی با مهاجران و حمایت از حقوق آنها طبق این پروتکل.

۳-کشورهای عضو دارای تخصص مرتبط باید ارائه کمک فنی به کشورهایی را که اغلب مبدأ یا محل عبور افرادی هستند که هدف اعمال مندرج در ماده ۶ این پروتکل قرار گرفته‌اند، در نظر بگیرند. کشورهای عضو باید تمام تلاش خود را برای تأمین منابع ضروری مانند وسایل نقلیه، سیستم‌های کامپیوتری و دستگاه‌های خواننده اسناد، به منظور مبارزه با اعمال مندرج در ماده ۶ به کار گیرند.

ماده ۱۵: تدابیر دیگر برای پیشگیری

۱-هر کشور طرف باید تدابیری به عمل آورد تا اطمینان حاصل کند برنامه های اطلاع رسانی برای افزایش آگاهی عمومی از این واقعیت ارائه دهد یا آن ها را تقویت کند که اعمال ذکر شده در ماده ۶ این پروتکل فعالیتی جنایی است که معمولا از سوی گروه‌های سازمان یافته جنایی برای کسب سود انجام می‌شود و خطرهای جدی برای مهاجران مربوطه در بر دارد.

۲-مطابق ماده ۳۱ مقاوله‌نامه، کشورهای طرف باید در زمینه انتشار اطلاعات همگانی به منظور پیشگیری از قربانی شدن مهاجران بالقوه در دام گروه‌های سازمان یافته جنایی همکاری کنند.

۳-هر کشور طرف باید بگونه‌ای مناسب برنامه ریزی های توسعه و همکاری در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را ترویج یا تقویت کند و واقعیت های اجتماعی- اقتصادی مهاجرت را به حساب آورد و به حوزه‌ها و مناطقی که از نظر اقتصادی و اجتماعی تحت فشار قرار دارند توجه ویژه مبذول کند تا با عوامل ریشه‌ای اجتماعی - اقتصادی قاچاق مهاجران، مانند فقر و عقب ماندگی مبارزه شود.

ماده ۱۶: تدابیری برای حمایت و یاری

۱-در اجرای این پروتکل هر کشور طرف باید در راستای تعهدات خود براساس حقوق بین‌الملل، تمامی تدابیر مناسب، از جمله وضع قوانین ضروری، برای حفظ و حمایت از حقوق اشخاصی را به عمل آورد که در معرض اعمال ذکر شده در ماده ۶ این پروتکل قرار گرفته‌اند. آنگونه که مطابق حقوق بین‌الملل حاکم، به ویژه حق زیستن و حق قرار نگرفتن در معرض شکنجه یا سایر مجازات یا رفتار تحقیر آمیز یا غیر انسانی ذکر شده است.

۲-هر کشور طرف باید تدابیر مناسب به عمل آورد تا از مهاجران در برابر خشونتی که ممکن است به وسیله افراد یا گروه‌ها، به دلیل قرارگرفتن در معرض اعمال ذکر شده در ماده ۶ این پروتکل به آنان تحمیل شود، به طور مناسب حمایت کند.

۳-هر کشور طرف باید به مهاجرانی که زندگی یا ایمنی آنان به دلیل قرارگرفتن در معرض اعمال ذکر شده در ماده ۶ این پروتکل به خطر افتاده کمک مناسب ارائه دهد.

۴-کشورهای طرف برای اجرای این ماده باید نیازهای ویژه زنان و کودکان را در نظر بگیرند.

۵-در مورد بازداشت شخصی که در معرض اعمال ذکر شده در ماده ۶ این پروتکل بوده، هر کشور طرف باید از تعهدات خود براساس مقاوله‌نامه وین در باره روابط کنسولی، در صورت ضرورت، ازجمله تعهد مربوط به اطلاع دادن بدون درنگ مفاد مربوط به مطلع ساختن و مکاتبه با مسئولان کنسولگری به شخص مربوطه، پیروی کند.

ماده ۱۷: موافقت‌نامه‌ها و قرارها

کشور های طرف باید انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه یا منطقه‌ای یا ترتیبات عملیاتی یا توافق‌هایی را به منظور انجام مراتب زیر بررسی کنند:

الف: ایجاد مؤثرترین و مناسب ترین تدابیر برای پیشگیری و مبارزه با اعمال ذکر شده در ماده ۶ این پروتکل؛

ب: افزودن به مفاد این پروتکل بین خود.

ماده ۱۸: بازگشت مهاجران قاچاق شده

۱-هرکشور طرف موافقت می‌کند بدون تأخیر غیر ضروری یا نامعقول، بازگشت شخصی را که در معرض اعمال ذکر شده در ماده ۶ این پروتکل قرار داشته و شهروند آن است یا حق اقامت دایم در خاک آن را در زمان بازگشت دارد، تسهیل کند و بپذیرد.

۲-هر کشور طرف باید امکان تسهیل و پذیرفتن بازگشت شخصی را که در معرض اعمال ذکر شده در ماده ۶ این پروتکل قرار داشته و حق اقامت دایم در خاک آن را در زمان ورود به کشور مقصد داشت، براساس قانون ملی خود بررسی کند.

۳-به درخواست کشور طرف مقصد، کشور طرفی که از آن درخواست شده، باید بدون تأخیر غیر ضروری یا نامعقول، بررسی کند شخصی که در معرض اعمال ذکر شده در ماده ۶ این پروتکل قرار داشته شهروند آن هست یا حق اقامت دایم در خاک آن را دارد یا نه.

۴-به منظور تسهیل در امر بازگشت شخصی که در معرض اعمال ذکر شده در ماده ۶ این پروتکل قرار داشته و فاقد اسناد لازم است، کشور طرفی که آن شخص شهروند آن است یا حق اقامت دایم در آن را دارد باید موافقت کند به درخواست کشور طرف مقصد چنین اسناد سفر یا اسناد دیگر را که ممکن است برای ایجاد امکانات سفر آن شخص و ورود مجدد او به خاک آن ضروری باشد، صادر کند.

۵-هر کشور طرف که در بازگشت شخصی که در معرض اعمال ذکر شده در ماده ۶ این پروتکل بوده، شرکت داشته باید تمام اقدامات لازم برای بازگشت به روشی منظم و توجه لازم برای ایمنی و منزلت آن شخص انجام دهد.

۶-کشورهای طرف می‌توانند با سازمان‌های بین‌المللی مربوطه در اجرای این ماده همکاری کنند.

۷-این ماده هیچ تغییری در هیچ حقی ایجاد نمی‌کند که از سوی قانون ملی کشور طرف مقصد به اشخاصی اعطا شده که در معرض اعمال ذکر شده در ماده ۶ این پروتکل بوده‌اند.

۸-این ماده نباید بر تعهداتی که بر اساس هر معاهده حاکم دیگر، دو جانبه یا چند جانبه، یا هر موافقتنامه عملیاتی حاکم دیگر، یا ترتیباتی که تماما یا بخشی از آن حاکم است بر بازگشت اشخاصی که در معرض اعمال ذکر شده در ماده ۶ این پروتکل بوده‌اند، تأثیر بگذارد.

بخش چهارم: مقررات نهایی

ماده ۱۹: شرایط استثنا

۱-هیچ امری در این پروتکل نباید بر سایر حقوق، تعهدات و مسئولیت های کشورها و افراد براساس حقوق بین‌الملل، ازجمله حقوق بشردوستانه بین‌الملل و قانون حق بشر بین‌الملل و به ویژه در صورت ضرورت، مقاوله‌نامه ۱۹۵۱و پروتکل ۱۹۶۷ مربوط به وضعیت پناهندگان و اصل ممنوعیت بازگرداندن پناهندگان بگونه‌ای که در آن وجود دارد، تأثیر بگذارد.

۲-تدابیر اعلام شده در این پروتکل نباید به شیوه‌ای تفسیر و به کار برده شود که علیه اشخاص، به این بهانه که آنان در معرض اعمال ذکر شده در ماده ۶ این پروتکل هستند، تبعیض آمیز باشد. تفسیر و کاربرد آن تدابیر باید با اصول عدم تبعیض که در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند، سازگار باشد.

ماده ۲۰: حل اختلافات

۱-کشورهای طرف باید بکوشند اختلافات مربوط به تفسیر یا کاربرد این پروتکل را از طریق مذاکره برطرف کنند.

۲-هر اختلافی بین دو یا چند کشور در باره تفسیر یا کار برد این پروتکل که از طریق مذاکره در زمانی معقول قابل حل نباشد باید، به درخواست یکی از آن کشورهای طرف به حکمیت ارجاع شود. چنانچه شش ماه پس از تاریخ درخواست حکمیت، آن کشورهای طرف قادر نباشند در باره سازمان حکمیت به توافق برسند، هریک از آن کشورهای طرف می‌تواند اختلاف را با درخواست، مطابق اساسنامه دادگاه بین‌المللی دادگستری به آن دادگاه ارجاع دهد.

۳-هرکشور طرف می‌تواند در زمان امضا، تأیید، پذیرش، تصویب یا الحاق به این پروتکل اعلام کند خود را ملزم به اجرای پاراگراف ۲ این ماده نمی‌داند. سایر کشورهای طرف نباید ملزم به اجرای پاراگراف ۲ این ماده در مورد هر کشور طرفی باشند که چنین شرطی قائل شده است.

۴-هرکشور طرفی که مطابق پاراگراف۳ این ماده شرطی قائل شده باشد در هر زمان می‌تواند با دادن اطلاع به دبیرکل سازمان ملل متحد شرط خود را پس بگیرد.

ماده ۲۱: امضا، تأیید، پذیرش، تصویب یا الحاق

۱-این پروتکل از ۱۲ تا ۱۵ دسامبر ۲۰۰۰ در پالرمو، ایتالیا، و سپس تا ۱۲ دسامبر ۲۰۰۲ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک برای امضای همه کشورها باز خواهد بود.

۲-این پروتکل برای امضای سازمان‌های همگرایی اقتصادی منطقه‌ای نیز باید باز باشد مشروط بر اینکه حداقل یک کشور عضو چنین سازمانی این پروتکل را مطابق پاراگراف یک این ماده امضا کرده باشد.

۳-این پروتکل آماده امضا، تأیید، پذیرش یا تصویب است. اسناد تأیید، پذیرش یا تصویب باید نزد دبیرکل سازمان ملل متحد ودیعه گذاشته شود. هر سازمان همگرایی اقتصادی منطقه‌ای می‌تواند سند تأیید، پذیرش یا تصویب خود را به ودیعه بگذارد اگر حداقل یکی از کشورهای عضو آن همین کار را کرده باشد. چنین سازمانی درآن سند تأیید، پذیرش یا تصویب باید میزان قدرت مالی خود را در باره موضوعات تحت پوشش این پروتکل اعلام کند. چنین سازمانی باید محل ذخیره هر تغییر مربوطه در میزان قدرت مالی خود را نیز اطلاع دهد.

۴-این پروتکل برای الحاق هر کشوری که در سازمان همگرایی اقتصادی منطقه‌ای که حداقل یک کشور عضو آن طرف این پروتکل باشد مفتوح است. اسناد الحاق باید نزد دبیرکل سازمان ملل ودیعه گذاشته شود. هر سازمان همگرایی اقتصادی منطقه‌ای باید در زمان الحاق خود میزان توانایی خود را در باره موضوعات تحت پوشش این پروتکل اعلام کند. چنین سازمانی باید محل سپردن هر تغییر مربوطه در میزان توانایی خود را نیز اطلاع دهد.

ماده ۲۲: به مرحله اجرا در آمدن

۱-این پروتکل در نودمین روز پس از زمان سپردن چهلمین سند تأیید، پذیرش، تصویب یا الحاق رسمیت یافته و به اجرا در خواهد آمد. بدیهی است که این کار قبل از رسمیت یافتن مقاوله‌نامه تحقق نخواهد یافت. در مورد این پاراگراف هر سند سپرده شده از سوی یک سازمان همگرایی اقتصادی منطقه‌ای نباید به عنوان سندی اضافه بر اسناد سپرده شده از سوی کشورهای عضو چنین سازمانی به حساب آورده شود.

۲-برای هر کشور یا سازمان همگرایی اقتصادی منطقه‌ای تأیید، پذیرش، تصویب یا الحاق به این پروتکل پس از سپردن چهلمین سند چنین اقدامی، این پروتکل باید در سی‌امین روز بعد

از زمان سپردن سند مربوطه از سوی چنین کشور یا سازمان یا در زمانیکه این پروتکل بر اساس پاراگراف یک این ماده رسمیت می‌یابد به اجرا در آید.

ماده ۲۳: متمم و اصلاحیه

۱-پس از سپری شدن ۵ سال از شروع اجرای این پروتکل، هر کشور طرف پروتکل می‌تواند متمم و اصلاحیه‌ای پیشنهاد کند و آن را برای دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال دارد که وی باید آن را به منظور بررسی و تصمیم گیری برای کشورهای طرف و کنفرانس طرف های مقاوله‌نامه بفرستد. کشور های طرف این پروتکل ضمن دیدار در کنفرانس طرف ها باید بکوشند در باره هر اصلاحیه و متممی به اجماع دست یابند. چنانچه تمامی تلاش ها برای اجماع به جایی نرسد و توافق به دست نیاید، تصویب اصلاحیه باید، به عنوان آخرین را چاره، با اکثریت دوسوم آرای کشور های طرف این پروتکل باشد که در اجلاس کنفرانس طرف ها حضور دارند و رای می دهند.

۲-سازمان های همگرایی اقتصادی منطقه‌ای، در موضوعات در محدوده صلاحیت خود، باید حق خود را برای رای دادن براساس این ماده با تعدادی از آرای برابر با تعداد کشورهای عضو خود که طرف‌های این پروتکل هستند، اعمال کنند. چنین سازمان‌هایی اگر کشور های طرف آن ها رای بدهند نباید این حق خود را اعمال کنند و برعکس.

۳-اصلاحیه و متممی که مطابق پاراگراف یک این ماده به تصویب می‌رسد آماده تأیید، پذیرش یا تصویب کشور های طرف است.

۴-اصلاحیه و متممی که بر اساس پاراگراف یک این ماده تصویب می‌شود، ۹۰ روز بعد از زمان سپردن سند تأیید، پذیرش یا تصویب چنین اصلاحیه‌ای نزد دبیرکل سازمان ملل متحد در باره آن کشور طرف رسمیت می‌یابد.

۵-وقتی اصلاحیه و متممی رسمیت می‌یابد، برای آن کشورهای طرفی که رضایت خود را با الزامی بودن آن ابراز کرده‌اند، الزام‌آور خواهد بود . سایر کشورهای طرف همچنان در برابر مفاد این پروتکل و هر اصلاحیه و متمم پیشین دیگری که آن ها تأیید کرده، پذیرفته یا تصویب کرده‌اند ملزم خواهند بود.

ماده ۲۴: اعلام فسخ

۱-هرکشور طرفی می‌تواند با اعلام کتبی به دبیرکل سازمان ملل متحد این پروتکل را فسخ کند. این‌گونه فسخ پروتکل یک سال بعد از زمان دریافت اعلام فسخ به وسیله دبیرکل نافذ و قابل اجرا می‌باشد.

۲-یک سازمان همگرایی اقتصادی منطقه‌ای هنگامیکه همه کشور های عضو آن این پروتکل را فسخ کرده باشند، دیگر طرف آن نخواهد بود.

ماده ۲۵: محل سپردن و زبان‌ها

۱-دبیرکل سازمان ملل متحد بعنوان نگهدارنده این پروتکل در نظر گرفته شده است.

۲-متن اصلی این پروتکل که متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی آن از اعتبار یکسان برخوردارند، نزد دبیرکل سازمان ملل متحد ودیعه گذاشته شده است.

نمایندگان تام الاختیار امضا کننده زیر، که از سوی کشورهای خود اختیار کامل دارند، با آگاهی کامل این پروتکل را امضا کرده‌اند.

پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق انسان به ویژه زنان و کودکان ملحق به مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰[1]

مقدمه

کشورهای طرف این پروتکل، اعلام اینکه اقدام مؤثر برای پیشگیری و مبارزه با قاچاق انسان، به ویژه زنان و کودکان، مستلزم یک رویکرد جامع بین‌المللی در کشورهای مبدأ، ترانزیت و مقصد است که شامل اقداماتی برای جلوگیری از این قاچاق، مجازات قاچاقچیان و حمایت از قربانیان این قاچاق است،

با در نظر گرفتن این واقعیت که علیرغم وجود انواع اسناد بین‌المللی حاوی قوانین و اقدامات عملی برای مبارزه با استثمار افراد به ویژه زنان و کودکان، هیچ سند جهانی وجود ندارد که به تمام جنبه های قاچاق انسان بپردازد،

با توجه به اینکه در غیاب چنین ابزاری، از افرادی که در معرض قاچاق هستند به اندازه کافی محافظت نخواهند شد،

با یادآوری قطعنامه ۱۱۱/۵۳ مجمع عمومی مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۸، که در آن مجمع تصمیم به ایجاد یک کمیته موقت بین کشوری به منظور تدوین مقاوله‌نامه بین‌المللی جامع علیه جرایم سازمان یافته فراملی و بحث در مورد تدوین، از جمله، یک سند بین‌المللی برای رسیدگی به قاچاق زنان و کودکان، متقاعد شده است که تکمیل مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی با یک سند بین‌المللی برای پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق،

به شرح زیر موافقت کردند:

---

[1] Protocol to Prevent, Suppress and Punish Trafficking in Persons Especially Women and Children, Supplementing the United Nations Convention against Transnational Organized Crimes, by General Assembly resolution 55/25 ،adopted on 15 November 2000.

بخش اول: مقررات عمومی

ماده ۱: ارتباط با مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی

۱-این پروتکل مکمل مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی است. باید همراه با مقاوله‌نامه تفسیر شود.

۲-مفاد مقاوله‌نامه، متقابلاً، در مورد این پروتکل اعمال خواهد شد، مگر اینکه در این پروتکل به نحو دیگری مقرر شده باشد.

۳-جرایمی‌که طبق ماده ۵ این پروتکل ایجاد شده است به عنوان جرائمی که مطابق با مقاوله‌نامه ایجاد شده است تلقی خواهد شد.

ماده ۲: بیان اهداف

اهداف این پروتکل عبارتند از:

الف: پیشگیری و مبارزه با قاچاق انسان با توجه ویژه به زنان و کودکان؛

ب: حمایت و کمک به قربانیان این گونه قاچاق، با احترام کامل به حقوق بشر آنها؛

ج: ارتقای همکاری بین کشورهای عضو به منظور دستیابی به این اهداف.

ماده ۳: استفاده از اصطلاحات

برای اهداف این پروتکل:

الف: «قاچاق انسان» به معنای استخدام، حمل و نقل، انتقال، پناه دادن یا دریافت افراد با تهدید یا استفاده از زور یا سایر اشکال اجبار، آدم ربایی، کلاه برداری، فریب و سوءاستفاده است. قدرت یا موقعیت آسیب پذیر یا دادن یا دریافت پرداخت‌ها یا مزایا برای دستیابی به رضایت شخصی که بر شخص دیگری کنترل دارد، به منظور استثمار.

استثمار حداقل شامل بهره‌برداری از فحشا دیگران یا سایر اشکال بهره‌کشی جنسی، کار یا خدمات اجباری، برده داری یا اعمالی مشابه بردگی، بندگی یا برداشتن اعضای بدن خواهد بود.

ب: رضایت قربانی قاچاق انسان برای بهره‌کشی مورد نظر مندرج در بند (الف) این ماده در مواردی که از هر یک از وسایل مندرج در بند (الف) استفاده شده باشد، بی اهمیت خواهد بود.

ج: استخدام، انتقال، نگهداری یا دریافت کودک به منظور بهره‌کشی «قاچاق انسان» تلقی می‌شود، حتی اگر این امر شامل هیچیک از وسایل مندرج در بند (الف) این ماده نباشد.

د: «کودک» به معنای هر فرد زیر هجده سال است.

ماده ۴: دامنه کاربرد

این پروتکل، به استثنای مواردی که در اینجا ذکر شده است، در مورد پیشگیری، تحقیق و تعقیب جرایم ایجاد شده مطابق با ماده ۵ این پروتکل، در مواردی که این جرایم ماهیت فراملی داشته و شامل یک گروه جنایتکار سازمان یافته باشد، و همچنین برای حمایت از قربانیان چنین جنایاتی، اعمال خواهد شد.

ماده ۵: جرم انگاری

۱-هر کشور عضو اقدامات قانونی و سایر اقدامات لازم را اتخاذ خواهد کرد تا رفتار مندرج در ماده ۳ این پروتکل را در صورت ارتکاب عمدی به عنوان جرایم کیفری معرفی کند.

۲-هرکشور عضو نیز اقدامات قانونی و سایر اقدامات لازم را اتخاذ خواهد کرد که ممکن است به عنوان جرایم کیفری تشخیص داده شود:

الف: با رعایت مفاهیم اساسی نظام حقوقی خود، تلاش برای ارتکاب جنایتی که مطابق بند ۱ این ماده تعیین شده است؛

ب: شرکت به عنوان شریک جرم در جنایتی که طبق بند ۱ این ماده ایجاد شده است؛

ج: سازماندهی یا هدایت سایر افراد برای ارتکاب جنایتی که مطابق بند ۱ این ماده تعیین شده است.

بخش دوم: حمایت از قربانیان قاچاق انسان

ماده ۶: کمک و حمایت از قربانیان قاچاق انسان

۱-در موارد مقتضی و تا حد امکان براساس قوانین داخلی خود، هر کشور عضو از حریم خصوصی و هویت قربانیان قاچاق انسان محافظت خواهد کرد، از جمله، با محرمانه ساختن مراحل قانونی مربوط به این قاچاق.

۲-هرکشور عضو باید اطمینان حاصل کند که سیستم حقوقی یا اداری داخلی خود شامل اقداماتی است که در موارد مناسب برای قربانیان قاچاق انسان فراهم می‌کند:

الف: اطلاعات مربوط به دادگاه و رسیدگی اداری مربوطه؛

ب: کمک به ارائه و بررسی نظرات و نگرانی‌های آنها در مراحل مناسب دادرسی کیفری علیه مجرمان، به نحوی که به حقوق دفاع لطمه‌ای وارد نشود.

۳-هر کشور عضو اقداماتی را برای تدارک بازیابی جسمی، روانی و اجتماعی قربانیان قاچاق انسان، از جمله، در موارد مقتضی، با همکاری سازمان‌های غیردولتی، سایر سازمان‌های مرتبط و سایر عناصر جامعه مدنی، در نظر خواهد گرفت. به ویژه موارد زیر:

الف: مسکن مناسب؛

ب: مشاوره و اطلاعات، به ویژه در مورد حقوق قانونی آنها، به زبانی که قربانیان قاچاق انسان بتوانند آن را درک کنند؛

ج: کمک های پزشکی، روانی و مادی؛

د: فرصت های شغلی، آموزشی.

۴-هر کشور عضو در اجرای مقررات این ماده، سن، جنسیت و نیازهای ویژه قربانیان قاچاق انسان، به ویژه نیازهای ویژه کودکان، از جمله مسکن، آموزش و مراقبت مناسب را در نظر خواهد گرفت.

۵-هر کشور عضو تلاش خواهد کرد تا ایمنی فیزیکی قربانیان قاچاق انسان را در زمانی‌که در قلمرو خود هستند، فراهم کند.

۶-هر کشور عضو باید اطمینان حاصل کند که نظام حقوقی داخلی آن شامل تدابیری است که به قربانیان قاچاق انسان امکان دریافت غرامت برای خسارات متحمل شده را می‌دهد.

ماده ۷: وضعیت قربانیان قاچاق انسان در کشورهای پذیرنده

۱-علاوه بر اتخاذ تدابیر طبق ماده ۶ این پروتکل، هر کشور عضو باید اتخاذ تدابیر قانونی یا سایر اقدامات مناسب را که به قربانیان قاچاق انسان اجازه می‌دهد در موارد مقتضی به طور موقت یا دایم در قلمرو خود بمانند.

۲-در اجرای مفاد مندرج در بند ۱ این ماده، هر کشور عضو باید به عوامل انسانی و دلسوزانه توجه لازم را داشته باشد.

ماده ۸: بازگرداندن قربانیان قاچاق انسان

۱-کشور عضوی که قربانی قاچاق انسان تبعه آن است یا در زمان ورود به قلمرو کشور عضو پذیرنده حق اقامت دایم در آن را داشته است، با رعایت موارد لازم، تسهیلات لازم را در این زمینه ارائه خواهد داد و امنیت آن شخص، بازگشت آن شخص بدون تأخیر بی مورد یا غیر معقول می پذیرد.

۲-هنگامی‌که یک کشور عضو، قربانی قاچاق انسان را به کشور عضوی که آن شخص تبعه آن است یا در آن کشور، در زمان ورود به قلمرو کشور عضو پذیرنده، از حق دایمی بودن بازگرداند. محل اقامت، چنین بازگشتی باید با در نظر گرفتن ایمنی آن شخص و وضعیت هرگونه رسیدگی قانونی مربوط به این واقعیت باشد که شخص قربانی قاچاق است و ترجیحاً داوطلبانه باشد.

۳- به درخواست یک کشور عضو پذیرنده، یک کشور عضو درخواست شده بدون تأخیر بی دلیل یا غیرمنطقی، بررسی می کند که آیا فردی که قربانی قاچاق انسان است، تابعیت خود را دارد یا در زمان ورود به قلمرو کشور عضو پذیرنده حق اقامت دائم در قلمرو آن را داشته است.

۴- ه منظور تسهیل بازگشت قربانی قاچاق انسان که مدارک لازم را ندارد، کشور عضو که این شخص تابع آن است یا در آن شخص حق اقامت دائم را در زمان ورود به قلمرو کشور عضو پذیرنده داشته است، موافقت می کند که به درخواست کشور عضو پذیرنده، مدارک

سفر یا سایر مجوزهای لازم را برای امکان سفر به قلمرو خود و ورود مجدد به آن شخص صادر کند.

۵-این ماده به حقوقی که توسط قوانین داخلی کشور عضو پذیرنده برای قربانیان قاچاق انسان اعطا می‌شود، لطمه‌ای وارد نخواهد کرد.

۶-این ماده هیچگونه لطمه‌ای به هیچ موافقتنامه یا ترتیبات دو یا چند جانبه قابل اجرا که به طور کلی یا جزئی بر بازگشت قربانیان قاچاق انسان حاکم است، وارد نخواهد کرد.

بخش سوم: پیشگیری، همکاری و سایر اقدامات

ماده ۹: پیشگیری از قاچاق انسان

۱-کشورهای عضو باید سیاست‌ها، برنامه‌ها و سایر اقدامات جامع را ایجاد کنند:

الف: پیشگیری و مبارزه با قاچاق انسان؛

ب: حمایت از قربانیان قاچاق انسان، به ویژه زنان و کودکان، در برابر قربانی شدن مجدد.

۲-کشورهای عضو باید تلاش کنند تا اقداماتی مانند تحقیقات، اطلاع رسانی و کارزارهای رسانه‌های جمعی و ابتکارات اجتماعی و اقتصادی را برای پیشگیری و مبارزه با قاچاق انسان انجام دهند.

۳-سیاست‌ها، برنامه‌ها و سایر اقداماتی که مطابق این ماده ایجاد می‌شود، حسب مورد، شامل همکاری با سازمان های غیردولتی، سایر سازمان های ذیربط و سایر ارکان جامعه مدنی خواهد بود.

۴-کشورهای عضو باید اقداماتی را از جمله از طریق همکاری دوجانبه یا چند جانبه برای کاهش عواملی که افراد، به ویژه زنان و کودکان را در معرض قاچاق قرار می‌دهند، مانند فقر، توسعه نیافتگی و فقدان فرصت‌های برابر، اتخاذ یا تقویت کنند.

۵-کشورهای عضو باید اقدامات قانونی یا سایر اقدامات، از جمله اقدامات آموزشی، اجتماعی یا فرهنگی، از جمله از طریق همکاری های دوجانبه و چند جانبه، اتخاذ یا تقویت کنند تا از تقاضایی که به همه اشکال استثمار افراد، به ویژه به قاچاق زنان و کودکان منجر می‌شود، جلوگیری کنند.

ماده ۱۰: تبادل اطلاعات و آموزش

۱-مجری قانون، مهاجرت یا سایر مقامات مربوطه کشورهای عضو، در صورت اقتضا، با تبادل اطلاعات، مطابق با قوانین داخلی خود، با یکدیگر همکاری خواهند کرد تا بتوانند تعیین کنند:

الف: اینکه افرادی که با اسناد مسافرتی متعلق به افراد دیگر یا بدون اسناد مسافرتی از مرزهای بین‌المللی عبور می‌کنند یا می‌خواهند از آن عبور کنند، مرتکب یا قربانی قاچاق انسان هستند؛

ب: انواع سند مسافرتی که افراد برای عبور از مرزهای بین‌المللی به منظور قاچاق انسان استفاده کرده یا تلاش کرده‌اند از آن استفاده کنند؛

ج: ابزارها و روش‌های مورد استفاده گروه‌های جنایتکار سازمان یافته به منظور قاچاق انسان، از جمله جذب و انتقال قربانیان، راه‌ها و راه‌های ارتباطی بین افراد و گروه‌هایی که در چنین قاچاقی دست دارند و اقدامات ممکن برای کشف آنه را انجام دهند.

۲-کشورهای عضو باید آموزش‌هایی را برای مجریان قانون، مهاجرت و سایر مقامات مربوطه در زمینه پیشگیری از قاچاق انسان فراهم یا تقویت کنند. این آموزش باید بر روش های مورد استفاده در پیشگیری از چنین قاچاق، پیگرد قانونی قاچاقچیان و حمایت از حقوق قربانیان، از جمله محافظت از قربانیان در برابر قاچاقچیان تمرکز کند. این آموزش همچنین باید نیاز به در نظر گرفتن حقوق بشر و موضوعات حساس به کودکان و جنسیت را در نظر بگیرد و باید همکاری با سازمان‌های غیر دولتی، سایر سازمان‌های مرتبط و سایر عناصر جامعه مدنی را تشویق کند.

۳-کشور عضوی که اطلاعات را دریافت می‌کند، باید با هر درخواستی از سوی کشور عضوی که اطلاعات را مخابره کرده است که محدودیت‌هایی برای استفاده از آن ایجاد می‌کند، موافقت کند.

ماده ۱۱: اقدامات مرزی

۱-بدون لطمه به تعهدات بین‌المللی در رابطه با جابجایی آزادانه افراد، کشورهای عضو باید کنترل های مرزی را که ممکن است برای جلوگیری و کشف قاچاق انسان ضروری باشد، تا حد امکان تقویت کنند.

۲-هرکشور عضو اقدامات قانونی یا سایر اقدامات مناسب را اتخاذ خواهد کرد که تا حد امکان از استفاده از وسایل حمل و نقل که توسط متصدیان حمل و نقل تجاری در ارتکاب جرایم ایجاد شده مطابق با ماده ۵ این پروتکل استفاده می‌شود، جلوگیری کند.

۳- در صورت لزوم، و بدون در نظر گرفتن مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی قابل اجرا، این اقدامات شامل ایجاد تعهد حمل و نقل تجاری، از جمله هر شرکت حمل و نقل یا مالک یا هدایت کننده هر وسیله حمل و نقل، برای اطمینان از اینکه همه مسافران دارای اسناد سفر مورد نیاز برای ورود به کشور دریافت کننده هستند.

۴-هرکشور عضو، مطابق با قوانین داخلی خود، اقدامات لازم را برای پیشبینی تحریم ها در موارد نقض تعهد مندرج در بند ۳ این ماده اتخاذ خواهد کرد. هر کشور عضو اقداماتی را در نظر خواهد گرفت که مطابق با قوانین داخلی خود، امتناع از ورود یا لغو روادید افراد دخیل در ارتکاب جرایم ایجاد شده طبق این پروتکل را مجاز می‌سازد.

۵-بدون لطمه ای به ماده ۲۷ مقاوله‌نامه، کشورهای عضو، تقویت همکاری بین آژانس های کنترل مرزی را از طریق ایجاد و حفظ کانال های ارتباطی مستقیم، از جمله، در نظر خواهند گرفت.

ماده ۱۲: امنیت و کنترل اسناد

هر کشور عضو اقداماتی را که ممکن است لازم باشد در طرق موجود اتخاذ خواهد کرد:

الف: اطمینان حاصل شود که اسناد مسافرتی یا هویتی صادر شده توسط آن از چنان کیفیتی برخوردار است که به راحتی نمی‌توان از آنها سوءاستفاده کرد و به راحتی نمی‌توان آنها را جعل کرد یا به طور غیرقانونی تغییر، تکثیر یا صادر کرد.

ب: تضمین یکپارچگی و امنیت اسناد مسافرتی یا هویتی صادر شده توسط یا از طرف کشور عضو و جلوگیری از ایجاد، صدور و استفاده غیرقانونی از آنها.

ماده ۱۳ - مشروعیت و اعتبار اسناد

بنا به درخواست یک کشور عضو دیگر، یک کشور عضو باید مطابق با قوانین داخلی خود، مشروعیت و اعتبار اسناد مسافرتی یا هویتی را که به نام آن صادر شده یا ادعا شده است و مظنون به استفاده برای قاچاق انسان است را تهیه کند.

بخش چهارم: مقررات نهایی

ماده ۱۴ - موضوع پس‌انداز

۱-هیچ چیز در این پروتکل بر حقوق، تعهدات و مسئولیت‌های کشورها و افراد تحت قوانین بین‌المللی، از جمله حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بین‌المللی حقوق بشر و بویژه، در مواردی که قابل اجراست، مقاوله‌نامه ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ مربوط به وضعیت، تأثیری نخواهد داشت. پناهندگان و اصل عدم اخراج همانطور که در آن آمده است.

۲-اقدامات مندرج در این پروتکل باید بگونه‌ای تفسیر و اعمال شود که برای افراد به دلیل اینکه قربانی قاچاق انسان هستند تبعیض آمیز نباشد. تفسیر و اعمال این اقدامات باید با اصول شناخته شده بین‌المللی عدم تبعیض سازگار باشد.

ماده ۱۵ - حل و فصل اختلافات

۱-کشورهای عضو تلاش خواهند کرد تا اختلافات مربوط به تفسیر یا اجرای این پروتکل را از طریق مذاکره حل و فصل کنند.

۲-هرگونه اختلاف بین دو یا چند کشور عضو در مورد تفسیر یا اجرای این پروتکل که از طریق مذاکره در یک زمان معقول حل و فصل نشود، بنا به درخواست یکی از آن کشورهای عضو، به داوری ارائه خواهد شد. اگر شش ماه پس از تاریخ درخواست داوری، آن کشورهای عضو نتوانند در مورد سازمان داوری به توافق برسند، هریک از آن کشورهای عضو می‌تواند با درخواست مطابق اساسنامه، اختلاف را به دادگاه بین‌المللی دادگستری ارجاع دهد.

۳-هرکشور عضو می‌تواند در زمان امضا، تصویب، پذیرش یا تأیید یا الحاق به این پروتکل، اعلام کند که خود را ملزم به بند ۲ این ماده نمی‌داند. سایر کشورهای عضو نسبت به هیچ کشور عضوی که چنین شرطی را قائل شده است، به بند ۲ این ماده ملزم نیستند.

۴-هرکشور عضوی که طبق بند ۳ این ماده قید خود را داده است، می‌تواند در هر زمانی با اطلاع رسانی به دبیرکل سازمان ملل متحد، از این شرط صرف نظر کند.

ماده ۱۶ – امضا، تصویب، پذیرش، تصویب و الحاق

۱-این پروتکل از ۱۲ تا ۱۵ دسامبر ۲۰۰۰ در پالرمو ایتالیا و پس از آن در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک تا ۱۲ دسامبر ۲۰۰۲ برای امضای همه کشورها باز خواهد بود.

۲-این پروتکل همچنین برای امضای سازمان‌های ادغام اقتصادی منطقه‌ای مفتوح خواهد بود مشروط بر اینکه حداقل یکی از کشورهای عضو چنین سازمانی این پروتکل را مطابق بند ۱ این ماده امضا کرده باشد.

۳-این پروتکل منوط به تصویب، پذیرش یا تصویب است. اسناد تصویب، پذیرش یا تأیید نزد دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد. یک سازمان ادغام اقتصادی منطقه‌ای می‌تواند سند تصویب، پذیرش یا تصویب خود را در صورتیکه حداقل یکی از کشورهای عضو آن اقدام مشابهی انجام داده باشد، تودیع کند. در آن سند تصویب، پذیرش یا تصویب، چنین سازمانی میزان صلاحیت خود را در رابطه با موضوعاتی که توسط این پروتکل اداره می‌شود، اعلام خواهد کرد. چنین سازمانی همچنین باید هرگونه اصلاح مربوطه را در محدوده صلاحیت خود به امانتدار اطلاع دهد.

۴-این پروتکل برای الحاق هر کشور یا هر سازمان ادغام اقتصادی منطقه‌ای که حداقل یکی از کشورهای عضو آن عضو این پروتکل است، باز است. اسناد الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد. در زمان الحاق، یک سازمان ادغام اقتصادی منطقه‌ای میزان صلاحیت خود را در رابطه با موضوعاتی که توسط این پروتکل اداره می‌شود، اعلام خواهد کرد. چنین سازمانی همچنین باید هرگونه اصلاح مربوطه را در محدوده صلاحیت خود به امانتدار اطلاع دهد.

ماده ۱۷ - لازم‌الاجرا شدن

۱-این پروتکل در نودمین روز پس از تاریخ تودیع چهلمین سند تصویب، پذیرش، تصویب یا الحاق لازم‌الاجرا خواهد شد، با این تفاوت که قبل از لازم‌الاجرا شدن مقاوله‌نامه لازم‌الاجرا نخواهد شد. برای اهداف این بند، هر سندی که توسط یک سازمان ادغام اقتصادی منطقه‌ای سپرده شده است، به عنوان اسنادی که توسط کشورهای عضو آن سازمان سپرده شده است، اضافی محسوب نمی‌شود.

۲- برای هر کشوری یا سازمان همگرایی اقتصادی منطقه‌ای که این پروتکل را پس از سپرده گذاری چهلمین سند این اقدام تصویب، پذیرفته، تأیید یا به آن بپیوندد، این پروتکل در سیمین روز پس از تاریخ سپرده گذاری سند مربوطه توسط این کشور یا سازمان یا در تاریخ ورود این پروتکل به موجب بند ۱ این ماده، هر کدام که دیرتر باشد، به اجرا در می‌آید.

ماده ۱۸ - اصلاحات

۱- پس از انقضای پنج سال از تاریخ به اجرا درآمدن این پروتکل، هر کشور عضو این پروتکل می‌تواند یک اصلاحیه پیشنهاد کند و آن را به دبیرکل سازمان ملل متحد تحویل دهد که در این صورت اصلاحیه پیشنهادی را به کشورهای عضو و کنفرانس طرفین مقاوله‌نامه برای بررسی و تصمیم گیری در مورد این پیشنهاد اطلاع می‌دهد. کشورهای عضو این پروتکل که در کنفرانس طرفین گرد آمده‌اند، هر تلاشی را برای دستیابی به اجماع در مورد هر تعدیل انجام خواهند داد. اگر تمام تلاش‌ها برای دستیابی به اجماع به پایان رسیده باشد و به توافق نرسیده باشد، اصلاحیه به عنوان آخرین راه حل، برای تصویب آن، به اکثریت دو سوم رای کشورهای عضو این پروتکل که در جلسه کنفرانس طرفین حاضر و رای می دهند، نیاز دارد.

۲-سازمان‌های ادغام اقتصادی منطقه‌ای، در موضوعاتی که در صلاحیت خود است، حق رای خود را طبق این ماده با تعداد آرا برابر با تعداد کشورهای عضو خود که طرف این پروتکل هستند، اعمال خواهند کرد. در صورتی که کشورهای عضو از حق رای خود استفاده کنند، چنین سازمان‌هایی نباید از حق رای خود استفاده کنند و بالعکس.

۳-اصلاحیه‌ای که مطابق بند ۱ این ماده به تصویب می‌رسد منوط به تصویب، پذیرش یا تصویب توسط کشورهای عضو است.

۴-اصلاحیه‌ای که مطابق بند ۱ این ماده اتخاذ شده است، در مورد یک کشور عضو نود روز پس از تاریخ سپردن سند تصویب، پذیرش یا تأیید نزد دبیرکل سازمان ملل متحد چنین اصلاحیه‌ای لازم‌الاجرا خواهد شد.

۵-هنگامی‌که اصلاحیه لازم‌الاجرا می‌شود، برای کشورهای عضوی که رضایت خود را مبنی بر التزام به آن اعلام کرده‌اند، الزام‌آور خواهد بود. سایر کشورهای عضو همچنان به مفاد این پروتکل و هرگونه اصلاحیه قبلی که تصویب، پذیرفته یا تأیید کرده‌اند، ملزم خواهند بود.

ماده ۱۹- فسخ

۱-یک کشور عضو می‌تواند این پروتکل را با اطلاعیه کتبی به دبیرکل سازمان ملل متحد فسخ کند. این فسخ یک سال پس از تاریخ دریافت اطلاعیه توسط دبیرکل نافذ خواهد شد.

۲-یک سازمان ادغام اقتصادی منطقه‌ای زمانیکه تمام کشورهای عضو این پروتکل را محکوم کرده باشند، دیگر عضو این پروتکل نخواهد بود.

ماده ۲۰ - سپرده گذاری و زبان‌ها

۱-دبیرکل سازمان ملل متحد به عنوان امانتدار این پروتکل تعیین می‌شود.

۲-اصل این پروتکل که متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی آن به یک اندازه معتبر است، نزد دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

نمایندگان تام الاختیار امضا کننده زیر، که از سوی کشورهای خود اختیار کامل دارند، با آگاهی کامل این پروتکل را امضا کرده‌اند.

مقاوله‌نامه

حقوق افراد دارای معلولیت

پیش زمینه‌های شکل گیری مقاوله‌نامه حقوق افراد دارای معلولیت[1]

این مقاوله‌نامه تنها سند بین‌المللی برای رسیدگی به موضوعات مربوط به معلولیت نیست. پیشتر در سال ۱۹۷۵، اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حقوق افراد معلول رسماً در این نکته را در نظر گرفت که افراد دارای معلولیت باید از حقوقی مشابه با دیگران برخوردارند. مقاوله‌نامه حقوق کودک به طور خاص اشاره می‌کند که حقوق مندرج دراین مقاوله‌نامه به طور گسترده تری در مورد افراد دارای معلولیت اعمال می‌شود، در حالی که برخی از اسناد حقوق بشری دیگر، مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بیان می‌کنند که آنها به طور جهانی برای همه افراد اعمال می‌شوند. با در نظر داشتن اینگونه تحولات بین‌المللی است که مقاوله‌نامه افراد دارای معلولیت بهتر معنی پیدا می‌کند. با این حال، وجود تبعیض مداوم علیه افراد دارای معلولیت و عدم به رسمیت شناختن گسترده و صریح حقوق این افراد، سازمان ملل متحد و اعضای آن را بر آن داشت تا تشخیص دهند که حمایت‌های موجود توسط این اسناد ناکافی است. تعدادی از سازمان‌های بین‌المللی، مانند دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل و اتحادیه بین پارلمانی، اذعان داشتند که افراد دارای معلولیت یکی از محروم‌ترین و در حاشیه ترین گروه‌های جمعیتی در جامعه هستند. نیاز به ابزاری که بتواند نحوه عملکرد شناخته شده حقوق مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در زمینه معلولیت را بهتر بیان کند و وظایفی را که کشورها برای حمایت و ترویج این حقوق دارند، بخوبی احساس می‌شد.

علاوه براین، این مقاوله‌نامه در چارچوب شناخت فزاینده‌ای پدیدار شد که افراد دارای معلولیت بخش قابل توجهی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. براساس جدیدترین داده‌های سازمان جهانی بهداشت (از سال ۲۰۱۰)، بیش از یک میلیارد نفر – یعنی حدود ۱۵ درصد از جمعیت جهان - با نوعی ناتوانی زندگی می‌کنند و تا ۱۹۰ میلیون نفر در عملکرد با مشکلات بسیار مهمی روبرو هستند. تعداد افراد مبتلا به نوعی معلولیت با افزایش جمعیت جهان و افزایش سن در حال افزایش است.

در تدوین مقاوله‌نامه که در سراسر حوزه‌های قضایی کشورها معنادار باشد، تعهداتی گنجانده شد که حقوق افراد دارای معلولیت را در زمینه‌های مختلف ملی و به رسمیت شناختن اهمیت

---

[1] Convention on the Rights of Persons with Disabilities. Adopted by the Sixty-first session of the General Assembly by resolution A/RES/61/106 on 12 December 2006. Entry into force: 3 May 2008, in accordance with article 45(1).

همکاری بین‌المللی ارتقا می‌بخشد. به عنوان مثال، منابع در دسترس یک کشور ممکن است بر ماهیت چالش‌های پیش روی افراد دارای معلولیت و توانایی کشور برای سرمایه گذاری در برنامه‌ها و زیرساخت‌ها برای رسیدگی به این چالش‌های پیش روی متمرکز باشد. در کشورهای در حال توسعه، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد تخمین می زند که ۹۰ درصد از کودکان دارای معلولیت به مدرسه نمی‌روند. بنابراین، تدوین یک مقاوله‌نامه همچنین باید به انواع تبعیض‌هایی که افراد دارای معلولیت با آن مواجه هستند، که شامل تبعیض فردی و سیستمی است، پاسخ دهد. تبعیض فردی ناشی از اقدامات و انتخاب‌های افرادی است که در قبال کسانی که دارای معلولیت در زندگی روزمره خود با آنها مواجه هستند، نسبت به آنها روا می‌دارند. تبعیض سیستماتیک زمانی رخ می دهد که انتخاب‌های تبعیض آمیز در قوانین و سیاست ها نهادینه می‌شود. براساس گزارش دختر کمیسارپای عالی حقوق بشر، برای اینکه افراد دارای معلولیت به طور کامل به یک سطح اساسی از برابری در سراسر جهان دست یابند، قوانینی که حقوق آنها را محدود ساخته و تبعیض سیستمی را نهادینه می‌کند باید با قوانینی جایگزین شوند که حقوق این افراد را مورد حمایت قرار داده و از آنها حمایت به عمل آورد. نیاز به اصلاح قانونگذاری و سیاست، و نیاز به تغییر نگرش‌های رایج که اغلب بر چگونگی رفع ناتوانی یک فرد تمرکز می‌کند تا اینکه چگونه جامعه می‌تواند موانعی را که مانع مشارکت آنها می شود از بین ببرد، به پیشرفت سریع در تهیه پیشنویس و پذیرش آن کمک کرد. به این ترتیب مقاوله‌نامه حقوق افراد دارای معلولیت بوجود آمد.

مقاوله‌نامه سازمان ملل متحد در مورد حقوق افراد دارای معلولیت و پروتکل اختیاری آن مورد استقبال بسیاری از کشورها، سازمان‌های جامعه مدنی، اعضای جامعه معلولان و قرار گرفت. این قرارداد در زمان کمتری نسبت به سایر معاهدات اصلی حقوق بشر بین‌المللی تکمیل شد و پس از باز شدن برای امضا، رکورد تعداد امضاکنندگان را به دست آورد. علاوه براین، با مشارکت بسیاری از گروه‌ها، از جمله سازمان‌های غیردولتی و بین‌المللی و نهادهای ملی حقوق بشر، بیشترین حمایت را به دست آورد. باید در نظر داشت که برخلاف بسیاری از معاهدات بین‌المللی پیشین که به سادگی حقوق به رسمیت شناخته شده توسط سازمان ملل را تعریف می‌کنند، این مقاوله‌نامه گام‌ها و اقدامات کلیدی را برای کشورهای عضو به منظور ارتقا و حمایت از حقوق بشر افراد دارای معلولیت تشریح می‌کند. مقاوله‌نامه مانند ابزاری است که به جوامع و کشورها کمک می‌کند تا چرایی و چگونگی

حقوق افراد دارای معلولیت را درک کنند، همچنین چارچوبی را فراهم می‌کند که شرایط لازم برای تحقق حقوق این افراد را توضیح دهند. در اوت ۲۰۲۱، این مقاوله‌نامه دارای ۱۸۳ کشور عضو بود و اولین معاهده حقوق بشر است که توسط یک سازمان همگرایی منطقه‌ای، یعنی اتحادیه اروپا، به تصویب رسید. جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۳ اکتبر ۲۰۰۹، به این مقاوله‌نامه ملحق شد.

متن مقاوله‌نامه حقوق افراد دارای معلولیت[1]

مقدمه

کشورهای عضو مقاوله‌نامه حاضر؛

الف: با یادآوری اصول اعلام شده در منشور سازمان ملل متحد که منزلت و ارزش ذاتی و حقوق برابر و لاینفک همه اعضای خانواده بشری را بعنوان بنیان آزادی، عدالت و صلح در جهان به رسمیت می شناسد؛

ب: با شناسایی اینکه سازمان ملل در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر اعلام و موافقت نموده است که همگان بدون هرگونه تمایزی، از تمامی حقوق و آزادی‌های مندرج در اسناد مذکور، برخوردار می‌باشند؛

پ: با تأکید مجدد بر جهانی بودن، غیرقابل تقسیم بودن، وابستگی متقابل و ارتباط متقابل تمامی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و نیاز به تضمین بهره گیری کامل افراد معلول از آنها بدون هیچگونه تبعیض؛

ت: با یادآوری میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مقاوله‌نامه بین‌المللی حذف تمامی اشکال تبعیض نژادی، مقاوله‌نامه رفع کلیه اشکال تبعیض نسبت به زنان، مقاوله‌نامه منع شکنجه و سایر مجازات‌ها یا رفتارهای تحقیرآمیز، غیرانسانی

---

[1] Convention on the Rights of Persons with Disabilities, Sixty-first session of the General Assembly by resolution A/RES/61/106, 12 December 2006.

و ظالمانه، مقاوله‌نامه حقوق کودک و مقاوله‌نامه بین‌المللی حمایت از حقوق تمامی کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنان؛

ث: با اذعان به اینکه معلولیت مفهومی تحول پذیر بوده و اینکه معلولیت منتج از تعامل افراد دارای نقص و موانع محیطی است که مشارکت کامل و مؤثر آنان در حالت برابر با سایرین در جامعه را مانع می‌گردد؛

ج: با اذعان به اهمیت اصول و خط مشی‌های مندرج در برنامه جهانی اقدام در مورد افراد معلول و در قواعد استاندارد در خصوص یکسان سازی فرصت‌ها برای افراد دارای معلولیت در تاثیر گذاری بر ارتقاء، تنظیم و ارزیابی سیاست‌ها، طرحها، برنامه‌ها و اقدامات در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به منظور آنکه فرصت‌ها برای افراد دارای معلولیت بیشتر یکسان گردد؛

چ: با تأکید بر اهمیت جریان سازی موضوع معلولیت بعنوان جز جدایی ناپذیر راهبردهای مرتبط با توسعه پایدار؛

ح: با اذعان به اینکه تبعیض علیه هر فرد بر مبنای معلولیت تخطی از منزلت و ارزش ذاتی هر فرد انسانی است؛

خ: با اذعان بیشتر بر تنوع بین افراد دارای معلولیت؛

د: با اذعان به نیاز به منظور ارتقاء و حمایت از حقوق بشر تمامی افراد دارای معلولیت شامل آنهائی که نیازمند حمایت بیشتری هستند؛

ذ: با نگرانی از اینکه علی‌رغم وجود این‌گونه اسناد و تعهدات، افراد دارای معلولیت کماکان با موانعی در مشارکت بعنوان عضو برابر جامعه و همچنین نقض حقوق بشری آنان در تمامی نقاط جهان مواجه می باشند؛

ر: با اذعان بر اهمیت همکاری‌های بین‌المللی برای بهبود شرایط زندگی افراد دارای معلولیت در تمامی کشورها بویژه در کشورهای در حال توسعه؛

ز: با اذعان به مشارکت های ارزشمند عملی و بالقوه افراد دارای معلولیت در مورد رفاه کلی و تنوع جوامع آنها و اینکه ارتقاء بهره‌مندی کامل افراد دارای معلولیت در مورد حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و اینکه مشارکت کامل افراد دارای معلولیت منتج به گسترش حس تعلق و پیشرفت‌های مهم در توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی جامعه و فقر زدایی می‌گردد؛

ژ: با اذعان به اینکه، برای افراد دارای معلولیت، استقلال فردی و عدم وابستگی شامل آزادی انتخاب، مهم می‌باشد؛

س: با در نظر گرفتن اینکه افراد دارای معلولیت بایستی این فرصت را داشته باشند که فعالانه در روند تصمیم گیری‌ها در مورد سیاست‌ها و برنامه‌ها شامل مواردی که مستقیما به آنها مربوطه می‌شوند، دخالت کنند؛

ش: با ابراز نگرانی از وضعیت دشواری که افراد دارای معلولیت که دچار چند نوع و یا اشکال تشدید یافته تبعیض بواسطه نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و یا دیگر عقاید، و یا منشاء ملی، قومی، بومی و یا اجتماعی، دارایی، تولد، سن و یا سایر خصوصیات با آنان مواجه می‌گردند؛

ص: با اذعان به اینکه زنان و دختران دارای معلولیت غالبا در معرض خطر بیشتری هم در درون و هم در بیرون خانه می‌باشند و مورد خشونت، آسیب، یا سوءاستفاده، غفلت، یا برخوردهای ناآگاهانه، سوء رفتار و یا استثمار واقع می‌گردند؛

ض: با اذعان به اینکه کودکان دارای معلولیت بایستی از بهره‌مندی کامل از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بر مبنای برابر با سایر کودکان برخوردار گردند، با یادآوری تعهدات کشورهای عضو در مورد مقاوله‌نامه حقوق کودک؛

ط: با تأکید بر گنجاندن دیدگاه‌های جنسیتی در تمامی تلاش‌ها در جهت ارتقای در برخورداری کامل از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین توسط افراد دارای معلولیت؛

ظ: با تأکید بر این حقیقت که اکثر افراد دارای معلولیت در شرایط فقر زندگی می‌کنند و در این ارتباط، نیاز اساسی برای بررسی پیامد منفی فقر بر افراد دارای معلولیت را تصدیق می‌نماید؛

ع: با در نظر داشتن اینکه شرایط صلح و امنیت بر مبنای احترام کامل برای اهداف و اصول مندرج در منشور ملل متحد و رعایت اسناد حقوق بشری نافذ جهت حمایت کامل از افراد دارای معلولیت به ویژه در منازعات مسلحانه و اشغال بیگانگان ضروری می‌باشد؛

غ: اذعان به اهمیت دسترسی به محیط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی و به بهداشت و آموزش و به اطلاعات و ارتباطات در جهت توانمند ساختن افراد دارای معلولیت در بهره‌مندی کامل از تمامی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین؛

ف: وقوف به اینکه فرد نسبت به سایر افراد و جامعه‌ای که به آن تعلق دارد، دارای وظایفی می‌باشد و در جهت ارتقاء و رعایت حقوق به رسمیت شناخته شده در منشور حقوق بشر مسئول است تلاش نماید؛

ق: با اعتقاد به اینکه خانواده واحد بنیادین و طبیعی در جامعه است و از حمایت جامعه و کشور برخوردار می‌باشد و اینکه به منظور آنکه خانواده‌ها در جهت مشارکت برای بهره‌مندی کامل و یکسان ویژه افراد دارای معلولیت توانمند گردند، بایستی افراد دارای معلولیت و اعضای خانواده آنها از حمایت‌ها و مساعدت‌های لازم برخوردار گردند؛

ک: با اعتقاد به اینکه مقاوله‌نامه بین‌المللی، بینقص و جامع در جهت ارتقاء و حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت، سهم عمده‌ای در جبران کمبودهای شگرف اجتماعی افراد دارای معلولیت و ارتقاء مشارکت آنها در عرصه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مدنی با فرصت‌های برابر در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته ایفاء می نماید؛

بشرح زیر توافق نموده‌اند:

ماده ۱ - هدف

هدف مقاوله‌نامه حاضر، ارتقاء، حمایت و تضمین بهره‌مندی برابر و کامل افراد دارای معلولیت از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و ارتقاء احترام نسبت به منزلت ذاتی آنها می باشد.

فکری یا حسی هستند که در تعامل با موانع مختلف ممکن است مانع مشارکت کامل و موثر آنها در جامعه به صورت برابر با دیگران شود.

ماده ۲ - تعاریف

در مقاوله‌نامه حاضر:

«ارتباطات» شامل زبان، نمایش متن، خط بریل، ارتباطات حسی، چاپ درشت، روش‌های چند رسانه‌ای قابل دسترس و همچنین روش‌ها و اشکال ارتباطات کتبی، شفاهی، زبان ساده، قابل خواندن توسط انسان، و روش‌های تقویت کننده و جایگزین، شیوه‌ها و اشکال ارتباطات شامل فناوری اطلاعات و ارتباطات قابل دسترس می‌گردد؛

«زبان» شامل زبان‌های گفتاری و ایماء و اشاره و سایر اشکال زبان‌های غیرکلامی می‌گردد؛

«تبعیض بر پایه معلولیت» به معنای هرگونه تمایز، استثناء و یا محدودیت بر پایه معلولیت است که هدف و تأثیر آن ناتوانی و یا نفی شناسایی، بهره‌مندی یا اعمال کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بر مبنای برابر با دیگران در زمینه‌های مدنی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و یا هر زمینه دیگری می‌باشد. همچنین دربرگیرنده تمامی اشکال تبعیض ازجمله نفی انطباق منطقی نیز می‌شود؛

«انطباق منطقی» به معنای مطابقت و تغییرات مقتضی و ضروری است که فشار بیمورد و نا متناسبی را تحمیل ننماید و جائیکه در مورد خاصی نیاز می‌باشد، بهره‌مندی و اعمال کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین توسط افراد دارای معلولیت در شرایط برابر با سایرین را تضمین نماید.

«طراحی جهانی» به معنای طراحی تولیدات، محیط‌ها، برنامه‌ها و خدماتی است که تا سرحد امکان، جهت تمامی افراد، بدون نیاز به تطبیق یا طراحی ویژه قابل استفاده باشد. «طراحی جهانی» نبایستی وسایل امدادی که برای گروه‌های خاصی از افراد دارای معلولیت، آنها را آنجا که این‌گونه وسایل مورد نیاز است، محروم سازد.

ماده ۳ - اصول کلی

اصول مقاوله‌نامه حاضر عبارتند از:

الف: احترام به منزلت ذاتی، خود مختاری فردی شامل آزادی انتخاب و استقلال افراد؛

ب: عدم تبعیض؛

پ: مشارکت کامل و مؤثر و ورود در جامعه؛

ت: احترام به تفاوت‌ها و پذیرش افراد دارای معلولیت بعنوان بخشی از تنوع انسانی و بشریت؛

ث: برابری فرصت‌ها؛

ج: دسترسی؛

چ: برابری بین زن و مرد؛

ح: احترام به ظرفیتهای قابل تحول کودکان دارای معلولیت و احترام به حقوق کودکان دارای معلولیت در جهت حفظ هویت آنها.

ماده ۴ - تعهدات کلی

۱-کشورهای عضو متعهد می‌شوند تحقق کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای تمامی افراد دارای معلولیت را بدون هرگونه تبعیض بر مبنای معلولیت تضمین و ارتقاء دهند. بدین منظور، کشورهای عضو متعهد می‌شوند:

الف: تمامی تدابیر قانونی، اداری و سایر تدابیر را در جهت اجرای حقوق به رسمیت شناخته شده در مقاوله‌نامه حاضر را اتخاذ کنند؛

ب: تمامی تدابیر مقتضی از جمله قانونگذاری، به منظور تغییر و یا الغای قوانین موجود، مقررات، آداب و رسوم و اعمالی که موجب ایجاد تبعیض علیه افراد دارای معلولیت می‌شود را اتخاذ کنند؛

پ: حمایت و ارتقاء حقوق بشری افراد دارای معلولیت را در تمامی سیاست‌ها و برنامه ها مد نظر قرار دهند؛

ت: از اعمال هرگونه اقدام و یا روشی که مغایر با مقاوله‌نامه حاضر می‌باشد، خودداری شود و اطمینان حاصل گردد که مقامات و نهادهای کشوری مطابق مقاوله‌نامه حاضر عمل می‌کنند؛

ث: تمامی تدابیر لازم جهت حذف تبعیض مبتنی بر معلولیت توسط هر فرد، سازمان یا تشکیلات شخصی را بکار گیرد؛

ج: پژوهش و توسعه کالاها، خدمات، تجهیزات و کالاهای منطبق با طراحی جهانی مطابق با اصل ۲ مقاوله‌نامه حاضر را انجام و یا ارتقاء بخشد، طوری که نیازمند کمترین سازگاری و هزینه در تأمین نیازهای ویژه افراد دارای معلولیت باشد، دسترسی و بهره‌مندی آنان را ارتقاء بخشیده و طراحی جهانی را در توسعه استانداردها و دستورالعمل‌ها ارتقاء بخشد؛

چ: پژوهش و توسعه را انجام یا ارتقا بخشیده و دسترسی و استفاده از فناوریهای جدید شامل فناوری اطلاعات و ارتباطات، کمکهای مربوط به حمل و نقل، وسایل و فناوریهای امدادی جهت افراد دارای معلولیت با لحاظ اولویت به فناوریهای با هزینه مناسب را ارتقا بخشد؛

ح: اطلاعات قابل دسترس در مورد کمکهای مربوط به جابجایی، وسایل و فناوریهای امدادی شامل فناوریهای نوین و سایر اشکال امدادی، خدمات و امکانات حمایتی را جهت افراد دارای معلولیت، تأمین نماید؛

خ: آموزش کارکنان و متخصصانی که با افراد دارای معلولیت در زمینه حقوق به رسمیت شناخته شده در این مقاوله‌نامه در تعامل می‌باشند را به منظور ارائه خدمات و کمکهای تضمین شده توسط حقوق مذکور ارتقا بخشد.

۲- در رابطه با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، هر کشور عضو متعهد می شود تا حداکثر منابع موجود خود و در صورت لزوم، در چارچوب همکاری بین‌المللی، اقدامات لازم را به منظور دستیابی به تحقق کامل این حقوق به تدریج انجام دهد، بدون اینکه به تعهدات موجود در این کنوانسیون که مطابق با حقوق بین‌الملل بلافاصله قابل اجرا هستند، آسیبی وارد کند.

۳-در جهت اجرای مقاوله‌نامه حاضر در توسعه و اجرای سیاست‌ها و قوانین و سایر روندهای تصمیم‌گیری مربوط به افراد دارای معلولیت، کشورهای عضو از نزدیک با افراد دارای معلولیت

و کودکان دارای معلولیت از طریق سازمان‌هایی که نمایندگی آنها را برعهده دارند مشورت نموده و آنها را بطور فعال بکار گیرند.

۴-هیچ چیز در این مقاوله‌نامه نباید بر مقرراتی که بیشتر به تحقق حقوق افراد معلول کمک می‌کنند و ممکن است در قانون یک کشور عضو یا حقوق بین‌المللی که برای آن کشور اعمال می شود، وجود داشته باشد، تأثیر بگذارد. هیچ محدودیتی یا تخلفی از هیچ یک از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی که در هر یک از کشورهای عضو کنوانسیون حاضر به موجب قانون، مقاوله‌نامه‌ها، مقررات یا آداب و رسوم به رسمیت شناخته شده یا وجود دارد، به بهانه اینکه مقاوله‌نامه حاضر چنین حقوق یا آزادی‌هایی را به رسمیت نم شناسد یا آنها را به میزان کمتری به رسمیت می شناسد، وجود ندارد.

۵-مفاد مقاوله‌نامه حاضر به تمامی مناطق کشورهای فدرال بدون هیچگونه محدودیت و استثنایی گسترش می یابد.

ماده ۵ - برابری و عدم تبعیض

۱-کشورهای عضو تمامی افراد را در برابر قانون مساوی دانسته و بدون هیچگونه تبعیضی از حمایت برابر و منافع برابر قانونی برخوردار می‌باشند.

۲- کشورهای عضو، هرگونه تبعیض براساس معلولیت را ممنوع خواهند کرد و برای افراد دارای معلولیت حمایت قانونی برابر و مؤثر در برابر تبعیض به هر دلیلی تضمین خواهند کرد.

۳-به منظور ارتقای برابری و رفع تبعیض، کشورهای عضو، اقدامات مناسبی را جهت تضمین انطباق منطقی اتخاذ می‌کنند.

۴-تدابیر ویژه‌ای که برای تسریع یا دستیابی به برابری عملی افراد دارای معلولیت ضروری است، براساس مقاوله‌نامه حاضر تبعیض تلقی نمی‌شود.

ماده۶ - زنان دارای معلولیت

۱-کشورهای عضو اذعان می‌دارند که زنان و دختران دارای معلولیت دچار تبعیضات چندگانه می‌باشند و در این ارتباط تدابیری را جهت تضمین بهره‌مندی برابر و کامل آنها در مورد تمامی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین اتخاذ می‌کنند.

۲-کشورهای عضو تمامی تدابیر مناسب را جهت تضمین توسعه کامل، پیشرفت و توانمند سازی زنان به منظور تضمین برخورداری آنان از بهره‌مندی و اعمال حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین مندرج در مقاوله‌نامه حاضر اتخاذ می‌کنند.

ماده۷ - کودکان دارای معلولیت

۱-کشورهای عضو تدابیر لازم جهت اطمینان از اینکه کودکان دارای معلولیت از تمامی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بر مبنای برابر با سایر کودکان بهره‌مند می‌باشند را اتخاذ می‌کنند.

۲-در تمامی اقدامات مربوط به کودکان دارای معلولیت، عالی‌ترین منافع کودک در اولویت نخست خواهد بود.

۳-کشورهای عضو تضمین می‌کنند که کودکان دارای معلولیت از حق بیان آزادانه نظرات خود در تمامی امور تأثیر گذار بر آنها برخوردار می‌باشند. نظرات آنها براساس سن و بلوغ و بر مبنای برابر با سایر کودکان از سنجش مناسب برخوردار می‌گردد و در تحقق حقوق آنها کمکهای متناسب با سن و ناتوانی ارائه می‌گردد.

ماده ۸ - آگاه سازی

کشورهای عضو متعهد هستند تدابیر فوری، موثر و مناسب را اتخاذ کنند:

الف: افزایش آگاهی در تمامی جامعه از جمله در سطح خانواده در مورد افراد دارای معلولیت ارتقا داده و احترام و منزلت افراد دارای معلولیت را پرورش دهند؛

ب: با اقدامات کلیشه‌ای، جانب‌دارانه و مضر مرتبط با افراد دارای معلولیت از جمله آن دسته از مواردی که بر مبنای جنسیت و سن می‌باشد در تمامی حوزه های زندگی مبارزه کنند؛

پ: آگاهی در مورد ظرفیت ها و مشارکت افراد دارای معلولیت را ارتقا بخشند؛

تدابیر نیل به این هدف عبارتند از:

الف: آغاز و حفظ جریان آگاه سازی عمومی مؤثر، طراحی شده جهت:

(۱) تقویت پذیرش حقوق افراد دارای معلولیت؛

(۲) ارتقا ادراک مثبت و آگاهی‌های اجتماعی بیشتر نسبت به افراد دارای معلولیت؛

(۳) ارتقای شناسایی مهارتها، شایستگی‌ها و توانایی‌های افراد دارای معلولیت و مشارکت آنها در محیط کار و بازار کار؛

ب: پرورش نگرش احترام به افراد دارای معلولیت در تمامی سطوح نظام آموزشی از جمله تمامی کودکان از سنین اولیه؛

پ: ترغیب تمامی ارگان‌های رسانه‌ای جهت به تصویر کشاندن افراد دارای معلولیت به روشی که سازگار با اهداف مقاوله‌نامه حاضر باشد؛

ت: ارتقاء برنامه های آموزشی آگاه سازی مرتبط با افراد دارای معلولیت و حقوق افراد دارای معلولیت.

ماده ۹ – موضوع دسترسی‌ها

۱- برای توانمند ساختن افراد دارای معلولیت برای زندگی مستقل و مشارکت کامل در تمام جنبه های زندگی، کشورهای عضو باید اقدامات مناسبی را برای اطمینان از دسترسی افراد دارای معلولیت، بر مبنای برابر با دیگران، به محیط فیزیکی، حمل و نقل، اطلاعات و ارتباطات انجام دهند. از جمله فناوری‌ها و سیستم‌های اطلاعات و ارتباطات و سایر امکانات و خدمات باز یا ارائه شده برای عموم، هم در مناطق شهری و هم در روستایی. این اقدامات، که شامل شناسایی و حذف موانع و بازدارنده‌های دسترسی است، شامل موارد زیر است:

الف: ساختمان‌ها، جاده‌ها، وسایل حمل و نقل و سایر امکانات داخلی و خارجی، از جمله مدارس، مسکن، امکانات پزشکی و محل‌های کار؛

ب: اطلاعات، ارتباطات و سایر خدمات شامل خدمات الکترونیکی و خدمات اورژانسی.

۲-کشورهای عضو همچنین تدابیر مناسبی را اتخاذ می‌کنند به منظور:

الف: توسعه، اعلام و نظارت بر اجرای حداقل معیارها و خط مشی‌های مربوط به دسترسی به تسهیلات و خدمات آزاد و ارائه شده جهت عموم؛

ب: تضمین اینکه نهادهای خصوصی ارائه کننده تسهیلات و خدمات آزاد جهت عموم، تمامی جنبه های دسترسی افراد دارای معلولیت را مد نظر قرار می‌دهند؛

پ: آموزشهای لازم برای افراد ذینفع در مورد مسائل مربوط به دسترسی کسانی که دارای معلولیت هستند؛

ت: در ساختمان‌ها و سایر تسهیلات ارائه شده برای عموم، علایمی به خط بریل و سایر اشکال به سهولت قابل فهم و خواندن ارائه کنند؛

ث: ارائه انواع کمکهای انسانی مستقیم و واسطه‌ای، شامل راهنما، خوانندگان و مترجمان حرفه ای زبان‌های اشاره‌ای، برای تسهیل دسترسی به ساختمان‌ها و سایر امکانات باز برای عموم؛

ج: سایر اشکال مناسب مساعدت و حمایت از افراد دارای معلولیت که اطمینان از دسترسی آنها به اطلاعات را ارتقا بخشند؛

چ: دسترسی افراد دارای معلولیت به نظام و فناوری جدید اطلاعات و ارتباطات از جمله اینترنت؛

ح: طراحی، توسعه، تولید و توزیع نظام‌ها و فناوریهای اطلاعات و ارتباطات قابل دسترس در مراحل اولیه به منظور آنکه این نظام‌ها و فناوریهای با کمترین هزینه قابل دسترس گردد، را ارتقا بخشند.

ماده ۱۰ - حق حیات

کشورهای عضو مجددا تأیید می‌کنند که هر انسانی از حق ذاتی حیات برخوردار است و تمامی تدابیر لازم را برای تضمین بهره‌مندی مؤثر توسط افراد دارای معلولیت بر مبنای برابر با سایرین، اتخاذ می‌کنند.

ماده۱۱ – وضعیت‌های مخاطره آمیز و فوریت‌های انسانی

کشورهای عضو می‌بایست منطبق تعهدات آنان در چارچوب حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق بشر بین‌المللی، تمامی تدابیر لازم را جهت اطمینان از حمایت و ایمنی شخصی افراد دارای معلولیت در شرایط مخاطره آمیز شامل وضعیت مناقشات مسلحانه، فوریت‌های انسانی و وقوع بلایای طبیعی اتخاذ کنند.

ماده۱۲ - شناسایی برابر در پیشگاه قانون

۱-کشورهای عضو مجددا تأیید می‌کنند که افراد دارای معلولیت از حق شناسایی در هرکجا، بعنوان افراد در پیشگاه قانون، برخوردار می باشند.

۲-کشورهای عضو بر این اعتقادند که افراد دارای معلولیت از ظرفیت قانونی بر مبنای برابر با سایرین در تمامی جنبه های زندگی برخوردار می‌باشند.

۳-کشورهای عضو تمامی تدابیر مناسب جهت دسترسی افراد دارای معلولیت به حمایت‌هایی که ممکن است آنها در اعمال ظرفیت‌های قانونی شان بدان نیاز داشته باشند، اتخاذ می‌کنند.

۴-کشورهای عضو اطمینان حاصل می‌کنند تمامی تدابیری که مرتبط با اعمال ظرفیت‌های قانونی می‌باشد، برای ارائه پادمان‌های مناسب و مؤثر براساس حقوق بشر بین‌المللی که جهت جلوگیری از سوءاستفاده می‌باشد، اتخاذ می‌کنند. چنین پادمان‌هایی تضمین می‌کنند که تدابیر مرتبط با اعمال ظرفیت‌های قانونی، حقوق، اراده و رجحان فرد را محترم شمرده، عاری از تضاد منافع و تأثیرات بیمورد بوده، منطبق و متناسب با شرایط فرد، در کوتاه‌ترین زمان ممکن به اجرا درآورده می‌شود و منوط به بازنگری منظم توسط رکن قضایی یا مسئولین بیطرف، مستقل و ذیصلاح می‌باشد. این پادمان‌ها می‌بایست با مراتبی که این‌گونه تدابیر، منافع و حقوق افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند، متناسب باشند.

۵-براساس مفاد این ماده، کشورهای عضو، تمامی تدابیر مؤثر و مناسب را جهت اطمینان از حقوق برابر افراد دارای معلولیت برای تملک و یا میراث بردن دارایی، کنترل امور مالی خود و دسترسی برابر به وام‌های بانکی، رهن‌ها و سایر اشکال اعتبارات مالی اتخاذ می‌کنند و تضمین می‌کنند که افراد دارای معلولیت بطور خودسرانه از دارای آنها محروم نمی‌شوند.

ماده۱۳ - دسترسی به عدالت

۱-کشورهای عضو دسترسی مؤثر افراد دارای معلولیت به عدالت بر مبنای برابر با سایرین از جمله از طریق انطباق مناسب با سن، به منظور تسهیل نقش مؤثر آنان بعنوان حضور یابنده مستقیم و غیر مستقیم مانند شهود در کلیه آیین دادرسی حقوقی شامل بازجویی و مراحل اولیه رسیدگی را تضمین می‌کنند.

۲-به منظور یاری در تضمین دسترسی مؤثر به عدالت برای افراد دارای معلولیت، کشورهای عضو، آموزش مناسب برای افرادی که در حوزه اجرای عدالت از جمله پلیس و کارکنان زندانها کار می‌کنند را ارتقا می‌بخشند.

ماده۱۴ - آزادی و امنیت شخصی

کشورهای عضو اطمینان حاصل می‌کنند که افراد دارای معلولیت بر مبنای برابر با سایرین:

الف: از حق آزادی و امنیت فردی برخوردار هستند؛

ب: بطور خودسرانه و یا غیر قانونی از حق خود محروم نشده، و اینکه هرگونه محرومیت از آزادی منطبق بر قانون می‌باشد و اینکه وجود معلولیت به بهیچوجه محرومیت از آزادی را توجیه نمی‌کند.

پ: کشورهای عضو اطمینان حاصل می‌کنند در صورتیکه افراد دارای معلولیت از آزادی در طی هر روندی محروم گردیده باشند، آنها بر مبنای برابر با سایرین از ضمانت منطبق بر حقوق بشر بین‌المللی برخوردار می‌باشند و با آنها در راستای اهداف و اصول این مقاوله‌نامه شامل مفاد انطباق منطقی رفتار می‌گردد.

ماده۱۵ - آزادی از شکنجه یا مجازات یا رفتار ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز

۱-احدی مستوجب شکنجه یا مجازات یا رفتار ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز نیست. به ویژه احدی بدون رضایت آزادانه تحت آزمایشات علمی یا پزشکی واقع نمی‌شود.

۲-کشورهای عضو تمامی تدابیر قانون مداری، اداری، قضایی مؤثر و یا دیگر تدابیر را در مورد افراد دارای معلولیت بر پایه برابر با سایرین اتخاذ می‌کنند تا از قرارگرفتن آنان در معرض شکنجه یا رفتار تحقیرآمیز یا غیر انسانی یا ظالمانه یا مجازات ممانعت کنند.

ماده۱۶ - آزادی از استثمار، خشونت و آزار و اذیت

۱-کشورهای عضو، تمامی تدابیر قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی مناسب و یا سایر تدابیر را جهت حمایت از افراد دارای معلولیت در درون و بیرون از خانه از تمامی اشکال استثمار، خشونت و آزار و اذیت شامل جنبه های مبتنی بر جنسیت را اتخاذ می‌کنند.

۲-کشورهای عضو همچنین تدابیر مناسبی را جهت جلوگیری از تمامی اشکال استثمار، خشونت و آزار و اذیت با تضمین مواردی از جمله اشکال مناسب کمکهای حساس جنسیتی و سنی و حمایت از افراد دارای معلولیت و خانواده ها و مراقبین آنها از جمله از طریق ارائه اطلاعات و آموزش در مورد چگونگی پرهیز، شناسایی و گزارش در مورد نمونه‌هایی از استثمار، خشونت و آزار و اذیت اتخاذ می‌کنند. کشورهای عضو تضمین می‌کنند که خدمات حمایتی نسبت به سن، جنسیت و معلولیت از حساسیت برخوردارند.

۳-به منظور جلوگیری از وقوع تمامی اشکال استثمار، خشونت و آزار و اذیت، کشورهای عضو اطمینان حاصل می‌کنند که تمامی تسهیلات و برنامه های طراحی شده برای خدمت به افراد دارای معلولیت بطور مؤثر توسط مقامات مستقل نظارت می‌گردد.

۴-کشورهای عضو تمامی تدابیر مناسب از جمله ارائه خدمات حمایتی جهت ارتقاء فیزیکی، شناختی، بهبود روانی، توانبخشی و پیوستن مجدد اجتماعی در مورد افراد دارای معلولیت که به نوعی قربانی استثمار، خشونت یا آزار و اذیت شده‌اند، را اتخاذ می‌کنند.

۵-کشور های عضو، قوانین و سیاست‌های مؤثر شامل قوانین و سیاست‌های متمرکز بر زنان و کودکان را به منظور تضمین اینکه مواردی از استثمار، خشونت و آزار و اذیت نسبت به افراد دارای معلولیت شناسایی و رسیدگی شده و در موقع مقتضی مورد پیگرد قرار گیرد، اتخاذ می‌کنند.

ماده ۱۷ - حمایت از سلامت فرد

هر فرد دارای معلولیت از حق احترام به سلامت جسمانی و روحی بر مبنای برابر با سایرین برخوردار می‌باشد.

ماده۱۸ - آزادی تردد و تابعیت

۱-کشورهای عضو حقوق افراد دارای معلولیت در مورد آزادی تردد، آزادی انتخاب محل اقامت و تابعیت بر مبنای برابر با سایرین را به رسمیت می‌شناسند از جمله تضمین اینکه افراد دارای معلولیت:

الف: داشتن حق اخذ و تغییر تابعیت و اینکه از تابعیت خود بطور خودسرانه یا به دلیل معلولیت محروم نمی‌شوند؛

ب: عدم محرومیت به دلیل معلولیت از توانایی اخذ، کسب و استفاده از اسناد تابعیت آنها و یا سایر اسناد هویت یا بکارگیری روندهای مرتبط نظیر روند مهاجرت که ممکن است نیازمند تسهیل در اعمال حق آزادی تردد باشد؛

پ: آزاد می‌باشند تا هر کشوری شامل کشور خودشان را ترک کنند؛

ت: بطور خودسرانه و یا به دلیل معلولیت از حق ورود به کشورشان محروم نشوند.

۲-کودکان دارای معلولیت بلافاصله پس از ولادت ثبت گردیده و از زمان ولادت دارای حق برخورداری از نام، حق اخذ تابعیت و تا آنجاییکه ممکن است از حق شناخت و مراقبت توسط والدین برخوردار شوند.

ماده۱۹ - زندگی مستقل و حضور در جامعه

کشورهای عضو این مقاوله‌نامه حقوق برابر را جهت تمامی افراد دارای معلولیت در مورد زندگی در جامعه با شرایط برابر نسبت به سایرین به رسمیت می‌شناسند و تدابیر مناسب و مؤثر جهت تسهیل در بهره‌مندی کامل افراد دارای معلولیت از این حق و حضور و مشارکت کامل آنها در جامعه را اتخاذ می‌کنند. از جمله تضمین این که:

الف: افراد دارای معلولیت دارای این فرصت می‌باشند که مکان اقامت خود و محل و افرادی که می‌خواهند با آنها زندگی کنند را بر مبنای برابر با سایرین برگزینند و مجبور به زندگی در شرایط زیستی ویژه ای نیستند؛

ب: افراد دارای معلولیت دارای دسترسی به خدمات حمایتی خانگی ، مسکونی و سایر خدمات حمایتی اجتماعی شامل مساعدت‌های شخصی ضروری برای حمایت از زندگی و شمولیت در جامعه و پرهیز از انزوا یا جدایی از اجتماع می باشند؛

ج: خدمات و تسهیلات اجتماعی برای عموم جهت افراد دارای معلولیت بر مبنای برابر مهیا بوده و پاسخگوی نیازهای آنها باشد.

ماده۲۰ - تحرک شخصی

کشورهای عضو، جهت اطمینان از تحرک شخصی افراد دارای معلولیت با بالاترین استقلال ممکن تدابیر مؤثری را اتخاذ می‌کنند، شامل:

الف: تسهیل تحرک شخصی افراد دارای معلولیت به شیوه و در زمان مورد نظرشان و با هزینه مناسب؛

ب: تسهیل دسترسی افراد دارای معلولیت به کمکها، وسایل، فناوریهای کمکی، و انواع مساعدت‌های حضوری و واسطه‌ای ازجمله فراهم بودن آنان با هزینه متناسب؛

پ: ارائه آموزش در مورد مهارت‌های حرکتی به افراد دارای معلولیت و به افراد متخصص که با افراد دارای معلولیت کار می‌کنند؛

ت: ترغیب نهادهایی که کمکها، وسایل و فناوریهای مددی حرکتی را تولید می‌کنند در جهت مد نظر قراردادن تمامی جنبه های حرکتی افراد دارای معلولیت.

ماده۲۱ - آزادی بیان و عقیده و دسترسی به اطلاعات

کشور های عضو تمامی تدابیر مناسب را جهت تضمین اینکه افراد دارای معلولیت می‌توانند حق آزادی بیان، عقیده، از جمله آزادی جستجو، دریافت و سهیم شدن در اطلاعات و عقاید را بر مبنای

برابر با سایرین و از طریق تمامی اشکال ارتباطاتی به انتخاب خودشان، و بر مبنای تعریف به عمل آمده در ماده ۲ مقاوله‌نامه حاضر اعمال کنند، اتخاذ می‌کنند از جمله:

الف: ارائه اطلاعات در نظر گرفته شده برای عموم مردم به افراد دارای معلولیت در اشکال و فناوریهای قابل دسترس و متناسب با انواع معلولیت، بموقع و بدون هرینه اضافی؛

ب: پذیرش و تسهیل استفاده از زبان اشاره، بریل، روش‌های ارتباطاتی تقویت شده و جایگزین و سایر شیوه ها، روش‌ها و اشکال ارتباطی قابل دسترس افراد دارای معلولیت به انتخاب خودشان در تعاملات رسمی؛

پ: ملزم ساختن نهادهای خصوصی که ارائه کننده خدمات به عموم مردم از جمله از طریق اینترنت می‌باشند جهت ارائه اطلاعات و خدمات در اشکال مفید و قابل دسترس برای افراد دارای معلولیت؛

ت: ترغیب رسانه های همگانی شامل ارائه کنندگان اطلاعات از طریق اینترنت جهت قابل دسترس نمودن خدمات خود برای افراد دارای معلولیت؛

ث: شناسایی و ترویج استفاده از زبان‌های اشاره.

ماده۲۲ - احترام به حریم خصوصی

۱-هیچ فرد دارای معلولیت صرف نظر از مکان اقامت یا زندگی، مشمول دخالت های خودسرانه یا غیر قانونی در امور شخصی خود، خانواده، خانه، مکاتبات یا سایر اشکال ارتباطاتی یا حمله غیر قانونی به شخصیت و اعتبار او نمی‌گردد. افراد دارای معلولیت از حق حمایت قانونی از چنین مداخلات یا حملاتی برخوردار می‌باشند.

۲-کشورهای عضو، حریم اطلاعات شخصی، بهداشتی و توانبخشی افراد دارای معلولیت را بر مبنای برابر با سایرین مورد حمایت قرار می دهند.

ماده۲۳ - احترام به خانه و خانواده

۱-کشورهای عضو، برای رفع تبعیض نسبت به افراد دارای معلولیت در تمامی موارد مرتبط با ازدواج، خانواده، وظایف والدین و روابط مربوطه بر مبنای برابر با سایرین تدابیر مؤثر و مناسبی اتخاذ می‌کنند، به منظور تضمین اینکه:

الف: حقوق تمامی افراد دارای معلولیت که به سن ازدواج رسیده‌اند را جهت ازدواج و تشکیل خانواده بر مبنای رضایت کامل و آزادانه همسران متقاضی به رسمیت می‌شناسد؛

ب: حقوق افراد دارای معلولیت جهت اتخاذ تصمیم بطور آزادانه و مسئولانه در مورد تعداد کودکان آنها و برخورداری از دسترسی به اطلاعات متناسب با سن، آموزش تشکیل خانواده و باروری به رسمیت شناخته شده و وسایل ضروری جهت اعمال حقوق مذکور تأمین می‌گردد؛

ج: افراد دارای معلولیت، از جمله کودکان، باروری خود را بر مبنای برابر با سایرین حفظ می‌کنند.

۲-کشورهای عضو حقوق و مسئولیت‌های افراد دارای معلولیت را با در نظر گرفتن قیمومیت، سرپرستی، مسئولیت، فرزندخواندگی و یا سایر رسوم مشابه که این‌گونه مفاهیم در قوانین ملی وجود دارد، در تمامی موارد عالی‌ترین منافع کودک حائز اولویت می باشد.
۳-کشورهای عضو کمکهای مناسبی را جهت افراد داری معلولیت در اجرای مسئولیت‌های مرتبط با تربیت کودکان آنها ارائه می‌کنند.

۴-کشورهای عضو اطمینان حاصل می‌کنند که کودکان دارای معلولیت در ارتباط با زندگی خانوادگی از حقوق برابر برخوردارند. کشورهای عضو با هدف تحقق حقوق مذکور و جلوگیری از اختفاء، ترک، غفلت و تفکیک کودکان دارای معلولیت، تعهد می‌کنند تا اطلاعات، خدمات و حمایت‌های اولیه و جامع به کودکان دارای معلولیت و خانواده آنها ارائه کنند.

۵-کشورهای عضو اطمینان حاصل می‌کنند که کودک از والدین خود بر خلاف اراده وی جدا نگردد مگر زمانیکه مقامات صالحه منوط به رسیدگی قضایی تصمیم می‌گیرند که براساس قوانین و آیین

های مربوطه چنین جدایی جهت عالی‌ترین منافع کودک ضروری می‌باشد. به هیچ وجه کودک از والدین خود بر مبنای معلولیت کودک و یا یکی و یا هر دوی والدین جدا نمی‌شود.

۶-کشورهای عضو آنجا که والدین بلافصل قادر نیستند از کودک دارای معلولیت مراقبت کنند، متعهد می‌شوند هرگونه تلاشی را جهت ارائه مراقبت‌های جایگزین در درون خانواده بزرگتر و در صورت ناکامی، در درون جامعه در شرایط خانوادگی به عمل آورند.

ماده۲۴ - آموزش

۱-کشورهای عضو، حق آموزش را برای افراد دارای معلولیت به رسمیت می‌شناسند. با هدف تحقق این حق، بدون تبعیض و بر مبنای فرصت برابر، کشورهای عضو نظام آموزشی فراگیری را در تمامی سطوح و به صورت آموزش مادام العمر تضمین می‌کنند، با هدف:

الف: توسعه کامل توانایی‌های انسانی و حس منزلت و خود ارزشی و تحکیم احترام به حقوق بشر، آزادی‌های بنیادین و تنوع انسانی؛
ب: توسعه شخصیت، استعداد و خلاقیت توام با توانایی‌های جسمی و ذهنی افراد دارای معلولیت در جهت نهایت توانمندی آنها؛
پ: توانمند ساختن افراد دارای معلولیت جهت مشارکت مؤثر آنان در جامعه آزاد.

۲-در تحقق این حق، کشورهای عضو تضمین می‌کنند که:

الف: افراد دارای معلولیت از نظام آموزش همگانی بر مبنای معلولیت مستثنی نیستند و به همین منوال کودکان دارای معلولیت از آموزش اجباری رایگان ابتدایی و یا متوسطه بر مبنای معلولیت مستثنی نمی‌شوند؛
ب: افراد دارای معلولیت می‌توانند به آموزش ابتدایی و متوسطه رایگان، با کیفیت، و فراگیر بر مبنای برابر با سایرین در جوامعی که در آن زندگی می‌کنند، دسترسی داشته باشند؛
پ: انطباق منطقی در مورد نیاز های فردی ارائه می‌گردد؛
ت: افراد دارای معلولیت حمایت لازم در حوزه نظام آموزش همگانی را به منظور تسهیل در آموزش مؤثر آنها دریافت می‌کنند؛

ث: تدابیر حمایتی فردی مؤثر در محیط‌هایی ارائه می‌گردد که حداکثر توسعه اجتماعی و اقتصادی متناسب با اهداف حضور کامل را سبب گردد.

۳-کشورهای عضو، افراد دارای معلولیت را قادر می‌سازند که مهارتهای توسعه اجتماعی و زندگی جهت تسهیل در مشارکت کامل و برابر آنها در امر آموزش را بعنوان اعضای جامعه فرا گیرند. بدین منظور کشورهای عضو تدابیر مناسبی را اتخاذ می‌کنند، از جمله:

الف: تسهیل آموزش خط بریل و خطهای جایگزین، شیوه های تقویتی و جایگزین، روش‌ها و قالبهای ارتباطاتی و مهارتهای ترددی و جهت یابی و تسهیل حمایت و راهنمایی همسان؛
ب: تسهیل در یادگیری زبان ایماء و اشاره و ارتقاء هویت زبانی جامعه ناشنوایان؛
پ: اطمینان حاصل گردد که آموزش افراد و بویژه کودکانی که نابینا، ناشنوانا هستند به مناسبترین زبان‌ها، شیوه ها و روش‌های ارتباطاتی برای افراد و در محیط‌هایی که توسعه اجتماعی و آکادمیک را به بالاترین میزان افزایش می‌دهد، ارائه می‌گردد.

۴-به منظور یاری در تضمین تحقق این حق، کشورهای عضو تدابیر مناسبی را در استخدام معلمین، از جمله معلمین دارای معلولیت که از شایستگی در زبان ایماء و اشاره و یا خط بریل برخوردارند، اتخاذ می‌کنند و افراد حرفه‌ای و کارکنانی که در تمامی سطوح آموزشی کار می‌کنند را آموزش دهند. چنین آموزش‌هایی بایستی آگاهی از معلولیت و استفاده از شیوه‌های جایگزین و تقویتی و روش‌ها و قالب‌های ارتباطاتی، تکنیک‌های آموزشی و مواد مورد نیاز جهت حمایت از افراد دارای معلولیت را دربر گیرد.

۵-کشورهای عضو بایستی از اینکه افراد دارای معلولیت قادر هستند از آموزش‌های دانشگاهی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای،آموزش ویژه بزرگسالان و آموزشهای مادام العمر بدون تبعیض و بر مبنای برابر با سایرین دسترسی می‌یابند، اطمینان حاصل کنند. بدین منظور، کشورهای عضو، ارائه انطباق منطقی برای افراد دارای معلولیت را تضمین می‌کنند.

ماده۲۵ - بهداشت

۱-کشورهای عضو، برای افراد دارای معلولیت، حق برخورداری از بالاترین معیارهای نائل شدنی از بهداشت را بدون تبعیض بر مبنای معلولیت، به رسمیت می‌شناسند.

۲-کشورهای عضو تمامی تدابیر مناسب را برای اطمینان از دسترسی افراد دارای معلولیت به خدمات بهداشتی که دارای حساسیت‌های جنسیتی می‌باشند، از جمله توانبخشی مرتبط با بهداشت را اتخاذ می‌کنند. بویژه اینکه کشورهای عضو بایستی:

الف: برای افراد دارای معلولیت همان حد، کیفیت و معیارهای رایگان و قابل پرداخت در مورد مراقبت‌ها و برنامه های بهداشتی را همانگونه که برای سایرین ارائه می‌گردد از جمله در زمینه بهداشت جنسی و باروری و برنامه های بهداشت عمومی مبتنی بر جمعیت، فراهم کنند؛

ب: خدمات بهداشتی مورد نیاز برای افراد دارای معلولیت به ویژه بواسطه معلولیت آنها از جمله شناسایی و مداخله زود هنگام و خدمات طراحی گردیده برای به حداقل رساندن و جلوگیری از ناتوانایی‌های بیشتر از جمله در میان کودکان و افراد سالخورده در زمان مقتضی ارائه گردد؛

پ: این‌گونه خدمات بهداشتی، درصورت امکان در نزدیک‌ترین محل به جوامع آنها شامل مناطق روستایی ارائه گردد؛

ت: بهداشت کاران حرفه‌ای، ارائه مراقبت در همان کیفیت برای سایرین را برای افراد دارای معلولیت از طریق آموزش و ترویج معیارهای اخلاقی برای مراقبت‌های بهداشتی فردی و عمومی از جمله بر مبنای رضایت آگاهانه و آزادانه نظیر ارتقای آگاهی حقوق بشری، منزلت، استقلال و احتیاجات افراد دارای معلولیت را ضروری بدانند؛

ث: تبعیض علیه افراد دارای معلولیت را در مفاد بیمه درمانی و بیمه عمر که این‌گونه بیمه ها در قانون ملی مجاز شناخته شده ممنوع کنند، به جهت آنکه به روشی عادلانه و منطقی ارائه گردد؛

ج: جلوگیری از انکار تبعیض آمیز مراقبت های بهداشتی یا خدمات بهداشتی یا غذا و مایعات بر اساس معلولیت.

ماده ۲۶ - توانبخشی و بازپروری

۱-کشورهای عضو جهت توانمند ساختن افراد دارای معلولیت، تدابیر مناسب و مؤثری را از جمله از طریق حمایت از همتایان خود به منظور کسب و حفظ حداکثر استقلال، تمامی توانایی فنی و حرفه‌ای، جسمی، ذهنی و اجتماعی و شمولیت و مشارکت کامل در تمامی جنبه‌های زندگی اتخاذ می‌کنند. بدین منظور، کشورهای عضو برنامه ها و خدمات جامع توانبخشی و توانایی را بویژه در حوزه بهداشت، استخدام، آموزش و خدمات اجتماعی سامان داده، تحکیم نموده یا تداوم می بخشند، بگونه‌ای که این‌گونه برنامه‌ها و خدمات:

الف: تا حد امکان از مراحل اولیه و بر مبنای ارزیابی چندگونه نیازها و توانایی‌های فردی آغاز کنند؛

ب: مشارکت و حضور در اجتماع را حمایت نموده و تمامی جنبه های جامعه داوطلبانه بوده و در دسترس افراد دارای معلولیت قرارگیرد و تا حد امکان به اجتماعات آنان از جمله مناطق روستایی نزدیک باشند؛

۲-کشورهای عضو، توسعه، تکوین و استمرار آموزش افراد حرفه‌ای و کارکنانی که با خدمات توانایی و توانبخشی کار می‌کنند را ارتقا بخشند.

۳-کشورهای عضو، دسترسی، دانش و استفاده از وسایل و فناوریهای امدادی طراحی گردیده برای افراد دارای معلولیت را همانگونه که به توانبخشی و بازپروری مرتبط می‌گردند، ارتقا بخشند .

ماده ۲۷ - کار و استخدام

۱-کشورهای عضو، حق افراد دارای معلولیت را جهت کار کردن بر مبنای برابر با سایرین به رسمیت می‌شناسند، و این شامل حق برخورداری از فرصت امرار معاش از طریق انتخاب آزادانه یا مقبول کارکردن در بازار کار و محیط کاری می‌گردد که برای افراد دارای معلولیت باز، فراگیر و قابل دسترس باشد.

۲-کشورهای عضو، تحقق حق کار را از طریق اقدامات مناسب از جمله از طریق قانون‌گذاری شامل آن دسته از افرادی که طی دوران اشتغال دچار معلولیت می‌گردند را صیانت و ارتقا می بخشند، از جمله:

الف: تبعیض بر مبنای معلولیت را با توجه به تمامی موارد مرتبط با تمامی اشکال استخدام، از جمله شرایط جذب، استخدام و اشتغال، تداوم اشتغال، پیشبرد حرفه‌ای و شرایط کاری بهداشتی و ایمنی را ممنوع سازند؛

ب: حقوق افراد دارای معلولیت را بر مبنای برابر با سایرین و شرایط کاری مناسب و عادلانه شامل فرصت‌های برابر و دستمزد برابر برای کارهای دارای ارزش، شرایط کاری بهداشتی و ایمنی برابر از جمله محافظت از آزار و اذیت و فریادرسی از آلام را مورد حمایت قرار دهند؛

پ: اطمینان حاصل گردد که افراد دارای معلولیت قادر می باشند حقوق اتحادیه تجاری و کارگری خود را بر مبنای برابر با سایرین اعمال کنند؛

ت: افراد دارای معلولیت را قادر سازند تا دسترسی مؤثری به برنامه های عمومی آشنایی فنی و حرفه‌ای، خدمات کاریابی و آموزش‌های حرفه‌ای و مستمر داشته باشند؛

ث: فرصت‌های شغلی و پیشرفت‌های حرفه‌ای افراد دارای معلولیت را در بازار کار و همچنین یاری در یافتن، کسب، حفظ و بازگشت به اشتغال ارتقا دهند؛

ج: فرصت‌های مربوط به خود اشتغالی، کارآفرینی، توسعه تعاونی‌ها و انتزاع خود اشتغالی را ارتقا دهند؛

چ: افراد دارای معلولیت را در بخش کشوری استخدام کنند؛

ح: استخدام افراد دارای معلولیت در بخش خصوصی را از طریق تدابیر و سیاست‌های مناسب که می‌تواند دربرگیرنده برنامه های اقدامی ترجیحی، تشویقی و سایر تدابیر گردد را ارتقا دهند؛

خ: اطمینان حاصل گردد در مورد افراد دارای معلولیت، انطباق منطقی در محیط کاری ارائه میگردد؛

د: کسب تجربه در بازار کار آزاد توسط افراد دارای معلولیت را ارتقا دهند؛

ذ: توانبخشی حرفه‌ای و تخصصی، ابقاء شغلی و برنامه های بازگشت به کار را برای افراد دارای معلولیت، ارتقا بخشند.

۳-کشورهای عضو اطمینان حاصل می‌کنند، افراد دارای معلولیت به بردگی و بندگی نشده و بر مبنای برابر با سایرین از کار با اجبار و اکراه مورد حمایت واقع می‌شوند.

ماده۲۸ - معیارهای کافی برای زندگی و حمایت‌های اجتماعی

۱-کشورهای عضو، حق افراد دارای معلولیت در مورد معیارهای کافی برای زندگی آنها و خانوادهای آنها شامل، غذا، پوشاک و مسکن مکفی، و تداوم بهبود شرایط زندگی را به رسمیت می‌شناسند و اقدامات مناسبی را جهت پاسداری و ارتقاء تحقق این حق، بدون تبعیض بر مبنای معلولیت، اتخاذ می‌کنند.

۲-کشورهای عضو، حق افراد دارای معلولیت را در مورد حمایت‌های اجتماعی و برخورداری از این حق بدون تبعیض بر مبنای معلولیت به رسمیت می‌شناسند و اقدامات مناسبی را برای پاسداری و ارتقاء تحقق این حق اتخاذ می‌کنند، از جمله تدابیر:

الف: اطمینان حاصل کنند، افراد دارای معلولیت از دسترسی برابر به خدمات آبهای بهداشتی برخوردارند و دسترسی به خدمات و وسایل مناسب و قابل پرداخت و سایر کمکهای مربوط به نیازهای مرتبط با معلولیت را تضمین کنند؛

ب: دسترسی افراد دارای معلولیت به ویژه زنان و دختران دارای معلولیت و افراد سالخورده دارای معلولیت را به برنامه های اجتماعی حمایتی و برنامه های فقرزدایی تضمین کنند؛

پ: دسترسی افراد دارای معلولیت و خانوادهای آنها که در شرایط تنگدستی بسر می برند را به کمکهای کشوری مربوط به هزینه های مرتبط با معلولیت، از جمله مهلت های مراقبتی، کمکهای مالی، مشاوره و آموزشهای کافی را تضمین کنند؛

ت: دسترسی افراد دارای معلولیت را به برنامه های عمومی اسکان تضمین کنند؛

ث: دسترسی برابر افراد دارای معلولیت را به برنامه ها و مزایای بازنشستگی تضمین کنند.

ماده۲۹ - مشارکت در زندگی سیاسی و عمومی

کشورهای عضو برای افراد دارای معلولیت، حقوق سیاسی و فرصت‌هایی را جهت بهره‌مندی از آنها براساس برابر با سایرین، تضمین می‌کنند و متعهد می‌شوند که:

الف: تضمین کنند، افراد دارای معلولیت می‌توانند بطور مؤثر و کامل در زندگی سیاسی و عمومی بر مبنای برابر با سایرین، مستقیما یا از طریق نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده‌اند از جمله حق و فرصت افراد دارای معلولیت جهت رای دادن و برگزیده شدن، مشارکت کنند، از جمله توسط:

۱) تضمین کنند که روند، تسهیلات و منابع رای گیری مناسب، قابل دسترس و به سهولت قابل فهم و بهره‌گیری می‌باشند؛

۲) حمایت از حق افراد معلول در رأی دادن مخفیانه در انتخابات و همه پرسی عمومی بدون تهدید و کاندید شدن در انتخابات، به طور موثر شغل و انجام تمام وظایف عمومی در تمام سطوح دولت، تسهیل استفاده از فن آوری های کمکی و فن آوری های جدید در صورت لزوم؛

۳) بیان آزادانه اراده افراد دارای معلولیت بعنوان رای دهندگان را تضمین کنند و در این جهت و در جائیکه ضروری باشد با درخواست آنان اجازه یاری در رای گیری به فرد مورد انتخاب آنها اعطاء گردد؛

ب: بطور فعال محیطی را که افراد دارای معلولیت، می‌توانند بطور مؤثر و کامل، بدون تبعیض و بر مبنای برابر با سایرین، در چارچوب امور عمومی مشارکت کنند را ارتقاء بخشند و مشارکت آنان را در امور عمومی ترغیب کنند، از جمله:

(۱) مشارکت در مجمع ها و سازمان‌های غیر کشوری مرتبط با حیات سیاسی و عمومی کشور و در فعالیت‌ها و اداره احزاب سیاسی؛

(۲) تشکیل و پیوستن به سازمان‌های افراد دارای معلولیت به منظور نمایندگی از افراد دارای معلولیت در سطوح بین‌المللی، ملی، منطقه ای و محلی.

ماده ۳۰ - مشارکت در حیات فرهنگی، تفریح، فراغت و ورزش

۱-کشورهای عضو، حق افراد دارای معلولیت در جهت مشارکت در زندگی فرهنگی بر مبنای برابر با سایرین را به رسمیت می‌شناسند و تمامی تدابیر مناسب را اتخاذ می‌کنند، جهت اطمینان از این که افراد دارای معلولیت:

الف: از دسترسی به مواد فرهنگی به صورت قابل دسترس برخوردار گردند؛
ب: از دسترسی به برنامه های تلویزیونی، فیلم، تئاتر و سایر فعالیت‌های فرهنگی به صورت قابل دسترس برخوردار گردند؛
پ: از دسترسی به اماکن ویژه اجرای برنامه‌ها یا خدمات فرهنگی نظیر تئاتر، موزه، سینما، کتابخانه و خدمات گردشگری برخوردار گردند و تا حد امکان از دسترسی به یادمان‌ها و مکان‌هایی که از نظر ملی و فرهنگی حائز اهمیت می باشند، برخوردار گردند.

۲-کشورهای عضو، تدابیر مناسبی را برای توانمند ساختن افراد دارای معلولیت جهت برخورداری از فرصت توسعه و بهره‌گیری از توانایی‌های خلاقانه، فکری و هنری آنها نه تنها بواسطه انتفاع شخصی آنها بلکه جهت غنای جامعه، اتخاذ می‌کنند.

۳-کشورهای عضو، تدابیر مناسبی را منطبق بر قوانین بین‌المللی اتخاذ می‌کنند در جهت اطمینان از اینکه حقوق مالکیت معنوی، مانع تبعیض‌آمیز و یا غیر منطقی را در دستیابی افراد دارای معلولیت به مواد فرهنگی ایجاد نمی‌کنند.

۴-افراد دارای معلولیت، بر مبنای برابر با سایرین از حق شناسایی و حمایت از هویت زبانی و فرهنگی مختص به خودشان، شامل زبان ایماء و اشاره و فرهنگ ناشنوایان برخوردار می‌باشند.

۵-کشور های عضو، با نیت توانمند ساختن افراد دارای معلولیت در جهت مشارکت بر مبنای برابر با سایرین در فعالیت‌های تفریحی، فراغتی و ورزشی، تدابیر مناسبی را اتخاذ می‌کنند:

الف: مشارکت افراد دارای معلولیت را تا حد امکان در تمامی سطوح فعالیت‌های عمده سازی ورزشی ترغیب و ارتقا دهند؛

ب: اطمینان حاصل کنند که افراد دارای معلولیت، از فرصت سامان دهی، توسعه و مشارکت در ورزش و فعالیت‌های تفریحی ویژه معلولیت برخوردارند و بدین منظور، بر مبنای برابر با سایرین، تدارک چارچوب، آموزش و منابع مناسب را ترغیب می‌کنند؛

ج: اطمینان حاصل کنند، افراد دارای معلولیت از دسترسی به اماکن ورزشی، تفریحی و گردشگری برخوردار می‌باشند؛

۶-از دسترسی کودکان دارای معلولیت برابر با سایر کودکان در مشارکت در بازی، تفریح و فعالیت‌های ورزشی و فراغتی که شامل فعالیت‌های درون نظام مدارس نیز می‌شود، اطمینان حاصل گردد.

۷-اطمینان حاصل گردد، افراد دارای معلولیت از دسترسی به خدمات آنهاییکه در سازمان دهی فعالیت‌های ورزشی، فراغتی، گردشگری و تفریحی درگیر هستند، برخوردار می‌باشند.

ماده۳۱ - جمع آوری آمار و داده ها

۱-کشورهای عضو متعهد می‌شوند تا اطلاعات مناسب شامل داده‌های پژوهشی و آماری را در جهت قادر ساختن آنها برای تنظیم و اجرای سیاست‌ها برای اثر بخشی به مقاوله‌نامه حاضر، جمع‌آوری کنند. روند جمع‌آوری و حفظ این اطلاعات بایستی:

الف: پادمان‌های پذیرفته شده حقوقی شامل قوانین مربوط به حفظ اطلاعات را در جهت اطمینان از محرمانه بودن آنها و احترام به حریم شخصی افراد دارای معلولیت را بپذیرند؛

ب: در جهت حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و اصول اخلاقی، در جمع‌آوری و استفاده از آمار، هنجارهای پذیرفته شده بین‌المللی را بپذیرند.

۲-اطلاعات جمع‌آوری شده بر مبنای این اصل، در صورت مقتضی بایستی به تفکیک ارائه گردد و در جهت کمک به ارزیابی اجرای تعهدات کشورهای عضو تحت مقاوله‌نامه حاضر استفاده گردد و موانعی که افراد دارای معلولیت در اعمال حقوق خود با آنها مواجه می‌شوند را شناسایی و بررسی کنند.

۳-کشورهای عضو، مسئولیت نشر این‌گونه اطلاعات را برعهده گرفته و از دسترسی افراد دارای معلولیت و دیگران به آنها، اطمینان حاصل کنند.

ماده۳۲ - همکاری‌های بین‌المللی

۱-کشورهای عضو، اهمیت همکاری‌های بین‌المللی و ارتقا آن در حمایت از تلاش‌های ملی برای تحقق اهداف و مقاصد مقاوله‌نامه حاضر را به رسمیت می‌شناسند و تدابیر مناسب و مؤثری را در مشارکت با جامعه مدنی، سازمان‌های مرتبط منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه سازمان‌های مربوط به افراد دارای معلولیت، اتخاذ می‌کنند. تدابیر مذکور می‌تواند، از جمله دربرگیرنده:

الف: اطمینان از اینکه همکاری‌های بین‌المللی ازجمله برنامه های توسعه بین‌المللی دربرگیرنده و قابل دسترس افراد دارای معلولیت، می‌باشد؛

ب: ظرفیت سازی را از جمله از طریق تبادل و تقسیم اطلاعات، تجربیات، برنامه‌های آموزشی و رویه های مناسب، تسهیل و تقویت نماید؛

پ: همکاری پژوهشی و دسترسی به دانش فنی و علمی را تسهیل نماید؛

ت: در صورت مقتضی، از طریق انتقال فناوری ها، کمکهای اقتصادی و فنی شامل تسهیل دسترسی به فناوریهای مددی و قابل دسترس را تأمین کنند.

۲-مفاد این اصل، فاقد هرگونه پیشداوری نسبت به تعهدات هر یک از کشورها در ایفای تعهدات خود تحت مقاوله‌نامه حاضر می‌باشد.

ماده ۳۳ - نظارت و اجرای ملی

۱-کشورهای عضو، بر مبنای نظام سازمانی خود، یک یا چند مرجع ملی درون کشوری برای موضوعات مرتبط با اجرای مقاوله‌نامه حاضر تعیین می‌کنند و توجه کافی در ایجاد و یا تعیین سازوکارهای هماهنگی در درون کشور را به منظور تسهیل در اقدامات مرتبط در بخش‌های گوناگون و سطوح مختلف اعمال می‌کنند.

۲-کشورهای عضو، بر مبنای نظام اداری و حقوقی خودشان، در درون کشور عضو، در صورت مقتضی، چارچوبی از جمله یک و یا چند سازوکار مستقل را به منظور ارتقا، حمایت و نظارت

بر اجرای مقاوله‌نامه حاضر ایجاد، تعیین، تحکیم یا حفظ می‌کنند. آنگاه که چنین سازوکاری تعیین و یا ایجاد گردد، کشورهای عضو، اصول مرتبط با نهادهای ملی در مورد حمایت و ارتقا حقوق بشر را مد نظر قرار می‌دهند.

۳- جامعه مدنی، به ویژه افراد دارای معلولیت و سازمان های نماینده آنها، باید در روند نظارت دخیل و به طور کامل مشارکت داشته باشند.

ماده۳۴ - کمیته حقوق افراد دارای معلولیت

۱-کمیته‌ای در مورد حقوق افراد دارای معلولیت (که از این بعد" کمیته" اطلاق می‌گردد) ایجاد خواهد گردید که وظایفی که منبعد ارائه می‌گردد را متکفل گردد.

۲-کمیته در زمان اجرایی شدن مقاوله‌نامه حاضر، مرکب از دوازده کارشناس خواهد بود. پس از تصویب یا الحاق شصت کشور دیگر به این مقاوله‌نامه، عضویت در کمیته تا شش عضو افزایش می‌یابد و حداکثر به هجده عضو بالغ می‌گردد.

۳-اعضای کمیته در ظرفیت شخصی به انجام وظیفه خواهند پرداخت و از جایگاه والای اخلاقی، حسن تجربه و توانمندی در زمینه کاری مقاوله‌نامه حاضر بایستی برخوردار باشند. از کشورهای عضو به هنگام معرفی نامزدهای خود، دعوت خواهد گردید تا توجه کافی به مفاد مندرج در اصل ۳ و ۴ مقاوله‌نامه حاضر مبذول نمایند.

۴- اعضای کمیته با توجه به توزیع عادلانه جغرافیایی، نمایندگی اشکال مختلف تمدن و نظام های حقوقی اصلی، نمایندگی متوازن جنسیتی و مشارکت کارشناسان دارای معلولیت، توسط کشورهای عضو انتخاب خواهند شد.

۵- اعضای کمیته با رای مخفی از میان فهرستی از افراد معرفی شده توسط کشورهای عضو از میان اتباع خود در جلسات کنفرانس کشورهای عضو انتخاب خواهند شد. در این جلسات که دو سوم کشورهای عضو حد نصاب را تشکیل می‌دهند، افراد انتخاب شده برای کمیته کسانی هستند که بیشترین تعداد آرا و اکثریت مطلق آرای نمایندگان کشورهای عضو حاضر و رای دهنده را کسب کنند.

۶-اولین انتخابات کمیته حداکثر ظرف شش ماه پس از قابل اجرا شدن مقاوله‌نامه حاضر برگزار خواهد شد. حداقل چهار ماه پیش از برگزاری هریک از انتخابات، دبیرکل سازمان ملل متحد طی نامه‌ای خطاب به کشورهای عضو، از آنان دعوت خواهد کرد، ظرف دو ماه نامزدهای خود را معرفی کنند. سپس دبیرکل فهرستی از اسامی همه نامزدها، به ترتیب حروف القبا و با ذکر نام کشوری که آنها را نامزد نموده است، تهیه و به کشورهای عضو مقاوله‌نامه حاضر تسلیم خواهد کرد.

۷-اعضای کمیته برای یک دوره چهارساله انتخاب خواهند شد. تنها برای یک‌بار دیگر واجد انتخاب می‌باشند. هرچند که دوره عضویت شش نفر از اعضای منتخب در اولین انتخابات، در پایان دو سال خاتمه خواهد یافت، بلافاصله پس از اولین انتخابات، اسامی این شش نفر از طریق قرعه کشی توسط رئیس جلسه مورد اشاره در بند ۵ این اصل تعیین خواهد شد.

۸-انتخاب شش نفر دیگر جهت عضویت در کمیته، طی برپایی انتخابات منظم و منطبق بر مفاد مرتبط این اصل صورت می‌گیرد.

۹-در صورتیکه یکی از اعضای کمیته فوت کند یا استعفا دهد، یا به هر دلیلی اعلام نماید که دیگر قادر به انجام وظیفه نیست، کشور عضوی که این عضو را نامزد کرده است، کارشناس دیگری که دارای شایستگی و واجد شرایط مندرج در مفاد مرتبط با این اصل باشد را منصوب خواهد کرد که تا باقیمانده دوره به انجام وظیفه بپردازد.

۱۰-کمیته، آیین نامه داخلی مختص به خود را تنظیم خواهد کرد.

۱۱-دبیرکل سازمان ملل متحد، کارکنان و تجهیزات لازم را برای عملکرد مؤثر کمیته، تحت مقاوله‌نامه حاضر فراهم خواهد نمود و جلسه مقدماتی خود را برپا خواهد کرد.

۱۲-با تأیید مجمع عمومی، اعضای کمیته‌ای که به موجب مقاوله‌نامه حاضر تشکیل می‌شود از محل منابع سازمان ملل متحد، براساس شرایط و مقتضیاتی که مجمع عمومی تعیین می‌نماید و با در نظر گرفتن اهمیت مسئولیت‌های کمیته، حقوق دریافت می‌کنند.

۱۳-اعضای کمیته از تسهیلات، مزایا و مصونیت‌های ویژه کارشناسان در ماموریت سازمان ملل متحد، مندرج در بخش‌های ذیربط مقاوله‌نامه مزایا و مصونیت‌های سازمان ملل متحد، بایستی برخوردار گردند.

ماده۳۵ - گزارش کشورهای عضو

۱-کشورهای عضو، از طریق دبیرکل سازمان ملل متحد، گزارش جامعی از تدابیر اتخاذ گردیده در مورد به مورد اجرا گذاشتن تعهدات خود تحت مقاوله‌نامه حاضر و همچنین پیشرفت‌های حاصله در این زمینه برای کشور عضو، ظرف دو سال پس از اجرایی شدن مقاوله‌نامه حاضر به کمیته تسلیم نماید.

۲-پس از آن، کشورهای عضو، گزارش‌های آتی را حداقل هر ۴ سال یکبار و از این زمان به بعد، هرگاه که کمیته درخواست کند، تسلیم می‌کنند.

۳-کمیته، هرگونه راهنمایی که در مورد محتوی گزارش لازم باشد را اعمال می‌نماید.

۴-کشور عضوی که گزارش اولیه جامع را به کمیته تسلیم کرده است، نیاز نیست در گزارشات بعدی خود، اطلاعاتی که قبلا ارائه نموده است را تکرار نماید. به هنگام تهیه گزارش برای کمیته، از کشورهای عضو درخواست می‌گردد که این عمل را در روندی شفاف و باز انجام داده و توجه کافی به مفاد مندرج در اصل ۴-۳ این مقاوله‌نامه مبذول کنند.

۵-می‌توان در گزارشات عوامل و مشکلاتی که تحت مقاوله‌نامه حاضر، بر میزان اجرای تعهدات تأثیر می‌گذارند را مشخص ساخت.

ماده۳۶ - بررسی گزارش‌ها

۱-هریک از گزارش‌ها توسط کمیته مورد بررسی قرار می‌گیرد و بنا بر اقتضاء، پیشنهادات و توصیه های کلی را در مورد گزارش ارائه و به کشور ذیربط ابلاغ می‌نماید. کشور عضو می‌تواند طی اطلاعاتی که خود انتخاب می‌کنند، به کمیته پاسخ دهد. کمیته می‌تواند اطلاعات بیشتری را از کشور ذیربط در مورد اجرای مقاوله‌نامه حاضر درخواست نماید.

۲-در صورتیکه کشور عضو تأخیر عمده‌ای در ارائه گزارش خود نماید، کمیته می‌تواند به کشور ذیربط ضرورت بررسی نحوه اجرای مقاوله‌نامه حاضر در آن کشور براساس اطلاعات موجود و موثق در اختیار کمیته را ابلاغ نماید. اگر گزارش مربوطه ظرف مدت سه ماه پس از ابلاغ، تسلیم کمیته نگردد، کمیته از کشور ذیربط دعوت خواهد نمود که در چنین اقدامی مشارکت کند. در صورتیکه کشور عضو با ارائه گزارش مربوطه به پاسخگویی بپردازد، مفاد بند ۱ این اصل نافذ خواهد بود.

۳-دبیرکل سازمان ملل متحد، گزارش‌ها را در اختیار تمامی کشور های عضو قرار خواهد داد.

۴-کشورهای عضو، گزارش‌های خود را بطور گسترده، در کشورشان در اختیار عموم قرار داده و دسترسی به پیشنهادات و توصیه های کلی مربوط به این گزارشات را تسهیل می‌کنند.

۵-کمیته می‌تواند در صورت مقتضی، گزارش‌های کشورهای عضو که حاوی درخواست برای مشاوره یا مساعدت فنی یا نمایانگر نیاز باشد را همراه با ملاحظات و توصیه‌هایی که ممکن است کمیته در این زمینه داشته باشد، برای سازمان‌های تخصصی، صندوقها و برنامه‌های سازمان ملل و سایر نهادهای واجد صلاحیت ارسال نماید.

ماده۳۷ - همکاری بین کشور عضو و کمیته

۱-هر یک از کشورهای عضو با کمیته همکاری می‌نماید و کمیته اعضای خود را در ایفای ماموریتی که دارند یاری می‌نماید.

۲-کمیته در ارتباط با کشورهای عضو، توجه کافی به راه‌ها و روش‌های گسترش ظرفیت ملی در اجرای مقاوله‌نامه حاضر از جمله از طریق همکاری‌های بین‌المللی را مبذول می‌نماید.

ماده ۳۸ - ارتباط کمیته با سایر نهادها

به منظور پیشبرد اجرای مؤثر مقاوله‌نامه حاضر و ترغیب همکاری‌های بین‌المللی در زمینه های مورد پوشش مقاوله‌نامه حاضر:

الف: سازمان‌های تخصصی و سایر نهادهای سازمان ملل متحد از حق حضور در بررسی اجرای مفاد مقاوله‌نامه حاضر تا آنجاییکه در حوزه اختیارات آنان قرار می‌گیرد، برخوردار می‌شوند. کمیته می‌تواند از سازمان‌های تخصصی و سایر نهادهای واجد صلاحیت جهت ارائه توصیه های

کارشناسانه در اجرای مقاوله‌نامه در زمینه‌هایی که در حوزه اختیارات آنان قرار می‌گیرد، دعوت نماید. کمیته می‌تواند از سازمان‌های تخصصی و سایر نهادهای سازمان ملل متحد برای ارائه گزارش در مورد اجرای مقاوله‌نامه در زمینه‌هایی که در حوزه اختیارات آنان قرار می‌گیرد، دعوت نماید.

ب: کمیته در صورت مقتضی در اعمال اختیاراتش با سایر نهادهای ذیربط که به موجب معاهدات حقوق بشری تأسیس شده‌اند، با هدف تضمین پیوستگی در هدایت گزارش دهی، پیشنهادات و توصیه های کلی مربوطه و پرهیز از دوباره کاری و همپوش در اجرای عملکرد آنان، به مشاوره می‌پردازد.

ماده۳۹ - گزارش کمیته

کمیته هر دو سال یکبار به مجمع عمومی و شورای اقتصادی و اجتماعی در مورد فعالیت خود گزارش می‌دهد و می‌تواند بر مبنای بررسی گزارش‌ها و اطلاعات دریافتی از کشور عضو، پیشنهادات و توصیه های کلی ارائه نماید. در گزارش کمیته، چنین پیشنهادات و توصیه های کلی توام با نظرات کشورهای عضو در صورت امکان، درج خواهد گردید.

ماده ۴۰ - کنفرانس کشورهای عضو

۱-کشورهای عضو، به منظور بررسی موضوعات مرتبط با اجرای مقاوله‌نامه حاضر، بطور منظم در کنفرانس کشورهای عضو گردهم می‌آیند.

۲-حداکثر شش ماه پس از به مورد اجرا درآمدن مقاوله‌نامه حاضر، کنفرانس کشورهای عضو توسط دبیرکل سازمان ملل متحد برپا خواهد شد. نشست‌های آتی توسط دبیرکل سازمان ملل متحد به صورت هر دو سال یکبار و یا بنا به تصمیم متخده در کنفرانس کشورهای عضو، بر پا خواهد شد.

ماده۴۱ – امین مقاوله‌نامه

دبیرکل سازمان ملل متحد، امین مقاوله‌نامه حاضر محسوب می‌گردد.

ماده۴۲ - امضاء

مقاوله‌نامه حاضر جهت امضای تمامی کشورها و سازمان‌های ائتلاف منطقه‌ای در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک از تاریخ ۳۰ مارس ۲۰۰۷ مفتوح می‌باشد.

ماده۴۳ - قید رضایت

مقاوله‌نامه حاضر منوط به تصویب کشورهای امضا کننده و تأیید رسمی سازمان‌های ائتلاف منطقه‌ای امضا کننده می‌باشد. مقاوله‌نامه برای الحاق هر یک از کشورها یا سازمان‌های ائتلاف منطقه‌ای که امضا نکرده‌اند، مفتوح می‌باشد.

ماده۴۴ - سازمان‌های ائتلاف منطقه‌ای

۱-"سازمان ائتلاف منطقه‌ای" عبارت از سازمانی است که توسط کشورهای مقتدر در یک منطقه‌ای تأسیس شده‌اند و کشور های عضو این سازمان‌ها، صلاحیت خود را در ارتباط با موضوعات مترتب این مقاوله‌نامه به آنان احاله نموده‌اند. چنین سازمان‌هایی رسما مراتب تأیید یا الحاق به مقاوله‌نامه و محدوده صلاحیت خود در ارتباط با موضوعات مترتب این مقاوله‌نامه را اعلام می‌کنند. متعاقباً، آنها امین را از هرگونه تغییرات بالقوه در محدوده صلاحیت خود مطلع خواهند ساخت.

۲-در مقاوله‌نامه حاضر، اطلاق "کشور های عضو" به چنین سازمان‌هایی در محدوده صلاحیت آنان نافذ است.

۳-در مورد اهداف اصل ۴۵ بند ۱ و اصل ۴۷ بندهای ۲ و ۳ هرگونه سندی نزد سازمان‌های ائتلاف منطقه‌ای در نظر گرفته نخواهد شد.

۴-سازمان‌های ائتلاف منطقه‌ای می‌توانند در زمینه موضوعات در حیطه صلاحیت آنان حق خود مبنی بر شرکت در رای دادن در کنفرانس کشورهای عضو را اعمال کنند که تعداد آرای آنان برابر تعداد کشورهای عضو آنان می‌باشد که عضو مقاوله‌نامه حاضر باشند. در صورتیکه هر یک از کشورهای عضو سازمان‌های مذکور، حق خود در رای دادن را اعمال کنند، در آن صورت، چنین سازمانی نمی‌تواند در رای دادن شرکت نماید و بالعکس.

ماده۴۵ - قابلیت اجرا

۱-مقاوله‌نامه حاضر سی روز پس از سپرده شدن بیستمین سند تصویب یا الحاق قابل اجرا خواهد بود.

۲-تاریخ قابل اجرا شدن مقاوله‌نامه حاضر جهت هر یک از کشورها و سازمان‌های ائتلافی منطقه‌ای که پس از سپرده شدن بیستمین سند تأیید یا الحاق، مقاوله‌نامه را تصویب می‌کنند، سی روز پس از تاریخ سپردن سند تصویب یا الحاق توسط آنان خواهد بود.

ماده۴۶ – حق شرط

۱-حق شرطی که با هدف و مقصود مقاوله‌نامه حاضر، مغایرت داشته باشد، مجاز نیست.

۲-حق شرط در هر زمان می تواند پس گرفته شود.

ماده ۴۷ - اصلاحیه

۱-هریک از کشورهای عضو می‌تواند اصلاحیه‌ای را در مورد مقاوله‌نامه حاضر پیشنهاد نموده و آن را به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم نماید. دبیرکل، اصلاحیه پیشنهادی را برای کشور های عضو ارسال خواهد نمود و از آنها درخواست خواهد کرد، نظر خود را در باره برپایی کنفرانس کشور های عضو به منظور بررسی و تصمیم در مورد پیشنهادات، اعلام کنند. چنانچه ظرف چهار ماه از تاریخ ارسال مذکور، حداقل یک سوم کشورهای عضو موافق چنین کنفرانسی باشند، دبیرکل کنفرانس را با پشتیبانی سازمان ملل متحد برگزار خواهد کرد. هر اصلاحیه‌ای که به تصویب اکثریت دو سوم کشورهای عضو حاضر و رای دهنده برسد، توسط دبیرکل به مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای تصویب و متعاقبا جهت تمامی کشورهای عضو برای قبول، تسلیم خواهد شد.

۲-اصلاحیه‌ای که مطابق بند ۱ این اصل مورد پذیرش و تصویب قرار گرفته باشد، سی روز پس از اینکه اسناد پذیرفته شده به دو سوم تعداد کشور های عضو از تاریخ پذیرش اصلاحیه بالغ گردد، قابل اجرا می‌شود. از این زمان به بعد، سی روز پس از سپردن سند پذیرش از سوی

کشور عضو، اصلاحیه برای آن کشور قابل اجرا می باشد. هر اصلاحیه‌ای تنها برای آن دسته از کشورهای عضو که آنرا پذیرفته‌اند الزام‌آور است.

۳-در صورتیکه اصلاحیه‌ای طی اجماع در کنفرانس کشورهای عضو مطابق بند ۱ این اصل که انحصارا مرتبط با اصول ۳۴، ۳۸، ۳۹، و۴۰ می‌باشد، مورد پذیرش و تصویب قرار گیرد، برای تمامی کشورهای عضو، سی روز پس از اینکه اسناد سپرده شده در مورد پذیرش به دو سوم تعداد کشورهای عضو از تاریخ پذیرش اصلاحیه بالغ گردد، قابل اجرا می‌باشد.

ماده ۴۸ - خروج از مقاوله‌نامه

هریک از کشورهای عضو می‌تواند با ارسال اعلامیه کتبی جهت دبیرکل سازمان ملل متحد از عضویت مقاوله‌نامه حاضر خارج گردد. خروج از عضویت مقاوله‌نامه یک سال پس از تاریخ دریافت اعلامیه توسط دبیر کل صورت می پذیرد.

ماده۴۹ - قالبهای قابل دسترس

متن مقاوله‌نامه حاضر بایستی در شکل‌های قابل دسترس ارائه گردد.

ماده ۵۰ - متون اصلی

متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی مقاوله‌نامه حاضر از اعتبار یکسان برخوردارند .

با حضور امضا کنندگان تام اختیار زیر که از طرف کشورهای متبوع خود برای این امر کاملا مجاز می‌باشند، مقاوله‌نامه حاضر به امضا رسید.

پروتکل الحاقی مقاوله‌نامه بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت[1]

کشورهای عضو این پروتکل توافق می‌کنند که

ماده یکم

۱-یک کشور عضو این پروتکل ("ولت عضو) صلاحیت کمیته برای حقوق افراد دارای معلولیت (کمیته) را برای دریافت و بررسی گزارشاتی از سوی آنها و یا به نمایندگی از افراد یا گروه های افراد تحت صلاحیت آن که ادعا می‌کنند قربانی نقض مقررات مقاوله‌نامه توسط آن کشور عضو هستند، به رسمیت می شناسد.

۲-هیچ گزارشی در مورد کشوری که عضو پروتکل حاضر نیست، تقابل پذیرش نمی‌باشد.

ماده دوم

کمیته گزارشات زیر را «غیرقابل قبول» در نظر می‌گیرد:

الف: گزارشات بدون نام و مشخصات؛

ب: گزارشات مبتنی بر سوءاستفاده از حق گزارش دادن، و یا آنهایی که مغایر با مفاد مقاوله‌نامه حاضر باشند؛

پ: موضوع مشابهی که قبلاً توسط کمیته بررسی شده باشد یا در روند تحقیق بین‌المللی دیگری در حال بررسی می‌باشد؛

---

[1] Optional Protocol to the Convention on the Rights of Persons with Disabilities, by the sixty-first session of the United Nations General Assembly by resolution A/RES/61/106, 13 December 2006.

ت: تمام راه حل‌های محلی در دسترس، مورد عمل قرار نگرفته است. این مورد نباید در جائیکه اقدام به حل مشکل بدون دلیل طولانی شده یا بعید می باشد که به حل مشکل ختم شود به عنوان قاعده قرار گیرد؛

ث: اگر آشکارا بی اساس بوده یا به صورت مؤثر تأیید نشده باشد؛

ج: حقایق موضوع مکاتبه قبل از اجرایی شدن مقاوله‌نامه حاضر اتفاق افتاده باشد، مگر آنکه آن حقایق تا تاریخ فوق ادامه یافته باشد.

ماده سوم

با توجه به مفاد ماده ۲ پروتکل حاضر، کمیته می‌بایست هر گزارش تسلیم شده را به صورت محرمانه به اطلاع کشور عضو برساند، در عرض ۶ ماه کشور دریافت کننده نامه می بایست به کمیته، توضیح و گزارشی کتبی که روشنگر موضوع و راه حل آن ـ در صورت اعمال گردیدن توسط کشور مربوطه باشد ـ تسلیم نماید.

ماده چهارم

۱-در هر زمان بعد از دریافت یک گزارش و قبل از رسیدن به تعیین صحت آن، کمیته می‌تواند درخواستی را برای توجه فوری به اقدامات موقتی که ممکن است برای جلوگیری از خسارت جبران ناپذیر به قربانی یا قربانیان خشونت مورد ادعا لازم باشد، به کشور عضو ارسال نماید.

۲-اجرای بند ۱ این ماده توسط کمیته به معنی تشخیص صحت و سقم مکاتبه نمی‌باشد. ماده ۵ (کمیته می‌بایست هنگام بررسی مکاتبات مربوط به این پروتکل جلسات خود را پشت درب های بسته انجام داده و بعد از بررسی نامه کمیته می‌بایست پیشنهادها و توصیه های احتمالی را به کشور عضو و به نویسنده نامه ارسال نماید).

ماده پنجم

کمیته می‌بایست هنگام بررسی گزارشات مربوط به این پروتکل جلسات خود را پشت درب های بسته انجام داده و بعد از بررسی نامه کمیته می‌بایست پیشنهادها و توصیه های احتمالی را به کشور عضو و به نویسنده نامه ارسال نماید.

ماده ششم

۱-اگر کمیته اطلاعات موثقی را مبنی بر تضییع یا برنامه‌ریزی شده حقوق مورد اعلام شده در مقاوله‌نامه توسط یکی از کشورهای عضو دریافت کند، کمیته می‌بایست کشور عضو را به بررسی اطلاعات و به همان منظور تسلیم نمودن اظهار نظرهای مربوط به اطلاعات ذکر شده، دعوت کند.

۲-ضمن در نظر گرفتن هر توضیحی که ممکن است توسط کشور عضو مربوطه تسلیم شود، و همینطور هر اطلاعات موثق، کمیته می‌تواند یک یا چند عضو را برای هدایت یک تحقیق و گزارش فوری به کمیته تعیین کند. در صورت داشتن مجوز، با رضایت کشور عضو گروه تحقیق می‌تواند از منطقه بازدید کند.

۳-بعد از بررسی یافته های این تحقیق کمیته می بایست این یافته ها را به همراه توضیحات و توصیه های مربوط برای کشور عضو ارسال نماید. کشور عضو مربوطه می‌بایست در عرض ۶ ماه بعد از دریافت چنین یافته ها، توضیحات و توصیه‌هایی از کمیته، اظهار نظرهای خود را به کمیته تسلیم نماید.

۴-این تحقیق می‌بایست محرمانه بوده و همکاری کشور عضو باید در تمام مراحل دنبال گردد.

ماده هفتم

۱-کمیته می‌تواند کشور عضو مربوطه را دعوت نماید که در گزارش خود مطابق ماده ۳۵ مقاوله‌نامه، جزییات اقدامات اتخاذ شده در پاسخ به یک تحقیق انجام شده مطابق با ماده ۶ پروتکل حاضر را الحاق نماید.

۲- کمیته می‌تواند در صورت لزوم، پس از پایان دوره شش ماهه مذکور در ماده ۶,۴، از کشور عضو مربوطه دعوت کند تا اقدامات اتخاذ شده در پاسخ به چنین تحقیقی را به اطلاع آن برساند.

ماده هشتم

هر کشور عضو می‌تواند در زمان امضا یا تصویب پروتکل یا پیوست آن اعلام نماید که صلاحیت کمیته پیشبینی شده در ماده ۶ و ۷ را به رسمیت نمی‌شناسد.

ماده نهم

دبیرکل سازمان ملل متحد می‌بایست سپرده دار پروتکل حاضر باشد.

ماده دهم

پروتکل حاضر می‌بایست برای امضا توسط کشورها و سازمان های ائتلاف منطقه‌ای در دفتر مرکزی سازمان ملل در نیویورک از تاریخ /۳۰ مارس۲۰۰۷/ مفتوح باشد.

ماده یازدهم

این پروتکل می‌بایست مورد تأیید رسمی سازمان های ائتلاف منطقه‌ای امضا کننده این پروتکل که به صورت رسمی مقاوله‌نامه را تصویب یا تأیید کرده‌اند، قرار گیرد. این پروتکل می‌بایست برای تصویب توسط هر کشور یا سازمان ائتلاف منطقه‌ای که مقاوله‌نامه را به طور رسمی تصویب، تأیید یا موافقت کرده و پروتکل حاضر را امضا نکرده است، مفتوح باشد.

ماده دوازدهم

۱-منظور از سازمان های ائتلاف منطقه‌ای سازمان‌هایی است که توسط کشورهای یک منطقه مشخص شده و در رابطه با موضوعات طرح شده در این مقاوله‌نامه و این پروتکل اختیار لازم از طرف کشورهای عضو به آنها تنفیذ شده است. این سازمان‌ها می‌بایست در اسناد رسمی، تأییدیه یا توافقنامه‌های خود حدود اختیارات خود را در رابطه با موضوعات طرح شده در مقاوله‌نامه و

پروتکل اعلام کنند. متعاقباً آنها می‌بایست هرگونه تغییر در محدود اختیارات خود را به سپرده گذار اطلاع دهند.

۲-در مورد اهداف ماده ۱۳ بند ۱ ماده ۱۵ بند ۲ هیچ سند سپرده شده توسط سازمان های ائتلاف منطقه‌ای نباید منظور شود.

۳-سازمان های ائتلاف منطقه‌ای در محدوده اختیارات خود می‌توانند در جلسات کشورهای عضو حق رای داشته باشند و تعداد رای آنها مساوی تعداد رای کشورهای عضو که طرف های این پروتکل هستند، می‌باشند. اگر هرکدام از کشورهای عضو بخواهد حق رای داشته باشند، سازمان مربوطه نمی‌تواند حق برخورداری از رای آن کشور را داشته باشند و بالعکس.

ماده سیزدهم

۱-پیرو اجرای مقاوله‌نامه پروتکل حاضر می‌بایست در سی‌امین روز بعد از سپردن سند تصویب یا عضویت اجرایی شود.

۲-برای کشورها یا سازمان های ائتلاف منطقه‌ای که بعد از سپردن دهمین سند مربوطه پروتکل را تصویب یا به طور رسمی تأیید و مورد پذیرش قرار می‌دهند، پروتکل می‌بایست در سی‌امین روز بعد از سپردن سند ایشان اجرایی گردد.

ماده چهاردهم

۱- هر شرطی که با هدف پروتکل حاضر سازگاری نداشته باشد، نمی‌بایست مجاز شناخته شوند.

۲-قید و شرط ها در هر زمان می‌توانند پس گرفته شوند.

ماده پانزدهم

۱-هرکشور عضو می‌تواند الحاقیه‌ای را به پروتکل حاضر پیشنهاد داده و آن را به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم نماید. دبیرکل می‌بایست هر پیشنهادی را به انضمام درخواستی مبنی بر

اینکه آیا آنها از گردهم آیی کشورهای عضو برای بررسی و تصمیم گیری در مورد آن پیشنهاد حمایت می‌کنند یا خیر، برای کشورهای عضو ارسال نماید.

۲-در صورتیکه در عرض ۴ ماه بعد از تاریخ چنین مکاتبه‌ای حداقل یک سوم کشورهای عضو با چنین گردهم آیی موافقت کنند، دبیرکل می‌بایست این گردهم آیی را با حمایت سازمان ملل برگزار نماید. هر الحاقیه‌ای که توسط دو سوم کشور های عضو حاضر و رای دهنده تصویب شود، می‌بایست توسط دبیرکل برای تصویب به مجمع عمومی و بعد از آن برای پذیرش برای تمام کشورهای عضو فرستاده شود.

۳-الحاقیه تصویب یا تأیید شده، مطابق پاراگراف۱ می‌بایست در سی‌امین روز بعد از اینکه تعداد سندهای سپرده شده، به دو سوم تعداد کشورهای عضو در زمان تصویب الحاقیه رسید، اجرایی شود. بعد از آن می‌بایست الحاقیه برای هر کشور عضو در سی‌امین روز از سپردن سند موافقت، اجرایی شود. یک الحاقیه فقط برای کشورهای عضو که آنرا پذیرفته، تعهد آور است.

ماده شانزدهم

هر کشور عضو می‌تواند با اعلام کتبی به دبیرکل سازمان ملل از پروتکل خارج شود. خروج از پروتکل یک سال بعد از دریافت اعلام کتبی به دبیرکل جاری می‌گردد.

ماده هفدهم

متن پروتکل حاضر می‌بایست به صورت آسان در دسترس قرار گیرد.

ماده هیجدهم

متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی پروتکل حاضر ارزش واحد خواهند داشت .

با حضور امضا کنندگان تام اختیار زیر که از طرف کشورهای متبوع خود برای این امر کاملا مجاز می‌باشند، مقاوله‌نامه حاضر به امضا رسید.

اعلامیه سازمان ملل متحد

در باره حقوق مردمان بومی

توضیح مقدماتی شکل‌گیری اعلامیه سازمان ملل متحد درباره حقوق مردمان بومی[1]

اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حقوق مردمان بومی یک سند بین‌المللی است که توسط سازمان ملل متحد در ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۷ به تصویب رسید تا (طبق ماده ۴۳) حقوقی را که حداقل استانداردهای بقا، کرامت و رفاه مردمان بومی جهان است، را تضمین کند. اینگونه حقوق مردمان بومی از نوع حقوق جمعی که ممکن است در سایر اسناد حقوق بشری که بر حقوق فردی تأکید دارند، مورد توجه قرار نگرفته است، و بنابراین اعلامیه مذکور با هدف حفاظت از حقوق فردی مردم بومی بوجود آمده است. این اعلامیه محصول تقریباً ۲۵ سال بررسی کشورهای عضو سازمان ملل متحد و گروه‌های بومی است.

در سال ۱۹۸۲، گزارشگر ویژه سازمان ملل در کمیسیون فرعی در مورد پیشگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها، مطالعه‌ای را در مورد تبعیض نظام‌مندی که مردم بومی در سراسر جهان با آن مواجه هستند، منتشر کرد. یافته‌های او به‌عنوان «مطالعه مشکل تبعیض علیه جمعیتهای بومی» منتشر شد. سپس شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد با ایجاد گروه کاری در مورد جمعیتهای بومی ، متشکل از پنج کارشناس مستقل و همچنین مشاوران بومی، به این یافته‌ها پاسخ داد تا منحصرا بر مسائل بومی در سراسر جهان تمرکز کند. نقش کارگروه ارائه توصیه‌هایی به کمیسیون حقوق بشر بود. متعاقباً، با مشورت نمایندگان بومی از سراسر جهان، کارگروه مزبور شروع به تهیه پیشنویس اعلامیه حقوق بومیان در سال ۱۹۸۵ کرد که در سال ۱۹۸۶ توسط کمیسیون فرعی ترویج و حمایت از حقوق بشر تصویب شد. پس از تصویب، پیشنویس اعلامیه به کمیسیون حقوق بشر فرستاده شد.

این اعلامیه با طیف گسترده‌ای از حقوق بومیان سروکار دارد، یعنی موضوعی که بحث‌های اولیه بسیاری را به دنبال داشته است. درحقیقت، تنش زیادی بین کشورهای عضو سازمان ملل و نمایندگان مردم بومی در طول تهیه پیش نویس، به دلیل منافع احتمالی طرفین وجود داشت. بسیاری از کشورهای عضو سازمان ملل نگران بودند که پذیرش اعلامیه حقوق مردم بومی ، استقلال سیاسی

---

[1] United Nations Declaration on the Rights of Indigenous Peoples. General Assembly Resolution 61/295 on 13 September 2007.

آنها را تضعیف کند. بویژه ماده‌ای که در این پیشنویس حق تعیین سرنوشت مردم بومی را تأیید می‌کرد، نگرانی خاصی را به دنبال آورده بود. با این حال، بسیاری از نمایندگان بومی از تغییر پیشنویس امتناع نموده و استدلال می‌کردند که این سند به سادگی حقوقی را که قبلاً برای استعمارگران تضمین شده بود، به مردم بومی باز می‌گرداند.

پیشنویس نهایی گروه کاری نشان دهنده سازش بین کشورهای عضو سازمان ملل متحد و نمایندگان مردمان بومی بود. این پیش نویس در سال ۲۰۰۶ توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل پذیرفته شد و سال بعد با اکثریت اعضای سازمان ملل متحد به مجمع عمومی تصویب رسید.

اولین ماده از ۴۶ ماده اعلامیه حقوق مردمان بومی اعلام می‌کند که «مردم بومی حق برخورداری کامل از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را دارند که در منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، و قوانین بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده‌اند». این اعلامیه در ادامه به تضمین حقوق مردمان بومی برای برخورداری از فرهنگ و آداب و رسوم، مذاهب و زبان‌های بومی خود و توسعه و تقویت اقتصاد و نهادهای اجتماعی و سیاسی آنها می‌پردازد. مردم بومی حق دارند عاری از تبعیض و حق داشتن یک ملیت باشند.

به طور قابل توجهی، ماده ۳ اعلامیه، حق مردم بومی برای تعیین سرنوشت خود را به رسمیت می‌شناسد، که شامل حق «تعیین آزادانه وضعیت سیاسی خود و پیگیری آزادانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود» می‌باشد. ماده ۴ حق مردم بومی را برای «خود مختاری یا خودمختاری در امور مربوط به امور داخلی و محلی» و ماده ۵ از حق آنها «برای حفظ و تقویت نهادهای سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متمایز خود» حمایت می‌کند. ماده ۲۶ بیان می‌دارد که «مردم بومی حق دارند زمین‌ها، سرزمین‌ها و منابعی را که بطور سنتی در مالکیت، تصرف یا بطور دیگری استفاده یا به دست آورده‌اند، داشته باشند» و به کشورها دستور می‌دهد که این سرزمین‌ها را به رسمیت بشناسند. این اعلامیه حقوق مردمان بومی مندرج در معاهدات و موافقتنامه‌های آنها با کشورها را نادیده نمی‌گیرد و به آنها دستور می‌دهد که توافقات را رعایت و اجرا کنند. اعلامیه توسط ۱۴۴ کشور با ۱۱ ممتنع و ۴ کشور مخالف به تصویب رسید. این چهار کشور کانادا، ایالات متحده آمریکا، نیوزلند و استرالیا بودند. استدلال این کشورها این بود که سطح خودمختاری به رسمیت

شناخته شده برای مردم بومی در اعلامیه مشکل ساز بوده و حاکمیت کشورهای آنان را تضعیف می کند. این موضوع بویژه در زمینه اختلافات سرزمین‌های بومیان و استخراج منابع طبیعی موجود در آنها بسیار حائز اهمیت است.

از سال ۲۰۰۹ استرالیا و نیوزلند مواضع خود را تغییر داده و اکنون از بیانیه حمایت می‌کنند، در حالی که ایالات متحده و کانادا فقط اعلام کرده‌اند که در مواضع خود تجدید نظر خواهند کرد.[۱]

اعلامیه سازمان ملل متحد در باره حقوق مردمان بومی، ۲۰۰۷[۲]

مجمع عمومی

با توجه به توصیه شورای حقوق بشر که در قطعنامه ۱/۲ مورخ ۲۹ ژوئن ۲۰۰۶ ذکر شده است که شورا با آن متن اعلامیه سازمان ملل متحد درباره حقوق مردمان بومی را تصویب کرد؛ با یادآوری قطعنامه ۶۱/۱۷۸ مورخ دسامبر ۲۰۰۶ آن که شورا با آن تصمیم گرفت بررسی و اقدام درباره این مسئله را به تعویق اندازد تا برای بررسی‌های بیشتر درباره آن فرصت باشد، همچنین تصمیم گرفت به بررسی خود پیش از پایان شصت و یکمین اجلاس مجمع عمومی خاتمه دهد؛ اطلاعیه سازمان ملل متحد درباره حقوق مردمان بومی را بگونه‌ای که در ضمیمه قطعنامه حاضر موجود است، تصویب می‌کند.

مجمع عمومی

جلسه ۱۰۷مورخ ۱۳ دسامبر ۲۰۰۷

---

[۱] کلیه مطالب این مقدمه از تارنمای رسمی بنیادهای بومی کانادا استخراج شده است.

[2] United Nations Declaration on the Rights of Indigenous Peoples

ضمیمه

اعلامیه سازمان ملل متحد درباره حقوق مردمان بومی

مجمع عمومی،

به پیروی از مقاصد و اصول منشور ملل متحد و امید به اجرای تعهدات پذیرفته شده کشورها مطابق با منشور،

با تأیید اینکه مردمان بومی با همه مردمان دیگر برابر و یکسان هستند، در عین به رسمیت شناختن حق همه مردمان برای اینکه متفاوت باشند، خود را متفاوت به شمار آورند، و به عنوان افرادی متفاوت مورد احترام باشند،

همچنین با تأیید بر اینکه همه مردم به تنوع و غنای تمدن ها و فرهنگ‌ها کمک می‌کنند که میراث مشترک نوع بشر را تشکیل می‌دهد،

با تأکید بر این که کلیه عقاید، سیاست‌ها و عملکردهای مبتنی بر یا از برتری مردم یا افراد بر اساس منشاء ملی یا تفاوت‌های نژادی، مذهبی، قومی یا فرهنگی نژادپرستانه، از نظر علمی نادرست، از نظر قانونی فاقد اعتبار، از نظر اخلاقی محکوم و از نظر اجتماعی ناعادلانه هستند،

با تأیید مجدد اینکه مردمان بومی، در برخورداری از حقوق خود باید از هر نوع تبعیضی رها باشند،

با نگرانی از این که مردمان بومی در نتیجه استعمار و سلب مالکیت زمین‌ها، سرزمین‌ها و منابع خود از بی‌عدالتی‌های تاریخی رنج برده‌اند، و به این ترتیب از اعمال، به ویژه، حق خود نسبت به توسعه براساس نیازها و علائق خود باز داشته شده‌اند،

با به رسمیت شناختن نیاز مبرم به احترام و حمایت از حقوق ذاتی مردمان بومی، که از ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنان و از فرهنگ‌ها، سنت‌های معنوی، تاریخ‌ها و فلسفه‌ها، به ویژه حقوق آنان نسبت به زمین‌ها، سرزمین‌ها و منابع آنان ناشی می‌شود،

همچنین با به رسمیت شناختن نیاز مبرم به احترام و حمایت از حقوق مردمان بومی که در معاهدات، موافقت‌نامه‌ها و سایر ترتیبات سودمند و سازنده با کشورها تأیید شده،

با استقبال از این واقعیت که مردمان بومی در حال سازمان دادن خود برای ارتقای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و به منظور خاتمه دادن به تمامی اشکال تبعیض و سرکوبگری در هر جا که رخ دهد، هستند،

با اطمینان از این که کنترل مردمان بومی بر تحولات مؤثر بر زندگی خود و زمین‌ها، سرزمین‌ها و منابع آنان، مردمان بومی را قادر خواهد ساخت نهادها و مؤسسات، فرهنگ‌ها و سنت‌های خود را حفظ و تقویت کنند و از توسعه و پیشرفت آنان مطابق با آرزوها و نیازهای خود حمایت به عمل آورند،

با به رسمیت شناختن این امر که احترام به دانش، فرهنگ‌ها و روش های سنتی بومی به توسعه پایدار و عادلانه و مدیریت درست محیط زیست کمک می‌کند.

با تاکید بر نقش غیرنظامی سازی سرزمین ها و سرزمین های مردم بومی در صلح، پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی، تفاهم و روابط دوستانه میان ملت ها و مردم جهان،

با توجه به اینکه حقوق تأیید شده در معاهدات، موافقت‌نامه‌ها و سایر ترتیبات سودمند و سازنده بین کشورها و مردمان بومی، در برخی وضعیت‌ها، از جمله نگرانی‌ها، علایق، مسئولیت‌ها و ویژگی‌های بین‌المللی است، ه

همچنین با در نظر گرفتن اینکه معاهدات، موافقت‌نامه‌ها و سایر ترتیبات سودمند و سازنده، و رابطه‌ای که آنان نماینده آن هستند، مبنای مشارکتی مستحکم بین مردمان بومی و کشورها هستند.

همچنین اعلامیه و برنامه اقدام وین با اذعان به اینکه منشور ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همه مردمان به پیروی از آنها آزادانه وضع و موقعیت سیاسی خود را تعیین می‌کنند و آزادانه، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را دنبال می‌کنند، اهمیت بنیادی حق تعیین سرنوشت آنان را تأیید می‌کنند. با به خاطر داشتن این امر که از هیچ عاملی در این

اعلامیه نمی‌توان برای محروم کردن هیچ فردی از حق تعیین سرنوشت خویش، که مطابق با حقوق بین‌الملل اعمال می‌شود، سود برد.

با اطمینان به اینکه به رسمیت شناختن حقوق مردمان بومی در این اعلامیه روابط هماهنگ و مبتنی بر همکاری بین کشور مربوطه و مردمان بومی را، بر مبنای اصول عدالت، مردم سالاری، احترام به حقوق بشر، عدم تبعیض و حسن نیت ارتقا خواهد داد.

با تشویق کشورها به پیروی و اجرای مؤثر تمامی تعهدات خود درباره مردمان بومی که براساس اسناد و مصوبات بین‌المللی، به ویژه آنهاییکه به حقوق بشر مربوط است، با مشورت و همکاری با مردمان مربوطه برعهده گرفته‌اند.

با تأکید بر اینکه سازمان ملل متحد نقشی مهمی دارد تا در امر ترویج و حمایت از حقوق مردمان بومی ایفا کند. با این اعتقاد که این اعلامیه گام مهم دیگری برای شناسایی، ترویج و حمایت از حقوق و آزادی‌های مردمان بومی و در گسترش و توسعه فعالیت‌های مربوطه نظام ملل متحد در این زمینه است.

با به رسمیت شناختن و تأیید مجدد اینکه افراد بومی حق دارند بدون تبعیض از همه حقوق بشر به رسمیت شناخته شده در حقوق بین‌الملل برخوردار شوند، و اینکه مردمان بومی دارای حقوق گروهی هستند که برای موجودیت، رفاه و توسعه ضروری و کامل آنان به عنوان مردمان لازم و ضروری است.

با به رسمیت شناختن اینکه وضعیت مردمان بومی از منطقه به منطقه و از کشور به کشور فرق می‌کند و اینکه اهمیت ویژگی‌های ملی و منطقه‌ای و پیشینه‌های تاریخی و فرهنگی گوناگون باید مورد توجه قرار گیرد، اعلامیه سازمان ملل متحد درباره حقوق مردمان بومی را به عنوان معیار و ضابطه موفقیت رسما بشرح زیر اعلام می‌کند تا با روحیه مشارکت و احترام متقابل پیشگیری و اجرا شود:

ماده ۱

مردم بومی حق برخورداری کامل از کلیه حقوق بشر و آزادی های اساسی را که در منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و قوانین بین المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است، به صورت جمعی یا فردی دارند.

ماده ۲

مردمان و افراد بومی در برابر همه مردمان و افراد دیگر آزاد و با آنان برابر هستند و حق دارند در اعمال حقوق خود، به ویژه حقوق مبتنی بر خاستگاه یا هویت بومی خود از هر نوع تبعیض آزاد باشند.

ماده ۳

مردمان بومی حق تعیین سرنوشت خود را دارند. آنان به استناد این حق آزادانه وضعیت سیاسی خود را تعیین می‌کنند و آزادانه رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را دنبال می‌کنند.

ماده ۴

مردمان بومی، در اعمال حق تعیین سرنوشت خود، در موضوعات مربوط به امور داخلی و محلی خود، همچنین شیوه‌ها و وسایل تأمین مالی برای انجام وظایف مربوط به تعیین سرنوشت خود، حق خودمختاری یا خود گردانی دارند.

ماده ۵

مردمان بومی حق دارند نهادها و مؤسسات سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاص خود را حفظ و تقویت کنند و در عین حال، اگر بخواهند، حق خود را برای مشارکت کامل در زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مربوطه حفظ کنند.

ماده ۶

هر فرد بومی حق دارد ملیتی داشته باشد.

ماده ۷

۱-افراد بومی از حق زندگی، منزلت جسمی و روحی، آزادی و امنیت شخصی برخوردارند.

۲-مردمان بومی از حق دسته جمعی برای زندگی در آزادی، صلح و امنیت به عنوان مردمانی متمایز برخودار هستند. آنها نباید در معرض هیچ اقدام خشونت آمیز، از جمله جابجایی اجباری کودکان یک گروه به گروهی دیگر، قرار گیرند.

ماده ۸

۱-افراد و مردمان بومی حق دارند و نباید در معرض همانندسازی و جذب اجباری فرهنگی دیگر یا نابودی فرهنگ خویش قرار داده شوند.

۲-کشورها باید سازوکارهای مؤثر فراهم سازند تا از ارتکاب اعمال زیر پیشگیری و عوارض و پیامدهای احتمالی آنها را جبران و اصلاح کنند:

الف: هر اقدامی که هدف یا تأثیر محروم ساختن آنان از حرمت انسانی خویش به عنوان افرادی متمایز، یا از ارزش‌های فرهنگی یا هویت‌های قومی آنان را دارد؛

ب: هر اقدامی که هدف یا تأثیر آن محروم ساختن آنان از زمین‌ها، سرزمین‌ها، یا منابع طبیعی آنان است؛

ج: هر شکل از نقل و انتقال اجباری جمعیت با هدف نقض یا تضعیف حقوق آنان؛

د: هر نوعی از همانند سازی یا ادغام و همگرایی اجباری؛

ه: هر نوع تبلیغ به منظور ترویج یا تحریک تبعیض نژادی یا قومی علیه آنان.

ماده ۹

افراد و مردمان بومی حق دارند مطابق با سنت‌ها و رسوم جامعه یا کشور مربوطه به یک جامعه یا ملت بومی تعلق داشته باشند. هیچ نوع تبعیض نباید از اعمال چنین حقی ناشی شود.

ماده ۱۰

مردمان بومی نباید به اجبار از زمین‌ها یا سرزمین‌های خود جابجا شوند. هیچگونه جابجایی نباید بدون رضایت آزادانه، از قبل و آگاهانه مردمان بومی مربوطه و بعد از موافقت درباره پرداخت غرامت عادلانه و در صورت امکان، با اختیار بازگشت، انجام شود.

ماده ۱۱

۱-مردمان بومی حق دارند سنت‌ها و رسوم فرهنگی خود را اجرا و آنها را رونق داده و احیا کنند. این امر شامل حق حفظ، حمایت و توسعه سنت‌های گذشته، حال و آینده فرهنگ‌های آنان، مانند اماکن باستانی و تاریخی، مصنوعات، طرح‌ها، مراسم، فناوری‌ها و هنرهای بصری و نمایشی و ادبیات است.

۲-کشورها باید از طریق ایجاد سازوکارهای مؤثر که ممکن است شامل استرداد و پرداخت غرامت باشد و با همراهی مردمان بومی ایجاد شده، در ارتباط با اموال فرهنگی، فکری، دینی و معنوی آنان که بدون رضایت آزادانه، قبلی و آگاهانه ایشان یا با نقض قوانین، سنت‌ها و رسوم آنان گرفته شده، غرامت بپردازند.

ماده ۱۲

۱-مردمان بومی حق دارند مراسم، عادات و سنت‌های معنوی و دینی خود را آشکار کنند، به عمل آورند، ایجاد کنند و تعلیم دهند. آنان حق دارند حریم اماکن دینی و فرهنگی خود را حفظ کرده، از آنها حمایت کنند و به آنها دسترسی داشته باشند. مردمان بومی حق دارند اشیای ویژه انجام مراسم خود را بکار برند و کنترل کنند و حق بازگرداندن اجساد خود را دارند.

۲-کشورها باید بکوشند امکان دسترسی یا بازگرداندن اشیای ویژه برگزاری مراسم و اجساد مردمان بومی را که تحت اختیار آنها قراردارد به خودشان، از طریق سازوکارهای عادلانه، شفاف و مؤثری که به اتفاق مردمان بومی مربوطه تعریف شود، فراهم سازند.

ماده ۱۳

۱-مردمان بومی حق دارند تاریخ، زبان‌ها، سنت‌های شفاهی، فلسفه‌ها، شیوه‌های نگارش و ادبیات خود را احیا کنند، آنها را بکار برند، شکل دهند و به نسلهای آینده انتقال دهند و جوامع، اماکن و اشخاص را با نام‌های انتخابی خود نامگذاری کرده و آن نام‌ها را حفظ کنند.

۲-کشورها باید تدابیر مؤثر به عمل آورند تا تضمین کنند از این حق حمایت می‌شود و همچنین اطمینان حاصل کنند مردمان بومی بتوانند جریان‌ها و برنامه‌های سیاسی، حقوقی و اداری را،

در صورت نیاز، از طریق ارائه تفسیر و تعبیر یا با سایر وسایل مقتضی درک کنند و دیگران نیز این جریان‌ها و برنامه‌های آنان را درک کنند.

ماده ۱۴

۱-مردمان بومی حق دارند نظام‌ها و مؤسسات آموزشی خود را ایجاد و کنترل کنند و با زبانهای خود، به روشی متناسب با شیوه‌های فرهنگی تعلیم و تعلم خود، آموزش دهند.

۲-افراد بومی، به ویژه کودکان، حق دارند از تمامی سطوح و شکلهای آموزش کشور بدون تبعیض برخوردار شوند.

۳-کشورها باید، با همراهی مردمان بومی، تدابیر مؤثر به عمل آورند تا افراد بومی، به ویژه کودکان و همچنین کسانی که دور از جوامع خود زندگی می‌کنند، در صورت امکان، به آموزش فرهنگ ویژه خود که به زبان خود آنان عرضه می‌شود، دسترسی داشته باشند.

ماده ۱۵

۱-مردمان بومی حق دارند از منزلت و گوناگونی فرهنگ‌ها، سنت‌ها، تاریخ‌ها و آرمان‌های خود که باید به گونه‌ای مناسب در آموزش و پرورش و اطلاعات همگانی جامعه منعکس شود، بهره‌مند شوند.

۲-کشورها باید تدابیر مؤثر، با مشورت و همکاری مردمان بومی مربوطه، به عمل آورند تا با غرض ورزی مبارزه کرده و تبعیض را حذف کنند و مدارا، تحمل، تفاهم و برقراری روابط خوب بین مردمان بومی و تمامی بخش‌های دیگر جامعه را ترویج کنند.

ماده ۱۶

۱-مردمان بومی حق دارند رسانه‌های خود را به زبانهای خود ایجاد کنند و بدون تبعیض به تمامی اشکال رسانه‌های غیربومی دسترسی داشته باشند.

۲-کشورها باید تدابیر مؤثر به عمل آورند تا اطمینان حاصل کنند رسانه های متعلق به کشور به درستی تنوع فرهنگی بومی را منعکس کنند. کشورها، بدون تأثیر بر تضمین آزادی کامل

بیان، باید رسانه های با مالکیت خصوصی را تشویق کنند تنوع فرهنگی بومی را به قدر کافی منعکس کنند.

ماده ۱۷

۱-افراد و مردمان بومی حق دارند از همه حقوق تعیین شده براساس قانون کار محلی و بین‌المللی حاکم به طور کامل برخوردار شوند.

۲-کشورها باید با مشورت و همکاری مردمان بومی تدابیری ویژه به کار برند تا از کودکان بومی در برابر بهره‌کشی اقتصادی و انجام هر کاری که احتمال دارد خطرناک باشد یا بر آموزش و پرورش کودکان تأثیر سوء بگذارد، یا برای بهداشت یا رشد و پیشرفت جسمی، فکری، معنوی، اخلاقی یا اجتماعی کودکان زیانبار باشد، محافظت به عمل آورند و در این کار آسیب پذیری ویژه آنان و اهمیت آموزش و پرورش برای توانمند سازی ایشان را در نظر بگیرند.

۳-افراد بومی حق دارند در معرض هیچگونه شرایط تبعیضی کار و از جمله، در امر اشتغال یا دستمزد، قرار نگیرند.

ماده ۱۸

مردمان بومی حق دارند در تصمیم‌گیری در موضوعاتی که بر حقوق آنان تأثیر می‌گذارد، از طریق نمایندگان منتخب خود مطابق با روش‌های خود، شرکت کنند و همچنین نهادهای تصمیم‌گیری بومی ویژه خود را حفظ کنند و توسعه دهند.

ماده ۱۹

کشورها باید با حسن نیت با مردمان بومی مربوطه از طریق نهادهای نماینده خود آنان به منظور جلب رضایت آزادانه، قبلی و آگاهانه ایشان پیش از تصویب و اجرای تدابیر قانونی و اداری که ممکن است بر زندگی آنان تأثیر بگذارد مشورت و همکاری کنند.

ماده ۲۰

۱-مردمان بومی حق دارند نظام‌ها یا نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را حفظ کنند و توسعه دهند. در برخورداری از ابزارها و روش‌های معاش و توسعه خود احساس امنیت کنند و آزادانه در همه فعالیت‌های اقتصادی سنتی و دیگر خود شرکت کنند.

۲-مردمان بومی که از ابزارها و روش‌های معاش و توسعه خود محروم شده‌اند استحقاق برخورداری از غرامت عادلانه و منصفانه را دارند.

ماده ۲۱

۱-مردمان بومی بدون تبعیض حق دارند شرایط اقتصادی و اجتماعی آنان، از جمله، در زمینه‌های آموزش و پرورش، اشتغال، کارآموزی و آموزش حرفه‌ای، مسکن، دفع بهداشتی فضولات، بهداشت و تأمین اجتماعی بهبود یابد.

۲-کشورها باید برای تضمین ادامه بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی مردمان بومی تدابیر مؤثر و هر جا مناسب باشد، تدابیر ویژه به عمل آورند. به تأمین حقوق و نیازهای ویژه افراد سالخورده، زنان، جوانان، کودکان و معلولان بومی باید توجه ویژه مبذول داشت.

ماده ۲۲

۱-در اجرای این اعلامیه باید به حقوق و نیازهای ویژه افراد سالخورده، زنان، جوانان، کودکان و معلولان بومی توجه ویژه معطوف شود.

۲-کشورها باید به اتفاق مردمان بومی برای تضمین این امر که زنان و کودکان بومی از حمایت و ضمانت‌های کامل در برابر همه اشکال خشونت و تبعیض برخوردار شوند، تدابیری به عمل آورند.

ماده ۲۳

مردمان بومی حق دارند اولویتها و برنامه‌ها برای اعمال حق توسعه خود را تعیین و گسترش دهند. مردمان بومی به ویژه حق دارند در تحقق و تعیین برنامه های مربوط به بهداشت، مسکن و سایر

برنامه های اقتصادی و اجتماعی که بر زندگی آنان تأثیر می‌گذارد فعالانه شرکت کنند و تا حد امکان، چنین برنامه‌هایی را از طریق مؤسسات و نهادهای خود اداره و سرپرستی کنند.

ماده ۲۴

۱-مردم بومی حق دارند از داروهای سنتی خود استفاده کنند و شیوه های بهداشتی خود را از جمله حفاظت از گیاهان دارویی، حیوانات و مواد معدنی حیاتی خود را حفظ کنند. افراد بومی همچنین حق دارند بدون هیچ تبعیضی به کلیه خدمات اجتماعی و بهداشتی دسترسی داشته باشند.

۲-افراد بومی در برخورداری از بالاترین ضوابط قابل حصول بهداشت جسمی و فکری از حق یکسان برخوردارند. کشورها باید به امید دستیابی تدریجی به تحقق کامل این حق اقدامات لازم را انجام دهند.

ماده ۲۵

مردمان بومی حق دارند رابطه معنوی متمایز خود را با زمین‌ها، سرزمین‌ها، آبها و سواحل دریاها و سایر منابع که به طور سنتی در مالکیت آنان بوده یا به عبارت دیگر تصرف شده و مورد استفاده قرار گرفته حفظ و تقویت کنند و به مسئولیت‌های خود در این زمینه نسبت به نسل‌های آینده عمل کنند.

ماده ۲۶

۱-مردمان بومی نسبت به زمین‌ها، سرزمین‌ها و منابعی که به طور سنتی در مالکیت آنان بوده، تصرف کرده یا به گونه دیگر از آنها استفاده کرده یا به دست آورده‌اند، حق دارند.

۲-مردمان بومی حق تملک، استفاده، بهره‌برداری و کنترل زمین‌ها، سرزمین‌ها و منابعی را دارند که به دلیل مالکیت سنتی یا سایر شیوه های تصرف یا کاربرد سنتی در اختیار دارند و یا به گونه‌ای دیگر به دست آورده‌اند.

۳-کشورها باید این زمین‌ها، سرزمین‌ها و منابع را از نظر حقوقی شناسایی و محافظت کنند. این‌گونه شناسایی باید با احترام لازم به عادات، سنت‌ها و نظام‌های مردمان بومی مربوطه در زمینه تصرف سنتی زمین، انجام شود.

ماده ۲۷

کشورها باید با همکاری مردمان بومی مربوطه فرآیندی عادلانه، مستقل، بیطرف، باز و شفاف تدوین و اجرا کنند که در آن قوانین، سنت‌ها، عادات و رسوم و نظام‌های سنتی مردمان بومی در زمینه تصرف زمین بگونه‌ای مقتضی به رسمیت شناخته شده، حقوق مردمان بومی در رابطه با زمین‌ها، سرزمین‌ها و منابع آنان، از جمله آنهایی که از قدیم در مالکیت آنان بوده یا به گونه‌ای دیگر تصرف شده یا مورد استفاده قرار گرفته، به رسمیت شناخته و داوری شود. مردمان بومی باید حق مشارکت در این فرایند را داشته باشند.

ماده ۲۸

۱-مردمان بومی حق اصلاح بی‌عدالتی‌ها را دارند با وسایلی که می‌تواند شامل جبران مافات یا وقتی این کار ممکن نباشد، گرفتن غرامت عادلانه، منصفانه و معقول، برای زمین‌ها، سرزمین‌ها و منابعی باشد که آنان از قدیم مالک آنها بوده‌اند یا بگونه‌ای دیگر تصرف یا از آنها استفاده کرده‌اند، و دیگران آنها را بدون رضایت آزادانه، قبلی و آگاهانه آنان ضبط کرده، گرفته، اشغال کرده، استفاده کرده یا به آنها خسارت وارد کرده‌اند.

۲-غرامت باید به شکل زمین‌ها، سرزمین‌ها و منابع و از نظر کمیت، اندازه و موقعیت حقوقی برابر با آنها باشد. یا غرامت پولی یا سایر غرامت‌های مناسب داده شود، مگر اینکه مردمان مربوطه آزادانه در مورد آن به شکلی دیگر توافق کنند.

ماده ۲۹

۱-مردمان بومی حق دارند از محیط زیست و ظرفیت و توانایی حاصلخیزی زمین‌ها، سرزمین‌ها و منابع خود حفاظت و مراقبت به عمل آورند. کشورها باید بدون تبعیض به منظور این‌گونه حفاظت و مراقبت برنامه های کمکی برای مردمان بومی ایجاد و اجرا کنند.

۲-کشورها باید برای تضمین اینکه بدون رضایت آزادانه، قبلی و آگاهانه مردمان بومی هیچ ماده خطرناکی در زمین‌ها یا سرزمین‌های آنان انبار یا منتقل و معدوم نشود، تدابیر مؤثر به عمل آورند.

۳-کشورها همچنین در صورت لزوم باید تدابیر مؤثر به عمل آورند تا تضمین کنند این برنامه‌ها برای نظارت، حفاظت و اعاده سلامت و بهداشت مردمان بومی، آنگونه که به وسیله مردمان تحت تأثیر چنین موادی ایجاد و اجرا می‌شود، به درستی به اجرا درآید.

ماده ۳۰

۱-فعالیت‌های نظامی نباید در زمین‌ها یا سرزمین‌های مردمان بومی انجام شود مگر اینکه منافع عمومی مربوطه آن را توجیه کند یا در غیر اینصورت بومیان مربوطه آزادانه با آن موافقت کرده یا درخواست کرده باشند.

۲-کشورها باید پیش از استفاده از زمین‌ها یا سرزمین‌های مردمان بومی برای فعالیت‌های نظامی از طریق تشریفات مناسب و به ویژه از طریق نهادهای نماینده و منتخب آنان به نحوی مؤثر با مردمان بومی مربوطه مشورت کنند.

ماده ۳۱

۱-مردمان بومی حق دارند میراث فرهنگی، دانش سنتی و نمودهای فرهنگی سنتی و همچنین تجلیات علوم، فناوری‌ها و فرهنگ‌های خود، از جمله منابع ژنتیک و انسانی، بذرها، داروها، دانش ویژگی‌های جانوران و گیاهان، سنت‌های شفاهی، ادبیات، طرح‌ها، ورزش و بازی‌های سنتی و هنرهای نمایشی و بصری خود را حفظ، کنترل و محافظت کرده و توسعه دهند. آنان همچنین حق دارند مالکیت معنوی خود را بر این میراث فرهنگی، دانش سنتی و تجلیات فرهنگی سنتی، حفظ، کنترل، محافظت کرده و توسعه دهند.

۲-کشورها باید به اتفاق مردمان بومی برای به رسمیت شناختن و حمایت از اعمال این حقوق، تدابیر مؤثر به عمل آورند.

ماده ۳۲

۱-مردمان بومی حق دارند اولویت‌ها و برنامه‌هایی برای توسعه یا استفاده از زمین‌ها یا سرزمین‌ها و سایر منابع خود تعیین و ایجاد کنند.

۲-کشورها باید با حسن نیت با مردمان بومی مربوطه از طریق نهادهای انتخابی خود آنان برای گرفتن رضایت آزادانه و آگاهانه آنان پیش از تصویب هر طرحی که بر زمین‌ها یا سرزمین‌ها و سایر منابع آنان تأثیر می‌گذارد، به ویژه در ارتباط با توسعه، بهره‌برداری یا استفاده از منابع معدنی، آب و سایر منابع، مشورت و همکاری کنند.

۳-کشورها باید سازوکارهای مؤثر به منظور پرداخت خسارت عادلانه و منصفانه برای انجام هرگونه از این اقدامات تهیه کنند و برای کاهش نامطلوب زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا معنوی تدابیر مناسب به عمل آورند.

ماده ۳۳

۱-مردمان بومی حق دارند هویت یا عضویت خود را مطابق با رسوم و سنت‌های خود تعیین کنند. این امر با حق مردمان بومی برای به دست آوردن تابعیت کشورهایی که در آنها زندگی می‌کنند منافات ندارد.

۲-مردمان بومی (بومیان) حق دارند ساختارهای مؤسسات و نهادهای خود را تعیین کرده و اعضای آنها را مطابق با روش‌ها و رسوم خود انتخاب کنند.

ماده ۳۴

مردمان بومی حق دارند که مطابق با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر، ساختارهای نهادی خود و آداب و رسوم، معنویت، سنت ها، رویه‌ها، شیوه‌ها و در مواردی که وجود دارند، سیستم‌های حقوقی یا آداب و رسوم خود را ترویج، توسعه و حفظ کنند.

ماده ۳۵

مردمان بومی حق دارند مسئولیت‌های افراد نسبت به جوامع خود را تعیین کنند.

ماده ۳۶

۱-مردمان بومی، به ویژه مردمانی که مرزهای ملی آنان را جدا کرده، حق دارند تماس‌ها، روابط و همکاریها، از جمله فعالیت‌ها برای مقاصد معنوی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با مردمان بومی و سایر مردمان آن سوی مرز را حفظ و ایجاد کنند.

۲-کشورها با مشورت و همکاری مردمان بومی برای تسهیل اعمال و تضمین اجرای این حق باید تدابیر مؤثر به عمل آورند.

ماده ۳۷

۱-مردمان بومی نسبت به رسمیت شناختن، نظارت و اجرای معاهدات، موافقت‌نامه‌ها و سایر ترتیبات سودمند که با کشورها یا جانشینان آنها منعقد شده و وادار کردن کشورها به رعایت و احترام به چنین معاهدات، موافقت‌نامه‌ها و سایر ترتیبات سودمند حق دارند.

۲-هیچ نکته‌ای در این اعلامیه را نمی‌توان به عنوان عامل تضعیف یا حذف حقوق افراد بومی تعبیر کرد که در معاهدات، موافقت‌نامه‌ها و سایر ترتیبات سودمند و سازنده ذکر شده است.

ماده ۳۸

کشورها، با مشورت و همکاری مردمان بومی باید برای نیل به اهداف این اعلامیه تدابیر مقتضی، از جمله در زمینه قانون‌گذاری، به عمل آورند.

ماده ۳۹

مردمان بومی حق دارند به یاری مالی و فنی از کشورها و از طریق همکاری بین‌المللی، برای برخورداری از حقوق ذکر شده در این اعلامیه دسترسی داشته باشند.

ماده ۴۰

مردمان بومی حق دسترسی به داوری و قضاوت سریع از طریق روند عادلانه و منصفانه برای حل مناقشات و مشاجرات با کشورها یا سایر طرفین و همچنین به تدابیر و چاره‌ای مؤثر برای همه موارد نقض حقوق فردی و دسته جمعی خود دارند. در چنین قضاوت‌هایی باید به رسوم، سنت‌ها، مقررات و نظام‌های حقوق بومیان مربوطه و حقوق بشر بین‌الملل توجه بایسته معطوف شود.

ماده ۴۱

نهادها و کارگزاری‌های تخصصی نظام ملل متحد و سایر سازمان‌های بین کشوری باید به تحقق کامل مفاد این اعلامیه از طریق بسیج، از جمله، همکاری مالی و یاری و مساعدت فنی کمک کنند. راه ها و ابزار تضمین مشارکت مردمان بومی در موضوعاتی که بر زندگی آنان تأثیر می‌گذارد باید تعیین شود.

ماده ۴۲

سازمان ملل، نهادهای آن، از جمله مجمع دایمی مربوط به موضوعات بومیان و کارگزاری‌های تخصصی، از جمله کارگزاری‌های در سطح کشوری و کشورها باید احترام به مفاد این اعلامیه و اجرای کامل آن را تشویق و مؤثر بودن آن را پیگیری کنند.

ماده ۴۳

حقوق به رسمیت شناخته شده در این اعلامیه حداقل معیارها و ضوابط برای بقا، منزلت و رفاه مردمان بومی (بومیان) جهان را تشکیل می‌دهد.

ماده ۴۴

کلیه حقوق و آزادی‌های به رسمیت شناخته شده در این اعلامیه به طور یکسان در مورد افراد بومی مذکر و مونث تضمین شده است.

ماده ۴۵

۱-هیچ نکته‌ای در این اعلامیه را نمی‌توان به عنوان مجوز حقی برای یک کشور، مردم، گروه یا شخص برای مشارکت در فعالیتی، یا انجام اقدامی برخلاف منشور ملل متحد، یا مجوز یا مشوق اقدامی تعبیر کرد که مخل یا موجب تجزیه جزئی یا کلی تمامیت ارضی یا وحدت سیاسی کشورهای مستقل و دارای حاکمیت شود.

۲-در اعمال حقوق اعلام شده در اعلامیه حاضر، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی همگان باید محترم شمرده شود. اعمال حقوق تعیین شده در این اعلامیه فقط در معرض محدودیت‌هایی خواهد بود که به وسیله قانون و مطابق با تعهدات حقوق بشر بین‌الملل تعیین شده است. هر

محدودیتی از این نوع باید غیر تبعیضی بوده و به شدت و منحصرا به منظور تأمین شناسایی و احترام لازم برای حقوق و آزادی‌های دیگران و برای تأمین الزام‌آورترین نیازهای عادلانه جامعه مردم سالار ضروری باشد.

۳-مفاد عرضه شده در این اعلامیه باید مطابق با اصول عدالت، مردم سالاری، احترام به حقوق بشر، برابری، عدم تبعیض، حکومت مطلوب و حسن نیت تعبیر شوند.

Volume One

Alternative Perspectives and Global Concerns (apgc.ca)

International Human Rights Law:

Collection of Legal Instruments

with Introduction and Interpretation

Dr. Mahmoud Masaeli



This book presents a comprehensive collection of international human rights documents. Focusing on the Universal Declaration of Human Rights and subsequent treaties, it examines the history, significance, and practical application of these instruments. The book also elucidates states' obligations regarding human rights and the relationship between international and national laws. This compilation serves as an invaluable resource for students, researchers, and those interested in human rights.

ISBN: E-book: 978-1-7388283-6-4